

گزارش مینگهویی:

۲۰ سال آزار و شکنجه فالون گونگ

در چین (۱۹۹۹ - ۲۰۱۹)

گروه مینگهویی

MINGHUI.ORG

گزارش مینگهویی: ۲۰ سال آزار و شکنجه فلون گونگ در چین

تمامی حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب نمی‌تواند بدون دریافت مجوز کتبی از صاحب اثر (Minghui.org & Minghui Publishing Center Corporation)، به هر شکلی استفاده یا تکثیر شود، مگر برای استفاده از نقل قول در بررسی کتاب.

انتشار نسخه الکترونیکی ترجمه فارسی: مارس ۲۰۲۲

ISBN: 978-1-955630-12-2 (e-book)

Minghui Report : The 20-Year Persecution of Falun Gong in China

Copyright © [Minghui.org]Minghui.org & Minghui Publishing
Center Corporation

All rights reserved. No part of this book may be reproduced or used in any manner without written permission of the copyright owner except for the use of quotations in a book review.

First Persian translation published March 2022.

تقدیم به دوستان و خویشاوندان؛ تقدیم به شما.
بادا این کتاب دری بگشاید به سوی آینده‌ای روشن؛ برای شما و عزیزانتان،

9

در این برههٔ سرنوشت‌ساز از تاریخ، نقشی مثبت در آفرینش آینده‌ای درخشان ایفا
کنیم.

فهرست

دربارهٔ این گزارش.....	۱۵
چکیده.....	۱۹
سرکوب خشونت‌آمیز بر پایهٔ نفرت‌پراکنی.....	۱۹
کمپین «تبدیل» از طریق شکنجه.....	۲۰
با وجود آزار و شکنجه، از فالون گونگ حمایت می‌شود و افراد جدیدی به این گروه می‌پیوندند.....	۲۳
تعداد بیشتری از سران بین‌المللی دست به اقدام می‌زنند.....	۲۴
مقدمه.....	۲۸
سیاست نسل‌کشی جیانگ زمین.....	۲۸
نگاهی اجمالی به آزار و شکنجه.....	۲۸
بخش ۱: آزار و شکنجه فالون گونگ.....	۳۴
نکات برجستهٔ کلیدی.....	۳۴
فصل ۱: بازداشتگاه‌ها.....	۳۶
۱.۱ مراکز شستشوی مغزی.....	۳۶
۲.۱ اردوگاه‌های کار اجباری.....	۴۹
۳.۱ بیمارستان‌های روانی.....	۶۰
۴.۱ دستگاه قضایی‌ای که به‌طور غیرمسئولانه و غیراخلاقی عمل می‌کند.....	۶۶
۵.۱ نقض حقوق تمرین‌کنندگان زندانی.....	۸۵
فصل ۲: محرومیت از اشتغال، تحصیل، مسکن و امنیت اقتصادی.....	۹۷
۱.۲ نقش مدارس در آزار و شکنجه.....	۹۸
۲.۲ محروم‌شدن از فرصت‌های شغلی و توقیف دارایی شخصی.....	۱۰۴
۳.۲ بدون مکانی برای زندگی.....	۱۰۷
۴.۲ غارت منزل.....	۱۱۰
۵.۲ اخاذی.....	۱۱۲
۶.۲ توقف پرداخت مستمری بازنشستگی.....	۱۱۳
۷.۲ دولت اورولی امروزی.....	۱۱۵
۸.۲ خانواده‌های تمرین‌کنندگان به مخالفت با آنها برمی‌خیزند.....	۱۲۱

فصل ۳: رنج و محنتی که فرزندان تمرین‌کنندگان فالون گونگ متحمل شدند .. ۱۲۷

- ۱.۳ شستشوی مغزی کودکان ۱۲۹
- ۲.۳ مرگ‌های زودهنگام ۱۳۳
- ۳.۳ یتیم شده ۱۳۶
- ۴.۳ خانواده‌های ازهم جداشده ۱۳۹
- ۵.۳ دیوانه شده ۱۴۲
- ۶.۳ خشونت و بی‌رحمی ۱۴۵
- ۷.۳ بازداشت ۱۴۹
- ۸.۳ تجاوز جنسی ۱۵۲

فصل ۴: روش‌های شکنجه ۱۵۵

- ۱.۴ کتک‌زدن ۱۵۶
- ۲.۴ خوراندن اجباری ۱۶۰
- ۳.۴ وضعیت‌های استرس‌زا ۱۶۳
- ۴.۴ حملات پی‌درپی به اعضای حسی و عصبی ۱۶۷
- ۵.۴ محدودیت در رفع نیازهای اولیه ۱۷۰
- ۶.۴ شوک الکتریکی ۱۷۵
- ۷.۴ القاء حس غرق‌شدن و خفگی ۱۷۷
- ۸.۴ سلول انفرادی ۱۷۸
- ۹.۴ تجاوز، آزار جنسی و تحقیر جنسی ۱۸۱

فصل ۵: مرگ بر اثر آزار و شکنجه ۱۸۵

- ۱.۵ مسئولین، زن زندانی را شش روز پس از عمل جراحی‌اش، بدون موافقت خانواده‌اش از دستگاه تنفس مصنوعی جدا کردند ۱۸۵
- ۲.۵ بانوی اهل لیائونینگ ۱۳ روز پس از پذیرش در زندان فوت شد ۱۸۶
- ۳.۵ سقوط و مرگ بانوی اهل هبی در تلاش برای فرار از دستگیری ۱۸۸
- ۴.۵ مرگ جین شونو ۱۸۹
- ۵.۵ سایر موارد مرگ ۱۹۰

فصل ۶: آسیب‌های جسمانی و ضربات روحی ۱۹۹

- ۱.۶ نتایج شکنجه‌ها و آزارهای جسمانی ۲۰۱
- ۲.۶ درد و رنج خانواده‌ها از زبان خودشان ۲۰۶

فصل ۷: برداشت اجباری اعضای بدن: جنایتی بی‌سابقه ۲۱۱

۱.۷ در دسترس بودن اعضای بدن به‌وفور، در زمان انتظار کوتاه، علی‌رغم کمبود منابع قانونی	۲۱۱
۲.۷ مفقودشدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ	۲۱۲
۳.۷ مشارکت ارتش	۲۱۵
۴.۷ آزمایش خون اجباری	۲۱۶
۵.۷ گزارش‌های شاهدان	۲۱۷
۶.۷ اعترافات در تحقیقات تلفنی	۲۱۸
فصل ۸ آزار و شکنجه در خارج از کشور چین	۲۲۳
۱.۸ خشونت و تهدید علیه تمرین‌کنندگان در خارج از کشور	۲۲۳
۲.۸ آزار و شکنجه در سایر کشورها و بازگرداندن تمرین‌کنندگان به چین	۲۲۸
۳.۸ تهدید و ارباب مقامات خارجی و سازمان‌های مدنی	۲۳۳
۴.۸ سانسور رسانه‌های بین‌المللی	۲۴۳
۵.۸ فشار روی کسب‌وکارهای خارج از چین	۲۴۴
۶.۸ نفوذ در مؤسسات آکادمیک	۲۴۶
۷.۸ ایجاد محدودیت سفر برای تمرین‌کنندگان	۲۵۳
۸.۸ اجبار تمرین‌کنندگان به جاسوسی برای ح‌ک‌چ	۲۵۵
بخش ۲: عاملان اصلی آزار و شکنجه	۲۶۱
نکات برجسته کلیدی	۲۶۱
فصل ۹: عاملان اصلی جنایت	۲۶۳
۱.۹ نقش جیانگ زمین	۲۶۳
۲.۹ سایر عاملان اصلی آزار و شکنجه	۲۷۷
فصل ۱۰: سازمان‌های هدایت‌کننده آزار و شکنجه	۲۸۳
۱.۱۰ مدیریت و منابع مشترک	۲۸۴
۲.۱۰ کنترل پلیس، سیستم قضایی و کیفری	۲۸۴
۳.۱۰ اداره ۶۱۰	۲۸۶
فصل ۱۱: افراد هم‌دست در آزار و شکنجه	۲۹۷
۱.۱۱ مسئولان در سطح محله	۲۹۷
۲.۱۱ شرکت‌های خارجی و سازمان‌های رسانه‌ای	۲۹۸
۳.۱۱ مقامات چینی که به اجرای آزار و شکنجه کمک کردند	۳۰۱
فصل ۱۲: تنظیم بیش از ۲۰۰ هزار شکایت حقوقی علیه جیانگ زمین	۳۰۵

۳۰۶.....	۱.۱۲ نمونه‌هایی از شکایات کیفری علیه جیانگ زمین
۳۱۲.....	۲.۱۲ خلاصه آمار
۳۱۳.....	۳.۱۲ اقدامات تلافی‌جویانه علیه تمرین‌کنندگان
۳۱۹.....	۴.۱۲ افزایش حمایت عمومی
۳۲۵.....	بخش ۳: وضعیت کنونی فالون گونگ
۳۲۵.....	نکات برجسته کلیدی
۳۲۷.....	فصل ۱۳: مقابله با آزار و شکنجه در چین
۳۲۷.....	۱.۱۳ اعتراضات و دادخواهی‌های اولیه
۳۳۰.....	۲.۱۳ صحبت با مردم به صورت رودررو
۳۳۳.....	۳.۱۳ توزیع مطالب اطلاع‌رسانی و نمایش بنرها و پوسترها
۳۳۴.....	۴.۱۳ نوشتن نامه‌های شخصی به عاملان آزار و شکنجه
۳۳۶.....	۵.۱۳ انتشار اطلاعات از طریق تماس تلفنی و اینترنت
۳۳۹.....	فصل ۱۴: اطلاع‌رسانی در خارج از چین
۳۳۹.....	۱.۱۴ اعتراضات مقابل سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های چین
۳۳۹.....	۲.۱۴ تجمعات و دادخواست‌ها
۳۱۴.....	۳.۱۴ پیاده‌روی به منظور «درخواست کمک فوری» و دوچرخه‌سواری برای آزادی
۳۴۰.....	
۳۴۱.....	۴.۱۴ اطلاع‌رسانی در رویدادهای اجتماعی و جاذبه‌های گردشگری
۳۴۵.....	۵.۱۴ نمایشگاه‌های بین‌المللی هنر
۳۴۶.....	۶.۱۴ فیلم‌های مستند
۷.۱۴.....	گروه‌های بین‌المللی که برای نجات و رهایی تمرین‌کنندگان در چین تلاش می‌کنند
۳۴۸.....	
۳۵۱.....	فصل ۱۵: با وجود آزار و شکنجه، مردم هنوز با فالون گونگ آشنا می‌شوند و تمرینش را شروع می‌کنند
۱.۱۵.....	چین: گزارش یک زندانی سابق درباره یادگیری فالون گونگ در طی بازداشتش
۳۵۱.....	
۲.۱۵.....	مدارس تبتی در هند از فالون دافا استقبال می‌کنند
۳.۱۵.....	اندونزی: ۵۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی و معلم‌های‌شان، تمرینات فالون گونگ را یاد می‌گیرند
۳۵۸.....	
۴.۱۵.....	ایالات متحده آمریکا: سفر یک برنامه‌نویس

۵.۱۵	گردشگران چینی در سفرهای خارج از کشور، حقایق مربوط به فالون گونگ را جستجو می‌کنند.....	۳۶۴
۶.۱۵	تایوان: فالون دافا به تمرین‌کننده‌ای جدید کمک می‌کند به زندگی‌ای شاد و پر نشاط دست یابد	۳۶۵
۷.۱۵	سئول، کره جنوبی: تمرین‌کنندگان جدید تجربیات خود را به اشتراک می‌گذارند	۳۶۹
۸.۱۵	منهتن: کتابفروشی تیانتی راهی مناسب برای یادگیری فالون گونگ ارائه می‌دهد	۳۷۲
۳۷۵	فصل ۱۶: حمایت از سوی جامعه بین‌المللی	
۱.۱۶	امقامات چینی که در کشورهای دیگر تحت تعقیب قرار گرفته‌اند	۳۷۵
۲.۱۶	اقدامات دولت‌های ملی	۳۷۹
۳.۱۶	اقدامات سازمان‌های غیردولتی	۳۹۲
۴.۱۶	قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و نامه‌های حمایتی	۳۹۴
۵.۱۶	واکنش بین‌المللی به برداشت اجباری اعضای بدن	۳۹۷
۲.۵.۱۶	تقویت قوانین قاچاق اعضای بدن	۴۰۲
۴۱۳	ضمائم: سه واقعیت بسیار مهم دربارهٔ آزار و شکنجه فالون گونگ.....	
۴۱۵	ضمیمهٔ ۱: دادخواهی مسالمت‌آمیز ۲۵ آوریل ۱۹۹۹.....	
۱.۱	نگاهی اجمالی	۴۱۵
۲.۱	حقایق مختصر و مفید	۴۱۶
۳.۱	تحلیل	۴۱۸
۴۲۹	ضمیمهٔ ۲: حقه خودسوزی در میدان تیان‌آن‌من	
۱.۲	نگاهی اجمالی	۴۲۹
۲.۲	حقایق مختصر و مفید	۴۳۰
۳.۲	تجزیه و تحلیل	۴۳۰
۴۳۹	ضمیمهٔ ۳: ادعای مرگ ۱۴۰۰ نفر.....	
۱.۳	نگاهی اجمالی	۴۳۹
۲.۳	تجزیه و تحلیل	۴۴۰
	دربارهٔ فالون دافا	۴۴۹
	مه ۱۹۹۲- ژوئیه ۱۹۹۹	۴۵۳
	۹۷/۹ درصد از مردم شاهد بهبود در سلامتی‌شان بودند	۴۵۵

٤٦٠.....	ژوئیه ١٩٩٩- امروز.....
٤٩٩.....	کتاب «جوآن فالون» و پنج تمرین فالون دافا.....
٥٠١.....	مراجع.....

دربارهٔ این گزارش



دربارهٔ این گزارش

حزب کمونیست چین (حکچ) از پاکسازی‌های خونین سیاسی مانند انقلاب فرهنگی گرفته تا قتل‌عام میدان تیان‌آن‌من، سابقه‌ای طولانی دارد در اینکه گروه‌های منتخب را به‌عنوان تهدیدی برای کشور، اهریمنی جلوه دهد و مردم چین را برای حمله به این گروه‌ها بسیج کند. حزب به این روش به‌طور مؤثری توجهات عمومی را از وضعیت‌های بحرانی خودش منحرف می‌کند.

در اواخر دهه ۱۹۹۰ رهبر وقت حکچ، جیانگ زمین، دیدگاه‌های خود را درباره روش مدیتیشن فالون دافا یا فالون گونگ که محبوبیتش به‌طور روزافزونی افزایش می‌یافت، تغییر داد. متعاقباً کمپین وحشیانه‌ای را راه‌اندازی کرد که منجر به هزاران مرگ تأییدشده، صدها هزار شکنجهٔ مستندشده و محرومیت ده‌هامیلیون تمرین‌کنندهٔ این مدیتیشن آرامش‌بخش از ابتدایی‌ترین آزادی‌های‌شان شده است.

در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۹، یعنی مدت کوتاهی قبل از ۲۰ ژوئیه که این سرکوب رسماً در چین آغاز شد، گروهی از افراد از آمریکای شمالی، به‌طور داوطلبانه وب‌سایت مینگهویی را راه‌اندازی کردند. از آن زمان مینگهویی با حمایت شجاعانه و فداکارانهٔ تمرین‌کنندگان فالون گونگ در چین، حجم وسیعی از اطلاعات دست‌اول را دربارهٔ این کمپین سرکوب وحشیانه گزارش کرده، خبر تلاش‌های تمرین‌کنندگان را در سراسر جهان برای مقابله با این آزار و شکنجه پوشش داده و بستری را برای جامعه تزکیه‌کنندگان فالون گونگ فراهم آورده است تا تجربیات خود و مطالب اطلاع‌رسانی را به اشتراک بگذارند.

طی ۲۰ سال گذشته، مینگهویی بیش از ۱۰ نشریه را نیز منتشر کرده است. تمرین‌کنندگان در چین که «مکان‌های تهیه مطالب» را داوطلبانه اداره می‌کنند، این مطالب را در نواحی محلی خود دانلود، چاپ و توزیع می‌کنند. نشریه‌های مینگهویی به تمرین‌کنندگان در چین کمک می‌کند که یاد بگیرند چطور از حقوق خود محافظت، در

تزکیه شخصی خود پیشرفت و با این آزار و شکنجه مقابله کنند. همچنین این مجله‌ها، بروشورها و ویدئوها تمرین‌کنندگان را تجهیز می‌کنند تا به همسایگان و دوستان‌شان در درک بهتر فالون گونگ کمک کنند.

با وجود سانسور اینترنتی ح‌ک‌چ و تبلیغات قدرتمندش در حمله به فالون گونگ، پایداری و پشتکار تمرین‌کنندگان حتی زمانی که خودشان تحت آزار و شکنجه قرار دارند، باعث شده است مردم در چین هنوز بتوانند به مطالب درست و واقعی دسترسی داشته باشند و درباره خبرهای فالون گونگ به‌روز باشند. در میان افرادی که درک کرده‌اند «فالون دافا خوب است» و اصول حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری (真善忍) آن را تأیید کرده‌اند، برخی روش تزکیه فالون گونگ را آغاز کرده‌اند. سایرین نیز متوجه بهبودی در وضعیت سلامتی و بهتر شدن روابط خانوادگی‌شان شده‌اند.

بستر رایگان مینگهویی با انتشار هرروزه گزارش‌های خبری فالون گونگ و مقالات تبادل تجربه، تولید برنامه‌های رادیویی و میزبانی کنفرانس سالانه آنلاین برای تمرین‌کنندگان در چین، این امکان را برای تمرین‌کنندگان فراهم می‌آورد که الهام‌بخش یکدیگر باشند، پیوسته خصوصیات اخلاقی خود را ارتقاء بخشند و در راستای رسیدن به کمال تلاش کنند.

مینگهویی با بزرگ‌ترین شبکه از داوطلبان در چین، تنها سازمان رسانه‌ای در جهان است که می‌تواند بر سانسور اینترنتی غلبه کند و در میان این آزار و شکنجه درحال‌وقوع، اطلاعات دست‌اولی را ارائه و گزارش دهد. مینگهویی تاکنون یک پایگاه داده‌ای شامل بیش از ۱۱۲ هزار مورد آزار و شکنجه و ۵۰۰،۱۰۵ عامل آزار و شکنجه تهیه کرده است. مینگهویی طی این سال‌ها بدون تأمین بودجه از بیرون و با تکیه کامل به فداکاری و کمک زمانی، دانشی و مهارتی افراد داوطلب، خود را به‌عنوان منبع رسمی اطلاعات فالون گونگ بنا نهاده است.

کمپین ح‌ک‌چ برای ریشه‌کن کردن فالون گونگ اساساً با شکست مواجه شده است و عاملان آن دیر یا زود پاسخگو شناخته خواهند شد. ثابت شده است که این آزار و شکنجه با وجود بی‌رحمی و بغرنجی بی‌سابقه‌اش، از ابتدا بی‌ثمر بوده است و سرانجام منجر به فروپاشی خود ح‌ک‌چ خواهد شد. مستندسازی کامل مینگهویی از این آزار و شکنجه در زمان وقوعش، جامعه بین‌المللی را قادر می‌سازد به‌موقع واکنش نشان دهد تا به کاهش شدت این قساوت کمک کند و در نهایت به آن پایان بخشد. درحالی که

سال ۲۰۱۹ مصادف با بیستمین سال تلاش‌های تمرین‌کنندگان برای مقابله با آزار و شکنجه است، این گزارش مهم را ارائه می‌دهیم تا به تصمیم‌گیرندگان کمک کنیم این موارد نقض حقوق بشر را علیه تمرین‌کنندگان فالون گونگ بهتر درک کنند و راه‌هایی را برای حمایت از ارزش‌های جهانی حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری (真善忍) بیابند.

چکیده

فالون دافا یا همان فالون گونگ یک روشِ مدیتیشن باستانی براساس ارزش‌های جهانی حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری (真善忍) است. فالون گونگ که آقای لی هنگ‌جی آن را نخستین بار در سال ۱۹۹۲ به عموم معرفی کردند، فقط چند سال پس از اینکه تمرین‌کنندگانش بهبودی اساسی را در وضعیت سلامتی و کیفیت زندگی خود تجربه و آن را به دوستان و خانواده خود معرفی کردند، به نامی صمیمی در چین تبدیل شد.

اگرچه دولت چین در ابتدا به‌خاطر بسیاری از همین دلایل، فالون گونگ را ترویج داد، اما چند سال بعد به‌تدریج ترس و بدگمانی به سطوح عالی حزب کمونیست راه یافت. محبوبیت روزافزون فالون گونگ و نیز ارزش‌هایش که در تضاد با ارزش‌های موجود در آموزه‌های خشونت و کشمکش حزب تلقی می‌شدند، تهدیدهایی بالقوه برای حکومت استبدادی رژیم در نظر گرفته شدند.

سرکوب خشونت‌آمیز بر پایهٔ نفرت‌پراکنی

در سال ۱۹۹۶ رسانه‌های تحت کنترل دولت با کمپین‌هایی هماهنگ‌شده شروع به حمله به فالون گونگ کردند. مکان‌های تمرین فالون گونگ در پارک‌های عمومی سراسر کشور، که سراسر مملو از افرادی بود که در سکوت و با موسیقی آرام مدیتیشن می‌کردند، تحت نظارت عوامل دولتی و مأموران پلیس لباس‌شخصی قرار گرفت. انتشار کتاب‌های فالون گونگ، که در آن زمان پرفروش‌ترین کتاب‌ها در کشور بود، ناگهان ممنوع اعلام شد.

در آوریل ۱۹۹۹ تمرین‌کنندگان فالون گونگ بیرون دفتر مجله‌ای جمع شدند تا درباره مطالب اشتباه در مقاله‌ای که به‌تازگی منتشر شده بود و به فالون گونگ حمله می‌کرد، صحبت کنند، اما مورد حمله قرار گرفتند و دستگیر شدند. پس از آنکه مسئولان به سایر تمرین‌کنندگان گفتند برای آزادی تمرین‌کنندگان بازداشت‌شده به دولت مرکزی در پکن دادخواهی کنند، حدود ۱۰هزار نفر طبق راهنمایی آنها در سکوت بیرون دفتر استیناف ملی جمع شدند. آن شب، پس از گفتگوی تمرین‌کنندگان با نخست‌وزیر وقت

ژو رونگجی به نگرانی‌های‌شان رسیدگی شد. این رویداد به «دادخواهی ۲۵ آوریل» (در ضمیمه ۱ با جزئیات بیشتر شرح داده شده است) معروف شد.

اما رهبر حزب بعداً این دادخواهی مسالمت‌آمیز را «محاصره» مقرر دولت مرکزی توصیف کرد و از آن برای توجیه راه‌اندازی کمپینی سراسری و همه‌جانبه به‌منظور ریشه‌کن کردن فالون‌گونگ در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ استفاده کرد. هماهنگ‌کنندگان داوطلب مکان‌های تمرین یک‌شبه دستگیر و برخی دیگر در روزهای بعد زندانی شدند.

هزاران تمرین‌کننده به‌منظور دادخواهی به دولت برای برخورداری از حق تمرین باورشان براساس قانون اساسی، به پکن رفتند و در محل دفتر استیناف ملی جمع شدند و بنرهایی را در میدان تیان‌آن‌من برافراشتند، اما به‌صورت گروهی دستگیر شدند. آنهایی که هویت خود را فاش کردند، به مسئولان محلی در زادگاهشان تحویل داده شدند. برخی نیز از افشای هویت‌شان اجتناب کردند تا از خانواده و همکاران خود در برابر سیاست ح‌ک‌چ مبنی بر همدست بودن محافظت کنند و بسیاری از آنها به جای دیگری منتقل شدند و از آن زمان ناپدید شده‌اند.

پس از مدت کوتاهی کمپین تبلیغاتی ماهرانه‌ای آغاز شد و طی آن رسانه‌های تحت کنترل دولت ادعاهای دروغینی را مطرح می‌کردند دال بر اینکه تمرین فالون‌گونگ منجر به مرگ ۱۴۰۰ نفر شده است. درحالی که حمایت عمومی از این سرکوب در ابتدا کم‌رنگ بود، رژیم بعداً حادثه‌ای را در میدان تیان‌آن‌من صحنه‌سازی کرد که در آن چند نفر که مدعی بودند تمرین‌کننده فالون‌گونگ هستند، خود را به آتش کشیدند. اگرچه جعلی بودن این حادثه «خودسوزی» به‌سرعت افشاء شد، خسارتی را به بار آورد: بسیاری از چینی‌ها حالا قاطعانه علیه فالون‌گونگ پیش‌داوری می‌کردند و به‌طور ضمنی سرکوب خشونت‌آمیز این گروه را به‌دست حزب کمونیست قبول کرده بودند.

کمپین «تبدیل» از طریق شکنجه

آزار و شکنجه فالون‌گونگ حول محور کمپین «تبدیل» یا مجبور کردن تمرین‌کنندگان به رها کردن باورشان می‌چرخد. روش‌های تبدیل، از ترغیب ملایم تا شستشوی مغزی نظام‌مند و شکنجه‌های جسمی و روانی پیش می‌رود. به تمرین‌کنندگانی که موافقت می‌کنند «اظهاریه‌های تضمین» خود دال بر رها کردن فالون‌گونگ را بنویسند، آزادی

زودتر از موعد پیشنهاد می‌شود، اگرچه بسیاری از آنها پس از آن مجبور می‌شوند در تبدیل سایر تمرین‌کنندگان مشارکت کنند.

این کمپین را باند جیانگ زمین از طریق اداره ۶۱۰، نهادی فراقانونی که رهبری مرکزی حزب کمونیست آن را به‌طور خاص برای ریشه‌کن کردن فالون گونگ ایجاد کرده است، هماهنگ می‌کند. برای اجرای این وظیفه، به اداره ۶۱۰ قدرت کنترل قوه قضاییه، اجرای قانون، سیستم کیفری و سایر مسئولان در همه سطوح دولتی داده شده است.

تمرین‌کنندگان فالون گونگ در سراسر چین به‌طور نظام‌مندی تحت نظر هستند، دستگیر و به مراکز شستشوی مغزی (که به‌طور رسمی به «مراکز آموزش حقوقی» معروف هستند)، زندان‌های سیاه، اردوگاه‌های کار اجباری (تا سال ۲۰۱۳ که تعطیل شدند)، زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها، مراکز بازپروری معتادین به مواد مخدر و بیمارستان‌های روانی منتقل می‌شوند. سپس درحالی که در حبس هستند، هم نگهبانان و هم زندانیانی که مسئولان تحریک‌شان کرده‌اند، به‌طور مرتب با آنها بدرفتاری می‌کنند یا آنها را مورد شکنجه قرار می‌دهند. روش‌های متداول شکنجه شامل ضرب‌وشتم، خوراندن اجباری، محدودیت جسمی در وضعیت‌های مشقت‌بار، بمباران احساسی (جریحه‌دار کردن احساسات)، شوک‌های الکتریکی، القای حس غرق شدن و خفگی، حبس در سلول انفرادی و تجاوز جنسی است. علاوه بر این تمرین‌کنندگان اغلب از نیازهای اولیه خود از جمله خواب، غذا، آب و دسترسی به توالت محروم می‌شوند.

تأیید شده است که بیش از ۴۳۰۰ تمرین‌کننده بر اثر این آزار و شکنجه جان خود را از دست داده‌اند و بسیاری از افراد دیگر نیز براساس تقاضا و برای تأمین اعضای بدن در صنعت پیوند عضو چین کشته شده‌اند. بسیاری از بازماندگان شکنجه دچار صدمات دائمی، ناتوانی، فلج، شوک روانی و در شدیدترین حالت‌ها دچار جنون شده‌اند. خانواده این تمرین‌کنندگان از هم پاشیده شده‌اند، درحالی که بستگان و فرزندان آنها در وحشت مداوم از مسئولانی زندگی می‌کنند که همچنان آنها را تحت آزار و اذیت قرار می‌دهند.

تمرین‌کنندگان علاوه بر تحمل آسیب‌های جسمی، از اشتغال، آموزش، مسکن و امنیت اقتصادی نیز محروم شده‌اند. آنها به‌طور مرتب با جریمه و اخاذی از سوی پلیس روبرو هستند و حقوق بازنشستگی‌شان نیز به حالت تعلیق درمی‌آید. بسیاری صرفاً به دلیل اعتقادشان از کار برکنار یا از مدارس و دانشگاه‌های‌شان اخراج شده‌اند. این تبعیض به

اعضای خانواده آنها نیز گسترش یافته است، به طوری که مقامات در برخی مناطق آشکارا آموزش و شغل فرزندان تمرین کنندگان را تهدید می کنند تا آنها مجبور شوند ایمان شان را رها کنند.

این آزار و شکنجه به کلیه کودکان در چین تسری یافته است. دانش آموزان با شروع مدرسه ابتدایی، از طریق کتاب های درسی و فعالیت های اجباری تقبیح، تحت تلقین تبلیغات ضد فالون گونگ قرار می گیرند. فرزندان برخی از تمرین کنندگان پس از اینکه به زور از پدر و مادر خود جدا شدند، در کودکی درگذشتند و مسئولان، برخی از آنها را به خاطر تمرین فالون گونگ تحت آزار و اذیت قرار دادند، یا حتی تا سرحد مرگ شکنجه کردند. برخی از آنها پس از ازدست دادن پدر و مادر خود بر اثر آزار و شکنجه یتیم شدند و برخی دیگر پس از اینکه مجبور شدند شکنجه شدن والدین خود را تماشا کنند، دچار جنون شدند.

از آنجاکه آزار و شکنجه تمرین کنندگان فالون گونگ به دلیل اعتقادشان هیچ مبنای قانونی ندارد، روندهای قانونی در هر مرحله ای، از دستگیری گرفته تا حبس، نادیده گرفته یا آشکارا نقض می شود. پلیس بدون حکم بازرسی، منزل تمرین کنندگان را غارت می کند. دادگاه ها محاکمه های نمایشی برگزار می کنند و درحالی که مانع دسترسی قانونی وکلا به پرونده موکلان شان، ملاقات با موکلان شان و دفاع از آنها در دادگاه می شوند، محکومیت های از پیش تعیین شده صادر می کنند. وکلا به دلیل دفاع از حقوق تمرین کنندگان فالون گونگ، به طور مرتب با تهدید و حتی ضرب و شتم و شکنجه روبرو می شوند. حتی برخی از تمرین کنندگان پس از گذراندن دوره محکومیت خود، به جای آزاد شدن، برای آزار و اذیت بیشتر مستقیماً به یک مرکز شستشوی مغزی منتقل می شوند.

رژیم کمونیست کمپین آزار و شکنجه خود را به خارج از سرزمین اصلی چین نیز تسری داده است. این رژیم دست به حملات فیزیکی علیه تمرین کنندگان فالون گونگی زده که روی اطلاع رسانی درباره آزار و شکنجه در چین کار می کنند یا [مردم را] به چنین حملاتی تحریک کرده است. رژیم دولت های خارجی و نیروهای پلیس آن کشورها را نیز تحت فشار قرار داده است تا در زمان بازدید مسئولان چین از کشورشان به طور غیرقانونی برای تمرین کنندگان مانع تراشی یا دستگیرشان کنند، یا مانع ورود تمرین کنندگانی شوند که برای تجمع و اعتراض وارد آن کشور می شوند. سازمان ها و افراد مرتبط با ح کچ تمرین کنندگان را تحت آزار و اذیت و گردشگران چینی را نیز مورد

ارباب قرار داده‌اند تا مانع شوند درباره آزار و شکنجهٔ تمرین‌کنندگان اطلاعات کسب کنند.

با وجود آزار و شکنجه، از فالون گونگ حمایت می‌شود و افراد جدیدی به این گروه می‌پیوندند

تمرین‌کنندگان در چین با وجود سانسور و نظارت، به‌منظور مقاومت در برابر آزار و شکنجه و اطلاع‌رسانی درباره وحشیانه بودن آن، به‌طور خستگی‌ناپذیری تلاش کرده‌اند تا از طریق فرد به فرد، توزیع بروشورها و سایر نشان‌های یادبود، به نمایش گذاشتن پوسترها در اماکن عمومی، نوشتن نامه به مسئولان، تماس‌های تلفنی و ارسال پیام‌هایی به‌صورت آنلاین، مردم را از این جریان‌ها مطلع کنند. مکان‌های کوچک تولید مطالبی که تمرین‌کنندگان آنها را همه‌جا در خانه‌های خود راه‌اندازی کرده‌اند تا با استفاده از طرح‌های دانلودشده از وبسایت مینگهویی، برای مردم مطالب اطلاع‌رسانی تهیه کنند، به‌طور خاصی قابل‌توجه هستند.

تمرین‌کنندگان خارج از چین، از طریق تماس‌های تلفنی برای بازداشتن عاملان آزار و شکنجه در چین، تولید نرم‌افزار دور زدن سانسورها- برای اینکه مردم چین بتوانند آزادانه به اطلاعات دسترسی داشته باشند- و راه‌اندازی غرفه‌های اطلاع‌رسانی در نقاط گردشگری سراسر جهان، این تلاش‌ها را تکمیل کرده‌اند. مردم علاوه بر دیدار با تمرین‌کنندگان در رویدادهای اجتماعی، از طریق نمایشگاه‌های هنری و فیلم‌های مستند مرتبط نیز درباره فالون گونگ اطلاعات کسب کرده‌اند.

سازمان‌های حقوق بشر، مسئولان دولتی و هیئت‌های قانون‌گذار سراسر جهان نیز در دفاع از تمرین‌کنندگان صحبت و قطعنامه‌هایی را صادر کرده‌اند که خواستار پایان دادن به آزار و شکنجه در چین هستند. دادگاه‌های اسپانیا و آرژانتین مسئولان عالی‌رتبه ح‌ک‌چ را به جرم شکنجه و نسل‌کشی متهم کرده‌اند. وزارت امور خارجه ایالات متحده و کمیسیون اجرایی کنگره درباره چین (سی‌ای‌سی‌سی) در گزارش‌های سالانه خود آزار و شکنجه فالون گونگ را به‌طور برجسته‌ای مطرح کرده‌اند و خواستار پایان دادن به آن شده‌اند.

در نتیجه این تلاش‌ها، بسیاری از شهروندان چینی کم‌کم اطلاعاتی کسب کرده‌اند و دیدگاه جدیدی درباره فالون گونگ به‌دست آورده‌اند. برخی از مأموران پلیس و مسئولان دولتی در چین دست از مشارکت در این آزار و شکنجه برداشته‌اند و حتی به‌تدریج به محافظت از تمرین‌کنندگان درحوزه قدرت و اختیارات خود برخاسته‌اند. در سال‌های اخیر تعداد دستگیری‌ها و محکومیت‌های تمرین‌کنندگان در چین کاهش یافته است. ممنوعیت انتشار کتاب‌های فالون گونگ در سال ۲۰۱۱ بی‌سروصدا برداشته شد، اگرچه تمرین‌کنندگان در چین در طول آزار و شکنجه، برای برآورده کردن نیاز متقاضیان کتاب‌ها، خودشان اقدام به چاپ آنها کرده‌اند. با وجود این، سیاست کلی آزار و شکنجه به‌دست رژیم و تشکیلاتش همچنان به کار خود ادامه می‌دهد.

نخست که جیانگ زمین، رهبر پیشین حزب کمونیست چین، آزار و شکنجه را آغاز کرد، عهد کرد فالون گونگ را طی سه ماه «شکست» دهد، اما این روش معنوی همچنان طی ۲۰ سال گذشته به شکوفایی خود ادامه داده است. تمرین‌کنندگان در چین با وجود فشار و شکنجه بر ایمان خود ثابت‌قدم مانده‌اند و بسیاری از آنهايي که در بازداشتگاه مجبور به امضای اظهاریه انکار باورشان به فالون گونگ شدند، بعد از آزادی اظهارات خود را باطل اعلام کردند. جریان مداومی از افرادی که به‌تازگی روش تزکیه فالون دافا را از طریق کارگاه‌های آموزشی و مطالعه شخصی آغاز کرده‌اند، همواره وجود داشته است. امروزه مردم در بیش از ۸۰ کشور فالون گونگ را تمرین می‌کنند و کتاب‌های این روش تزکیه به بیش از ۴۰ زبان ترجمه شده است.

تعداد بیشتری از سران بین‌المللی دست به اقدام می‌زنند

بسیاری از تحولات اخیر بر پاسخگویی عاملان این آزار و شکنجه متمرکز بوده‌اند. از سال ۲۰۱۵، بیش از ۲۰۰ هزار تمرین‌کننده فالون گونگ علیه جیانگ زمین به عالی‌رتبه‌ترین دادگاه چین شکایت کیفی ارائه کرده‌اند و میلیون‌ها نفر دادخواست برای کشاندن جیانگ به میز عدالت را امضا کرده‌اند.

در سال ۲۰۱۹، دولت ایالات متحده اعلام کرد که تمهیدات سختگیرانه‌تری را درخصوص صدور ویزا برای ناقضان حقوق بشر، از جمله مسئولان چینی که در آزار و شکنجه فالون گونگ شرکت کرده‌اند، در نظر دارد. وب‌سایت مینگهویی شروع به گردآوری اطلاعات

مربوط به این عاملان، از جمله هویت آنها، اعضای خانواده و دارایی‌های آنان کرده است تا آنها را به دولت ایالات متحده ارائه دهد.

در دومین جلسه پیشبرد آزادی عقیده که وزارت امور خارجه ایالات متحده برگزار کرد، قانونگذاران فعلی و پیشین درباره موارد نقض حقوق بشر در چین، از جمله چگونگی همکاری شرکت‌های غربی با رژیم چین برای توسعه فن‌آوری‌های استفاده‌شده در سرکوب گروه‌های عقیدتی، مانند فن‌آوری نظارت گسترده و هوش مصنوعی، صحبت کردند. رئیس‌جمهور ترامپ با بازماندگان آزار و شکنجه عقیدتی، از جمله یک تمرین‌کننده فالون گونگ که شوهرش همچنان در چین زندانی است، دیدار کرد.

در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۹، مصادف با بیستمین سالروز آزار و شکنجه، کمیسیون اجرایی کنگره آمریکا درباره چین بیانیه‌ای صادر کرد که حزب کمونیست چین را ترغیب می‌کرد دست از «موارد نقض هولناک و غیرقابل قبول حقوق بشر» علیه تمرین‌کنندگان فالون گونگ بردارد. علاوه بر این، ۲۲ سناتور و نماینده مجلس ایالات متحده با ارسال نامه‌هایی، تلاش‌های تمرین‌کنندگان را طی دو دهه گذشته تحسین کردند. وزارت خارجه فدرال آلمان نیز بیانیه‌ای صادر کرد و خواستار خاتمه آزار و شکنجه و تحقیقات مستقل درباره برداشت اعضای بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ به دست رژیم شد.

مقدمه



مقدمه

سیاست نسل‌کشی جیانگ زمین

در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، جیانگ زمین، دبیرکل پیشین ح‌ک‌چ، آزار و شکنجه فالون گونگ را راه‌اندازی کرد و قول داد: «فالون گونگ را در عرض ۳ ماه نابود کند.» او دستور داد: «اعتبارشان را از بین ببرید، از نظر مالی آنها را ورشکسته کنید و جسم‌شان را نابود کنید.»

تمرین‌کنندگان فالون گونگ در چین نه تنها از حق آزادی عقیده، آزادی بیان و آزادی اجتماع خود محروم شده‌اند، از حق سکونت، استخدام، تحصیل و حتی زندگی نیز محروم شده‌اند. به محض اینکه تصدیق می‌کنند فالون گونگ را تمرین می‌کنند، جایگاه خود را در جامعه از دست می‌دهند و جان و مال‌شان به خطر می‌افتد. آنها در معرض بازداشت خودسرانه، اخاذی، توقیف اموال، اخراج از محل کار یا مدرسه، محرومیت از حقوق بازنشستگی، غارت منزل و محرومیت از خدمات عمومی قرار می‌گیرند. بسیاری از آنها در زندان‌ها، اردوگاه‌های کار اجباری، مراکز شستشوی مغزی، بازداشتگاه‌ها، مراکز بازپروری معتادین به مواد مخدر یا بیمارستان‌های روانی بازداشت و شکنجه شده‌اند که منجر به مرگ، ناتوانی یا اختلال روانی‌شان شده است. برخی از تمرین‌کنندگان نیز در زمان حبس خود تحت تجاوز یا آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند.

طی دو دهه گذشته، ح‌ک‌چ از طریق بدنام کردن این روش تزکیه و ارباب، رشوه دادن و نفوذ در اذهان عموم، انزجار را علیه تمرین‌کنندگان فالون گونگ برانگیخته است. در نتیجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ به گروهی تبدیل شده که بیش از هر گروه دیگری در جامعه چین مورد تبعیض قرار گرفته است.

نگاهی اجمالی به آزار و شکنجه

براساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده در وبسایت مینگهویی، بین ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ و ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۹، دست‌کم ۲،۵۰۰،۰۰۰ تا ۳،۰۰۰،۰۰۰ دستگیری تمرین‌کنندگان فالون گونگ (برخی از آنها چند بار دستگیر شده‌اند) رخ داده است.

این دستگیری‌ها به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱) بازداشت اداری براساس قانون مجازات اداری امنیت عمومی جمهوری خلق چین؛ ۲) بازداشت غیرقانونی در مراکز شستشوی مغزی که معمولاً با عنوان «مراکز آموزش حقوقی» شناخته می‌شوند و برای اجرای «اصلاح فکر» تمرین‌کنندگان فالون گونگ طراحی شده‌اند. ۳) بازداشت در اردوگاه‌های کار اجباری که درحال حاضر منحل شده‌اند. ۴) بازداشت کیفری براساس قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری خلق چین.

علاوه بر این، تاکنون بیش از ۱۰ میلیون تمرین‌کننده فالون گونگ که اسامی‌شان مشخص نیست، به‌خاطر دادخواهی برای باور خود دستگیر و به اردوگاه‌های کار اجباری مخفی منتقل شده‌اند که در آنجا به خوکچه‌های هندی در تحقیقات علمی ح‌ک‌چ و منابع اهدای عضو غیرداوطلبانه تبدیل می‌شوند. تعداد نامعلومی درگذشته‌اند و جسدشان بدون اطلاع خانواده‌شان سوزانده شده است.

اسامی این تمرین‌کنندگان مشخص نیست، چراکه آنها پس از دستگیری به‌خاطر محافظت از خانواده، همسایگان یا کارفرمایان‌شان از افشای هویت خود خودداری کردند. ما اطلاعاتی درباره این تمرین‌کنندگان نداریم، بنابراین حقایق درباره هرگونه آزار و شکنجه‌ای که این تمرین‌کنندگان در معرضش قرار گرفته‌اند، در چکیده ما از موارد نقض حقوق بشر گنجانده نشده است. اطمینان داریم که پس از توقف این نسل‌کشی، تعداد بیشتری از افراد داخل حکومت قدم جلو خواهند گذاشت تا علیه ح‌ک‌چ شهادت دهند. ما روی جمع‌آوری و تدوین اطلاعات درباره تمرین‌کنندگان فالون گونگی که در معرض برداشت اعضای بدن یا آزمایش برای مطالعات پزشکی قرار گرفته‌اند نیز کار می‌کنیم.

آزار و شکنجه فالون گونگ به‌دست حزب کمونیست، دولت، ارتش، سیستم پزشکی، مجریان قانون، دادستانی (ارگانی دولتی برای نظارت حقوقی و پیگرد قانونی) و قوه قضاییه صورت می‌گیرد که در این زمینه با یکدیگر همکاری می‌کنند. هر کدام از این نهادها به‌منظور حفاظت از منافع خود، تلاش می‌کنند بر جرائم خود سرپوش بگذارند و اطلاعات را سانسور کنند. بنابراین آنچه وب‌سایت مینگهویی قادر است جمع‌آوری کند، تنها نوک کوه یخ است. حتی با وجود این، وب‌سایت مینگهویی طی ۲۰ سال گذشته توانسته است مقدار زیادی از اطلاعات دست‌اول را گردآوری کند. با توجه به محدودیت‌ها از لحاظ فضا، این گزارش فقط بخش کوچکی از مجموعه گسترده پرونده‌های آزار و شکنجه را پوشش می‌دهد.

موارد پوشش داده شده در این گزارش حاکی از آن است که آزار و شکنجه فالون گونگ در سطح کشور و هم در مناطق شهری و هم مناطق روستایی صورت می گیرد. تمرین کنندگان در تمام ۳۱ استان و شهر مهم تحت آزار و شکنجه قرار گرفته اند، از جمله آنهوئی، پکن، چونگ چینگ، فوجیان، گانسو، گوانگ دونگ، گوانگشی، گوئیژو، هاینان، هبی، هیلونگ جیانگ، هنان، هوبی، هونان، مغولستان داخلی، جیانگسو، جیانگشی، جیلین، لیائونینگ، نینگشیا، چینگهای، شانشی، شاندونگ، شانگهای، شانشی، سیچوان، تیانجین، تبت، شین جیانگ، یوننان و ژجیانگ.

قربانیان آزار و شکنجه از همه اقشار جامعه، اعم از کارمندان دولت، پرسنل ارتش، مأموران پلیس، قضات، دادستانها، وکلا، استادان، معلمان، دانش آموزان، محققان، کارآفرینان، مهندسان، هنرمندان، کارکنان بهداشت و سلامت، مدیران کسب و کار، روزنامه نگاران، کارگران خدمات، خانه داران، کشاورزان، بازنشستگان، افراد دارای شغل آزاد، بیکاران، راهبان و دائوئیست ها هستند.

آنها در حوزه های آموزش و پرورش، علوم، دولت، کشاورزی، جنگلداری و دامپروری، سخت افزار، روشنایی و نورپردازی، سرامیک، پلاستیک، صنایع دستی، نساجی، حمل و نقل، امور مالی، بیمه، خدمات عمومی، خودرو، فولاد، الکترونیک، غذا و نوشیدنی، خدمات پست، رسانه، هوانوردی، ارتش، انرژی، معدن، سرگرمی، ادبیات و هنر مشغول به کار هستند.

این افراد از همه رده های سنی و جنسیتی هستند، از شیرخواران گرفته تا سالمندان حدوداً ۹۰ ساله. زنان باردار و معلولین نیز استثناء نیستند. وبسایت مینگهویی براساس گزارش هایی که جمع آوری کرده است، بیش از ۱۰۰ نوع روش شکنجه را خلاصه کرده است که روی تمرین کنندگان فالون گونگ استفاده می شوند، از جمله ضرب و شتم؛ شوک با باطوم های الکتریکی؛ خوراندن اجباری؛ آویزان کردن تمرین کنندگان در وضعیت های مختلف؛ گرسنگی دادن؛ محرومیت از دسترسی به توالت؛ سقط جنین اجباری؛ سوزاندن و ایجاد تاول با آب داغ، اتو یا روغن داغ؛ به زور کشیده شدن؛ تجاوز و آزار و اذیت جنسی؛ شلاق زدن؛ کار اجباری؛ و حبس انفرادی.

این آزار و شکنجه باعث خسارات عظیمی بر جان و مال تمرین کنندگان شده است. وبسایت مینگهویی تأیید کرده است که تا ۱۶ اوت ۲۰۱۹، ۴۳۴۳ تمرین کننده بر اثر آزار و شکنجه کشته شده اند. این رقم بسیار کمتر از آمار واقعی مرگ و میر است، زیرا بسیاری

از این موارد، به‌ویژه موارد مربوط به برداشت اعضای بدن، پنهان باقی مانده‌اند. بسیاری از اجساد نیز به‌زور سوزانده شده‌اند تا مدارک نابود شوند.

وبسایت مینگهویی همچنین تأیید کرده است که تا ۱۰ ژوئیه ۲۰۱۹، دست‌کم ۸۶۰۵۰ تمرین‌کننده در مراحل مختلف دستگیر شده‌اند؛ ۲۸۱۴۳ نفر در اردوگاه‌های کار اجباری حبس شده‌اند؛ ۱۷۹۶۳ نفر به زندان محکوم شده‌اند. ۱۸۸۳۸ نفر به مراکز شستشوی مغزی فرستاده شده‌اند؛ و ۸۰۹ نفر در بیمارستان‌های روانی حبس شده‌اند. این وبسایت ۵۱۹،۰۴۰ مورد شکنجه را نیز مستند کرده است. طی آزار و شکنجه دو دهه گذشته، تعداد بی‌شماری از تمرین‌کنندگان در معرض تبعیض، اخراج از کار، ازدست دادن درآمد، ضربات روحی، ازهم پاشیده‌شدن خانواده، جراحات و معلولیت قرار گرفته‌اند یا کشته شده‌اند.

بخش ۱: آزار و شکنجهٔ فالون گونگ



بخش ۱: آزار و شکنجه فالون گونگ

نکات برجسته کلیدی

تمرین‌کنندگان فالون گونگ به‌خاطر ایمان خود به‌طور نظام‌مندی در زندان‌ها، مراکز شستشوی مغزی، اردوگاه‌های کار اجباری، بیمارستان‌های روانی و سایر بازداشتگاه‌ها حبس شده‌اند. آنها درحالی‌که در حبس هستند، در معرض شستشوی مغزی، کار اجباری و شکنجه قرار می‌گیرند. اگرچه انجام تمرین فالون گونگ منجر به نقض هیچ قانونی نمی‌شود، اما دستگاه قضایی چین به‌طور غیرمسئولانه و غیراخلاقی، حکم‌های ازبیش‌تعیین‌شده‌ای را صادر می‌کند.

تمرین‌کنندگان خارج از زندان، فقط به‌خاطر ایمان خود از اشتغال، تحصیل، مسکن و امنیت اقتصادی محروم شده‌اند. مقامات از تمرین‌کنندگان پول اخاذی کرده‌اند، حقوق بازنشستگی آنها را به حالت تعلیق درآورده‌اند و به میل خود دارایی‌هایشان را توقیف کرده‌اند. تمرین‌کنندگان از کارت شناسایی و گذرنامه نیز محروم شده‌اند و دائماً از طریق فناوری‌های تشخیص چهره، مخابراتی و سایر فناوری‌های نظارتی تحت نظر قرار گرفته‌اند.

فرزندان تمرین‌کنندگان نیز از تحصیل، اشتغال و مراقبت از سوی والدین‌شان، محروم شده‌اند. برخی از آنها یتیم شده‌اند، از سوی پلیس مورد آزارواذیت و تجاوز قرار گرفته‌اند یا پس از اینکه مجبور شدند شاهد شکنجه شدن والدین خود باشند، دیوانه شده‌اند. کمپین‌های شستشوی مغزی به فعالیت‌های اجباری مدرسه و کتاب‌های درسی نیز گسترش یافته‌اند و باعث القای انزجار از فالون گونگ در کل یک نسل شده‌اند.

شکنجه تمرین‌کنندگان منجر به مرگ بیش از ۴۳۰۰ نفر (براساس موارد مرگ تأیید شده تا امروز) شده است و باعث شده آسیب، ناتوانی و ضربه روحی بر افراد بی‌شماری

سایه افکند. روش‌های متداول شامل کتک زدن، خوراندن اجباری، قراردادن قربانیان در وضعیت‌های طاقت‌فرسا، فشار و تحریک بیش‌ازحد اعضای حسی بدن، محدود کردن نیازهای اولیه، وارد کردن شوک با باطوم‌های الکتریکی، القاء حس خفگی و غرق شدن، حبس طولانی در سلول انفرادی و شکنجه جنسی است.

رژیم چین آزار و شکنجه را به خارج از سرزمین اصلی چین تسری داده است. آن از سفارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با حکم خود استفاده کرده تا در تلاش‌های تمرین‌کنندگان برای اطلاع‌رسانی در سراسر جهان اختلال ایجاد کند، خشونت را علیه تمرین‌کنندگان در خیابان‌ها برانگیزاند، خبرچین‌هایی را برای جاسوسی کردن از تمرین‌کنندگان استخدام کند و دولت‌های خارجی را تحت فشار قرار دهد تا به هنگام بازدید مقامات چینی از آن کشورها، به‌طور غیرقانونی حق تمرین‌کنندگان را برای تجمعات مسالمت‌آمیز محدود کند.

فصل ۱: بازداشتگاه‌ها

رژیم کمونیست چین از ژوئیه ۱۹۹۹ که کمپین سراسری خود را علیه فالون گونگ آغاز کرد، از زندان‌ها، اردوگاه‌های کار اجباری، مراکز شستشوی مغزی و سایر امکانات برای بازداشت تمرین‌کنندگان فالون گونگ استفاده کرده است.

برای حبس تمرین‌کنندگان فالون گونگ که به دلیل حفظ ایمان خود پس از محاکمه، محکوم شده‌اند، رسماً از زندان‌ها استفاده می‌شود. براساس گزارش وزارت دادگستری چین در سال ۲۰۱۲، ۶۸۱ زندان در سراسر چین وجود داشت. شایان ذکر است که سیستم قضایی چین در آزار و شکنجه فالون گونگ به طور غیرمسئولانه و غیراخلاقی عمل کرده است: آن صرفاً به طور ظاهری دادگاه‌های نمایشی را برپا می‌کند تا حکم‌های ازپیش تعیین‌شده را صادر کند.

سیستم اردوگاه کار اجباری که اکنون از صحنه خارج شده است به مسئولان این اجازه را می‌داد که بدون برگزاری محاکمه، تمرین‌کنندگان را تا ۴ سال بازداشت کنند. در یک گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل در سال ۲۰۰۹، هیئت نمایندگان چین سیستم بازآموزی از طریق کار سخت خود را «مشابه خدمات اصلاحی در سایر کشورها» توصیف کردند که «برای افرادی به کار می‌رود که مرتکب جرمی شده‌اند که شامل مجازات کیفری نمی‌شود.» این گزارش تخمین می‌زند که ۳۲۰ اردوگاه کار اجباری در سراسر کشور وجود داشت که ۱۹۰ هزار نفر در آنها حبس بودند.

از آنجایی که در واقع اردوگاه‌های کار اجباری برای بازداشت زندانیان عقیدتی که مرتکب هیچ جرمی نشده بودند، استفاده می‌شدند، رژیم چین با فشار روزافزونی از سوی جامعه بین‌المللی روبرو شد و این سیستم را در اواخر سال ۲۰۱۳ تعطیل کرد. اما بازداشت تمرین‌کنندگان فالون گونگ متوقف نشد، زیرا رژیم از آن زمان به جای آن، استفاده از مراکز شستشوی مغزی فراقانونی را تشدید کرده است.

۱.۱ مراکز شستشوی مغزی^۱

در حقیقت، به هیچ بازداشتگاهی در چین صراحتاً عنوان مرکز شستشوی مغزی داده نمی‌شود. در عوض رسماً به آنها عنوان «مراکز آموزش حقوقی» یا «مراکز بازپروری

معتادین به مواد مخدر» داده می‌شود. برخلاف اردوگاه‌های کار اجباری (یک سیستم مجازات اداری) و زندان‌ها (یک سیستم مجازات کیفری رسمی)، مراکز شستشوی مغزی از نظر قانونی موظف به پیروی از روند اداری یا کیفری نیستند. اداره ۶۱۰، نهادی فراقانونی که در ۱۰ ژوئن ۱۹۹۹ به طور خاص برای آزار و شکنجه فالون گونگ تأسیس شد، در سال ۲۰۰۱ مراکز شستشوی مغزی را ایجاد کرد و همه ادارات تابعه ۶۱۰ در سراسر چین از آن الگوبرداری کردند.

وقتی شستشوی مغزی نتواند ایمان تمرین‌کنندگان فالون گونگ را دچار تزلزل کند، ح‌ک‌چ به شکنجه متوسل می‌شود که سبب می‌شود افراد زیادی دچار صدمات جسمی و ضربات روانی جبران‌ناپذیری شوند یا جان خود را از دست بدهند.

۱.۱.۱ شاخه‌ای غیررسمی از سیستم بازداشت چندمنظوره چین

شستشوی مغزی از مدت‌ها پیش تاکتیکی بوده که ح‌ک‌چ از آن استفاده می‌کرده است تا تلاش کند مخالفان سیاسی یا سایر گروه‌های شهروندی که آنها را تهدیدی برای حاکمیت خود در نظر می‌گیرد، اصلاح کند. آزار و شکنجه فالون گونگ حول شستشوی مغزی تمرین‌کنندگانی متمرکز شده است که براساس اصول حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری (真善忍) زندگی می‌کنند و هدفش این است که آنها را مجبور به رها کردن باورشان کند. به دستور اداره ۶۱۰، هر سطحی از دولت، کمیته اماکن، کسب‌وکار یا حتی مدرسه می‌تواند مراکز شستشوی مغزی را در هر مکانی، حتی در هتل‌ها و مکان‌های مسکونی شخصی، راه‌اندازی کند. مکان‌های بازداشت رسمی مانند ادارات پلیس، بازداشتگاه‌ها، اردوگاه‌های کار اجباری و زندان‌ها اغلب مراکز شستشوی مغزی مخصوص به خود را دارند.

این مراکز شستشوی مغزی از افتتاح‌شان گرفته تا عملکردشان، همه غیرقانونی است. برخی از مسئولان ادعا می‌کنند که آن نوعی از بازداشت خانگی است، اما بازداشت خانگی باید در دادگاهی قانونی تصویب شود، درحالی‌که برای بازداشت یک فرد در یک مرکز شستشوی مغزی به هیچ‌گونه روند قانونی یا مدرکی نیاز نیست.

علاوه بر این، مأموران و نگهبانان در این مکان‌ها نسبت به مأموران اجرای قانون عادی، اختیار بیشتری دارند. آنها می‌توانند به خواست خود تمرین‌کنندگان را دستگیر، بازداشت و آزاد کنند و هیچ محدودیتی برای مدت زمان بازداشت شخص وجود ندارد.

افراد مستئول، نیازهای اولیه انسانی، مانند صحبت کردن، غذا خوردن، خوابیدن و دسترسی به توالت را از نزدیک کنترل و به خواست خود، زندانیان را از آن نیازها محروم می‌کنند. آنها می‌توانند زندانیان را کتک بزنند، تحت خوراندن اجباری قرار دهند یا با باطوم‌های الکتریکی به آنها شوک وارد کنند، بدون اینکه عواقبی برای‌شان داشته باشد.

مراکز شستشوی مغزی تقریباً در سراسر چین در هر شهر و شهرستان و در بسیاری از محله‌ها وجود دارد. زمان فعالیت‌شان از چند روز تا چند سال متغیر است. بنابراین مشخص کردن تعداد دقیق مراکز شستشوی مغزی دشوار است و هیچ‌گونه آمار رسمی درباره آنها وجود ندارد، اما وب‌سایت مینگهویی داده‌هایی را درباره تعداد تمرین‌کنندگان فرستاده‌شده به مراکز شستشوی مغزی جمع‌آوری کرده است.

گرچه مراکز شستشوی مغزی در حقیقت غیررسمی و غیرقانونی هستند، اما به‌خوبی از حمایت مالی دولت برخوردارند، زیرا در تلاش هستند تا تمرین‌کنندگان فالون گونگ را مجبور به رهاکردن ایمان‌شان کنند که اغلب از طریق شکنجه صورت می‌گیرد. بسیاری از مأموران اجرای قانون، کارفرمایان و جوامع مسکونی برای ایجاد مراکز شستشوی مغزی خودشان یا فرستادن تمرین‌کنندگان به مراکز موجود تطمیع شده‌اند. شبکه عظیم مراکز شستشوی مغزی تبدیل به یک بخش حیاتی از نظام چندمنظوره رژیم چین برای بازداشت تمرین‌کنندگان فالون گونگ شده است. این فصل مقیاس، شدت و ویرانی ناشی از آن را شرح می‌دهد.

۲.۱.۱ شبکه‌ای عظیم و تحت حمایت مالی قوی

جستجوی کلمات کلیدی «مرکز شستشوی مغزی» در مقالات وب‌سایت مینگهویی مربوط به سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۹، حدود ۶۵ هزار مقاله را نشان داد که این کلمات در مجموع بیش از ۲۱۰ هزار بار در آنها استفاده شده است. پس از حذف مراکز شستشوی مغزی بدون موقعیت مکانی دقیق و ادغام مراکز اضافی با نام‌های متنوع، برآورد می‌کنیم که حدود ۳۶۴۰ عدد از چنین مراکزی در سراسر چین وجود دارد.

این مراکز شستشوی مغزی تأییدشده در سراسر ۳۰ واحد اداری در سطح استانی، از جمله ۲۶ استان و ۴ شهر مهم (پکن، تیانجین، شانگهای، چونگ‌چینگ) توزیع شدند. اکثر این مراکز در استان هبی (۴۳۹ عدد) و پس از آن در شاندونگ (۳۸۳ عدد)، هوبی

۳۳۶ عدد)، سیچوان (۳۰۱ عدد) و جیلین (۲۷۲ عدد) گزارش شده است. ۸ واحد اداری دیگر نیز دارای صدها مرکز شستشوی مغزی درحالی که ۱۵ واحد دارای ده‌ها مرکز شستشوی مغزی هستند. چینگهای و نینگشیا تنها استان‌هایی بودند که کمتر از ۱۰ مرکز شستشوی مغزی در آنها گزارش شده است.

با توجه به ماهیت مخفیانه این مراکز و همچنین سانسور و آزار و شکنجه در حال وقوع در چین، تعداد واقعی این مراکز می‌تواند بسیار بیشتر باشد. علاوه بر این، با توجه به تعطیلی اردوگاه‌های کار اجباری در سال ۲۰۱۳، بسیاری از تمرین‌کنندگان به زندان‌ها و مراکز شستشوی مغزی منتقل شدند. این مکان‌ها شامل آنهایی می‌شوند که از قبل موجود بودند یا آنهایی که به تازگی راه‌اندازی شده‌اند.

درحالی‌که مراکز شستشوی مغزی را سطوح مختلف اداره ۶۱۰ راه‌اندازی می‌کنند، آنها عمدتاً با انگیزه‌های مالی هدایت می‌شوند و بخشی از هزینه‌های پرداخت شده، از کارفرمایان یا از طریق اخاذی از تمرین‌کنندگان کسب شده است. وبسایت مینگهویی گزارش موثقی را در سال ۲۰۱۴ درباره گستردگی مراکز شستشوی مغزی منتشر کرد:

«تخمین می‌زنیم که در طول پانزده سال گذشته، شهریه مطالبه‌شده از کارفرمایان بازداشت‌شدگان، تقریباً در مجموع ۳.۳۷ میلیارد یوان بوده است. پاداش‌های دولت برای "تبدیل موفقیت‌آمیز" تمرین‌کنندگان بازداشت‌شده نیز بیش از ۲۲۶ میلیون یوان بوده است. علاوه بر آن دولت بودجه‌ای حدود ۱.۱۸ میلیارد یوانی را برای تعمیر و بازسازی ساختمان‌ها و امکانات مراکز شستشوی مغزی اختصاص داده است.»

۳.۱.۱ تاکتیک‌های استفاده‌شده به‌منظور از بین بردن ایمان تمرین‌کنندگان

درحالی که زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری پیش از آزار و شکنجه فالون گونگ وجود داشتند، مراکز شستشوی مغزی منحصراً و تنها هدفشان این است که تمرین‌کنندگان را وادار کنند باورشان را رها کنند. مراکز شستشوی مغزی برای رسیدن به این هدف، اغلب تاکتیک‌های زیر را به کار می‌گیرند:

۳.۱.۱ (الف) دوره‌های بازداشت خودسرانه

از آنجایی که حبس یک شخص در مراکز شستشوی مغزی نیاز به طی کردن هیچ روال قانونی ندارد، این امکان وجود دارد که تمرین‌کنندگان صرفاً به دلیل رها نکردن ایمان خود بازداشت شوند و برای دوره‌ای نامحدود در بازداشت نگه داشته شوند.

خانم لی شیهوئی، کارمند سابق ایستگاه رادیویی سیچوان، در سال ۲۰۰۶ دستگیر شد و به مدت هفت سال در مرکز شستشوی مغزی شینجین در شهر چنگدو، استان سیچوان محبوس شد. مقامات او را در سال ۲۰۱۳ مخفیانه به مرکز شستشوی مغزی ارهو در شهر زییانگ انتقال و به شستشوی مغزی او ادامه دادند. مشخص نیست که آیا او در زمان نوشتن این گزارش آزاد شده بود یا خیر.

یکی دیگر از تمرین‌کنندگان در استان گوانگدونگ، خانم شیه یو ۳۲ ساله، درست بعد از خاتمه دو سال حبسش به دلیل توزیع مطالب فالون گونگ، در ماه ژانویه ۲۰۱۹، به مرکز شستشوی مغزی برده شد. خانواده‌اش متوجه شدند که مقامات تصمیم گرفتند او را به مرکز شستشوی مغزی بفرستند، زیرا پس از اتمام دوره حبسش، بازهم از رها کردن باورش امتناع کرد.

۳.۱.۱ (ب) به شدت محرمانه

ماهیت غیرقانونی مراکز شستشوی مغزی، عملکرد آنها را فوق‌العاده خودسرانه و محرمانه کرده است. برای نمونه، پس از آنکه سیستم اردوگاه کار اجباری در سال ۲۰۱۳ منحل شد، بسیاری از مراکز شستشوی مغزی در شهر ووهان، استان هوبی، تابلوها و نشانه‌های در معرض دید روی ساختمان را برداشتند تا از ردیابی و پاسخگویی در امان بمانند. گاهی بعضی از مراکز بسته شدند، درحالی‌که مراکز جدیدی برای اجرای شستشوی مغزی تمرین‌کنندگان در جای دیگری راه‌اندازی شدند.

تمرین‌کننده‌ای در استان هوبی به دلیل امتناع از نفی باورش در اکتبر ۲۰۱۸ دستگیر شد. پس از ۱۵ روز بازداشت، پلیس او را مستقیماً به بیمارستان روانی منتقل کرد و پنج روز در آنجا نگه داشت و بعد او را به یک مرکز شستشوی مغزی مخفی فرستاد. مأموران در

طول این انتقال سرپوشی روی سرش گذاشتند و دستانش را محکم بستند، بنابراین متوجه نشد که او را به کجا می‌برند.

خانواده‌اش از محل حبس او مطلع شدند و به آن مرکز شستشوی مغزی مخفی رفتند. قبل از اینکه به در ورودی نزدیک شوند، صدایی را شنیدند که به‌طور خودکار پخش می‌شد و هشدار می‌داد: «نزدیک نشوید. اشعه لیزر فعال می‌شود.» لیزرها ناگهان از همه جهات فعال شدند و آنها را احاطه کردند. همانطور که حرکت می‌کردند، پرتوی لیزرها آنها را تعقیب می‌کرد و در نهایت مجبور شدند آنجا را ترک کنند.

خانواده این تمرین‌کننده سپس شنیدند که او به مکان دیگری منتقل شده است و متوجه شدند که آن مکان متروکی است که هیچ تابلو یا پلاکی روی درش نصب نشده است. در آهنی‌اش بسته بود. وقتی نام این تمرین‌کننده را صدا زدند، هیچ کسی پاسخی نداد.

بعداً که آن تمرین‌کننده آزاد شد، به خانواده‌اش گفت وقتی آنها به آن مکان دوم آمده بودند، او آنجا بود. وقتی کارمندان صدای خانواده‌اش را شنیدند، مضطرب شدند. آنها اجازه ندادند که از او صدایی بیرون بیاید یا علامتی برای خانواده‌اش بفرستد که متوجه شوند در آنجا محبوس است.

۳.۱.۱ (پ) خوراندن داروهای نامعلوم

علاوه بر شکنجه و نظارت شبانه‌روزی، مصرف اجباری داروهای نامعلوم نیز در مراکز شستشوی مغزی رایج است. آقای شیه دچینگ، یک بازنشسته سالم، حدود ۲۰ روز بعد از بازداشت در مرکز شستشوی مغزی شینجیان در شهر چنگدو، استان سیچوان، فوت شد. او قبل از مرگش نحیف و لاغر و به بی‌اختیاری در دفع ادرار و درد شدید مبتلا و پوستش خاکستری‌رنگ شده بود. این علائم مطابق با علائم سایر تمرین‌کنندگانی بود که تأیید شده بود داروهای نامعلوم به آنها خورانده شده است. بیش از ۱۰۰ مأمور پلیس بعداً اعزام شدند تا در نیمه‌شب جسدش را به‌زور و از محل تدفین برای سوزاندن ببرند.

۳.۱.۱ (ت) شستشوی مغزی شدید

تمرین‌کنندگان علاوه بر حصر فیزیکی، به تماشای فیلم‌های تبلیغاتی با مضامین افتراءآمیز درباره فالون گونگ و نوشتن افکار خود پس از تماشای آن ویدئوها مجبور می‌شوند. اغلب روانشناسان گزارش‌های کتبی آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند و سپس از نقاط ضعف کشف‌شده برای طراحی ترفندهای جدید به‌منظور از بین بردن ایمان‌شان استفاده می‌کنند. اغلب همکاران و اعضای خانواده فراخوانده می‌شوند تا تمرین‌کنندگان را به رها کردن باورشان متقاعد کنند.

در مراکز شستشوی مغزی در شهر ووهان، استان هوبی، مسئولان سه دوربین در هر اتاق نصب کردند. برگه‌های کاغذی که روی‌شان جملات افتراءآمیز درباره فالون گونگ چاپ شده بود، روی میزها، صندلی‌ها و کف زمین چسبانده شدند. غیر از زمان اختصاص‌یافته برای خواب، تلویزیون در اتاق فقط برنامه‌ای افتراءآمیز درباره فالون گونگ یا سایر برنامه‌هایی را پخش می‌کرد که هدفشان تضعیف اراده تمرین‌کنندگان بود. بلندگوهای قوی تبلیغات افتراءآمیز درباره فالون گونگ و بنیانگذارش را در تمام طول روز با صدای بلند پخش می‌کردند.

تمرین‌کنندگان از انجام تمرینات فالون گونگ نیز منع می‌شدند. نگهبانان محدودیت‌های فیزیکی نیز برای آنها اعمال می‌کردند، مانند محدود کردن زمان خوردن غذا و اینکه کجا و چگونه ظروفشان را بشویند. خانم دای جوژن سه روز پس از اینکه در ۱۹ اوت ۲۰۱۸ به مرکز شستشوی مغزی هایکو در شهر ووهان منتقل شد، وضعیتش مهلک شد، درحالی‌که دچار فشار خون بالا و میزان قند خون زیادی شده بود.

۳.۱.۱ (ث) ظاهر مبدل و فریب

یکی دیگر از جنبه‌های متمایز مراکز شستشوی مغزی این است که این مکان‌ها اغلب خودشان را به‌عنوان «مراکز آموزشی حقوقی» نشان می‌دهند و در مکان‌هایی ایجاد می‌شوند که مورد توجه نباشند.

مسئولان آن دسته از اعضای خانواده تمرین‌کنندگان را که از فالون گونگ حمایت نکنند نیز فریب می‌دهند تا تمرین‌کنندگان را متقاعد به رفتن به این مراکز کنند. این اتفاق برای خانم تانگ شیائویان در شهر گویلین، منطقه خودمختار گوانشی، رخ داد:

خانواده‌اش حرف‌های مسئولان اداره ۶۱۰ را باور کردند که می‌گفتند این مرکز محل تحصیلی مطلوب و داوطلبانه است، اما هنگامی که خانم تانگ وارد آنجا شد، مسئولان او را کتک زدند و شکنجه کردند، همیشه در مقابل چشم‌هایش یک لامپ روشن بود و او را از خوابیدن و نوشیدن آب محروم می‌کردند. این وضعیت دست‌کم دو بار به ایجاد شرایط بحرانی و مهلک برای خانم تانگ منجر شد.

۴.۱.۱ مرگ‌ها در مراکز مغز شستشوی مغزی

بدرفتاری‌های جسمی و روانی در مراکز شستشوی مغزی نیز در مرگ تمرین‌کنندگان فالون گونگ دخیل بوده است. در بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴ از بین ۳۶۵۳ مورد مرگ تأییدشده تمرین‌کنندگان فالون گونگ، ۷۴۶ تن (۲۰.۴٪) در مراکز شستشوی مغزی شکنجه شدند و مرگ ۳۶۷ تن (۱۰٪) در این مراکز رخ داده است.

خانم شو هویژو، معلم بازنشسته در استان گوانگدونگ، در اواخر ژوئیه ۲۰۱۶ دستگیر و به مرکز شستشوی مغزی هوانگپو منتقل شد. او مدت کوتاهی پس از آنکه آزاد شد، در ماه اوت درگذشت.

درحالی که اطلاعاتی درباره این نداریم که چه تعداد از تمرین‌کنندگان در مراکز شستشوی مغزی بازدید شده‌اند، همبستگی بسیار مثبتی بین تعداد مراکز شستشوی مغزی و تعداد مرگ‌ومیر در مناطق مختلف مشاهده می‌کنیم. (نمودار صفحه ۴۰۰ را مشاهده کنید).

اگرچه نمی‌توانیم یک نتیجه‌گیری قطعی در این باره ارائه دهیم که چگونه مراکز شستشوی مغزی در مرگ تمرین‌کنندگان فالون گونگ مشارکت داشته‌اند، این ارتباط مثبت دست‌کم نقش مراکز شستشوی مغزی را در آزار و شکنجه فالون گونگ تأیید می‌کند.

۵.۱.۱ نمونه‌هایی در استان هوبی: «آنچه من می‌گویم، قانون است»^۲

آقای لو یوگن، یک تمرین‌کننده فالون گونگ در استان هوبی، شاهد چیزی بود که هرگز فراموشش نکرد. هنگامی که تمرین‌کننده دیگری در بازداشت اعتراض کرد، تحت خوراندن اجباری قرار گرفت و سه نگهبان به او چنگ انداختند: یکی سرش را به عقب کشید، دیگری شانه‌هایش را محکم گرفت و سومی به‌زور به فک پایینش ضربه زد.

آقای لو این‌طور به یاد آورد: «فک این تمرین‌کننده با صدای ترک خوردن ازجا دررفت و با زاویه عجیبی آویزان شد. همان‌طور که نگهبانان او را تحت خوراندن اجباری قرار می‌دادند، آن تمرین‌کننده بی‌حرکت بود، گویا مرده باشد.»

این جریان در سپتامبر ۲۰۰۹ در مرکز شستشوی مغزی در شهر ووهان استان هوبی اتفاق افتاد. این مرکز به‌عنوان «مرکز آموزش حقوق هوبی» معروف است و از فوریه ۲۰۰۲ دست‌کم ۱۲۰۰ تمرین‌کننده فالون گونگ به‌دستور اداره ۶۱۰ استان هوبی در آنجا بازداشت شده‌اند. آنها به‌دلیل اجتناب از رهاکردن باور خود در معرض حبس در سلول انفرادی، فریب، شستشوی مغزی، تحقیر، تهدید و شکنجه قرار گرفته‌اند.

وقتی آقای ژانگ سیفنگ از ناحیه هانیانگ در آنجا محبوس بود، اشاره کرد که به‌طور غیرقانونی بازداشت شده است. مأموری پاسخ داد که فقط به شستشوی مغزی اهمیت می‌دهد، نه به قوانین. آن مأمور فریاد کشید: «آنچه من می‌گویم قانون است! اگر باور نمی‌کنی، می‌توانم همین حالا یکی از کلیه‌هایت را بیرون بیاورم!»

۵.۱.۱ (الف) بازداشت و شکنجه خودسرانه

مرکز آموزش حقوق هوبی همانند سایر مراکز شستشوی مغزی، به مجبور کردن تمرین‌کنندگان به رها کردن باورشان اختصاص یافته است. کمیته امور سیاسی و حقوقی، یک نهاد دولتی که بر آزار و شکنجه فالون گونگ نظارت دارد، به‌دفعات بی‌شمار آن را تحسین کرده است.

مسئولان در استان هوبی می‌توانند بدون طی کردن هیچ‌گونه روند یا تشریفات رسمی یا ارائه هیچ‌گونه سندی هر تمرین‌کننده‌ای را در استان هوبی دستگیر و او را در این مرکز بازداشت کنند. این شامل تمرین‌کنندگانی نیز می‌شود که تازه دوره زندان خود را به پایان رسانده‌اند. در یک مورد یک جراح درحالی‌که در بیمارستانی مشغول جراحی روی بیماری بود، دستگیر و به این مرکز منتقل شد.

آنها درحالی که در سلول‌ها پشت میله‌های فلزی حبس می‌شوند، در تمام هفته به صورت شبانه‌روزی تحت نظر هستند و هر روز از ۷ صبح تا ۱۰ شب یا دیرتر تحت شستشوی مغزی قرار می‌گیرند. مسئولان ساعت‌های آنها را توقیف می‌کنند، به طوری که آنها زمان را از دست می‌دهند و سیگنال‌های تلفن همراهشان را مسدود می‌کنند تا ارتباطشان با دنیای خارج قطع شود. آنها مجاز به نوشتن نامه برای خانه خود یا ملاقات با اعضای خانواده نیستند. لامپ‌ها همواره حتی در شب، روشن هستند.

خانم کوی‌های که سابقاً در شرکت واردات و صادرات مواد شیمیایی ووهان کار می‌کرد، به دنبال دستگیری‌اش در ماه اکتبر ۲۰۱۲ هفتاد روز در این مرکز بازداشت شد. «برای شکنجه، به شدت لاغر و نحیف شده بودم و چند بار فکم تقریباً دچار افتادگی شد.» موهایش خاکستری شد، حافظه‌اش را از دست داد، تمام بدنش می‌لرزید و دست و پاهایش متورم شده بودند.

خانم کوی‌های بعداً به خاطر ایمانش به پنج سال زندان محکوم شد. او از شکنجه و سوءرفتار در زندان جان سالم به در برد، اما در اژانویه ۲۰۱۸، در کمتر از سه ماه پس از آزادی‌اش، درگذشت.

۵.۱.۱ (ب) ضرب و شتم و خوراندن دارو

آقای ژانگ سو، مربی تنیس از ووهان، در این باره صحبت کرد که چطور در این مرکز با او بدرفتاری شد. «چند مأمور لباس شخصی در ماه مه ۲۰۱۱ در یک باجه فروش بلیت قطار در نزدیکی خانه‌ام به من نزدیک شدند. آنها چیزی را به صورتم اسپری کردند، بنابراین نمی‌توانستم نفس بکشم، مرا به زمین انداختند و به من دست‌بند زدند. هیچ کدام کارت شناسایی خود را نشان ندادند یا توضیح ندادند که چرا دستگیر می‌کنند.»

بعداً در همان روز، آقای ژانگ به مرکز آموزش حقوق هوبی منتقل شد. وقتی به شستشوی مغزی اعتراض کرد، نگهبانان کتکش زدند، به صورتش سیلی زدند و تهدیدش کردند که با باطوم‌های الکتریکی به او شوک وارد می‌کنند. این وضعیت حدود دو ماه ادامه داشت و فشار خون او اغلب به ۱۲۰/۲۳۰ میلیمتر جیوه می‌رسید.

پس از سه ماه، آقای ژانگ متوجه شد که آنچه خورده، باعث اسهال، تپش قلب و تنگی قفسه سینه‌اش شده است. این حالت سه ماه طول کشید و طی آن زمان او دو بار از هوش رفت. وقتی معاینه شد، مشخص شد که دچار آسیب قلبی شده است، سنگ کیسه صفرا دارد و سایر علائم مشابه بیماری قلبی در او دیده می‌شود. پزشک گفت که باید بستری شود و آقای ژانگ نیز درخواست کرد که بستری شود.

اما مسئولان نگرانی‌های‌شان را نادیده گرفتند و به جلسات شستشوی مغزی ادامه دادند. جیانگ لیلی، یکی از کارکنان، گفت که نیازی به بحث درباره «قوانین» نیست، چراکه همه شعب سیستم قضایی، از جمله پلیس، دادستانی و دادگاه‌ها، به‌طور نزدیکی با کمیته امور سیاسی و حقوقی همکاری دارند و این کمیته هم بر ادارات ۶۱۰ نظارت دارد.

جیانگ با پوزخند گفت: «حزب می‌تواند شما را مانند یک مورچه خرد کند. می‌توانید فردا اعدام شوید و آن می‌تواند خودکشی محسوب شود. خانواده شما فقط یک جعبه خاکستر دریافت می‌کند یا اینکه ممکن است شما را به یک بیمارستان منتقل کنند و اعضای بدن‌تان را برای نجات دیگران بردارند، درست مثل آنچه در سوجیاتون روی داد. پس از آن جسد شما را می‌سوزانند و خانواده‌تان ممکن است خاکستر شما را دریافت نکنند. در این خصوص هیچ کاری از دست‌تان بر نمی‌آید.»

۵.۱.۱ (پ) مراکز شستشوی مغزی: بودجه و عملیات

مرکز آموزش حقوقی هوبی، یا همان مرکز آموزش بانچیاو را اداره ۶۱۰ هوبی در فوریه ۲۰۰۲ تأسیس کرد. نخستین فهرست دستگیرشده‌ها در سند شماره ۶ - ۲۰۰۲ این اداره ثبت شد که مدیر وقت آن، هوانگ ژائولین، صادرش کرد. این مرکز در نهایت به مکان فعلی خود در روستای ماهو منتقل شد.

تأمین مالی این مرکز از بودجه دولتی و اخاذی از مردم محلی یعنی کارفرمایان و گروه‌های محلی خیابانی یا روستایی است. گفته شده است که تخصیص بودجه دولت به این مراکز به میزان سه میلیون یوان در سال است و اخاذی از مردم محلی به حدود ۲۰ هزار یوان برای هر جلسه (حدود ۴۰ روز) می‌رسد. همچنین علاوه بر این «هزینه» اولیه، نمایندگان اداره ۶۱۰ دستمزد دو «مباشر» را از مردم محلی اخاذی می‌کنند که این دو نفر تمرین‌کننده تحت شستشوی مغزی را همراهی می‌کنند. با حدود ۲۰ اتاق در این

مرکز، این مبلغ به حدود ۳ میلیون یوآن در سال می‌رسد که عامل انگیزشی بسیار پرسودی برای مقامات است.

همانطور که در بالا ذکر شد، علی‌رغم داشتن عنوان «آموزش حقوقی»، این مراکز به دلایل مختلف عمدتاً روی شستشوی مغزی تمرکز می‌کنند. اول اینکه، «تبدیل» یک تمرین‌کننده مرتبط با پاداش‌هایی است که اعضای کارکنان دریافت می‌کنند. دوم، مقامات می‌توانند «موفقیت‌های» خود را به دفاتر پشتیبانی ۶۱۰ گزارش کنند تا توجیهی برای ادامه یا گسترش مرکز داشته باشند. سوم، با «تبدیل شدن» تعداد بیشتری از تمرین‌کنندگان و ارائه اطلاعات در خصوص فعالیت‌هایشان، تمرین‌کنندگان بیشتری می‌توانند برای حفظ عملکرد مراکز شستشوی مغزی بازداشت شوند.

۵.۱.۱ (ت) بدتر از اردوگاه‌های کار اجباری

مراکز شستشوی مغزی که تمرین‌کنندگان فالون گونگ را هدف قرار می‌دهند شباهت زیادی با اردوگاه‌های کار اجباری در آلمان نازی و اتحاد جماهیر شوروی در قرن بیستم دارند.

دولتی در یک دولت. مراکز شستشوی مغزی نهادهای فراقانونی و تحت نظارت ادارات ۶۱۰ هستند. هیچ قانونی این مقامات را محدود نمی‌کند و هیچ نهاد دولتی مجاز به مداخله نیست.

از دست دادن عزت. مانند زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری، تمرین‌کنندگان در این مراکز نیز اغلب از نظر جسمی و ذهنی مورد آزار قرار گرفته‌اند. آنها تحت خوراندن اجباری، تزریق داروهای نامعلوم برخلاف خواستشان، محرومیت از خواب، محرومیت از دسترسی به توالت و تحقیر قرار می‌گیرند.

اختفا. مراکز شستشوی مغزی فقط تحت نظر اداره ۶۱۰ عمل می‌کنند. اعضای خانواده مجاز به بازدید نیستند و به‌ویژه پس از لغو سیستم اردوگاه کار در سال ۲۰۱۳، اغلب ساختمان‌ها بی‌نام‌ونشان هستند.

کارکنان. هنگامی که مقامات موفق می‌شوند برخی تمرین‌کنندگان را مجبور به کنار گذاشتن اعتقاد خود کنند، آنها این تمرین‌کنندگان را مجبور می‌کنند تا تمرین‌کنندگان دیگر را با استفاده از زور، تهدیدات و یا انگیزه‌های مالی «تبدیل» کنند.

بازداشت‌شدگان اغلب مجبور به خواندن آوازهایی در ستایش حزب کمونیست هستند. هنگامی که آقای لو سونگ‌مینگ از شهر هوانگشی تسلیم نشد، او مجبور شد قبل از اینکه به او غذا بدهند بگوید: «آقا، من می‌خواهم غذاهایی را بخورم که حزب فراهم کرده است» یا قبل از اینکه اجازه توالترفتن داشته باشد بگوید: «آقا، می‌خواهم به توالتی بروم که حزب فراهم کرده است.» سایر تمرین‌کنندگان نیز مجبور به این کار می‌شدند.

۵.۱.۱ (ث) سوءاستفاده نظام‌مند از بدن و روح

آقای ژانگ ویجیه در ۲۰۱۱م در محل کارش دستگیر شد و به مرکز آموزش حقوق هوبی منتقل شد. یک قاتل به نام دنگ گون برنامه شستشوی مغزی را به او گفت: بی‌حرکت ایستادن برای مدتی طولانی، تحت ضرب‌وشتم قرار گرفتن، محروم شدن از غذا، تحت خوراندن اجباری قرار گرفتن، محرومیت از خواب، از ارتفاع آویزان شدن، تحت تزریق دارو قرار گرفتن و اعمال شوک با باطوم‌های الکتریکی. فقط دو بار در روز خوراندن اجباری انجام می‌شد و طی آن نگهبانان مرتباً لوله‌ها را داخل و خارج می‌کردند تا درد را افزایش دهند. تمرین‌کنندگان هر بار تحت خوراندن اجباری با دو سطل مواد قرار می‌گرفتند، که دو برابر میزانی است که معده می‌تواند بپذیرد. آقای ژانگ اینطور به یاد آورد: «همانطور که مواد غذایی مایع را بالا می‌آوردم و آنها روی تمام کف اتاق می‌ریخت، نگهبان هو گائووی با روزنامه‌ای زمین را پاک می‌کرد و آن را روی تمام صورت و سرم می‌کشید و همزمان کتکم می‌زد. در آن زمان، همه با تماشای این نمایش می‌خندیدند.»

در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۱ که مدت محکومیت خانم وانگ یوجی در اردوگاه کار اجباری به اتمام رسید، اداره ۶۱۰ شیان تائو او را به مرکز آموزش حقوق هوبی برد. در عرض مدت دو ماه، او اغلب در حالت بهت و سرگشتگی و اختلال روانی بود و چند ماه بعد در ۳ سپتامبر در ۲۴ سالگی فوت کرد.

۲.۱ اردوگاه‌های کار اجباری

بازآموزی از طریق کار اجباری از سال ۱۹۵۷ به‌عنوان شکلی از مجازات برای ضدانقلابی‌ها آغاز شد. بعداً برای بازداشت بزه‌کاران، مخالفان سیاسی و دادخواست‌کنندگان گسترش یافت («دادخواست‌کنندگان» در چین شهروندانی هستند که برای اعتراض به سیاست‌های ناعادلانه و یا غیرمعمول به ادارات استیناف دولت مراجعه می‌کنند.) در سال ۱۹۹۹ که آزار و شکنجه فالون گونگ آغاز شد، بازآموزی از طریق کار اجباری به‌طور گسترده‌ای برای مجازات‌ت‌م‌رین‌کنندگان استفاده شد.

سیستم کار اجباری یک مجازات اداری بود که از سوی پلیس انجام می‌گرفت، نه سیستم قضایی. مدت کار اجباری معمولاً بین یک تا سه سال متغیر بود و احتمالاً یک سال تمدید می‌شد. کمیته دائمی کنگره ملی خلق در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۳ بازآموزی را از طریق سیستم کار منسوخ کرد، اما بسیاری از تمرین‌کنندگان فالون گونگ که از اردوگاه‌های کار آزاد شدند، مستقیماً به مراکز شستشوی مغزی منتقل یا به زندان محکوم شدند. علاوه بر شکنجه و سوءرفتارهای دیگر، کار برده‌وار یک تاکتیک اساسی بود که برای تضعیف اراده تمرین‌کنندگان فالون گونگ استفاده می‌شد، حتی درحالی‌که مسئولین از آن کسب درآمد می‌کردند.

۱.۲.۱ کار برده‌وار قوانین چین و اعلامیه جهانی حقوق بشر را نقض می‌کند

کار برده‌وار در اردوگاه‌های کار اجباری چین، بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها هم قانون اساسی چین و هم قوانین ذیل در جمهوری خلق چین (پی‌آرسی) را نقض می‌کند:

قانون اساسی جمهوری خلق چین، مواد ۱۷، ۳۵، ۴۲، ۴۳، ۴۴

قانون جمهوری خلق چین درباره ایمنی کار، ۲۰۰۲

قانون جمهوری خلق چین درباره پیشگیری و درمان بیماری‌های شغلی، ۲۰۰۱

قانون جمهوری خلق چین درباره سندیکاها، ۱۹۹۲، اصلاح‌شده در سال ۲۰۰۱

قانون کار جمهوری خلق چین، ۱۹۹۴

مقررات مربوط به حمایت از کار در کارگاه‌هایی که در آنجا از مواد سمی استفاده می‌شود، ۲۰۰۲

مقررات مربوط به حداقل دستمزد شرکت‌ها، ۱۹۹۴

مقررات جمهوری خلق چین حاکم بر حل‌وفصل اختلافات کاری در شرکتها، ۱۹۹۳

قانون اساسی سندیکا‌های جمهوری خلق چین، ۱۹۹۸

برای اختصار، فقط به مواد ۴۲ و ۴۳ قانون اساسی چین اشاره می‌کنیم:

ماده ۴۲. شهروندان جمهوری خلق چین حق و وظیفه کارکردن دارند. دولت با استفاده از کانال‌های مختلف، شرایط اشتغال را ایجاد می‌کند، حمایت از نیروی کار را تقویت می‌کند، شرایط کار را بهبود می‌بخشد و بر اساس تولید گسترش یافته اجرت کار و مزایای اجتماعی را افزایش می‌دهد. کار وظیفه باشکوه هر شهروند دارای توانایی جسمی است. همه افراد شاغل در شرکت‌های دولتی و در مجموعه‌های اقتصادی شهری و روستایی باید وظایف خود را با نگرش همخوان با وضعیت خود به‌عنوان صاحبان کشور انجام دهند. دولت رقابت شغلی سوسیالیستی را ترویج می‌دهد و از کارگران نمونه و پیشرفته تقدیر می‌کند و به آنها پاداش می‌دهد. دولت شهروندان را تشویق می‌کند تا در کار داوطلبانه شرکت کنند. دولت قبل از اشتغال، آموزش‌های فنی لازم را به شهروندان ارائه می‌دهد.

ماده ۴۳. افراد شاغل در جمهوری خلق چین حق استراحت دارند. دولت امکانات را برای استراحت و نیروی تازه گرفتن افراد شاغل گسترش می‌دهد و ساعات کار و تعطیلات را برای کارگران و کارمندان تعیین می‌کند.

علاوه بر این، در ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هیچ‌کس نباید در بردگی یا بندگی نگه داشته شود. برده‌داری و تجارت برده‌ها به هر شکلی ممنوع است.» سیستم کار اجباری نه تنها حقوق انسانی پایه‌ای بازداشت‌شدگان را نقض می‌کند، به دلیل سود کلان حاصل از محصولات تولیدی از کار اجباری، سیستم‌های زندان و اردوگاه کار اجباری را نیز به آزار و اذیت بازداشت‌شدگان تشویق می‌کند. علاوه بر این با دامپینگ کردن (فروش یا صادرات یک کالا با قیمت کمتر از هزینه‌های تمام‌شده یا

به عبارتی دیگر فروش کالا در خارج به قیمتی کمتر از قیمت داخلی (این محصولات ارزان قیمت در بازار بین‌المللی ثبات بازار کار و تجارت بین‌المللی را نیز از بین می‌برد).

۲.۲.۱ چوب‌های غذاخوری «بهداشتی» شرایط درون اردوگاه‌های کار را افشا می‌کند^۲

در رستوران‌های کنارجاده‌ای کوچک چین، به چوب‌های غذاخوری یکبارمصرفی که به‌طور وسیعی استفاده می‌شوند، چوب‌های غذاخوری «بهداشتی» گفته می‌شود. آنها معمولاً در رستوران‌های چینی خارج از کشور نیز دیده می‌شوند. آنها با هم در ظرفی قرار داده می‌شوند یا به‌صورت جداگانه بسته‌بندی می‌شوند و برچسب «بهداشتی برای ایمنی شما» روی آنها زده می‌شود.

بر اساس یک بررسی انجام‌شده در چین، بیش از ۸۰ درصد از این چوب‌های غذاخوری هرگز ضدعفونی نشده‌اند. رقابت شدید بازار، پوشش‌دهی همه هزینه‌ها را غیرممکن ساخته است، بنابراین برخی از کسب‌وکارها روند ضدعفونی‌سازی را حذف کرده‌اند. برخی با استفاده از دوده‌های ناشی از سوزاندن گوگرد، چوب‌های غذاخوری را سفید می‌کنند، هرچند که می‌دانند آن می‌تواند باعث سمی شدن چوب‌های غذاخوری شود. به منظور به‌حداقل‌رساندن هزینه‌ها و افزایش سود، برخی از مشاغل تولیدی با زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری که در آنجا هیچ کنترلی روی شرایط بهداشتی وجود ندارد، قرارداد فرعی می‌بندند.

۲.۲.۱ (الف) تولید چوب‌های غذاخوری «بهداشتی» در اداره آموزش کار شهر پکن

شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه بخش اعزام اداره آموزش کار شهر پکن، یک اردوگاه کار اجباری واقع در شهرستان داشینگ پکن، بازداشت‌شدگان را مجبور کرد برای تولید چوب‌های غذاخوری «بهداشتی» ساعات طولانی، از ۶ صبح تا ۹ شب، کار کنند. گاهی کار تا بعد از نیمه‌شب ادامه داشت.

با ده‌ها زندانی که در سلولی کوچک به‌صورت فشرده جا داده شده بودند، چوب‌های غذاخوری برای بسته‌بندی، صرفاً روی زمین تلنبار شده بودند و زندانیان اغلب روی آنها

پا می‌گذاشتند. وظیفه آنها این بود که چوب‌های غذاخوری را درون پوشش‌های کاغذی قرار دهند که برچسب اداره بهداشت و پیشگیری از بیماری‌های اپیدمی رویشان زده شده بود، حتی اگرچه شرایط بهداشتی برای خود آنها فراهم نبود. بسیاری از زندانیان بیماری پوستی داشتند، بیماری گال در سلول‌ها شیوع یافته بود و برخی به مواد مخدر معتاد یا به بیماری‌های آمیزشی مبتلا بودند. درآمد حاصل از کار اجباری طبق قرارداد به جیب نگهبانان در اردوگاه‌های کار می‌رفت.

تمرین‌کننده فالون گونگ آقای یو مینگ، رئیس سابق یک کارخانه پوشاک در شهر لیائویانگ استان لیائونینگ نوشت:^۴

در اردوگاه کار اجباری توآنه در منطقه داشینگ در یکن، بخش توزیع همه را مجبور کرد از صبح زود تا نیمه‌شب کار کنند تا برای نگهبانان درآمدزایی داشته باشند. بخش عمده کار، بسته‌بندی «چوب‌های غذاخوری مناسب» یا «بهداشتی» یک بار مصرف در پوشش‌های کاغذی بود. سپس به‌عنوان کالاهای مطابق با «استاندارد کیفیت بهداشت» در نظر گرفته و به رستوران‌های کنارجاده‌ای کوچک فروخته می‌شدند. سود حاصل از یک جعبه چاپ‌استیک حدود ۶ یوآن است. هر زندانی در روز حدود ۳ جعبه را تکمیل می‌کند و در هر واحد ۱۶۰ نفر هستند. می‌توان تصور کرد که هر واحد در روز چه مقدار درآمدزایی برای نگهبانان دارد.

این «کارگاه‌ها» خوابگاه‌های زندانیان بودند. آنها از ابتدا بسیار شلوغ بودند و حالا چوب‌های غذاخوری نیز همه‌جا روی زمین بودند. گاهی به درون توالت می‌افتادند. آنها واقعاً آن چوب‌های غذاخوری را برمی‌داشتند و آنها را در پوشش‌های کاغذی قرار می‌دادند. نگهبانان با دقت مراقب زندانیان بودند تا سهمیه کاری خود را کامل کنند، اما زندانیان هرگز ملزم به شستن دست‌های خود نمی‌شدند.

اکثر زندانیان معتاد به مواد مخدر یا روسپی بودند، اما بدون توجه به اینکه آیا یک فرد به هیپاتیت یا بیماری‌های مقاربتی مبتلا بود، هیچ معاینه پزشکی رسمی انجام نمی‌شد. هر زندانی که هنوز نفس می‌کشید مجبور بود کار کند. حتی آنهایی که در سراسر بدنشان گال داشتند، مجبور می‌شدند کار کنند و

با دست‌هایی که پر از عفونت گال بود، چوب‌های غذاخوری را به دست می‌گرفتند.

هرکسی که از برنامه کاری‌اش عقب بود یا نمی‌توانست سهمیه کاری خود را تکمیل کند، توسط نگهبانان یا سایر زندانیان مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفت و مجبور می‌شد زمان‌های طولانی در بیرون ساکن بایستد یا از خواب محروم می‌شد. در هر واحد و هر سلول شپش‌ها می‌خزیدند و زندانیان زمان‌های طولانی اجازه نداشتند دوش بگیرند. نگهبانان با باطوم‌های برقی و دست‌بند گشت می‌زدند. بسیاری از زندانیان بعد از ماه‌ها حبس در آنجا، هرگز جرئت نکردند سر خود را بالا بگیرند و نگاهی به آسمان بیندازند.

آقای گونگ چنگشی دانشجوی سال آخر کالج در رشته مدیریت اجرایی در دانشکده چانگپینگ از دانشگاه سیاسی و حقوقی پکن بود. او که زمانی رئیس انجمن دانشجویی و رئیس کلاسش بود، به‌عنوان دانشجویی درستکار و مهربان با دانش آکادمیک عالی شناخته می‌شد. او به دلیل آزار و شکنجه فالون گونگ، بدون هیچ خطاری از دانشکده اخراج شد و وقتی حاضر نشد اعتقادش را نفی کند، به اردوگاه کار اجباری منتقل شد. در زیر شهادت آقای گونگ ارائه شده است:

اداره توزیع به‌منظور به‌حداکثر رساندن سود حاصل از کار زندانیان دیوانه‌وار عمل می‌کرد. سهمیه هر فرد در روز ۷،۵۰۰ تا بیش از ۱۰هزار جفت چاپ‌استیک بود. حتی با کارکردن از ساعت ۶ صبح تا نیمه‌شب تحقق‌بخشیدن به چنین سهمیه‌ای غیرممکن بود. علاوه بر کم‌درد تحمل‌ناپذیر مجبور بودیم آزار و اذیت کلامی و ضرب‌وشتم نگهبانان و دستیاران آنها را نیز تحمل کنیم. در طول ماهی که در اداره توزیع بودم، هر روز به این صورت بود. چند تمرین‌کننده مسن فالون گونگ، دائو وانهوویی، یانگ جوهای، لی شیلیانگ، چن جینگ‌جیان و جیا لین، تا حد ممکن سریع کار می‌کردند، اما باز هم نمی‌توانستند سهمیه خود را به پایان برسانند، بنابراین رئیس واحد به آنها دستور می‌داد تا چند ساعت در هوای سرد یخبندان روی زمین سیمانی در بیرون بنشینند و کار کنند. اگر باز هم

نمی‌توانستند سهمیه خود را کامل کنند، فقط مجاز بودند ۳ تا ۴ ساعت در شب بخوابند.

۲.۲.۱ (ب) ساخت چوب‌های غذاخوری «بهداشتی» و سیخ‌های باربیکیو در اردوگاه کار اجباری شوآنگ‌کو در شهر تیانجین

یک تمرین‌کننده فالون گونگ که زمانی در اردوگاه کار اجباری شوآنگ‌کو شهر تیانجین بازدید داشت بود، در نامه‌ای به وب‌سایت مینگهویی نوشت:

به دلیل شرایط وحشتناک زندگی در این اردوگاه کار اجباری، ۹۰ درصد زندانیان به گال مبتلا شدند. در آن زمان پاها، سینه و دست‌انم عفونت کرده بود. هنوز مجبور بودیم کار کنیم.

۲.۲.۱ (پ) تنها استاندارد بهداشتی برای چوب‌های غذاخوری ساخته شده در اردوگاه کار اجباری دالیان: هیچ مویی در بسته‌ها مخلوط نشود

اردوگاه کار اجباری دالیان در شهر دالیان استان لیائونینگ نیز همین کار را انجام می‌داد و چوب‌های غذاخوری را به ژاپن صادر می‌کرد. گفته می‌شد تنها استاندارد بهداشتی این است که هیچ مویی نباید وارد بسته‌ها شود.

اردوگاه کار اجباری دالیان علاوه بر چوب‌های غذاخوری، کالاهای ارزان‌قیمت دیگری از جمله محصولات گلدوزی‌شده، گل‌های خشک‌شده، کلاه‌های بافتنی، کیف‌های تلفن همراه، گره‌های جلبک دریایی، گل‌های پلاستیکی، چوب‌های بستنی یخی، نی‌های قهوه، کت‌های پشمی دست‌بافت و دکمه تولید می‌کرد. اردوگاه کار اجباری شیبالیه در شهر شوچانگ استان هنان کلاه‌گیس، پرده‌های نگارین، گلدان‌های تزئینی و کارهای گلدوزی درست می‌کرد. زندانیان مجبور بودند هر روز ساعات طولانی کار کنند. آنهایی که نمی‌توانستند سهمیه را تمام کنند، شکنجه می‌شدند.

۳.۲.۱ سوءرفتارهای بیشتر در اردوگاه‌های کار اجباری^۶

۳.۲.۱ (الف) اردوگاه کار اجباری شماره ۳ استان هنان متخصص در محصولات

مو

اردوگاه کار اجباری شماره ۳ استان هنان که به اردوگاه کار اجباری شهر شوچانگ نیز معروف است، جایی بود که اکثر محصولات چینی مربوط به مو در آنجا ساخته می‌شد. وقتی این اردوگاه کار اجباری با کمبود بودجه مواجه و در حال تعطیل شدن بود، بسیاری از تمرین‌کنندگان فالون گونگ رها شده و مجبور می‌شدند محصولات مربوط به مو بسازند که این جریان باعث احیای تجارت این اردوگاه کار اجباری شد. چو شوآنگ‌کای، رئیس اردوگاه کار اجباری شماره ۳، تمرین‌کنندگان فالون گونگ را فعالانه تحت آزار و شکنجه قرار می‌داد و مورد علاقه مافوق‌هایش بود. در ماه مه سال ۲۰۰۳، او به ریاست اردوگاه کار اجباری زنان شیبالیه در شهر ژنگژو رسید. او بلافاصله با شرکت محصولات موی ربکا در هنان قراردادی منعقد کرد. شرکتی که در فاصله ۱۹۳ کیلومتری اردوگاه کار اجباری در شهر شوچانگ قرار دارد. کو همچنین استفاده از پوشش‌های محدودکننده (نوعی لباس شبیه ژاکت و با آستین‌های دراز که از آن برای ایجاد محدودیت فیزیکی در فردی استفاده می‌شود که ممکن است به خود یا دیگران آسیب برساند) را در شکنجه تمرین‌کنندگان بنیان نهاد. چند ماه پس از ورود او به آنجا، سه تمرین‌کننده فالون گونگ تا سرحد مرگ شکنجه شدند.

۳.۲.۱ (ب) وضعیت وحشتناک بهداشت در اردوگاه کار اجباری جیانشین در

تیانجین

اردوگاه کار اجباری جیانشین در تیانجین به‌طور خاص برای اداره آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ گسترش یافت. پس از تأسیس بخش ششم برای زندانیان زن، چندصد نفر در آنجا بازداشت شدند. اکثر این تمرین‌کنندگان بازداشت‌شده بالای ۵۰ سال داشتند و مسن‌ترین آنها ۷۳ ساله بود.

این اردوگاه تمرین‌کنندگان را مجبور می‌کرد هر روز ۱۷ الی ۱۸ ساعت کار کنند. اگر نمی‌توانستند حجم کاری تعیین‌شده خود را به پایان برسانند، اجازه نداشتند بخوابند. بعضی از آنها حتی مجبور بودند چند شبانه‌روز بدون خوابیدن کار کنند یا حداکثر اجازه داشتند فقط یک یا دو ساعت در روز بخوابند.

بسیاری از تمرین‌کنندگان، به‌ویژه افراد مسن‌تر، به‌منظور درمان بیماری‌های خود و بهبود وضعیت سلامتی‌شان تمرینات فالون گونگ را انجام می‌دادند. در اردوگاه کار، آنها از مطالعه کتاب‌های فالون گونگ و انجام تمرینات منع شده بودند. آنها علاوه بر کار طولانی‌مدت و خسته‌کننده، تحت فشارهای روحی و جسمی غیرقابل‌تحملی نیز بودند که باعث می‌شد برخی به بیماری‌هایی مبتلا شوند.

مسئولان تمرین‌کنندگان فالون گونگی که به گال مبتلا بودند و دست‌ان‌شان نیز ترشحات چرکی داشت را مجبور می‌کردند محصولات غذایی را آماده کنند. به برخی از زندانیان و روسپانی که بدن آنها ترشحات چرکی داشت و آنهایی که به بیماری‌های مقاربتی مبتلا بودند، دستور داده می‌شد تخمه‌های گل آفتابگردان را پوست بگیرند، شکلات و آب نبات بسته‌بندی کنند و پوشش سینی دسر و کیک ماه [نوعی شیرینی چینی که در طول جشن نیمه پاییز خورده می‌شود] را بسته‌بندی کنند. آنها همه این کارها را روی تخت خود انجام می‌دادند که نقض جدی مقررات بهداشت مواد غذایی است. آنها حتی به زندانیان مبتلا به بیماری‌های مسری دستور می‌دادند تا مواد غذایی حاوی اسباب‌بازی های کودکان را بسته‌بندی کنند.

۳.۲.۱ (پ) مواد سمی در اردوگاه کار اجباری جیاموسی در استان هیلونگ‌جیانگ

نگهبانان در اردوگاه کار اجباری جیاموسی در استان هیلونگ‌جیانگ برای کسب پول، پروژه‌های تولید غیرقانونی می‌گرفتند و زندانیان را مجبور به انجام کارهای آن پروژه‌ها می‌کردند. آنها از لاستیک با کیفیت پایین که میزان سمی‌بودنش بالاتر از استانداردهای صنعتی بود، برای ساخت کیف و محافظ تلفن همراه استفاده می‌کردند. به سلامتی زندانیانی که با این مواد سروکار داشتند، به‌شدت آسیب وارد می‌شد.

به‌دلیل کار سخت و سمی‌بودن مواد، تمرین‌کنندگان فالون گونگ متحمل رنج زیادی می‌شدند و پس از مدتی قادر به کارکردن نبودند. تمرین‌کنندگانی که از انجام کار خودداری می‌کردند، به‌شدت کتک می‌خوردند.

تمرین‌کنندگان در معرض کارهای اجباری دیگری که مرتبط با سایر مواد سرطان‌زا بودند نیز قرار داشتند. از ۸ مارس ۲۰۰۳، همه زندانیان از دسته شماره ۹ اردوگاه کار جیاموسی در مجموع بیش از ۸۰ نفر، مجبور بودند کیف و محافظ‌های تلفن همراه درست کنند.

کارخانه مواد اولیه را تأمین می‌کرد و اردوگاه نیروی کار را فراهم می‌کرد. تولید سالانه برنامه‌ریزی شده مبلغ سه میلیون یوآن ارزش داشت که معاف از مالیات بود و هر دو طرف از این معامله سود هنگفتی نصیب‌شان می‌شد.

لاستیک مورد استفاده کیفیت پایینی داشت و گازهای آزاردهنده‌ای ساطع می‌کرد که باعث ایجاد حس خفگی می‌شد. نگهبانان وظیفه نمی‌توانستند بویش را تحمل کنند و از دفتر نظارت فنی خواستند افراد خود را برای تحقیق بفرستند. آزمایشات آزمایشگاهی نشان داد که میزان سموم در مواد اولیه مورد استفاده فراتر از استانداردهای صنعتی است و می‌تواند باعث ابتلا به سرطان شود. بنابراین نگهبانان ماسک صورت بزرگی به صورت می‌زدند و درحالی‌که تمرین‌کنندگان مشغول کار بودند، هرگز وارد محوطه تولید نمی‌شدند. پس از فروش آن کیف‌ها و محافظ‌های تلفن همراه، مصرف‌کنندگان نیز آسیب می‌دیدند.

در ژوئیه ۲۰۰۲، مقامات مسئول دسته شماره ۷ تمرین‌کنندگان فالون گونگ را مجبور به ساخت جعبه‌های کاغذی برای کیک‌های ماه کردند، آن هم با استفاده از چسبی سمی و بدبو. بسیاری از تمرین‌کنندگان در این حین چشمان‌شان ملتهب و متورم شد و بیمار شدند.

۳.۲.۱ (ت) تولید ملافه‌های مارک‌دار معروف در اردوگاه کار اجباری زنان شماره ۱ در استان شان‌دونگ

اردوگاه کار اجباری زنان شماره ۱ در استان شان‌دونگ با چند کارخانه همکاری می‌کرد تا تمرین‌کنندگان فالون گونگ را وادار کند محصولات مربوط به رختخواب تولید کنند، بسته‌های پلاستیکی سیمان درست کنند و برچسب‌های نام تجاری را روی لحاف‌ها بچسبانند.

تمرین‌کنندگان فالون گونگی که در بخش پنج اردوگاه کار اجباری بازداشت بودند، متحمل بیشترین رنج می‌شدند. کارگاه آنها در زیرزمین کافه‌تریای اردوگاه کار واقع شده بود، جایی که لوله‌های فاضلاب از آنجا عبور می‌کرد. اتاق محقر و تاریک بود و بوی ناخوشایند از لوله‌ها مدام به داخل اتاق نشت می‌کرد. حدود ده چرخ خیاطی اعم از برقی و دستی و نیز هشت میز کار ۳متری در اتاق وجود داشت. خروجی زیرزمین را بسته بودند تا به‌عنوان سرویس بهداشتی از آن استفاده کنند که شامل یک لگن بود.

از آنجاکه هیچ دیواری سرویس بهداشتی را از کارگاه جدا نمی‌کرد، بوی تعفن در فضا جریان داشت. وقتی تمرین‌کنندگان در اتاق زیرزمین کار می‌کردند، صدای ماشین‌های خیاطی و ماشین‌آلات موجود در آشپزخانه بالای سرشان بسیار زیاد بود.

تمرین‌کنندگان فالون گونگ خانم مجبور بودند هر روز ۱۲ تا ۱۵ ساعت در این زیرزمین کار کنند و علاوه بر تحمل سروصدای بیش از ۲۰۰ دسی‌بل، از نور طبیعی و هوای تازه نیز محروم بودند. وضعیت سلامتی آنها به شدت روبه‌افول بود و به بیماری‌هایی مانند سرماخوردگی، سردرد، ناراحتی معده، مشکلات دستگاه گوارش و ناشنوایی مبتلا می‌شدند. آنها اغلب در ظهر یا عصر از نگهبانان ده دقیقه استراحت می‌خواستند، اما نگهبانان نیو شوئلیان و ژائو جیه به آنها اجازه استراحت نمی‌دادند.

نگهبانان زمان کار تمرین‌کنندگان را نیز افزایش می‌دادند. اگر سهمیه تولید روزانه برآورده نمی‌شد، نگهبانان به تمرین‌کنندگان دشنام می‌دادند، از آنها امتیاز کسر و دوره محکومیت‌شان را تمدید می‌کردند. نگهبان ژائو جیه ادعا می‌کرد: «دولت نمی‌تواند مجانی به شما غذا بدهد! اگر کارتان را به خوبی انجام ندهید، به طرق دیگر مجازات خواهید شد! به اندازه کافی راه برای رسیدگی به این موضوع داریم!»

۳.۲.۱ (ث) سهمیه کاری انجام‌ناپذیر در اردوگاه کار اجباری زنان هیرویزی در استان جیلین^۷

کار بیش از حد کشیدن از تمرین‌کنندگان، تاکتیکی است که مسئولان اردوگاه کار اجباری از آن استفاده می‌کنند تا آنها را از نظر جسمی و روحی دچار فروپاشی کنند. در اردوگاه کار اجباری زنان هیرویزی در چانگچون استان جیلین نیز به همین صورت بود. برای نمونه هر شخص موظف بود در روز ۵۰۰ ماسک آماده کند، درحالی‌که فقط امکان آماده‌کردن ۳۰۰ ماسک در روز وجود داشت. هر شخصی که محصولات صنایع دستی یا اقلام کوچک مربوط به پوشاک را آماده می‌کرد، ملزم بود بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ محصول را در روز به اتمام برساند. درست کردن این تعداد غیرممکن بود. هر تمرین‌کننده‌ای که نمی‌توانست سهمیه انجام‌ناپذیرش را درست کند، مجازات می‌شد و کتک می‌خورد.

تمرین‌کنندگان علاوه بر تحمل فشارهای شدید و کار فیزیکی، اجازه انجام دادن تمرینات فالون گونگ را نداشتند. بسیاری از آنها به بیماری‌هایی مانند بیماری قلبی، فشار خون

بالا و مشکلات ریه مبتلا می‌شدند یا خون بالا می‌آوردند. حتی وقتی نمی‌توانستند از جای‌شان بلند شوند، نگهبانان هنوز هم آنها را مجبور می‌کردند به سر کار خود برگردند.

۴.۲.۱ پس از تعطیلی اردوگاه‌های کار اجباری، بازداشت‌شدگان به مراکز پنهانی دیگری منتقل شدند^۸

پس از اینکه طی سال‌ها قساوت‌ها در اردوگاه‌های «بازآموزی از طریق کار اجباری» (آرتی‌ال) آشکار شد و توجه جهانی را به خود جلب کرد، چین از تعطیلی سیستم اردوگاه کار خود در سال ۲۰۱۳ خبر داد.

همانطور که در بالا گفته شد، جایگزین اردوگاه‌های کار با قدمت ده‌ها ساله، مراکز شستشوی مغزی پنهانی‌تر (با عنوان «مراکز آموزش حقوقی» یا «مراکز بازپروری») است که خارج از چارچوب قضایی چین وجود دارند. بر این زندان‌های سیاه نظارت کمتری وجود دارد و قابلیت انکار در آنها بیشتر است. رژیم چین با آموختن از تجربیات اردوگاه‌های کار، سیاستی را اتخاذ کرده است که اجازه ندهد یک زندان سیاه مشخص بیش از حد بدنامی به بار آورد تا مبدا موضوع تحقیقات بین‌المللی شود. وقتی چنین مراکزی بیش از حد معروف می‌شوند، ناپدید می‌شوند و دوباره در جایی دیگر ظاهر می‌شوند و به نقش خود در اجرای آزار و شکنجه فالون گونگ ادامه می‌دهند. در این زندان‌های سیاه، چه جدیداً تأسیس شده و چه قدیمی، کارکنان اردوگاه‌های کار اجباری که حالا تعطیل شده‌اند، کار می‌کنند.^۹

در مارس ۲۰۱۴، چهار وکیل مدافع حقوق بشر در جستجوی آزاد کردن تمرین‌کنندگان فالون گونگ بازداشت‌شده در یک زندان سیاه در استان هیلونگ‌جیانگ بودند، اما پلیس آنها را کتک زد و شکنجه‌شان کرد. این حادثه توجه بین‌المللی را بر سیستم شستشوی مغزی غیرقانونی رژیم چین متمرکز کرد. همانطور که انتظار می‌رفت، «مرکز آموزش حقوقی مزرعه جیان‌سانجیانگ»^{۱۰} که در حادثه این وکلا در ماه مارس درگیر بود، در تاریخ ۲۸ آوریل تعطیل شد، اما تمرین‌کنندگان فالون گونگی که در آنجا بازداشت بودند، بدون انجام روند قانونی همچنان در آنجا در بازداشت باقی ماندند.^{۱۱}

علاوه بر این، پرسنل مسئول مرکز شستشوی مغزی جیان‌سانجیانگ مرکز جدیدی را در چی‌چی‌هار، شهر دیگری در همان استان، راه‌اندازی کردند. در واقع، دو تن از مسئولانی که این مرکز شستشوی مغزی جدید چی‌چی‌هار را مدیریت می‌کردند، قبلاً نقش رئیس

بخش و معاون رئیس را در اردوگاه کار اجباری چی‌چی‌هار برعهده داشتند، اردوگاهی که حالا تعطیل بود.^{۱۲} این مرکز جدید که به‌طور رسمی «مرکز بازپروری معتادین به مواد مخدر چی‌چی‌هار» نامیده شد، اکنون جایگزین جیان‌سانجیانگ به‌عنوان مرکز شستشوی مغزی تعیین‌شده در سطح استان هیلونگ‌جیانگ شده است.^{۱۳}

مراکز موقت شستشوی مغزی در مکان‌های مخفی دیگری نیز ظاهر شده‌اند. در استان جیلین، اداره ۶۱۰ شهر میهکو یک مرکز شستشوی مغزی را در مدرسه راهنمایی شوانگ‌شینگ راه‌اندازی کرد^{۱۴} که حدود ۱۰ تمرین‌کننده در اول ژوئیه ۲۰۱۴ در آنجا بازداشت شدند. گزارشی مربوط به ژوئن ۲۰۱۴ یک مرکز شستشوی مغزی مستقر در هتلی در استان جیانگسو را شرح می‌داد.^{۱۵}

در منطقه جیانگ‌جین از چونگ‌چینگ، چند مرکز شستشوی مغزی در خانه‌های اجاره‌ای مستقر شده‌اند، از جمله یکی که در طبقه همکف ساختمانی در مجتمع آپارتمان‌های جیندودینگ‌یوان از سال ۲۰۱۰^{۱۶} مستقر و نمونه این مراکز شستشوی مغزی است و در هر اتاق (سلول) یک تمرین‌کننده حبس می‌شود و دو «ناظر» ۲۴ ساعته مسئول نظارت بر او هستند. این ناظران معمولاً تمرین‌کنندگان «تبدیل‌شده‌ای» هستند که مجبور می‌شوند با نگهبانان همکاری و سایر تمرین‌کنندگان را تبدیل کنند. علاوه بر شکنجه‌های جسمی و روانی در مراکز شستشوی مغزی، گزارش‌ها به‌طور مرتب ادعا می‌کنند که داروهای آسیب‌رساننده به سیستم عصبی به‌زور به زندانیان تزریق می‌شود، غذاهای مخلوط با دارو به‌زور به آنها خورانده می‌شود و نیز از مشارکت این مراکز در برداشت اجباری اعضای بدن زندانیان زنده خبر می‌دهد. این موارد شکنجه و آزمایش‌های روانی را گزارش سالانه ۲۰۱۴ تأیید کرده است. گزارشی که کمیسیون آزادی مذهبی بین‌المللی ایالات متحده آن را منتشر کرده است.^{۱۷}

تا زمانی که سیاست اصلی رژیم برای سرکوب خشونت‌آمیز تغییر نکرده باشد، هیچ حسن تعبیر و وعده‌ای ظاهری نمی‌تواند قساوت‌هایی را که همچنان ادامه دارد، مخفی کند.

۳.۱ بیمارستان‌های روانی

بیمارستان‌های روانی و مراکز روانی به‌طور وسیعی برای تحت فشار قراردادن تمرین‌کنندگان مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا فالون‌گونگ را رها کنند. برای نمونه

بیمارستان‌های «آنکانگ»، بیمارستان‌های روانی با مقررات امنیتی شدید هستند که وزارت امنیت داخلی چین مستقیماً آنها را اداره می‌کند. چند سال است که در گزارش‌های سالانه حقوق بشر وزارت امور خارجه ایالات متحده (دی اِس) درباره چین، این بیمارستان‌ها به‌عنوان مکان‌های سوءرفتار مشخص شده‌اند.^{۱۸}

در گزارش دی اِس ۲۰۱۱ آمده است:

مقررات حاکم بر توانایی مسئولان امنیتی برای ارجاع یک شخص به یک بیمارستان آنکانگ واضح نبود و بازداشت‌شدگان هیچ مکانیسمی برای اعتراض به ادعاهای مسئولان امنیتی درخصوص بیماری روانی نداشتند. طبق گزارش‌ها به بیماران در این بیمارستان‌ها برخلاف میل‌شان دارو خورانده می‌شد و به‌زور تحت درمان با شوک الکتریکی قرار می‌گرفتند.

در مقایسه با سوءرفتارهای مستندشده در مؤسسات روانپزشکی چین، مراکز آنکانگ که به‌طرز طعنه‌آمیزی به‌عنوان «مراکز آرامش و سلامتی [برای بیماران روانی]» تفسیر می‌شوند، به‌طور گسترده‌ای شناخته شده نیستند. آنها به‌گونه‌ای بسیار پنهانی عمل می‌کنند که بسیاری از روانپزشکان قدیمی، وکلای متخصص در زمینه حقوق بیماران روانی و استادان روانشناسی جنایی اظهار داشته‌اند که هیچ چیزی درباره چنین مراکزی نمی‌دانند. ملاقات‌های خانوادگی با تمرین‌کنندگان فالون گونگ در بیمارستان‌های آنکانگ ممنوع است. بسیاری از اعضای خانواده از محل حبس عزیزان خود که در چنین بیمارستان‌هایی محبوس هستند، خبر ندارند.^{۱۹}

۱.۳.۱ شباهت با اردوگاه‌های کار اجباری

بیمارستان‌های آنکانگ نهادهایی فراقانونی هستند که به شکلی کاملاً مشابه سیستم سابق اردوگاه کار اجباری که در سال ۲۰۱۳ لغو شد، عمل می‌کنند. پلیس می‌تواند هر کسی را بدون طی کردن روال قانونی، برای حبس غیرقانونی به این بیمارستان‌ها بفرستد. در حقیقت بخش اداری بیمارستان‌های آنکانگ، همان بخشی است که مسئول بازداشتگاه‌ها است. بنابراین پلیس اغلب تمرین‌کنندگان فالون گونگ را بین بازداشتگاه‌ها، مراکز شستشوی مغزی و مراکز آنکانگ می‌چرخاند، درحالی‌که آنها را در همه این مراکز تحت تاکتیک‌های شدید شستشوی مغزی قرار می‌دهد. تمرین‌کنندگانی

که پس از حبس در بازداشتگاه‌ها، اردوگاه‌های کار و مراکز شستشوی مغزی، از انکار باور خود امتناع می‌ورزند، اغلب برای سوءرفتارهای روانی وحشیانه‌تر به بیمارستان‌های آنکانگ منتقل می‌شوند.

حزب کمونیست چین اغلب از مراکز سلامت و بهداشت روان برای شکنجه مخالفان و فعالان سیاسی استفاده می‌کند. اگرچه سوءرفتار در طیف گسترده‌ای از مراکز درمانی روانی در چین گزارش شده است، فقط بیمارستان‌های آنکانگ رسماً مجاز هستند که بیماران را برخلاف خواست آنها نگه دارند و آزادی‌شان را محدود کنند. این مراکز دارای سابقه طولانی در «حفظ امنیت داخلی» برای رژیم کمونیستی هستند. در اوایل ژانویه سال ۱۹۸۸، وزارت امنیت عمومی معیارهایی را برای حبس اجباری بیماران در مراکز آنکانگ تعیین کرد.

از میان پنج گروه مورد هدف، دو گروه به‌عنوان «مداخله جدی در نظم عمومی» و آنهایی که «در ثبات اجتماعی اختلال ایجاد می‌کنند»، طبقه‌بندی شدند. تمرین‌کنندگان فالون گونگ، مخالفان سیاسی و شهروندانی که جرئت می‌کنند به سیاست‌های دولت اعتراض کنند، اغلب چنین برچسب‌هایی به آنها خورده می‌شود تا حبس آنها در بیمارستان‌های آنکانگ توجیه شود.

پس از شروع آزار و شکنجه فالون گونگ در سال ۱۹۹۹، بیمارستان‌های آنکانگ بیشتری تأسیس شد. در سپتامبر ۲۰۰۴، وزارت امنیت عمومی اطلاعیه‌ای عمومی را صادر کرد که استان‌ها، مناطق خودمختار و شهرداری‌ها را ملزم می‌کرد اگر دارای بیمارستان‌های آنکانگ نیستند، هرچه زودتر آنها را راه‌اندازی کنند.

۲.۳.۱ شکاف در قانون سلامت روانی اجازه می‌دهد افراد سالم برخلاف میل‌شان در بیمارستان‌های آنکانگ حبس شوند

قانون سلامت روانی رسماً در تاریخ امه ۲۰۱۳ در چین به اجرا درآمد. این قانون اصل بستری‌شدن داوطلبانه را مطرح و اظهار می‌کند فقط آنهایی که دارای «علائم شدید» هستند و آنهایی که «خطر آسیب‌رساندن به سایرین» را نشان می‌دهند، می‌توانند به‌زور در مراکز سلامت روانی حبس شوند. اما این قانون دارای شکاف‌هایی است به طوری که از شهروندانی که به‌طور خودسرانه به آنها برچسب بیمار روانی زده شود، محافظت نمی‌کند. در تصمیم‌گیری درباره اینکه آیا فردی «خطر آسیب‌رساندن به سایرین» را

ایجاد می‌کند، ابهامات شدیدی وجود دارد که پلیس و دستگاه‌های دولتی ذریبط از این ابهامات در آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ، مخالفان سیاسی و دادخواهی‌کنندگان سوءاستفاده کرده‌اند.

هیچ نظارت شخص ثالثی بر مراکز آنکانگ وجود ندارد. ادارات پلیس هم بیمارستان‌های آنکانگ را اداره می‌کنند و هم تصمیم می‌گیرند چه کسانی به این مراکز منتقل شوند. اینکه فرد به اختلالات روانی مبتلا است یا نه، چه داروهایی به او داده می‌شود و اینکه آنها چگونه تجویز می‌شوند و فرد چه زمانی آزاد می‌شود، همه تحت کنترل پلیس است.

از زمان اجرای قانون سلامت روانی، بسیاری از تمرین‌کنندگان فالون گونگ همچنان در بیمارستان‌های آنکانگ بازداشت هستند یا به‌تازگی در چنین مراکزی حبس شده‌اند.

۳.۳.۱ سوءاستفاده از داروهای روانی برای شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ

از زمان شروع آزار و شکنجه فالون گونگ در سال ۱۹۹۹، به بسیاری از تمرین‌کنندگان به دروغ برچسب بیماری روانی زده شده است. آنها در بیمارستان‌های آنکانگ حبس شده‌اند، تحت تزریق داروهایی قرار گرفته‌اند که به سیستم عصبی مرکزی فرد آسیب می‌رسانند و نیز در معرض شوک‌های الکتریکی، خوراندن اجباری و ضرب‌وشتم قرار گرفته‌اند. در حال حاضر همه این «درمان‌ها» از سوی حرفه بین‌المللی پزشکی ممنوع است. بسیاری از قربانیان واقعاً به بیماری‌های روانی مبتلا شده‌اند یا بر اثر استفاده نادرست و مکرر حک‌چ از داروها در بیمارستان‌های آنکانگ، جان خود را از دست داده‌اند. چند نمونه از این دست در زیر ارائه شده است:

خانم لیانگ ژیچین و سایر تمرین‌کنندگان فالون گونگ در پاییز سال ۲۰۰۰ به بیمارستان آنکانگ تانگشان منتقل شدند و تحت تزریق داروهای آسیب‌رساننده به سیستم عصبی قرار گرفتند. بعداً اکثر این تمرین‌کنندگان اظهار داشتند که تزریقات دردناک بودند و منجر به عوارض جانبی شدید و طولانی‌مدتی شدند. این عوارض شامل این موارد بود: ناراحتی قلبی، سفتی زبان، تغییر شدید طرز راه‌رفتن، عصبی‌شدن، افکار غیرطبیعی، کدرشدن چشم‌ها و ازدست‌دادن حافظه.

خانم لیانگ ژیچین دچار نارسایی قلبی شد و پس از تزریق داروهای روانی دو بار دچار شوک شد. او به مدت سه سال نمی‌توانست از خودش مراقبت کند تا اینکه در نهایت در سال ۲۰۰۹ درگذشت.

تمرین‌کننده دیگری به نام خانم لی فنگژن، بعد از تزریق داروهای نامعلوم در بیمارستان آنکانگ حافظه‌اش را به‌شدت از دست داد. نمی‌توانست از خودش مراقبت کند و لاغر و نحیف شده بود.

تمرین‌کننده یانگ بائوچون از هاندان در استان هبی در سال ۲۰۰۲ در اردوگاه کار اجباری هاندان شکنجه شد که منجر به قطع شدن پای راستش شد. اردوگاه کار اجباری او را سه بار به بیمارستان آنکانگ هاندان فرستاد و در آنجا ۵ سال تحت تزریق داروهای آسیب‌رساننده به سیستم عصبی قرار گرفت. سرانجام در سال ۲۰۰۹ که خانواده‌اش او را به خانه برد، او واقعاً تبدیل به یک بیمار روانی شده بود.

۴.۳.۱ سوءرفتار روانی منجر به دیوانگی زنی جوان می‌شود^{۲۰}

بامداد ۱۳ فوریه ۲۰۱۵ موضوع وحشتناکی در روستایی در شهر لای‌یانگ استان شان‌دونگ کشف شد. روستاییان جسد زنی حدوداً ۳۰ ساله را پیدا کردند که در چاهی شناور بود. این جسد بعداً شناسایی و مشخص شد که متعلق به لیو ژیمی است.

خانم لیو که دانشجویی باهوش با رؤیاهای بزرگ بود، پس از اینکه در ۲۱ سالگی به‌خاطر امتناع از رهاکردن باورش به فالون گونگ از دانشگاه چین‌هوا (معروف به ایم‌آی‌تی چین) اخراج شد، آرزوهایش به بن‌بست رسید. خانم لیو دستگیر و شش سال در زندان حبس و مکرراً به او دارو خورانده شد. درست قبل از آزادی او در سال ۲۰۰۸، او تحت تزریق دوز بالایی از داروهایی نامعلوم قرار گرفت.

خانواده‌اش بعداً مشکوک شدند که احتمالاً این موضوع علت روان‌پریشی‌های طولانی‌مدت او است. او حرف‌های مزخرف و بی‌ربط می‌زد و دستانش را طوری در هوا تکان می‌داد که گویا در حال دویدن است. شب‌ها تختش را خیس می‌کرد و روی تشکی می‌خوابید که با ادرار خیس شده بود. وقتی از او سئوال می‌کردند، یا سکوت می‌کرد یا سئوال را «۲۱ سال» اعلام می‌کرد. ظاهراً زمان برایش در ۲۱ سالگی متوقف شده بود.

خانم لیو هفت سال پس از آزادی‌اش از زندان درگذشت. این زن جوان یکی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ متعدد از استان شاندونگ بود که در زمان حبس به دلیل ایمانش در معرض آزار و اذیت روانی قرار گرفت.

۴.۳.۱ (الف) مرگ‌های بیشتر بر اثر سوءرفتار روانی

سه تمرین‌کننده دیگر فالون گونگ از استان شاندونگ بر اثر سوءرفتار روانی درگذشتند.

مورد ۱: سو گانگ

سو گانگ اهل شهر زیبو بود و به‌عنوان مهندس نرم‌افزار برای شرکت پتروشیمی سینوپک چیلو کار می‌کرد. در ۲۳ مه ۲۰۰۰، این فرد ۳۲ ساله را گرفتند و به بیمارستان روانی ویفانگ برند.

آقای سو هر روز تحت تزریق داروها و مواد شیمیایی نامعلوم قرار می‌گرفت که باعث آسیب شدید به سیستم عصبی‌اش می‌شد. وقتی خانواده‌اش از بازداشتش و سوءرفتار با او مطلع شدند، عموییش سو لیانشی در اعتراض دست به اعتصاب غذا زد. مسئولان بیمارستان این جوان را آزاد کردند و به پدرش سپردند.

اما نه روز تزریق دارو به او آسیب زیادی رسانده بود. سو گانگ بی‌جان و بی‌حس به‌نظر می‌رسید و چشمانش کدر بود. به‌شدت ضعیف شده بود، صورتش رنگ‌پریده و بدنش سفت شده بود و در صبح روز ۱۰ ژوئن درگذشت.

مورد ۲: شو گویی چین

پس از اینکه شو گویی چین ۳۸ ساله از حبسش به دلیل تمرین کردن فالون گونگ آزاد شد، پزشک به خانواده‌اش گفت که به‌دقت مراقبش باشند و اجازه ندهند که به‌تنهایی به این طرف و آن طرف برود. زندگی‌اش در معرض خطری جدی بود.

درست قبل از آزادی، چهار آمپول از داروهای آسیب‌رساننده به سیستم عصبی به او تزریق شده بود. در نتیجه صورتش متورم و زبانش سفت شده بود. از آنجاکه نمی‌توانست غذا بخورد، لاغر و نحیف شده بود. بدنش بی‌حس بود و حافظه‌اش را به‌شدت از دست داده بود.

در خانه، وضعیت جسمی و روحی شو گویی چین هر روز بدتر می‌شد. او نه روز بعد، در ۱۰سامبر ۲۰۰۲، درگذشت.

مورد ۳: ژانگ دژن

در حالی که ژانگ دژن ۳۸ ساله در بازداشتگاه منگیین حبس بود، کارمند وانگ چونشیائو و پزشکی از بیمارستان منگیین داروهای نامعلومی را به او تزریق کردند. او در وضعیتی بحرانی قرار گرفت. در ۳۱ ژانویه ۲۰۰۳ پس از اینکه پزشکان مجدداً داروهای نامعلومی را به خانم ژانگ تزریق کردند، او درگذشت.

افراد درگیر در مرگ او لی یانچنگ از اداره ۶۱۰ منگیین، رئیس بازداشتگاه سان کهای، و رئیس بیمارستان گوئو شینگ‌باؤ بودند.

۱.۴ دستگاه قضایی‌ای که به‌طور غیرمسئولانه و غیراخلاقی عمل

می‌کند

همانطور که قبلاً بحث شد، جیانگ زمین به اداره ۶۱۰ قدرتی ورای کل سیستم قضایی و اجرای قانون داد. او همچنین مجموعه‌ای از دستورات مخفیانه را علیه تمرین‌کنندگان فالون گونگ صادر کرد، از جمله اینکه «اعتبارشان را از بین ببرید، آنها را از نظر مالی

ورشکسته و از نظر جسمی نابود کنید» و «آنها را تا حد مرگ کتک بزنید و مرگشان را خودکشی به حساب آورید» و «بدون تأیید هویت آنها جسدشان را بسوزانید.»

در نتیجه وقتی موضوع به تمرین‌کنندگان فالون گونگ می‌رسد، هیچ چیزی افراطی تلقی نمی‌شود. تحت فشار و دستورات اداره ۶۱۰، سیستم قضایی همه تلاشش را به کار می‌گیرد تا علیرغم فقدان مبنای قانونی احکام صادره برای تمرین‌کنندگان، آنها را به پشت میله‌های زندان بیندازد.

نتیجه نهایی این است که پلیس برای دستگیری تمرین‌کنندگان نیاز به هیچ شرط و شروطی ندارد، دادستانی‌ها هیچ گونه صلاحیتی برای تنظیم ادعاهای ساختگی علیه آنها ندارند و دادگاه‌ها با صدور حکم‌های سنگین از پیش تعیین شده موافقت می‌کنند.

۱.۴.۱ دستگیری به دلیل برگزاری کنفرانس مطبوعاتی^{۳۱}

در حالی که رسانه‌های خبری در داخل و خارج چین تهمت‌های منتشر شده در رسانه‌های تحت کنترل ح‌ک‌چ را تکرار می‌کردند، حدود ۳۰ تمرین‌کننده فالون گونگ در ۱۲۸ اکتبر ۱۹۹۹ موفق شدند یک کنفرانس مطبوعاتی در حومه پکن برگزار کنند. آنها دروغ‌های جیانگ زمین را افشا کردند و اولین فرصت را برای رسانه‌های بین‌المللی فراهم کردند تا درک مستقیمی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ در سرزمین اصلی چین به دست آورند.

در ۱۲۸ اکتبر، گزارش‌های آسوشیتدپرس و رویترز دیگر در سراسر جهان پخش شده بود. روز بعد، نیویورک تایمز عکس‌ها و ماجرای این کنفرانس مطبوعاتی را در صفحه اول خود منتشر کرد. در آن زمان، تمرین‌کنندگان در ایالات متحده درباره وضعیت فالون گونگ در چین به مقامات دولتی در واشنگتن دی‌سی اطلاع‌رسانی می‌کردند. وقتی مقامات این گزارش‌ها را می‌خواندند، شجاعت تمرین‌کنندگان را در چین تحسین می‌کردند.

ساوت چاینا مورنینگ پست (اس‌سی‌ام‌پی)، مؤثرترین روزنامه انگلیسی در آسیا، این کنفرانس مطبوعاتی را با عکس‌های بزرگی که یک صفحه کامل را پر می‌کرد، پوشش داد. بسیاری از روزنامه‌های مهم در اروپا نیز این ماجرا را به‌طور برجسته پوشش دادند.

تمرین‌کنندگانی که در این کنفرانس مطبوعاتی شرکت کردند، همگی در نهایت دستگیر شدند. آقای جیانگ ژائوهویی که در آن زمان ۳۶ ساله بود، به ۵ سال حبس محکوم شد. خانم دینگ یان که در آن زمان ۳۱ ساله بود، به سه سال حبس محکوم شد. او در ۱۸ اوت ۲۰۰۱ بر اثر شکنجه در زندان چنگده درگذشت. آقای کای مینگتائو که در آن زمان ۲۷ ساله بود، به یک مرکز شستشوی مغزی در استان هوبی فرستاده شد و در حالی که به او دست‌بند و پابند زده بودند، اغلب کتک و لگد می‌خورد. او در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۰ درگذشت.

۲.۴.۱ حبس به دلیل نصب پوسترها

از آنجاکه کلیه کانال‌های قانونی برای اعتراض به آزار و شکنجه بسته بوده است، تمرین‌کنندگان فالون گونگ با چاپ و توزیع فلایر و بروشورها و نیز برافراشتن بنر و پوستر در اماکن عمومی درباره این گرفتاری خود اطلاع‌رسانی کرده‌اند.

آقای وانگ بائوشان، تمرین‌کننده فالون گونگ در شهر تانگشان استان هبی به پنج سال و شش ماه حبس و پرداخت ۲۰ هزار یوان جریمه محکوم شد، چراکه پلیس مظنون شد که او بنری را برافراشته که رویش نوشته شده است: «جهان به حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری نیاز دارد (真善忍)».^{۲۲}

او در ۳ ژوئیه ۲۰۱۷ در محل کارش و چند روز پس از پیدا شدن این بنر در محله‌ای در ۲۹ ژوئن دستگیر شد. پلیس ادعا کرد مردی که در فیلم دوربین‌های نظارتی در حال آویزان کردن این بنر دیده شده است، آقا وانگ است، اما دادستانی منطقه فنگران دو بار پرونده او را با استناد به ناکافی بودن مدارک برگشت داد.

پلیس برای سومین بار تلاش کرد و پس از آن پرونده به دادستانی شهر زونخوا واگذار شد که قبل از ارسال پرونده به دادگاه شهر زونخوا کیفرخواستی را علیه آقای وانگ تنظیم کرد.

آقای وانگ در تاریخ ۹ مه ۲۰۱۸ در دادگاه حاضر و در ۱۲ ژوئیه محکوم شد. این حکم بیانگر این بود که در حالی که ادعای آویزان کردن بنر فوق‌الذکر توسط آقای وانگ ثابت نشده و غیرقابل قبول است، اما کتاب‌های فالون گونگ، مطالب اطلاع‌رسانی و چاپگر توقیف‌شده از خانه آقای وانگ مدارکی کافی برای محکوم کردن او است.

اگرچه مسئولان دادگاه تلاش کردند جلوی درخواست تجدیدنظر او را بگیرند، وکیلش موفق شد اسناد تجدیدنظر او را در تاریخ ۳۰ ژوئیه ارائه دهد. وکیل پس از آن بارها با دادگاه میانی تانگشان تماس گرفت و به نقض روند قانونی دادگاه و محاکمه اعتراض و درخواست کرد یک جلسه دادرسی عمومی برای درخواست تجدیدنظر موکلش برگزار شود.

در ۱۸ اکتبر بود که وکیل متوجه شد دادگاه میانی در ۱۰ سپتامبر تصمیمش را اتخاذ و بدون برگزاری جلسه دادرسی، حکم اولیه را تأیید کرده است. در تاریخ ۲۲ اکتبر که وکیل برای بازدید از موکلش به بازداشتگاه رفت، مأموری به او گفت که آقای وانگ در ۱۷ اکتبر به زندان شماره ۲ جیدونگ منتقل شده است. همسر آقای وانگ در ۵ نوامبر به این زندان رفت، اما به او اجازه ندادند با شوهرش ملاقات کند تا اینکه بارها درخواست کرد و در نهایت یکی از مسئولان زندان با نام خانوادگی چه از این ملاقات فیلم گرفت و گفت که اگر آقای وانگ از رهاکردن اعتقاد خود اجتناب کند، ملاقات‌های آینده همگی لغو خواهند شد. همسرش متوجه شد که آقای وانگ مجبور شده است نه ساعت در روز در یک واحد خیاطی کار کند و بوی تند و زننده پارچه‌ها او را بیمار کرده است.

آقای وانگ علیه آنهایی که او را بدون مبنای قانونی دستگیر کرده و تحت آزار و اذیت قرار داده بودند، شکایت کرد. خانواده‌اش نیز شکایت‌نامه‌هایی را به دادستانی عالی خلق ارسال کردند، اما پاسخی دریافت نکرده‌اند.

۳.۴.۱ دستگیری در دوره بازی‌های المپیک و سایر تاریخ‌های «حساس»^{۲۳}

پلیس در چین اغلب حوالی تاریخ‌های حساس مانند سال نو چینی و کنفرانس‌های مهم حزب کمونیست، دست به دستگیری‌های گسترده تمرین‌کنندگان فالون گونگ می‌زند. برای نمونه تأیید شده است که ۴۰۵ تمرین‌کننده در مارس ۲۰۱۵ دستگیر شدند، در حالی که ۱۲۳ نفر محاکمه و ۸۱ نفر به‌طور غیرقانونی محکوم شدند. بیشتر دستگیری‌ها در نیمه اول ماه در طول جلسات قانون‌گذاری ح‌ک‌چ صورت گرفت، از جمله دوازدهمین کنگره ملی خلق (۵ تا ۱۵ مارس) و دوازدهمین کنفرانس مشاوره سیاسی خلق چین (۳ تا ۱۳ مارس).

در ماه مه سال ۲۰۰۸، پلیس در بسیاری از مناطق چین به بهانه حفظ امنیت بازی‌های المپیک دست به دستگیری مخفیانه تمرین‌کنندگان فالون گونگ زد.

در ۲۱ مه ۲۰۰۸، آقای شائو چانگپو و خانم فو لیهونگ در شهر سونگیوان دستگیر شدند. پس از آن، پلیس شهر سونگیوان منزل آقای شائو را غارت و خواهر کوچکش را دستگیر کرد.

آقای شائو و خانم فو در بازداشتگاه شهر سونگیوان حبس شدند. فقط دو وعده غذا در روز به آنها داده می‌شد و مجبور بودند بدون دریافت مزد کار کنند. خانم فو لاغر و نحیف شد. آقای شائو به یک سال کار اجباری محکوم و به اردوگاه کار اجباری هیزویزی شهر چانگچون منتقل شد.

تمرین‌کنندگان چو دکای، وانگ یوان‌ژانگ، یان شیانیو، لیو چینگ و سایرین و نیز چن لیشین (که تمرین‌کننده نبود) دستگیر و به اردوگاه کار اجباری بینماهه در شهر جیوتای منتقل شدند. تمرین‌کنندگان لیو شوچین، گائو میان، شو هویی، خانم ژانگ هونگ‌چین، خانم وانگ شوچین، خانم مو گویلینگ و سایرین در اردوگاه کار هیزویزی در شهر چانگچون حبس شدند.

در ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۸، بعد از نیمه‌شب مأموران پلیس شهر سونگیوان و شهرستان فویو به سرپرستی رؤسای امنیتی روستاها دور دیگری از دستگیری و آزاروادیت را با هدف قراردادن تمرین‌کنندگان فالون گونگ در شهرستان فویو به اجرا گذاشتند. خانم وانگ جینشیا از روستای ژانگبائو در شهرک کایجیاگو، دستگیر و در بازداشتگاه فویو بازداشت شد. مأموران اداره پلیس خیابان دائوشی، لی شیائوهویی از شهر سانچاهه را دستگیر و به بازداشتگاه شهرستان فویو منتقل کردند. وانگ انهویی از یوشوگو موفق به فرار شد. پلیس همچنین سایر افرادی که قبلاً در این شهرک فالون گونگ را تمرین می‌کردند تحت آزاروادیت قرار داد.

گفته شده است که پلیس دستگیری‌ها را طبق فهرست تمرین‌کنندگانی که قبل از سال ۱۹۹۹ اسامی‌شان را جمع‌آوری کرده بود، انجام داد. بعضی از افراد موجود در این فهرست تمرین‌کردن را کنار گذاشته یا درگذشته بودند، اما به‌هرحال پلیس خانواده‌های‌شان را اذیت می‌کرد و گاهی آنها را با خود می‌برد. وانگ کویشیانگ ۴۸ ساله از شهر زوپینگ شاندونگ قبل از بازی‌های المپیک پکن تحت آزار و شکنجه قرار گرفت. او در اردوگاه کار اجباری وانگ کون شکنجه شد تا اینکه وضعیت سلامتی‌اش به‌شدت رو به وخامت گذاشت. او دیگر نمی‌توانست از خودش مراقبت کند و در نوامبر ۲۰۱۰ درگذشت.

۴.۴.۱ زنی آنقدر کتک می‌خورد که از هوش می‌رود، پلیس به‌جای کمک دستگیرش می‌کند^{۲۴}

خانم هانگ شیژن در شب ۱۲مه ۲۰۱۹م درحالی‌که بنرهای حاوی پیام‌هایی درباره فالون گونگ را آویزان می‌کرد، تعقیب شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفت. مهاجم سر خانم هانگ را روی زمین نگه داشت، رویش نشست و به سرش مشت زد. سر خانم هانگ پر از خون شد و صورتش از شکل افتاد. چهار دندان جلویی افتاد و خون از دهانش فواره می‌زد. بینی‌اش نیز شکست و از هوش رفت.

مهاجم در جریان این حمله با کسی تماس گرفت. بعد از مدت کوتاهی چند اتومبیل پلیس آمدند. آنها به‌جای پرس‌وجو از مهاجم یا دستگیری او، خانم هانگ را به اداره پلیس شهرک وانچوآن بردند.

پلیس تلاش کرد خانم هانگ را در تاریخ ۱۳مه ۲۰۱۹م، به بازداشتگاه ژانگجیاکو منتقل کند، اما پس از معاینه پزشکی و تشخیص پرفشاری خون و زخم‌های شدید ناشی از ضرب و شتم، چاره‌ای جز آزادکردن او نداشت. بینی خانم هانگ شکسته بود، دندان‌هایش افتاده بود و در بافت نرم صورت و سینه‌اش جراحت‌هایی داشت.

۵.۴.۱ یک اداره پلیس، چند مورد مرگ، قساوت‌های بی‌شمار^{۲۵}

آقای هوانگ گوئودونگ، یک تمرین‌کننده فالون گونگ در استان هیلونگ‌جیانگ، در ۱۳۱ اکتبر ۲۰۱۷م درگذشت. به‌دلیل آزار و اذیت جسمی و روانی که آقای هوانگ در زمان بازداشتش متحمل شده بود، چند ماه پیش از مرگ در غذا خوردن و رفتن به توالت مشکل داشت.

آقای هوانگ ابتدا در اداره پلیس نان‌شان و سپس در زندان مودانجیانگ حبس شد. به‌خاطر باورش به فالون گونگ، او در هر دو مکان تحت شکنجه قرار گرفت. در اداره پلیس نگهبانان او را از دو شست دستش آویزان کردند و مورد ضرب و شتم قرار دادند. پس از اینکه بر اثر شدت درد بی‌هوش شد، آنها با سکه‌هایی دنده‌هایش را ساییدند و خلال دندان به نوک انگشتانش می‌زدند تا او را بیدار کنند. به‌محض اینکه به‌هوش می‌آمد مجدداً اعمال شکنجه را شروع می‌کردند.

موقعیتی که آقای هوانگ در آن بود، منحصر به فرد نبود. بسیاری از تمرین‌کنندگان دیگر مانند خانم گائو بینگرونگ و آقای کویی کویی نیز به خاطر تمرین کردن فالون گونگ در این اداره پلیس متحمل درد و رنج بسیار شدیدی شدند، به طوری که این دو تمرین‌کننده بر اثر آزار و اذیت جسمی و روانی جانشان را از دست دادند. تمرین‌کنندگان دیگری مانند آقای ژائو جون بر اثر شکنجه فلج شدند.

۵.۴.۱ (الف) خانم گائو بینگرونگ: شکنجه منجر به فروپاشی ذهنی و مرگش

شد

خانم گائو در شهرک تیه‌لینگهه، جایی که اداره پلیس نان‌شان قرار دارد، زندگی می‌کرد. تمرین کردن فالون گونگ سلامتی و زندگی خانوادگی او را بهبود بخشید. در فوریه ۲۰۰۱ میانو چیانگ، معاون رئیس اداره پلیس نان‌شان، و چند مأمور دیگر او را دستگیر کردند.

شش مأمور مرد از ساعت ۷ شب تا ۱:۳۰ بامداد روز بعد خانم گائو را مورد ضرب و شتم قرار دادند که منجر به آسیبی جدی شد. همزمان میانو، خانم گائو را مجبور کرد تا به بنیان‌گذار فالون گونگ دشنام دهد و کتاب‌های فالون گونگ را لگدکوب و آنها را پاره کند. مسئولین به جای درمان جراحات خانم گائو، او را به بازداشتگاه مودانجیانگ بردند.

وقتی خانم هوانگ در بازداشتگاه پذیرش شد، فلج شده و صورت و دست و پایش متورم بود. چشمانش دو خط باریک شده بود و چند توده به اندازه تخم مرغ روی سرش دیده می‌شد. دائماً فریاد می‌زد و خودش را جمع می‌کرد، گویا می‌خواهند کتکش بزنند. هر وقت این اتفاق می‌افتاد، نگهبانان و زندانیان مجبور بودند او را روی زمین نگه دارند. او هر روز بدتر می‌شد و حدود یک سال پس از آزادی‌اش درگذشت.

۵.۴.۱ (ب) آقای سویی سونیی: شکستگی پنج استخوان دنده و سیاه شدن کل

ریه

آقای سویی سونیی، تمرین‌کننده ۵۴ ساله فالون گونگ، به خاطر آزار و شکنجه مجبور شد دور از خانه زندگی کند. یکی از مأموران پلیس محلی به خانواده‌اش گفت: «به او

بگویند برگردد و مشکلی برایش ایجاد نخواهد شد.» کمی بعد از اینکه آقای سویی بازگشت، پلیس در ۱۳ مه ۲۰۰۲ او را دستگیر و به اداره پلیس نان‌شان برد. دو روز بعد خبر مرگ او به خانواده‌اش داده شد. معاینه جسدش پس از مرگ نشان داد که تمام بدن آقای سویی کبود شده بود، پنج استخوان دنده‌اش شکسته، یکی از ریه‌هایش تماماً سیاه، چشمانش متورم و پاهایش سیاه شده بود. اما نتایج معاینه پس از مرگش، به خانواده‌اش داده نشد و آنها حتی اجازه نداشتند از جسد یا نتایج معاینه عکس یا فیلم بگیرند.

وقتی اعضای خانواده‌اش تصمیم گرفتند به استانداری استان هیلونگ‌جیانگ دادخواهی کنند، پلیس برای متوقف کردنشان آنها را از استفاده از هرگونه وسیله نقلیه عمومی منع کرد. پس از درخواست‌های مداوم از سوی اعضای خانواده و دادخواهی آنها به استانداری و پکن، اداره پلیس مودانجیانگ به خانواده‌اش ۵۰۰ هزار یوان پرداخت کرد. به دلیل وجود پرونده‌هایی مانند پرونده آقای سویی، اداره حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ نام اداره پلیس نان‌شان را در یکی از گزارش‌های نقض حقوق بشر خود آورد و با صدور بیانیه‌ای خواهان بازرسی مشترک شد، اما هیچ یک از مقامات مسئول شناخته نشدند.

۵.۴.۱ (پ) آقای ژائو جون: وارد کردن خلال دندان به زیر ناخن انگشتان و معلولیت

مسئولین اداره پلیس نان‌شان اغلب به زیر ناخن انگشت تمرین‌کنندگان خلال دندان فرو می‌کردند. شیه چونسنگ، رئیس اداره پلیس و میائو در ۲۴ فوریه ۲۰۰۱ به خانه آقای ژائو جون مراجعه کردند. شیه از آقای ژائو خواست برای گفتگویی بیرون بیاید. به محض اینکه آقای ژائو پایش را از در بیرون گذاشت درحالی‌که هنوز دمپایی به پا داشت، مأموران به زور او را داخل ون پلیس بردند و به اداره پلیس منتقل کردند.

آن شب سه بار دست و پای آقای ژائو را محکم بستند و او به خاطر درد شدید سه بار بی‌هوش شد. سپس نگهبانان برای بیدار کردنش استخوان‌های دنده‌اش را با سکه خراشیدند و خلال دندان به زیر ناخن انگشتانش وارد کردند. دستانش چنان شدید

آسیب دیده بود که معاینه پزشکی تأیید کرد معلولیتش به دلیل آسیب وارده به اعصابش است.

وقتی مأموران دیدند که این شکنجه برای تسلیم کردن آقای ژائو کافی نیست، پسرش ژائو دان را که دانشجوی دانشکده پزشکی است و فالون گونگ را تمرین نمی‌کرد، دستگیر کردند. آنها به ژائو دان دستبند زدند و او را به لوله‌های شوقاژ بستند و سرش را با پتوهای ضخیمی پوشاندند، به طوری که نزدیک بود خفه شود. همچنین او را از دسترسی به آب و توالت محروم کردند. صبح روز بعد، دو مأمور ژائو دان را نزد آقای ژائو بردند و فریاد زدند: «هی! به پسر ت نگاه کن!» سپس فوراً ژائو دان را بردند. با توجه به اینکه آقای ژائو خودش فقط طی یک شب چنان مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود که فلج شده بود، نگران بود که پسرش نیز تا حد فلج شدن مورد ضرب و شتم قرار گیرد. او با عصبانیت و اندوه پاسخ داد: «پسرم را آزاد کنید و هر اتهامی که وارد کنید را خواهم پذیرفت.» پلیس ۵۰۰۰ یوان از خانواده‌اش اخاذی کرد و ژائو دان را آزاد کرد.

۵.۴.۱ (ت) آقای هوانگ گوئودونگ: خون سراسر اتاق ریخته بود

آقای هوانگ در یک کارخانه کار می‌کرد و سختکوشی و سخاوتمندی در کمک به دیگران احترام بسیاری در بین همکاران و همسایگان برایش ایجاد کرده بود. می‌گفت که تمرین کردن فالون گونگ او را سالم‌تر و خوش‌فکرتر کرده است. یک بار گفت: «فالون گونگ و اصول حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری (真善忍) بهترین هستند. نمی‌توانم بدون آنها زندگی کنم.»

آقای هوانگ و پسرش به خاطر توزیع مطالب اطلاع‌رسانی افشاکننده آزار و شکنجه فالون گونگ، در اواخر فوریه ۲۰۰۱ دستگیر و به اداره پلیس نان‌شان برده شدند.

میائو چیانگ و سایر مأموران شست‌دستانش را به هم بستند، او را از شست‌آویزان و شروع به ضرب و شتم او کردند. پس از اینکه بی‌هوش شد، برای بیدارکردنش استخوان‌های دنده‌اش را با سکه خراشیدند و به نوک انگشتانش خلال دندان وارد کردند. همین شکنجه را به آقای ژائو نیز وارد کردند و بعد از آن او را تحت شکنجه‌های دیگری قرار دادند. با اینکه آقای هوانگ از درد فریاد می‌کشید، اما این شکنجه ۲۴

ساعت ادامه یافت. سرش متورم و در سراسر بدنش کیبودی‌هایی ایجاد شد. دچار بی‌اختیاری در دفع ادرار و مدفوع نیز شد. سراسر اتاق پر از خون شده بود.

اما آن فقط شروعش بود. مأموران به او دستبند زدند، پاهایش را با زنجیر به هم بستند، در بازداشتگاه حبسش کردند و میائو و سایر مأموران به ضرب و شتم او ادامه دادند. همسر آقای هوانگ با اداره ۶۱۰ و اداره پلیس تماس گرفت و خواهان آزادی او شد. اما درخواستش رد شد و در عوض پلیس به نوبت از او درخواست پول می‌کرد. یکی از زندانیان که در سالن غذاخوری کار می‌کرد، می‌گفت که به آنها گفته شده داروی نامعلومی به غذای آقای هوانگ اضافه کنند تا دائماً دچار اسهال شود. سپس نگهبانان برای اینکه باور آقای هوانگ را دچار تزلزل کنند از او که در جریان نقشه آنها نبود، می‌پرسیدند که چرا تمرین‌های فالون گونگ سلامتی‌اش را بهبود نبخشیده است.

آزار و اذیت جسمی و داروهای نامعلوم باعث لاغری بسیار شدید آقای هوانگ شد به طوری که بعد از حدود ۱۰ ماه او در وضعیت سلامتی بسیار ضعیفی قرار گرفت. در گزارش سال ۲۰۰۱ اداره حقوق بشر سازمان ملل متحد به پرونده او اشاره شده است. اما به جای آزاد کردن آقای هوانگ، او را در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱ محاکمه کردند. او آنقدر ضعیف بود که نمی‌توانست در دادگاه صحبت کند، اما با این وجود او را به ۱۰ سال حبس محکوم کردند. او را به زندان مودانجیانگ فرستادند و در آنجا در معرض سرمای شدید و گرسنگی و انواع واقسام شکنجه‌ها از جمله وارد کردن شوک با باطوم الکتریکی به شرمگاه و مقعدش قرار گرفت.

تعداد زیادی از تمرین‌کنندگان دیگر نیز به طور مشابه مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. آقای ژانگ یولیانگ در سال ۲۰۰۱ مورد ضرب و شتم از سوی میائو قرار گرفت. اعضای داخلی‌اش آسیب دید و مدت زیادی خون در ادرارش دیده می‌شد. با وجود این، او را به پنج سال حبس محکوم کردند. پس از اینکه اقوامش در کانادا پرونده‌اش را به دولت کانادا منعکس کردند، وزیر امور خارجه کانادا جان بایرد در پاسخ نوشت که او از نزدیک با نخست‌وزیر استفان هارپر در این خصوص کار کرده تا برای آزادی تمرین‌کنندگان فالون گونگ بازداشت‌شده با دولت چین تماس بگیرند.

۶.۴.۱ نقض روندهای قانونی در محاکمه یک تمرین‌کننده فالون گونگ، از سوی

پلیس، دادستانی و دادگاه^{۲۶}

بانویی ۴۸ ساله در شهر گویبی‌یانگ به دلیل اجتناب از رها کردن فالون گونگ، به ۴ سال و ۶ ماه حبس محکوم شد.

خانم ژانگ جوهورنگ به فالون گونگ باور دارد، چراکه این تمرین امید به زندگی را برایش به‌ارمغان آورد. شوهر اولش فقط چند سال پس از ازدواج‌شان بر اثر یک اشتباه پزشکی درگذشت. پسرشان در ۱۲ سالگی غرق شد. او دوباره ازدواج کرد، اما شوهر دومش فقط می‌دانست چطور سیگار بکشد، الکل بنوشد و او را کتک بزند.

این زندگی فلاکت‌بار تأثیر بدی بر وضعیت سلامتی او گذاشت. سپس با فالون گونگ آشنا شد و این تمرین علاقه به زندگی را دوباره در او ایجاد کرد. او نه تنها سالم و تندرست شد، بلکه رابطه تیره خود با شوهرش را نیز بهبود بخشید. بنابراین وقتی آزار و شکنجه فالون گونگ در ماه ژوئیه سال ۱۹۹۹ آغاز شد، هرگز در ایمانش دچار تزلزل نشد.

طلب خانم ژانگ برای سلامتی و شادی سبب شد پلیس بارها او را دستگیر کند. آخرین دستگیری او در ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۶ صورت گرفت و در ۱۳ فوریه ۲۰۱۸ در دادگاه حاضر شد. وکیلش، آقای لی گویی‌شنگ، در ۲ مارس مطلع شد که او محکوم شده است. او موافقت کرد به وکالت خانم ژانگ ادامه دهد، چراکه موکلش برای حق آزادی که در قانون اساسی تصریح شده، مبارزه می‌کرد. او به خانم ژانگ کمک کرد تا درخواست تجدیدنظرش را به دادگاه میانی شهر گویبی‌یانگ ارائه دهد.

پلیس محلی، دادستانی و دادگاه منطقه هواشی همگی در حالی که برای آزار و شکنجه تلاش کردند، در پرونده خانم ژانگ به‌خاطر باورش، روندهای قانونی را نقض کرده‌اند. خانواده خانم ژانگ در حال تنظیم شکایت از افراد و نهادهای مسئول در این زمینه، به کمیته انضباطی و نظارت شهر گویبی‌یانگ هستند.

(الف) ارائه نکردن مدارک ادعا شده برای پیگرد از سوی پلیس

دادستان ژائو تینگ‌سونگ به دو مدرک علیه خانم ژانگ اشاره کرد. اولین مدرک این بود که او به هنگام توزیع مطالب اطلاع‌رسانی فالون گونگ دستگیر شده بود. مأموران لو جیسونگ و چن دونگ‌هاؤو به‌عنوان شاهد احضار شدند. آنها ادعا کردند وقتی خانم ژانگ را در ۱۷ آوریل ۲۰۱۴ دستگیر کردند، ۷۵ نسخه از انواع مطالب فالون گونگ را نزد او پیدا کردند.

وکیل خانم ژانگ درخواست کرد که مطالب را در دادگاه ببیند، مأموران ادعا کردند که آنها را در «جایی» دور انداخته‌اند. همچنین نتوانستند توضیح دهند که چرا از مطالب توقیف‌شده از خانم ژانگ طی بازداشت قبلی‌اش در سال ۲۰۱۴ استفاده کرده‌اند، نه مطالب توقیفی مربوط به دستگیری او در سال ۲۰۱۶.

(ب) استفاده از شکایت قانونی علیه جیانگ زمین به‌عنوان مدرکی برای پیگرد

دومین مدرک پیگرد، شکایت کیفری خانم ژانگ از دیکتاتور سابق چین، جیانگ زمین در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۵ بود.

وکیل خانم ژانگ استدلال کرد که این حق قانونی موکلش است که از جیانگ به‌خاطر راه‌اندازی آزار و شکنجه فالون گونگ که بدون مبنای قانونی است، شکایت کند و او را مسئول بداند.

وکیل در ادامه سؤال کرد که چگونه پلیس می‌تواند به این شکایات دسترسی داشته باشد؛ شکایاتی که به دادستانی و دادگاه عالی خلق ارسال شده‌اند. او مزنون بود که یا پلیس مانع ارسال این شکایات شده یا اینکه این شکایات را از این دو نهاد دریافت کرده است.

دادستان ژائو ادعا کرد که اداره استانی مبارزه با فرقه‌ها شکایات کیفری خانم ژانگ را بررسی و تأیید کرده است که آنها مطالب مربوط به فالون گونگ هستند. وکیل تأکید کرد که هیچ قانونی در چین، فالون گونگ را جرم نمی‌داند یا برچسب فرقه به آن نمی‌زند. او همچنین استدلال کرد که اداره مبارزه با فرقه‌ها هیچ گونه اختیار قانونی برای تأیید مدارک پیگرد قانونی ندارد.

(پ) نادیده گرفتن ۸۱ «روز بازداشت»

مدت کوتاهی پس از دستگیری خانم ژانگ، او به مرکز شستشوی مغزی لان‌نیگو فرستاده شد، ۸۱ روز در آن مرکز حبس و سپس به بازداشتگاه شماره یک شهرگویی‌یانگ منتقل شد. اما پلیس و دادستانی هرگز در کیفرخواست او به این ۸۱ روز حبس اشاره نکردند.

در طول جلسه دادرسی، وکیل خانم ژانگ پرسید که آیا پلیس قبل از پرونده‌سازی علیه کسی باید درباره او تحقیق کند یا این جریان برعکس است. مأموران لو و چن پاسخ دادند که ابتدا باید تحقیق صورت گیرد.

وکیل سؤال کرد که چرا موکلش قبل از هر گونه تحقیق ۸۱ روز بازداشت شد و در کیفرخواستش هیچ اشاره‌ای به این ۸۱ روز بازداشت نشده است. پلیس هیچ پاسخی نداشت. وکیل گفت که این ۸۱ روز بازداشت کاملاً غیرقانونی است. قاضی ژانگ دکای به او هشدار داد که از کلمه «غیرقانونی» استفاده نکند. از آنجاکه این ۸۱ روز بازداشت در کیفرخواست ذکر نشده بود، این مدت بازداشت در محکومیت او به چهار سال و شش ماه زندان منظور نگردید.

(ت) مسئولین دادگاه برای اخراج وکیل خانم ژانگ، او را تحت فشار قرار دهند

کارمند ژانگ لی (که هیچ نسبتی با خانم ژانگ ندارد) و معاون وو از دادگاه منطقه هواشی در عرض سه روز سه بار به بازداشتگاه رفتند، اما نتوانستند خانم ژانگ را مجبور کنند وکیلش را اخراج کند.

ژانگ و وو اولین بار در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۷ نزد خانم ژانگ رفتند و سه ساعت با او صحبت کردند. آنها هشدار دادند که استفاده از وکیل برایش خوب نخواهد بود و بهتر است خودش در دفاعیه‌اش شهادت دهد. خانم ژانگ در پاسخ به درخواست آنان نه موافقت کرد و نه مخالفت خود را اعلام کرد. این دو دوباره در ساعت ۱۰ صبح ۲۵ دسامبر نزد او رفتند و این بار قول دادند که اگر وکیلش را اخراج کند، به او آزادی مشروط می‌دهند و در ماه ژانویه ۲۰۱۸ آزادی می‌کنند. خانم ژانگ گفت که اخراج کردن وکیلش مسئله‌ای

نیست، اما او درخواست تبرئه دارد. آنها گفتند که پاک کردن تمام اتهامات علیه او غیرممکن است.

آنها ساعت ۷ عصر همان روز برگشتند تا ببینند آیا خانم ژانگ نظرش را درباره اخراج وکیلش تغییر داده است یا خیر. خانم ژانگ گفت که هنوز تصمیم دارد از حق داشتن وکیل استفاده کند. آنها تهدید کردند که حکم سنگینی برایش صادر می‌کنند و سپس رفتند. برخلاف قانون هیچ یک از مکالمات بین این دو و خانم ژانگ ثبت نشد.

(ث) دروغگویی منشی دادگاه درباره درخواست خانم ژانگ برای داشتن وکیل قانونی

در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۷ وکیل خانم ژانگ، آقای لی گویی‌شنگ، نسخه‌ای از کیفرخواست مورخ ۲۸ نوامبر ۲۰۱۷ را دریافت کرد.

دادگاه در ۲۴ دسامبر به او اطلاع داد که موکلش روز بعد محاکمه خواهد شد. طبق قانون، دادگاه باید دست‌کم ۱۰ روز قبل از تاریخ محاکمه، متهمین و وکلای‌شان را مطلع کند. آقای لی در ساعت ۱ بعدازظهر ۲۵ دسامبر به محل دادگاه رسید. هیچ کسی آنجا نبود. ساعت ۴ بعدازظهر منشی ژانگ لی از بیرون آمد.

ژانگ تکه کاغذی را در دست تکان می‌داد و گفت که آن ثبت‌گفته‌های خانم ژانگ است. او اظهار کرد که بازداشتگاه در ۲۲ دسامبر با او تماس گرفته و گفته که خانم ژانگ بسیار احساساتی شده و می‌خواهد یکی از مسئولین دادگاه را ببیند. او گفت که به آنجا رفت و خانم ژانگ گفت که وکیلش کارش را به‌خوبی انجام نمی‌دهد و قصد دارد او را اخراج کند. ژانگ گفت که به خانم ژانگ قول داده اگر در دادگاه اعلام گناه‌کار بودن کند، محکومیت سبک‌تری برایش صادر می‌کنند.

آقای لی حرف‌های ژانگ را باور نکرد، زیرا می‌دانست که خانم ژانگ چقدر در جستجوی اجرای عدالت است و هیچ قانونی در چین فالون‌گونگ را جرم نمی‌دانند. او می‌خواست از این بابت مطمئن شود، اما بازداشتگاه دو بار در تاریخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۷ و ۳ ژانویه ۲۰۱۸ او را از ملاقات با وکیلش منع کرد. نگهبانان سندی صادرشده از سوی دادگاه را به او نشان دادند که برطبق آن بازداشتگاه اجازه هیچ ملاقاتی را با خانم ژانگ نمی‌داد.

آقای لی به دادگاه گفت که قصد دارد به دلیل نقض روند قانونی شکایتی علیه آنها تنظیم کند. ژانگ لی در تاریخ ۴ ژانویه با او تماس گرفت و گفت که خانم ژانگ مجدداً تصمیم گرفته است وکالتش را به او بسپارد.

سپس به آقای لی اجازه دادند با خانم ژانگ دیدار کند. آقای لی متوجه شد که چطور ژانگ لی و وو سعی کردند خانم ژانگ را تحت فشار قرار دهند تا وکیلش را اخراج کند. خانم ژانگ همچنین گفت که ژانگ لی برخلاف ادعایش اصلاً در ۲۲ دسامبر به بازداشتگاه نرفت.

(ج) خانواده مجبور به اخراج مدافع غیروکیل شد

خانم ژانگ یک مدافع غیروکیل به نام آقای ژو جیانژونگ نیز داشت که دایی‌اش بود. آقای ژو نیز فالون گونگ را تمرین می‌کند و می‌داند که آزار و شکنجه فالون گونگ مبنای قانونی ندارد.

آقای ژو درحین تلاش برای دفاع از خواهرزاده‌اش با موانعی مواجه شد. او وکالتنامه امضاء شده از سوی خانم ژانگ را در مارس ۲۰۱۷ به دادگاه ارائه داد. ژانگ لی از او خواست مدرکی دال بر این نشان دهد که هیچ‌گونه سابقه کیفری ندارد. آقای ژو موافقت کرد، اما تا ۱۸ دسامبر به او فرصتی داده نشد تا نامش را پای کاغذهای خواسته شده امضاء کند.

آقای ژو به عنوان یک مدافع توانست پرونده خانم ژانگ را بازبینی کند. او متوجه شد که به شکایت کیفری از جیانگ زمین برچسب مطالب تبلیغاتی فالون گونگ را زده‌اند. او در ۲۱ دسامبر با ژانگ لی تماس گرفت و گفت که می‌خواهد درخواست دهد مدرک ادعاشده برای پیگرد خانم ژانگ، درخصوص شکایت کیفری از جیانگ، را حذف کنند.

او روز بعد به دادگاه رفت، اما نتوانست ژانگ لی را پیدا کند. ۲۲ ژانویه ۲۰۱۸ بود که ژانگ لی و دستیارش را دوباره در جلسه پیش از محاکمه دید. آنها به او گفتند که دیگر اجازه ندارد از خواهرزاده‌اش دفاع کند. او خواست که معاون وو را ببیند و ژانگ لی گفت که نیازی به این دیدار نیست.

در حالی که دو مأمور دادگاه در تاریخ ۲۵ دسامبر خانم ژانگ را در بازداشتگاه تهدید می‌کردند، همان روز یکی از اعضای کمیته خیابانی محلی به خواهرزاده خانم ژانگ هشدار داد که آقای ژو نباید از خانم ژانگ دفاع کند. این عضو کمیته گفت که آقای ژو از بستگان درجه یک خانم ژانگ نیست و بهتر است از او برای این کار استفاده نکنند. در ۲۷ دسامبر خواهرزاده خانم ژانگ و سایر اعضای خانواده‌اش تحت فشار نامه‌ای خطاب به دادگاه نوشتند و طی آن آقای ژو را از سمت وکیل مدافع عزل کردند.

۷.۴.۱ رأیی که یک ماه پیش از جلسه دادرسی مخفیانه دادگاه تصمیم در موردش اخذ شده بود^{۲۷}

در تاریخ ۱۰ ژانویه ۲۰۱۹ یکی از ساکنان شهرستان بینان در دادگاه بینان به دلیل ایمانش به فالون گونگ به ۴.۵ سال حبس محکوم شد. او به زندان جینان منتقل شد. خانواده‌اش هنوز هیچ‌گونه سندی از سوی دادگاه درباره حکم او دریافت نکرده‌اند.

از اوایل اکتبر سال ۲۰۱۸، خانواده آقای دو بیهه شایعاتی را از یکی از آشنایان‌شان که ارتباطات دولتی دارد شنیده بودند، مبنی بر اینکه مسئولان تصمیم گرفته‌اند او را به چهار سال زندان محکوم کنند. این یک ماه پیش از آن بود که جلسات دادرسی مخفیانه او در دادگاه موقت در بازداشتگاه بینان در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۸ برگزار شود. آقای دو، ۵۶ ساله و پدر سه پسر، در ۲۸ مه ۲۰۱۸ دستگیر شد، یعنی اندکی قبل از برگزاری نشست سازمان همکاری شانگهای (اس‌سی‌ا) در شهر چینگ‌دائوی استان شاندونگ در ۹ و ۱۰ ژوئن ۲۰۱۸. گزارش شده است که پلیس او را دستگیر کرد تا مانع شود برای شغلش که در شهری دیگر بود، از خانه خارج شود.

آقای دو از بازدیدهای خانوادگی در بازداشتگاه شهرستان بینان محروم شد. وقتی خانواده‌اش برای درخواست آزادی او به آنجا رفتند، نگهبانی به آنها گفت: «آقای دو آنجا را دوست دارد و تمایل ندارد از آنجا برود.»

۸.۴.۱ محکومیت به دلیل نفوذ به تلویزیون دولتی چین برای پخش واقعیت‌ها^{۲۸}

تمرین‌کنندگان در مواجهه با کنترل کامل دولت بر رسانه‌های داخل چین برای انتشار تبلیغات افتراآمیز درباره فالون گونگ، از روش‌های مختلفی برای افشای دروغ‌ها و

اطلاع‌رسانی به مردم درباره آزار و شکنجه فالون گونگ استفاده کرده‌اند. هیچ‌ده تمرین‌کننده فالون گونگ در حدود ساعت ۸ شب ۵ مارس ۲۰۰۲ در چانگچون، استان جیلین، به شبکه پخش تلویزیون کابلی دولتی نفوذ کردند. برنامه‌های «خودسوزی یا حقه؟» و «گسترش جهانی فالون دافا» به‌طور هم‌زمان در هشت کانال به‌مدت حدود ۴۵ دقیقه پخش شد.

تمام ساکنین شهر چانگچون به‌تازگی شدند. برخی از مردم فکر کردند که ممنوعیت فالون گونگ برداشته شده است. جیانگ زمین، رئیس پیشین حزب کمونیست چین، دستوری محرمانه صادر کرد که «تمام تمرین‌کنندگان فالون گونگی که در این کار دست داشتند را بکشید.» طی چند روز بیش از ۵۰۰۰ تمرین‌کننده در منطقه چانگچون دستگیر شدند و هفت نفر بر اثر ضرب‌وشتم کشته شدند. بسیاری از آنها مجبور شدند تا برای اجتناب از آزار و شکنجه، خانه‌های‌شان را ترک کنند. بعداً محکومیت‌های سنگین برای پانزده نفر صادر شد و سه نفر از آنها در نتیجه شکنجه کشته شدند.

۸.۴.۱ (الف) صدور دستوری محرمانه از سوی جیانگ

وب‌سایت مینگهویی گزارش داد که در شب ۵ مارس ۲۰۰۲، جیانگ زمین با لوئو گان، رئیس اداره ۶۱۰، ملاقات کرد. سپس به قرارگاه منطقه نظامی شن‌یانگ دستور داد که به‌حال آماده‌باش نظامی درجه دو درآیند. به واحدهای ارتش چانگچون و پلیس مسلح جیلین دستور داده شد تا به‌حال آماده‌باش نظامی درجه یک درآیند و شدیداً به‌دنبال هر تمرین‌کننده‌ای بگردند که به‌نوعی مرتبط با قطع سیگنال تلویزیونی بوده است.

جیانگ از طریق لوئو گان به تمام مأموران پلیس مجوز داد که به هر تمرین‌کننده‌ای که مظنون به دست داشتن در این قطع سیگنال بود تیراندازی کنند و او را بکشند: «شما به‌آسانی می‌توانید آنها را بکشید.» آنها خواهان این شدند که پلیس چانگچون و استان جیلین این مسئله را در مدت یک هفته حل کنند. در یکی از مکاتبات گفته شد: «درغیر این‌صورت، رؤسای پلیس در تمام سطوح در چانگچون و همچنین دبیر حزب منطقه از مقام‌های‌شان برکنار خواهند شد.»

به وانگ یونگون، دبیر حزب استان جیلین که در پانزدهمین کنگره ملی خلق در پکن بود، دستور دادند که سریعاً به اداره محل خدمتش بازگردد. لیو جینگ، رئیس اداره ۶۱۰ و معاون وزیر امنیت عمومی چین، به چانگ چون اعزام شد تا شخصاً بر این پرونده نظارت کند.

۸.۴.۱ (ب) مرگ هفت تمرین‌کننده اندکی پس از دستگیری

در مجموع هفت تمرین‌کننده طی مدت چند روز بعد از دستگیری‌شان کشته شدند.

خانم لی رونگ، یک فارغ‌التحصیل دانشگاه جیلین، که در زمان مرگ ۳۵ سال داشت، در مؤسسه تحقیقات دارویی استان جیلین کار می‌کرد. او در ماه مارس دستگیر شد و در اواخر مارس یا اوایل آوریل در حین بازداشت فوت کرد. جزئیات مرگ او نامعلوم است.

خانم شن جیان‌لی، مدرس بخش ریاضیات کاربردی دانشگاه جیلین، روز بعد از این رویداد دستگیر شد. او در اواخر ماه آوریل بر اثر آزار و شکنجه در ۳۴ سالگی کشته شد.

آقای لیو های‌بو در شب ۱۱ مارس ۲۰۰۲ در خانه‌اش دستگیر شد. پلیس او را مقابل همسر و پسرش کتک زد و مچ پایش شکست. آنها آن‌شب تا ساعت ۱ صبح او را شکنجه و از او بازجویی کردند تا اینکه قلبش از ضربان ایستاد. با اینکه با عجله او را به بیمارستان رساندند، این پزشک ۳۴ ساله در حین درمان فوت شد.

یک تمرین‌کننده که ظاهراً کمی بیش از ۳۰ سال داشت در ۱۶ مارس ۲۰۰۲ در اداره پلیس جین‌چن در چانگ‌چون بر اثر ضرب‌وشتم کشته شد. براساس گفته یک شاهد، جراحات آشکار بسیاری در بدنش نمایان و پس از ضرب‌وشتم علائم خون‌ریزی داخلی در او دیده شد.

آقای لیو یی در ۳۴ سالگی بر اثر ضرب‌وشتم در اداره پلیس منطقه لویوان کشته شد.

در ۲۰ مارس ۲۰۰۲، مأموران اداره پلیس خیابان چانگ‌جیو، خانم لی شوچین ۵۴ ساله را دستگیر کردند. او در بازداشتگاه شماره ۳ چانگ‌چون بر اثر شکنجه کشته شد.

در ۲۰ اوت ۲۰۰۲، آقای هو مینگ‌کای چند ساعت پس از دستگیری در خانه‌اش بر اثر ضرب‌وشتم کشته شد. او ۳۴ سال داشت.

۸.۴.۱ (پ) محکومیت ۱۵ تمرین‌کننده

در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲، دادگاه میانی شهر چانگ‌چون ۱۵ تمرین‌کننده زیر را به زندان محکوم کرد:

خانم ژو رویی‌جون و آقای لیو وی‌مینگ: ۲۰ سال

آقای لیو چنگ‌جون و آقای لیانگ ژن‌شینگ: ۱۹ سال

آقای ژانگ ون: ۱۸ سال

آقای لی مینگ، آقای سان چانگ‌جون و آقای لی دی‌های: ۱۷ سال

آقای ژائو جیان: ۱۵ سال

آقای یون چینگ‌بین و آقای لیو دونگ: ۱۴ سال

آقای وی شیوشان: ۱۲ سال

آقای ژوانگ شیان‌کون و خانم چن یان‌می: ۱۱ سال

آقای لی شیائوجی: ۴ سال

آقای لیو چنگ‌چون و آقای لیانگ ژن‌شینگ به ترتیب در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۳ و ۱۰ مه ۲۰۱۰ بر اثر آزار و شکنجه در زندان کشته شدند. هنگامی که آقای لی مینگ از شدت شکنجه در حال مرگ بود، به قید ضمانت پزشکی آزاد شد. او در ۶ اوت ۲۰۰۶ فوت شد. آقای یون چینگ‌بین شکنجه شد، دچار فروپاشی ذهنی و به قید ضمانت پزشکی آزاد شد. خانم ژو رویی‌جون هنوز در زندان زنان چانگ‌چون حبس است. آقای سان چانگ‌جون در زندان دوم جیلین حبس است. آقای ژان جیان، آقای وی شیوشان، آقای ژوان شیان‌کون، خانم چن یان‌می و آقای لی شیائوجیه به تازگی آزاد شده‌اند.

۸.۴.۱ (ت) تأثیر تاریخی

رسانه‌های بین‌المللی «نفوذ به سیستم تلویزیونی در چانگ‌چون در ۵ مارس» را یکی از شجاعانه‌ترین اعمالی تشریح کردند که تمرین‌کنندگان فالون گونگ انجام دادند. این

نشان داد که آزار و شکنجه وحشیانه در چین تمرین‌کنندگان را از صحبت درخصوص این روش تزکیه و آزار و شکنجه باز نداشت. پس از آن چنین رویدادهایی بارها در سراسر چین روی داد.

چهار سال بعد از مرگ آقای لیو چنگ‌جون بر اثر آزار و شکنجه، بنیاد حقوق بشر آسیا اقیانوسیه‌ای در استرالیا مراسم جوایز حقوق بشر سال ۲۰۰۷ را در ۵ سپتامبر آن سال در ساختمان پارلمان نیو ساوت ولز برگزار کرد. آقای لیو دریافت‌کننده جایزه فیدلیتی ویندیکاتور بود.

بنیاد حقوق بشر آسیا اقیانوسیه‌ای از آقای لیو به‌خاطر پخش این ماجرای حقیقی برای میلیون‌ها تماشاگر تلویزیونی و به‌جای گذاشتن نمونه‌ای خارق‌العاده برای جنبش‌های غیردولتی حامی حقوق بشر تقدیر کرد. انجمن فالون گونگ، این جایزه را به‌نماینده‌ای از آقای لیو دریافت کرد.

نماینده‌ای از این انجمن ابراز امیدواری کرد که این جایزه این امکان را برای افراد بیشتری فراهم سازد تا به ارزش حقیقت آگاه شوند. او از همه خواست که در پاسداری عدالت و پایان دادن به آزار و شکنجه باهم ایستادگی کنند.

۱.۵ نقض حقوق تمرین‌کنندگان زندانی

نقض حقوق انسانی تمرین‌کنندگان فالون گونگ به‌دست حکم با محکومیت آنها پایان نمی‌یابد. تمرین‌کنندگان زندانی اغلب از ابتدایی‌ترین حقوق اعطاشده به زندانیان غیرتمرین‌کننده محروم می‌شوند، درحالی‌که زندانیان غیرتمرین‌کننده اغلب تحریک می‌شوند که با تمرین‌کنندگان بدرفتاری کنند و از این طریق دوره محکومیت‌شان کاهش یابد. در زیر چند نمونه گویا ارائه شده است.

۱.۵.۱ زندان زنان لیائونینگ و «بخش اصلاح» آن^{۲۹}

از سال ۱۹۹۹ که حزب کمونیست چین (حک‌چ) آزار و شکنجه این تمرین‌کنندگان را آغاز کرد، تمرین‌کنندگان فالون گونگ در زندان زنان استان لیائونینگ حبس شده‌اند. طی این

سال‌ها حکم‌چ در تلاش‌های خود برای مجبورکردن این تمرین‌کنندگان به «تبدیل» و رهاکردن اعتقادشان، آنها را تحت شکنجه‌های جسمی و روانی قرار داده است. نگهبانان هرگز به تمرین‌کنندگان اجازه نمی‌دهند که با مسئولانی که از این زندان بازدید می‌کنند، ارتباط برقرار کنند.

این زندان شامل ۱۳ بخش است که تمرین‌کنندگان فالون گونگ تقریباً در همه آن بخش‌ها هستند. اما بخش ۱۲ بدترین آنهاست؛ همان بخشی که آن را «بخش توجه کامل و اصلاح» یا «بخش بیمارستان» می‌خوانند و تمرین‌کنندگان بیشترین رنج و عذاب را در این بخش تجربه کرده‌اند. پیش از سال ۲۰۰۰، آن را «گروه بیماران روانی» می‌نامیدند. آن در سال ۲۰۱۰، بخش توجه کامل و اصلاح خوانده شد و تنها هدف آن «تبدیل» تمرین‌کنندگان فالون گونگ است.

وقتی اردوگاه کار اجباری بدنام ماسانجیا تعطیل شد، تمام تمرین‌کنندگان فالون گونگی که در آنجا حبس بودند، به بخش تازه‌تأسیس ماسانجیا در زندان زنان استان لیائونینگ منتقل شدند.

۱.۵.۱ تاکتیک‌های مورد استفاده در بخش اصلاح

(۱) نابودی اراده تمرین‌کنندگان

چن شوئو، رئیس این بخش که در آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ در بخش اصلاح نقش رهبری را برعهده گرفت، زندگی روزمره را برای تمرین‌کنندگان تا حد ممکن محدود، سخت و وحشتناک می‌سازد. برای نمونه، هیچ‌گونه لوازم بهداشت و مراقبت شخصی در اختیار آنها قرار نمی‌دهد و تمرین‌کنندگان از استفاده از حمام برحسب نیاز محرومند و در توالت هیچ‌گونه دسترسی به دستمال توالت ندارند. آنها مجاز به شستن صورت خود، مسواک زدن یا تعویض لباس زیرشان نیستند.

تمرین‌کنندگان بدون توجه به اینکه چه فصلی است، باید بدون تشک و لحاف روی تخته‌ای چوبی بخوابند. به تمرین‌کنندگان غذای بسیار کمی داده می‌شود، اما هر روز در معرض مجازات‌های شدید جسمی قرار می‌گیرند، از جمله ایستادن‌های طولانی‌مدت و

چمباتمه‌زدن‌های مکرر. آنها اغلب کتک می‌خورند، با باطوم‌های الکتریکی تحت شوک قرار می‌گیرند، در سلول انفرادی حبس و مجبور به تماشای ویدئوهای افتراء‌آمیز درباره فالون گونگ می‌شوند.

هرکسی که از «تبدیل» شدن خودداری کند، ۱۰ سال به دوره حبسش اضافه می‌شود و هیچ یک از سایر زندانیان آزاد نخواهند شد. این بدان معنی است که سایر زندانیان تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا او را تحت تهدید و ارعاب قرار دهند.

(۲) تحریک زندانیان به شکنجه تمرین‌کنندگان

نگهبانان زندانیان به نام‌های شان لیلی، شو بینگمی، لی لی، گوان کویی، یانگ فان، وانگ روئی و بسیاری از سایر زندانیان را به شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ تحریک کردند.

خانم گوئو هونگیان آنقدر شدید تحت شکنجه قرار گرفت که مجبور شد به بیمارستان منتقل شود. خانم لیو شیائویا آنقدر شکنجه شد که به پوست و استخوان تبدیل شد.

خانم چن یازو با باطوم‌های الکتریکی تحت شوک قرار گرفت. تمرین‌کننده‌ای حدوداً ۶۰ ساله را مجبور کردند در طول روز کار سخت و برده‌وار انجام دهد و در طول شب زیر میز به حالت چمباتمه بنشیند. او بعداً در یک سلول کوچک انفرادی زندانی شد. به یکی دیگر از تمرین‌کنندگان به مدت شش ماه اجازه ندادند صورت، دندان یا لباس‌های خود را بشوید و زندانیان به علت بوی بدش به او دشنام می‌دادند.

نگهبانان بر شکنجه تمرین‌کنندگان نظارت دارند و زندانیان را تحریک می‌کنند تا به آنها دشنام دهند و کتک‌شان بزنند. در نتیجه، زندانیان کارهای بد زیادی علیه تمرین‌کنندگان انجام می‌دهند. زندانیانی که تمرین‌کنندگان را تحت سوءفتار قرار می‌دهند، دوره محکومیت‌شان کاهش می‌یابد. هر چه زندانیان رفتار بدتری با تمرین‌کنندگان داشته باشند، از مزایای بیشتری بهره‌مند می‌شوند، به‌عنوان مثال میوه بیشتری به آنها داده می‌شود.

بسیاری از زندانیان سعی می‌کنند برای نگهبانان چاپلوسی و از دستورات آنها برای آزار و شکنجه فالون گونگ اطاعت کنند. بعضی از آنها حتی بدتر از نگهبانان رفتار می‌کنند. نگهبانان و زندانیان تمرین‌کنندگان را فریب می‌دهند و به آنها می‌گویند که اگر «تبدیل» شوند، دوره حبس‌شان کاهش می‌یابد، اما وقتی تمرین‌کننده‌ای این کار را انجام می‌دهد، به آنها گفته می‌شود که باید «سه اظهاریه» انکار فالون گونگ را بنویسند و در غیر این صورت کاهش دوره حبس‌شان تأیید نمی‌شود. هنگامی که تمرین‌کنندگان اظهاریه‌ها را امضاء می‌کنند، نگهبانان می‌گویند: «شما موافقت کردید. ما شما را مجبور نکردیم.»

(۳) استفاده از تنبیه دسته‌جمعی برای ایجاد نفرت

بخش ۱۲ زندان زنان استان لیائونینگ به پنج گروه کوچک تقسیم می‌شود. اگر هر تمرین‌کننده در گروه کوچک‌تر از «تبدیل» شدن اجتناب کند، همه افراد آن گروه مجازات می‌شوند؛ آنها اجازه تماشای تلویزیون را نخواهند داشت، مگر اینکه قوانین و مقررات زندان را سه بار دست‌نویس کنند. در نتیجه، زندانیان درکل با تمرین‌کنندگان و فالون گونگ دشمن می‌شوند.

تمرین‌کنندگانی که از «تبدیل» شدن اجتناب می‌کنند، مجاز به خرید مواد غذایی یا اقلام روزانه در زندان و مجاز به ملاقات با خانواده یا تماس تلفنی با آنها یا ارسال نامه برای‌شان نیستند. آنها کاملاً از دنیای بیرون جدا می‌شوند.

نگهبانان از بدترین کلمات قابل‌تصور برای دشنام‌دادن به تمرین‌کنندگان استفاده می‌کنند که برخی از آنها هم‌سن مادر بزرگ آنان هستند. بسیاری از تمرین‌کنندگان تسلیم می‌شوند، چراکه نمی‌توانند چنین توهین و درد و رنجی را تحمل کنند. هنگامی که «تبدیل» می‌شوند، نگهبانان و زندانیان بلافاصله رویکرد خود را تغییر می‌دهند و به آنها لبخند می‌زنند. محیط نیز تغییر می‌کند و بسیار آرام می‌شود. اگر یک تمرین‌کننده باور محکم خود به فالون گونگ را از سر بگیرد، نگهبانان و زندانیان بلافاصله بدرفتاری با او را شروع می‌کنند.

از آنجاکه زندانیان غیرتمرین‌کننده در بخش اصلاح به‌اندازه سایر بخش‌ها موظف به انجام کار سخت و اجباری نیستند، دست به هر کاری می‌زنند تا به آن بخش منتقل شوند. خانواده‌های آنها به هرکسی که می‌توانند رشوه می‌دهند تا به آنها کمک کنند از انجام کار سخت و برده‌وار که در سایر بخش‌ها الزامی است، معاف شوند.

۲.۵.۱ زندانیان در زندان زنان استان لیائونینگ مجبور می‌شوند تمرین‌کنندگان را شکنجه کنند^{۳۰}

زندان زنان لیائونینگ، واقع در هاربین، استان هیلونگ‌جیانگ، مسئول شکنجه شدید تمرین‌کنندگان فالون گونگ است. نگهبانان زندانیان خلافکار را تحریک می‌کنند تا تمرین‌کنندگان را مورد ضرب‌وشتم قرار دهند و آنهایی که این کار را انجام می‌دهند، مورد مرحمت مسئولان زندان قرار می‌گیرند.

۲.۵.۱ (الف) استفاده از کاهش دوره محکومیت به‌عنوان محرکی برای خلافکاران برای ضرب‌وشتم تمرین‌کنندگان

بخش شماره ۱۱ برای «تبدیل» تمرین‌کنندگان مورد استفاده قرار گرفته است و بنابراین سیستم جامعی را برای حملات به تمرین‌کنندگان ایجاد کرده است. جی‌نا، معاون یکی از بخش‌ها، برای پاداش دادن به زندانیان خلافکاری که رفتار بی‌رحمانه‌ای با تمرین‌کنندگان دارند، یک سیستم امتیازدهی را ارائه داد.

در اواخر تابستان سال ۲۰۱۲، به‌اصطلاح کارشناسانی که اداره ۶۱۰ استخدام کرده بود، زندانیانی را که در رفتار با تمرین‌کنندگان به‌اندازه کافی «خشن» نبودند، مورد سرزنش قرار دادند و به «افرادی که عملکردشان در این زمینه به‌اندازه کافی خوب نبود»، امتیازات بیشتری دادند تا از این طریق حملات‌شان را به تمرین‌کنندگان تقویت کنند. تمرین‌کنندگان مصمم چند روز متوالی از خواب محروم می‌شدند، به آنها دستبند یا پابند زده می‌شد و اجازه استفاده از سرویس بهداشتی را نداشتند. همه تمرین‌کنندگان پس از ورود به بخش شماره ۱۱ با آزارواذیت کلامی و ضرب‌وشتم مواجه می‌شدند.

بعد آنها مجبور می‌شدند هر روز ویدئوهایی افتراآمیز درباره فالون گونگ را تماشا کنند. این شستشویهای مغزی به‌نوعی بین یک تا سه ماه به طول می‌انجامید و تمرین‌کنندگان در این مدت در انزوای کامل نگه داشته می‌شدند.

کوی شیانگ، زندانی ۴۴ساله‌ای که به جرم قتل محکوم شد، به دلیل هدایت شکنجه مخفیانه تمرین‌کنندگان، از جمله مجبور کردن آنها به نشستن روی نیمکتی کوچک برای زمان‌های طولانی، محکومیتش کاهش یافت. در نتیجه برخی از تمرین‌کنندگان دچار زخم‌هایی روی باسن خود شدند که در نهایت چرک کرد. کوی لاف می‌زد که پس از آزادی نیز به بدرفتاری با تمرین‌کنندگان ادامه خواهد داد. زندانی تانگ یونگشیا، ۴۸ساله، نیز در تحت نظر قراردادن تمرین‌کنندگان و بدرفتاری با آنها نقش مهمی داشت.

سایر زندانیانی که خواهان کاهش دوره محکومیت خود بودند، دستورالعمل‌های کوی و تانگ را برای ضرب‌وشتم تمرین‌کنندگان دنبال می‌کردند، آن هم درحالی‌که قربانیان اغلب دست‌بند به دست یا پابند به پا داشتند. در مارس ۲۰۱۲، زندانی ما گوپیرونگ گروهی از زندانیان را برای کتک‌زدن خانم وانگ جیانهوپی بسیج کرد.

۲.۵.۱ (ب) شکنجه تمرین‌کنندگان سالم در بیمارستان زندان

بخش شماره ۱۰ به‌عنوان بیمارستان زندان عمل می‌کند، جایی که بیماری یا جراحات زندانیان غیرتمرین‌کننده تحت درمان قرار می‌گیرد. از طرف دیگر تمرین‌کنندگان سالم فالون گونگ به آنجا برده می‌شوند تا مورد آزار و اذیت روانی و جسمی بی‌رحمانه قرار گیرند. از سال ۲۰۰۸ که او به سمت مدیر بیمارستان رسید، نگهبان سابق ژائو هویهوا زندانیان خلافکار را با کاهش دوره محکومیت‌شان اغوا کرده است که تمرین‌کنندگان را شکنجه کنند.

درحالی‌که تمرین‌کننده خانم لی یوشو را تحت خوراندن اجباری قرار می‌دادند، زندانی وانگ شینهوا با چاپ‌استیک غذا را به‌زور در گلوی خانم لی به پایین فشار داد. این فشارها و ریختن مکرر غذا در گلوی خانم لی، باعث جراحی شدید گلویش و خونریزی شد.

تمرین‌کننده خانم هو آی‌یون حاضر نشد تحت خوراندن اجباری قرار گیرد. زندانیان وانگ وی و لی کون موهایش را کشیدند و به‌طرز وحشیانه‌ای کتکش زدند تا اینکه از

هوش رفت. وانگ گفت: «اینجا بخش زندانیان بیمار است. طبیعی است که چند زندانی بمیرند.»^{۳۱}

زندانیان اغلب خانم وی جون، معلمی حدوداً ۴۰ ساله از شهر داپینگ، را کتک می زدند و در نتیجه چند دندان‌ش افتاد. او را مجبور می کردند از ساعت ۶ صبح تا ۱۲ ظهر نیز روی نیمکت کوچکی بنشینند. خانم وی فقط اجازه داشت زمان خیلی کمی بخوابد و گاهی اوقات از هوش می رفت.

۳.۵.۱ مرد تیانجینی سرانجام پس از ۵ سال توانست برای حکم ۷ ساله زندانش، درخواست تجدیدنظر دهد^{۳۲}

آقای هوآنگ لیچیائو، مهندسی در تیانجین، در ۷ آوریل ۲۰۱۲ دستگیر و ماه‌ها بعد به خاطر اجتناب از انکار فالون گونگ به ۷ سال زندان محکوم شد. آقای هوآنگ بلافاصله درخواست تجدیدنظری ارائه داد، اما زندان بین‌های درخواست را ارسال نکرد. او در طول چند سال بعد، چند بار دیگر تلاش کرد درخصوص حکمش درخواست تجدیدنظر دهد تا اینکه در نهایت متوجه شد که هیچ کدام از نامه‌های درخواستش از زندان بیرون نرفته است.

همسر او، خانم گه شیولان، از همان روز اول در تلاش برای آزادی شوهرش بوده است. یک بار او ۲۵ روز بازداشت شد، درحالی که از زمان دستگیری شوهرش، از ملاقات با او منع شده بود. او به محض آزادی‌اش، شکایتی علیه زندان تنظیم کرد که در نهایت باعث شد کارکنان زندان کوتاه بیایند و اجازه دهند شوهرش را ملاقات کند. در ۲۱ مارس سال ۲۰۱۷، خانم گه همراه یک وکیل به ملاقات شوهرش رفت. نگهبانان زندان این وکیل را از یادداشت برداشتن و پرسیدن سؤال درباره شرایط آقای هوآنگ در زندان، منع کردند. روز بعد، خانم گه و وکیل شوهرش به دادگاه میانی شماره ۱ تیانجین رفتند تا درخواست تجدیدنظر آقای هوآنگ به حکم حبس ناعادلانه‌اش را تحویل آنجا دهند.

۴.۵.۱ ممانعت زندان از ارسال نامه‌های بانوی محبوس به وکیلش^{۳۳}

خانم هوآنگ چیان ۴۷ ساله در ۳ فوریه ۲۰۱۵ در خانه‌اش در شهر گوانگژو دستگیر شد. علت دستگیری‌اش وبلاگ نویسی درباره آزار و شکنجه‌هایی بود که به خاطر امتناع از نفی

فالون گونگ متحمل شده بود. نوشته‌هایش با عنوان «خاطرات گولاگ»، درباره این بود که چگونه از زمان آغاز آزار و شکنجه فالون گونگ در سال ۱۹۹۹، به‌طور مکرر دستگیر، بازداشت و شکنجه شده است. او در ژوئن ۲۰۰۱، به سه سال کار اجباری و در اکتبر ۲۰۰۸ به چهار سال حبس محکوم شد.

خانم هوانگ، کارمند سابق مرکز کتاب گوانگجو در ۳۰ دسامبر ۲۰۱۶، پس از دستگیری آخرش، به پنج سال حبس محکوم و در ژوئن ۲۰۱۷ به زندان زنان استان گوانگدونگ فرستاده شد.

نگهبانان زندان او را به‌طور منظم شکنجه می‌کردند و از ارسال نامه‌های خانم هوانگ به وکیلش، به‌منظور درخواست کمک برای تنظیم درخواست تجدیدنظر، خودداری می‌کردند. مادرش کمی پس از انتقالش به زندان درگذشت، اما به او اجازه حضور در مراسم خاکسپاری را ندادند.

خانواده خانم هوانگ به‌تازگی به ملاقاتش رفتند و متوجه شدند که مقدار قابل‌توجهی کاهش وزن داشته است. او از خانواده‌اش درخواست کرد تا او را از زندان خارج کنند. وقتی خانواده‌اش از نگهبانی درباره وضعیت او پرس‌وجو کردند، نگهبان تهدیدشان کرد که در صورت ادامه‌یافتن پرس‌وجوها، حق ملاقات خانواده را لغو خواهد کرد.

۵.۵.۱ زندان حمله زندانی خلافکار را به تمرین‌کننده‌ای که حبس ۱۱ ساله به‌دلیل باورش را می‌گذراند، نادیده می‌گیرد^{۳۴}

آقای وانگ شودا، مردی اهل مغولستان داخلی، که حبس ۱۱ ساله به‌دلیل اجتنابش از رهاکردن فالون گونگ را در زندان شماره ۲ هوهوت می‌گذراند، در عرض چند ماه دو بار مورد سوءرفتار و حمله یک زندانی قرار گرفت. تا به امروز، مسئولان زندان برای پاسخگوبودن آن زندانی به‌خاطر رفتار نادرستش دست به هیچ اقدامی نزده‌اند.

۵.۵.۱ (الف) جراحات سر در زندان

اولین سوءرفتار در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۸ اتفاق افتاد. زندانی وانگ جینینگ آقای وانگ حدوداً ۵۰ ساله را به زمین زد و سر او به کف بتونی اصابت کرد. در آن زمان آقای وانگ نزدیک به یک ماه غذا نخورده و بسیار ضعیف شده بود. سوءرفتاری جسمی مانند این می‌توانست به راحتی جاننش را بگیرد. اگرچه مقامات زندان تحقیقاتی را انجام دادند، اما هیچ کاری انجام ندادند که آن زندانی بابت کارش پاسخگو باشد.

حادثه دوم ساعت ۱۰ شب ۱۹ دسامبر ۲۰۱۸ اتفاق افتاد. وانگ جینینگ دوباره آقای وانگ را کتک زد و باعث شد یکی از دندان‌هایش بیفتد و چشمانش مجروح شود. چشمان آقای وانگ به قدری متورم شد که نمی‌توانست ببیند. نگهبانان از ضرب‌وشتم او آگاه شدند، اما آقای وانگ را تحت درمان فوری پزشکی قرار ندادند.

در زندان، آنهایی که سایرین را کتک می‌زنند، معمولاً بلافاصله به سلول انفرادی منتقل می‌شوند، اما وانگ جینینگ به دلیل سوءرفتار خود با آقای وانگ با هیچ پیامدی روبرو نشده است، درحالی‌که از طرف دیگر به آقای وانگ اجازه نمی‌دهند مانند سایر زندانیان برای صرف وعده‌های غذایی از سلولش بیرون برود.

۵.۵.۱ (ب) محکومیت مخفیانه و سوءرفتار در زندان

آقای وانگ در شهر اردوس در شرق مغولستان داخلی زندگی می‌کند. او و دو تمرین‌کننده دیگر فالون گونگ، آقای گوئو بینگ‌چیانگ و خانم بای تویا در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۱ دستگیر شدند. آنها به بازداشتگاه دونگ‌شنگ منتقل شدند. خانواده آقای وانگ تا دسامبر ۲۰۱۲ چیزی درباره او نشنید. در این تاریخ به آنها اطلاع داده شد که او به ۱۱ سال حبس محکوم و به زندان شماره ۲ هوهوت منتقل شده است.

در زندان، آقای وانگ مجبور به انجام کار سنگین و شرکت در جلسات شستشوی مغزی شد. نگهبانان زندانیان را تحریک می‌کردند که او را کتک بزنند. ژو جونچینگ و فن ژیچیانگ، دو مأمور زندان، آقای وانگ را در ۱۶ نوامبر ۲۰۱۷ مجبور کردند بی‌حرکت بماند. آنها دو دندان جلوی آقای وانگ را کردند و در دهانش دستمال توالت فرو کردند. آقای وانگ پس از آن نزدیک به سه ماه در سلول انفرادی حبس شد و فقط زمانی بیرون آمد که زندگی‌اش به خطر افتاد. آقای وانگ شکایتی رسمی تنظیم کرد، اما نامه‌اش به هیچ کجا ارسال نشد.

۶.۵.۱ رد درخواست آزادی به قید ضمانت پزشکی بیمار سکته مغزی و مرگ او در حین گذراندن دوره حبس به خاطر باورش^{۳۵}

یکی از ساکنان شهر پانژیه‌وآ، واقع در استان سیچوان، پس از آنکه به خاطر ایمانش به فالون گونگ در زندانی در استان یون‌نان پذیرش شد، در عرض کمتر از ۹ ماه درگذشت.

این مرد ۶۵ ساله دچار سکته مغزی شدید و به فشار خون بالا، در حد خطرناک، مبتلا شده بود، اما درخواست آزادی‌اش به قید ضمانت پزشکی مکرراً رد شد. آقای لیائو جیانفو قبل از مرگ، بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۳، دو بار و در مجموع ۱۰ سال و ۶ ماه در زندان حبس شد.

آقای لیائو آخرین بار در اکتبر ۲۰۱۶ به خاطر چسباندن پوست‌های اطلاع‌رسانی فالون گونگ دستگیر شد. سه تمرین‌کننده دیگری که همراه او بودند، آقای سونگ نانیو (۷۰ ساله)، آقای فو ونده (۷۰ ساله) و آقای ژو فومینگ (حدوداً ۶۰ ساله) نیز دستگیر شدند.

این چهار تمرین‌کننده در ۲۲ مارس ۲۰۱۸ در دادگاه بخش یولانگ حاضر شدند. در حالی که در دادگاه دفاعیه خود را ارائه می‌دادند، قاضی اغلب حرف‌شان را قطع می‌کرد. سپس قاضی آقای لیائو را به چهار سال حبس، آقای سونگ و آقای فو را به سه سال و شش ماه حبس و آقای ژو را به دو سال حبس محکوم کرد. در ۲۱ اوت ۲۰۱۸ آقای لیائو، آقای فو و آقای ژو به زندان شماره ۱ استان یون‌نان و آقای سونگ به زندان شماره ۲ استان یون‌نان منتقل شدند. آقای لیائو در حالی که در زندان بود، بارها دچار خونریزی مغزی شد، اما مسئولان زندان از آزادی او به قید ضمانت پزشکی امتناع کردند.

۷.۵.۱ بانوی زندانی به خاطر انجام تمرینات فالون گونگ چهار ماه از دیدار با خانواده‌اش محروم شد^{۳۶}

خانم ژانگ وی که به خاطر اجتناب از رهاکردن اعتقادش دوره محکومیت هشت و نیم ساله‌اش را در زندان زنان لیائونینگ سپری می‌کند، چهار ماه از ملاقات‌های خانوادگی محروم شده است زیرا تمرینات فالون گونگ را در زندان انجام داد.

خانم ژانگ، ساکن شهر داندونگ، استان لیائونینگ، از بهار سال ۲۰۱۶، سه سال در زندان لیائونینگ دوره محکومیتش را سپری کرده بود. به خاطر خودداری از انکار باورش، نگهبانان و زندانیان اغلب کتکش می‌زدند که منجر به آسیب‌های شدیدی در پشت بدن و پاهایش شد. او برای بهبود وضعیت سلامتی‌اش تمرینات فالون گونگ را انجام می‌داد، اما از اوایل آوریل ۲۰۱۹، از دیدارهای خانوادگی محروم شد.

شوهر خانم ژانگ در تاریخ ۲۷ ژوئن ۲۰۱۹، به زندان رفت. دو نگهبان به او گفتند: «ژانگ وی تمرینات فالون گونگ را مقابل صدها نفر در کارخانه زندان انجام داد. او قوانین ما را نقض کرد. ما او را از همه ملاقات‌هایش محروم می‌کنیم!»

یکی از اعضای خانواده‌اش به نگهبانان گفت: «چهار ماه است که او را ندیده‌ایم و همگی به خصوص مادر ۸۰ ساله‌اش، بسیار نگرانش هستیم. ژانگ وی وقتی اولین دوره محکومیتش را در سال ۲۰۰۲ در زندان سپری می‌کرد، تحت شکنجه قرار گرفت و تقریباً با مرگ فاصله‌ای نداشت. این بار دوباره مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته است، چگونه می‌توانیم نگرانش نباشیم؟»

نگهبانان پاسخ دادند: «اگر از قوانین زندان پیروی نکنند، به او دست‌بند می‌زنیم و در سلول انفرادی حبسش می‌کنیم.»

شوهرش از نگهبانان پرسید: «هنوز چند سال دیگر از دوران محکومیتش باقی مانده است. اگر دست از انجام تمرینات نکشد، آیا می‌خواهید همواره به دستانش دست‌بند بزنید؟»

نگهبانان بدون توجه به حرف‌های اعضای خانواده خانم ژانگ، همچنان به آنها اجازه ملاقات با او را ندادند. خانواده خانم ژانگ بعداً به دادستانی محلی رفتند تا از مسئولان زندان شکایت کنند. آنها را برای پیگیری شکایت‌شان به اداره زندان‌ها در سطح استان ارجاع دادند و در نهایت به اداره دادخواهی زندان در سطح استانی فرستاده شدند. یکی از اعضای پرسنل اداره دادخواهی زندان در سطح استانی از خانواده خانم ژانگ خواسته بود که مستقیماً به اداره دادخواهی داخلی در زندان شکایت کنند. کارمند مزبور گفت: «اگر باز با پاسخ آنها راضی نشدید، می‌توانید بیایید و با ما صحبت کنید.»

خانواده خانم ژانگ روز بعد برای ارائه شکایت به اداره دادخواهی زندان رفت، اما شکایت آنها پذیرفته نشد. دوباره به اداره دادخواهی زندان در سطح استانی بازگشتند و

سراغ همان فردی رفتند که روز قبل او را دیده بودند. این کارمند متن شکایت‌شان را خواند و برای تماس با سرپرستش به اتاق دیگری رفت. وقتی حدود چهار دقیقه بعد بازگشت، به خانواده خانم ژانگ گفت که نمی‌تواند پرونده‌شان را قبول کند و افراد خانواده باید خودشان با مسئولان زندان صحبت کنند.

خانواده خانم ژانگ برای تماس با زندان دست به تلاشی دیگر زدند، اما به آنها گفته شد تا زمانی که او تمرینات فالون گونگ را انجام می‌دهد، آنها مجاز به دیدن او نخواهند بود.

شوهر خانم ژانگ تصمیم گرفت با استخدام یک وکیل به دنبال اجرای عدالت برای همسرش باشد.



فصل ۲: محرومیت از اشتغال، تحصیل، مسکن و امنیت اقتصادی

در زیر گزارش شخصی خانم هه لیفانگ ارائه شده است که خانواده‌اش پس از شروع آزار و شکنجه فالون گونگ در ژوئیه ۱۹۹۹ با تنفر، تبعیض و تحقیر مواجه شدند:

در سال ۲۰۰۱ که به دلیل ایمانم در بازداشت بودم، ۱۷ زندانی کتکم زدند. وقتی وضعیتم بحرانی شد، پلیس با قرار وثیقه آزادم کرد، اما آنها همواره در خانه آزارواذیتم می‌کردند. درحالی که مرا تحت نظر داشتند، موفق شدم فرار و خانه را ترک کنم. اداره ۶۱۰ جیمو اطلاعات محرمانه‌ای را دریافت کرد مبنی بر اینکه من احتمالاً در جای خاصی پنهان شده‌ام و آنها یک لیست تحت تعقیب را همراه عکس من، در همه جای آن منطقه چسباندند. به‌عنوان راهی برای محروم‌کردنم از آزادی و حقوق اولیه انسانی، کارت شناسایی‌ام را نیز باطل کردند.

مقامات بارها والدینم را نیز مورد آزارواذیت، بازجویی و دستگیری قرار دادند تا مجبورشان کنند درباره من اطلاعاتی به آنها بدهند. در هر سال نو چینی، مقامات افرادی را به نزدیکی محل زندگی اقوامم اعزام می‌کردند با این هدف که دستگیرم کنند.

در سال ۱۹۹۹ که آزار و شکنجه آغاز شد، کسب‌وکار بسیار موفق داشتم، اما به دلیل تبلیغات افتراآمیز حزب کمونیست چین، بسیاری از مشتریانم گمراه شدند و با من مانند دشمن رفتار می‌کردند. یکی از همسایگانم که قبلاً رفتار دوستانه‌ای با من داشت، به من و خانواده‌ام دشنام می‌داد. حتی کودکان گاهی به ما دشنام می‌دادند، چراکه بیش از حد تحت تأثیر تبلیغات حزب بودند.

این پیامد به بسیاری از حوزه‌ها در زندگی‌مان گسترش یافته است. از آنجاکه خانواده‌ام فالون گونگ را تمرین می‌کنند، برادرزاده‌ام در مصاحبه سیاسی برای ملحق شدن به ارتش رد شد. وقتی پدرش، برادر بزرگم، نتوانست پدر و مادرم را وادار کند باورشان را رها کنند، تمام پنجره‌های خانه‌شان را شکست و تصمیم گرفت با اداره روستا همکاری کند تا خانه‌شان را به هم بریزد و آنها را به قتل تهدید کرد. در نتیجه هر زمان والدینم صدایش را می‌شنیدند، در جنگل پنهان می‌شدند و جرئت نداشتند به خانه برگردند.

زندگی تمرین‌کنندگان فالون گونگ در هر گوشه از چین، مانند زندگی آقای هه یک‌شبه زیرورو شده است. رژیم کمونیستی چین از طریق یک کمپین تبلیغاتی گسترده، کل کشور را به مخالفت با این گروه برانگیخت. تمرین‌کنندگان بدون توجه به اینکه چه کسی هستند، هر کجا می‌روند، مادامی که از تمرین‌کردن فالون گونگ دست برندارند، به آنها برچسب دشمنی با حزب زده می‌شود و تحت آزار و شکنجه ظالمانه قرار می‌گیرند.

تمرین‌کنندگان فالون گونگ از ابتدایی‌ترین حقوق زندگی محروم هستند. دانش‌آموزان از مدرسه اخراج می‌شوند و مدارس حاضر به پذیرش آنها نیستند. کارمندان از کار خود اخراج می‌شوند و پس از بازنشستگی مستمری‌شان به حالت تعلیق درمی‌آید. درخصوص افراد محترم و شناخته‌شده، رژیم ممکن است همه چیزشان، از جمله شغل، خانه و پس‌انداز بانکی‌شان را بگیرد.

رژیم موفق شده است از سیستم شستشوی مغزی و کنترل فکر خود برای برانگیختن فرزندان علیه والدین، شوهران علیه همسران و دانش‌آموزان علیه معلمان استفاده کند. به افراد انگیزه یا پاداش داده می‌شود تا تمرین‌کنندگان فالون گونگ را به مقامات گزارش دهند. مأموران پلیس به دلیل شکنجه فعالانه و شستشوی مغزی تمرین‌کنندگان ارتقاء شغلی می‌گیرند. پلیس می‌تواند نیمه‌شب به خانه تمرین‌کنندگان برود و به‌زور وارد خانه‌شان شود، آنجا را غارت و دستگیرشان کند. ممکن است به تمرین‌کنندگان کارت شناسایی یا گذرنامه ندهند که باعث ناراحتی و مشکلات بسیار زیادی در زندگی عادی‌شان می‌شود. حتی اگر بتوانند کارت شناسایی بگیرند، ممکن است کارت برای تحت‌نظرگرفته‌شدن علامت‌گذاری شود و ممکن است شخص صرفاً به دلیل اینکه برای رفتن نزد والدینش سوار قطار شده است، دستگیر شود.

با توجه به پیشرفت‌های اخیر و اتخاذ هوش مصنوعی، تشخیص چهره و بسترهای اجتماعی مانند وی‌چت (برنامه رسانه اجتماعی غالب که در زندگی روزمره تقریباً برای همه چیز، از جمله خرید غذاهای خیابانی و گرفتن تاکسی، مورد استفاده قرار می‌گیرد)، نظارت بر مردم چین هرگز تا این اندازه شدید نبوده است. رژیم کمونیستی عملاً کل کشور را به زندانی بزرگ تبدیل کرده است.

۱.۲ نقش مدارس در آزار و شکنجه

از مدارس ابتدایی گرفته تا دانشگاه‌ها، رژیم کمونیستی همه را به شدت و به سختی تحت کنترل دارد. هر مدرسه و حتی هر مقطع از مدرسه، دبیر حزب کمونیست مخصوص به خود را دارد که از نزدیک مراقب است که آیا افکار هر دانش‌آموز با حزب مطابقت دارد یا خیر. اگر کشف شود دانش‌آموزی فالون گونگ را تمرین می‌کند، دوستان، همکلاسی‌ها و معلمانش او را مورد تبعیض قرار می‌دهند. بسیاری از آنها از مدرسه اخراج شده‌اند و هرگز اجازه نیافته‌اند به مدرسه بازگردند.

تمرین‌کنندگان تنها قربانیان نیستند. تبلیغات ضد فالون گونگ به کتاب‌های درسی اضافه شده است و دانش‌آموزان مجبور هستند به‌عنوان بخشی از امتحانات به فالون گونگ افترا بزنند. اگر مقاومت کنند، با سرنوشتی مشابه سرنوشت تمرین‌کنندگان فالون گونگ مواجه می‌شوند.

طی دو دهه گذشته، یک نسل کامل تحت آموزش اطلاعات نادرستی قرار گرفته‌اند که فالون گونگ را بدنام می‌کند. اعضای آن نسل به‌صورت غیرداوطلبانه به همدستانی در اجرای این آزار و شکنجه نیز تبدیل شده‌اند. همانطور که دانش‌آموزان بزرگ شده و وارد جامعه می‌شوند، آن تبلیغات را همراه خود می‌آورند و آن را به نسل بعدی منتقل می‌کنند و باعث می‌شوند این گروه مورد هدف برای زمانی طولانی به حاشیه رانده شود.

۱.۱.۲ محرومیت از فرصت‌های آموزشی

مورد ۱: دانش‌آموز مدرسه راهنمایی به‌دلیل تمرین کردن فالون گونگ با لگد از مدرسه بیرون رانده و بی‌خانمان شد

لیو ونجوان، دانش‌آموز مدرسه راهنمایی در استان فوجیان بود. مدیران مدرسه او را مجبور کردند اظهاریه رهاکردن فالون گونگ را بنویسد. وقتی او حاضر به انجام این کار نشد، مدیر لین جیانفنگ عصبانی شد و به بهانه‌های مختلف مانع حضور لیو در کلاس‌ها شد.^{۲۷}

لیو پس از اینکه تجربه‌اش را از تمرین کردن فالون گونگ با معلمانش به اشتراک گذاشت، دستگیر و مجبور به ترک مدرسه شد. درحالی‌که مقامات مدام لیو را در خانه‌اش مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند، او مجبور شد برای جلوگیری از آزار و شکنجه بیشتر، دور از خانه زندگی کند.

**مورد ۲: اخراج دانش‌آموز دبیرستانی از مدرسه به دلیل توزیع مطالب
اطلاع‌رسانی فالون گونگ^{۳۸}**

وقتی لی چون یک بروشور اطلاع‌رسانی فالون گونگ را به همکلاسی‌اش داد، آن دانش‌آموز گزارشش را به معلم‌شان داد. معلمان ساعت‌ها با او صحبت و سعی کردند مجبورش کنند فالون گونگ را رها کند.

وقتی لی سعی کرد فالون گونگ را برای معلمانش توضیح دهد، آنها از گوش دادن امتناع کردند و به والدینش گفتند بیایند و او را به خانه ببرند. او سرانجام پس از امتناع از نوشتن اظهاریه رهاکردن فالون گونگ، از مدرسه اخراج شد.

**مورد ۳: به مردی جوان اجازه ثبت‌نام در کالج داده نشد و او را یک سال
در اردوگاه کار اجباری حبس کردند^{۳۹}**

اگرچه عملکرد آقای لیو شیائولین در امتحان ورودی دانشگاه خوب بود و در دانشگاه پذیرفته شد، بعد از اینکه مقامات متوجه شدند او فالون گونگ را تمرین می‌کند، اجازه تحصیل در دانشگاه را به او ندادند.

وقتی این پسر هجده‌ساله نارضایتی خود را از آزار و شکنجه در اینترنت ابراز کرد، به اردوگاه کار اجباری فرستاده شد. پدر و مادرش، آقای لیو زونگ‌گانگ و خانم سویی چیائوهونگ نیز دستگیر و به اردوگاه کار اجباری منتقل شدند.

آقای لیو پس از آزادی تحت نظارت دائمی قرار گرفت و اغلب مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفت.

مورد ۴: داوطلب دورهٔ دکترا از دفاعیه برای پایان‌نامه‌اش محروم شد، پدرش تحت فشار آکادمی علوم چین پسرش را گزارش کرد^{۴۰}

آقای یو یائو، داوطلب دورهٔ دکترا در آکادمی علوم چین، باغ گیاه‌شناسی جنوب چین، از حق خود برای دفاع از پایان‌نامه‌اش محروم شد زیرا آن شامل جمله‌ای بود که اظهار قدردانی‌اش را از فالون‌گونگ ابراز می‌کرد.

طبق دستورات اداره ۶۱۰، ریاست باغ گیاه‌شناسی جنوب چین آقای یو را با مقررات ثبت‌نام دانشگاه و مفاد مدیریت دانشجویان تهدید کرد. آنها پدرش را نیز مجبور کردند او را به اداره ۶۱۰ گزارش دهد و پسرش را به یک مرکز شستشوی مغزی بفرستد.

مورد ۵: بازداشت دانشجوی سال اول دانشگاه در شانگهای به دلیل تمرین فالون‌گونگ و توزیع مطالب اطلاع‌رسانی^{۴۱}

آقای ژونگ بی‌مینگ ۱۹ساله، دانشجوی سال اول دانشگاه جیائو تانگ شانگهای، در اوایل ژوئیه ۲۰۱۹ به دلیل تمرین فالون‌گونگ و توزیع مطالب اطلاع‌رسانی درباره آن بازداشت شد.

مسئولان دانشگاه گفتند وقتی او مطالب فالون گونگ را در دانشگاه پخش می‌کرد، دوربین‌های نظارتی تصاویرش را ضبط کردند. تحقیقات آنها نشان داد که آقای ژونگ با پولی که از کمک‌هزینه خود پس‌انداز کرده بود، چاپگری خریداری و مطالب اطلاع‌رسانی فالون گونگ را چاپ کرده است.

دانشگاه او را به پلیس شانگهای گزارش کرد. پلیس از او پرسید که فالون گونگ را از کجا آموخته است و دستور داد یک «اظهاریه تعهد» بنویسد مبنی بر اینکه باورش را رها می‌کند. وقتی آقای ژونگ امتناع کرد، پلیس تهدید کرد که به او اجازه تحصیل در دانشگاه را نمی‌دهد و در ۵ ژوئیه او را به بازداشتگاهی در شانگهای منتقل کرد، اما درباره محل حبسش به والدینش چیزی نگفتند. والدینش چند روز در شانگهای ماندند تا به دنبال او بگردند، اما فایده‌ای نداشت.

مسئولین دانشگاه حتی کارمندانشان را برای تحقیق درباره آقای ژونگ به دبیرستان شماره ۲۴ دالیان که در آن تحصیل کرده بود فرستادند. همچنین گزارش شد که پلیس شانگهای در ۲۲ ژانویه با هواپیما به شانگهای رفت تا مادر بزرگ حدوداً ۸۰ ساله او را نیز دستگیر کند.

۲.۱.۲ شستشوی مغزی دانش‌آموزان و معلمان

برای دامن‌زدن به نفرت عمومی و توجیه آزار و شکنجه، در کتاب‌های درسی، برنامه‌های تلویزیونی و روزنامه‌ها تبلیغاتی برای حمله به فالون گونگ، مانند حقه خودسوزی تیان‌آن‌من و به اصطلاح ۱۴۰۰ مورد مرگ فالون گونگ، ظاهر شد. پوسترها و بنرهای تبلیغاتی محوطه دانشگاه‌ها را پر کرد. دانشجویان مجبور شدند ویدئوهایی را تماشا کنند و در سمینارها و نمایشگاه‌هایی شرکت کنند که برای تقویت این تبلیغات برگزار شده بود.

دادخواستی که به فالون گونگ افترا می‌زد، پخش شد و همه دانشجویان مجبور به امضای آن شدند، در غیر این صورت با عواقبی روبرو می‌شدند.

مورد ۱: این مدرسه رژیم کمونیست است، هیچ باور دیگری جایی در اینجا ندارد^{۴۲}

در دبیرستانی در استان هیلونگ‌جیانگ، بیش از ۵۰۰۰ دانش‌آموز و معلم مجبور شدند توافق‌نامه‌هایی را امضا کنند مبنی بر اینکه درباره فالون گونگ صحبت نمی‌کنند یا مطالب اطلاع‌رسانی فالون گونگ را نمی‌خوانند. تقریباً ۱۰۰ دانش‌آموز برتر مجبور شدند به‌عنوان راهی برای تقویت کنترل فکری، به حزب کمونیست بپیوندند. اگر مشخص می‌شد که دانش‌آموزی این توافق‌نامه را نقض کرده است، معلمش نیز مقصر شناخته می‌شد.

یک دانش‌آموز کلاس یازدهم، به‌نام کائو روئی که فالون گونگ را تمرین نمی‌کرد، وقتی برخی از مطالب فالون گونگ را که دریافت کرده بود با سایر دانش‌آموزان به اشتراک گذاشت و به آنها گفت که کمپین حزب علیه فالون گونگ اشتباه است، به بخش مدیریت مدرسه گزارش شد. وقتی معلمش در کلاس به فالون گونگ حمله کرد و این دانش‌آموز آشکارا سیاست معلمش را در این خصوص زیر سؤال برد، به‌دلیل «برهم‌زدن نظم کلاس» با اقدامات تلافی‌جویانه بیشتری روبرو شد.

کائو بعداً از مدرسه اخراج شد و حتی مدیران با پلیس تماس گرفتند که بیایند و کائو و مادرش را ببرند. یکی از مدیران به خانواده کائو گفت: «این مدرسه رژیم کمونیست است، هیچ باور دیگری جایی در اینجا ندارد.»

مورد ۲: به دانشجویان دانشکده حقوق در طول مصاحبه ثبت‌نام دستور داده شد نگرششان را درباره فالون گونگ بیان کنند^{۴۳}

در سال ۲۰۱۰ در یک اطلاعیه از سوی دانشکده حقوق دانشگاه دارایی و اقتصاد شانگهای برای مصاحبه ثبت‌نام، دانشجویان مجبور شدند به سؤالی درباره درکشان از فالون گونگ پاسخ دهند.

چنین سؤالاتی معمولاً به‌عنوان سنگ محکی استفاده می‌شود تا دیده شود دانشجویان کاملاً از خط‌مشی حزب پیروی می‌کنند یا تفکر مستقلی دارند. اکثر دانشجویان استقلال خود را به خطر می‌اندازند و هم‌رنگ جماعت می‌شوند و فالون‌گونگ را محکوم می‌کنند تا از این طریق در تحصیلات و حرفه خود پیشرفت کنند.

۲.۲ محروم‌شدن از فرصت‌های شغلی و توقیف دارایی شخصی

درحالی‌که هر گوشه از جامعه چین به سمت کمپین آزار و شکنجه کشیده می‌شود، همه در این سیستم هدف قرار می‌گیرند. پس از اینکه دانشجویی از دانشگاه فارغ‌التحصیل و وارد جامعه می‌شود، اگر مقامات متوجه شوند که او فالون‌گونگ را تمرین می‌کند، با فشار مداوم برای ازدست‌دادن شغلش یا توقیف دارایی شخصی‌اش مواجه می‌شود.

۱.۲.۲ کارفرمایان به قرارداد کاری خود با تمرین‌کنندگان خاتمه می‌دهند

مورد ۱: مهندس هواپیما پس از توقیف کارت‌های شناسایی‌اش قادر به کارکردن و حمایت از خانواده‌اش نیست^{۴۴}

آقای لیو یونگ‌شنگ، مهندس هواپیما در ساخت هواپیمای چنگدو، در سال ۲۰۰۷ به‌دنبال دستگیری گسترده تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ، از کارش اخراج شد. او مجبور شد دور از خانه‌اش زندگی کند و از جایی به جایی دیگر نقل‌مکان کند تا از آزار و شکنجه بیشتر جلوگیری کند.

مقامات کارت شناسایی و مدرک تحصیلی او را گرفتند که باعث شد تا مدت‌ها نتواند شغلی بیابد. او علی‌رغم تخصصش مجبور بود برای درآمدی بخورونمیر، به‌صورت پاره‌وقت و به‌عنوان مأمور تحویل کالا کار کند.

مورد ۲: اخراج پزشک از بیمارستان^{۴۵}

دکتر چن جینگ در اواسط دسامبر ۲۰۰۵ در حالی که همراه کودکی به اداره پلیس رفته بود تا درباره مادر دستگیرشده اش پرس و جو کند، دستگیر شد. پلیس او را کتک زد، مورد آزار و اذیت کلامی قرار داد و از او بازجویی کرد. پس از مدت کوتاهی کارفرمایش، بیمارستان مرکزی جیاموسی، قط یک سال پس از شروع کار این پزشک در آنجا، او را اخراج کرد.

این محنت باعث ایجاد ترس و درک‌های نادرست بیشتری در خانواده، همکاران و دوستانش درباره فالون گونگ شد.

مورد ۳: اعضای خانواده هم‌دست شناخته می‌شوند^{۴۶}

پس از زندانی شدن آقای لی هونگ‌شو و پدرش به خاطر ایمانشان، برادر کوچک آقای لی شغلش را در شهر دالیان رها کرد و به خانه‌اش در شهر پانجین رفت تا از مادرش مراقبت کند. برادرش با اینکه در امتحان بالاترین نمره را کسب کرده و در مصاحبه و معاینه جسمی قبول شده بود، در بررسی سیاسی در روند استخدام رد شد و از گرفتن سمتی در اداره پلیس راهنمایی‌وراندگی پانجین محروم شد چراکه پدرش فالون گونگ را تمرین می‌کرد. این جریان باعث ناراحتی روحی بسیار زیاد برادرش شد که در نتیجه در یافتن همسر نیز دچار مشکل شد.

۲.۲.۲ تعطیلی اجباری شرکت‌های خصوصی

مورد ۱: تعطیلی اجباری شرکت مواد شوینده^{۴۷}

در سال ۲۰۰۳، چند تن از تمرین‌کنندگان فالون گونگ در شهر چائویانگ استان لیائونینگ، با سرمایه‌گذاری مشترک، یک فناوری با حق بهره‌برداری انحصاری را خریداری کردند. آنها شرکتی به نام شرکت تیائونگ دترجنت را تأسیس کردند. آنها از قسمت مدیریت تا تولید، تمرین‌کنندگان فالون گونگی را استخدام کردند که به دلیل آزار و شکنجه شغل خود را از دست داده بودند.

اندکی پس از شروع به کار این شرکت، آنها به سرعت فروش خود را افزایش دادند و با فروش محصولات خود به بیش از ۲۰ شرکت پردازش ماشین‌آلات با اندازه بزرگ و متوسط، بازار را گشودند. درآمد آنها ۳ سال متوالی افزایش یافت.

بعد از اینکه پلیس از وجود این شرکت تحت اداره تمرین‌کنندگان مطلع شد، صاحبان این شرکت، آقای لی ونشنگ و خانم وو جینپینگ را دستگیر و در ۲۴ فوریه ۲۰۰۸ شرکت را غارت کرد. پلیس گاو صندوق حاوی پول نقد، دسته چک شرکت، دفترچه حسابداری شرکت، مهر شرکت، مهر امور مالی، مهر نماینده قانونی و سایر وسایل کسب‌وکارشان را نیز توقیف کرد، یعنی همه آنچه برای برداشت پول از حساب‌هایشان استفاده می‌شد. یک اتومبیل شرکت را نیز توقیف و راننده استخدامی‌شان را دستگیر کرد.

شرکت در نهایت مجبور به تعطیلی شد که میلیون‌ها یوآن ضرر به بار آورد. بسیاری از کارمندان شغل‌شان را از دست دادند و خانواده‌های‌شان در شرایط بسیار سخت اقتصادی قرار گرفتند.

مورد ۲: شرکت آموزشی مؤلف مشهور به اجبار بسته و کتابش توقیف شد^{۴۸}

آقای وانگ شوئومینگ (تخلص به یون شیائو)، معلم مدرسه راهنمایی دامیان در شهر چنگدو، در مارس ۲۰۰۳ از محل کارش اخراج شد. او سپس به شهر ووهان در استان هوبی نقل مکان کرد و شرکت آموزش نویسندگی خود را با نام «تالار تدریس تقوای کامل» تأسیس کرد. او بیش از ۱۰۰ مقاله، شعر و نظم در مجلات بی‌شماری منتشر و چند کتاب درسی دانشگاه تدوین و منتشر کرد. او در سال ۲۰۰۸ به‌عنوان یکی از «یازده نثرنویس شبکه» انتخاب شد.

با افزایش نفوذ آقای وانگ، پلیس ووهان او را در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱ دستگیر کرد. پدرش در روز دستگیری او درگذشت. مقامات آقای وانگ را به «فعالیت تجاری غیرقانونی» متهم کردند و دفتر مرکزی شرکتش در ووهان و نیز چند مکان دیگر در نزدیکی ووهان و شهر نانچانگ استان جیانگشی را تعطیل کردند. بیش از ۶۰۰۰ نسخه از نشریات شخصی‌اش نیز توقیف شد. خسارات مالی مستقیم این جریان بیش از یک میلیون یوان بود.

۳.۲ بدون مکانی برای زندگی

مورد ۱: خانه معلم پیانو توقیف شد و مستمری بازنشستگی‌اش به حالت تعلیق درآمد^{۴۹}

خانم شیبه شیا، معلم پیانو از شهرستان شوآن‌گلیو در استان سیچوان، اندکی پس از شروع آزار و شکنجه فالون گونگ در سال ۱۹۹۹، از کارش اخراج شد. همچنین کارفرمایش، مدرسه راهنمایی فنی و حرفه‌ای هوایانگ، خانه‌اش را که با کمک هزینه دریافتی از مدرسه خریداری کرده بود، توقیف کرد، درحالی‌که او بدهی‌اش را به‌طور کامل پرداخت کرده بود.

طی سال‌های بعد، خانم شیبه، مادری تنها، از مکانی به مکان دیگر می‌رفت تا برای تأمین هزینه‌های خودش و فرزندش شغلی موقت بیابد. اداره ۶۱۰ محلی به صاحبخانه‌ها دستور داده بود که به او خانه اجاره ندهند که این امر یافتن خانه را برایش دشوارتر می‌ساخت.

پس از اینکه اداره تأمین اجتماعی شهرستان شوآن‌گلیو سند محرمانه‌ای را از کمیته اماکن شهرک دونگشنگ دریافت کرد که به این اداره دستور می‌داد مستمری بازنشستگی او را به یک حساب تحت کنترل دولت واریز کند، مقامات مستمری بازنشستگی‌اش را از ژوئیه ۲۰۱۴ به حالت تعلیق درآوردند. اعضای کمیته اماکن بعداً اعتراف کردند که اداره ۶۱۰ این دستور را صادر کرده است.

مورد ۲: خانه تخریب شد و غرامت به یک میلیون یوآن کاهش داده شد

۵۰

در سال ۲۰۱۱ وقتی قرار بود خانم ژانگ گویلان در شهر بیچون استان جیلین تخریب شود، او به‌دلیل تمرین فالون گونگ فقط ۳۰۰ هزار یوآن غرامت دریافت کرد، درحالی‌که باید دست‌کم یک میلیون و ۲۰۰ هزار یوآن دریافت می‌کرد.

وقتی او در این باره به خبرنگاری گفت و آن خبرنگار با دبیر حزب فرمانداری منطقه نانچا مصاحبه کرد، آن مقام مسئول به خبرنگار گفت: «ژانگ گویلان فالون گونگ را تمرین می‌کند، بنابراین جبران خسارتش باید کمتر از بقیه باشد. او نباید فالون گونگ را تمرین می‌کرد!»

سپس خبرنگار پرسید: «در قانون و دستورالعمل جبران خسارت به چیز خاصی دربار فالون گونگ اشاره نشده است، بنابراین به نظر می‌رسد این کارتان اشتباه است.» دبیر حزب در پاسخ گفت: «اینجا در منطقه نانچا، آنچه ما می‌گوییم قانون است.»

وقتی خانم ژانگ از نقل مکان کردن اجتناب کرد، مسئولان آب و برقش را قطع کردند. آب خانه‌اش را احاطه کرد و زندگی عادی را برایش غیرممکن ساخته بود. مسئولان همچنین تهدید کردند که در صورت امتناع از نقل مکان، دستگیرش خواهند کرد.

مورد ۳: اجبار به زندگی دور از خانه^{۵۱}

آقای ما چینگهای از شهر چیفنگ در مغولستان داخلی، برای جلوگیری از آزار و شکنجه مجبور شد از فوریه ۲۰۰۳ با همسر و نوزاد دخترش دور از خانه‌اش زندگی کند. آنها در طول سه سال ۱۶ بار از جایی به جایی دیگر نقل مکان کردند تا از چشم پلیس مخفی شوند. درحالی که از مکانی به مکان دیگر می‌رفتند، پسرشان نزد پدر بزرگ و مادر بزرگ مسننش اقامت داشت.

حتی وقتی آقای ما و همسرش در خانه نبودند، پلیس به آزار و اذیت خانواده‌اش ادامه داد. پلیس در طول بازرسی خانه‌اش در شب، حتی زیر لحاف مادر بزرگ خانم ما را که حدود ۹۰ سال داشت، نگاه کرد. این کار مادر بزرگ سالخورده را وحشت زده کرد.

بعداً در سال ۲۰۰۵، آقای ما دستگیر و به ۹ سال زندان محکوم شد. او این‌طور به یاد آورد:

پدرم پس از اینکه مدتی به نگهبانان التماس کرد، سرانجام اجازه یافت در سال ۲۰۰۶، برای نخستین بار در طول آن سال‌ها، با من در زندان ملاقات کند. شاید به این دلیل که من دچار ورم موضعی در کل بدنم شده بودم یا شاید به این دلیل که پدرم از زنده بودنم واقعاً هیجان زده شده بود، او فقط برای مدتی طولانی به من نگاه کرد و یک کلمه هم نگفت. با نگاه به او، به موهایش که همه جوگندمی شده بود، جلوی اشک‌هایم را گرفتم و تمایل نداشتم بگویم که بعد از دستگیری از میان چه چیزهایی گذشتم.

بار دیگر پسر ۱۷ساله‌ام، دختر ۵ساله‌ام را به دیدارم آورد. چیزی گفتم که نگاهی‌بانان نمی‌خواستند آنها بشنوند. آنها مرا جلوی چشم فرزندانم کتک و لگد زدند. دخترم ترسیده بود و به شدت گریه می‌کرد.

در طول زمان حبسم، همسرم برای امرار معاش انواع‌واقسام کارهای موقتی را انجام می‌داد تا فرزندانم بتوانند به مدرسه بروند. گاهی نیز مقداری پول برای خرید مایحتاج روزانه برایم می‌فرستاد.

چند سال بعد که همسرم دخترمان را به دیدارم آورد، قلبم مملو از شادی و تلخی بود. دخترم خیلی بلندتر و بزرگ شده بود، اما من کنارش نبودم و از او مراقبت نمی‌کردم. این آزار و شکنجه نه‌تنها آزادی‌ام را از من سلب کرد، بلکه مرا از اینکه یک پسر، یک شوهر و یک پدر باشم محروم کرد.

۴.۲ غارت منزل

مورد ۱: پلیس با استفاده از گاز اشک‌آور و تبر به‌زور وارد منزل می‌شود^{۵۲}

در نیمه‌شب ۱۸ اوت ۲۰۰۹، پلیس در شهر منچوری مغولستان داخلی تلاش کرد به‌زور وارد منزل آقای ژانگ یو شود. او همراه همسر، دختر نوجوان و پدر و مادرش در آنجا زندگی می‌کرد. خانواده آقای ژانگ از بازکردن در منزل امتناع ورزیدند و پلیس را تا طلوع صبح بیرون نگه داشتند. سپس پلیس یک کامیون آتش‌نشانی و ده‌ها مأمور اداره پلیس محلی را به آنجا اعزام کرد.

درگیری تا ظهر ادامه داشت. سپس پلیس پنجره را شکست و به داخل منزل آقای ژانگ گاز اشک‌آور پاشید، صرف‌نظر از این واقعیت که پدر و مادر مسن و بیمار و دختر نوجوان آقای ژانگ در منزل بودند. سپس پلیس مسلح از طریق پنجره شکسته وارد خانه شد.

از آنجاکه پلیس قفل در آقای ژانگ را شکسته بود، در باز نمی‌شد، بنابراین آنها با استفاده از تبری در را شکستند و هر پنج عضو خانواده را با خود بردند.

مورد ۲: پلیس تلاش می‌کند شبانه به‌زور وارد منزل شود^{۵۳}

ساعت ۴ صبح ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۹، مأموران به دم در منزل آقای هائو یین در تیانجین رفتند. آنها به سه دخترش که در منزل بودند اعلام کردند که می‌خواهند منزلشان را جستجو کنند.

وقتی دختران (شیائوجیائو، شیائویان و شیائوجینگ) از بازکردن در جلویی منزل اجتناب کردند، چند مأمور بارها به در کوبیدند، درحالی‌که سایر مأموران از دیوار جلوی منزل بالا رفتند و آنها را تهدید کردند. وقتی دختران برای کمک فریاد و همسایگان خود را صدا زدند، مأموران پایین آمدند و آنجا را ترک کردند.

همسر آقای هائو، خانم گائو یان، به دلیل صحبت با مردم درباره فالون گونگ به ۳ سال زندان محکوم شد. آقای هائو یین، بدون دلیل دستگیر شد، خانه‌اش غارت شد و بعداً به اردوگاه کار اجباری فرستاده شد. او موفق شد از بازداشتگاه فرار کند اما پس از آن مجبور شد دور از خانه‌اش زندگی کند تا از آزار و شکنجه بیشتر جلوگیری کند.

مورد ۳: توقیف اموال شخصی در حین غارت خانه^{۵۴}

۱۰ مأمور در ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۸ به‌زور وارد آپارتمان آقای یائو تیبین و خانم ژانگ فنرونگ در شهر مودانجیانگ استان هیلونگ‌جیانگ شدند. وقتی این زوج سعی کردند اجازه ندهند پلیس منزلشان را جستجو کند، مأموران آنها را کتک زدند. در نتیجه صورتشان متورم و کبود شد. یکی از مأموران به آنها گفت: «دولت [حزب کمونیست چین] به شما اجازه

نمی‌دهد فالون گونگ را تمرین کنید. اگر فالون گونگ را تمرین کنید، قانون را نقض می‌کنید.»

پلیس منزلشان را غارت کرد و پول نقد، رایانه، چاپگر و سایر وسایل خانواده را همراه خود برد. ارزش کل این دارایی‌ها بیش از ۳۰ هزار یوآن بود.

۵.۲ اخاذی

مورد ۱: اجتناب پلیس از پس‌دادن نزدیک به ۶۰۰۰ یوآن پول توقیف شده از خانمی اهل هیلونگ‌جیانگ که به‌دلیل ایمانش زندانی شده بود^{۵۵}

پلیس هنگام غارت منزل خانم لو کایسن در اوت ۲۰۱۸، مبلغ ۵۸ هزار یوآن پول نقد از او توقیف و در نهایت از بازگرداندن آن پول اجتناب کرد.

در ابتدا پلیس ادعا کرد که این پول بخشی از مدارک و شواهدی است که از آن برای پیگرد قانونی او استفاده می‌شود و فقط پس از برگزاری جلسه محاکمه خانم لیو می‌توانند آن را بازگردانند. اما وقتی پلیس پرونده خانم لیو را در ۱۷ اکتبر به دادستانی آچنگ ارائه داد، این پول در پرونده ذکر نشده بود. وقتی دادستان خانم لیو را متهم کرد و پرونده‌اش را به دادگاه آچنگ فرستاد، باز هم آن پول را به‌عنوان مدرک پیگرد قانونی فهرست نکرد.

قاضی دادگاه آچنگ به هنگام صحبت با وکیل خانم لیو و خانواده‌اش، بسیار روشن بیان کرد که پولی که پلیس توقیف کرده است، هیچ ارتباطی با پرونده او ندارد. از آنجاکه پسر خانم لیو برای کسب‌وکار خانوادگی خود به پول نیاز داشت، پس از جلسه دادرسی در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۸ مأمور گائو را پیدا کرد و دوباره از او خواست که آن پول را بازگرداند.

این بار گائو گفت پس از اینکه قاضی حکم را صادر کرد، پول را پس می‌دهند. به‌تازگی تأیید شده است که خانم لیو به‌علت رها نکردن باورش به ۱ سال و ۶ ماه حبس محکوم شده است، اما پلیس هنوز آن پول را به خانواده‌اش بازنگردانده است.

مورد ۲: پلیس هنگام غارت دفتر املاک و مستغلات زوجی، ۱۰۰هزار یوآن پول نقدشان را توقیف می‌کند^{۵۶}

آقای زوئو هونگتائو و همسرش از شهر چینهوآنگدائو در استان هبی، در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۷ همراه ۴ تمرین‌کننده فالون گونگ که به منزل آنها رفته بودند، دستگیر شدند. پلیس دفتر املاک و مستغلات این زوج را غارت کرد و ۱۰۰هزار یوآن پول نقدشان را که آقای زوئو برای معاملات تجاری‌اش در دست داشت، توقیف کرد. ۵۰هزار یوآن پول نقدی که تمرین‌کننده دیگری در دفتر آقای زوئو داشت نیز توقیف شد.

پلیس موتورسیکلت برقی و تجهیزات دفتر آقای زوئو را نیز توقیف کرد. موتورسیکلت برقی جدید تمرین‌کننده دوم و خودرویی که تمرین‌کننده سوم از دوستش امانت گرفته و پر از لباس‌هایی برای فروش بود، نیز توقیف شدند. پلیس هنگام بازرسی منزل این تمرین‌کنندگان حکم بازرسی ارائه نکرد و پس از توقیف اموال‌شان نیز فهرستی از اقلام توقیف‌شده به آنها نداد.

بعداً این تمرین‌کنندگان به‌دلیل اجتناب از رهاکردن ایمان خود به ۸ تا ۱۳ سال زندان محکوم شدند. همسر آقای زوئو، خانم کویی چیورونگ که دافا را تمرین نمی‌کند اما از فالون گونگ حمایت می‌کند نیز به ۱۹ ماه حبس محکوم شد.

۲.۶ توقف پرداخت مستمری بازنشستگی

مورد ۱: پلیس اسناد استخدام را جعل و ۲۷ سال سابقه خدمت را از طرح بازنشستگی حذف می‌کند^{۵۷}

آقای وانگ شوشیانگ پس از ۳۰ سال خدمت در اداره خدمات شهری و محوطه‌سازی در پکن، با کمال تعجب متوجه شد در حساب بازنشستگی‌اش مبلغی نیست و پرونده پرسنلی‌اش نشان می‌داد که فقط دو سال و نه ماه سابقه خدمت دارد.

کارکنان مرکز خدمات استعدادیابی منطقه دونگچنگ به همسرش گفتند که پلیس دونگچنگ یک بار پرونده را برده و سند را تغییر داده است. خانم وانگ به اداره پلیس محلی رفت. آنها پذیرفتند که در واقع مسئول این خطا در پرونده پرسنلی شوهرش هستند و وعده دادند که ۳۰ هزار یوآن به‌عنوان جبران خسارت به او بپردازند اما از اصلاح سوابق خدمت شوهرش خودداری کردند.

مورد ۲: مستمری بازنشستگی مردی اهل گوئیژو از سال ۲۰۰۱ به حالت تعلیق درآمد^{۵۸}

آقای ژانگ شوگانگ در سال ۲۰۰۰ از اداره تربیت بدنی شهر زونی بازنشسته شد. کارفرمایش هنگام دستگیری او در سال ۲۰۰۱، مستمری بازنشستگی او را به حالت تعلیق درآورد، چراکه او حاضر نشد فالون گونگ را رها کند. او طی ۲۰ سال گذشته تحت شرایط سخت اقتصادی قرار داشته است.

پسر آقای ژانگ هنوز ۱۰ساله نشده بود که پدرش برای نخستین بار دستگیر شد. او هنگام حبس پدرش مجبور به ترک تحصیل شد و ۶ سال مجبور بود از اقوامش پول قرض بگیرد تا بتواند زنده بماند.

وقتی پدرش برای بار دوم آزاد شد، پسر در سن نوجوانی بود و آنها مجبور شدند برای بازپرداخت بدهی‌شان خانه خود را بفروشند.

مورد ۳: توقف پرداخت مستمری بازنشستگی برای بازپس‌گیری وجوهی که در طول دوره حبس پرداخت شده بود^۹

طی سال‌های اخیر، رژیم کمونیستی سیاست جدیدی را وضع کرده که طبق آن شهروندان چینی را از دریافت حقوق بازنشستگی در زمان حبسشان در زندان منع می‌کند. بنابراین بسیاری از تمرین‌کنندگان فالون گونگ که از زندان آزاد می‌شوند درمی‌یابند که مأمور اداره تأمین اجتماعی محلی حقوق بازنشستگی‌شان را به‌منظور بازپس‌گیری وجوهی که در طول زندان دریافت کرده‌اند، به حالت تعلیق درآورده است.

خانم هه ژونگلی پس از ۳ سال زندان به‌دلیل اجتناب از رهاکردن اعتقادش به فالون گونگ، در ۱۴ آوریل ۲۰۱۹ به خانه بازگشت.

مستمری بازنشستگی این بانوی ۷۳ساله از اواخر سال ۲۰۱۸ به حالت تعلیق درآمده بود. به او گفته بودند تا زمانی که او تمام وجوه دریافتی در زمان حبسش را بازگرداند، این مزایا به او پرداخت نمی‌شود.

۷.۲ دولت اورولی امروزی

بسیاری از تمرین‌کنندگان فالون گونگ علاوه بر اینکه فرصت‌های آموزشی را از دست می‌دهند و اموال شخصی‌شان توقیف می‌شود، با خطر دائمی و فشار هدف‌قرارگرفتن در

هر زمان و هر مکان مواجه هستند. به‌ویژه با توسعه فن‌آوری نظارت، رژیم کمونیستی شهروندان چینی را در سطح بی‌سابقه‌ای تحت نظر دارد.

۱.۷.۲ محرومیت از گذرنامه و کارت شناسایی

مقامات کارت شناسایی بسیاری از تمرین‌کنندگان فالون گونگ را توقیف کرده‌اند و این مسئله باعث بروز مشکلاتی برای آنها می‌شود از جمله در مسافرت، در انجام امور بانکی، در اسکان و سایر معاملات روزمره. وقتی به تمرین‌کنندگان کارت شناسایی ارائه می‌شود، معمولاً کارت‌ها علامت می‌خورند که موانعی برای سفر و تراکنش‌های مالی روزمره‌شان ایجاد می‌کند. تمرین‌کنندگان در زندگی روزمره خود تحت نظارت شدید قرار دارند.

مورد ۱: مردی اهل هیلونگ‌جیانگ قادر نیست بدون کارت شناسایی از حساب بانکی‌اش پول برداشت کند^{۶۰}

آقای وانگ ژیبیاو در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۰۸ برای دریافت کارت شناسایی جدید به اداره پلیس درخواست داد. به او گفته شد که برای دریافت کارت جدیدش در تاریخ ۲۰ مه به این اداره مراجعه کند. وقتی طبق برنامه به اداره پلیس رفت، به او گفتند که نمی‌تواند کارت شناسایی جدیدی داشته باشد چراکه فالون گونگ را تمرین می‌کند. آقای وانگ چند بار به اداره پلیس مراجعه کرد اما بازهم نتوانست کارت شناسایی دریافت کند.

پسرش در ژوئیه ۲۰۰۸ در حال ازدواج بود. آقای وانگ بدون کارت شناسایی قادر به برداشت پول از حساب بانکی‌اش نبود که این جریان بر برنامه‌های جشن ازدواج پسرش تأثیر گذاشت.

مورد ۲: والدین فردی ساکن ژاپن، ۵ بار از داشتن گذرنامه محروم می‌شوند^{۶۱}

از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹، ۵ درخواست آقای ژانگ یولیانگ و خانم فو جینیون (دو بومی استان جیانگشی که اکنون در شانگهای اقامت دارند) برای اخذ گذرنامه به منظور دیدار با فرزندشان در ژاپن رد شد.

پلیس به آنها گفت که از داشتن گذرنامه محروم هستند چراکه فالون گونگ را تمرین می‌کنند. پلیس ترتیبی داد مأموران لباس شخصی فعالیت‌های روزمره این زوج را نیز تحت نظر داشته باشند.

پلیس روی گذرنامه این زوج نوشت:

اطلاعات ارائه شده در برگه درخواستشان دقیق است، اما آنها فالون گونگ را تمرین می‌کنند، یکی از پنج دسته افرادی که اجازه سفر به خارج از کشور را ندارند. درخواستشان برای بررسی به مقامات بالاتر ارسال شده است.

براساس لیست «اسناد تکمیلی مورد نیاز برای سفر شخصی به خارج از کشور» مربوط به مبادی ورود و خروج شهر هنگ‌کنگ در استان هبی، اداره پلیس محلی متقاضی باید مدارکی را ارائه دهد که نشان دهد متقاضی فالون گونگ را تمرین نمی‌کند.^{۶۲}

مورد ۳: بانوی اهل هیلونگ‌جیانگ به دلیل علامت‌داربودن کارت شناسایی‌اش در اداره پلیس دستگیر و به ۷ سال زندان محکوم شد^{۶۳}

خانم کای ویهوا، تمرین‌کننده فالون گونگ در شهر هاربین استان هیلونگ‌جیانگ، در تاریخ ۶ فوریه ۲۰۱۸ سوار قطار می‌شد تا برای تعطیلات سال نو چینی به دیدار والدینش برود و در همین حین پلیس او را متوقف کرد. معلوم شد که پس از اسکن کارت شناسایی خانم کای هنگام عبور از بازرسی امنیتی، پلیس متوجه شده که او تمرین‌کننده فالون گونگ است.

پلیس خانم کای و همسرش آقای لی بووی را که تمرین‌کننده فالون گونگ نیست دستگیر کرد. مأموران آنها را به خانه‌شان بردند و آنجا را نیز غارت کردند. بعداً در نوامبر ۲۰۱۸ خانم کای در دادگاه منطقه دائووی به ۷ سال زندان و پرداخت ۳۰ هزار یوآن جریمه محکوم شد.

۲.۷.۲ نظارت مداوم

تمرین‌کنندگان فالون گونگ هنگام قدم‌زدن در خیابان، ورود به هتل، پست‌کردن نامه، کمک مالی، به‌اشتراک‌گذاشتن مطلب در شبکه‌های اجتماعی و انجام سایر فعالیت‌های معمول تحت نظر هستند. برخی حتی فریب کودکانی را می‌خورند که پلیس آنها را تطمیع کرده تا نقش «مأموران مخفی» را ایفا کنند.

مورد ۱: در حال قدم‌زدن به سمت پایین خیابان، پلیس او را متوقف می‌کند^{۶۴}

آقای گوان یونژی در ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۴ در حال قدم‌زدن در خیابان بود که پلیس جلوی او را گرفت. وقتی پلیس فهمید که او تمرین‌کننده فالون گونگ است، دستگیرش کرد و یک شب او را در اداره پلیس تحت بازجویی قرار داد. او بیش از ۵۰ روز در بازداشت بود و ۵۰۰۰ یوآن از او اخاذی شد چراکه پلیس اطلاعات مربوط به فالون گونگ را در تلفن همراهش پیدا کرد.

مورد ۲: زوج اهل هیلونگ‌جیانگ پس از ورود به هتل در پکن، مورد آزار و اذیت پلیس قرار گرفت^{۶۵}

خانم ژانگ یانفن و همسرش آقای تائو یونگجون (که فالون گونگ را تمرین نمی‌کنند) برای ملاقات دخترشان خانم تائو کن در ۱۱ آوریل ۲۰۱۲ به پکن رفتند.

خانم ژانگ با کارت شناسایی دخترش در هتل پذیرش شد. حدود ساعت ۷ عصر، مأموران پلیس در اتاق خانم ژانگ را زدند و به او دستور دادند محل کار و آدرس دخترش را به آنها بگوید. آنها با استفاده از تلفن همراه آقای تائو با دخترش نیز تماس گرفتند و پرسیدند که آیا هنوز فالون گونگ را تمرین می‌کند یا خیر؟ او حاضر نشد به سؤال آنها پاسخ دهد.

مورد ۳: بعد از اینکه کارمند پست فلایر فالون گونگ را در نامه بانوی اهل شاندونگ پیدا کرد، او دستگیر و به اردوگاه کار اجباری منتقل شد^{۶۶}

یک کارگر پست در شهر لانگ‌کو در استان شاندونگ، پس از اینکه در ۱۱ اوت ۲۰۰۸ اطلاعات مربوط به فالون گونگ را در نامه ارسالی خانم چو شیان‌هوا یافت، او را به اداره ۶۱۰ محلی گزارش داد. مأموران پلیس روز بعد به منزل خانم چو رفتند و دستگیرش کردند. آنها خانه‌اش را نیز غارت و رایانه و چاپگرش را توقیف کردند.

خانم چو در اواخر ماه اوت به یک و نیم سال کار اجباری محکوم شد. او به شدت شکنجه شد و تحت فشار قرار گرفت تا اطلاعات سایر تمرین‌کنندگان را به پلیس بدهد.

**مورد ۴: دستگیری کشاورز فقیر بعد از کمک مالی به بحران زمین‌لرزه
سیچوان^{۶۷}**

آقای یین زمین، تمرین‌کننده فالون گونگ از استان هبی، وقتی در سال ۲۰۰۸ درباره زلزله ۷.۹ ریشتری در استان سیچوان شنید، با خانواده‌اش مشورت کرد و تصمیم گرفت ۵۰۰ یوانی را که برای مراقبت‌های پزشکی از پدرش پس‌انداز کرده بودند به تلاش‌های امدادسانی در منطقه ویران‌شده اهدا کنند.

پس از اینکه پلیس محلی از این کمک مالی آقای یین مطلع شد، با این استدلال که «تمرین‌کنندگان فالون گونگ پول ندارند، بنابراین فردی دارای منابع برای اهدا ۵۰۰ یوان باید "هماهنگ‌کننده" باشد»، در ۶ ژوئن ۲۰۰۸ او را دستگیر کرد.

**مورد ۵: بانویی به دلیل به اشتراک گذاشتن فایل‌های صوتی فالون گونگ
در رسانه‌های اجتماعی به زندان محکوم شد^{۶۸}**

در ۲۲ مه ۲۰۱۷ خانم چه گوئوپینگ ساکن شهر دژو در استان شاندونگ، از محل کار خود به خانه‌اش بازمی‌گشت که بیش از ده مأمور دستگیرش کردند.

این کارمند شرکت برق هوانگ به این دلیل مورد هدف قرار گرفت که یک فایل صوتی با اطلاعات مربوط به فالون گونگ را در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته بود. مأموران خانه‌اش را غارت و بیش از ده تلفن همراه، یک آی‌پد و سایر وسایل شخصی‌اش را توقیف کردند.

خانم چه در تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۱۷ در دادگاه منطقه دچنگ حاضر و در دسامبر ۲۰۱۷ به سه سال و نیم حبس و پرداخت جریمه ۵ هزار یوآنی محکوم شد.

مورد ۶: پلیس فرزندان را با پول تطمیع کرد تا به عنوان «مأموران مخفی» عمل کنند

پلیس در استان سیچوان از پول برای تطمیع کودکان استفاده می‌کند و آنها را «مأموران مخفی» خود می‌سازد. آنها کودکان را وادار کردند به منزل تمرین‌کنندگان فالون گونگ بروند و وانمود کنند که خواهان اطلاعاتی درباره فالون گونگ هستند یا اینکه تمرین‌کنندگان را دنبال کنند و آنها را تحت نظر داشته باشند. این تمرین‌کنندگان بعداً دستگیر می‌شوند. به هر کودک ۱۰ یوآن پاداش داده می‌شد.

صبح روز ۱۰ نوامبر ۲۰۰۶، چند دانش‌آموز به منزل خانم لی زفن رفتند و از او پرسیدند که آیا هنوز مطالب اطلاع‌رسانی فالون گونگ دارد. آنها گفتند: «ما واقعاً فلاپه‌های فالون گونگ را دوست داریم و تعداد بیشتری می‌خواهیم.» خانم لی چارپایه‌هایی برای آنها آورد تا در حیاط بنشینند. طولی نکشید که دو اتومبیل پلیس به آن محل رسید. چند مأمور منزل خانم لی را غارت کردند و او را با خود بردند. بعداً خانم لی به یک سال و سه ماه کار اجباری محکوم شد.

۸.۲ خانواده‌های تمرین‌کنندگان به مخالفت با آنها برمی‌خیزند

وقتی کار اجباری و شکنجه نمی‌تواند تمرین‌کنندگان را مجبور به ترک اعتقاداتشان کند، مقامات برای تضعیف حالت دفاعی ذهنی تمرین‌کنندگان، به درخواست‌های احساسی از اعضای خانواده آنها متوسل می‌شوند. درحالی‌که خانواده بعضی از تمرین‌کنندگان هنوز از آنها حمایت می‌کنند، برخی با آنها مخالف می‌شوند و برای محافظت از منافع خود، به مقامات در آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان کمک می‌کنند.

خانم دینگ شیائوشیا، معلم انگلیسی مدرسه راهنمایی در استان جیلین، به یاد آورد که چگونه رؤسای مدرسه‌اش از این استراتژی استفاده کردند تا او را مجبور به رهاکردن تمرین فالون گونگ کنند:^{۶۹}

بعد از چند دور شستشوی مغزی، هنوز حاضر نبودم فالون گونگ را رها کنم، بنابراین آنها از خانواده‌ام خواستند که مرا متقاعد کنند. والدینم ابتدا به مدرسه‌ام آمدند. کتکم زدند و مرا سرزنش کردند. بعد شوهرم آمد و بعد پسر من که تازه از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده بود. پسر من به محض دیدن من، جلویم زانو زد و گریه‌کنان گفت: «مادر، دیگر این کار را نکن. دلم برایت خیلی خیلی تنگ شده. بیا به خانه برویم». قلبم شکسته بود، اما در برابر درخواستش سکوت کردم.

آنها بار دیگر، از خواهر بزرگم خواستند که مرا متقاعد کند. او گفت که پدرم در بیمارستان بستری است و وضعیت وخیمی دارد. سرم فریاد کشید که من دلیل روبه‌وخامت رفتن وضعیت سلامتی پدرم هستم. اگر قبول کنم ایمانم را کنار بگذارم، شاید او هنوز فرصتی برای بهبودی داشته باشد. اما اگر اصرار بورزم که ایمانم را حفظ کنم، اگر اتفاقی برای پدرم بیفتد مرا نمی‌بخشند. حرف‌هایش را باور کردم. تسلیم احساسات شدید خانوادگی شدم و نگران اینکه پدرم را از دست بدهم، بنابراین اظهاریه رهاکردن فالون گونگ را نوشتم.

رؤسای مدرسه خوشحال شدند و سرانجام به من اجازه دادند به خانه برگردم. وقتی به خانه رسیدم، فهمیدم که فریب خورده‌ام. حال پدرم کاملاً خوب بود و هرگز به بیمارستان نرفته بود.

در یک بازبینی عملکرد سیاسی، اعضای خانواده کارکنان نیروی هوایی مجبور شدند فرمی را پر کنند و به سؤالاتی مربوط به نگرش خود درباره فالون گونگ و اینکه آیا در «فعالیت‌های غیرقانونی فالون گونگ» مشارکت داشته‌اند، پاسخ دهند.

مورد ۱: دختر تحت تلقینات تسلیم می‌شود و به مادرش حمله می‌کند

۷۰

پس از شروع آزار و شکنجه فالون گونگ در سال ۱۹۹۹، دختر خانم هو لینگ‌یینگ، خانم لی هوآیینگ، به شدت مخالف ادامه تمرین مادرش شد. لی چند بار به مادرش حمله و با او بدرفتاری کرد. او همچنین خانم هو را به پلیس معرفی کرد که در نتیجه مادرش بازداشت شد.

در ژوئیه ۲۰۰۳، خانم هو دوباره گزارشش داده و به اداره پلیس منتقل شد. بعد از اینکه پلیس به لی دستور داد او را به خانه ببرد، از ترس اینکه مبادا خانم هو بیرون برود، او را در خانه حبس کرد.

وقتی خانم هو می‌خواست قفل در را باز کند، لی با میخ به سر، کمر و بالاتنه او حمله کرد. سر خانم هو پر از خون و صورتش متورم شده بود. با این‌که خانم هو به شدت زخمی شده بود، لی هرگز سعی نکرد برایش مراقبت پزشکی فراهم کند.

مورد ۲: شوهر سابق به دلیل نقش فعالش در آزار و شکنجه، گواهی افتخاری دریافت می‌کند

در سال ۲۰۰۱ لیو جون، معاون دبیر کمیته حزب کمونیست شهر یونگیانگ در استان هبی و شوهر سابق خانم لیو شیوفنگ، به دلیل نقش فعالش در آزار و شکنجه و جداکردن خودش از خانم لیو (با طلاق دادن او)، یک گواهینامه افتخاری دریافت کرد. خانم لیو اینطور به یاد آورد:

شوهر سابقم برای مجبور کردن من به رهاکردن این تمرین کتکم زد و صورت و بدنم را کبود کرد. مدیر اداره ۶۱۰ محلی یک بار به او گفت: «اگر او هنوز خیلی لجباز است، می‌توانی اینقدر کتکش بزنی که معلول شود. بهتر است فلجش کنی تا اینکه اجازه دهی برای ترویج فالون گونگ، دوباره به پکن یا بیرون برود.»

با اینکه لیو جون قبلاً فالون گونگ را یاد گرفته بود، پس از آغاز آزار و شکنجه کاملاً تسلیم حزب شد. درحالی‌که خانم لیو در سال ۲۰۰۱ در بازداشتگاه حبس بود، او را طلاق

داد و فقط ۲۰۰ یوآن به او داد. او حتی قبل از اینکه حکم طلاق را دریافت کند، مجدداً ازدواج کرد. همه کتاب‌ها و مطالب فالون گونگ خانم لیو را نیز نابود کرد.

مورد ۳: مرگ مادر پس از ضرب و شتم توسط پسرش به دلیل تمرین فالون گونگ^{۷۱}

در ۲۱ اکتبر ۲۰۱۸ خانم لو شورونگ به دلیل اعتقادش به فالون گونگ مورد ضرب و شتم از سوی پسرش، دو شوئدونگ، قرار گرفت و بر اثر جراحات ناشی از آن درگذشت. خانم لو ۷۷ سال داشت.

دو، حدوداً ۵۰ ساله، دو بار مادرش را که به خاطر خودداری از انکار باورش به فالون گونگ دستگیر شده بود، با گذاشتن وثیقه آزاد کرد. او که بازنشسته ارتش است، در پیروی از دستورات آموزش دیده بود و از آنجاکه مادرش پس از آزادی، به تمرین فالون گونگ ادامه داد، رفتار خصمانه فزاینده‌ای نسبت به مادرش پیدا کرد.

او همچنین نگران بود که احتمالاً ایمان مادرش به فالون گونگ باعث شود پسرش شانس کارمند دولت شدن را از دست بدهد.

دو در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۸، درحالی که مست بود به خانه آمد. به محض ورود به خانه، شروع به ضرب و شتم مادر سالخورده‌اش کرد. وقتی پدرش دو ژونگ سان سعی کرد مانعش شود، این مرد ۸۳ ساله نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفت. او بیش از یک ساعت به ضرب و شتم مادرش ادامه داد. زن مزبور دچار شکستگی ده دنده و مچ دست شد. آثار کبودی سراسر بدنش را پوشانده و صورتش نیز کبود و متورم شده بود.

بعد از اینکه خانم لو را به بیمارستان منتقل کردند، پزشک متوجه شد که در یک دنده شکستگی‌های متعددی وجود دارد و دنده شکسته شده ریه‌اش را دچار آسیب کرده است. بیشتر اعضای داخلی بدنش نیز آسیب دیده بود. طی ۲۴ روز اقامت خانم لو در بیمارستان، قبل از مرگش، چند بار وضعیتش بحرانی اعلام شد.

ژونگسان سعی کرد او را متوقف کند؛ پسر، پدر هشتادوسه ساله‌اش را نیز مورد ضرب و شتم قرار داد. پسر برای بیش از یک ساعت به ضرب و شتم مادرش ادامه داد. ده دنده و مچ دست مادر شکست. تمام بدنش کبود شد و صورتش نیز کبود و متورم شد. پس از اینکه خانم لو را به بیمارستان بردند، پزشک چند شکستگی در استخوان دنده‌اش یافت و متوجه شد که دنده وارد ریه‌اش شده است. بیشتر اعضای داخلی خانم لو نیز شدیداً آسیب دیده بود. طی ۲۴ روزی که قبل از مرگش در بیمارستان بود، بیمارستان چند بار وضعیتش را بحرانی اعلام کرد.



فصل ۳: رنج و محنتی که فرزندان تمرین‌کنندگان فالون گونگ متحمل شدند

خانم وانگ جینگچی رنج و سختی‌ای که خانواده‌اش در آزار و شکنجه فالون گونگ متحمل شدند را به‌خاطر می‌آورد: ^{۷۲}

زندگی ما از بهشت به جهنم سقوط کرد. پدر دچار مشکلات بسیاری شد. برای فرار از واقعیت، هر روز سیگار می‌کشید. من به دانشگاه می‌رفتم و نگران درس دانشگاه و همچنین ایمنی مادرم بودم. شنیدم که در بازداشتگاهی او را مورد ضرب و شتم و شکنجه با باطوم برقی قرار دادند. واقعاً می‌خواستم فریاد بکشم تا مأموران را از این کار بازدارم، اما به سکوت ادامه دادم تا مبادا مشکلات بیشتری را برای مادرم به‌بار بیاورم.

در خانه، خشمم را با نواختن شدید پیانو خالی می‌کردم. پدر سکوت کرده بود. درحالی‌که سرش پایین بود سیگار می‌کشید؛ نگرانی، خشم و احساس گناهش را به‌خاطر اینکه نتوانسته بود در برابر آسیب از همسرش محافظت کند، پنهان می‌کرد.

مادر اغلب بازداشت و حبس می‌شد و فرصت شرکت در بسیاری از لحظات مهم زندگی‌ام مانند فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، اولین شغل و عروسی‌ام را از دست داد. مادر باوجود متحمل‌شدن شکنجه‌های غیرانسانی، هرگز دست از تمرین برنداشت. دلیلش بسیار ساده بود: اگر فالون دافا را تمرین نمی‌کرد، پیش از این فوت کرده بود. مادر طی بازداشت سوم در اعتراض به آزار و اذیت دست به اعتصاب غذا زد و وزنش از ۶۰ کیلوگرم به ۳۵ کیلوگرم کاهش یافت. نگهبانان، درحالی‌که به دندان‌هایش مشت می‌زدند و موهایش را می‌کشیدند او را تحت خوراندن اجباری قرار دادند. او در وضعیتی بحرانی به خانه فرستاده شد.

مادرم هنگامی که در خانه بود، انجام تمرین‌های فالون دافا را از سر گرفت، آموزه‌های دافا را مطالعه کرد و به سرعت بهبود یافت. یک ماه بعد، می‌توانست راه برود. گرچه دوباره به‌طور کامل به وزن معمول خود دست نیافت، اما موهایش دوباره رشد کرد. او از من خواست که از پلیس متنفر نباشم. به من گفت: «با این مردم بیچاره مهربان باش.»

کلماتش همچون نسیم بر قلبم وزید و احساس غم و اندوه و نفرت مرا از بین برد. من بسیار سپاسگزار فالون دافا هستم.

در مارس ۲۰۰۹، مادر برای چهارمین بار بازداشت شد. آن شب با صدای تلفن بیدار شدم. درحالی‌که به یک سفر کاری رفته بودم، پدرم بر اثر یک حمله قلبی درگذشت. وقتی او را در بیمارستان دیدم، بدنش قبلاً به جسدی سرد و سفت تبدیل شده بود.

این مخرب‌ترین لحظه زندگی‌ام بود. بستگانم به من کمک کردند تا جسد او را بسوزانم. همانطور که خاکستر او را در سالن مراسم تشییع جنازه حمل می‌کردم، نمی‌توانستم هیچ صدایی به جز صدای نفس و ضربان قلبم را بشنوم. ذهنم روشن بود. می‌دانستم چه کسی پدرم را کشت. او فشار و درد بسیاری را متحمل شده بود. اگر آزار و شکنجه فالون دافا رخ نداده بود، او به این زودی فوت نمی‌کرد.

هنگامی که رژیم کمونیستی چین ناگهان عملیات سراسری آزار و شکنجه فالون گونگ را آغاز کرد، زندگی بسیاری از کودکان مانند وانگ جینگچی زیرورو شد.

درحالی‌که این آزار و شکنجه باعث درد و رنج تمام گروه‌های سنی مردم شده است، درد و رنج وارده بر کودکان حزن‌انگیزترین و زیان‌بارترین برای جامعه بوده است. کودکان در مدرسه شستشوی مغزی می‌شوند تا از فالون گونگ متنفر شوند. کودکان که امید آینده هستند به‌جای اینکه یاد بگیرند که به‌طور مستقل فکر کنند، به آنها آموزش داده می‌شود تا نسبت به حکم وفادار باشند.

علاوه بر شستشوی مغزی، بسیاری از کودکان در ترس بزرگ می‌شوند و حکم خانواده‌هایشان را نابود کرده است. برخی از کودکان پس از محکومیت پدر و مادرشان به حبس طولانی یا کشته شدن بر اثر شکنجه، یتیم شدند. برخی از آنها مجبور شدند برای مخفی شدن از پلیس از مکانی به مکان دیگر بروند، برخی از سوی هم‌کلاسی‌هایشان تهدید و ارباب و مورد زورگویی قرار گرفتند، برخی از مدرسه اخراج و از تحصیل محروم شدند، برخی خودشان حبس و شکنجه شدند و برخی پس از شکنجه شدن یا بر اثر فشار روانی بسیار شدیدی که بزرگسالان نیز قادر به تحمل آن نیستند، مجنون یا حتی جوان مرگ شدند.

طی این ۲۰ سال گذشته، یک نوزاد حالا یک دانشجوی دانشگاه شده، دانشجویان آن زمان اکنون میانسال شده‌اند و خانواده خود را بنیان گذاشته و آغازگر نسل بعدی شدند.

بزرگ شدن در ترس و شاهد بازداشت و شکنجه مکرر عزیزان‌شان بودن تأثیر درازمدتی بر این کودکان، خانواده‌های‌شان و فرزندان خودشان خواهد داشت.

۱.۳ شستشوی مغزی کودکان

حک‌چ نه تنها تمرین‌کنندگان فالون گونگ را شستشوی مغزی می‌کند، بلکه در غیرتمرین‌کنندگان به‌ویژه کودکان نسبت به فالون گونگ انزجار ایجاد می‌کند. اکنون یک نسل کامل از مردم چین در محیط مدارس و سایر مکان‌هایی که غرق در تبلیغات منزجرکننده حک‌چ نسبت به فالون گونگ است، بزرگ شده‌اند.

یک دانش‌آموز ۱۰ سالهٔ چینی‌آمریکایی که در فوریه ۲۰۰۱ به دیدن خانواده‌اش در چین رفت، نوشت:^{۷۳}

«وقتی ما دربارهٔ فالون گونگ صحبت می‌کردیم، دخترعمویم فقط داستان یک طرفه‌ای را شنیده بود که دولت چین از طریق تبلیغات به ذهن مردم القاء کرده است. او هرگز یک تمرین‌کنندهٔ واقعی را ملاقات نکرده بود. وقتی دولت چین از مردم خواست تا برگه‌ای را امضاء کنند که در آن بیان می‌کرد فالون گونگ خوب نیست، تمام دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه باید آن را امضاء می‌کردند، حتی اگر آن برخلاف میل‌شان می‌بود. دخترعموی ۹ ساله‌ام نیز باید آن را امضاء می‌کرد. در هفتهٔ اول مدرسه آنها هیچ مطلبی آموزش نمی‌دادند. آنها فقط [به دانش‌آموزان] نشان می‌دادند که چگونه دروغ بگویند. در کتاب‌های درسی آنها نوشته شده است که ایالات متحده با استفاده از فالون گونگ قصد نابودی چین را دارد.»

در آن زمان، انجمن ضدفرقهٔ چین (CACA)، یک سازمان دولتی که زیر نظر انجمن جامعه و فن‌آوری چین است، کمپین دادخواست «یک میلیون امضاء» را در مدرسه‌ها ترویج می‌کرد تا «که در آن معلمان و مدیران، دانش‌آموزان را مجبور به امضای اعلامیه افتراءآمیز به فالون گونگ می‌کردند. سپس حک‌چ این امضاءها را از طریق رسانه‌های دولتی ترویج کرد و آنها را به عنوان مدرکی از «خواست و اراده مردم» برای سرکوب فالون گونگ به سازمان ملل ارائه داد.»^{۷۴}

فقط پس از گذشت ۱۲ روز از آغاز این کمپین در پکن، تلویزیون مرکزی چین (CCTV) در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۱ حقهٔ «خودسوزی تیان‌آن‌من» را پخش کرد که ارتباط بسیار نزدیکی با

فشار حزب کمونیست برای تشدید آزار و شکنجه فالون گونگ داشت. سپس این کمپین از طریق سیستم آموزشی سراسر کشور ترویج شد.

در مارس ۲۰۰۱ در یک مدرسه ابتدایی در استان لیائونینگ، مسئولان مدرسه بروشورهای قرمزی بین بیش از ۱۰۰۰ دانش‌آموز توزیع کردند و گفتند که آن را به پدر و مادرشان نشان دهند. این بروشور شش نکته را اعلام می‌کرد: «هواداری از علم، نپذیرفتن بروشور [درباره فالون گونگ]»، و غیره.

سه روز بعد، مدرسه تمام کلاس‌ها را متوقف و شروع به جمع‌آوری امضاء کرد. به تمام دانش‌آموزان گفتند که به صف بایستند. پس از اینکه دانش‌آموزان شمارش شدند، به آنها گفتند که به سمت میز بروند و برگه‌ها را امضاء کنند. هفت یا هشت معلم کنار میزها ایستاده بودند تا بر آنها نظارت کنند.^{۷۵}

دختری هشت ساله به نام چو مینگجون به وبسایت مینگهویی نوشت: «چند روز پیش معلم‌مان در مدرسه به ما گفت که همه باید در حمایت از جنبش ضد فالون گونگ برگه‌هایی را امضاء کنیم. من امضاء نکردم. ما به دنبال موقعیت بودیم تا فرار کنیم، اما معلم‌مان تمام مدت مقابل ما ایستاده بود. بنابراین مجبور شدم امضاء کنم. وقتی به خانه رسیدم می‌خواستم گریه کنم. این نامه را می‌نویسم تا امضایم را بی‌اعتبار کنم.»^{۷۶}

علاوه بر دانش‌آموزان، کارکنان مدرسه (از جمله بازنشستگان) نیز باید امضاء می‌کردند چراکه آنها را به «اخراج از موقعیت شغلی و حبس در اردوگاه کار بازآموزی» تهدید می‌کردند.^{۷۷}

دو ماه پس از شروع کمپین جمع‌آوری امضاء، هیئت نمایندگی انجمن ضدفرقه چین در مارس ۲۰۰۱ بیش از ۱.۵ میلیون امضاء به کنفرانس حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو برد و ادعا کرد که حقوق بشر در چین در «بهترین وضعیت خود» قرار دارد و این امضاءها بیانگر «خواست مردم چین» است.^{۷۸}

۱.۱.۳ انجمن ضدفرقه چین پشت کمپین‌های شستشوی مغزی

براساس گزارش سازمان جهانی برای بررسی آزار و شکنجه فالون گونگ (WOIPFG)، انجمن ضدفرقه چین ایجاد شد تا مردم در تمام سطوح اجتماعی را برانگیزد تا برای

انتقاد از فالون گونگ و فشار بر تمرین‌کنندگان فالون گونگ برای انکار باورشان به این جنبش ملحق شوند.

وانگ یوشنگ، معاون و دبیر کل انجمن ضد فرقه چین در سال ۲۰۰۳ ادعا کرد: «از زمان تأسیس انجمن ضد فرقه چین در نوامبر ۲۰۰۰، این انجمن نزدیک به ۱۰۰۰ نمایشگاه و فعالیت تبلیغاتی در سراسر کشور برگزار کرده است و میزبان بیش از ۱۰۰۰ کنفرانس و همایش بوده است. همچنین این انجمن وبسایت ضد فرقه چین را تأسیس و بیش از ۲۰ فیلم و ۴۰۰ هزار کتاب تولید کرده است.»^{۷۹}

همچنین این سازمان مطالب آموزشی با مضامین افتراءآمیز به فالون گونگ را گردآوری و آنها را در «کتاب‌های درسی تجربی دوره نُه ساله اجباری مدرسه ابتدایی» وارد کرده است به طوری که حقه خودسوزی تیان‌آن‌من به‌عنوان هسته تبلیغات ضد فالون گونگ قرار داده شده است.

۲.۱.۳ شستشوی مغزی در مدارس ابتدایی شروع می‌شود

آموزش افکار و اخلاق (جلد دهم) یکی از کتاب‌های درسی مدارس ابتدایی است که خانه آموزش خلق برای سومین بار در نوامبر ۲۰۰۳ چاپ کرد. این کتاب حقه خودسوزی را به عنوان یک نمونه برجسته کرده و تنفر نسبت به فالون گونگ را برانگیخته است.^{۸۰} در زیر ترجمه قسمتی از متن این کتاب آمده است:

داستان زیر را بخوانید و نظرتان را بیان کنید.

او دختری دوست‌داشتنی و زیبا بود. بسیاری از هم‌کلاسی‌های او را «عزیز دل» می‌نامیدند. اما وقتی مادرش درگیر فالون گونگ شد، بدبختی‌اش شروع شد.

با اینکه سی‌پینگ کوچک دیگر با ما نیست، فریاد اندوه‌آور «دایی، نجاتم دهید!» او هنوز در گوش‌مان طنین‌انداز است. این دختر ۱۲ ساله بهای آن را با صورتی از شکل افتاده و دست‌ان سوخته داد و نهایتاً حقیقت فرقه را درک کرد. کلمات «مادر به من دروغ گفت» او، شکایت خون و اشک‌هایش علیه فالون گونگ است. اما چه کسی مادرش را فریب داد؟ لی هنگ‌جی و دروغ‌های نادرست فالون گونگ بود.

۳.۱.۳ سایر روش‌های شستشوی مغزی

برای توجیه آزار و شکنجه فالون گونگ، بسیاری از دیگر فعالیت‌های تبلیغاتی و شستشوی مغزی با شدت و وسعت بی‌سابقه‌ای، طراحی و به‌کار گرفته شدند.

در میدان نفتی شننگلی در استان شاندونگ، با حمایت مالی انجمن ضدفرقه چین برنامه‌های پرهیجانی برای بدنام کردن فالون گونگ تهیه و در تلویزیون به نمایش درآمد و این انجمن معلمان را وادار کرد تا اشعاری در بدنام کردن فالون گونگ بنویسند تا محصلین مدرسه آنها را به‌صورت آواز بخوانند.

در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۳، این انجمن برای یک مسابقه در قالب پرسش‌نامه‌ای که به‌منظور بدنام کردن فالون گونگ طراحی شده بود، جوایزی تعیین و پاسخ‌ها را در روزنامه *شنلی دیلی* منتشر کرد.

این انجمن همچنین به معلمان و دانش‌آموزان دستور داد تا مقالاتی در بدنام کردن فالون گونگ بنویسند و در سال ۲۰۰۲ از یک جنبش دانشجویی برای «نه گفتن به فرقه‌ها» طرفداری کرد. آنها ۲۰۸ مقاله از بین ۱۷۷۵ مقاله را انتخاب و ارائه کردند و آن را در قالب مجموعه‌ای با عنوان «غنچه نورخورشید» گردآوری کردند که اولین مجموعه از آثار «ضدفرقه‌ای» منتشر شده در سراسر کشور بود.^{۸۱}

در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۴ در استان هبی، *نشریه عصر یانژائو* یک صفحه کامل از مقالات منتخب از «مقالات برنده جایزه مسابقه ضدفرقه استان هبی» را منتشر کرد که مورد حمایت مالی اداره ۶۱۰ استان هبی قرار گرفته بود.

در مقاله‌ای با عنوان «برگ‌های پژمرده و افتاده در باران» که توسط وانگ نان از دبیرستان فنی و حرفه‌ای هاندان نوشته شد، نویسنده ادعا کرد که مادرش به‌خاطر اینکه فالون گونگ را تمرین می‌کرده است از پدرش طلاق گرفت. براساس این مقاله، یک روز بعد از صدور حکم طلاق، ظاهراً مادرش همراه با چند تمرین‌کننده فالون گونگ دیگر با بریدن شکم‌شان خودکشی کردند.

پس از اینکه تمرین‌کنندگان فالون گونگ با روزنامه تماس گرفتند و پرسیدند که آیا این مقاله مورد بررسی قرار گرفته و صحت مطالبش تأیید شده است، فردی که تلفن را پاسخ داد گفت: «این مقالات متعلق به ما نیستند. اداره ۶۱۰ استانی ترتیب داد که یک صفحه کامل برای انتشارات خودشان داشته باشند.»^{۸۲}

۲.۳ مرگ‌های زودهنگام

برخی از فرزندان تمرین‌کنندگان فالون گونگ پس از اینکه بالاجبار از والدین‌شان جدا و از شرایط ابتدایی برای زنده ماندن محروم شدند، جان خود را از دست دادند و برخی دیگر که خودشان فالون گونگ را تمرین می‌کردند به دلیل آزار و اذیت‌هایی که از سوی حکومت متحمل شدند، از دنیا رفتند.

مورد ۱: شوک روانی و مرگ دختر چهار ساله^{۸۳}

وقتی وانگ شوچیه فقط دو سال داشت، چند بار شاهد بازداشت پدر و مادرش توسط پلیس بود. وقتی پلیس در ۳ دسامبر ۲۰۰۰ به خانه‌شان حمله کرد، مأمور پلیس سر پدرش فریاد و با کتابی به صورتش سیلی زد. شوچیه شوکه و از ترس بی‌هوش شد.

پس از اینکه به هوش آمد، تب داشت و عرق می‌کرد. بر اثر درد شدید سرش را به عقب و جلو تکان می‌داد. بی‌قرار و ناآرام بود و سرش را به دیوار می‌کوبید. پلیس بارها برای دستگیری اعضای خانواده شوچیه به خانه او رفت. وقتی پدرش در حبس بود، او عکسی از خودش و پدرش را در دست می‌گرفت و به شدت گریه می‌کرد.

پس از گذشت کمتر از یک سال مأموران پلیس درحالی‌که باطوم در دست داشتند بازگشتند تا مجدداً پدر و مادرش را بازداشت کنند. او که چند دقیقه قبل به خواب رفته بود، از خواب پرید و فریاد زد: «بابا، مامان، نمی‌گذارم شما بروید!»

فشار روانی و ترس پیوسته و مکرر باعث بیماری‌اش شد به طوری که در غذا خوردن و خوابیدن مشکل داشت. برای مدت دو سال اصلاً رشد نکرد.

وقتی شوچیه چهار ساله شد، پزشک تشخیص داد که غده خوش‌خیمی در مغزش شروع به رشد کرده است. اما کمی پس از اینکه تحت عمل جراحی قرار گرفت، تنفسش متوقف شد و در ژوئیه ۲۰۰۲ درگذشت.

مورد ۲: مرگ دانش‌آموز نمونه چهارده ساله^{۸۴}

ژانگ چنگ در سال ۱۹۹۴ تمرین فالون دافا را آغاز کرد. پس از شروع آزار و شکنجه پدرش به‌منظور دادخواهی برای برخورداری از حق تمرین به پکن رفت. پلیس به‌زور وارد خانه‌شان شد و تقریباً همه چیز را برد. ژانگ چنگ دائماً مورد تهدید و ارباب قرار می‌گرفت و کمی بعد دچار سرطان خون شد. او در فوریه ۲۰۰۱ درگذشت.

مورد ۳: پدر آواره شد، مادر بر اثر آزار و شکنجه کشته شد و پسر درگذشت^{۸۵}

سون فنگ کلاس ششمی بود و پدر و مادرش هر دو فالون گونگ را تمرین می‌کردند. پس از آغاز آزار و شکنجه، پدرش، آقای سون هونگ‌چانگ، در سال ۲۰۰۰ به‌منظور اجتناب از آزار و شکنجه مجبور به ترک خانه شد. مادرش، خانم وانگ شیوشیا، برای اعتراض به پکن رفت و چندین بار دستگیر شد. ۱۶ روز پس از اینکه در ۱۹ مه ۲۰۰۳ مجدداً دستگیر شد، بر اثر اعمال شکنجه کشته شد. پلیس فوراً او را در تابوت گذاشت و سوزاند، در نتیجه خانواده‌اش حتی اجازه پیدا نکردند جسدش را ببینند.

در آن زمان سون فنگ فقط ۱۲ سال داشت. او نمی‌توانست این واقعیت را بپذیرد که مادرش درگذشته است. او نه‌تنها باید درد و رنج ازدست دادن مادرش را تحمل می‌کرد، بلکه باید نگران پدرش نیز می‌بود. او هر روز در ترس و هراس بود و اثرات جانبی آن بر وضعیت روحی و روانی‌اش تأثیر گذاشت. او با اقوامش زندگی و به ندرت صحبت می‌کرد.

در اواخر سال ۲۰۰۴، غم و اندوه و ترس، تأثیر شدیدی بر سلامتی‌اش گذاشت. او اغلب بی‌هوش می‌شد و برای درمان اضطراری با عجله به دانشگاه پزشکی شن‌یانگ برده می‌شد. به‌نظر می‌آمد که فقط پس از تزریق خون وضعیتش پایدار می‌شد. او که تنها و شدیداً دلتنگ پدر و مادرش بود در ۲۶ مارس ۲۰۰۶ در ۱۴ سالگی درگذشت.

مورد ۴: دختر هجده ساله از مدرسه اخراج شد، تبهکاری به او تجاوز کرد و به‌خاطر بی‌خانمانی بر اثر بیماری سل درگذشت^{۸۶}

خانم ژانگ بیچائو، دختری سرزنده و بانشاط که پدر و مادر و اقوام و دوستانش به او بسیار علاقه داشتند، به‌خاطر اینکه هر دوی پدر و مادرش فالون گونگ را تمرین می‌کردند و از امضای دادخواست ضد فالون گونگ خودداری کرده بود، از مدرسه اخراج شد.

پس از اینکه شرکت کارفرمای والدینش میانجیگری کرد، مدرسه موافقت کرد که او به مدرسه بازگردد. اما منگ شیانمین، دبیر حزب در مدرسه، هر هفته او را به دفترش صدا می‌زد تا با او صحبت کند. آنها از او خواستند که هر هفته یک گزارش بنویسد و در آن خودش را از فالون گونگ و والدینش جدا کند.

در زمانی که والدینش هر دو در حبس بودند، گروهی از بچه‌ها که به‌خاطر تبلیغات حزب کمونیست چین علیه فالون گونگ از آن متنفر شده بودند، در و چند پنجره خانه‌اش را شکستند. بیچائو که تنها در منزل بود، تا سرحد مرگ ترسید.

چند ماه بعد پدر و مادرش هر دو به اردوگاه کار اجباری فرستاده شدند و بیچائو برای همیشه از مدرسه اخراج شد. در سن ۱۵ سالگی او مجبور شد که دور از خانه زندگی کند و دائماً محل اقامتش را عوض می‌کرد تا از تهدید و ارباب پیوسته مسئولان اجتناب کند. یک شب تبهکاری پنجره را شکست، به زور وارد اتاقش شد و به او تجاوز کرد.

بعداً بیچائو کارهای متفرقه انجام می‌داد و به سل مبتلا شد. او هیچ پولی نداشت که به پزشک مراجعه کند و تمایلی نداشت به خانه برود. بیچائو در صبح ۶ آوریل ۲۰۰۵ در بیمارستان درگذشت. او ۱۸ ساله بود.

در ۱۷ دسامبر ۲۰۰۵، هشت ماه بعد از درگذشت بیچائو، مادرش خانم فو گویی‌بینگ، نیز بر اثر آزار و شکنجه درگذشت.^{۸۷}

۳.۳ یتیم شده

«من تقریباً ۱۰ ساله هستم. مادرم به‌خاطر اینکه فالون گونگ را تمرین می‌کرد، در سال ۲۰۰۱ بر اثر شکنجه کشته شد و من حتی نمی‌دانم که او چه شکلی بود. اکنون مادر ندارم. پدرم، شیائو سی‌شیان، در زندان شما است. اکنون من یتیم هستم و کسی از من مراقبت نمی‌کند. پدرم هیچ کار اشتباهی انجام نداده است. همه می‌گویند که او مرد خوبی است. لطفاً آزار و شکنجه او را متوقف کنید.

«معلمم به من گفت که در زندان‌ها افراد بد را حبس می‌کنند. چرا پدرم در زندان است، با اینکه دزدی نمی‌کند و همه در مدرسه او را دوست دارند و می‌گویند که معلم خوبی است؟ آیا معلمم به من دروغ گفت یا شما مردم را فریب می‌دهید؟»

شیائو شیشی، دختر شیائو سی‌شیان، در نامه‌ای به مسئولین زندان دویون در استان گوییزو گفت:

بچه‌های زیادی پس از اینکه پدر و مادرشان بر اثر شکنجه کشته یا به حبس درازمدت محکوم شدند، یتیم و مجبور شدند با خویشاوندانشان زندگی کنند یا به یتیم‌خانه فرستاده شوند.

مورد ۱: پسر آقای وانگ کمین یتیم شد^{۸۸}

آقای وانگ کمین معلم مدرسه راهنمایی در شهر داجینگ، استان هیلونگ‌جیانگ، بود. در سال ۲۰۰۰ همسرش کمی بعد از بازداشت و فرستاده شدن به یک اردوگاه کار اجباری، در یک حادثه رانندگی کشته شد. سه سال بعد، آقای وانگ هنگامی که دائماً برای اجتناب از آزار و شکنجه تغییر مکان می‌داد مجدداً بازداشت شد. او در همان روزی که بازداشت شد، درگذشت. پسرش که ۹ ساله بود یتیم شد.

مورد ۲: پسر جوان مادرش را ازدست می‌دهد و برای گذران مخارج زندگی مجبور به ترک مدرسه می‌شود^{۸۹}

خانم ژانگ های‌یان، مادر وانگ دفو، در سال ۲۰۰۱ به منظور دادخواهی برای فالون گونگ به پکن رفت. در آن زمان وانگ دفو ۹ ساله بود، ژانگ بازداشت و برای دو سال به اردوگاه کار اجباری ماسانجیا فرستاده شد. او تحت شکنجه قرار گرفت و نهایتاً در سال ۲۰۰۴ درگذشت. مرگ مادرش او را درهم‌شکست. او گریه می‌کرد و می‌گفت: «هرگز دوباره مادرم را نخواهم دید!»

دفو با خانواده‌اش در یک خانه خشتی مخروبه که سقفش خراب بود زندگی می‌کرد. آنها توانایی مالی برای تعمیر آن خانه را نداشتند. خانم ژانگ تنها نان‌آور خانواده بود و مرگش خانواده را در شرایط سخت مالی قرار داده بود. دفو مجبور شد برای تأمین مایحتاج زندگی مدرسه را ترک کند و با پدرش چوپانی کند.

مورد ۳: مادر پو یونگهه بر اثر آزار و شکنجه کشته شد و مادر بزرگ برای پرداخت هزینه‌های تحصیلش روزی ۱۱ ساعت کار می‌کند^{۹۰}

پیاو یونگهه پس از اینکه مادرش، خانم کویی ژنگشو، بر اثر شکنجه در اردوگاه کار زنان هیزوئی‌زی کشته شد در مقاله‌ای نوشت: «شنیدم که گل‌های لوتوس در پارک بیشان پر

از شکوفه‌اند. پس از شام، بی‌صبرانه می‌خواستیم از مادر بخواهیم که مرا ببرد تا آن را ببینم...»

خانم کویی در مارس ۲۰۰۲ بازداشت شد و به‌خاطر چاپ مطالب اطلاع‌رسانی دربارهٔ فالون گونگ به سه سال کار اجباری محکوم شد. به‌خاطر اینکه پدر یونگهه نیز فالون گونگ را تمرین می‌کند، در پیدا کردن کار مشکل داشت و مادر بزرگ ۷۳ سالهٔ یونگهه روزی ۱۱ ساعت کار می‌کرد تا ۴۰۰ یوآن در ماه هزینهٔ مدرسهٔ او را پرداخت کند.

مورد ۴: بدبختی و یوینگچی تیم^{۹۱}

کمی بعد از اینکه وو یوینگچی مادرش را در یک تصادف رانندگی از دست داد، پدرش، آقای وو یوئه‌چینگ، در دسامبر ۲۰۰۱ بازداشت و به‌خاطر درست کردن مطالب اطلاع‌رسانی دربارهٔ فالون گونگ به ۱۲ سال حبس محکوم شد. آقای وو به‌شدت شکنجه و مبتلا به بیماری سل شد. وقتی در شرف مرگ بود او را به خانه فرستادند. او در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۷ درگذشت.

وقتی پدر یوینگچی محبوس شد، او با خاله‌اش، خانم وو یوئه‌شیا، زندگی می‌کرد. اما بعد از اینکه خاله‌اش نیز به‌خاطر باورش به فالون گونگ بازداشت و به اردوگاه کار فرستاده شد، یوینگچی را به تیم‌خانهٔ محلی فرستادند.

مورد ۵: خانواده به‌هم می‌پیوندند و مجدداً ازهم جدا می‌شوند^{۹۲}

از وقتی شائو لینیائو سه ساله بود شاهد این بود که پلیس بارها پدر و مادرش را می‌برد. او تنها و هراسان شده بود و به‌خاطر دلتنگی خانواده‌اش ناراحت بود.

پس از اینکه مادرش، خانم مو پینگ پس از نزدیک به سه سال شکنجه در اردوگاه کار به قید وثیقه آزاد شد، لینیائو از ترس اینکه دوباره مادرش را از دست بدهد، هرگز از او جدا نمی‌شد. اگر مادرش بیرون می‌رفت، قبل از برگشتنش به خانه، نمی‌خواست بخوابد. او فقط می‌نشست تا مادرش به خانه برگردد. او درحالی‌که گریه می‌کرد گفت: «خیلی می‌ترسیدم از اینکه افراد بد دوباره بازداشت کنند. اگر برنگردی، نمی‌توانم آرام بگیرم.» اما لینیائو نمی‌دانست که پدرش، آقای شائو هوپی، در سال ۲۰۰۲ بر اثر اعمال شکنجه کشته شده بود. خانم مو مجدداً در سال ۲۰۰۶ بازداشت و به هفت سال حبس محکوم شد.

پس از بازداشت مادرش، لینیائو با پدربزرگ و مادربزرگش زندگی می‌کرد اگرچه سلامتی‌شان رو به افول بود و زندگی برای‌شان مشکل بود.

۴.۳ خانواده‌های ازهم جداشده^{۹۳}

مورد ۱: خردسالی ناگوار شیائولونگ^{۹۴}

ژانگ شیائولونگ از هفت سالگی مجبور شد با پدربزرگ و مادربزرگش زندگی کند، زیرا پدر و مادرش آقای ژانگ چوانژنگ و خانم گوئو شیوهونگ برای جلوگیری از اینکه تحت آزار و شکنجه بگیرند مجبور به زندگی در خارج از خانه شدند. این زوج در سال ۲۰۰۲ دستگیر و یک سال بعد به ده سال زندان محکوم شدند.

شیاولونگ گوشه‌گیر شد و نمی‌توانست درک کند که چرا والدینش مورد آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند. وقتی پدربزرگش از دنیا رفت ضربه سنگین دیگری به او وارد شد. شیاولونگ دو روز غذا نخورد و نمی‌توانست جلوی گریه‌اش را بگیرد. او و مادربزرگش برای تأمین هزینه‌های زندگی تقلا می‌کردند و در عین حال همه‌جای خانه‌شان دچار ترک‌خوردگی و نشتی و خرابی شده بود.

مورد ۲: کودک پنج ساله: «دلم برای مادرم تنگ شده است؛ می‌خواهم مادرم و پدرم برگردند!»^{۹۵}

مینگ یوان بارها با مادر بزرگ خود به بازداشتگاه رفت و خواستار آزادی مادرش شد، اما آنها موفق نشدند.

وقتی سان مینگ یوان شنید مادرش شکنجه شده و در شرایط وخیمی قرار دارد، این کودک پنج ساله همراه با مادر بزرگش رفت و خواستار آزادی مادرش شد. او تابلویی را در دستش نگه داشت که روی آن نوشته شده بود:

نام من سان مینگ یوان است و پنج ساله هستم. پدرم به دلیل تمرین فالون گونگ به‌طور غیرقانونی به ۱۲ سال حبس محکوم شده است. مأموران اداره پلیس دهوئی، مادرم را در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۴ دستگیر کردند. اکنون ۴۸ روز است که او در اعتصاب غذا به‌سر می‌برد و وضعیت وخیمی دارد. من تنها و درمانده هستم و از پدر و مادرم جدا شده‌ام. لطفاً کمک کنید. دلم برای مادرم تنگ شده است. می‌خواهم مادرم برگردد و می‌خواهم پدرم برگردد.

مورد ۳: نامه‌ای از مادری که به خاطر ایمان خود زندانی شده است^{۹۶}

خانم لیو شین‌یینگ، پرستار و تمرین‌کننده فالون گونگ در دالیان، به دلیل ایمان به فالون گونگ، در حال گذراندن دوره حبس پنج سال و شش ماهه است. دستگیری^{۹۷} او تنها چند ماه پس از آن صورت گرفت که شوهرش، آقای چو هوئی درگذشت. شوهرش پس از شکنجه شدن در یک اردوگاه کار اجباری فلج شد و پس از سپری کردن ۱۳ سال

از زندگی خود در بستر بیماری از دنیا رفت. او مدام درد می‌کشید و خانم لیو شبانه‌روز از او مراقبت می‌کرد تا اینکه در ۹ فوریه ۲۰۱۴، در حالی که از دختر نوجوان‌شان مراقبت می‌کرد، درگذشت.

با زندانی شدن خانم لیو، دخترش که یک خردسال بود، خودش تنها در خانه رها شد. در زیر نامه‌ای آورده شده است که خانم لیو در هفدهمین سالگرد تولد دخترش از زندان برای او نوشت.

شین‌شین:

عزیزترین دختر کوچکم، از تو متشکرم که مثل یک فرشته به خانواده ما آمدی و از همه شادی‌های که برای ما به ارمغان آوردی متشکرم! ... در هفدهمین سالگرد تولدت، بهترین آرزوها را از دور برایت می‌فرستم. امیدوارم زندگی‌ات پر از شادی و نور شود. برایت در طول مدتی که دور هستم آرزوی سلامتی و امنیت می‌کنم. امیدوارم که پس از این دوره از جدایی، هر دوی ما با درخششی ناب دوباره مثل ققنوس‌هایی که از خاکستر برخاسته‌اند بدرخشیم.

چیزهای زیادی وجود دارد که می‌خواهم به تو بگویم ولی نمی‌دانم از کجا شروع کنم. ۱۳ سال شاهد رنج فوق‌العاده پدرت بودی بعد از اینکه به دلیل شکنجه فلج شد، تو بچه بودی و سؤالات زیادی داشتی. یک بار از من پرسیدی، «پدران بچه‌های دیگر می‌توانند بایستند. چرا پدر من باید در رختخواب بماند؟» سؤالت مرا مصمم کرد که به دنبال عدالت برای پدرت باشم، زیرا نمی‌خواهم ذهن بی‌گناهت تحت‌الشعاع تاریکی جامعه ما قرار گیرد.

مادرت همیشه فکر می‌کند که آموزش بسیار مهم است. آرزو می‌کنم بعد از بزرگ شدن بتوانی فرد خوبی باشی؛ برای دیگران و برای جامعه خوب باشی.

به دلیل رنج پدرت نمی‌توانی شخصیت خوبی که داری را تغییر دهی. زیرا بعد از اینکه شخصی متولد می‌شود مسئولیت‌هایی به عهده او گذاشته می‌شود که باید به‌دوش بکشد. این چیزی قابل تغییر یا قابل انکار نیست.

برای پیشرفت یک جامعه یا یک ملت، وفور چیزهای مادی و ثروت کافی نیست. این نیاز حتی بیشتری به بنیاد محکمی از اخلاق و مهربانی مردم دارد. از این نظر، ما هنوز هم در حال ایفای نقش مثبتی هستیم و به جامعه کمک می‌کنیم.

این یک ارزش سنتی است که خانواده‌ها بنیان جامعه هستند. ثبات هر خانواده ثبات جامعه را تضمین می‌کند. اما اکنون، خانواده ما از هم پاشیده است. روزی که پدرت درگذشت، خانواده‌ای که من برای جمع کردنش وقت و تلاش زیادی صرف کرده بودم، از هم پاشید. ...

متشکرم که در آن دوره با من بودی و مخصوصاً وقتی پدرت فوت کرد و در حالی که دست‌هایش را در دستانم نگه داشته بودم و به شدت گریه می‌کردم، به من دلداری دادی. به من گفتی: «گریه نکن، مامان. تو تمام تلاش خود را کرده‌ای.»

فقط هفت ماه بعد از اینکه پدرت ما را ترک کرد، من دوباره دستگیر شدم و به ۵ سال و شش ماه زندان محکوم شدم و تو را در خانه تنها گذاشتم. ... هر وقت به این فکر می‌کنم قلبم به درد می‌آید. زندگی‌ام به ریسمانی آویزان است، ریسمانی از امید، ایمان و احساس مسئولیت. من نمی‌خواستم یتیم بشوی یا پدربزرگت پس از دست دادن همراه و هم‌نشین خود، دخترش را از دست بدهد. نمی‌توانم اجازه دهم خانواده دوستانی که اینقدر مرا دوست دارند مرا از دست بدهند. نمی‌خواستم خودم به فاجعه بعدی تبدیل شوم یا یک گناه دیگر به عاملان آن اضافه کنم. با ایمان قوی، زنده ماندم.

اکنون سال آخر دبیرستان هستی و سال آینده در کنکور شرکت می‌کنی. امیدوارم بتوانی آن را جدی بگیری و سخت درس بخوانی. ... این تابستان که به ملاقاتم آمدی، از دیدنت که آرام و خونسرد بودی، بسیار خوشحال شدم. تو به من گفتی: «مادر، همه چیزهایی که به من یاد داده‌ای به من کمک می‌کند تا اکنون در همه مسائلی که پیش رو دارم به خوبی عمل کنم. نگرانم نباش...»

در حالی که دور از خانه هستم، از همه کسانی که به تو کمک کرده‌اند متشکرم. همیشه در کنار این انسانهای خوش‌قلب خوشبخت باشی!

دوستت دارم، مادر

۲۰ سپتامبر ۲۰۱۵

۵.۳ دیوانه شده

هنگامی که ضربه روحی و آزار و شکنجه بیش از حد تحمل کودکان شد، بسیاری از آنها دچار فروپاشی ذهنی شدند.

**مورد ۱: دیوانه شدن دختر نوجوان پس از اینکه مجبور به تماشای
شکنجه شدن والدینش توسط پلیس شد^{۹۸}**

هنگامی که یوان یوان ۱۶ ساله بود، مأموران پلیس او را مجبور کردند که در اداره پلیس شکنجه شدن پدر و مادرش آقای هو گوئوژونگ و خانم چنگ شیوهوان به دلیل تمرین فالون گونگ را تماشا کند. مأموران این زن و شوهر را کتک زدند. آنها را به دستگاه شکنجه «نیمکت ببر» بستند. دست‌ها، پاها و سرشان را به‌طور همزمان کشیدند و آنها را با دستان بسته پشت کمر معلق کردند.

پلیس همچنین مکرراً بطری‌های روغن خردل را به زور به داخل بینی و دهان آنها می‌ریخت و سپس سر آنها را با چندین کیسه پلاستیکی سنگین می‌پوشاند. بعد از اینکه بیهوش شدند، مأموران پلیس آب سرد روی آنها می‌ریختند تا بیهوش بیایند. شنگ شیائوجیانگ، نائب رئیس پلیس، هنگام جهت‌دهی و صدور فرمان شکنجه، غالباً فریاد می‌زد: «آنها را تا حد مرگ کتک بزنید! خوب است که آنها را تا حد مرگ کتک بزنیم!»

یوان یوان از این تجربه دچار ضربه روحی شد.

پس از آزادی یوان یوان، پلیس اغلب او را مجبور می‌کرد تا در روزهای گرم تابستان ساعت‌ها بدون حرکت جلوی در ورودی آپارتمانش بایستد. آنها تهدید کردند که در صورت اینکه جرئت کند جابجا شود پدر و مادرش را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. او از ترس اینکه والدینش شکنجه بیشتری متحمل شوند، بی‌حرکت ایستاد تا جایی که پاهایش متورم و بنفش شد.

ترس، اضطراب و ضربه روحی دختر نوجوان را تحت تأثیر قرار داد. زمانی که دانش‌آموز برجسته‌ای بود، مدرسه را رها کرد و شروع به پرسه زدن در خیابان‌های اطراف کرد. او بدون درآمد، از سطل‌های زباله غذا جمع می‌کرد.

پس از آزادی پدر و مادرش، آنها از دیدن دخترشان دیوانه شدند. یوآن‌یوان که اکنون ۳۲ سال دارد، نمی‌تواند از خودش مراقبت کند و والدینش باید همیشه مراقب او باشند.

مورد ۲: دانش‌آموز دبیرستانی به دلیل تمرین فالون گونگ دچار فروپاشی ذهنی شد^{۹۹}

وانگ جینگهوا همیشه از مدرسه ابتدایی تا دبیرستان دانش‌آموز برجسته‌ای بوده است. او از نظر آکادمیک عالی بود و در مدرسه با همه با مهربانی رفتار می‌کرد. اما از آنجا که با هم‌کلاسی‌های خود در مورد فالون گونگ صحبت می‌کرد، مدام توسط معلمش، پلیس محلی و مأموران اداره ۶۱۰ تحت آزار و اذیت و فشار قرار می‌گرفت تا تمرین فالون گونگ را کنار بگذارد.

یکی از معلمان جینگهوا با مأموران اداره ۶۱۰ همکاری کرد تا میز و کیف مدرسه جینگهوا را بازرسی کند تا ببیند آیا او دارای مطالب فالون گونگ است. آنها همچنین والدین او را وادار کردند که بیانیه تضمینی را برای محکوم کردن فالون گونگ امضا کنند و به یکی از آنها دستور دادند که تمام وقت در مدرسه با او باشد. والدینش تحت فشار مقامات، اغلب او را مورد انتقاد قرار می‌دادند. دوستانش در مدرسه نیز از جینگهوا فاصله گرفتند.

از آنجا که جینگهوا از انکار ایمان خود امتناع ورزید، مسئولان مدرسه او را اخراج کردند. اما والدینش درخواست تجدید نظر کردند و مدیر مدرسه موافقت کرد که او را فقط برای یک سال تعلیق کند. اما وقتی او یک سال بعد به مدرسه بازگشت، آنها از ثبت نام مجددش خودداری کردند.

جینگهوا سرانجام در سال ۲۰۰۶ و در سن ۱۹ سالگی دچار فروپاشی ذهنی شد.

مورد ۳: نوجوان هجده ساله بر اثر شدت شکنجه دچار فروپاشی ذهنی شد
۱۰۰

خانم ژانگ کنگه‌وئی، یک دانش‌آموز هجده ساله دبیرستان، از مدرسه اخراج شد زیرا برای یکی از هم‌کلاسی‌های خود نوشت «لطفاً به یاد داشته باش: فالون دافا خوب است». کنگه‌وئی احساس کرد که چاره‌ای جز رفتن به میدان تیان‌آن‌من برای عدالت‌خواهی ندارد، اما فقط دستگیر و به مرکز شستشوی مغزی فرستاده شد.

مأموران به طرز وحشیانه‌ای او را مورد ضرب و شتم قرار دادند و اجازه ندادند که سه روز بخوابد. آنها همچنین با باطوم الکتریکی به او شوک وارد و شخصی را استخدام کردند تا به‌طور شبانه‌روزی او را تحت نظر قرار دهد. وقتی دو ماه بعد آزاد شد، دستانش کبود شده بود، چهره‌اش حالت پوچی داشت و رفتار عجیبی داشت و گیج به‌نظر می‌رسید.

۶.۳ خشونت و بی‌رحمی

مأموران اداره ۶۱۰ خانه جیاجیا را در مقابل او غارت کردند. آنها در حالی که اشیای قیمتی را در جیب خود می‌گذاشتند، فریاد می‌زدند: «ما می‌خواهیم خانواده‌ات را از بین ببریم.» جیاجیا، ۶ ساله، وحشت‌زده ایستاده بود و به مادر خود چسبیده بود و جرئت گفتن یک کلمه را نداشت. مأموران او را با خانواده‌اش به بخش امنیت داخلی بردند و در آنجا شاهد رفتار وحشیانه مأموران با والدین و پدربزرگ و مادربزرگش بود.

جیاجیا و مادربزرگش نیمه‌شب آزاد شدند. جیاجیا هنوز از ترس می‌لرزید، مادربزرگ مجبور شد او را سوار ماشین کند. او از مشاهده این اتفاق به‌شدت دچار ضربه روحی شد. هر وقت دوباره مأمور پلیس یا خودروی پلیس را می‌دید، بسیار می‌ترسید و جایی برای پنهان شدن پیدا می‌کرد. «افراد بد در حال آمدن هستند!» او برای والدین خود

گریه کرد.^{۱۰۱} برخی از کودکان هنگام غارت شدن خانه‌هایشان یا شکنجه والدینشان آسیب دیدند. برخی خود هدف خشونت و بی‌رحمی قرار گرفتند.

مورد ۱: دختر ۱۰ ساله توسط پلیس مورد ضرب و شتم قرار گرفت و در یک قفس فلزی زندانی شد^{۱۰۲}

چنگ سی بینگ، دانش‌آموز ده ساله دبستان در استان سیچوان، به دلیل دادن نسخه‌ای از جزوه فالون گونگ به معلم خود به بخش امنیت داخلی محلی گزارش شد. گو یونگ چیونگ، رئیس بخش امنیت داخلی و دو مأمور دیگر به مدرسه او رفتند و او را دستگیر کردند. گو همچنین به هر دانش‌آموز در مدرسه یک یوان داد تا آنها را تشویق کند که تمرین‌کنندگان فالون گونگ را تحویل دهند.

مأموران به صورت سی بینگ سیلی زدند، دست و پاهایش را زنجیر کردند و او را در قفس فلزی حبس کردند. پلیس همچنین پدر و مادرش را عصر همان روز دستگیر، خانه آنها را غارت و چاپگر و سایر لوازم آنها را ضبط کرد. وقتی سی بینگ چهار روز بعد به مدرسه بازگشت، معلمش کوله‌پشتی‌اش را از کلاس بیرون انداخت و اجازه نداد در کلاسها شرکت کند.

از آنجا که محل بازداشت پدر و مادرش مشخص نبود، این دختر جوان مجبور شد خانه خود را ترک کند تا دوباره دستگیر نشود.

مورد ۲: نوجوان سیزده ساله به مدت دو هفته تحت خوراندن اجباری قرار گرفت^{۱۰۳}

چن سی، یک دانش آموز دختر دبیرستانی در چونگ چینگ، هنگام توزیع مطالب اطلاع‌رسانی درباره فالون گونگ در تابستان سال ۲۰۰۱ دستگیر شد. با وجود سنش، پلیس او را کتک زد و تحت ضرب و شتم قرارداد.

پلیس بعداً او را به مرکز شستشوی مغزی گلیشان برد و برای یافتن منبع مطالب از او بازجویی کرد. هنگامی که سی در اعتراض به بازداشت خودسرانه دست به اعتصاب غذا زد، مأموران او را به مدت دو هفته تحت خوراندن اجباری قرار دادند.

پلیس همچنین برای شناسایی او عکس سی را در روزنامه منتشر کرد. آنها پدرش را فریب دادند تا به مرکز شستشوی مغزی برود اما اجازه ندادند دخترش را ببیند. پس از شروع ترم جدید، اداره ۶۱۰ محلی به چن سی اجازه بازگشت به مدرسه را نداد چراکه او تمرین فالون گونگ را رها نکرده بود.

مورد ۳: پسر سیزده ساله‌ای که برای جستجوی مادرش به اداره امنیت عمومی رفت، توسط پلیس ضرب و شتم شد^{۱۰۴}

شنگ وی سیزده ساله در حالی که خواهر سه ساله خود یانگ یانگ را بغل کرده بود و همراه خود می‌برد، سوار اتوبوس شد و به اداره پلیس رفت تا به دنبال مادرش خانم یانگ ژونگ هونگ بگردد، چراکه یک ماه قبل به دلیل صحبت با مردم در مورد فالون گونگ دستگیر شده بود. عکس‌العمل پلیس ضرب و شتم، لگد زدن و پا گذاشتن بر روی صورتش بود. صورتش زخمی شد، گوش‌هایش شروع به زنگ زدن کرد و آستین ژاکتش پاره شد. او بی‌هوش شد.

وقتی پلیس وی را با ماشین پلیس به خانه برد، مأموری موهایش را گرفت و تاجایی که می‌توانست کشید و به پسر جوان ناسزا گفت. وی با درد فراوان گفت: «من اکنون مادری ندارم و نمی‌توانم پدر خود را پیدا کنم. کسی نیست که از ما مراقبت کند و ما در خانه غذایی نداریم، با این حال شما هنوز مرا کتک می‌زنید. دیگر تمایلی به زندگی ندارم.»

**مورد ۴: دانش آموز کلاس ششم در مدرسه مورد ضرب و شتم
قرارگرفت^{۱۰۵}**

بعد از اینکه دادستان دوبار پرونده علیه آقای یو هایجون به دلیل اعتقاد او به فالون گونگ را برگرداند، پلیس دختر کلاس ششمی او به نام چینگ را در مدرسه مورد آزار و اذیت قرار داد و او را مجبور کرد که درباره «جرم» پدرش گزارش ارائه دهد. این دختر سیزده ساله چنان از پلیس ترسیده بود که پاهایش مرتباً می‌لرزید و چند روز قادر به صحبت نبود. پلیس پس از چند تلاش ناموفق برای استخراج اطلاعات از چینگ، به معلم ریاضی وی چن شیولینگ دستور داد تا او را کتک بزند.

در طول کلاس ریاضی، چن همیشه به چینگ می‌گفت بایستد و به سؤالات پاسخ دهد. وقتی او نمی‌توانست جواب دهد، چن با میله اشاره‌گر به او ضربه می‌زد، به صورتش سیلی می‌زد یا اینکه جلوی دانش‌آموزان دیگر با پاشنه بلند کفشش به او لگد می‌زد، که بسیاری از آنها را وحشت‌زده می‌کرد. چینگ شروع به مقاومت در برابر رفتن به مدرسه کرد. وقتی زمان رفتن به مدرسه بود، بدنش شروع به لرزش می‌کرد و جرئت نمی‌کرد به مدرسه برود. او از ترس نزدیک بود دست به خودکشی بزند.

**مورد ۵: مأمور اسلحه را به سمت دختر چهارده ساله نشانه گرفت: «اگر
گریه را ادامه دهی تو را اعدام خواهیم کرد!»^{۱۰۶}**

پس از اینکه پلیس خانم وانگ ایرونگ را در خانه دستگیر کرد و قصد داشت او را به اداره پلیس منتقل کند، دخترش از خانه فرار کرد. مأموران دختر چهارده ساله را هل دادند و به دنده‌هایش ضربه زدند. دختر مأمور را گاز گرفت. سپس مأمور یقه او را

گرفت و به هوا پرتابش کرد. او روی زمین افتاد. دختر با وجود درد شدید، ایستاد و به طرف پلیس دوید. با گریه شدید به آنها التماس کرد که مادرش را رها کنند. مأمور اسلحه‌ای را بیرون آورد، آن را به سمت او گرفت و گفت: «اگر به گریه کردن ادامه دهی، تو را اعدام خواهیم کرد!» سپس سوار ماشین شدند و رفتند. برای مدت طولانی دختر به دلیل درد در دنده‌ها و قفسه سینه خود دچار مشکل تنفسی شده بود.

۷.۳ بازداشت

بعد از دستگیری پدر و مادرم، در خانه با خواهر بزرگترم و پدر بزرگ هفتاد ساله‌مان که به سختی راه می‌رفت رها شدم. کسی نبود که از ما مراقبت کند، بنابراین نزد عمه‌ام ماندیم و از او کمک خواستیم.

در اوایل سال ۲۰۰۱، عمه‌هایم نیز دستگیر و به‌خاطر تمرین فالون گونگ به یک مرکز شستشوی مغزی فرستاده شدند. در آن زمان چهار ساله بودم. از آنجاکه خیلی جوان بودم و هیچ کس نمی‌توانست از من در خانه مراقبت کند، مرا با عمه‌هایم به مرکز شستشوی مغزی منتقل کردند. هر روز می‌دیدم که مأموران پلیس و سایر ارادل و اوباش پس از مست‌شدن، تمرین‌کنندگان فالون گونگ را کتک می‌زدند. خیلی ترسیده بودم. در آغوش یکی از عمه‌هایم پنهان می‌شدم و جرئت نمی‌کردم تماشا کنم. هر روز گریه می‌کردم، نمی‌دانستم که پدر و مادرم کجا رفته‌اند.

در بالا، خاطرات دختر آقای ژائو‌هایجون از درد و رنج خانواده‌اش آورده شده است.^{۱۰۷} بسیاری از کودکان، از کودکان نوپا گرفته تا نوجوانان، با والدین خود دستگیر و برای چند روز یا حتی هفته‌ها در بازداشتگاه‌ها بازداشت شدند. برخی حتی به اردوگاه‌های کار اجباری منتقل شدند.

مورد ۱: زندانی هشت ماهه^{۱۰۸}

تیانچی هشت ماهه کاملاً خواب بود که چند مأمور به خانه‌شان وارد شدند و مادرش خانم لیو نانا را به دلیل ایمان به فالون گونگ دستگیر کردند.

مادر و پسر هر دو به زور سوار ماشین پلیس و به مکان نامعلومی منتقل شدند. در همان شب، ده نفر از خانواده بزرگ تیانچی، از جمله دو پسر عموی کودک نوپایش نیز دستگیر و به همان مکان منتقل شدند.

تیانچی را با مادرش در یک اتاق قرار دادند. پسر کوچک که از وضعیت وخیم خانواده‌اش بی‌خبر بود، لبخندی بر لب داشت و مدام سعی می‌کرد برای بازی از اتاق خارج شود. سه روز بعد، پلیس خانم لیو و تیانچی را آزاد کرد، زیرا موفق به دریافت هیچ اطلاعاتی از او نشده بود.

خانم لیو قبل از ترک آنجا، خواستار دیدار با پدرش و مادرش شد. او با دیدن بسته شدن پدر شوهرش به صندلی بازجویی نتوانست جلوی گریه‌اش را بگیرد. او نمی‌دانست پدر و مادر و برادر خودش نیز دستگیر شده‌اند.

مورد ۲: کودک یک ساله بیش از یک سال در یک مرکز شستشوی مغزی بازداشت شد^{۱۰۹}

هنگامی که گوئو یوئه‌تونگ یک ساله بود، به همراه مادرش دستگیر شد و بیش از یک سال در یک مرکز شستشوی مغزی بازداشت شد. مادر یوئه‌تونگ، خانم لیو آیه‌وا، به دلیل خودداری از رهاکردن ایمان به فالون گونگ مورد آزار و شکنجه قرار گرفت.

در مرکز شستشوی مغزی، یوئه‌تونگ شاهد شکنجه مادرش، از جمله ضرب و شتم، خوراندن اجباری و شوک با باتوم الکتریکی بود. هر بار که مأموران مادرش را شکنجه می‌کردند، یوئه‌تونگ چنان می‌ترسید که در گوشه‌ای پنهان می‌شد و گریه می‌کرد. وقتی هیچ مأموری در آنجا نبود، یوئه‌تونگ کوچک فقط کنار میله‌های سلول ایستاده بود و بیرون را نگاه می‌کرد.

وقتی به او اجازه داده شد به خانه برود، سه سال داشت. اما او سه سال بعد دستگیر و دوباره نزد مادرش بازداشت شد.

مورد ۳: نگهداری کودک ده ساله در یک مرکز شستشوی مغزی برای سه هفته قبل از اعزام به یتیم‌خانه^{۱۱۱}

لی بینگ تنها ده سال داشت که در سپتامبر ۲۰۰۲ با مادرش خانم چن شولان دستگیر شد. در حالی که بینگ را به یک مرکز شستشوی مغزی منتقل می‌کردند، مادرش بعداً به هفت سال و شش ماه حبس محکوم شد. مسئولان سعی کردند با ارباب و شستشوی مغزی، بینگ را وادار به رهاکردن تمرین فالون گونگ کنند. وقتی او امتناع کرد، آنها اجازه نمی‌دادند شب بخوابد.

دختر جوان برای اینکه اجازه یابد به مدرسه بازگردد، تسلیم شد و نام خود را در بیانیه‌ای که مسئولان تهیه کرده بودند امضا کرد. اما او بازهم آزاد نشد. او در طول روز به مدرسه فرستاده می‌شد و پس از مدرسه به مرکز شستشوی مغزی بازمی‌گشت. سرانجام سه هفته بعد به او اجازه داده شد تا از مرکز شستشوی مغزی خارج شود. در حالی که مادر بینگ هنوز در زندان بود و پنج نفر از اعضای خانواده‌اش از جمله پدربزرگ و مادربزرگ، دو دایی و یک عمه‌اش در نتیجه آزار و شکنجه جان خود را از دست داده بودند، بینگ سه ماه با معلمانش زندگی کرد و سپس به یتیم‌خانه فرستاده شد. او به مدت ۲۵ ماه در آنجا نگهداری شد و غذای کافی به او داده نشد و در حبس تحت نظارت پیوسته بود. پس از اینکه سرانجام بینگ آزاد شد، مدرسه را رها کرد و برای زنده ماندن کارهای یدی انجام می‌داد.

مورد ۴: نوجوان شانزده ساله در یک اردوگاه کاراجباری به مدت دو سال زندانی شد^{۱۱۱}

وانگ جینگ، پسر عموی وانگ شوجی که پیشتر شرحش داده شد و در چهار سالگی بر اثر شوک روانی درگذشت، مجبور به ترک مدرسه شد و از ورود به دانشگاه منع شد زیرا او و والدینش فالون گونگ را تمرین می‌کردند. هنگامی که در مارس ۲۰۰۱ برای دادخواهی فالون گونگ به پکن رفت، جینگ دستگیر و به بازداشتگاه منتقل شد. هنگامی که ۱۶ ساله شد، وی را برای مدت دو سال به اردوگاه کار اجباری فرستادند. او مجبور به کار خیاطی شد و از خواب محروم شد.

۸.۳ تجاوز جنسی

در حالی که بسیاری از تمرین‌کنندگان زن فالون گونگ توسط مأموران پلیس یا نگهبانان زندان مورد تجاوز قرار می‌گرفتند، دختران برخی از این تمرین‌کنندگان در طی زمانی که والدین آنها در بازداشت به سر می‌بردند و هیچ کسی از آنها مراقبت نمی‌کرد، نیز مورد آزار جنسی یا تجاوز قرار گرفتند.^{۱۱۲}

مورد اول: نوجوان سیزده ساله در حالی که مادرش زندانی بود، مورد تجاوز قرار گرفت

لیان (نام مستعار)، تمرین‌کننده فالون گونگ در هاربین، استان هیلونگ‌جیانگ، در ماه مه سال ۲۰۰۰ هنگامی که به‌منظور دادخواهی برای ایمانش به پکن رفته بود، دستگیر شد. در حالی که او در بازداشت به‌سر می‌برد، پسر و دخترش بدون اینکه کسی از آنها مراقبت کند به حال خود رها شدند. پسر چهارده ساله غرق شد. اندکی پس از آزادی لیان، او در اوت ۲۰۰۱ دوباره دستگیر شد. هنگامی که دختر سیزده ساله‌اش در خانه تنها رها شده بود، اوباشی به‌زور وارد اتاقش شد و به او تجاوز کرد.

**مورد ۲: والدین زیرشکنجه کشته شدند، کودک نه ساله در بیمارستان
روانی مورد تجاوز قرارگرفت**

خانم لیو از استان جیلین در تابستان ۲۰۰۲ هنگامی که به‌منظور دادخواهی برای فالون گونگ به پکن رفته بود دستگیر شد. او را به بیمارستان روانی چانگپینگ که پر از مأموران پلیس و اراذل و اوباش بود، منتقل کردند و بیشتر این افراد کمربندهای چرمی در دست داشتند تا تمرین‌کنندگان فالون گونگ را کتک بزنند. در طول سه شبی که خانم لیو در بیمارستان روانی زندانی شد، سه نفر از اراذل و اوباش به اتاق او آمدند و به‌طور گروهی به یک دختر ۹ ساله تجاوز کردند. والدین این دختر به دلیل تمرین فالون گونگ در این بیمارستان روانی زیرشکنجه کشته شده بود. «جیغ‌های او وحشتناک و جان‌گداز بود، اما هیچ کس در آن اتاق جرئت گفتن یک کلمه را نداشت.»



فصل ۴: روش‌های شکنجه

نیمه‌های شب، پلیس روغن خردلی را که از ژاپن وارد شده بود، آورد. با سرنگی بزرگ روغن را در بینی‌ام تزریق کردند. به محض ریختن روغن در بینی‌ام، بلافاصله درد بسیار شدید و سوزاننده‌ای را در قفسه سینه‌ام احساس کردم. گویا تمام اعضای داخلی‌ام می‌لرزیدند. نمی‌توانستم چشمانم را باز کنم. سرم در حال منفجر شدن بود. احساس می‌کردم در حال دیوانه شدن هستم. کلمات نمی‌توانند شدت دردم را توصیف کنند.

وقتی هشیاری‌ام را از دست دادم، پلیس رویم آب سرد ریخت تا مرا به هوش بیاورد. بعد باز هم به‌زور روغن خردل به خوردم دادند تا اینکه دوباره بی‌هوش شدم. چند بار این شکنجه را تکرار کردند. وقتی روغن خردل را به‌زور به خوردم می‌دادند، مأموری گفت: «جیانگ پای را می‌شناسی؟ با او هم همین کار را کردیم. حتی او را روی صندلی آهنی که به برق وصل بود نشانیدیم و بعد روغن خردل را به خوردش دادیم.»

مطالب فوق اظهارات خانم لویی بینگ از شهر داجینگ است که تجربه‌اش را از تزریق اجباری روغن خردل به بینی‌اش در بازداشتگاه شرح می‌دهد. خانم جیانگ پای، تمرین‌کننده دیگری بود که به‌دلیل عوارض ناشی از خوراندن اجباری در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۷ در ۳۴ سالگی درگذشت.

تقریباً همه تمرین‌کنندگان فالون گونگ که در بازداشتگاه‌های ح‌ک‌چ حبس شده‌اند، می‌توانند حداقل یک نوع از شکنجه‌ای را که تجربه کرده‌اند شرح دهند. علاوه بر شستشوی مغزی، سرکوبگری و تخریب مالی، یکی از تدابیر اصلی مقامات حزب کمونیست برای وادار کردن تمرین‌کنندگان فالون گونگ به رهاکردن باورشان، استفاده از شکنجه است.

تمرین‌کنندگان فالون گونگ که از ادارات پلیس چین، بازداشتگاه‌ها یا زندان‌ها آزاد شدند، بیش از صد روش شکنجه را شرح داده‌اند از جمله استفاده از اشیای معمولی روزانه مانند مسواک برای شکنجه کردن تا ابزارهای شکنجه مانند نیمکت ببر، از سرما تا صداهای بلند، از خوراندن اجباری تا تحقیر جنسی، از بستن قربانی در وضعیت‌های دردآور تا حبس طولانی‌مدت در سلول انفرادی. این نوع شکنجه‌ها نه تنها به آسیب‌های

فیزیکی تمرین‌کنندگان منجر می‌شوند، بلکه آسیب‌های روانی بلندمدتی را نیز بر آنها به جای می‌گذارند.

۱.۴ کتک‌زدن

«کتک‌زدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ تا سرحد مرگ معمولاً موضوعی کم‌اهمیت است که با دلایلی مانند خودکشی یا فوت ناشی از بیماری، توجیه می‌شود. قطعاً نباید هیچ‌گونه حس ترحمی نسبت به آنهایی که از "تبدیل شدن" سرباز می‌زنند نشان دهید. حزب و دولت پشت شما هستند! پس این دستور را بی‌قید و شرط انجام دهید.»

مطلب بالا حرف‌هایی است که مأموران زندان دویون در استان گوئیژو به زندانیان می‌گفتند تا آنها را تشویق کنند همه نوع روش‌های فیزیکی و ذهنی شکنجه را روی تمرین‌کنندگان فالون گونگ انجام دهند.

۱.۱.۴ کتک‌زدن با دست

کتک‌زدن یکی از رایج‌ترین شکل‌های شکنجه است که روی تمرین‌کنندگان فالون گونگ اجرا می‌شود. شکنجه‌گر اغلب اعضای حساس بدن قربانی را نشانه می‌گیرد از جمله بینی، چشم‌ها، یا اعضای تناسلی. بعضی از تمرین‌کنندگان مدتی طولانی یا به شدت تحت ضرب و شتم قرار می‌گرفتند. تمرین‌کننده‌ای گزارش داد که بیش از ۵۰۰ بار به صورتش سیلی زدند.

مورد ۱: مرگ پس از نه ماه بدرفتاری

مأموران مرکز شستشوی مغزی شیجیاژوانگ در استان هبی، برای جلوگیری از خوابیدن خانم دینگ لیونگ، با هر چیزی که دم دستشان بود به سر و پاهای او ضربه می‌زدند، گوش‌هایش را می‌پیچاندند، و پلک‌هایش را می‌کشیدند. بخصوص مأمور ژائو جویونگ

مردمک چشم‌هایش را فشار داد و چشمانش را درآورد. پس از نه ماه، خانم دینگ به دلیل این بدرفتاری‌ها در ۳۶ سالگی درگذشت.

مورد ۲: وحشیگری علیه زنان

خانم وانگ شیویوان از شهر شن‌یانگ در استان لیائونینگ در ۱۹ آوریل ۲۰۰۲ دستگیر و برای دو سال حبس به اردوگاه کار اجباری لانگشان فرستاده شد. در ژوئیه ۲۰۰۲ مأموری به قفسه سینه خانم وانگ لگد زد و او چهار متر دورتر بر زمین افتاد. وقتی از جایش بلند شد، خون از بینی و گوشه چشمش جاری بود. نگهبان دوباره به او لگد زد که باعث شد روی زمین بیفتد و به لوله گرمایشی برخورد کند که آن نیز موجب زخم شدن و خونریزی سرش شد.

خانم جیا شوینگ در سال ۲۰۰۲ به پنج سال زندان محکوم شد. او در استان هیلونگ‌جیانگ در معرض شکنجه‌های مختلفی قرار گرفت تا مجبور شود از ایمان خود دست بکشد.

«یکی از مأموران زندان به نام شیائو لین به بی‌رحمی بدنام بود. زندانیان حتی از دیدنش هم واهمه داشتند. یک بار مرا داخل اتاق کشاند و شروع به سیلی‌زدن به صورتم کرد. وقتی خسته شد، روی صندلی نشست. به دست‌هایش استراحت داد و شروع به لگدزدن کرد. درد لگدهایش بدتر بود. بیش از یک‌صد سیلی به صورتم زد. وقتی مأمور دیگری وارد اتاق شد، فکر کرد این دیگر زیاده‌روی است و خواست مرا بیرون ببرد، اما شیائو مرا لگدکوب کرد. نمی‌توانستم نفس بکشم. کنار دیوار افتادم و بی‌هوش شدم.»

«بیش از شش ماه سمت راست سینه‌ام به‌خاطر شکنجه درد می‌کرد. مجبور بودم بسیار آهسته و بریده‌بریده نفس بکشم. گاهی درد به‌قدری شدید بود که همه بدنم عرق می‌کرد. شب‌ها از شدت درد خوابم نمی‌برد. واقعاً درد کُشنده‌ای بود. بعداً فهمیدم شیائو هنگام لگدزدن، یکی از دنده‌هایم را شکسته است.»

۲.۱.۴ کتک‌زدن با اشیا

در زندان‌های چین از اشیای عادی برای شکنجه افراد استفاده می‌شود که تقریباً هیچ‌کسی انتظار آن را ندارد. مثلاً از هندوانه‌ای برای ضربه‌زدن به سر یک تمرین‌کننده فالون گونگ استفاده می‌شد، قفسه سینه یکی از تمرین‌کنندگان را با قاشق و سکه خراش دادند و از چوب‌لباسی برای ضربه‌زدن به گلو استفاده کردند.

درواقع هر وسیله‌ای که امکان آسیب‌زدن با آن وجود داشت، می‌توانست ابزاری برای شکنجه باشد، مثلاً آهن، پلاستیک، چرم، لاستیک، چوب، یا کاغذ.

در یکی از این شکنجه‌ها، پلیس کتابی را روی شکم تمرین‌کننده‌ای گذاشت و بعد با یک لوله لاستیکی روی آن شلاق زد. ضربه‌ها به قدری شدید بود که سبب جراحات داخلی شد اما کتاب مانند لایه‌ای محافظ عمل کرد که جراحات بیرونی روی بدنش ایجاد نشود.

مورد ۱: پزشک طب چینی با بیش از یک‌صد روش شکنجه شد

آقای شائو چنگلو، ۶۸ ساله، پزشک طب چینی، در سال ۲۰۰۶ به هفت سال حبس در زندان شاندونگ محکوم شد. او با بیش از صد روش مختلف تحت شکنجه قرار گرفت، مانند ضربه‌زدن به بدنش با سوزن، سائیدن دنده‌هایش با یک مسواک یا ترکه چوبی، و پیچاندن یک مسواک بین انگشتانش.

یک بار دستان و پاهای آقای شائو را به هم بستند و او را روی چارپایه وارونه‌ای قرار دادند. سپس به چارپایه لگد زدند تا از زیرش خارج شود و او به زمین بیفتد.

همچنین نگهبانان زندانیان را تحریک کردند تا ابروها و سبیل‌هایش را بکنند. آنها روی زخم‌هایش نمک می‌ریختند و زانوها و مچ پاهایش را با یک اتوی داغ می‌سوزاندند. نگهبانان درحالی‌که تلاش می‌کردند او را تحت خوراندن اجباری قرار دهند، دهانش را با پیچ‌گوشتی باز نگاه می‌داشتند که باعث شکستن دندان‌هایش شد.

سراسر بدنش آسیب دیده بود که شامل خم‌شدن ستون فقرات، شکستگی انگشتان دست و پا و آسیب‌هایی به گردن، دنده‌ها، بازوان و شکمش بود. عضلاتش تحلیل رفته

بود، وزنش به زیر ۴۵ کیلوگرم رسیده بود و دیگر نمی‌توانست انگشتان دست چپش را صاف کند. ۱۱۳

مورد ۲: کتک‌زدن خانمی با روزنامه لوله‌شده

خانم گنگ لی در سال ۲۰۰۷ بازداشت و به اداره پلیس شهر شییه‌یینگ برده شد. دست‌کم چهار مأمور پلیس به طرز وحشیانه‌ای با رول‌های روزنامه به دهان، صورت، سر و بازوانش ضربه زدند. وقتی رول‌های روزنامه بر اثر ضربات زیاد مستهلک شدند، آنها روزنامه‌های جدیدی را رول کردند و به ضرب‌وشتمش ادامه دادند. صورت و دهان خانم گنگ به شدت ورم کرد.

سپس با باطوم الکتریکی به بازوها و پشتش شوک وارد و سعی کردند او را به زانو درآورند. وقتی او از اطاعت امتناع کرد، آنقدر به پاهایش لگد زدند که دیگر نتوانست بایستد.

یک بار درحالی‌که مأموری با لوله‌ای لاستیکی به زانوهایش ضربه می‌زد، مأمور دیگری روی یکی از پاهایش ایستاد. سپس او را بالا کشیدند و به نشیمنگاهش ضربه زدند. یکی از مأموران پلیس نیز با استفاده از لوله‌ای لاستیکی پشت‌سرهم به پاها، دست‌ها و شانه‌های خانم لی ضربه می‌زد. بر اثر ضرب‌وشتم بدن خانم لی مملو از کبودی شد.^{۱۱۴}

مورد ۳: خانمی را با شلنگ لاستیکی شلاق زدند

خانم جو شیومین از شهر داجینگ در استان هیلونگ‌جیانگ توضیح داد پس از اینکه به دلیل نفوذ به سیگنال‌های تلویزیون کابلی و انتشار ویدئوهایی درباره آزار و شکنجه فالون گونگ دستگیر شد، پلیس او را با شلنگ لاستیکی کتک زد: ۱۱۵

«دو مأموری که دستگیرم کرده بودند، شروع به کتک‌زدن من و بازجویی از من کردند. یکی از آنها کفش‌ها و جوراب‌هایم را درآورد و مجبورم کرد با پای برهنه روی سیمان بایستم. ساق پاهایم با زنجیر به پایه‌های یک صندلی آهنی بسته شده بود. دست‌هایم به دو طرف صندلی غل‌وزنجیر شده بود و به دست‌هایم دست‌بند زده بودند.

مأموری با تکه‌ای شلنگ لاستیکی که در سه نقطه پیچ خورده بود، به پشت پاهایم شلاق زد. او شلاق می‌زد و فریاد می‌کشید: «آنقدر پاهایت را شلاق می‌زنم تا نوک انگشتانت کبود و سیاه شود و بعد بیفتد.» او بی‌وقفه شلاق می‌زد و چون پاهایم زنجیر شده بود، نمی‌توانستم تکان بخورم.

نمی‌توانستم جلوی گریه‌ام را بگیرم. درد شدیدی داشتم. او به دردکشیدنم می‌خندید و فحش می‌داد و کلمات رکیکی را به زبان می‌آورد. از آن به بعد هیچ صدایی از من در نمی‌آمد. یک نصفه روز با تمام توانش کتکم می‌زد و از اینکه می‌دید هیچ عکس‌العملی ندارم یا حتی چهره‌ام تغییری نمی‌کند به شدت تعجب کرده بود. زنجیرها را کمی شل کرد و بعد دوباره به شلاق‌زدنم ادامه داد. هرقدر شدید کتک می‌زد، بازهم صدایم در نمی‌آمد و هیچ تغییری در چهره‌ام دیده نمی‌شد. همین‌طور که شلاقم می‌زد تماشايش می‌کردم تا اینکه کم‌کم دست از شلاق‌زدن کشید.

از شدت درد نزدیک بود بی‌هوش شوم. راه فراری نداشتم. کلمات قادر به توصیف شدت دردم نیستند. زمان به‌کندی می‌گذشت. هر ثانیه عذاب بود و بین مرگ و زندگی دست و پا می‌زدم. احتمالاً مرگ آسان‌تر بود. فقط یک فکر در ذهن داشتم: نمی‌توانم تسلیم آنها شوم. پیششان سر خم نمی‌کنم و نمی‌گذارم از دردکشیدنم لذت ببرند.»

۲.۴ خوراندن اجباری

خوراندن با لوله با واردکردن لوله‌ای به بینی انجام می‌شود که از حفره بینی وارد حلق می‌شود و به شکم می‌رسد. سپس غذایی مایع به‌زور از لوله وارد می‌شود. حزب کمونیست چین از روشی که معمولاً برای درمان پزشکی و نجات جان بیماران استفاده می‌شود، برای شکنجه تمرین‌کنندگان فالون‌گونی استفاده می‌کند که در بازداشتگاه‌ها، اردوگاه‌های کار اجباری و زندان‌ها، دست به اعتصاب غذا می‌زنند.

نگهبانان زندان که آموزش پزشکی ندیده‌اند، اغلب هنگام واردکردن لوله به داخل بینی و حلق تمرین‌کنندگان مرتکب اشتباه می‌شوند، مثلاً لوله را به شش‌های قربانی وارد می‌کنند. کوچک‌ترین اشتباهی در انجام این کار ممکن است شخص را به کشتن بدهد.

گاهی شکنجه‌گران برای افزایش درد و رنج تمرین‌کنندگان، آب نمک غلیظ یا آب با ادویه بسیار تند، غذای خیلی داغ، مدفوع، یا داروهای اعصاب یا داروهای مسموم‌کننده به خورد آنها می‌دهند. بعضی از تمرین‌کنندگان در اعتراض به شکنجه، به‌عنوان آخرین راه چاره دست به اعتصاب غذای طولانی‌مدت می‌زدند. در نتیجه در مدت حبسشان، سال‌ها تحت خوراندن اجباری قرار می‌گرفتند.

در بعضی موارد، خوراندن اجباری با شکل‌های دیگری از شکنجه همراه می‌شد، از جمله قراردادن تمرین‌کنندگان در معرض نور یا گرمای شدید یا مجبورکردن آنها به تماشای ویدئوهایی تبلیغاتی که به فالون گونگ حمله می‌کرد. بعضی از آنها ماه‌ها به تخت بسته و دچار زخم بستر شده بودند.

مورد ۱: مرگ خانمی به خاطر قرارگرفتن تحت خوراندن اجباری

در پاییز سال ۲۰۰۰، خانم سان لیاشیا اهل شهر دالیان به‌منظور اعتراض به آزار و شکنجه فالون گونگ به پکن رفت. او دستگیر و به اردوگاه کار اجباری دالیان فرستاده شد. در اردوگاه اجباری دالیان دست به اعتصاب غذا زد و پلیس او را تحت خوراندن اجباری قرار داد و زندانیان خلافکار نیز در این کار به مأموران کمک کردند.

حفره بینی و مخاط مری‌اش دچار جراحت شده بود و هنگام ورود لوله تغذیه، سوراخ بینی‌اش دچار خونریزی می‌شد. چون بینی‌اش مسدود شده بود، مجبور بود از طریق دهانش نفس بکشد. او نمی‌توانست از طریق گلو خلطش را خارج کند و ناپیش دچار التهاب شده بود. خون بالا می‌آورد که باعث می‌شد خوراندن اجباری دشوار شود.

در دو ساعت آخر زندگی خانم سان که وضعیتش بحرانی بود بازهم خوراندن اجباری متوقف نشد. او در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۱ در ۵۰ سالگی درگذشت.^{۱۱۶}

مورد ۲: مهندسی که خوراندن اجباری روزانه را در پنج سال حبسش تاب آورد

آقای چيو يانلاى يک مهندس انرژى بود که در روز اول دستگيرى اش در سپتامبر ۲۰۰۲ اعتصاب غذا را آغاز کرد. او در طول پنج سالى که در زندان تيلانچيائو در شانگهائى حبس بود، تحت خوراندن اجبارى قرار گرفت.

آقای چيو گفت: «اولين بار که پزشک لوله تغذيه را وارد شکم کرد، مثل اين بود که ماری آتشين بدنم را سوراخ می‌کند. وحشتناک بود.»

مأموران و پزشکان برای اینکه وادارش کنند به اعتصاب غذايش پايان دهد، انواع واقسام روش‌های شکنجه را رويش امتحان کردند، از جمله استفاده از لوله تغذيه ضخيم، عقب و جلو کردن لوله تغذيه در طول خوراندن اجبارى، يا محدود کردن ميزان غذا برای گرسنه نگه داشتنش. از آنجاکه مواد مغذی کافی به او داده نمی‌شد، احساس خواب‌آلودگی می‌کرد و دردی دائمی در قلب و کبدش داشت.

وقتی به دليل خونريزی معده در بیمارستان زندان تحت درمان بود، زندانيان او را محکم به تخت می‌بستند، درحالی‌که گاهی يک حلقه لاستیک ماشين زيرش قرار می‌دادند يا تخت را بالا می‌بردند. به دليل اينکه چند ماه به اين شيوه به تخت بسته شده بود، بيشتر رگ‌هايش دچار پارگی شد.

پزشک زندان پتاسيم کلرايد را به مواد تزريقي او اضافه کرد که رگ‌هايش را بيشتر تحريك کرد و منجر به درد وحشتناکی شد.

در طول مدت بستری اش، زندانبانان سرعت تزريق را کُند می‌کردند. به اين ترتيب تزريق سه سرمى که معمولاً تا سه ساعت طول می‌کشيد تا ۱۹ ساعت ادامه می‌يافت و دستانش معمولاً پس از هر تزريق به شدت متورم بود.

آقای چیو با یادآوری شکنجه‌هایش گفت: «بسته‌شدن به تخت با پنج طناب به شدت دردناک بود. شکنجه فراتر از حدی بود که بتوان با کلمات توصیفش کرد. تحمل هر دقیقه و هر لحظه دشوار بود. اما با خودم فکر می‌کردم که هر روز فقط ۲۴ ساعت و هر ساعت فقط ۶۰ دقیقه و هر دقیقه فقط ۶۰ ثانیه است. از خودم می‌پرسیدم آیا می‌توانی یک ثانیه دیگر تحمل کنی؟ مشکلی نیست! و بعد ثانیه به ثانیه شکنجه را تحمل می‌کردم تا وقتی شکنجه تمام می‌شد.»^{۱۱۷}

۳.۴ وضعیت‌های استرس‌زا

بعضی از تمرین‌کنندگان مجبور بودند مدت‌ها در وضعیت فیزیکی دردآوری بمانند، مثلاً ایستادن، بالا نگه‌داشتن پا یا دست، نشستن روی چارپایه‌ای کوچک، آویزان شدن از ناحیه مچ‌ها، بسته‌شدن در حالت عقاب با بال‌های گشوده، بسته‌شدن دست‌ها و پاها به تخت یا زنجیرشدن دست‌ها و پاها به یکدیگر.

۱.۳.۴ نشستن روی چارپایه کوچک

نشستن روی چارپایه‌ای کوچک یکی از روش‌های رایج شکنجه در زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری چین است. آن در نگاه اول ممکن است ناچیز به نظر برسد. اما وقتی زندانی مجبور باشد مدت‌های طولانی روی چارپایه بنشیند و پاهایش خم و دست‌هایش روی زانو باشد و اصلاً به اطراف نگاه نکرده یا حرکت و صحبت نکند، آن شکل بسیار بی‌رحمانه‌ای از شکنجه خواهد بود. یکی از تمرین‌کنندگانی که این شکنجه را تجربه کرده بود گفت: «این نوع درد قابل‌وصف نیست. باعث می‌شود هر روز مثل یک سال به نظر برسد که زندگی‌کردن در این وضعیت بسیار بدتر از مردن است.»

وقتی شخص یک ساعت روی چارپایه می‌نشیند احساس ناراحتی و درد می‌کند. درد بدتر می‌شود، و مثل این است که تیرهای بی‌شماری بخش پایین بدن را سوراخ می‌کنند و گرم‌ها، استخوانت را می‌خورند. بعضی از تمرین‌کنندگان مجبور بودند تا چند ماه، یک سال یا حتی دو سال، هر روز روی این چارپایه بنشینند. بعضی از آنها جراحاتی روی باسنشان ایجاد می‌شد که از آن خون و چرک بیرون می‌آمد و حتی استخوان باسن بعضی از آنها بیرون می‌زد.

اگر آن تمرین‌کننده تکان می‌خورد، زندانیانی که راقبش بودند با سیمی مسی به پشتش می‌زدند؛ بعضی از تمرین‌کنندگان روی همه قسمت‌های کمر خود، مثل سوراخ‌های روی الک، جراحاتی داشتند.^{۱۱۸}

۲.۳.۴ بسته‌شدن با طناب در اردوگاه کار اجباری شوچانگ

یکی از شکنجه‌های رایج در اردوگاه کار اجباری شوچانگ، در استان هنان بستن افراد با طناب بود.

تمرین‌کنندگانی که این شکنجه را تجربه کرده‌اند، این‌طور توضیحش می‌دهند: ابتدا شکنجه‌گران طنابی را چند بار دور دست شخص می‌پیچند، سپس دست‌ها را به پشت کمر می‌برند و در انتها سر طناب را روی شانه‌ها می‌آورند. هر قدر طناب سفت‌تر باشد، بازوها از پشت بیشتر به سمت بالا کشیده می‌شوند. وقتی طناب بیش از حد سفت است، تمرین‌کننده حتی نمی‌تواند بایستد. تمرین‌کننده دچار درد شکنجه‌آوری می‌شود و ظرف چند دقیقه از پا می‌افتد. وقتی طناب را باز می‌کنند، انگار استخوان‌های دست شکسته‌اند و بعد، دست‌ها تا مدت‌ها بی‌حس می‌مانند.

هیچ‌یک از زندانیان عادی نمی‌توانند این شکنجه را بیش از دو بار تحمل کند و زنده بمانند. اما مأموران اغلب حتی پنج تا شش بار از آن برای شکنجه‌کردن تمرین‌کنندگان استفاده می‌کنند. آقای لی شینگ‌چنگ از نانچائو در شهر نانیانگ هفت بار به این روش شکنجه شد که سبب شد مچ‌هایش متورم و به شدت زخم شود.^{۱۱۹}

۳.۳.۴ زنانی که با شکنجه «تنگ‌پوش» فوت شدند

خانم گوان گه در حالی که در سال ۲۰۰۳ در اردوگاه کار اجباری شیبالیه در استان هنان بازداشت بود، از آسیب ناشی از شکنجه «تنگ‌پوش» درگذشت. تنگ‌پوش نوعی ژاکت است که از کرباس سفت بافته شده و از جلو به بدن قربانی پوشانده شده و پشتش سفت بسته می‌شود. روی آستین‌ها که حدود ۲۵ سانتی‌متر بلندتر از قد دست قربانی است، تسمه‌هایی قرار دارد. نگهبانان، دست‌های قربانی را به صورت ضربدری با این آستین‌ها به پشت سر او می‌بندند. سپس دست‌ها را به سمت شانه‌ها و روی قفسه

سینه بالا می‌کشند، پاهایش را می‌بندند و آنها را از پنجره یا صندلی در هوا آویزان می‌کنند.

به گفته مادر خانم گوان که جسد فرزندش را دیده بود:^{۱۲۰}

«جای بریدگی و کبودی‌های زیادی روی بدنش دیده می‌شد. چشم‌هایش باز و در دهانش خون بود. یک برآمدگی بزرگ و بریدگی‌های عمیقی روی سرش دیده می‌شد. گوش‌هایش به قدری سخت ضربه خورده بود که از شکل افتاده بود. تکه‌ای از گوشت دست چپش کنده شده و یک برآمدگی بزرگ پشت گردنش بود. زخمی بنفش‌رنگ و سه سانتی‌متری پایین کمرش دیده می‌شد و کل پای چپش کبود بود. دستانش به حالت مشت، سفت مانده بود.»

۴.۳.۴ زنجیرکردن دست‌ها و پاها به یکدیگر

خانم دیگری به نام وانگ کفی در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ در بازداشتگاه تیبی در استان جیلین درگذشت.

مأموران زندان به این دلیل که او تمرین‌های فالون گونگ را انجام می‌داد، پابندهای سنگینی به پاهایش بستند و به دستانش دستبند زدند و بعد پابند و دستبند او را با زنجیری کوتاه به یکدیگر بستند. به این ترتیب قادر به نشستن، چمباتمه‌زدن، ایستادن یا درازکشیدن نبود. مجبور بود تمام مدت به حالت پیچ‌وتاب خورده بماند. نمی‌توانست به تنهایی چیزی بخورد یا بنوشد یا به توالت برود. قربانی پس از مدت‌ها باقی‌ماندن در این وضعیت، دچار کشیدگی عضلات، تورم دست و پا، و بی‌خوابی می‌شد. بیشتر افراد فقط ۴۸ ساعت می‌توانند این شکنجه را تحمل کنند اما خانم وانگ ۱۱ روز تمام به همین شکل بسته شده بود.

مأموران برای تحمیل درد بیشتری به او، دستور دادند برای رفتن به جلسات بازجویی از پله‌ها بالا و پایین برود. او مجبور بود به‌زحمت با قدم‌های چند سانتی‌متری در راهروی تاریک و دراز پیش برود. صدای پابندهایش که روی کف سیمانی کشیده می‌شد از دور شنیده می‌شد.^{۱۲۱}

۵.۳.۴ شکنجه «کشش» در اردوگاه کار اجباری بدنام ماسانجیا

بسیاری از تمرین‌کنندگان در اردوگاه کار اجباری بدنام ماسانجیا در استان لیائونینگ، با روش «کشش» شکنجه شدند.

آقای کای چائو ۲۲ ساله باید در یک انتهای تخت می‌ایستاد. پاهایش به یک میله که ۲۰ سانتی‌متر بالای زمین بود بسته شده بود و رانهایش مقابل تخته بالای تخت قرار داشت و بالاتنه‌اش در زاویه ۹۰ درجه بود و به دست‌هایش دستنبد زده شده بود و با طنابی به سمت انتهای دیگر تخت کشیده می‌شد. اگر مأموران احساس می‌کردند دست‌هایش بی‌حس شده است، دستانش را باز کرده و سپس ده دقیقه بعد همین شکنجه را تکرار می‌کردند. در طول این مدت، مأموران به گردن، دست‌ها، شکم و کمرش هم شوک الکتریکی وارد می‌کردند. آنها ظرف مدت پنج ساعت، سه بار به این روش آقای کای را شکنجه کردند. پس از اینکه او را پایین آوردند، نمی‌توانست دست‌هایش را بلند کند یا بایستد، و یک ماه و نیم طول کشید تا جراحاتش خوب شود.

آقای لی هایلونگ نیز ظرف مدت سه ساعت و نیم، سه بار به این روش کشیده شد. او حتی تا دو ماه بعد هم نمی‌توانست به حالت عادی راه برود.

۶.۳.۴ تخت مرگ

تخت مرگ تخته‌ای چوبی است که پاها و دست‌های تمرین‌کننده به چهار طرف آن بسته می‌شود. این نوع بسته‌شدن، وضعیت عقاب با بال گشوده نامیده می‌شود که علت انتخاب این نام این است که قربانی حتی برای خوابیدن، خوردن یا کمی استراحت نیز باز نمی‌شود. این شکنجه معمولاً با خوراندن اجباری و سایر شکنجه‌ها همراه است.

خانم دوان شوئه‌چین از مغولستان داخلی به قدری طولانی روی تخت مرگ بسته شد که عضلاتش دچار آتروفی شد و قدرتش را از دست داد. مأموران در این وضعیت به او دشنام می‌دادند، رویش آب دهان می‌ریختند، به دست‌ها و سینه‌اش ضربه می‌زدند، و شلوارش را درمی‌آوردند تا تحقیرش کنند. همچنین اجازه نمی‌دادند به توالت برود.

دو هفته بعد که خانم دوان از روی تخت مرگ باز شد، بدنش سفت شده بود و قادر به راه‌رفتن نبود. زندانیان مجبور بودند او را نیشگون بگیرند تا مجبورش کنند راه برود. پیش از اینکه قدرت عضلاتش برگردد، مجبور بود برای مدفع کردن روی زانو بنشیند (بیشتر توالت‌های چین فقط از مدل توالت اسکوات یا چمباتمه‌ای است).^{۱۲۲}

۴.۴ حملات پی‌درپی به اعضای حسی و عصبی

وقتی خانم جاو لرونک زیر خورشید سوزان از درد ناله می‌کرد، مأموران دهانش را با نواری بسته و دست‌هایش را نیز بستند. آنها با خشم و کینه می‌گفتند: «تو یک گل آفتابگردانی. هر طرف که خورشید بچرخد تو هم به همان طرف می‌چرخی.»^{۱۳۳}

اختیاراتی درباره استفاده از انواع شکنجه برای هدف قراردادن اعضای حسی و عصبی تمرین‌کنندگان، به مأموران داده شده بود تا آنها را با صدا، نور، گرما یا سرمای شدید شکنجه کنند.

بعضی از تمرین‌کنندگان را مجبور می‌کردند مواد فاسد بخورند و روی صورت و بدن و در دهان بعضی نیز مدفوع می‌ریختند یا مجبورشان می‌کردند مدفوع بخورند. بعضی از مأموران سر تمرین‌کنندگان را در آبریزگاه مستراح فرو می‌بردند یا سرشان را در آغل حیوانات یا سایر مکان‌های کثیف نگه می‌داشتند.

بعضی از بازداشتگاه‌ها نیز از حیوانات و حشراتی مانند مورچه، زنبور، پشه، عقرب، عنکبوت، موش، مار و سگ‌های مهاجم برای ترساندن تمرین‌کنندگان استفاده می‌کردند. این قبیل حملات پی‌درپی به اعضای حسی و عصبی علاوه بر آسیب و آشفته‌گی روانی، می‌تواند آسیب و اختلال ذهنی شدیدی نیز ایجاد کند.

۱.۴.۴ گرمای شدید

نگهبانان اغلب تمرین‌کنندگان را با شعله آتش، اتو، آب جوش، و سیگار می‌سوزانند. همچنین آنها را مجبور می‌کنند ساعت‌ها زیر خورشید سوزان بایستند یا آنها را درحالی‌که لباس‌های زمستانی به تن دارند، در اتاق‌های به‌شدت داغ حبس می‌کنند.

مسئولان بازداشتگاه شماره ۳ در منطقه شوانگیانگ شهر چانگچون در استان جیلین، تمرین‌کنندگان را به صندلی‌های فلزی می‌بستند و گرمکن‌های برقی ۲۰۰۰واتی را زیر آنها می‌گذاشتند که باعث می‌شد صندلی‌ها به میزان غیرقابل‌تحملی داغ شوند. چراغ روشنی را نیز در دو طرف سر قربانی قرار می‌دادند. این شکنجه حداقل تا دو ساعت ادامه می‌یافت.^{۱۳۴}

۲.۴.۴ یخ‌زدن از سرما

قرارگرفتن در معرض سرما برای زمانی طولانی نیز می‌تواند منجر به آسیب جدی و دائمی شود.

در یکی از روزهای دسامبر، آقای هی هوآجیانگ را به یک صندلی در حمام بسته و دهانش را نیز محکم بستند. نگهبانان پنجره را باز کردند تا هوای بسیار سرد که تا عمق استخوان نفوذ می‌کرد، وارد اتاق شود. درحالی‌که رویش آب سرد می‌ریختند و هم‌زمان و پیوسته کتکش می‌زدند. او پس از گذشت دو ساعت فوت شد درحالی‌که ۴۲ سال داشت.^{۱۲۵}

یک بار خانم چیو لی‌یینگ به‌خاطر انجام تمرین‌های فالون گونگ در هوای منفی ۲۰ درجه سانتی‌گراد در بیرون رها شد، درحالی‌که فقط پیراهنی نازک به تن و یک صندل به پا داشت. نگهبانان دستانش را از پشت بستند و او را از درختی آویزان کردند. در این حالت، آب بینی‌اش قندیلی یک‌متری را شکل داده بود. گوشت هر دو دستش از سرما ترک خورده بود و خونسش به بیرون تراوش می‌کرد.^{۱۲۶}

آقای یانگ بائوچان را وادار کردند با پاهای برهنه روی برف بایستد. وقتی به او اجازه دادند به داخل بیاید، نگهبانان روی پاهایش آب داغ ریختند که باعث شد پاهایش به‌سرعت چرک کند. نگهبانان او را به بیمارستان نفرستادند تا زمانی که دیدند زندگی‌اش واقعاً در خطر است. پزشکان مجبور شدند پای راستش را قطع کنند.^{۱۲۷}

۳.۴.۴ صدای کرکننده

بسیاری از تمرین‌کنندگان پس از اینکه مجبور شدند برای زمان‌های طولانی به صداهای بلند و تیز گوش دهند، شنوایی خود را از دست دادند. به‌عنوان مثال، نگهبانان یا زندانیان سطلی را بالای سر تمرین‌کننده‌ای قرار می‌دادند و به سطل ضربه می‌زدند، که باعث ایجاد صدای کرکننده می‌شود و می‌تواند منجر به اختلال ذهنی شود.

آقای لیو پنگ، تمرین‌کننده‌ای از شانگهای، در سال ۲۰۰۸ به پنج سال حبس محکوم و در زندان تیلانچیائو در شانگهای حبس شد. نگهبان وانگ هائوچنگ به زندانیان دستور داد او را شکنجه کنند. او را مجبور کردند از ۷ صبح لغایت ۹ عصر روبروی دیواری بایستد.

در اتاقی کوچک بلندگویی را نیز نزدیک هردو گوشش قرار دادند و صدا را بالا بردند. او شنوایی هر دو گوش خود را از دست داد.

خانم مو چینگ‌بو، تمرین‌کننده‌ای از شهر نان‌نینگ، به‌خاطر اجتناب از تبدیل‌شدن در سلولی در اردوگاه کار اجباری زنان گوانگشی حبس شد. نگهبانان به‌مدت سه ماه صداهایی از جیغ‌های وحشتناک و زوزه‌های شبیح‌مانند را در سراسر شبانه‌روز پخش می‌کردند تا او را از خواب محروم کنند. وقتی اجازه یافت از آن سلول کوچک خارج شود، دچار اختلال ذهنی شده بود.^{۱۲۸}

۴.۴.۴ حمله از طریق حس بویایی و چشایی

برخی از نگهبانان برای تحقیر و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ از مدفوع و ادرار انسان و سایر مواد بدبو و تحریک‌کننده استفاده می‌کنند. برخی از نگهبانان نوار بهداشتی استفاده‌شده، دستمال کثیف، جوراب یا لباس زیر شسته‌نشده را در دهان تمرین‌کنندگان می‌چپاندند.

آقای لیو زی در اردوگاه کار اجباری مردان ژونگبا بیش از ۲۰ روز، از خوابیدن محروم شد، کتک خورد و مورد توهین و دشنام قرار گرفت. شکنجه‌گران سرش را به دیوار کوبیدند که موجب ورم و کبودی‌هایی در سرش شد. آنها او را مجبور به خوردن مدفوع کردند. او درنهایت دچار اختلال روانی شد و خودش شروع به خوردن مدفوع کرد.^{۱۲۹}

آقای لیو چوان‌وانگ در معدن زغال سنگ شیائولینگه در استان لیائونینگ مشغول به کار بود. وقتی دورهٔ دوسالهٔ حبسش را در اردوگاه کار اجباری پکن توآنه می‌گذراند، نگهبانان به زندانیان دستور می‌دادند محل تخلیه توالی را مسدود و تعدادی از آنها در کاسه توالی ادرار کنند. سپس نگهبانان، سر آقای لیو را داخل کاسه می‌کردند و پایشان را روی سرش می‌گذاشتند تا حدی که نزدیک بود خفه شود. وقتی آقای لیو در اعتراض به این بدرفتاری‌ها دست به اعتصاب غذا زد، نگهبانان با آب فاضلابی که پر از فضولات انسانی بود او را تحت خوراندن اجباری قرار دادند. آقای لیو به‌طور غیرقابل‌کنترلی بالا می‌آورد.^{۱۳۰}

۵.۴.۴ گزیدگی حشرات و گازگرفتگی حیوانات

در فصل پشه و سایر حشرات، قربانی در مکانی به یک صندلی بسته می‌شود درحالی‌که پشه‌ها و سایر حشرات به آنجا هجوم می‌آورند. تعداد زیادی از این حشرات، قربانی را می‌گزند اما او قادر به حرکت کردن یا خاراندن جای نیش‌ها یا پس‌زدن حشرات نیست و بیماری‌های حشرات نیز به او منتقل می‌شود.

از آنجاکه خانم شو یوشان از رهاکردن ایمانش اجتناب کرد، مأموری در اردوگاه کار اجباری سوئی‌ها، آبی شیرین را اطراف ناحیه تناسلی او ریخت و تعداد زیادی مورچه را در آن ناحیه رها کرد.

خانم جیا‌های‌یینگ از مغولستان داخلی در یک بعدازظهر مرطوب تابستانی به درختی نزدیک یک خوکدانی کثیف بسته شد. او پیراهنی بی‌آستین و شلوارکی به تن داشت و خیلی زود دسته‌هایی از پشه‌ها و مگس‌ها همه بدنش را پوشاندند. این در حالی بود که دستان او بسته شده بود و قادر به حرکت یا پس‌زدن حشرات که تشنه خون بودند نبود. او گفت این سختی واقعاً غیرقابل تحمل بود.^{۱۳۱}

حیوانات دیگری که برای شکنجه تمرین‌کنندگان استفاده می‌شد عبارتند از مار، عقرب، زنبور، عنکبوت، موش، خرگوش، خوک و سگ‌های مهاجم.^{۱۳۲}

۵.۴ محدودیت در رفع نیازهای اولیه

بعضی از روش‌های شکنجه که مقامات حزب کمونیست از آنها برای شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ استفاده می‌کنند، قابل مشاهده نیست. این قبیل روش‌ها شامل ایجاد محدودیت برای رفع نیازهای اولیه است از جمله خوردن، خوابیدن و استفاده از توالت. این نوع شکنجه معمولاً برای فرسودن قدرت اراده تمرین‌کنندگان و ظرفیت مقاومت روانی آنها طراحی می‌شود.

۱.۵.۴ محرومیت از غذا

«آقای مو لونهویی به علت ضرب‌وشتم وحشیانهٔ نگهبانان طی سه روز مجموعاً پنج بار بی‌هوش شد. ولی گویا کافی نبود، در طول این دوره سه‌روزه نگهبانان تقریباً هیچ چیزی برای خوردن به او ندادند. ده دانه برنج تمام چیزی بود که هر روز برای سه وعده غذا دریافت می‌کرد.»

«۳۰ دانه برنج به مدت سه روز» ممکن است بی‌رحمی غیرقابل‌تصورى به نظر برسد، اما این چیزی است که در اردوگاه کار شیشانپینگ در چونگ‌چینگ اتفاق افتاد. بسیاری از تمرین‌کنندگان دیگری که در همان اردوگاه کار محبوس بودند، مانند آقای مو وادار به تحمل «گرسنگی‌درمانی» شدند. گرچه به آنها کمی بیشتر از آقای مو غذا داده می‌شد، اما به‌سختی برای ادامه حیات‌شان کافی بود.

وقتی تمرین‌کنندگان پس از یک دوره «گرسنگی‌درمانی» به‌طور خطرناکی ضعیف می‌شدند، نگهبانان برای زنده نگه‌داشتن آنها دوباره جیره غذایی عادى‌شان را به آنها می‌دادند. با این حال، قبل از اینکه تمرین‌کنندگان به‌طور کامل بهبود پیدا کنند دوباره تحت «گرسنگی‌درمانی» قرار می‌گرفتند.

آنچه در اردوگاه کار شیشانپینگ اتفاق افتاده است پدیده‌ای منحصربه‌فرد نیست. بسیاری از بازداشتگاه‌ها در سراسر چین نیز به استفاده از شکنجه محرومیت غذایی معروف هستند. این کار تلاشی در راستای وادارکردن تمرین‌کنندگان به نفی فالون گونگ است.

بسیاری از تمرین‌کنندگان بر اثر این شکنجه دچار عوارض شدیدی شدند. یک تمرین‌کننده خانم که در زندان زنان شانگهای محبوس بود طی شش ماه حدود ۲۷ کیلو کاهش وزن داشت. او آنقدر گرسنه بود که برگ‌های گندیده کلمی را خورد که در سطل زباله‌ای پیدا کرده بود. طولی نکشید که نگهبانان متوجه شدند او از سطل زباله به‌عنوان منبعی برای غذا استفاده می‌کند و حتی آن سطل زباله را هم برداشتند.

محدودکردن زمان صرف غذا، راه دیگری برای کاهش میزان غذای تمرین‌کنندگان است. نگهبانان اغلب برای صرف هر وعده غذایی یک محدودیت زمانی غیرمنطقی تعیین می‌کنند. تمرین‌کنندگان محبوس در زندان ووماپینگ در استان سیچوان برای صرف یک کاسه کوچک برنج در هر وعده غذایی ۲۰ ثانیه فرصت داشتند و قبل از اینکه واقعاً فرصتی برای خوردن داشته باشند، فقط می‌توانستند ناظر باشند نگهبانان کاسه‌های‌شان را از دست‌شان قاپ بزنند.

وقتی آقای ژانگ ویجی در زندان فانجیاتای در استان هوبی بازداشت بود، مجبور به تحمل شکنجه‌ای شد که آن را «سه تا یک بار» نامیده بودند، او در طول روز اجازه داشت فقط یک ساعت بخوابد، یک بار به توالت برود و در هر وعده یک لقمه غذا بخورد.^{۱۳۳}

۲.۵.۴ محرومیت از خواب

محرومیت طولانی‌مدت از خواب، یکی از روش‌های موزیانه شکنجه است که بر کارکردهای فیزیکی و ذهنی فرد تأثیر می‌گذارد. این روش موجب آسیب ذهنی جدی یا توهم و حتی گاهی مرگ می‌شود.

خانم لی شیوجن در زندان جینان ۲۸ روز از خواب محروم شد. وقتی دیگر نمی‌توانست چشم‌هایش را باز نگه دارد، شکنجه‌گران یک نوار چسب زخم دور پلکش می‌گذاشتند تا آن را بالا و پایین بکشند. گاهی حتی از الیاف جارو برای باز نگه‌داشتن پلک‌هایش استفاده می‌کردند. او عاقبت در اکتبر ۲۰۰۹ درگذشت.^{۱۳۴}

آقای وانگ یونگ‌هانگ، یک تمرین‌کننده فالون گونگ و از وکلای شهر دالیان، استان لیائونینگ، وکالت چند تمرین‌کننده فالون گونگ را برعهده گرفت و از آنها در برابر اتهامات جعلی رژیم چین دفاع کرد.

در ژوئیه ۲۰۰۹، بیش از ۲۰ مأمور پلیس او را دستگیر کردند و به هفت سال زندان محکوم شد.

برای اینکه او را مجبور به رهاکردن باورش به فالون گونگ کنند، نگهبانان ۱۳ روز به او اجازه خوابیدن ندادند. او سختی‌هایی که متحمل شد را در زیر بازگو کرده است:^{۱۳۵}

طی سه روز اول هیچ غذایی به من ندادند. دو بار مرا به توالت بردند. سخت‌ترین بخش برایم تشنگی و خواب‌آلودگی بود. دو لامپ با ولتاژ بالا که مقابلم روشن بودند مرا تشنه‌تر نیز می‌کردند. زندانیانی که مراقبم بودند، آماده بودند که به من مشت بزنند تا نگذارند چرت بزنم. یک روز، یک زندانی وقتی سایر زندانیان بیرون رفته بودند، به پشت و دنده‌هایم ضربه زد. از درد طاقت‌فرسا از هوش رفتم. وقتی دوباره به هوش آمدم، کار آن زندانی را به رئیس لیو گزارش دادم که یک روز بعد او را از سلول بیرون برد.

از روز چهارم حتی اجازه نداشتم به توالت بروم. یک بار در روز اجازه داشتم در صندلی آهنی‌ام اجابت مزاج کنم. هر روز ۲۵۰ میلی‌لیتر آب به من می‌دادند. از آنجاکه غذای بسیار کمی می‌خوردم، طی ده روز بعد هیچ اجابت مزاجی نداشتم.

چون در و پنجره‌ها تماماً پوشیده شده بودند، نمی‌توانستم روز را از شب تشخیص دهم. فقط با توجه به صدای پای زندانیان که صبح‌ها برای کار بیرون می‌رفتند و شب‌ها

به سلول‌های‌شان برمی‌گشتند، زمان را حدس می‌زد، اما در عرض چند روز چنان دچار فروپاشی شدم که حتی قدرت چنین تشخیصی را نیز از دست دادم.

در ابتدا پلیس می‌آمد و از من سؤالاتی می‌پرسید. سپس دیگر نیامد، زیرا هوای اتاق بسیار بد شده بود. یک روز آنها یک دوربین فیلمبرداری را در فاصله حدود ۳۰ سانتی‌متری از صورتم قرار دادند. به این ترتیب، پلیس می‌توانست از دفترش صورتم را به وضوح ببیند. البته دوربین زندانی‌ای را که کنارم نشسته بود نشان نمی‌داد؛ فردی که هر زمان چشمانم را می‌بستم، به من ضربه می‌زد. جوراب پشمی کهنه‌ای پوشیده بودم. چند روز بعد جوراب‌ها خیلی بدبو شده و به گوشه‌ای از اتاق پرتاب شدند.

وقتی احساس می‌کردم که دیگر نمی‌توانم محرومیت از خواب را تحمل کنم، فریاد می‌زد: «فالون دافا خوب است!» در چنین زمان‌هایی، آنها دستمال کهنه‌ای را به درون دهانم فرو می‌کردند، اما زندانی ژنگ جیه که قبلاً کتکم زده بود، همیشه جوراب‌های بدبوی خودم را به درون دهانم فرومی‌کرد. جوراب‌ها باعث می‌شدند مقدار زیادی پشم وارد دهانم شود. از آنجاکه آب نوشیدنی زیادی به من نمی‌دادند، دهانم واقعاً خشک بود و حتی نمی‌توانستم آنها را با آب دهانم بیرون بریزم.

بعد از شش روز محرومیت از خواب، دچار توهم شدم. در ابتدا، هنوز می‌توانستم توهم را از واقعیت تشخیص دهم، اما بعداً دیگر نتوانستم. یک روز ذهنم خالی شد. خیلی سعی کردم چیزی را به یاد بیاورم، اما نمی‌توانستم به هیچ چیزی فکر کنم. نمی‌توانستم به یاد بیاورم چه کسی هستم یا اینکه آیا در این دنیا زندگی کرده‌ام یا نه. کاملاً وحشت‌زده بودم و دچار فروپاشی روانی شده بودم.

بر اساس آنچه بعداً اطرافیانم به من گفتند، برخاستم و دست‌بندها را شکستم و جیغ و فریاد کشیدم. آنها مرا به نیمکتی بستند و دستمال کهنه‌ای را به درون دهانم فرو کردند. می‌دانستم که می‌خواهند دیوانه‌ام کنند. از مرگ نمی‌ترسیدم، اما از دیوانه‌شدن می‌ترسیدم. اگر دیوانه می‌شدم، از آن برای بدنام کردن فالون دافا استفاده می‌کردند.

پس از این حادثه، اظهاریه‌ی تعهدی نوشتم دال بر اینکه دیگر فالون گونگ را تمرین نمی‌کنم، اما در قلبم عمیقاً این را برای خودم روشن کردم که هرگز به باورم خیانت نمی‌کنم. آنها گفتند مادامی که نامم را در این اظهاریه امضا کرده باشم، آنها اهمیتی نمی‌دهند که آیا هنوز در قلبم بر باورم ثابت‌قدم هستم یا خیر.

۳.۵.۴ عدم دسترسی به توالت

عدم دسترسی به توالت نوع دیگری از شکنجه است که اغلب استفاده می‌شود. بعضی بازداشتگاه‌ها زمان مدفوع کردن را محدود به دو تا سه دقیقه می‌کردند. اگر شخصی پس از تمام شدن این زمان از جایش بر نمی‌خواست، به شدت کتک می‌خورد. در نتیجه، فرد مجبور بود به سرعت مدفوع کند و از توالت خارج شود.

مهم‌تر از همه اینکه، گاهی تمرین‌کنندگان فقط می‌توانستند یک بار در روز برای ادرار کردن و هر سه روز یک بار برای مدفوع کردن از توالت استفاده کنند. از این رو مشکلاتی برای سلامتی‌شان پیش می‌آمد و قربانیان مجبور می‌شدند در شلوار خود ادرار یا مدفوع کنند.

هنگامی که خانم لیو گوئی‌هوا در اردوگاه کار اجباری وانجیا در استان هیلونگ‌جیانگ بازداشت بود، نگهبانان دست‌های او را بستند و به مدت دو روز وارونه آویزان کردند. حتی وقتی نیاز به استفاده از توالت داشت نیز او را پایین نیاوردند. به همین دلیل مجبور بود در شلوارش ادرار و مدفوع کند. سپس نگهبانان شلوارش را پایین می‌کشیدند و شلواری را که با ادرار و مدفوع کثیف شده بود در دهانش فرو می‌کردند.

۱۳۶

خانم هو ریولیان تمرین‌کننده‌ای در شهر لیشان استان شیچوان بود که در سال ۲۰۰۱ در اردوگاه کار اجباری نانموسی به‌زور مقدار زیادی آب به خوردش می‌دادند و اجازه نمی‌دادند به توالت برود.^{۱۳۷}

۴.۵.۴ مجازنبودن به دوش گرفتن یا خرید نیازهای روزانه

خانم هه لیانچون از استان یون‌نان دو بار، ابتدا در سال ۲۰۰۱ و دوباره در سال ۲۰۰۹، در مجموع به مدت ۱۷ سال به زندان محکوم شد. نگهبانان علاوه بر اعمال شکنجه‌های جسمی، از شیوه‌های حيله‌گرانه‌ای نیز برای شکنجه او استفاده می‌کردند، از جمله اینکه اجازه نمی‌دادند دوش بگیرد یا وسایل ضروری روزانه‌اش مانند کاغذ توالت، خمیر دندان، صابون یا مواد شوینده را خریداری کند. او ماجرایش را این‌چنین بازگو کرد:^{۱۳۸}

پس از اینکه به مدت چند ماه دوش نگرفتم، واقعاً بوی بدی می‌دادم. تمام زندانیان در اتاقم مرا مورد توهین و سرزنش قرار می‌دادند. به آنها می‌گفتم این‌طور نیست که

۱۳۴

نمی‌خواهم دوش بگیرم، بلکه نگهبانان این اجازه را به من نمی‌دهند. سایر زندانیان نمی‌توانستند بو را تحمل کنند و به نگهبانان می‌گفتند که در خصوص من تجدیدنظر کنند. آنها نهایتاً اجازه می‌دادند یک بار دوش بگیرم. از آنجاکه مجاز به خرید پدهای بهداشتی نبودم، زمانی که عادت ماهانه می‌شدم، مجبور بودم از روزنامه یا هر کاغذ دیگری که پیدا می‌کردم، استفاده کنم.

۶.۴ شوک الکتریکی

«دست‌هایم از سوراخ‌های پشت صندلی آهنی با دست‌بند به پشتم بسته شده بود. الکترودهایی که به ژنراتور متصل بود به شست دست‌هایم وصل شده بود تا به من شوک وارد کنند. از ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر به من شوک وارد می‌شد.

کمی بعد، مأمور پلیسی الکترودها را از شست دست راستم برداشت و آن را به اندام تناسلی‌ام وصل کرد. سپس ژنراتور را بالا برد و به مدت پنج یا شش ساعت دیگر هم به من شوک وارد کرد. بدنم به تشنج افتاد و قلبم به شدت درد می‌کرد. احساس می‌کردم در حال مرگ هستم.»

این گفته‌های آقای یانگ لیچنگ حدوداً ۷۰ ساله بود که تجربیاتش را از شکنجه در اداره پلیس شینگونگدی در سال ۲۰۰۹ شرح داد.^{۱۳۹}

شوگ دادن به تمرین‌کنندگان با باطوم الکتریکی می‌تواند دردی شدید و سوختگی ایجاد کند. مأموران اغلب به نقاط حساس بدن قربانیان شوک وارد می‌کنند از جمله صورت، چشم‌ها، گردن، دست‌ها، نوک سینه، و اعضای تناسلی. بعضی از مأموران علاوه بر باطوم الکتریکی از ابزارهای دستی نیز برای تولید برق استفاده می‌کنند و بعضی از آنها تمرین‌کنندگان را به صندلی فلزی می‌بندند تا درد را بیشتر کنند.

مورد ۱: از شکل انداختن صورت

خانم گائو رونگ‌رونگ، حسابداری از شهر شن‌یانگ در استان لیائونینگ، به دلیل چند ساعت شکنجه با شوک الکتریکی صورتش از شکل افتاد. صورتش پر از تاول شده و موهایش با چرک و خون پوشیده شده بود. از شدت تورم صورتش، فقط می‌توانست چشمش را به مقدار خیلی کمی باز کند و دهانش به شدت باد کرده و از شکل افتاده بود.^{۱۴۰}

مورد ۲: شوک با شش باطوم الکتریکی ۱۵۰هزار ولتی

یک بار با شش باطوم الکتریکی ۱۵۰هزار ولتی به کل بدن آقای مو جانکوئی ۴۹ساله، تاجری در شهر جانگچون استان جیلین، شوک وارد کردند. بدنش به شدت سوخت. درد به قدری طاقت‌فرسا بود که احساس می‌کرد سرش در حال منفجرشدن است. بدنش خیس عرق شده بود. وقتی به او شوک وارد می‌کردند به قدری دندان‌هایش را به هم فشار می‌داد که همه دندان‌هایش لق شدند و بیش از دو هفته نمی‌توانست غذای سفت بخورد.^{۱۴۱}

مورد ۳: «احساس کردم ماری نیشم زد»

خانم ژائو یوهانگ از شهر ژائویوان استان شاندونگ در سال ۲۰۰۲ به دلیل چسباندن برچسب‌هایی که رویشان نوشته شده بود «فالون دافا خوب است»، دستگیر شد. وقتی در اداره پلیس منگژی بازداشت بود، به دست‌هایش دست‌بند زدند و او را به یک صندلی بستند. پلیس او را به یک تلفن هندلی قدیمی بست تا به او شوک وارد کند. وقتی آنها با سرعت هندل تلفن را می‌چرخاندند تا شماره بگیرند، نیروی الکتریسیته در تمام بدنش جریان می‌یافت. او احساس می‌کرد ماری نیشش زده است و مردمک چشمش از کاسه بیرون می‌آید.^{۱۴۲}

۷.۴ القاء حس غرق‌شدن و خفگی

القای حس غرق‌شدن که غرق‌شدن شبیه‌سازی‌شده نیز نامیده می‌شود یکی از بی‌رحمانه‌ترین روش‌های شکنجه است که بشر تاکنون سراغ دارد.

در اردوگاه کار اجباری ماسانجیا در استان لیائونینگ، دست و پای تمرین‌کنندگان را می‌بستند و جوراب در دهانشان فرو می‌کردند و سپس دهانشان را با نوار چسب می‌بستند. سپس مأموران روی صورتشان آب می‌ریختند. قربانی که دهانش پوشانده شده و دست و پایش بسته بود، فقط می‌توانست با بینی نفس بکشد که آن هم پر از آب می‌شد. به این ترتیب احساس خفگی به او القا می‌شد و شبیه به مردن به دلیل غرق‌شدن بود. در چنین حالتی همه‌چیز از ذهن فرد پاک می‌شود.

مورد ۱: شکنجه چکاندن آب

یکی دیگر از روش‌های شکنجه، چکاندن آب سرد در بالای سر شخص است. شخص در ابتدا احساس سرمای بسیار شدیدی می‌کند و سپس بی‌حس می‌شود. سپس، قربانی احساس می‌کند که سرش شکاف خورده و باز شده و مغزش له می‌شود. این نوع شکنجه معمولاً طی دوره‌ای طولانی استفاده می‌شود و در مقایسه با زمانی که فقط آب سرد را روی سر قربانی می‌ریزند موجب درد بیشتری می‌شود. این روش شکنجه در بازداشتگاه هایلین و بازداشتگاه مودانجیانگ در استان هیلونگ‌جیانگ مورد استفاده قرار گرفت.

آقای وانگ شیائونگ اهل شهر مودانجیانگ با چکاندن آب سرد شکنجه شد. پس از دستگیری به دست پلیس یانگمین در ۱۷ اوت ۲۰۰۱، با ضربات باطوم الکتریکی مورد ضرب‌وشتم و اعمال شوک قرار گرفت. پلیس با وجود کبودی و زخم در سراسر بدنش، او را در بازداشت نگه داشت و به شکنجه‌اش با چکاندن آب سرد ادامه داد. او ۱ روز پس از دستگیری در ۳۶ سالگی درگذشت.^{۱۴۳}

مورد ۲: پوشاندن سر با کیسه پلاستیکی

گاهی مأموران، سر تمرین‌کنندگان را با کیسه‌های پلاستیکی یا لحاف می‌پوشاندند و تقریباً خفه‌شان می‌کردند.

آقای ژانگ سان‌هونگ و همسرش را در ۲۶ آوریل ۲۰۰۶ به اداره پلیس دانگجی در شهر لیائویوان استان جیلین بردند و در آنجا ۱۶ ساعت، تحت شکنجه از آنها بازجویی کردند. بریدگی عمیقی روی سر آقای ژانگ ایجاد شد که به شدت خون می‌آمد. مأمور جیانگ یانگ دائم آب سرد روی او می‌ریخت و هم‌زمان پنکه‌ای را هم جلوی سرش نگه می‌داشت تا هوای سرد به سرش بخورد. آقای ژانگ از سرما می‌لرزید. مأمور جیانگ دسته‌ای سیگار را روشن کرد و آنها را به موهای آقای ژانگ گره زد تا سیگارها جلوی بینی او آویزان شود. بعد یک کیسه پلاستیکی روی سرش کشید و آن را دور گردنش بست. آقای ژانگ کمی بعد در همان روز درگذشت.^{۱۴۴}

۸.۴ سلول انفرادی

در زیر نمونه‌ای از حبس تمرین‌کننده‌ای در سلول انفرادی آورده شده است:^{۱۴۵}

ساختمان جونگهه در اردوگاه کار اجباری مانسانجیا، شش سلول انفرادی دارد. در هر سلول زندان یک نیمکت آهنی هست و متراژ آن فقط به اندازه یک نفر است. دست‌ها و پاهای تمرین‌کنندگانی که در این سلول‌ها زندانی بودند به هم بسته می‌شد و مجبور بودند ۲۴ ساعت شبانه‌روز روی نیمکت بنشینند و فقط دو بار در روز اجازه استفاده از توالت را داشتند. هیچ وسیله گرمایشی در سلول‌ها نبود. سلول در زمستان به شدت سرد بود، با این حال مأموران زندان به خانواده‌های تمرین‌کنندگان اجازه نمی‌دادند برایشان لباس گرم اضافه‌ای بیاورند.

وانگ شوئه‌لی یکی از تمرین‌کنندگانی بود که در گروه ۲ از تیم ۳ بازداشت شد و ۱۰ روز در سلول انفرادی حبس بود. تمام بدنش ورم کرد و به‌سختی می‌توانست راه برود؛ حتی اکنون نیز بهبودی کامل نیافته است. بسیاری از تمرین‌کنندگان دچار فروپاشی ذهنی شدند و حتی بعضی از آنها به اغما رفتند.

افرادی که در انفرادی حبس می‌شوند، با انزوای طولانی مواجه شده و گاهی حتی چند سال از هر ارتباطی با جهان خارج منع می‌شوند. بیشتر تمرین‌کنندگان اکثر اوقات در موقعیت‌های پراسترس حبس می‌شوند و غذای بسیار کمی به آنها داده می‌شود.

مورد ۱: یخ‌زدگی و گرسنگی در سلول انفرادی

آقای شو ونلونگ، هنرمندی ۳۳ ساله از استان هیلونگ‌جیانگ، بیش از یک ماه در سلولی کوچک در زندان تایلای حبس بود و باید هر روز «گزارش افکار» می‌نوشت.

در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۳ که آقای شو در گزارش افکارش نوشت «من بی‌گناهم»، گائو بین نگهبان زندان او را مورد ضرب‌وشتم قرار داد و تهدیدش کرد که «تا ابد در آن سلول خواهد ماند.»

در شهر چی‌چی‌هار در منتهی‌الیه شمال چین، در ژانویه درجهٔ هوا به منفی ۱۲ درجهٔ سانتی‌گراد می‌رسد. در این سلول کوچک هیچ تخت، پتو یا بالشی نبود و آقای شو مجبور بود روی زمین بسیار سرد سیمانی بخوابد. از آنجاکه فقط لباس نازکی به تن داشت و دست و پایش زنجیر شده بودند، به‌دلیل سرمای هوا و وضعیت ناراحتی که داشت فقط می‌توانست مدت بسیار کوتاهی بخوابد.

نگهبانان هر روز فقط دو ملاقه سوپ رقیق به او می‌دادند. گرسنگی خیلی زود منجر به بیوست شدیدش شد. وزنش به‌شدت کاهش یافت و زمانی که از آن سلول کوچک بیرون می‌آمد بسیار لاغر شده بود. از آنجاکه نمی‌توانست مسواک بزند، لته‌هایش دچار عفونت شده بود.^{۱۴۶}

مورد ۲: مانند جهنم

خانم هو آی‌یون تمرین‌کننده‌ای از شهر هاربین استان هیلونگ‌جیانگ بود که بیش از دو ماه به صندلی فلزی بسته و در سلول انفرادی حبس شد:^{۱۴۷}

«آنها مرا به صندلی فلزی بستند. مچ پا و دست‌هایم به صندلی بسته شده بود و نمی‌توانستم تکان بخورم. پس از مدتی، به‌شدت احساس ضعف کردم. در حال ازدست‌دادن توانم بودم. بازوها، دست‌ها، و پاهایم به‌شدت ورم کرده بود. پاهایم مثل کلوچه باد کرده بود و حتی در کفش سایز ۱۰ هم جا نمی‌شد. حلقه فلزی دور مچ پایم به گوشت بدنم چسبیده بود. چیزی که بیش از همه مرا می‌ترساند احساس ترس و پریشانی بود. این محدودیت فیزیکی کامل، دیوانه‌ام می‌کرد. افسرده شده بودم. قفسه سینه‌ام به‌شدت سنگین شده بود و در آستانه فروپاشی بودم.

مأموران برای اینکه بیشتر آزارم دهند یک موسیقی راک بسیار بلند پخش می‌کردند. خودشان به‌محض فشار دادن دکمه پخش، محل را ترک می‌کردند تا صدا را نشنوند. موسیقی گوشم را سوراخ می‌کرد و سقف و کف اتاق می‌لرزید. سرم تکان می‌خورد و گوش‌هایم سوت می‌کشید. قلبم به‌شدت می‌تپید. تحمل آن به‌قدری سخت بود که مغزم خالی و بی‌حس می‌شد. احساس خفگی می‌کردم.

در طول چند ماهی که در سلول انفرادی حبس بودم، اجازه نمی‌دادند خودم را بشویم یا لباس‌هایم را عوض کنم. مأموران کاسه‌ای در اتاق گذاشته بودند تا در آن ادرار و مدفوع کنم. پس از چند روز بوی وحشتناکی در اتاق پیچید. سلول پر از حشره، پشه و مگس و موش شده بود. اتاق پنجره نداشت و خبری از آسمان آبی یا هوای تازه در آن نبود.

بعد از ظهر که همه به خواب می‌رفتند، سکوت اطرافم ترسناک‌تر هم می‌شد. ثانیه به ثانیه عذاب می‌کشیدم و از سرما می‌لرزیدم. شب‌ها به شکلی باورنکردنی طولانی به‌نظر می‌رسید.

همه بدنم پر از گال شده بود. مأموران گال‌ها را با یک قاشق فلزی ضخیم بیرون می‌آوردند. در این وضعیت از شدت درد از هوش می‌رفتم و پاهایم خون می‌آمد.

۹.۴ تجاوز جنسی و تحقیر جنسی

شکل دیگری از شکنجه که دائماً روی تمرین‌کنندگان فالون گونگ استفاده می‌شد، تحقیر یا تجاوز جنسی است. این نوع شکنجه بخصوص برای آسیب روحی به قربانیان و درهم‌شکستن اراده آنها بسیار کارساز بود.

۱.۹.۴ شکنجه جنسی زنان

این بدرفتاری‌ها شامل تجاوز، لخت کردن زنان جلوی مأموران مرد زندان، وارد کردن دسته جارو یا مسواک داخل واژنشان و شوک دادن به واژن و سینه آنها با باطوم الکتریکی بود. بسیاری از افرادی که بعد از این نوع شکنجه زنده ماندند، دچار آسیب روحی و احساس شرم و اندوه و ترس می‌شدند.

مورد ۱: تجاوز گروهی زندانیان به هجده تمرین‌کننده

در یک مورد ننگین در اردوگاه کار اجباری بدنام ماسانجیا در ۱۹ آوریل ۲۰۰۱، مأموران ۱۸ تمرین‌کننده زن را داخل سلول مردان بردند و به زندانیان مرد اجازه دادند به صورت گروهی به آنها تجاوز کنند که منجر به مرگ، معلولیت، و بی‌ثباتی ذهنی قربانیان شد.^{۱۴۸} خانم بین لیپینگ یکی از این ۱۸ قربانی، گفت وقتی فهمید از این تجاوز فیلم گرفته شده است، احساس پریشانی و تحقیر شدن در او شدت گرفت.^{۱۴۹}

مورد ۲: به زنان مسن تجاوز و به واژن آنها شوک الکتریکی داده شد

خانم ژو جین در فوریه ۲۰۰۱ که نزدیک به هفتاد سال داشت دستگیر شد و کمی بعد دو مأمور به او تجاوز کردند. سپس مأموران یک باطوم الکتریکی را داخل واژنش فرو کرده و به او شوک وارد کردند. او از شدت درد گریه می‌کرد. فقط وقتی بی‌هوش شد مأموران باطوم را بیرون آوردند. واژنش خونریزی و ورم کرد و درد شدیدی داشت. خانم ژو تا بیش از یک ماه نمی‌توانست بنشیند یا راه برود.^{۱۵۰}

مورد ۳: مأموران به اندام‌های تناسلی خانم وانگ جین پینگ آب پاشیدند

مأموران زندان زنان استان لیائونینگ به زندانیان یاد دادند پاهای خانم وانگ جین پینگ را از دو طرف بکشند و یک زندانی دیگر، به اعضای تناسلی او با فشار زیاد آب بپاشد. با این کار خانم وانگ قادر به ادرار کردن نبود و دچار بی‌اختیاری در دفع ادرار می‌شد. هر دو پایش ورم کرد و سیاه و کبود شد.^{۱۵۱}

مورد ۴: زندانیان به درون واژن خانم ژانگ شوشیا فلفل تند ریختند

در سال ۲۰۰۵ که خانم ژانگ شوشیا را به زندان زنان لیائونینگ منتقل کردند، او ۶۰ سال داشت. پلیس به دو زندانی دستور داد به درون واژن او فلفل تند بریزند. آنها او را وادار به نوشیدن آب جوش شوری می‌کردند که در آن فلفل‌های تند ریخته بودند. آبی که با فلفل تند شده بود را روی نشیمنگاهش می‌ریختند و او را مجبور به نوشیدن آن آب آلوده می‌کردند.^{۱۵۲}

مورد ۵: سوراخ کردن واژن خانم وانگ لی جون با عصای چوبی تیز

خانم وانگ لی جون با عقب و جلوکشیدن طناب ضخیمی روی اندام‌های تناسلی‌اش، سه بار تحت شکنجه قرار گرفت. جانیان از عصای چوبی شکسته‌ای با لبه‌های تیز نیز استفاده می‌کردند تا واژنش را سوراخ کنند که منجر به خونریزی ناحیه شکمی و اندام‌های تناسلی و تورم بسیار زیاد آنها شد. او نمی‌توانست شلوارش را بالا بکشد و نمی‌توانست چمباتمه بزند. در دفع ادرار نیز خیلی مشکل داشت.^{۱۵۳}

۲.۹.۴ شکنجه جنسی مردان

بسیاری از تمرین‌کنندگان مرد فالون گونگ نیز گزارش کردند که در زمان بازداشت، مورد شکنجه جنسی قرار گرفتند. تجاوز به تمرین‌کنندگان مرد اغلب شامل شوک الکتریکی، ضربه به اندام‌های تناسلی آنها، و کشیدن موهای ناحیه شرمگاهی‌شان بود. یکی از مأموران در زندان بنشی، به آلت تناسلی آقای منگ شیانگوانگ شوک وارد کرد و گفت «کاری می‌کنم که نتوانی بچه‌دار شوی.» آقای منگ از شدت شوک الکتریکی دچار تشنج شد و در همین حال هم مأموران به او می‌خندیدند.^{۱۵۴} نگهبانان اردوگاه کار اجباری هگانگ، آلت تناسلی آقای سان فنگلی را می‌کشیدند و فشارش می‌دادند که موجب ورم و درد شدید آن می‌شد. او موقع ادرارکردن و راه‌رفتن مشکل داشت و زندانیان، تحقیرش می‌کردند.^{۱۵۵}

مأمور ژائو شوآنگ در اردوگاه کار اجباری چانگلینزی، به بیضه‌های آقای زانگ دیانیونگ چنگ زد. حتی تا یک سال بعد هم کشاله‌های رانش درد می‌کرد.^{۱۰۶}

وقتی آقای چن شائومین در سال ۲۰۰۴ در اردوگاه کار اجباری شماره ۳ استان هنان، دوره حبس خود را سپری می‌کرد، یکی از زندانیان به نام نیه یانگ، آلت تناسلی خود را به‌زور وارد دهان آقای چن کرده و تهدید کرد که اگر از ایمان به فالون گونگ دست نکشد، داخل دهانش ادرار می‌کند.^{۱۰۷}



فصل ۵: مرگ بر اثر آزار و شکنجه

تا تاریخ ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۹، تأیید شده است در مجموع ۴۳۴۳ تمرین‌کننده فالون گونگ بر اثر آزار و شکنجه درگذشتند. هرچند آمار واقعی کشته‌شدگان بسیار بالاتر از این رقم است اما مسدودبودن انتشار اطلاعات در چین سبب می‌شود همه موارد مرگ ناشی از شکنجه، به‌موقع گزارش داده نشوند.

در ادامه، تعداد اندکی از موارد مرگ ناشی از شکنجه را که وب‌سایت مینگهویی منتشرشان کرده، شرح می‌دهیم.

۵.۱ مسئولین، زن زندانی را شش روز پس از عمل جراحی‌اش، بدون موافقت خانواده‌اش از دستگاه تنفس مصنوعی جدا کردند

خانم لی چانگفانگ از شهر لینی در استان شاندونگ که به‌خاطر امتناع از نفی ایمانش به فالون گونگ محبوس شده بود، در ۵ ژوئیه ۲۰۱۹ در بیمارستان بستری و روز بعد بدون رضایت خانواده‌اش جراحی شد. وقتی خانواده‌اش از امضای رضایت‌نامه برای بردن او به خانه خودداری کردند، پلیس این خانواده و کودک شش‌ساله‌ای را که همراهشان بود، یک روز بازداشت کرد.

در ۱۲ ژوئیه، وقتی اکثر اعضای خانواده‌اش در آن حوالی نبودند، مسئولین لوله اکسیژنش را جدا کردند و او درگذشت. آنها قبل از اینکه افشا کنند جسد در کجا نگهداری می‌شود، خواستار مذاکره با خانواده برای شرایط پرداخت غرامت بودند.^{۱۵۸}

۱.۱.۵ رویدادهای مهم در روزهای منجر به مرگ خانم لی

خانم لی در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۸ دستگیر شد، چراکه از نفی فالون گونگ امتناع کرده بود. او در ۲۷ مارس ۲۰۱۹ به دو سال و نیم حبس و پرداخت ۱۰ هزار یوان جریمه محکوم شد.

در ۵ ژوئیه ۲۰۱۹، خانواده‌اش پس از اطلاع از اینکه حال او بسیار وخیم است، باعجله به بیمارستان محلی رفتند. خانم لی هشیار بود و گفت که ۱۵ روز دچار درد شکمی شدیدی بوده است. روی ران‌هایش کیبود شده بود و دندان‌هایش لق شده بودند.

خانم لی در بازداشتگاه شهر لینی شهر زندانی شده بود. نگهبانان آنجا توضیح ندادند که چه اتفاقی برای او افتاده که کارش به بیمارستان کشیده و به این صدمات منجر شده است. پزشکان ابتدا ادعا کردند که مشکلش آپاندیسیت است و سپس گفتند معده‌اش سوراخ شده است.

خانواده خانم لی به علت عدم پاسخگویی به سؤال‌های متعددشان، از امضای فرم رضایت‌نامه برای عمل جراحی امتناع کردند.

پزشکان به دستور بازداشتگاه و پلیس، باز هم خانم لی را در ۶ ژوئیه عمل کردند و از پایین قفسه سینه تا شکمش را شکافتند. او هرگز دوباره هشیار‌اش را به دست نیاورد و بعد از عمل جراحی دستگاه تنفسش را قطع نکردند درحالی‌که خانواده‌اش شک داشتند آن برای درمان درد شکم لازم باشد.

در صبح ۱۰ ژوئیه، بیش از دوازده مأمور به بیمارستان آمدند. وقتی خانواده‌اش از امضای رضایت‌نامه برای بردن او به خانه امتناع کردند، پلیس، همسر، پسر، دختر و نوه شش‌ساله‌اش را دستگیر کرد. آنها روز بعد آزاد شدند.

حوالی ساعت ۶ عصر ۱۲ ژوئیه که خانواده‌اش در بیمارستان حضور نداشت، عوامل بازداشتگاه شهر لینی و اداره پلیس دونگوان در شهر لینی ناگهان به بخشی که خانم لی بستری بود رفتند و لوله اکسیژنش را جدا کردند. خانم لی مدت کوتاهی بعد از آن درگذشت.

۵.۲ بانوی اهل لیائونینگ ۱۳ روز پس از پذیرش در زندان فوت شد

درحالی‌که بسیاری از خانواده‌ها در فوریه ۲۰۱۹ دور هم جمع می‌شدند و سال نو چینی را جشن می‌گرفتند، خانم لی یانچو به خاطر اجتناب از رهاکردن ایمانش به فالون گونگ به پنج سال حبس محکوم شد.

خانم لی در ۱۹ فوریه ۲۰۱۹ که مصادف با جشن فانوس و آخرین روز از فصل تعطیلات سال نو چینی بود، در زندان زنان لیائونینگ پذیرفته شد. او ۱۳ روز بعد در زندان درگذشت.

خانم لی به بخش ۱۲ زندان منتقل شد. این بخش که به «بخش اصلاح» نیز معروف است، به طور خاص برای آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ و تلاش برای مجبور کردن آنها به انکار باورشان راه‌اندازی شده است.

خانم لی در روز ورودش به شدت ضعیف بود. او از ۱۴ دسامبر ۲۰۱۸ که به خاطر توزیع تقویم‌های حاوی اطلاعات درباره فالون گونگ، دستگیر شده بود دست به اعتصاب غذا زده و تحت خوراندن اجباری قرار گرفته بود.

او به اعتصاب غذای خود در زندان ادامه داد، بنابراین نگهبانان او را به بیمارستان زندان بردند و در آنجا تحت خوراندن اجباری قرار گرفت و برای اولین بار از زمان دستگیری‌اش اجازه یافت خانواده‌اش را ببیند. وقتی او را برای دیدار با خانواده‌اش بردند، از واکر چرخدار استفاده می‌کرد.

خانواده‌اش پس از ملاقات با او، برای آزادی‌اش به قید ضمانت پزشکی درخواست داد، اما درخواستش رد شد و دیگر هرگز اجازه نیافت با او ملاقات کند.

به گفته زندانیانی که خانم لی را می‌شناختند، او در روزهای پایانی زندگی‌اش پس از اینکه تحت خوراندن اجباری قرار می‌گرفت، به بخش ۱۲ برگردانده و با وجود وضعیتش در سلول انفرادی حبس می‌شد.

نگهبانان او را عریان و مجبور می‌کردند روی زمین سیمانی سرد بنشیند. دمای هوا بین منفی ۳ تا ۴ درجه بود و هیچ وسیله گرمایشی در سلولش وجود نداشت. پس از اینکه چند روز در این وضعیت بود، خون در ادارش ظاهر شد و دیگر قادر نبود به‌تنهایی و بدون کمک بایستد، اما مسئولان زندان حاضر نشدند هیچ‌گونه خدمات و درمان پزشکی به او ارائه دهند. او چند روز بعد، در ۴ مارس ۲۰۱۹ در ۵۲ سالگی درگذشت.

مرگ ناگهانی خانم لی، خانواده‌اش را نابود کرد. پدر سالخورده‌اش که سابقاً با او زندگی می‌کرد، پس از دستگیری دخترش مجبور شد نزد برادر بزرگ‌تر خانم لی برود و با او زندگی کند. او که حدود ۸۰ سال داشت و مردی معمولاً بسیار اجتماعی بود، بعد از اینکه خانم لی دستگیر شد، در تخت بستری شد و به‌سختی می‌توانست بخوابد. اغلب

دچار خونریزی بینی، ناراحتی قلبی و سرگیجه ناشی از پرفشاری خون نیز می‌شد. خانواده خانم لی از ترس اینکه خبر مرگ او برای پدرش بیش از حد ناگوار و تکان‌دهنده باشد، این مسئله را از او پنهان کرده است.^{۱۰۹}

۳.۵ سقوط و مرگ بانوی اهل هبی در تلاش برای فرار از دستگیری

بانویی از بخش ون آن در استان هبی، فقط چند ماه قبل از عروسی دخترش، سقوط کرد که منجر به مرگش شد. او که ۵۵ ساله بود، درحالی‌که سعی می‌کرد از دست پلیس فرار کند، قصد فرود آمدن از بالکن آپارتمانش در طبقه سوم را داشت.

پلیس خانم یانگ شیائوهوی را به دلیل امتناع از نفی ایمانش به فالون گونگ هدف قرار داد.

هشت مأمور در ساعت ۱۱ صبح ۸ آوریل ۲۰۱۹ به منزل خانم یانگ رفتند. وقتی او اجازه ورود نداد، آنها از ابزارهایی استفاده کردند تا در منزلش را باز کنند.

شوهر و دختر خانم یانگ که در هنگام هجوم مأموران در خانه بودند، وحشت‌زده شدند و نمی‌دانستند باید چه کار کنند.

از آنجاکه نزدیک بود پلیس در را بشکند و وارد خانه شود، خانم یانگ با عجله به سمت بالکن رفت و سعی کرد فرار کند. او سقوط کرد و به زمین افتاد. با بی‌احتیاطی او را به بیمارستان منتقل کردند که حوالی ساعت ۲ صبح در همانجا درگذشت.

پلیس در طول این عملیات نجات اضطراری، خانواده خانم یانگ را به شدت تحت نظر داشت و از آنها فیلمبرداری کرد.

لی ژونگجیه، رئیس بخش امنیت داخلی، هرگونه مسئولیتی را در قبال مرگ خانم یانگ رد کرد و گفت که فقط دستورات مافوقش را دنبال کرده است.

وقتی پلیس به خانواده‌اش اجازه نداد برای مراسم تشییع خانم یانگ برنامه‌ریزی کنند، آنها آزردده خاطر شدند. پلیس ادعا کرد که باید قبل از سوزاندن و دفن او از مقامات بالاتر مجوز بگیرند.

از سال ۱۹۹۹ که رژیم کمونیست دستور آزار و شکنجه فالون گونگ را صادر کرد، خانم یانگ مکرراً به دلیل امتناع از نفی ایمانش هدف قرار گرفت. دستگیری‌های مکرر،

آزار و اذیت و غارت خانه‌اش، طی دو دهه گذشته باعث ترس و وحشت خانواده‌اش شد و وضعیت سلامتی شوهرش را دچار مشکل کرد.

خانم یانگ از نوامبر ۲۰۰۳ تا ژوئن ۲۰۰۴ دو بار به جلسات شستشوی مغزی فرستاده شد. به کمرش لگد و به صورتش سیلی زدند. کارکنان مرکز شستشوی مغزی او را به تخت بستند و تحت خوراندن اجباری قرار دادند که مری‌اش را به شدت دچار جراحت کرد. آنها داروهای نامعلومی را نیز به او تزریق کردند که موجب می‌شد به سختی به خواب برود و متعاقباً به سختی از خواب بیدار شود.

تاریخ آخرین محنت خانم یانگ به ۲ ژانویه ۲۰۱۷ برمی‌گردد که او و هشت تمرین‌کننده دیگر فالون گونگ (دو مرد و شش زن) به بازار کشاورزان در شهرستان دالیو ون رفتند تا تقویم‌های حاوی اطلاعات مربوط به فالون گونگ را توزیع کنند. گزارششان به پلیس داده شد و آنها ۹ روز بعد دستگیر شدند. پلیس خانه این تمرین‌کنندگان را غارت کرد و مطالب مربوط به فالون گونگ را با خود برد.^{۱۶۰}

۴.۵ مرگ جین شونو

خانم جین شونو در حالی که به خاطر گفتگو با مردم درباره فالون گونگ بازداشت شده بود، در تاریخ ۱۶ اکتبر ۲۰۱۸ به وضعیت اغما فرو رفت.

پس از اینکه خانواده‌اش با عجله به بیمارستان رفتند، پلیس آنها را مجبور به امضای برگه سلب مسئولیت از مأموران کرد و آنها را مورد تهدید قرار داد که اگر همکاری نکنند، خانم جین به مجازات سنگین زندان محکوم می‌شود.

شوهر و دختر خانم جین چهار روز در بیمارستان ماندند، اما او هرگز هشیاری‌اش را دوباره به دست نیاورد و در ۱۰ اکتبر حدود ساعت ۴ صبح از دنیا رفت. جسدش در همان روز بدون کالبدشکافی سوزانده شد و گواهی مرگش از سوی بیمارستان صادر شد که در آن علت مرگش را سکنه نوشتند. او در زمان مرگ ۶۶ سال داشت.

خانم جین در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۸، در دفتر کمیته اماکن محلی دستگیر شد. او به آنجا رفت تا مدارک مورد نیاز برای اعاده حقوق بازنشستگی‌اش را درخواست کند، چراکه به خاطر امتناع از انکار باورش به فالون گونگ ۱۳ سال زندانی بود و به همین دلیل حقوق بازنشستگی‌اش را به حالت تعلیق درآورده بودند.

او به کارکنان اداره توضیح داد که زندانی شدن به خاطر ایمانش غیرقانونی بود و حقوق بازنشستگی‌اش نباید به حالت تعلیق درآید. یکی از کارمندان به جای صدور مدارک مورد نیازش با پلیس تماس گرفت. مأموران اداره پلیس شینخوا آمدند و او را به بازداشتگاه نانگو بردند.

بهروشنی معلوم نیست که در طول بازداشت کوتاه‌مدتش چه اتفاقی برایش افتاد که باعث شد به حالت اغما فرو رود و چند روز بعد فوت شود.

درحالی‌که خانم جین بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ زندانی بود، شوهرش، آقای شن شان، همانند او به خاطر همان اعتقاد، دوره زندان ۱۱ساله‌اش را سپری می‌کرد. دخترش، خانم شن چانتنگ، نیز به خاطر تمرین فالون گونگ به سه سال حبس در اردوگاه کار اجباری محکوم شده بود.

این خانواده سرانجام در سال ۲۰۱۵ دوباره به هم ملحق شدند، اما فقط سه سال بعد خانم جین را از دست دادند.^{۱۱۱}

۵.۵ سایر موارد مرگ

خانم پنگ گوانگزن، مادری ۷۰ساله است که خواستار اجرای عدالت در خصوص مرگ پسرش است. پسر او، آقای شو لانگژو، درحالی‌که به دلیل باورش به فالون گونگ زندانی بود، تحت شرایط مشکوکی درگذشت:

زمانی که پسرمان پنج‌ساله بود، شوهرم درگذشت. بزرگ‌کردن دو فرزند به‌تنهایی و بدون پدر کار آسانی نبود. صرفاً به‌خاطر پسرم زنده ماندم و زندگی کردم. او بسیار مهربان بود و خیلی دوستم داشت. یک بار گفت: "مادر، حتی اگر درنهایت گدا شوم از تو مراقبت خواهم کرد." سخت کار می‌کردم تا او را بزرگ کنم. او قوی و سالم بود، اما وقتی فقط ۳۹ سال داشت، درگذشت. آنها (مسئولین زندان ووماپینگ) مسئولیت مرگش را نپذیرفتند...

مورد ۱: آقای شو لانگجو- افسر برجسته پلیس تحت شرایط مشکوک در زندان درگذشت

طی شش ساله که آقای شو لانگجو در زندان گوانگیوان زندانی بود، اجازه نداشت حتی یک بار با خانواده‌اش تماس بگیرد. مادر پیرش هفت بار از شهر پانجیهوا برای ملاقات با او به آنجا سفر کرد اما مأموران اجازه ملاقات ندادند و او را برگرداندند.

در زمستان ۲۰۱۰، آقای شو به زندان ووماپینگ در شهرستان موچوان منتقل شد. او از پوشیدن لباس زندان اجتناب کرد، از این رو مأموران زندان به زندانیان دستور دادند لباس‌هایش را پاره کنند. او فقط اجازه داشت لباس زیر بپوشد. آقای شو در اعتراض به آزار و شکنجه، دست به اعتصاب غذا زد. در نهایت در دسامبر ۲۰۱۱، مسئولان زندان به خانواده‌اش اجازه دادند برای او لباس و ۱۰۰۰ یوان پول نقد بفرستند.

در ۷ مارس ۲۰۱۲ زندان به خانواده آقای شو اطلاع داد اجازه دارند با او ملاقات کنند و ادعا شد او باید به دلیل زخم اثنی‌عشر جراحی شود. روز بعد درحالی‌که آقای شو بی‌هوش بود، خانم پنگ گوانگجن مجبور شد فرم موافقت با عمل جراحی را امضا کند. سه روز پس از جراحی، آقای شو توانست کمی فرنی بخورد. بیمارستان به مادرش اجازه نداد از او مراقبت کند، و او مجبور شد بیرون از بیمارستان در یک هتل اقامت کند. در شب ۱۸ مارس، بیمارستان به خانواده آقای شو اطلاع داد که او درگذشته است.^{۱۶۲}

مورد ۲: خانم چنگ فوهوا، بانویی از استان لیائونینگ، هفت ماه پس از آزادی به قید ضمانت پزشکی فوت می‌شود

خانم چنگ فوهوا پس از دستگیری در اژوئن ۲۰۱۵ به دلیل صحبت با مردم درباره فالون گونگ، در بازداشتگاه محلی مورد آزار و اذیت قرار گرفت. او در اعتراض به این بدرفتاری‌ها، دست به اعتصاب غذا زد اما مسئولان زندان این کار او را با اقداماتی تلافی‌جویانه پاسخ دادند.

بدن خانم چنگ ورم کرد و او چند بار از هوش رفت. توانایی حرکت‌کردنش را نیز از دست داده بود. بازداشتگاه محلی در اواخر ژانویه ۲۰۱۶ به خانواده‌اش اطلاع داد بیایند و او را با خود ببرند. او هرگز از جراحات ناشی از آزار و اذیت بهبود نیافت و در ۶ اوت ۲۰۱۶ در ۶۹ سالگی درگذشت.^{۱۶۳}

مورد ۳: آقای هو گوئوجیان، مردی اهل لیائونینگ، پس از دو سال اغما می‌میرد

آقای هو گوئوجیان از شهر فوشون در استان لیائونینگ، پس از اینکه حدوداً دو سال در وضعیت گُما بود، در ۱۵ مه ۲۰۱۸ درگذشت. آقای هو در ۷ ژوئیه ۲۰۱۵ دستگیر شد، و پنج ماه بعد به چهار سال حبس محکوم شد. او بر اثر ضرب‌وشتم نگهبانان دچار خونریزی شدید مغزی شد و به کما رفت. سپس تحت عمل جراحی قرار گرفت اما هرگز به هوش نیامد.^{۱۶۴}

مورد ۴: خانم لیو فنگمی؛ بانویی که پس از آزار و شکنجه بی‌پایان درگذشت

خانم لیو فنگمی پیش از بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن دستگیر و کمی بعد به ۱۳ سال حبس محکوم شد. با وجود اینکه در معاینه پزشکی پذیرفته نشد، زندان او را پذیرفت.

وضعیت سلامتی خانم لیو پس از تحمل سه سال شکنجه از جمله خوراندن اجباری، کار اجباری سخت، شستشوی مغزی و نشستن روی چارپایه کوچک برای ساعات طولانی، وخیم شد و در ژوئیه ۲۰۱۲ سرطان سینه پیشرفته و تومورهای تخمدانی در او تشخیص داده شد. او در اوت ۲۰۱۲ آزاد شد اما مقامات محلی همچنان به آزار و اذیت او ادامه دادند. خانم لیو پس از دو سال و چهار ماه تحمل درد و رنج، در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴ در ۴۸ سالگی درگذشت.

مورد ۵: آقای گائو بیشی؛ درگذشت مردی سالم دو روز بعد از بستری شدن به خاطر اعتصاب غذا

آقای گائو بیشی، به خاطر اعتصاب غذا به بیمارستان منتقل شد و دو روز بعد، تحت شرایط مشکوکی درگذشت. آقای گائو در اعتراض به دستگیری و بازداشت غیرقانونی خود و همسرش به خاطر باورشان، دست به این اعتصاب غذا زد. او فقط ۱۰ روز بعد از دستگیری، در ۴۵ سالگی درگذشت. معاینه جسمی کامل آقای گائو در بیمارستان نشان داد که او با وجود اعتصاب غذا، در زمان بستری از سلامتی کامل برخوردار بود. او در بیمارستان به طور مداوم تحت تزریق قرار گرفت. به تدریج توانایی صحبت یا حرکت کردن را از دست داد و پس از ۴۳ ساعت بستری بودن در بیمارستان درگذشت. خانواده‌اش متوجه جای زخم دست‌بند روی مچ دستش، تورم شدید در قفسه سینه و فرورفتگی شکمش شدند. پلیس روز بعد کالبدشکافی انجام داد اما حاضر نشد گزارش را به خانواده‌اش نشان دهد.^{۱۶۵}

مورد ۶: خانم فو گوئی چون؛ سقط جنین اجباری، مرگ پس از هشت سال آزار و شکنجه در زندان

خانم فو گوئی چون دو ماه پس از سقط جنین اجباری که به دنبال دستگیری اش در مه ۲۰۰۲ انجام داد، در سپتامبر ۲۰۰۲ به هشت سال زندان محکوم شد. خانم فو در زندان زنان هاربین در سلول انفرادی حبس شد، مأموران زندان او را از مچ دست آویزان کردند، او را در معرض سرمای شدید قرار دادند و به او اجازه خوابیدن نمی دادند تا مجبورش کنند از ایمانش دست بکشد. او به دیابت و بیماری های دیگری مبتلا شد. در سال ۲۰۰۹ که از زندان آزاد شد، دچار شوک روحی شده و از نظر ذهنی و جسمی آسیب دیده بود. خانم فو در امه ۲۰۱۲ در حالی که حدود ۴۰ سال داشت درگذشت.^{۱۶۶}

مورد ۷: آقای لی کنلیان و خانم وانگ فوچین؛ مرگ زن و شوهری با فاصله پنج سال، پس از بازداشت سه دخترشان به خاطر امتناع از انکار فالون گونگ

سه دختر خانم وانگ فوچین در سال ۲۰۰۴ یکی پس از دیگری به دلیل امتناع از نفی باورشان به فالون گونگ دستگیر شدند. کوچک ترین دختر به چهار سال حبس محکوم شد. خانم وانگ هفت بار تلاش کرد با کوچک ترین دخترش ملاقات کند، اما هر بار درخواستش رد شد. خانم وانگ آنقدر از دستگیری دخترانش اندوهگین بود که سخته کرد و در ۶۹ سالگی فوت شد.

شوهرش، آقای لی کنلیان، پس از مرگ همسرش دچار اختلال روانی شد. هر روز پس از تاریک شدن هوا چاقو یا تکه چوبی برمی داشت تا «افراد بد تخیلی» را فراری دهد. او تصور می کرد آنها برای بردن عزیزانش می آیند. آقای لی پنج سال بعد در ۷۱ سالگی درگذشت.^{۱۶۷}

مورد ۸: آقای رن دونگ شنگ؛ مرگ مرد میانسال هفت سال پس از دیوانه شدن در حین بازداشت

آقای رن دونگ‌شنگ در ۸ مارس ۲۰۰۶ دستگیر و به پنج سال حبس محکوم شد. او در زندان گانگی در شهر تیانجین متحمل شکنجه غیرقابل‌تصوری شد، مانند اینکه انگشتانش را با فندکی سوزاندند، به صورتش سیلی زدند و آنقدر روی انگشتان پایش کوبیدند تا ناخن‌هایش جدا شدند. او مجبور بود غذاهایی را که از روی قصد روی زمین ریخته بودند، بردارد و بخورد. به او دست‌بند و پابند زده بودند، درحالی که قادر به برداشتن غذایی نبود که عمده‌اً دور از دسترسش قرار داده بودند. وقتی دوره ۵ ساله حبسش به اتمام رسید، او را مستقیماً به یک مرکز شستشوی مغزی فرستادند و در آنجا فرییش دادند تا پودر سفید نامعلومی را بخورد. او یک هفته بعد آزاد شد و خانواده‌اش متوجه شدند که او دیگر آن شخص سابق نیست. وقتی مادر حدوداً ۸۰ ساله‌اش پس از پنج سال طولانی شاهد آن چیزی بود که برای پرسش اتفاق افتاده بود، آنقدر برایش ضربه روحی بزرگی بود که دچار فروپاشی روانی شد.

همسر آقای رن، خانم ژانگ لیچین، نیز فالون گونگ را تمرین می‌کند. او یک ماه پس از دستگیری شوهرش از کارش اخراج شد. او نیز در ۱۲ فوریه ۲۰۰۹ دستگیر و به ۷ سال حبس محکوم شد. وقتی در ۱۱ فوریه ۲۰۱۶ آزاد شد، آنچه در خانه با آنها روبرو شد، شوهر روانپزشکش بود و میلمان و پنجره‌های شکسته.

آقای رن پس از بازگشت به خانه، اغلب اوقات در حالت روانپزشکی قرار داشت. موهایش را کوتاه نمی‌کرد و هر چیزی را که می‌دید، می‌کوبید. در روزهای بارانی فریادکشان می‌دوید. گاهی نیمه‌شب از خانه بیرون می‌رفت و چند روز بعد، توهمزده درحالی که سراسر بدنش کثیف بود، برمی‌گشت.

هرگاه کسی نام پلیس را می‌برد، آقای رن زیر لب زمزمه می‌کرد که باید فرار کند وگرنه پلیس او را خواهد گرفت. او به سرعت بیرون می‌رفت و بعداً کنار جاده می‌خوابید.

گاهی در نیمه‌شب ناگهان از خواب بیدار می‌شد و فریاد می‌زد: «از شما نمی‌ترسم.» اغلب با مادرش بدرفتاری می‌کرد و پسرش را کتک می‌زد. یک بار در شب سال نوی چینی مادرش را از خانه بیرون کرد و این زن سالخورده مجبور شد تنها در خیابان بایستد. یک بار دیگر پسرش را کتک زد و پسرش به سمت مادر بزرگش رفت، او را در آغوش گرفت و گریه کرد.

خانم ژانگ لیچین، همسر آقای رن، پس از شکایت از نگهبانانی که آقای رن را شکنجه کردند، بارها مورد آزار و اذیت قرار گرفت و مقامات بازداشتش کردند. او مجبور شد برای

مدتی دور از خانه زندگی کند تا از دستگیر شدن جلوگیری کند. او گاهی برای صرفه‌جویی در هزینه‌هایش، از خوردن غذا اجتناب می‌کرد تا پولی پس‌انداز کند و بتواند در جستجوی اجرای عدالت برای شوهرش، به مکان‌های مختلفی برود.

خانم ژانگ در ۴ سپتامبر ۲۰۱۸ تحقیقات از سوی دادگاه عالی شهر تیآن‌جین را پذیرفت و چگونگی شکنجه شوهرش در زندان را برای دادگاه به تفصیل شرح داد. او در حالی که منتظر تصمیم دادگاه عالی بود، هشت روز بعد شوهرش را از دست داد و به شدت ناراحت و دلشکسته شد.^{۱۶۸}

مورد ۹: آقای شو داوی؛ سرآشپز خوشرو و دوست‌داشتنی پس از هشت سال زندان درگذشت

آقای شو داوی در ژانویه ۲۰۰۱ دستگیر و بعداً به هشت سال زندان محکوم شد. او که پیش از آن مرد جوان سالمی بود، پس از آزادی در فوریه ۲۰۰۹ تبدیل به پوست و استخوان شده بود. بدنش پر از جراحات و کبودی ناشی از شکنجه با شوک الکتریکی و کتک خوردن بود. حالت طبیعی چهره‌اش را از دست داده بود، چشم‌هایش به آهستگی حرکت می‌کرد و قادر به تشخیص خانواده‌اش نبود. او فقط ۱۳ روز پس از آزادی‌اش در ۳۶ سالگی درگذشت. پس از مرگ آقای شو، همسرش به منظور عدالت‌خواهی برای او بی‌وقفه تلاش کرد. خانم چی لیهوا، همسر آقای شو، در نامه‌ای سرگشاده به مقامات نوشت:^{۱۶۹}

«نمی‌خواهم به یاد بیاورم آن هشت سال را چطور در اضطراب و ناراحتی، به انتظار کشیدن گذراندم. کسی که چنین تجربه‌ای نداشته باشد قادر به درک این شرایط نیست. از دختر کوچکمان و والدین پیرم مراقبت می‌کردم. سختی‌ها، تهدیدستی، نگرانی‌ها و اضطراب، فراتر از آن بود که بتوان توصیفش کرد. نمی‌دانم چند بار به گریه افتادم. دیگر اشکی برایم نمانده بود. فقط خون از قلبم می‌چکید.

فکر می‌کردم بالاخره پس از هشت سال، انتظار به پایان آمده، اما سپس ضربه‌ای کشنده و مهلک به من وارد شد. مادرم پس از شنیدن ماجرا، تاب نیاورد و از هوش

رفت. هیچ‌یک از والدینم دیگر زنده نیستند. آنها را از دست داده‌ام و درآمد یا منزلی برای زندگی ندارم.

والدین داوی از من خواستند با آنها زندگی کنم اما تمایلی به این کار نداشتم. قادر نیستم با این واقعیت روبرو شوم.

مشکلم این نیست که والدین داوی در دهکده‌ای کوچک در کوهستان زندگی می‌کنند. و مشکل این نیست که با آنها سر سازش ندارم. والدین داوی با من مثل عروس خانواده رفتار نکرده‌اند؛ آنها با من مثل دختر خودشان رفتار کرده‌اند. و من هم آنها را مانند پدر و مادر خودم می‌دانم. اما فقط به این دلیل نمی‌خواهم با آنها زندگی کنم که نمی‌خواهم با حضور من، به یاد پسرشان بیفتند. حتی بیشتر از این می‌ترسم که وقتی مادربزرگ نودونه‌ساله داوی از من بپرسد چرا داوی هنوز به خانه برنگشته، چه جوابی باید به او بدهم.»



فصل ۶: آسیب‌های جسمانی و ضربات روحی

آزار و شکنجه فالون گونگ تراژدی‌های بی‌شماری را برای تمرین‌کنندگان و خانواده‌های آنان به همراه داشته است. حتی در حق کودکان، سالمندان و معلولان هم هیچ رحمی نمی‌شود و آنها هم مستثنی نیستند.

خانم وانگ بو، نابغه موسیقی، زمانی که فقط نوزده سال داشت به جرم اعتراض به آزار و شکنجه به ۳ سال حبس در اردوگاه کار اجباری محکوم شد. او پس از آزادی در سال ۲۰۰۵، مجدداً در سال ۲۰۰۶ بازداشت و به پنج سال حبس دیگر محکوم شد.^{۱۷۰}

خانم ژانگ چون‌یو، تاجر سابق، که هم‌اکنون در زندان زنان استان هلیونگ‌جیانگ دوره حبس چهارسال‌وشش‌ماهه خود را سپری می‌کند، همواره مورد آزار و سوءاستفاده قرار می‌گیرد. او در پی حمله یکی از نگهبانان مرد در دوران حبس پیشینش در اردوگاه کار اجباری، بینایی چشم چپش را کاملاً از دست داده است.^{۱۷۱}

خانم تان میلی که در کودکی بر اثر بیماری فلج اطفال توانایی حرکت پاهایش را از دست داده است، به دفعات زیاد بازداشت و مجموعاً به هفت سال و شش ماه زندان محکوم شده است. او هم‌اکنون چهار سال و شش ماه است که در زندان به سر می‌برد.^{۱۷۲}

آقای لیو دیان‌یوان زمانی که ۷۹ سال داشت به ۱۱ سال و ۶ ماه زندان محکوم شد. او قبلاً نیز هفت سال در زندان حبس بوده است.^{۱۷۳}

خانواده‌ای شش‌نفره در شهر تونگلیائو واقع در مغولستان داخلی، فقط به دلیل ثابت‌قدم‌بودن در اعتقادشان به فالون گونگ بارها دستگیر شده و مجموعاً ۴۱ سال را در زندان به سر برده‌اند. پدر این خانواده، آقای تیان فوجین، دو بار به زندان محکوم شد و نزدیک به ۹ سال از عمر خود را در زندان بود و در نهایت بر اثر شکنجه جان خود را از دست داد. مادر این خانواده، خانم لو شیورونگ، ده سال در زندان به سر برد. به‌تازگی در سال ۲۰۱۵ دختر وسطی این خانواده، خانم تیان شین، به سه سال حبس محکوم شد. شوهرش از او طلاق گرفت و از زمان آخرین دستگیری‌اش، خویشاوندانش به پسر نوجوان او کمک کرده‌اند.^{۱۷۴}

اما با این حال، زجر جسمانی ناشی از شکنجه‌های وحشیانه و حبس‌های طولانی‌مدت، در برابر فشار روانی آزار و شکنجه‌ای که بر تمرین‌کنندگان و خانواده‌هایشان تحمیل می‌شود اصلاً قابل‌قیاس نیست.

هیچ‌چیزی نمی‌تواند رنج شو شین‌یانگ را در هفت‌سالگی‌اش، وقتی برای اولین بار پدر زندانی‌اش را دید، التیام بخشد. پدرش، آقای شو داوی، ۱۳ روز پس از آزادی، با جسمی مملو از جراحات، جان باخت.^{۱۷۰}

زبان از وصف آنچه بر سر خانم جیانگ زی‌شیانگ ۸۸ ساله آورده‌اند قاصر است. شوهر خانم جیانگ بر اثر شدت رنج و اندوه ناشی از آزار و شکنجه در اوایل دهه ۲۰۰۰ جان خود را از دست داد. سپس پسر چهل‌وپنج‌ساله او، گائو‌یی‌شی، ده روز پس از دستگیری بر اثر شکنجه جان باخت. دختر خانم جیانگ در زمان فوت آقای گائو، به‌خاطر عقایدش همچنان در زندان به سر می‌برد. این موضوع وضعیت سلامتی این خانم سالمند را دچار چنان وخامتی کرد که او نیز ۲۰ ماه بعد از این واقعه درگذشت.^{۱۷۱}

خانم ژائو یوهوا که فقط حدود ۳۰ سال داشت پس از اینکه دختر نوجوانش بر اثر سکت قلبی درگذشت، همه دندان‌هایش را از دست داد. علت سکت دخترش اضطراب و ترسی بود که به‌خاطر والدینش متحمل شده بود چراکه والدینش مجبور شده بودند برای فرار از آزار و شکنجه، خانه و کاشانه خود را ترک کنند. پلیس فوت این دختر نوجوان را فرصتی طلایی برای دستگیری خانم ژائو دانست و ۲۴ ساعته منزل او را تحت نظر گرفت.^{۱۷۲}

آقای ما ژانگو در اکتبر ۲۰۱۶ دستگیر شد ولی به پدرش اجازه ملاقات با او را ندادند، در نتیجه پدر اندوهگینش به فشار خون مبتلا شد و سکت کرد. آقای ما تنها نان‌آور خانواده بود و بازداشت او مصیبتی غیرقابل‌وصف برای خانواده‌اش بود. ما دنگکه، پدر بیمار و پیر او برای کمک به خانواده گاهی بطری آب، قوطی مشروب و کاغذ جمع می‌کرد تا با فروش آنها به کارخانه‌های بازیافتی درآمد اندکی کسب کند. در نهایت، پیکر بی‌جان او را در کوهی از زباله پیدا کردند.^{۱۷۳}

زمانی که خانم وانگ یانچین و دخترش بی‌جیان‌هونگ را به‌خاطر عقایدشان زندانی کرده بودند، خانم وانگ را مجبور کردند شکنجه دخترش را با چشمان خود ببیند و فریادهایش را بارها و بارها بشنود. این جریان مادرش را تقریباً دچار فروپاشی روانی کرد.^{۱۷۴}

وقتی پلیس خانم لیانگ یوژن را جلوی چشمانش مادر بزرگ ۹۸ ساله‌اش با خود می‌برد، داستان این پیرزن را پاره کرد. لیانگ یوژن تنها کسی بود که از مادر بزرگش مراقبت می‌کرد. پس از آنکه مادر بزرگش باخبر شد دو وکیل نوه‌اش از حق ملاقات با او محروم شده‌اند عصبانی شد. او با کمک سایرین با پای پیاده به بازداشتگاه هشان رفت. اما نگهبانان آنجا از حرف زدن با او اجتناب کردند و از هر نوع کمکی به او امتناع ورزیدند.^{۱۸۰}

پس از آنکه آقای جین فوژانگ به خاطر تمرین فالون گونگ به پنج سال حبس محکوم شد، مادر ۸۴ ساله‌اش در گذران زندگی با سختی‌های بی‌شماری دست و پنجه نرم می‌کرد. او مجبور شد خریدهای خانه را به تنهایی انجام دهد، خودش برای تعمیر لوله ترکیده خانه‌اش لوله‌کش پیدا کند و شیشه کابینت آشپزخانه‌اش را به تنهایی تعویض کند.^{۱۸۱}

پدر، مادر، دو برابر و خواهر کوچک خانم چن شولان بر اثر آزار و شکنجه زندگی خود را از دست دادند. خانم چن که آخرین بازمانده این خانواده است، دو بار و در مجموع به یازده سال و شش ماه حبس محکوم شده است. خانم چن بر اثر سال‌ها شکنجه دچار کمردرد شدیدی شده و دخترش از او نگهداری می‌کند.^{۱۸۲}

خانم فنگ شیائومی، خواهرش خانم فنگ شائومین و والدینشان، زمانی زندگی شادی داشتند. اما پدر، شوهر و خواهر شیائومی بر اثر آزار و شکنجه چشم از جهان گشودند. شوهرخواهر او پس از هشت سال فرار از آزار و شکنجه، در نهایت به زندان انداخته شد. اکنون شیائومی و مادر سالخورده‌اش تنها بازماندگانی هستند که از پسرش، وانگ بورو که پدرش را در ۱۳ سالگی از دست داد و خواهرزاده‌اش، وانگ تیان‌شینگ که هنگام فوت مادرش کمتر از دو سال داشت، نگهداری می‌کنند. پس از دستگیری مجدد شیائومی در سال ۲۰۰۹، تمام موهای مادرش یک‌شبه ریخت. بورو مجبور شد ترک تحصیل کند و برای کمک به مخارج خانواده به کارهای یدی روی بی‌آورد. نزدیک بود تیان‌شینگ به یتیم‌خانه فرستاده شود.^{۱۸۳}

۱.۶ نتایج شکنجه‌ها و آزارهای جسمانی

بسیاری از تمرین‌کنندگان بر اثر شکنجه در بازداشت، آسیب‌های شدیدی می‌بینند یا ناتوان، فلج یا دیوانه می‌شوند. چند نمونه از این موارد در ادامه ارائه شده است.

مورد ۱: اقتصاددان سابق بر اثر شکستگی پا دچار معلولیت شد

اقتصاددان سابق، خانم گونگ شینگ‌کان، زمانی که سعی داشت از شکنجه در اردوگاه کار اجباری فرار کند، از پله‌ها سقوط کرد. بر اثر این سقوط پای راستش شکست و استخوانش از بدنش بیرون زد. زمانی که او را به بیمارستان بردند، پزشک بیمارستان بدون اینکه ابتدا استخوانش را جا بیندازد پایش را گچ گرفت. این کار در نهایت باعث شد پای راست او دچار انحراف شده و دو و نیم سانتی‌متر از پای چپش کوتاه‌تر شود.^{۱۸۴}

مورد ۲: مرد سی‌ساله‌ای که بر اثر خوراندن اجباری، اکثر دندان‌هایش را از دست داد

نگهبانان بازداشتگاه از انبر دم‌باریک و فورسپس زایمانی به منظور گشودن دهان آقای تانگ موتینگ استفاده کردند تا او را تحت خوراندن اجباری قرار دهند و به همین دلیل اکثر دندان‌هایش افتاد. او از ۳۰ سالگی مجبور بوده از دندان مصنوعی استفاده کند. علاوه بر این، نگهبانان کمرش را لگدمال کردند و به علت معالجه‌نشدن به موقع، بخش تحتانی ستون فقراتش دچار انحراف شده است.^{۱۸۵}

مورد ۳: دستان خانمی بر اثر شکنجه در اردوگاه کار اجباری وانجیا معلول شد

در سال ۲۰۰۰ که خانم فو لی ۴۱ساله بود دستانش بر اثر شکنجه در اردوگاه کار اجباری وانجیا واقع در استان هلیونگ‌جیانگ دچار معلولیت و بدنش مملو از جراحات شد.

در این اردوگاه، پلیس انگشتان شست خانم فو را با طناب به یکدیگر بست و او را از طناب آویزان کرد تا تمام وزن بدنش به انگشتان شستش وارد شود. دستان او بر اثر آویزان‌بودن طولانی به این شکل، به کلی از کار افتاد.^{۱۸۶}

مورد ۴: درخواست غرامت تمرین‌کننده معلول رد شد

آقای فان ژونگ‌ژوانگ، اهل استان ژجیانگ، سابقاً پنج روز پیاپی مورد بازجویی قرار گرفت و در این مدت از خواب محروم شد. علاوه بر این، پلیس به پاها و دستانش دست‌بند و پابند زد و او را شکنجه کرد. پلیس در ۲۷ اوت ۲۰۰۵ آقای فان را با چنان شدنی مورد ضرب‌وشتم قرار داد که مهره‌های گردنش دچار شکستگی و او برای همیشه فلج شد.^{۱۸۷}

آقای فان درخواستی غرامتی به ارزش ۱/۳۷ میلیون یوان برای پرداخت هزینه درمان و حقوق ازدست‌رفته خود به پلیس ارائه کرد. اما یانگ چانگ‌چون، معاون رئیس پلیس، در پاسخ گفت: «این درخواست بی‌شرمانه است. اگر غرامت می‌خواهی، با ۱۰هزار یوان موافقت می‌کنیم، اما اول باید بهره ۲۰ سال آن را پردازی.»

مورد ۵: خانمی که در زمان بازداشت نابینا شد

خانم وو یانگ‌ژن ۷۳ساله بازنشسته مؤسسه سنجش استان گوانگ‌دونگ است. او پس از فقط ۱۹ روز بازداشت در مرکز شستشوی مغزی محل سکونتش، بینایی چشم راستش را به کلی از دست داد. کارکنان این مرکز ابتدا خانم وو را مجبور کردند برای چند

ساعت سر پا بایستد و سپس پاهایش را ۴ ساعت به حالت ضربدری بستند. گاهی پاهایش را باز می‌کردند و مجدداً آنها را با همان حالت قبلی می‌بستند. درد این شکنجه طاقت‌فرسا بود و درنهایت، بینایی‌اش به‌علت کاهش گردش خون تیره‌وتار شد.

دو هفته بعد که او را به بیمارستان بردند، چشم راستش کاملاً نابینا شده بود و بینایی چشم چپش هم آسیبی جدی دیده بود.^{۱۸۸}

مورد ۶: خانمی که از شدت ضرب‌وشتم پلیس از هوش رفت، همچنان در بیمارستان بستری است

پس از اینکه پلیس خانم شی یون‌لان را در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۴ تا سرحد بی‌هوش شدن کتک زد، او مجبور شد عمل کرانیوتومی (جمجمه‌بری) انجام دهد. او هم‌اکنون دچار لکنت زبان شده و از کمر به پایین فلج است. فرمانداری منطقه محل زندگی‌اش از پرداخت کامل هزینه درمان او امتناع ورزیده است. عمل جراحی ترمیم جمجمه او به‌علت ناتوانی مالی، برای مدتی نامعلوم به تعویق افتاده است.^{۱۸۹}

مورد ۷: مرد اهل هلیونگ‌جیانگ بعد از ۵ سال زندان و شکنجه، هنگام آزادی توانایی راه‌رفتن یا صحبت کردن نداشت

آقای ژانگ جینکو در ۲۹ مارس ۲۰۱۳ دستگیر شد زیرا بنرهای آویزانی که رویشان نوشته شده بود «فالون دافا خوب است» در شهر محل زندگی‌اش پیدا شد.

در ۱۱ اکتبر ۲۰۱۳ که آقای ژانگ را به زندان هولان منتقل کردند، او به‌علت شکنجه مأموران و سایر زندانی‌ها توانایی راه‌رفتنش را از دست داده بود.

آقای ژانگ در پایان دوره محکومیتش در ۲ ژوئن ۲۰۱۸، با بدنی نحیف و چهره‌ای غیرقابل تشخیص آزاد و باخبر شد که همسرش، خانم لی یالی، بر اثر اندوه و درد ناشی از این سختی‌ها، از دنیا رفته است در حالی که فقط ۴۷ سال داشت.

وقتی مادر آقای ژانگ از او پرسید چرا آنقدر نحیف و لاغر شده است، او به سختی با دست چپش (دست راست او بر اثر شکنجه در زندان شکسته بود) که تسلطی در نوشتن نداشت نوشت: «پنج سال گهگاهی اعتصاب غذا می‌کردم. آنها در غذایم دارو می‌ریختند.» دختر او منزوی و گوشه‌گیر شده بود و حاضر نبود پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری‌اش را که با والدینش در یک خانه زندگی می‌کردند، ببیند. حتی هنگام آزادی پدرش، این دختر جوان برای خوشامدگویی به او حاضر نشد.^{۱۹۰}

مورد ۸: خانمی که پلیس به او ادرار و مدفوع خوراند، به جنون مبتلا شد

خانم ژانگ جوشیان را در حالی که بدنش با ملافه‌ای سفید پوشانده شده بود، از بیمارستان زندان زنان لیائونینگ خارج کردند. بسیاری فکر می‌کردند او مرده است. در حقیقت او هنگام بازگشت به منزل در قید حیات بود اما به بیماری روانی مبتلا شده بود. خانم ژانگ سابقاً سه بار دستگیر شده بود، دو بار در مجموع ۵ سال به اردوگاه کار اجباری فرستاده شده بود و به سه سال حبس محکوم شده بود. یکبار که او برای اعتراض به آزار و شکنجه دست به اعتصاب غذا زده بود، به او ادرار و مدفوع خوراندند.

۱۹۱

۲.۶ درد و رنج خانواده‌ها از زبان خودشان

مورد ۱: نامه دادخواهی مادر آقای موژیکوئی برای آزادی پسرش که در پی شکنجه در زندان، در وضعیت وخیمی به سر می‌برد^{۱۹۲}

من مادر موژیکوئی هستم و ۸۹ سال دارم. بیش از یک سال است که پسر را برده‌اند. بابت امنیتش به‌شدت نگرانم. مدام این سؤال را از خودم می‌پرسم: «پسر مرتکب هیچ خلافی نشده، پس چرا پلیس او را به‌خاطر تمرین فالون گونگ و تلاش برای انسانی خوب بودن دستگیر کرده است؟» او به ۱۲ سال زندان محکوم شده و در زندان هولان با او بدرفتاری می‌شود.

تا قبل از دستگیری پسر، خانواده‌مان که شامل چهار نسل است همیشه شاد و خوشحال بودند، اما از زمان دستگیری پسر یک روز خوش به چشم ندیده‌اند. پلیس خانه‌مان را غارت کرد و مدام می‌پرسید: «صاحب این خانه چه کسی است؟ سندش به نام کیست؟» اعضای کمیته اماکن مدام با عروسم تماس می‌گیرند و او را تهدید می‌کنند. علاوه بر این، آنها به مهدکودک نوه‌ام رفته‌اند و از او درباره محل زندگی‌اش بازجویی کرده‌اند. هر زمان کسی زنگ خانه‌ام را می‌زند، قلبم به تپش می‌افتد و ترس لرزه بر اندامم می‌اندازد.

پسر من تاکنون هشت بار دستگیر شده و در معرض آزار و اذیت بسیاری قرار گرفته است. شما او را به‌طرز وحشیانه‌ای کتک زده‌اید و به او ناسزا گفته‌اید. حال، او به سل مبتلا شده و سرفه‌های خون‌آلود می‌کند و هر دو پایش تا کشاله ران بی‌حس است. این نتیجه مستقیم بدرفتاری با او در زندان است. عروسم، دامادم و نوه‌هایم پنج بار برای ملاقات با او سفر کرده‌اند و هر بار، درخواستشان رد شده است. یکی از نوه‌هایم دارای معلولیت مادرزادی است و نتیجه‌ام به بیماری پوستی مبتلاست. درمان آنها بسیار پرهزینه است. خانواده‌ام بدون حمایت پسر من در تأمین مخارج زندگی با مشکل مواجه است. هر روز چشم انتظار بازگشت پسر هستم.»

مورد ۲: شرح حال خانم لی سونگ‌رونک، دختر آقای لی کُن و خانم لیانگ گوئی فن که به دلیل عقایدشان، مکرراً بازداشت و زندانی شده‌اند

۱۹۳

هر بار که به ملاقات پدرم در زندان می‌رفتم بسیار مضطرب بودم. نمی‌دانستم که آیا می‌توانم او را ببینم یا نه. نمی‌دانستم در چه وضعیتی به سر می‌برد و شکنجه‌اش می‌کنند یا نه. به خودم یادآوری می‌کردم وقتی او را می‌بینم نباید گریه کرده و نگرانش کنم. هر بار فقط ۲۰ دقیقه اجازه داشتیم همدیگر را ببینیم اما این زمان برایمان خیلی ارزشمند بود. خویشاوندانم همیشه به من می‌گفتند: «نگران نباش. پدرت به زودی برمی‌گردد.» وقتی می‌شنیدم سایر بچه‌ها از لحظات خوش کنار پدرشان تعریف می‌کنند، فقط در گوشه‌ای می‌نشستم و گوش می‌کردم. مدام به خودم می‌گفتم: «پدر به زودی برمی‌گردد.» از ۹ سالگی تا ۲۳ سالگی مدام این حرف را برای خودم تکرار می‌کردم. وقتی ۱۰ ساله بود، جرئت نداشتم شب‌ها بخوابم. هر لحظه می‌ترسیدم مبادا کسی بیاید و خانه‌مان را غارت کند. زمستان آن سال، بسیار سرد بود. مادرم کاپشن زمستانی پدرم را درآورده بود و تن من می‌کرد. برایم داستان می‌گفت تا خوابم ببرد. اما همچنان نیمه‌های شب از خواب می‌پریدم.

یک بار شخصی از بیرون خانه‌مان اسم مادرم را فریاد زد و به او گفت در را باز کند. مادرم جوابش را نداد و سعی داشت مرا آرام کند. بعد از مدتی بیرون ساکت شد. فکر کردیم رفته‌اند. اما بلافاصله عده‌ای شروع به کوبیدن در خانه‌مان کردند. هر بار که به در می‌کوبیدند، گویا به قلب من هم ضربه می‌زدند. درست همان لحظه‌ای که فکرمی‌کردیم در را شکسته‌اند و قلب من هم نزدیک بود از حرکت بایستد، مادرم به طبقه پایین رفت. به‌حدی ترسیده بودم که دنبالش نرفتم.

مأموران بعد از گفتگویی کوتاه، او را با خود بردند. گریه کرده و به او التماس می‌کردم که نرود. مادرم می‌گفت: «چیزی نیست. برو بخواب. خیلی زود برمی‌گردم.» هیچ وقت

فکرش را نمی‌کردم «خیلی زود» می‌تواند اینقدر طولانی باشد. وقتی مادرم برگشت، تقریباً تابستان سال بعد شده بود. در تمام این سال‌ها، خیلی اوقات از شدت درد و رنج تا مرز تسلیم و ناامیدی پیش می‌رفتم، اما مادرم هرگز تسلیم نشد. او خیلی سخت کار می‌کرد و در مخارج صرفه‌جویی می‌کرد تا از من حمایت کند و بتوانم به دانشگاه بروم. هر وقت از دل‌نگرانی‌هایم برایش می‌گفتم، همیشه می‌گفت «هرگز انگشتت را به سمت سایرین نشانه نگیر. اول به خودت نگاهی بینداز و ببین کجای کار کوتاهی کردی.»

بعد از فارغ‌التحصیلی برای کار و زندگی به تنهایی به شهر دیگری رفتم و آن موقع بود که فهمیدم مادرم در تمام این سال‌ها چه زحماتی برایم کشیده است. او مادری بی‌نظیر است. عشق او به من همچون کوهستان و اقیانوس است؛ سخت همچون سنگ اما با لطافتی همچون آب.

هم‌زمان با نزدیک‌تر شدن به روز آزادی پدرم، مادرم که تقریباً ۶۰ سال داشت، مجدداً بازداشت و محکوم شد. فقط می‌خواهم با خانواده‌ام زندگی کنم. چرا یک خوشحالی به این کوچکی باید تا این حد دشوار باشد؟

از وقتی مادرم را دستگیر کرده‌اند، مدام نگرانش هستم و نه می‌توانم بخوابم و نه می‌توانم لب به غذا بزنم. وقتی مشغول نوشتن این نامه بودم، تمام خاطرات دردها و عذاب‌هایی که تحمل کرده بودیم، همان خاطراتی که بسیار تلاش کرده بودم فراموششان کنم، مثل روز روشن به خاطر برگشتند و بغضم ترکیبید. بالاخره معنی گریه‌کردن از ته دل را با تمام وجودم درک کردم. در آخر، خون بالا آوردم. در تمام بدنم احساس ضعف شدیدی داشتم و نمی‌توانستم جلوی گریه‌هایم را بگیرم.

مورد ۳: شاعر، خانم فو بینگ، شرح مصیبت خانواده‌اش ناشی از
سال‌ها آزار و شکنجه را بازگو می‌کند^{۱۹۴}

فکر می‌کردم بعد از سپری کردن ۳۰۰۰ شبانه‌روز در زندان و تحمل رنج فراوان، با نزدیک شدن به روز آزادی‌ام، بالاخره بهارم فرامی‌رسد و رنجم پایان خواهد یافت. اما واقعیت با آنچه در سر داشتم زمین تا آسمان فرق داشت.

بالاخره روز ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۰ زندان را ترک کردم. درحالی‌که تازه اوایل چهل‌سالگی‌ام بود، موهایم خیلی وقت پیش به رنگ سفید درآمده بود. از اینکه دوباره می‌توانستم خورشید را ببینم خوشحال بودم. در زندان هر روز پیش از طلوع خورشید باید کار را شروع می‌کردم و شب تا دیروقت حق بازگشت نداشتم. از آخرین باری که خورشید را دیده بودم خیلی گذشته بود.

وقتی به خانه برگشتم، خواهرانم مصیبت‌های بسیاری را که طی ۱۰ سال گذشته بر خانواده‌مان وارد آمده بود برایم تعریف کردند. پدرم، فو چنگ‌یونگ، و شوهر خواهر سومم در سال ۲۰۰۸ بر اثر رنج آزار و شکنجه جان باخته بودند. عمویم هم درگذشته بود. خواهر بزرگم، فو ون، سه ماه پیش از آزادی‌ام به خونریزی مغزی مبتلا شده بود. عمل جراحی کرده و از آن موقع تاکنون زمین‌گیر شده بود.

در حقیقت در سال ۲۰۰۸ که پدرم برای آخرین بار به ملاقاتم آمد، گفت: «دیگر نمی‌توانم منتظرت بمانم.» آن موقع منظورش را نفهمیدم. بعداً باخبر شدم پدرم بعد از آن ملاقات عمل جراحی کرده و چند ماه بعد فوت شده بود.

۱۰ ماه بعد از این واقعه مادرم، تانگ شوپینگ، هم ما را تنها گذاشت. هرگز فرصت نداشتم به وظیفه‌ام به‌عنوان دختر خانواده عمل کنم. بعد از فوت پدر و مادرم، مقامات خانه‌شان را به‌زور تخریب کردند.

درحالی‌که خواهرم فو یان به‌خاطر تمرین فالون گونگ هنوز دوره محکومیت ۱۳ ساله‌اش را در زندان سپری می‌کند، مسئولیت مراقبت از دخترش بر عهده من بود. وقتی در زندان بودم، مادرم از این دختر کوچک، چینگ‌چوان، مراقبت می‌کرد چراکه خواهرم در سال ۲۰۰۱ دستگیر شده بود.

یان سابقاً خانواده خوشبختی داشت. اما پس از حکم سنگینی که به او دادند، شوهرش نتوانست زیر بار آن فشار دوام بیاورد و از او جدا شد. حتی حاضر نشد از دخترش نگهداری کند و از پرداخت کمک مالی به خانواده ما برای مراقبت از دخترش امتناع ورزید.

این دختر کوچک بی‌پناه از عشق مادر محروم شد و از سه‌سالگی با مادر بزرگش زندگی کرد. به خودم گفتم، هرچقدر هم سخت باشد باید از او نگهداری کنم. اینکه چگونه توانسته در این همه سال، این همه مصیبت را تحمل کند در مخیله‌ام نمی‌گنجد.

در سال ۲۰۱۲ برای اینکه از آموزش بهتری برخوردار باشد به شهر شن‌یانگ نقل‌مکان کردیم. یک شغل پرستاری کودک پیدا کردم. زندگی سخت، اما ساده و آرام بود. متأسفانه این آرامش دوام چندانی نداشت و پلیس دوباره خانه‌مان را غارت و مرا ۳۰ روز بازداشت کرد و مدرسه چینگ‌چوان را که تمرین‌کنندگان فالون گونگ اداره‌اش می‌کردند تعطیل کرد. و این‌گونه، یک بار دیگر بی‌خانمان شدیم.

اندکی بعد از این ماجرا با شوهرم، او‌یانگ هونگ‌بو، آشنا شدم. در ۱۶ مه ۲۰۱۴ با یکدیگر ازدواج کردیم. بالاخره در ۴۶ سالگی مجدداً تشکیل خانواده دادم.

این بار فقط چهل روز بعد از عروسی‌مان، شوهرم را دستگیر و به ۶ سال زندان محکوم کردند و من و پدر هشتادساله‌اش در خانه تنها ماندیم. همه چیز آنقدر غیرواقعی بود که مثل یک خواب جلوه می‌کرد.

آزار و شکنجه فالون گونگ، خانواده‌های بی‌شماری را همچون ما به مصیبت و جدایی‌های اجباری دچار کرده است. این آزار و شکنجه باید پایان یابد. بی‌صبرانه چشم‌انتظار روزی هستیم که عاملان این جنایات به دست عدالت سپرده شوند.



فصل ۷: برداشت اجباری اعضای بدن: جنایتی بی سابقه

کشتن تمرین‌کنندگان فالون گونگ برای تأمین اعضای بدن در جراحی‌های پیوند عضو، اولین بار در سال ۲۰۰۶ مورد توجه قرار گرفت.

یکی از شاهدانی که درباره این موضوع صحبت کرد پیتر (نام مستعار) بود. او روزنامه‌نگاری بود که شش سال درباره یک ساختمان پنهانی واقع در سوجیاتون در استان شنیانگ تحقیق کرد درحالی‌که تعداد زیادی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ در آنجا حبس بودند. فرد دیگری که درباره این موضوع صحبت کرد، آنی (نام مستعار) همسر سابق جراحی بود که کارش، برداشت قرنیه چشم تمرین‌کنندگان فالون گونگ بود. هر دو شاهد گفتند که قربانیان درحالی‌که هنوز زنده بودند تحت برداشت اعضا و بافت‌های بدنشان قرار می‌گرفتند و سپس بدن آن‌ها سوزانده و خاکستر می‌شد.^{۱۹۵}

کمی بعد یک پزشک ارتش چین گفته‌های آنی را تأیید کرد و گفت سوجیاتون فقط یک بخش از شبکه‌ای متشکل از ۳۶ اردوگاه کار اجباری در چین است.^{۱۹۶}

از آن زمان تاکنون تعدادی از محققان، خبرنگاران و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی این ادعاها را بررسی و تأیید کرده‌اند. مینگهویی در سال ۲۰۱۶ گزارش مفصلی را درباره این موضوع منتشر کرد: *گزارش حقوق بشر مینگهویی: کشتار نظام‌مند تمرین‌کنندگان فالون گونگ در چین برای اعضای بدنشان*.^{۱۹۷}

۱.۷ در دسترس بودن اعضای بدن به‌وفور، در زمان انتظار کوتاه،

علی‌رغم کمبود منابع قانونی

پیوند عضو در چین در اوایل دهه ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ رشد سریعی داشت و تا سال ۲۰۰۷ بیش از ۶۰۰ بیمارستان، جراحی پیوند عضو را انجام می‌دادند. درحالی‌که متوسط زمان انتظار برای عمل جراحی پیوند کلیه و کبد در آمریکا دو تا سه سال است، بیمارستان‌های چین می‌توانند ظرف یک یا دو هفته، اعضای بدن را برای عمل پیوند عضو تأمین کنند. به‌علاوه، این بیمارستان‌ها می‌توانند برای عمل پیوند عضو از قبل

نوبت بدهند درحالی‌که در این نوع عمل جراحی، پیش از نوبت‌دادن، باید یک فرد اهداکننده فوت شود.

این رشد سریع عمل‌های پیوند عضو، بدون حضور اهداکنندگان اتفاق افتاد. در سال ۲۰۱۰ بود که چین تازه شروع به راه‌اندازی سیستم ملی تخصیص و اهدای عضو کرد. تنها منبع دیگری که از طرف دولت برای تأمین اعضا تأیید شده، مربوط به زندانیان اعدامی بوده است، اما تعداد اعدام‌های قانونی در هر سال به‌هیچ‌وجه نمی‌توانست اعضای کافی برای تعداد جراحی‌های انجام‌شده را تأمین کند.^{۱۹۸} بنابراین در خصوص منبع اکثر اعضای بدن مورد استفاده در عمل‌های پیوند عضو در چین، هیچ توضیحی وجود ندارد.

این شکاف بین اهدای عضو و عمل‌های جراحی پیوند عضو، تا به امروز باقی مانده است. هرچند در سال ۲۰۱۵ دولت اعلام کرد که دیگر از اعضای بدن زندانیان اعدامی برای جراحی‌های پیوند عضو استفاده نمی‌کند و در این خصوص فقط به اهدای داوطلبانه اعضا تکیه خواهد کرد، اما مشخص شد که آمار اهدای عضو دستکاری شده است. زمان انتظار برای دریافت عضو همچنان در حد چند روز یا چند هفته است، و سفر به چین برای انجام عمل پیوند عضو، با وجود اظهارات رسمی درباره توقف این عمل، همچنان در مقیاس گسترده انجام می‌شود.^{۱۹۹}

۲.۷ مفقودشدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ

پس از اینکه حزب کمونیست در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ آزار و شکنجه فالون گونگ را در سراسر کشور آغاز کرد، تمرین‌کنندگان از سراسر چین به پکن سفر کردند تا برای توقف سرکوب تمرین‌کنندگان، از دولت مرکزی دادخواهی کنند. اداره امنیت عمومی پکن در اوج این دادخواهی‌ها در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ تخمین زد که بیش از یک میلیون تمرین‌کننده فالون گونگ در پکن در حال دادخواهی هستند.^{۲۰۰} سوابق داخلی پلیس نشان داد که تا آوریل ۲۰۰۱ بیش از ۸۳۰ هزار تمرین‌کننده به‌دلیل ارائه دادخواست در پکن دستگیر شدند.^{۲۰۱}

۱.۲.۷ تمرین‌کنندگان ناشناس

رقم فوق شامل تمرین‌کنندگانی نیست که از افشای هویت خود به پلیس خودداری می‌کردند. بسیاری از افراد برای حفاظت از خانواده، همکاران و دوستان خود در برابر اقدامات تلافی‌جویانه، هویت خود را افشا نمی‌کردند. تحت سیاست مجازات جمعی در حزب کمونیست، می‌توان اعضای خانواده تمرین‌کنندگان فالون گونگ را از کار برکنار کرد، به همکاران و ارشدهای آنها در محل کار پاداش نداد و حتی مسئولان اداری محلی آنها را از سمت‌شان اخراج کرد.

این سیاست به‌شکل مؤثری سبب می‌شود همه افرادی که با یک تمرین‌کننده فالون گونگ در ارتباط هستند، علیه او موضع بگیرند. مقامات محلی که پیش از این در خصوص تمرین‌کنندگان فالون گونگ اقدام خاصی انجام نمی‌دادند، پس از وضع این سیاست به‌منظور حفاظت از شغل خود، دست به هر اقدام لازمی می‌زدند تا مانع رفتن تمرین‌کنندگان به پکن شوند. آنها پلیس محلی را نیز به اداره استیناف ملی در پکن می‌فرستادند تا تمرین‌کنندگان را به شکل دسته‌جمعی دستگیر کنند و به شهر خودشان بازگردانند.

در نتیجه با آغاز سال ۲۰۰۰، بسیاری از تمرین‌کنندگانی که دستگیر شدند، از افشای نام و آدرس محل زندگی خود امتناع کردند. این رویه در گزارش‌های مینگهویی از آن دوران، به‌صورت گسترده مشاهده می‌شود که از آن به عنوان روشی برای مقابله با مجازات جمعی استفاده می‌شد. به‌گفته تمرین‌کننده‌ای، یکی از بازداشت‌شدگان می‌گفت:

«اگر نام و آدرس‌مان را به آنها نگوئیم، گرچه ممکن است شدیدتر شکنجه شویم، پس از یک هفته بازداشت آزاد خواهیم شد. اما اگر نام و آدرس‌مان را بگوئیم، به بازداشتگاه یا اردوگاه کار اجباری شهر خودمان برگردانده می‌شویم و خانواده‌ها و همکارانمان نیز آسیب خواهند دید.»^{۲۰۲}

۲.۲.۷ انتقال به سایر مناطق

مینگهویی در اوت ۲۰۰۰ گزارش داد که تعداد زیادی از تمرین‌کنندگانی که در پکن دستگیر شده و از افشای هویت خود امتناع کرده بودند، در ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۰ به بازداشتگاه‌های مختلفی در تیانجین منتقل شدند. تعداد خودروهای سفید حمل زندانیان در بزرگراه به‌قدری زیاد بود که نمی‌شد پایان صفش را دید.^{۲۰۳}

یکی از تمرین‌کنندگانی که پس از اعتراض در میدان تیان‌آنمن در ۲۹ دسامبر ۲۰۰۰ دستگیر شده بود می‌گفت:

«آنهايي را که از ارائه نام خود خودداری کردند با خود بردند.... برای هرکدام شماره‌ای تعیین و عکسشان گرفته شد. در شب ۳۱ دسامبر، پلیس شماره‌های ما را صدا کرد و هر ۱۲ یا ۱۳ نفرمان را سوار یک اتومبیل پلیس کردند.... کاروان اتومبیل‌ها در جینژو متوقف شد و در آنجا بین اتوبوس‌هایی به مقصد بازداشتگاه‌های مختلف توزیع شدیم. در اتوبوسی که من حضور داشتم ۵۰ نفر بودیم و ما را به بازداشتگاه شماره یک آنشان منتقل کردند.... پلیس فرییمان داد و گفت که می‌توانیم با خانواده‌هایمان تماس بگیریم و قول داد از اطلاعات شخصی ما محافظت می‌کند، اما در حقیقت قصد داشت با این تماس، مأموران پلیس شهر خودمان را خبر کند. در ۱۱ ژانویه ۲۰۰۱ که معاون اداره پلیس دونگواشی از منطقه چونگ‌ون واقع در پکن آمد تا ما را ببرد، افراد را با استفاده از عکس‌ها شناسایی کرد و ما را به پکن بازگرداند. وقتی بازداشتگاه شماره یک آنشان را ترک کردیم، یکی از مأموران پلیس آنجا می‌گفت: «عجله کنید و برگردید، [ما] نمی‌توانیم افرادی که نامشان را نگفته‌اند یا اداره پلیس محل زندگی‌شان آنها را فرانخوانده است، آزاد کنیم. این دستور از بالاست. اگر کسی بمیرد ما مسئولیتی نداریم و هیچ‌کسی هم خبردار نخواهد شد.»^{۲۰۴}

تمرین‌کننده دیگری نیز شاهد بود که تمرین‌کنندگان ناشناس در بازداشتگاه‌های پکن، در سال ۲۰۰۱ به شمال شرقی چین برده شدند:

«پس از ۲۰ دسامبر ۲۰۰۰، ناگهان تعداد تمرین‌کنندگانی که به بازداشتگاه فرستاده می‌شدند به ده‌ها و حتی صدها نفر در روز افزایش یافت... همه تمرین‌کنندگان یک شماره شناسایی داشتند و ظرف چند روز، سلول‌ها پر شد. مأموران هر روز از آنها بازجویی می‌کردند و نامشان را می‌پرسیدند. آنها از باطوم‌های الکتریکی و سایر شکل‌های شکنجه روی تمرین‌کنندگان استفاده، و زندانیان را نیز تشویق می‌کردند تمرین‌کنندگان را کتک بزنند. با این حال بیشتر تمرین‌کنندگان همچنان از گفتن نام خود امتناع می‌کردند. عاقبت مأموران دست از پرسیدن نام آنها برداشتند و گفتند: «بسیار خوب، اگر اسمتان را به ما نگویید، شما را جایی می‌فرستیم که اسمتان را خواهید گفت.»

در اوایل سال ۲۰۰۱، تمرین‌کنندگان را هر روز صبح زود گروه گروه سوار اتوبوس‌های بزرگ می‌کردند و بیرون می‌بردند. دختر هجده‌ساله‌ای از استان شاندونگ با من هم‌سلولی و شماره‌اش ک ۲۸ بود. یک روز صبح شماره او را به اشتباه صدا زدند. او را سوار اتوبوس بردند اما کمی بعد او را برگرداندند. او گفت همه تمرین‌کنندگان به شمال شرقی چین برده شدند. بعداً نگهبانان به وضوح به ما گفتند تمرین‌کنندگان را به شمال شرقی چین می‌فرستند.»^{۲۰۵}

۳.۷ مشارکت ارتش

با توجه به اینکه نظام قضایی نمی‌تواند زندانیانی را که نام یا آدرس‌شان مشخص نیست به مدت طولانی بازداشت کند، بسیاری از تمرین‌کنندگان ناشناس به بازداشتگاه‌های ارتش از جمله به اردوگاه‌های کار اجباری منتقل می‌شدند که آن پزشک ارتش در شروع این فصل به آن اشاره کرد.

چین سیستم پزشکی ارتش گسترده‌ای دارد که شامل بیمارستان‌های عمومی ارتش آزادی‌بخش چین و هر شعبه از ارتش آزادی‌بخش چین و نیز بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه‌های پزشکی ارتش هست. مجله «هفته زندگی» در آوریل ۲۰۰۶ گزارش داد: «تأمین ۹۸ درصد از اعضای بدن در چین را سیستم‌هایی خارج از وزارت بهداشت کنترل می‌کنند.»^{۲۰۶} بیمارستان‌های ارتش و بیمارستان‌های نیروهای مسلح بخش زیادی از منابع اعضای پیوندی را کنترل می‌کنند، و بیشتر بیمارستان‌های غیرنظامی که تعداد زیادی جراحی پیوند عضو انجام می‌دهند، ارتباط نزدیکی با بیمارستان‌های نظامی دارند. بسیاری از جراحان پیوند عضو آنها نیز هم‌زمان در بیمارستان‌های ارتش خدمت می‌کنند.

دیوید ماتاس و دیوید کیلگور در گزارش تحقیقاتی خود به نام «محصول خونین» با چند بیمار مصاحبه کردند که برای عمل جراحی پیوند عضو به چین رفته بودند. جراحانی که عمل جراحی این بیماران را انجام داده بودند، همگی دارای سابقه خدمت در ارتش بودند. یکی از بیماران در بیمارستان شماره ۱ خلق شانگهای پذیرش شد. جراح او دکتر تان جیان‌مینگ بود که رئیس بخش جراحی بیمارستان عمومی فوجو در منطقه نظامی نانجینگ (که قبلاً تحت عنوان بیمارستان نودوسوم معروف بود) است. دکتر تان در

بیمارستان شماره ۸۵ ارتش آزادی‌بخش خلق در منطقه نظامی نانجینگ در شانگهای نیز عمل جراحی انجام می‌دهد.

بیمار دیگری برای پیوند کبد، ابتدا به بیمارستان هواشان در شانگهای (وابسته به دانشگاه فودان) رفت. او تحت مراقبت چیان جیانمین، معاون مرکز کبد بیمارستان هواشان، بود. وقتی پس از چند روز کبدی که با گروه خون او همخوانی داشته باشد پیدا نشد، چیان به او پیشنهاد داد که به بیمارستان چانگجنگ در شانگهای منتقل شود که به دانشگاه پزشکی شماره ۲ ارتش وابسته بود و گفت در آنجا دریافت اعضای پیوندی آسان‌تر است. روزی که این بیمار به بیمارستان چانگجنگ منتقل شد، کبدی همخوان برایش پیدا شد.

در گزارش «حقوق بشر مینگهویی: کشتار نظام‌مند تمرین‌کنندگان فالون گونگ در چین برای اعضای بدن‌شان» در سال ۲۰۱۶، نمونه‌های دیگری از ارتباط نزدیک بین کارکنان و بیمارستان‌های نظامی و غیرنظامی پیوند عضو یافت می‌شود.

۴.۷ آزمایش خون اجباری

آزمایش خون یکی از مراحل ضروری برای همخوانی اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان بالقوه در عمل پیوند عضو است. از قبل از سال ۲۰۰۶ تاکنون، از تمرین‌کنندگان فالون گونگ آزمایش خون اجباری و سایر آزمایش‌های اعضای بدن گرفته شده است. این آزمایش‌ها به‌طور خاص روی تمرین‌کنندگان فالون گونگ انجام می‌شود، نه روی سایر زندانیان.

در اردوگاه‌های کار اجباری، بازداشتگاه‌ها، زندان‌ها، و مراکز شستشوی مغزی، به‌طور معمول از تمرین‌کنندگان فالون گونگ آزمایش خون غیرداوطلبانه گرفته می‌شود. در مصاحبه‌های دیوید ماتاس و دیوید کیلگور در کتاب «محصول خونین» نیز گزارش‌های مشابهی ارائه شده است. از آنجاکه تمرین‌کنندگان دائماً در این مراکز شکنجه می‌شوند، و در صورتی که مشکلی در سلامتی آنها به وجود آید، تحت درمان پزشکی قرار نمی‌گیرند و نتایج آزمایش خونشان نیز به خودشان ارائه نمی‌شود، محققان به این نتیجه رسیده‌اند که این آزمایش‌ها برای مشخص شدن وضعیت سلامتی تمرین‌کنندگان انجام نمی‌شود بلکه برای شناسایی تمرین‌کنندگان سالمی است که اعضای بدن آنها برای جراحی پیوند عضو مطابقت دارد.

مسئولان، نمونه‌گیری اجباری خون را در محل‌هایی به غیر از بازداشتگاه‌های دولتی نیز انجام داده‌اند: یا با دستگیری تمرین‌کنندگان برای این منظور، یا با خون‌گیری مستقیم از آنها در منزل یا محل کارشان. در بعضی مناطق پلیس ادعا کرده است نمونه‌گیری خون به منظور ساخت پایگاه داده دی‌ان‌ای (dna) از تمرین‌کنندگان فالون گونگ انجام می‌شود. ۲۰۸ ۲۰۷

۵.۷ گزارش‌های شاهدان

علاوه بر شهادت پیتر، آنی و پزشک ارتش چین که در ابتدای فصل مطرح شد، افرادی که در سیستم پیوند عضو غیرقانونی، نقش‌های مختلفی را ایفا کرده‌اند نیز این مطالب را تصدیق کرده و بر قتل‌هایی که رژیم چین برای استفاده از اعضای بدن افراد انجام می‌دهد، صحه گذاشته‌اند.

در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۶، بزرگ‌ترین روزنامه اسرائیل، دستگیری چهار مرد را گزارش کرد که متهم بودند از بیمارانی که برای جراحی پیوند عضو پول پرداخته بودند، میلیون‌ها دلار به جیب زده‌اند. یارون ایزاک یودو کین، مدیرعامل شرکت مدیکت و همکارانش متهم شدند به اینکه از واسطه‌گری به منظور جراحی‌های پیوند عضو برای بیماران اسرائیلی در چین و فیلیپین، میلیون‌ها دلار درآمد داشته‌اند که آن را به مراجع قانونی گزارش نکرده‌اند.

مظنون اصلی به یک روزنامه اسرائیلی اعتراف کرد که از اعضای بدن زندانیان اعدامی و زندانیان عقیدتی چین، از جمله تمرین‌کنندگان فالون گونگ، برای این جراحی‌های پیوند عضو استفاده می‌شود.

گروه‌های داوطلبی که برای توقف آزار و شکنجه فالون گونگ در چین کار می‌کنند، در سال ۲۰۰۹ گزارشی را از یک مأمور پلیس دریافت کردند که شاهد بود پزشکان، اعضای بدن یک تمرین‌کننده فالون گونگ خانم را در حالی که هنوز زنده بود، از بدنش خارج می‌کردند. این واقعه در اتاق عمل طبقه پانزدهم بیمارستان عمومی منطقه نظامی شن‌یانگ در ۹ آوریل ۲۰۰۹ رخ داد. قربانی حدوداً سی‌ساله، و معلم دبیرستان بود. او با آگاهی کامل از اینکه در حال بیرون‌آوردن اعضای بدنش هستند، فوت شد. این مأمور پلیس همچنین شاهد بود که قربانی یک ماه پیش از برداشت اجباری اعضای بدنش، کتک خورده و به دفعات به او تجاوز شده بود.

۶.۷ اعترافات در تحقیقات تلفنی

محققان بین‌المللی تحت لوای پرس‌وجو درباره امکان جراحی پیوند عضو از طرف دریافت‌کنندگان احتمالی، با بیمارستان‌های چین تماس گرفته‌اند. کارکنان پزشکی و سایر افرادی که در حوزه جراحی غیرقانونی پیوند عضو فعال هستند در این گفتگوها اعتراف کرده‌اند که اعضای مورد استفاده در این جراحی‌ها، از تمرین‌کنندگان فالون گونگ گرفته شده‌اند.

در ادامه، چند نمونه ارائه می‌شود. نمونه‌های بیشتری نیز از سوی افرادی مطرح شده است که طی سال‌های گذشته، داوطلبانه در تحقیقات مربوط به آزار و شکنجه فالون گونگ مشارکت داشته‌اند.^{۲۰۹}

مورد ۱: لو گوپینگ از بیمارستان مینزو در شهر نان‌نینگ، منطقه خودمختار گوانگشی

لو گوپینگ، جراحی از بیمارستان مینزو در شهر نان‌نینگ واقع در منطقه خودمختار گوانگشی، در یک گفتگوی تلفنی چند بار تصدیق کرد که تمرین‌کنندگان فالون گونگ، منبع تأمین اعضای بدن برای جراحی‌های پیوند عضو بودند. او گفت: «بعضی از آنها از اعضای بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ تأمین می‌شود و بعضی دیگر از سوی خانواده‌های بیماران.» در ادامه، گزیده‌ای از گفتگوی بین لو و یکی از محققان را می‌خوانید:

محقق: پس هم‌کلاسی‌تان به شما گفت جراحی‌های پیوند عضوی که انجام می‌دهند همگی با اعضای بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ انجام می‌شوند، درست است؟
دکتر لو: بعضی از آنها از اعضای بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ تأمین می‌شوند و بعضی دیگر از سوی خانواده‌های بیماران.

محقق: اوه پس اگر بخواهم این نوع، این نوع [از اعضای بدن] مربوط به تمرین کنندگان فالون گونگ، را برای فرزندم پیدا کنم، فکر می کنید او بتواند کمک کند یکی پیدا کنم؟
دکتر لو: قطعاً می تواند این کار را برایتان انجام دهد.

محقق: آن اعضای [اعضای بدن تمرین کنندگان فالون گونگ] که قبلاً استفاده کردید از بازداشتگاه [ها] بود یا زندان [ها]؟
دکتر لو: از زندان ها.

محقق: از زندان ها؟ و از بدن تمرین کنندگان سالم فالون گونگ بود...؟
دکتر لو: درست است. ما می توانستیم اعضای بدن خوب را انتخاب کنیم، زیرا کیفیت جراحی های مان را تضمین می کنیم.

مورد ۲: نماینده بیمارستان شماره ۳۰۷ ارتش آزادی بخش خلق، واسطه دریافت کلیه از بدن تمرین کنندگان فالون گونگ بود

محققان تحت لوای کمک به اعضای خانواده و دوستان برای یافتن کلیه مناسب برای جراحی پیوند عضو شان، با یکی از واسطه های بیمارستان شماره ۳۰۷ ارتش آزادی بخش خلق در پکن تماس گرفتند. این تماس ها تا چند هفته طول کشید.
گزیده ای از گفتگوها:

محقق: پس لطفاً کمک کنید این موضوع را بررسی کنیم....

نماینده بیمارستان شماره ۳۰۷ ارتش آزادی بخش خلق: قبلاً توضیح دادم، مگر نه؟ قبلاً گفتم که ماجرای واقعی را به شما گفتیم، ما دو مورد جراحی انجام دادیم. دو مورد انجام دادیم.

محقق: منظورتان این است که دو جراحی انجام دادید که منبع عضو آن مربوط به تمرین کنندگان فالون گونگ بود؟

نماینده بیمارستان شماره ۳۰۷ ارتش آزادی‌بخش خلق: درست است، ما دو مورد جراحی انجام دادیم. زندان به ما گفت این جراحی‌ها با اعضای بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ انجام شده است. به آن خانم هم گفتم که در واقع چنین جراحی‌هایی انجام می‌دهیم. اما حالا این کار در مقایسه با گذشته، سخت‌تر شده است.

محقق: منابع کلیه دو مورد قبلی از کجا بود؟

نماینده بیمارستان شماره ۳۰۷ ارتش آزادی‌بخش خلق: از منطقه شیچنگ [در پکن].

محقق: بسیار خوب، علاوه بر آن، از کجا مطمئن شدید که منبع عضو، از یک تمرین‌کننده فالون گونگ بوده است؟ آیا مطمئن شدید؟

نماینده بیمارستان شماره ۳۰۷ ارتش آزادی‌بخش خلق: از کجا مطمئن باشیم که آن عضو مربوط به یک تمرین‌کننده فالون گونگ است؟ خوب، وقتش که برسد، رئیس‌مان افرادی را از طرف ما می‌فرستد تا اطلاعات را به شما نشان دهند. او اطلاعات و داده‌ها را به شما نشان می‌دهد تا مطمئن شوید.

محقق: خوب است.

مورد ۳: لی هونگهویی، مدیر بیمارستان یوچوان (بیمارستان شماره ۲ وابسته به دانشگاه تسینگهوا)

در ۲۸ آوریل ۲۰۰۶، روزنامه‌نگاری از «صدای امید» با لی هونگهویی، مدیر بخش پیوند کلیه بیمارستان یوچوان که تحت نام بیمارستان شماره ۲ وابسته به دانشگاه چینگهوا نیز معروف است، تماس گرفت. لی تصدیق کرد که اعضای پیوندی، از بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ تأمین می‌شود.

گزیده‌ای از گفتگو:

لی هونگهویی: طی چند سال گذشته، اعضای اهدایی از بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ بود.

محقق: منظورتان این است که چند سال قبل، دستیابی به این نوع اهدای عضو کاملاً آسان بود؟

لی هونگهوئی: درست است.

محقق: آیا می‌توانید اعضای سالم و جوان، مثل اعضای تمرین‌کنندگان فالون گونگ را تأمین کنید؟

لی هونگهوئی: این درخواست قابل بررسی است، وقتش که برسد به شما اطلاع می‌دهم.



فصل ۸ آزار و شکنجه در خارج از کشور چین

حکچ با استفاده از شبکه‌ای متشکل از ادارات ۶۱۰، سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خود، آزار و شکنجه فالون گونگ را به سایر کشورها نیز گسترش داده است، و به همین ترتیب، جامعه، کسب‌وکارها، و انجمن‌های دانشجویی چینی را نیز هدایت می‌کند تا برای فعالیت‌های تمرین‌کنندگان فالون گونگ مزاحمت ایجاد کرده، درباره تمرین‌کنندگان اطلاعات جمع‌آوری کرده، و تلاش کنند مقامات، قانونگذاران و سازمان‌های مدنی خارجی را علیه فالون گونگ برانگیزانند. به‌علاوه، حکچ به رسانه‌های خارج از چین نیز فشار می‌آورد تا رویدادهای مربوط به فالون گونگ را پوشش نداده یا درباره آزار و شکنجه آنها در چین گزارش ندهند. حکچ از رسانه‌های خبری چینی در سایر کشورها نیز برای گسترش تبلیغات ضد فالون گونگ استفاده می‌کند.

یک دیپلمات سابق کنسولگری چین در سیدنی افشا کرد که سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های چینی، بخش‌هایی سیاسی را ایجاد کرده‌اند که مختص نظارت بر مخالفان بیرون از مرزها و سرکوب آنها هستند. مثلاً در سیدنی «گروه ویژه ضد فالون گونگ» در کنسولگری، از رؤسای هر یک از ادارات تشکیل شده‌اند، از جمله اداره تحقیقات سیاسی، اداره فرهنگ، اداره ویزا، اداره آموزش و پرورش و اداره اتباع چینی در کشور خارجی. ریاست این نیروهای اقدام ویژه بر عهده سفیر یا سرکنسول است.^{۲۱۰}

۸.۱ خشونت و تهدید علیه تمرین‌کنندگان در خارج از کشور

کنسولگری‌های چین، چینی‌های ساکن در محله‌های چینی مختلف را استخدام کرده و از آنها برای بدنام کردن و آزارواذیت تمرین‌کنندگان فالون گونگ استفاده می‌کنند که این آزارواذیت‌ها بیشتر تمرین‌کنندگانی را هدف قرار می‌دهد که به‌شکل منظم اقدام به برپایی غرفه‌های اطلاع‌رسانی برای افزایش آگاهی عموم درباره آزار و شکنجه فالون گونگ در چین می‌کنند. به‌طور مثال حملات اوباش به تمرین‌کنندگان فالون گونگ از سوی پنگ کیو، سرکنسول چین در نیویورک، تنظیم شد. پنگ کیو خودش در یک مصاحبه تلفنی ضبط‌شده تصدیق کرد که اوباش را به حمله به تمرین‌کنندگان تشویق

کرد.^{۲۱۱} چنین حملاتی را در هنگ‌کنگ، سازمان‌های دیگری که زیر نظر ح‌ک‌چ کار می‌کنند انجام می‌دهند.

۱.۱.۸ تیراندازی به تمرین‌کنندگان فالون گونگ استرالیایی در طول سفر مقامات رسمی چین به آفریقای جنوبی

زنگ چینگ‌هونگ یکی از عاملان اصلی آزار و شکنجه فالون گونگ به دستور جیانگ زمین بود که در ژوئن ۲۰۰۴ به آفریقای جنوبی سفر کرد. ^{۲۱۱} که تمرین‌کننده فالون گونگ استرالیایی پس از اطلاع از سفر زنگ چینگ‌هونگ و سایر مقامات چینی به آفریقای جنوبی، در ۲۸ ژوئن به فرودگاه بین‌المللی ژوهانسبرگ رفتند تا با طرح دعوی علیه مقامات چینی که هدایتگر آزار و شکنجه بودند، به متوقف کردن آزار و شکنجه فالون گونگ کمک کنند (تمرین‌کنندگان در سایر کشورها نیز علیه جیانگ زمین به دلیل نسل‌کشی و شکنجه، طرح دعوی کرده بودند). از آنجاکه هیچ تمرین‌کننده فالون گونگی در ژوهانسبرگ نبود، یک تمرین‌کننده از شهر دیگری در آفریقای جنوبی، به دنبال آنها آمد. ^{۲۱۲} که تمرین‌کننده استرالیایی با دو اتومبیل، فرودگاه را به مقصد «محل اقامت ریاست جمهوری» در پرتوریا ترک کردند. در مسیرشان به آنجا، شخصی سوار یک اتومبیل سفید، در فاصله کمی از اتومبیل دومی که تمرین‌کنندگان در آن حضور داشتند، به اتومبیل آنها شلیک کرد و لاستیک‌ها و راننده را هدف داد. حداقل پنج بار به اتومبیل تمرین‌کنندگان شلیک شد. به هر دو پای دیوید لیانگ، راننده اتومبیل، شلیک شد. اتومبیل به شدت آسیب دید و متوقف شد. تیراندازها فرار کردند. دیوید لیانگ با شکستگی‌های شدید در یک پا، به سرعت به بیمارستان کریس هانی-باراگوانات در همان حوالی منتقل شد.^{۲۱۲}

۲.۱.۸ هجوم مأموران ح‌ک‌چ به خانه‌های تمرین‌کنندگان برای سرقت اطلاعات

در ۸ فوریه ۲۰۰۶، مأموران مسلح ح‌ک‌چ به زور وارد خانه دکتر لی یوان، از تمرین‌کنندگان فالون گونگ در آتلانتای ایالت جورجیا، شدند. دکتر لی مدیر ارشد فناوری رسانه /پک تایمز بود. این افراد بالش سنگینی را روی سر دکتر لی گذاشتند تا جایی که نزدیک بود خفه شود. سپس بالش را برداشتند و شروع به کتک زدن او کردند و بخصوص به گیجگاهش ضربه زدند. آنها به دهان، چشم‌ها و گوش‌هایش نوارچسب زدند،

دست‌هایش را در پشتش بسته و پاهایش را نیز به هم بستند. او نمی‌توانست حرکت کند، چیزی ببیند یا فریاد بزند.

یکی از مردان به زبان ماندرین از دکتر لی پرسید: «گاو صندوقت کجاست؟» آنها حدود نیم ساعت طبقات بالا و پایین را گشتند و کتوها را به‌زور باز کردند. دو لپ‌تاپ را دزدیدند اما به سایر وسایل قیمتی دست نزدند. پس از اینکه این افراد محل را ترک کردند، همسایه دکتر لی به پلیس زنگ زد. دکتر لی را با آمبولانس به بیمارستان منتقل کردند درحالی‌که صورتش ۱۵ بخیه خورد.^{۲۱۳}

در ۱۰ مارس همان سال، دزدان به‌زور وارد خانه تمرین‌کننده دیگری در اوزاکای ژاپن شدند و دو کامپیوتر رومیزی، یک لپ‌تاپ، و یک دوربین دیجیتالش را دزدیدند اما به پول نقد و سایر اقلام قیمتی منزل دست نزدند. تحقیقات پلیس در صحنه جرم به این نتیجه رسید که دزدی به‌منظور سرقت اطلاعات انجام شده است. این خانه یکی از دفترهای اجرایی روزنامه اپک تایمز بود و سرقت از آن، یک روز پس از انتشار مقاله‌ای در این روزنامه انجام شد که از کشتار تمرین‌کنندگان فالون گونگ برای اعضای بدن‌شان به‌دست رژیم چین پرده برمی‌داشت.

روز پیش از سرقت، یک روزنامه‌نگار چینی به ژاپن فرستاده شد و در طول مصاحبه‌ای به کارکنان «اپک تایمز» هشدار داد: «به‌تازگی تمرین‌کنندگان فالون گونگ در هنگ‌کنگ مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته‌اند و به دفتر چاپ "اپک تایمز" در این کشور حمله شده است. می‌خواهم به تمرین‌کنندگان و گروه‌های فالون گونگ در ژاپن تذکر بدهم که به‌شدت مراقب امنیت خود باشند». آقای کای، مالک خانه، گفت که تماس‌های تلفنی آزاردهنده‌ای دریافت کرده است.^{۲۱۴}

۱.۸.۳ تحریک به حمله و سایر جرائم خصمانه از سوی کنسولگری‌های چین در خاک آمریکا

سیزده تمرین‌کننده در سال ۲۰۱۵ در فلاشینگ نیویورک یک دعوی حقوقی مطرح کردند و تقریباً ۴۰ حادثه را شرح دادند که در آن حوادث تمرین‌کنندگان فالون گونگ در یک کمپین هماهنگ خشونت و ارباب، مورد ضرب‌وشتم و آزارواذیت قرارگرفتند یا تهدید به مرگ شدند. این تهدیدها با پوسترهایی به زبان چینی نیز همراه بود که آشکارا به

ساکنین و بازدیدکنندگان در فلاشینگ اصرار می‌کردند: «معتقدین فالون گونگ را کتک بزنید زیرا آنها خائن هستند.»

در یکی از این حوادث، لی شیورونگ و کائو لیجون، از تمرین‌کنندگان فالون گونگ، هنگام پیاده‌روی در فلاشینگ مورد حمله لی هواهونگ قرار گرفتند که ۳۰ نفر از ارادل و اوباش را با خود همراه کرده بود. کائو موفق شد فرار و درخواست کمک کند اما آن جمعیت ارادل و اوباش، لی را نگه داشتند و فریاد می‌زدند: «او را بکشید» و «او را تا سرحد مرگ کتک بزنید.»

آن دعوی حقوقی، رویداد مشابهی را نیز شرح می‌داد که در آن سه تمرین‌کننده فالون گونگ در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۴ در فلاشینگ قدم می‌زدند که ناگهان یکی از متهمان پرونده به آنها گفت: «شما حتی از سگ‌ها هم بدترید. می‌خواهم همه شما را جمع کرده و ظرف سه ماه نابود کنم. آنقدر گلویتان را فشار می‌دهم تا بمیرید. به زندگی‌تان پایان خواهم داد. قلب و ریه و کبدتان را بیرون می‌آورم.»

در سال ۲۰۰۸ حملات اوباش به تمرین‌کنندگان فالون گونگ در فلاشینگ، با کنسولگری چین در نیویورک مرتبط بود. پنگ کیو، سرکنسولگر، در یک نوار صوتی ضبط‌شده تصدیق کرد که جمعیت اوباش را «مخفیانه ترغیب» و شخصاً از آنها تشکر کرده و کارهای دیگری نیز در صحنه حملات انجام داده است. چند منبع به «اپک تایمز» گزارش دادند پنگ حدود ۵۰ تا ۱۰۰ دلار در روز به اعضای گروه اوباش پول داده است تا در فعالیت‌های تخریب‌گرانه شرکت کنند.^{۲۱۵}

جرائم خصمانه مشابهی نیز در سایر شهرها اتفاق افتاد که مستقیماً با تحریک سازمان‌های مرتبط با حکم صورت گرفته یا در نتیجه تبلیغات ضد فالون گونگ منتشرشده از طریق انجمن‌ها و رسانه‌های تحت کنترل حکم، به وقوع پیوسته است. پس از یک رشته حملات فیزیکی به تمرین‌کنندگان در سان فرانسیسکو، اد رویس، از نمایندگان کنگره آمریکا، نامه‌ای به وزارت امور خارجه این کشور نوشت. او در این نامه در خصوص مشکلات شدید آینده که با گسترش آزار و شکنجه فالون گونگ در آمریکا به‌دست نمایندگان رسمی چین اتفاق خواهد افتاد، ابراز نگرانی کرد.^{۲۱۶} در یکی از این حملات، شخص مرتکب این جرائم به صورت مرد مسنی مشت زد و پیش از آن به فالون گونگ توهین کرد و گفت: «اگر در سرزمین اصلی چین بودیم، پایت را می‌شکستیم.»

۴.۱.۸ دیپلمات‌های چینی مسئول خشونت و اختلال در طی سفرهای دولتی

هنگامی که مقامات چینی به سایر کشورها سفر می‌کنند، کنسولگری‌های محلی چین، «گروه‌های استقبال» را استخدام می‌کنند تا پرچم چین را به دست بگیرند و تکان دهند و مانع دیده‌شدن بنرهای تمرین‌کنندگان فالون گونگ شوند؛ تمرین‌کنندگانی که از طریق اعتراضات مسالمت‌آمیز خواستار پایان یافتن آزار و شکنجه در چین هستند.

در طول سفر شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، برای شرکت در جلسه گروه جی-۲۰ در سال ۲۰۱۴، گروه‌های استقبالی که ح‌ک‌چ در استرالیا استخدام کرده بود، سعی کردند مانع حضور تمرین‌کنندگان در بریزبن و کانبرا شوند و حتی به آنها حمله کردند، اما پلیس محلی آنها را از محل دور کرد و پرچم‌هایشان را دور انداخت و مانع نزدیک شدن آنها به معترضین فالون گونگ شد. مأموران پلیس به تمرین‌کنندگان کمک نیز کردند که بنرهای خود را تا حدی بالا نصب کنند که کاروان شی بتواند آنها را ببیند.

در تابستان ۲۰۱۴ دو دیپلمات چینی در آرژانتین و جمهوری چک به دلیل متوسل شدن به زور برای ممانعت از اعتراض مسالمت‌آمیز تمرین‌کنندگان فالون گونگ محلی در طول سفر نمایندگان چینی دستگیر شدند.

در اوکلند و ولینگتون نیوزلند، پلیس به تمرین‌کنندگان کمک کرد بهترین مکان را برای نمایش بنرهای خود بیابند. وقتی گروه‌های استقبال از راه رسیدند، پلیس آنها را به محل دیگری در خیابان هدایت کرد. هفت مأمور پلیس برای حفاظت از تمرین‌کنندگان در محل مستقر شدند.

۵.۱.۸ ارباب و حمله به تمرین‌کنندگان و گردشگران در هنگ‌کنگ

از سال ۲۰۱۲ تاکنون انجمن مراقبت از جوانان هنگ‌کنگ که یکی از گروه‌های وابسته به اداره ۶۱۰ چین است، دائماً تمرین‌کنندگان را اذیت کرده و رویدادهای آنها را در هنگ‌کنگ مختل می‌کند.^{۲۱۷} اعضای انجمن مراقبت از جوانان، پیراهن سبز به تن می‌کنند و در محل رویدادها، دور تمرین‌کنندگان جمع می‌شوند، با بلندگوهایی از فاصله نزدیک به تمرین‌کنندگان ناسزا می‌گویند و تهدیدشان می‌کنند، روی آنها آب دهان می‌ریزند و حتی به آنها حمله فیزیکی می‌کنند. طی یک رویداد، فردی وابسته به انجمن مراقبت جوانان، برای تهدید یک تمرین‌کننده فالون گونگ قمه‌ای را در هوا تکان

می‌داد. اعضای انجمن مراقبت از جوانان، علاوه بر پوشاندن بره‌های تمرین‌کنندگان، بره‌های خودشان را با محتوای ناسزاگویی به فالون گونگ نمایش داده‌اند.

یکی از بازدیدکنندگان هنگ‌کنگ، حادثه‌ای را از ژانویه ۲۰۱۹ به یاد می‌آورد:^{۲۱۸}

«به محض اینکه تمرین‌کننده‌ای شروع به صحبت درباره آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ به دست ح‌ک‌چ می‌کرد، اعضای انجمن مراقبت از جوانان به وسط مکان رویداد می‌آمدند و مانع از صحبت‌کردنش می‌شدند. لباس‌های اعضای انجمن مراقبت از جوانان پر بود از کلمات افتراآمیز درباره فالون گونگ. آنها بلندگوهایی را نیز در دست داشتند و پیام‌های مشابهی را پخش می‌کردند.

آنها به گردشگران اجازه نمی‌دادند پوسته‌های تمرین‌کنندگان را بخوانند و با گرفتن فیلم از آنها و تهدیدشان به پُست‌کردن ویدئوهایشان در اینترنت، آنها را می‌ترساندند. هر عضو انجمن مراقبت از جوانان، یک دوربین روی گردنش داشت تا به راحتی از همه افرادی که با تمرین‌کنندگان تعامل داشتند فیلم بگیرد. آنها حالتی به شدت تهاجمی داشتند. درمقابل، تمرین‌کنندگان به‌طور صلح‌آمیزی برها و پوسته‌هایی را در دست داشتند.»

در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۹، دو تن از اوباش در محله لای چی کاک در هنگ‌کنگ به خانم لیائو چیولان، یک تمرین‌کننده فالون گونگ، حمله کردند. سر خانم لیائو پس از ضربات متعدد باطوم، به شدت خونریزی کرد. این حمله پس از اینکه خانم لیائو اداره پلیس چونگ شا وان را ترک کرد اتفاق افتاد. خانم لیائو برای ملاقات و بحث درباره صدور مجوز فعالیت‌های فالون گونگ در ۱۱ اکتبر، جشن روز ملی ح‌ک‌چ، به این اداره رفته بود.

۲۱۹

۸.۲ آزار و شکنجه در سایر کشورها و بازگرداندن تمرین‌کنندگان به

چین

چند دولت ملی که پیوندهای ایدئولوژیکی با رژیم چین دارند یا تحت فشار مستقیم پکن هستند، انتخاب کرده‌اند با دستگیری تمرین‌کنندگان فالون گونگ یا بازگرداندن آنها به چین که در آنجا با شکنجه یا مرگ مواجه می‌شوند، یا هر دومی، با رژیم چین همکاری کنند.

مورد ۱: زوج کامبوجی اخراج شده و به اردوگاه کار اجباری در چین برده شدند

یک زوج مسن چینی در کامبوج کار می‌کردند و کارفرمایان با بازرسی غیرقانونی صندوق پست آنها، متوجه شد که آنها فالون گونگ را تمرین می‌کنند. پس از اینکه کارفرما درباره آنها به سفارت چین گزارش داد، مقامات سفارت و اداره پلیس کامبوج، این زوج را دستگیر کردند و در اوت ۲۰۰۲ آنها را به چین بازگرداندند، گرچه آنها پناهنده سازمان ملل بودند. سپس این زوج به اردوگاه کار اجباری برده شدند.

مقامات سفارت چین در کامبوج تلاش کردند دو تمرین‌کننده مسن دیگر را نیز بترسانند. این دو تمرین‌کننده موفق شدند پنهان شوند و از دستگیری فرار کنند. یک مقام رده‌بالای اداره پناهندگی سازمان ملل مداخله کرد و عاقبت این دو تمرین‌کننده در کشور دیگری پناهندگی گرفتند.^{۲۲۰}

مورد ۲: روسیه، تمرین‌کنندگان فالون گونگ را با وجود اینکه پناهنده سازمان ملل هستند، اخراج می‌کند

با وجود اینکه خانم ما هوئی و دختر هشت‌ساله‌اش، ما جینگ‌جینگ، پناهندگی سازمان ملل را دریافت کرده بودند، اما شش مأمور دفتر تبعید اداره مهاجرت سن‌پترزبورگ در ۲۸ مارس ۲۰۰۷، آنها را در خانه‌شان دستگیر کردند و با خود بردند. آن شب یک پلیس زن روسی و چند مأمور دولت چین، این مادر و دختر را مجبور کردند سوار هواپیمایی به مقصد پکن شوند. اما خانواده خانم ما او یا دخترش را در فرودگاه پکن ندیدند. بعداً مردی با آنها تماس گرفت و گفت ما جینگ‌جینگ به خانه خواهر خانم ما برده شده

است اما مشخص نبود آیا خانم ما می‌تواند به خانه برود یا خیر. خانواده‌اش مظنون بودند که شاید کارکنان امنیتی دولت او را دستگیر کرده باشند.^{۲۳۱}

در ۱۲ مه همان سال، چند مأمور اداره مهاجرت روسیه، آقای جائو چونمان ۷۳ ساله را بدون هیچ توضیح یا ارائه هیچ مدرکی در خانه‌اش دستگیر کردند و با خود بردند. آن روز عصر پلیس به همسر روسی او، میرا، اطلاع داد مقامات آقای جائو را با پروازی به مسکو برده‌اند تا منتظر اولین پرواز به مقصد پکن باشد. آقای جائو استاد سابق دانشگاه چینگهوا بود که به دلیل آزار و شکنجه فالون گونگ، از چین گریخت. او در سال ۲۰۰۳ پناهندگی سازمان ملل را دریافت کرد.^{۲۳۲}

مورد ۳: ویتنام، دو تمرین‌کننده را به دلیل انتشار اخبار سانسورنشده به چین از طریق رادیو، محکوم کرد

در نوامبر ۲۰۱۱ در هانوی، آقای وو داک ترانگ، مدیرعامل سی‌ویک‌ساله یک شرکت فناوری، و برادرزن سی‌وشش‌ساله‌اش، آقای لی وان تان، به ترتیب به سه و دو سال حبس محکوم شدند. اتهام آنها «انتقال اطلاعات غیرقانونی به شبکه مخابراتی» به‌منظور پخش برنامه‌های خبری رادیو صدای امید از طریق رادیو موج کوتاه در چین بود. برنامه‌های صدای امید عموماً گزارش‌هایی را درباره نقض حقوق بشر و فساد مقامات حزب کمونیست چین، سرکوب تمرین‌کنندگان فالون گونگ و سایر گروه‌های تحت آزار و شکنجه به‌دست رژیم چین پخش می‌کند. ترانگ در آوریل ۲۰۰۹ شروع به پخش برنامه‌ها کرد و این دو در ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ دستگیر شدند.^{۲۳۳}

محکومیت آنها در میان تشدید بیشتر آزارواذیت جامعه محلی فالون گونگ به‌دست ویتنامی‌ها، آن هم پس از فشار مستقیم از سوی حزب کمونیست چین، صورت گرفت. پس از ارسال یادداشتی دیپلماتیک در ۳۰ مه ۲۰۱۰ از سوی سفارت چین به دفتر تحقیقات و امنیت ویتنام، دولت ویتنام مطابق کیفرخواست، این دو نفر را دستگیر کرد. در اتهامات آمده بود: «در این یادداشت عنوان شده است: اداره پلیس چین متوجه شده سیگنال‌های رادیویی که از مرز ویتنام بیرون می‌آیند، حاوی همان محتوای مربوط

به فالون گونگ هستند که از ایستگاه رادیویی صدای امید شنیده می‌شود. توصیه شده است با همه فعالیت‌های افراد فالون گونگ در قلمرو ویتنام برخورد و همه آنها متوقف شود.»

ابتدا قرار شد دادگاه در ماه اکتبر برگزار شود. در صبح تاریخ اولیه دادگاه، مقامات ویتنام حداقل ۳۰ تمرین‌کننده دیگر فالون گونگ را که در سکوت جلوی کنسولگری چین نشسته بودند بازداشت کردند. به گفته شاهدان حاضر در محل، این تمرین‌کنندگان با زور و بعضی از آنها با اعمال خشونت به داخل اتوبوس کشانده شدند و سپس به گروه‌های کوچک‌تر تفکیک و به محل‌های مجزایی برده شدند. چند تمرین‌کننده که در پارک لی وان تام مدیتیشن انجام می‌دادند نیز بازداشت شدند.^{۲۲۴}

مورد ۴: کره جنوبی تحت فشار ح‌ک‌چ تمرین‌کنندگان را اخراج می‌کند و به آنها پناهندگی نمی‌دهد

بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱، دولت کره جنوبی حداقل ۱۰ تمرین‌کننده فالون گونگ را به چین بازگرداند و درخواست پناهندگی ۵۶ تمرین‌کننده دیگر را نیز رد کرد. یک مقام رسمی در دولت کره جنوبی به گزارشگران گفت لی چانگچون، یکی از اعضای کمیته دائمی دفتر سیاسی ح‌ک‌چ، به دولت کره جنوبی فشار آورد تا تمرین‌کنندگان فالون گونگ را از کره جنوبی بیرون کند. این واقعه کمی پیش از آن رخ داد که وزارت دادگستری کره جنوبی از اعطای پناهندگی به تمرین‌کنندگان فالون گونگ امتناع کرد. در واقع بازگرداندن تمرین‌کنندگان به وطن کمی پس از آن شروع شد.^{۲۲۵}

بین شیانگری تمرین‌کننده‌ای بود که در ۳۰ ژانویه ۲۰۱۰ از کره جنوبی به چین بازگردانده شد. او بعداً موفق شد از چین بگریزد. در ادامه، بخشی از اتفاقاتی را می‌خوانیم که پس از بازگرداندن او به چین برایش رخ داد:^{۲۲۶}

«مأموران امنیتی دولت، به‌صورت غیرقانونی خانهم را بازرسی کردند و مرا تحت‌نظر و آزارواذیت قرار دادند.

یک تمرین‌کننده سابق که فریب حک‌چ را خورده بود از سوی پلیس مأمور شد مرا شستشوی مغزی دهد. او فردی سرد و حسابگر بود. دائماً تفسیر انحرافی خود از فالون گونگ را به مغز من فرو می‌کرد. آن موقع تقریباً ۷۲ ساعت بود که نخوابیده بودم و فکرم درست کار نمی‌کرد. اظهارنامه‌ای را امضا کردم و طبق آن تعهد دادم دیگر فالون گونگ را تمرین نخواهم کرد. سپس آزاد شدم. آنها درخواست کردند پیش از رفتن به هر جایی، به آنها گزارش دهم. همچنین شروع به شنود تلفنم کردند.

در طول بازجویی‌ها، متوجه شدم سیستم پلیس حک‌چ اطلاعات گسترده‌ای درباره تمرین‌کنندگان فالون گونگ در کره جنوبی دارد. آنها در موقعیت‌های مختلف، نام هماهنگ‌کننده‌های مختلفی در کره جنوبی و نام چند تمرین‌کننده را گفتند که از شهر یانجی به کره جنوبی رفته بودند. از من پرسیدند آنها را می‌شناسم یا خیر. عکسی از گروه مارش تیان گوئو در یک مراسم راهپیمایی را به من نشان دادند. متوجه شدم که خودم نیز در آن تصویر هستم. از من خواستند تمرین‌کنندگان فالون گونگ در عکس را شناسایی کنم. همچنین فهرستی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ را به من نشان دادند که به سایر تمرین‌کنندگان کمک کرده بودند درخواست پناهندگی بدهند. مأموران ویژه حک‌چ حتی از محل تمرین فالون گونگ من در کره جنوبی نیز بازدید کرده بودند.

پس از آزاد شدن، با وجود اینکه در زندان نبودم، اما شرایط بسیار بدی داشتم. فالون گونگ نه تنها سلامتی‌ام را احیا کرده بود بلکه ذهن سالمی نیز به من بخشیده بود. اما من برخلاف وجدانم، به فالون گونگ خیانت کردم. احساس ناامیدی، تحقیر شدن و شرمندگی می‌کردم.»

خانم بین یک ماه بعد تصمیم گرفت دوباره فالون گونگ را تمرین کند. به دلیل اینکه تحت نظر بود و اغلب اشخاص مشکوکی تعقیبش می‌کردند، سعی می‌کرد خودش را در معرض دید قرار ندهد. او به خاطر آورد:

«در اواسط مارس ۲۰۱۱، اعضای اداره ۶۱۰ یانجی تماس گرفتند و درخواست کردند در یک کافی‌شاپ با من ملاقات کنند. جلسه حدود ۳۰ دقیقه طول کشید. آنها به من گفتند به یک شرط می‌توانم دوباره به کره جنوبی بروم: به این شرط که به آنها کمک کنم اطلاعاتی درباره تمرین‌کنندگان فالون گونگ در کره جنوبی جمع‌آوری کنند.

آنها می‌خواستند مرا به‌عنوان مأمور ویژه حک‌چ استخدام کنند و قصد داشتند مهارت‌هایی کامپیوتری را به من آموزش دهند تا بتوانم اطلاعات فالون گونگ را از طریق

اینترنت برای آنها ارسال کنم. همان جا پیشنهادشان را رد کردم. سپس گفتند اگر همکاری نکنم، هیچ شانس برای ترک چین ندارم. اسم من در گمرک در لیست سیاه بود و هیچ‌یک از افراد موجود در آن لیست، حق ترک چین را نداشتند.

تا چند ماه پس از آن، خبری از آنها نشد. دائم در ترس و وحشت به سر می‌بردم. بارها از محلی به محل دیگر نقل‌مکان کردم اما ترسم همچنان با من بود. در نهایت تصمیمم را گرفتم و از چین گریختم.»

۸.۳ تهدید و ارباب مقامات خارجی و سازمان‌های مدنی

کنسولگری‌های چین در سراسر جهان دائماً با سازمان‌ها و مقامات کشورهای میزبان تمرین‌کنندگان فالون گونگ، از جمله سیاستمداران ملی تا اعضای شورای شهر، تماس می‌گیرند تا تمرین‌کنندگان را بی‌اعتبار کرده و در فعالیت‌های آنها مداخله و مزاحمت ایجاد کنند. استراتژی‌های کنسولگری‌ها شامل کمپین‌های گمراه‌سازی و تهدیدهای مستقیم است.

۱.۳.۸ مداخله در اعتراضات مسالمت‌آمیز

وقتی تمرین‌کنندگان فالون گونگ برای اطلاع‌رسانی درباره آزار و شکنجه در چین، دست به اعتراضاتی صلح‌آمیز می‌زنند، ح‌ک‌چ سعی می‌کند فعالیتشان را مسدود و آنها را تهدید و به آنها توهین کند. همچنین به دولت‌های خارجی نیز فشار می‌آورد تا در طول بازدیدهای مقامات چینی، حقوق تمرین‌کنندگان را برای تجمع قانونی و سخنرانی آزادانه، زیر پا بگذارند. بعضی از دولت‌ها با موافقت با تقاضاهای رژیم چین، از قوانین خود تخطی می‌کنند.

مورد ۱: تسلیم‌شدن ایسلند در برابر فشار ح‌ک‌چ و ممانعت از ورود تمرین‌کنندگان به این کشور

در ژوئن ۲۰۰۲ که جیانگ زمین، رهبر وقت ح‌ک‌چ، به ایسلند سفر کرد، دولت ایسلند که تحت فشار مقامات چین قرار داشت، مانع ورود تمرین‌کنندگان فالون گونگ به این کشور شد. این رفتار دولت ایسلند واکنش شدید شهروندان ایسلندی را به همراه داشت که برای حمایت از تمرین‌کنندگان فالون گونگ، تجمع کردند.^{۲۲۷} جوئل چیپکار، تمرین‌کننده‌ای از کانادا که چند روز در ایسلند بود، گفت: «این حرف کل شهر است... تمام کشور پشت فالون گونگ است. همه رسانه‌ها، شبکه‌های تلویزیونی، ایستگاه‌های رادیویی، و روزنامه‌ها... این مهم‌ترین ماجرا در اینجا بوده است.»

در ۹ ژوئن ۲۰۰۲، گروه بزرگی از ایسلندی‌ها به تمرین‌کنندگان فالون گونگ در پارک پیوستند تا تمرین‌های فالون گونگ را یاد بگیرند و نگرانی خود را از این وضعیت ابراز کنند. مردی از این جمعیت گفت «من در کنار شما می‌ایستم. اگر نمایندگان چینی بخواهند به شما شلیک کنند، باید اول به من شلیک کنند.»

پیتر جال، سخنگوی مرکز اطلاع‌رسانی فالون دافا گفت: «ما دائماً ایمیل‌ها و تماس‌های تلفنی حمایت‌گرانه از مردم ایسلند دریافت کرده‌ایم. واکنش آنها همگی ما را تحت‌تأثیر قرار داده و با این حجم از حمایت، تشویق می‌شویم به راه خود ادامه دهیم.»

بیشتر نامه‌ها عصبانیت خود را از این مسئله ابراز کرده بودند که چرا دولت ایسلند مانع حضور تمرین‌کنندگان فالون گونگ در طول سفر جیانگ شده بود. بسیاری از آنها پیشنهاد داده بودند به نمایندگی از سوی افرادی که از حضورشان جلوگیری شده بود، دادخواهی‌های مسالمت‌آمیزی را علیه آزار و شکنجه فالون گونگ برگزار کنند.

مورد ۲: صربستان مانع ورود تمرین‌کنندگان فالون گونگ به اجلاس سران چین شد

پیش از اجلاس سران چین و سران اروپای شرقی و مرکزی در ۱۶-۱۷ دسامبر ۲۰۱۴، یازده تمرین‌کننده فالون گونگ اروپایی را به‌زور از بلغراد صربستان بیرون کردند. آنها در طول رویدادی، در بیرون از بلغراد بازداشت شدند و پس از خاتمه اجلاس، به بلغارستان،

اسلواکی و فنلاند بازگردانده شدند. مقامات محلی بدون ارائه دلیل، از صدور مجوز تجمع اعتراضی برای تمرین کنندگان امتناع کردند.^{۲۳۸}

**مورد ۳: تمرین کنندگان نتوانستند برای حضور در اعتراض صلح آمیز،
وارد هنگ کنگ شوند**

حدود ۷۰ تمرین کننده فالون گونگ از تایوان در حالی که در ۲۶ آوریل ۲۰۱۹ در مسیرشان برای شرکت در «راهپیمایی به مناسبت بزرگداشت بیستمین سالگرد دادخواهی ۲۵ آوریل» در هنگ کنگ بودند، از هنگ کنگ اخراج شدند. همه آنها مدارک قانونی سفر به هنگ کنگ را داشتند.^{۲۳۹}

خانم دینگ یکی از تمرین کنندگان تایوانی که از هنگ کنگ اخراج شد این طو به خاطر آورد:

«وقتی مأمور گمرک در هنگ کنگ نام مرا دید، حالت چهره اش تغییر کرد. از من خواست فرمی را پر کنم و مرا به اتاق کوچکی برد. به من گفت با وجود اینکه ویزای معتبر دارم، اما نمی تواند اجازه دهد وارد هنگ کنگ شوم.»

شورای امور سرزمین اصلی تایوان بیانیه ای در محکومیت سوءرفتار دولت هنگ کنگ با شهروندان تایوانی صادر کرد. آقای چیو چوئی چنگ، معاون وزیر و سخنگوی شورای امور سرزمین اصلی تایوان، گفت: «ما آزادی بیان و آزادی مذهب را جزء حقوق اولیه بشر می دانیم. امیدواریم دولت هنگ کنگ بتواند واکنشی منطقی به اظهارات صلح آمیز و قانونی شهروندان تایوان دهد و به آنها احترام بگذارد.» او در ادامه سخنانش، این مسئله را زیر سؤال برد که چطور دولت هنگ کنگ اطلاعات مربوط به برنامه سفر شهروندان تایوانی را به دست آورد و با تبعیض قائل شدن، مانع ورود همه تمرین کنندگان فالون گونگ در آن پرواز شد، و اضافه کرد گام بعدی این است که تعرض به حریم خصوصی شهروندان تایوانی مورد بررسی قرار گیرد.

۲.۳.۸ مداخله در فعالیت های اجتماعی

اغلب وقتی تمرین کنندگان برای شرکت در مراسم راهپیمایی و سایر رویدادهای اجتماعی درخواست مجوز می‌کنند، کنسولگری‌های چین با سازمان‌های میزبان تماس می‌گیرند تا از آنها بخواهند تمرین کنندگان فالون گونگ را از حضور در این تجمعات محروم، و حمایت خود را از فعالیت‌های آنها قطع کنند.

در سان فرانسیسکو، اتاق بازرگانی چین، به دستور رز پاک، دوست جیانگ زمین که روابط نزدیکی با کنسولگری چین داشت و به‌طور فعال از آزار و شکنجه فالون گونگ در منطقه خلیج سان فرانسیسکو حمایت می‌کرد، تمرین کنندگان را بارها از شرکت در راهپیمایی سال نو چینی منع کرد.^{۲۳۰}

در دانمارک، دعوت از تمرین کنندگان فالون گونگ برای شرکت در جشنواره فرهنگی آسیایی در سال ۲۰۰۲ ناگهان لغو شد، زیرا سایر سازمان‌های چینی تحت فشار دولت چین، تهدید کردند از حضور در رویداد انصراف می‌دهند. به‌گفته روزنامه دانمارکی پلیتیکن، «سفارت چین در کپنهاگ از بودن تصویر فالون گونگ در عکس جشنواره ناراحت شد درحالی‌که قرار بود آنها فقط یک رقص سنتی چینی اجرا کنند.» مسئول برگزاری جشنواره بعداً به تمرین کنندگان اجازه داد در روز آخر این رویداد سه‌روزه، مراسم خود را اجرا کنند.^{۲۳۱}

در صبح برگزاری مراسم کریسمس در سال ۲۰۱۸ در شهر پرت واقع در استرالیا، به تمرین کنندگان فالون گونگ گفته شد نمی‌توانند بنرهای فالون گونگ را نمایش دهند یا تیشرت‌هایی با نام فالون گونگ به تن کنند، و برنامه تلویزیونی‌ای که این رویداد را پوشش می‌داد نیز مجاز نبود نامی از فالون گونگ ببرد. هیچ‌یک از گروه‌های دیگر حاضر در مراسم، چنین محدودیت‌هایی نداشتند. روزنامه ملی استرالیا به نام *استرالین* گزارش داد مردی که مدعی بود برای سرکنسولگری چین در پرت کار می‌کند یک روز پیش از برگزاری مراسم با برگزارکننده مراسم تماس گرفت و گفت مانع شرکت تمرین کنندگان فالون گونگ در این مراسم شوند.^{۲۳۲}

در اسکاتلند، کنسولگری چین نامه‌ای به برگزارکننده «جشنواره یک جهان ادینبرگ» در سال ۲۰۰۳ فرستاد و درخواست کرد کارگاهی را که قرار بود تمرین کنندگان فالون گونگ برگزار کنند، از برنامه خود حذف کنند. برگزارکننده مراسم این درخواست را رد کرد و گفت: «ما می‌توانیم هرکسی را که دوست داشته باشیم دعوت کنیم.»^{۲۳۳}

۳.۳.۸ مداخله با اجراهای شن یون

هنرهای نمایشی شن یون یک شرکت موسیقی و رقص کلاسیک چینی است که تمرین‌کنندگان فالون گونگ آن را تأسیس کرده‌اند. مأموریت آن احیای جوهره فرهنگ باستانی چین از طریق هنرهای نمایشی است. از آنجاکه بعضی از برنامه‌های شن یون، آزار و شکنجه فالون گونگ در چین را روی سن به تصویر می‌کشند، حکم از آغاز به کار این شرکت در سال ۲۰۰۶، به صورت نظام‌مند تلاش کرده در اجراهای شن یون خرابکاری کند.

یکی از راهکارهای حکم این است: آن به سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خود در سراسر جهان دستور می‌دهد سالن‌های تئاتر را تحت فشار قرار دهند که با شن یون قرارداد امضاء نکنند یا قراردادهای موجود را لغو کنند، و در عین حال مدیران سالن‌های تئاتر را تهدید کنند که اگر همکاری نکنند این جریان به روابط سیاسی و اقتصادی کشورهایشان با چین آسیب خواهد زد. البته این راهکار موفقیت چندانی نداشته زیرا تعداد اندکی از تهدیدشدگان، قرارداد خود را با شن یون لغو کردند. مثلاً کنسولگری چین در فرانکفورت با دو شرکت آلمانی که با شن یون همکاری می‌کردند، تماس گرفت اما آنها از لغو مشارکت خود با این شرکت امتناع کردند. یکی از شرکت‌ها پاسخ داد: «ما در آلمان آزادی بیان داریم. ما تصمیم می‌گیریم که چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم.»^{۲۳۴}

با این حال تعداد کمی از شرکت‌ها نیز تسلیم فشار حکم شدند. مثلاً پس از اینکه سفارت چین در جلسه‌ای با وزیر امور خارجه دانمارک در سال ۲۰۰۷ از مشکل خود با شن یون صحبت کرد، تئاتر سلطنتی دانمارک ناگهان از قراردادی که به مرحله پایانی رسیده بود، عقب‌نشینی کرد. در سال‌های بعد، پس از اینکه مسئولان این تئاتر چند بار دیگر درخواست شن یون را رد کردند، در سال ۲۰۱۸ مشخص شد سفارت چین از تئاتر سلطنتی دانمارک خواسته مانع دسترسی شن یون به سن ملی شود.^{۲۳۵}

در کره جنوبی، رژیم چین سرویس پخش رسانه‌ای کره را تهدید کرد که اگر به شن یون اجازه اجرا در سالن سرویس پخش رسانه‌ای کره را دهد، باید متحمل زیان ۸ میلیارد دلاری از درآمد خود در قراردادهای تجاری‌اش با چین شود. سرویس پخش رسانه‌ای کره متعاقباً قرارداد خود را با شن یون لغو کرد. این لغو قرارداد از سوی دادگاه منطقه جنوبی سئول باطل اعلام شد اما بعداً همان دادگاه، نیم ساعت پیش از

شروع تعطیلات ملی ادارات دولتی، دادگاه‌ها، سفارتخانه‌ها و تئاترها، رأی خود را تغییر داد، درحالی‌که تا پیش از زمان برنامه‌ریزی‌شده برای اجراهای شن یون، فرصتی برای فرجام‌خواهی درباره این رأی وجود نداشت.^{۲۳۶}

حکچ علاوه بر تهدید، تاکتیک‌های پنهانی بیشتری را نیز به کار گرفته است، از جمله دستکاری پنهانی اتوبوس‌های تور شن یون. در یک مورد، لاستیک جلوی اتوبوس به شکلی پاره شد که بلافاصله باد آن خالی نشود اما تحت فشار بالا در بزرگراه منفجر شود. این خرابکاری در طول بازرسی کشف شد و هیچ تلفاتی در پی نداشت.

در سال ۲۰۱۰، هفت اجرای شن یون در هنگ‌کنگ که تمام بلیت‌های آن به فروش رفته بود، به‌اجبار لغو شد زیرا ویزای ورود به این منطقه خودمختار برای شش تن از کارکنان کلیدی تولید رد شد. هرچند ارائه‌دهندگان این نمایش در اکتبر ۲۰۰۹ درخواست ویزا داده بودند، تنها یک هفته پیش از افتتاح نمایش در ۲۷ ژانویه، ویزای این افراد باطل شد. با توجه به این تصمیم دیرهنگام، هیچ فرصتی برای اقدام قانونی از سوی این افراد وجود نداشت.^{۲۳۷}

کنسولگری‌های چین تلاش کرده‌اند مخاطبان را نیز بترسانند تا مانع حضور آنها در این نمایش شوند. در بعضی شهرهای آمریکای شمالی، این تهدیدها با کمک انجمن‌های تجاری و انجمن‌های دانشجویی چینی انجام شد. بعضی کنسولگری‌ها نیز به دانشجویان چینی گفتند اگر تصویرشان در عکس یا ویدئویی مربوط به نمایش دیده شده و مشخص شود در نمایش حضور داشته‌اند، اجازه نخواهند داشت به چین بازگردند.^{۲۳۸}

اقدامات حکچ برای اینکه مانع حضور سیاستمداران و سایر مخاطبان در اجراهای شن یون شود، برخلاف مقاصدی که داشته، موجب ترویج و تبلیغ این نمایش شده است. یکی از نمایندگان مجلس آلمان در واکنش به اطلاعات گمراه‌کننده‌ای که از سفارتخانه‌های چینی دریافت می‌شد، بدون معطلی تصمیم گرفت به تماشای این نمایش برود و رئیس و معاون پارلمان اروپا نیز نامه تبریک مشترکی به شن یون فرستادند و آرزو کردند آنها در آلمان اجرای موفق‌تری داشته باشند.^{۲۳۹}

۴.۳.۸ مداخله با قوانین

کمیته قضایی سنای ایالت کالیفرنیا در ۳۱ اوت ۲۰۱۷ قطعنامه‌ای (SJR-10) را در محکومیت آزار و شکنجه فالون گونگ در چین تصویب کرد، اما مجلس سنا به شکلی غیرمنتظره رأی داد که لایحه به کمیته قوانین برگردانده شود و مانع از این شد که آن طبق برنامه در اسپتامبر در سنا به رأی گذاشته شود.

دلیلی که برای این رأی غیرمنتظره مطرح شد این بود که سناتورها، ایمیل‌هایی از کنسولگری چین در سانفرانسیسکو دریافت کرده‌اند که عنوان می‌کرد تصویب این قطعنامه ممکن است رابطه دوستانه و توسعه پایدار روابط بین کالیفرنیا و چین را تخریب کند.^{۲۴۰}

این تصمیم سبب شد تمرین‌کنندگان فالون گونگ، تجمعاتی در سان فرانسیسکو، ساکرامنتو، لس آنجلس، و سن دیگو برگزار کنند. جوئل اندرسون از سناتورهای این ایالت و ارائه‌دهنده این لایحه، عصبانیت خود را در این خصوص ابراز کرد که چرا اجازه می‌دهیم سرکوب آزادی بیان از سوی رژیم چین به مجلس سنای کالیفرنیا گسترش یابد و رژیم چین به‌عنوان قدرتی خارجی در روند قانونگذاری این ایالت مداخله کند.

شایان توجه است که راندی ووپل، از قانونگذاران مجلس و یکی از امضاکنندگان این قطعنامه، قبلاً در زمانی که شهردار سنتی کالیفرنیا بود، نامه‌ای تهدیدآمیز از کنسولگری چین در لس آنجلس دریافت کرده بود. آن نامه شامل مطالب افتراءآمیز درباره فالون گونگ بود و درخواست‌هایی را مطرح کرده بود: «امیدواریم این شهر، با توجه به چشم‌انداز روابط چین و آمریکا، و با توجه به منفعت شهروندان، درخواست‌های ما را با دقت بررسی کند و هیچ‌گونه حمایتی از سازمان فالون گونگ نکند یا جایزه و پاداشی به آن اختصاص ندهد، از جمله نامگذاری یک روز یا هفته مشخص به نام فالون گونگ، فالون دافا یا بنیانگذار آن. همچنین از این شهر درخواست می‌کنیم به فالون گونگ اجازه ثبت‌شدن ندهد....» و درخواست‌های دیگر.^{۲۴۱}

در مینه‌سوتا کمی پس از اینکه دو لایحه (SF2090, HF2166) در محکومیت برداشت اجباری اعضای بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ به‌دست رژیم چین در سال ۲۰۱۵ به مجلس نمایندگان و مجلس سنا ارائه شد کنسولگری چین در شیکاگو به قانونگذاران ایالت فشار آورد و تلاش کرد پیش از انتقال این لایحه‌ها به کمیته‌های فرعی، آنها را مسدود کند. این کنسولگری نامه‌هایی با محتوای افتراءآمیز درباره فالون گونگ برای قانونگذاران ارسال کرد و معاون کنسولگری، با سناتور دان دی هال که لایحه SF2090 را

نوشته بود ملاقات کرد. سناتور هال بعداً در وبسایت خود، مطلبی درباره این ملاقات منتشر و اهمیت آزادی بیان و آزادی مذهبی را تصریح کرد.^{۲۴۲}

۵.۳.۸ کمپین ایمیل‌های فریبنده به منظور بی‌اعتبارسازی تمرین‌کنندگان فالون گونگ

رژیم چین چند کمپین ارسال ایمیل فریبنده را راه اندازی کرده است تا فالون گونگ را در چشم مقامات خارجی، بد جلوه دهد. این ایمیل‌ها به نام تمرین‌کنندگان فالون گونگ فرستاده می‌شود، اما پر از کلام تهدیدآمیز و تحقیرآمیز است و عموماً می‌توان رد آن را در سرزمین اصلی چین پیدا کرد.

در ۱۳ مه ۲۰۱۵، روز جهانی فالون دافا، بعضی از اعضای پارلمان کانادا ایمیل‌هایی از دو منبع مختلف دریافت کردند. یکی از فرستندگان ایمیل با نام «اندرو تانگ»، گیرنده ایمیل را به دلیل عدم حضور در جشن‌های روز فالون دافا «احمق» خوانده و ادعا کرده بود «آخرین شانس خود را برای نجات‌یافتن از دست داده‌اید.» فرستنده دیگر، به گیرنده ایمیل گفته بود: «نابودی کامل در انتظار شماست!» بروس هایر، معاون رهبر حزب سبز، به تمرین‌کنندگان گفت: «این ایمیل برایم قابل‌باور نبود و بلافاصله فکر کردم که احتمالاً این ایمیل‌ها از جای دیگری می‌آید.»^{۲۴۳}

مقامات آمریکا، فرانسه، نروژ، استرالیا و نیوزلند نیز ایمیل‌های مشابهی دریافت کرده‌اند. پس از زلزله کرایست‌چرچ در سال ۲۰۱۱، مأموران حک‌چ ایمیل‌هایی را به اعضای شورای شهر اوکلند فرستادند و خود را به‌عنوان تمرین‌کننده فالون گونگ معرفی کردند و مدعی شدند زلزله به این دلیل اتفاق افتاده است که مردم به فالون گونگ اعتقاد نداشتند. دکتر کتی کیسی از اعضای شورای شهر گفت به عقیده او، ایمیل‌ها از سوی رژیم چین فرستاده شده است زیرا همه اعضای شورای شهر اوکلند قبلاً ایمیل‌های رسمی از کنسولگری چین دریافت کرده بودند؛ ایمیل‌هایی حاوی مطالب افتراءآمیز درباره فالون گونگ که اصرار داشت گیرندگان در نمایش شن یون که قرار بود در ماه فوریه در اوکلند برگزار شود، حضور نیابند.^{۲۴۴}

۶.۳.۸ خرید نفوذ سیاسی با ولخرجی در مهمانی‌ها و اخاذی از افراد

رژیم چین دائماً از سیاستمداران، استادان دانشگاه، متخصصان و سایر شخصیت‌های تأثیرگذار خارجی دعوت می‌کند به چین سفر کنند. این افراد در طی این سفرها با رفتاری شاهانه مواجه می‌شوند و به‌ازای آن، از آنها درخواست می‌شود از موضع چین حمایت کنند و پس از بازگشت به وطنشان، این رژیم را مورد تحسین و تمجید قرار دهند. بسیاری از افرادی که از این مزایا بهره‌مند شده‌اند، پس از بازگشت از سفر، چشم خود را به روی نقض حقوق بشر حزب کمونیست چین بسته‌اند یا در مخفی‌کردن جرایم این رژیم فعالانه به آن کمک کرده‌اند.

مورد ۱: شهردار ونکوور پس از بازگشت از چین، محل اعتراض فالون گونگ را از بین برد

تمرین‌کنندگان در ونکوور کانادا، در اوت ۲۰۰۱ اعتراضاتی صلح‌آمیز و شبانه‌روزی را مقابل کنسولگری چین آغاز کردند که موجب آگاهی بسیاری از محلی‌ها درباره آزار و شکنجه فالون گونگ در چین شد. سرکنسول یانگ چیانگ از شهردار لی جیانائو خواست سازه‌های تمرین‌کنندگان را که به‌منظور اعتراضات صلح‌آمیز ساخته شده بود از محل بردارد، اما لی از این کار امتناع و ارزش‌های آزادی بیان و آزادی اعتقاد در کانادا را به آنها یادآوری کرد. یانگ بعداً به‌صورت عمومی اعتراف کرد که بارها از شهر ونکوور خواسته مانع برگزاری تجمعات اعتراض‌آمیز تمرین‌کنندگان فالون گونگ شود اما تلاشش اثری نداشته است.

پس از اینکه سم سالیوان در سال ۲۰۰۵ شهردار ونکوور شد و به چین سفر کرد، در سال ۲۰۰۶ از دادگاه عالی بریتیش کلمبیا درخواست کرد تابلوهای نمایشی تمرین‌کنندگان فالون گونگ و غرفه آبی کوچک‌شان را که به‌منظور اعتراضات صلح‌آمیز بیش از پنج سال جلوی کنسولگری قرار داشت، توقیف کند. در سال ۲۰۰۹ حکم توقیف صادر شد، اما سال بعد تمرین‌کنندگان در دادگاه تجدیدنظر بریتیش کلمبیا برنده این پرونده شدند.

سالیوان ابتدا هر نوع تماس با کنسولگری چین، پیش از تصمیم‌گیری در خصوص تخلیه محل اعتراض، را انکار کرد. اما وقتی دوباره در این باره از او سؤال شد، گفت به دعوت یانگ چیانگ، سرکنسول سابق، به یک مهمانی شام خصوصی در اقامتگاه او رفته است. او گفت که در آن مهمانی به یانگ گفته درخواست را به دادگاه عالی بریتیش کلمبیا ارائه کرده و به‌زودی حکم آن صادر می‌شود.

روزنامه‌های تحت کنترل ح‌ک‌چ چند مقاله منتشر کردند که حاوی مطالبی در تعریف و تمجید از سالیوان بود. *ونکوور سان* مصاحبه‌ای از سالیوان منتشر کرد که سالیوان در آن می‌گفت: «در طول سفرم به چین، آنها با فرش قرمز از من استقبال کرده و مانند یک امپراتور با من رفتار کردند. جای تأسف است که ونکوور بودجه کلانی در اختیار ندارد تا من نیز بتوانم محبت آنها را جبران کنم.»^{۲۴۵}

مورد ۲: عضو سابق پارلمان کانادا، سفرهای خود به چین را به یاد می‌آورد

راب آندرز، نماینده سابق پارلمان کانادا، این‌طور به خاطر آورد که رژیم چین چطور به شکل نظام‌مند تلاش کرد نظر لطف او و سایر سیاستمداران را جلب کند: «اولین طعمه آنها، قراردادی تجاری بود. اگر جلب آن نشوید، سراغ طعمه دوم می‌روند: زنان جوان و زیبا. اگر همچنان در دامشان نیفتید، الکل یا سایر مواد اعتیادآور را امتحان خواهند کرد.»

او اشاره کرد ح‌ک‌چ با کارکنان و اعضای خانواده مقامات نیز به همین ترتیب رفتار می‌کرد: «می‌دانم وقتی کارکنان وزارتخانه‌ها به چین می‌رفتند، دختری بدون هیچ توضیحی می‌آمد و از آنها می‌پرسید آیا می‌خواهند کمی تفریح کنند، با هم شام بخورند یا کمی آواز بخوانند. و آنها مشروب می‌نوشیدند و تفریح می‌کردند. سپس واکنشی زنجیره‌ای اتفاق می‌افتد... آنها یک ویدئوی ضبط شده از شما در چین را نشان می‌دهند و می‌گویند: "می‌دانید، ما با هم دوست هستیم. درست است؟ نمی‌خواهیم این نوع ویدئوها تأثیری روی شغل شما بگذارد، بنابراین ویدئو را به شما برمی‌گردانیم اما

نمی‌توانیم تضمین کنیم کی‌ی آن وجود نداشته باشد. متوجه هستید که ما با هم دوستیم بنابراین حالا که این همه کمکت کرده‌ایم، آیا نباید لطف ما را جبران کنی؟»

آندرز مورد دیگری را شرح داد که در آن با یک نماینده دیگر مجلس به چین رفت و آن نماینده، پسر چهارده‌ساله‌اش را نیز همراه خود آورده بود. پنج دقیقه پس از رفتن آنها به هتل، یک دختر چینی در اتاق پسرش را زد و جملات وسوسه‌انگیزی گفت و از او دعوت کرد با هم غذا بخورند، آواز کارائوکی بخوانند و برقصند. پسرش همراه آن دختر رفت اما در کل هفته اقامت آنها در چین، دیگر خبری از او نبود.^{۲۴۶}

نمونه‌های دیگری از نفوذ از طریق ارائه مزایا و باج‌خواهی

لری اوبرین، شهردار اوتاوا، عادت داشت هر سال، با اعلامیه‌ای روز جهانی فالون دافا را گرامی بدارد. اما پس از سفری تجاری به چین، در مه ۲۰۱۰ از انجام این کار خودداری کرد و توضیح داد در چین «تعهد داده است.»^{۲۴۷}

چن یانگلین، دیپلمات سابق چینی، درباره یکی از نمایندگان پارلمان استرالیا توضیح داد که در چین با دختری زیر ۱۶ سال رابطه جنسی برقرار کرد. او بدون درز خبر، دستگیر شد، برگه‌ها و مستندات از او گرفته و سپس آزاد شد. او بعداً در تلویزیون به نفع دولت چین صحبت کرد. چن توضیح داد: «وقتی نمایندگان مهم به چین می‌روند، تحت نظارت شدیدی قرار می‌گیرند و در صورت لزوم، ح‌ک‌چ دام‌هایی برایشان تدارک می‌بیند. اهمیتی ندارد نمایندگان از استرالیا باشند یا کانادا.»^{۲۴۸}

۸.۴ سانسور رسانه‌های بین‌المللی

ح‌ک‌چ از سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های چین برای سانسور رسانه‌های چینی‌زبان در خارج نیز استفاده می‌کند. مثلاً سرکنسول چین در ملبورن استرالیا، به رؤسای روزنامه‌های محلی چینی دستور داد، پیش از گرفتن تأییدیه چاپ مقالات مرتبط با فالون گونگ از کنسولگری چین از طریق فکس، هیچ مقاله‌ای را در این خصوص چاپ نکنند. در نتیجه روزنامه‌های چینی در ملبورن از آن زمان به بعد چاپ مقالات مربوط به فالون گونگ را کاهش داده‌اند و بعضی رسانه‌ها نیز به تمرین‌کنندگان گفته‌اند فشار زیادی در این زمینه روی آنهاست.

در سال ۲۰۰۸ گزارشگران بدون مرز در پاریس یک فایل صوتی را منتشر کردند که نشان می‌داد یوتلست، یک اپراتور ماهواره فرانسوی، پخش برنامه‌های ان‌تی‌دی‌تی‌وی را در چین متوقف کرد، چراکه حکم به آنها فشار آورده بود؛ ان‌تی‌دی‌تی‌وی یک شبکه تلویزیونی مستقل است و تمرین‌کنندگان فالون گونگ تأسیس کرده‌اند. سان یوشی، سفیر چین در ایتالیا، در مصاحبه‌ای تلفنی گفت: «من با رئیس و معاون یوتلست تماس گرفتم و از آنها پرسیدم چرا به فالون گونگ کمک می‌کنند برنامه‌های‌شان را در چین پخش کنند. آنها توضیح دادند منظوری از این کار نداشتند و فریب سایرین را خورده‌اند و غیره. به‌رحال توضیح آنها همین بود.»

یوتلست بلافاصله پس از توقف پخش این برنامه‌ها، سان را مطلع کرد. سان افزود: «آنها همچنین به ما قول دادند که در پخش هیچ‌یک از فعالیت‌های فالون گونگ مشارکت نخواهند کرد... تحسینشان کردم که پخش را متوقف کردند. همچنین به آنها گفتم که دیگر در این برنامه‌ها ورود نکنند. به آنها گفتم باید با ما همکاری کرده و تصویر مثبت چین را تبلیغ کنند. آنها بارها عذرخواهی کردند و قول دادند که دیگر تکرار نمی‌شود.»

وقتی از سان پرسیدند یوتلست در ازای توقف پخش برنامه‌های فالون گونگ چه چیزی دریافت می‌کند، او توضیح داد: «آنها می‌خواهند با تلویزیون مرکزی چین همکاری کنند. همچنین یوتلست ماهواره‌های هواشناسی و مخابراتی دارد، بنابراین مایلند با صنعت هوافضای چین نیز همکاری کنند. آنها می‌خواهند تجهیزات ما را برای راه‌اندازی ماهواره‌های خود اجاره کنند.»^{۲۴۹}

اما همه سازمان‌های خبری از خواسته‌ها و مطالبات حکم پیروی نمی‌کنند. در اوایل مارس ۲۰۰۱، سرکنسول چین در سان فرانسیسکو نامه‌ای به ورلد ژورنال نوشت و از آنها خواست چاپ تبلیغات فالون گونگ را متوقف کنند و اضافه کرد که چنین تبلیغاتی به اعتبار این روزنامه آسیب خواهد زد. یکی از مدیران روزنامه گفت فالون گونگ در بیان دیدگاه‌های خود آزاد است.

۸.۵ فشار روی کسب‌وکارهای خارج از چین

همان‌طور که شرکت‌های خارجی حامی ح‌ک‌چ در چین، به سانسور اطلاعات درباره فالون گونگ و تبعیض علیه تمرین‌کنندگان آن می‌پردازند، بعضی شرکت‌های خارج از چین نیز تسلیم فشار رژیم شده‌اند تا از دسترسی خود به بازار چین حفاظت کنند.

مورد ۱: هتل ماریوت بانکوک، کلاس تمرین فالون گونگ را لغو کرد

در طول یک کنفرانس سلامت ملی در بانکوک در سال ۲۰۰۳، مدیر مرکز تناسب اندام استراحتگاه و اسپای بانکوک ماریوت در هتل رویال گاردنز، از دکتر پایتون دعوت کرد تمرین‌های فالون گونگ را در این هتل آموزش دهد. مدیر هتل سه هفته پس از برگزاری کلاس‌ها، با دکتر پایتون تماس گرفت و به او اطلاع داد کلاس‌ها نمی‌توانند ادامه یابند. او تصدیق کرد که هتل تحت فشار سفارت چین قرار گرفته که کلاس‌ها را لغو کند.^{۲۰۰}

بعداً یکی از کارمندان این مرکز تناسب اندام به روزنامه‌نگاری گفت یک مهمان چینی از برگزاری کلاس‌های فالون گونگ شکایت کرد و بعضی از تایلندی‌ها نیز پس از اینکه تحت تأثیر رسانه‌های چینی در تایلند قرار گرفتند، نظرشان درباره فالون گونگ منفی شده است.

مورد ۲: متخصص طب سوزنی در انگلیس مجبور شد به دلیل فشار کنسولگری چین به کلینیک، شغل خود را ترک کند

ژائو لیپینگ، پزشک طب سنتی چینی و تمرین‌کننده فالون گونگ، در نوامبر ۲۰۰۲ در یک کلینیک طب چینی در ادینبرگ به‌عنوان متخصص طب سوزنی استخدام شد. در سپتامبر سال بعد، نامه‌ای از مدیر کلینیک دریافت کرد که از او درخواست کرده بود در این کلینیک درباره فالون گونگ صحبت نکند. یک هفته بعد خانم ژائو پس از گفتگو با

رئیس کلینیک متوجه شد کلینیک نامه هشدار را از کنسولگری چین در ادینبرگ دریافت کرده است.^{۲۵۱}

خانم ژائو گفت: «من هیچ کار اشتباهی انجام نداده‌ام. من یک پزشک طب چینی هستم. طبیعی است که فالون گونگ را به بیمارانم معرفی کنم. فالون گونگ به شکل مؤثری به مردم کمک می‌کند سلامت فیزیکی و ذهنی خود را به دست آورند و این یک واقعیت شناخته شده است. سال‌های زیادی فالون گونگ را تمرین کرده‌ام و تمرین تزکیه‌ام مزایای زیادی برایم داشته است. بی‌تردید اگر در دفترم در چین اسمی از فالون گونگ ببرم، مجبور می‌شوم شغلم را ترک کنم. اما برایم بسیار عجیب است که این اتفاق در انگلیس هم می‌افتد.»

۸.۶ نفوذ در مؤسسات آکادمیک

حک‌چ در دانشگاه‌ها و مدارس غربی حضور یافته تا ایدئولوژی خود را به آنجا صادر کند و نظارت بر تمرین‌کنندگان فالون گونگ و «مبارزه» با آنها و سایر گروه‌های هدف را در سراسر جهان بسط دهد. از این‌رو این رژیم توانسته از طریق کنترل مؤسسات کنفوسیوس و انجمن‌های دانشجویی چینی، و با فشار بر دانشگاه‌ها، از طریق تهدیدهای اقتصادی، برای موافقت با سانسوری که حزب کمونیست چین خواهانش است، آزار و شکنجه فالون گونگ را اجرا کند.

۱.۶.۸ مؤسسات کنفوسیوس

حک‌چ در بیشتر دوران حکومت خود و به‌ویژه در طول انقلاب فرهنگی، آیین کنفوسیوس را که یکی از بنیان‌های فرهنگ باستانی چینی است تقبیح کرده، اما در سال‌های اخیر، رژیم در کمپ‌های دانشگاهی سراسر جهان «مؤسسات کنفوسیوس» را تأسیس کرده است. تا سال ۲۰۱۳، ۴۴۰ مؤسسه کنفوسیوس در ۱۲۰ کشور افتتاح شده بود و ۶۴۶ کلاس کنفوسیوس در مدارس ابتدایی و متوسطه برگزار می‌شد.

اما این مؤسسات به‌جای تدریس فرهنگ سنتی چین و ارزش‌های کنفوسیوس، مورد استفاده حک‌چ هستند. حک‌چ از آنها برای صدور ایدئولوژی کمونیستی خود تحت نام آموزش فرهنگ و زبان، آن هم به‌عنوان بخشی از کمپین «جبهه متحد» به‌منظور نفوذ

در جامعه غربی، استفاده می‌کند.^{۲۵۲} مقامات چینی آموزگاران مؤسسات کنفوسیوس را به دقت بررسی و آنها را ملزم می‌کنند بحث کلاسی را به شکلی هدایت کنند که دیدگاه‌های ح‌ک‌چ را درباره موضوعاتی نظیر حقوق بشر و فالون گونگ ترویج دهند.

دانشجویی در مؤسسه کنفوسیوس سوفیا در بلغارستان این‌طور به خاطر آورد: «من به هیچ‌وجه چیزی درباره آموزه‌های کنفوسیوس، فیلسوف چینی، یاد نگرفتم و فلسفه شرقی را نیز نشناختم، بلکه در عوض ... روحیه حزب کمونیست را احساس کردم.»^{۲۵۳}

تعداد فزاینده‌ای از دانشگاه‌ها و مدارس پس از اطلاع از دستورکار پنهانی مؤسسات کنفوسیوس، تصمیم گرفتند این مؤسسات را تعطیل کنند. مثلاً «انجمن نظارت بر مدرسه منطقه تورنتو» که بزرگ‌ترین انجمن نظارت بر مدرسه در کانادا است، در سال ۲۰۱۴ تصمیم گرفت به قرارداد خود با مؤسسه کنفوسیوس پایان دهد. میشل جونو-کاتسویا، رئیس سابق بخش آسیااقیانوسیه در سازمان اطلاعات امنیت کانادا به «انجمن نظارت بر مدرسه منطقه تورنتو» گفت: «اطلاعاتی عمومی موجود به روشنی مشخص می‌کند که سازمان‌های ضداطلاعات غربی، مؤسسات کنفوسیوس را به‌عنوان شکلی از سازمان‌های جاسوسی شناسایی کرده‌اند که دولت چین از آنها استفاده می‌کند و آنها در استخدام دولت چین هستند.» پاملا گاف، متولی «انجمن نظارت بر مدرسه منطقه تورنتو» درباره «ارتباطات مستقیم مؤسسات کنفوسیوس و حزب کمونیست چین» هنگام تصمیم‌گیری متولیان صحبت کرد و گفت: «آنها واقعاً از عدم آزادی بیان معلمانی که در چین استخدام شده بودند تا به این مؤسسات بیایند، ناراضی بودند.»

در همان سال، بیش از ۱۰۰ تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه شیکاگو، به اتفاق هم نامه‌ای را امضاء کردند و از مسئولین دانشگاه خواستند قرارداد دانشگاه را با هانبان، دفتر اصلی مؤسسه کنفوسیوس، لغو کنند. در بخشی از این نامه آمده است: «موضوع اصلی این است: این به شدت عجیب است که نهادی خارج از دانشگاه که نهاد قدرتمندی نیز هست و توجه زیادی به آنچه تدریس می‌شود دارد، درحقیقت تأثیری جدی دارد بر اینکه به نام ما و در برنامه درسی ما، چه کسی تدریس را انجام می‌دهد و چه چیزی تدریس می‌شود.»^{۲۵۴}

«انجمن استادان دانشگاه کانادا» در دسامبر ۲۰۱۳ قانونی را تصویب کرد تا با توجه به تأثیر قوی ح‌ک‌چ بر مؤسسات کنفوسیوس، به همه ارتباطات با مؤسسات کنفوسیوس پایان دهد. جیمز ترک، مدیر اجرایی «انجمن استادان دانشگاه کانادا» گفت:

«دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کانادایی به دلیل توافق با میزبانی مؤسسات کنفوسیوس، یکپارچگی خود را به خطر می‌اندازند و به شورای بین‌المللی زبان چینی اجازه می‌دهند در بعضی مباحث آکادمیک از جمله برنامه درسی، متون درسی، و موضوعات بحث کلاسی ورود کرده و ابراز نظر کنند. این قبیل مداخله‌ها، تخلفی اساسی از آزادی آکادمیک است.»^{۲۰۵}

۲.۶.۸ انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی

بسیاری از انجمن‌های دانشجویی چینی در کمپ‌های دانشگاهی، از سفارت یا کنسولگری چین بودجه دریافت می‌کنند و زیر نظر آنها هستند. این جریان سبب می‌شود سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها، این انجمن‌ها را به سویی هدایت کنند که با رویدادهایی که تمرین‌کنندگان فالون گونگ برگزار می‌کنند مداخله کنند و دانشجویان چینی را برای تهدید و جاسوسی از تمرین‌کنندگان، جذب کنند. مثلاً بخش آموزش در کنسولگری چین در سیدنی که وظیفه‌اش تشویق دانشجویان چینی به بی‌اعتبارکردن تمرین‌کنندگان فالون گونگ در دانشگاه‌هایشان است، مطالب تبلیغاتی ضد فالون گونگ را در اختیار انجمن‌های دانشجویی چینی قرار می‌دهد، «دانشجویان بین‌المللی را برای مبارزات هدفمند» علیه تمرین‌کنندگان فالون گونگ در زمان برگزاری رویدادهای ویژه «به صف می‌کند» و دانشجویان «قابل اعتماد» را برای «کمک به کنسولگری در ایجاد چنین شرایطی» استخدام می‌کند.^{۲۰۶}

۲.۶.۸ (الف) دستکاری انتخابات برای انتصاب رؤسای طرفدار ح‌ک چ در انجمن‌ها

کنسولگری‌های چین اغلب تلاش می‌کنند مزایایی شخصی را برای رؤسای انجمن‌های دانشجویی چینی فراهم کنند تا نظر مساعد آنها را به سوی خودشان جلب کنند، از جمله دعوت از آنها برای حضور در گردهمایی‌های کنسولگری، درخواست از آنها برای سازماندهی کمیته‌های خوشامدگویی در زمان بازدید مقامات چینی از محل آنها، و معرفی آنها به رهبران سیاسی و تجاری در چین و اجتماعات چینی در خارج از چین.^{۲۰۷} همچنین معلوم شده است که مقامات کنسولگری با بسیج دانشجویان برای حمایت از

نامزدهای طرفدار حزب کمونیست چین و حمله به نامزدهای مخالف، انتخابات این انجمن‌ها را دستکاری کرده‌اند.

پیش از انتخابات ۲۰۰۴ ریاست «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» در دانشگاه مینه‌سوتا، دو عضو گروه آموزش کنسولگری چین در شیکاگو، بیش از ده عضو برجسته کمیته «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» را به شام دعوت کردند که دو تمرین‌کننده فالون گونگ به نام وانگ شیائودان و چی شوئه‌دونگ نیز در این جمع حضور داشتند. یکی از مقامات سفارت، نام و سوابق همه افراد، دانشگاه چینی که از آن فارغ‌التحصیل شدند، آدرس منزلشان در چین، جزئیات مربوط به والدینشان، و برنامه آنها برای بازگشت به چین در آینده را ثبت کرد. پس از اینکه وانگ و چی محل را ترک کردند، شخص دیگری از مقامات حاضر در مهمانی به دانشجویان گفت: «اگر فالون گونگ در دانشگاه شما فعالیتی داشته باشد، باید علیه آن اعتراض کنید. وقتی در آمریکا حضور دارید فقط می‌توانید به کنسولگری چین تکیه کنید. اگر در آمریکا اتفاقی برایتان بیفتد، فقط کنسولگری می‌تواند به کمکتان بیاید.»

وانگ شیائودان نامزد ریاست انجمن بود و با دانشجویی به نام لی مینگ رقابت می‌کرد. در روز انتخابات، به‌شکلی غیرمنتظره بیش از صد دانشجو در انتخابات حاضر شدند. لی مینگ در سخنرانی خود گفت: «فالون گونگ سعی دارد «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» را کنترل کند.» وقتی نوبت به سخنرانی وانگ شیائودان رسید، بعضی از دانشجویان فضا را آشفته کرده و از الفاظ توهین‌آمیز استفاده کردند. وقتی دانشجویی که فالون گونگ را تمرین نمی‌کرد به وانگ شیائودان رأی داد، همان موقع به او حمله و متهم شد که «یکی از پنهانی‌ترین و تأثیرگذارترین عناصر فالون گونگ در «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» است.» عاقبت لی مینگ در انتخابات برنده شد. لی پیش از انتخابات یک بار گفت دلیل نامزدی‌اش در انتخابات این است که می‌خواهد مانع انتخاب شدن وانگ شیائودان شود زیرا وانگ فالون گونگ را تمرین می‌کرد.

یو یونچینگ که از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ رئیس «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» و در سال ۲۰۰۴ یکی از اعضای مهم کمیته بود، گفت: «همه این کارها را کنسولگری چین برنامه‌ریزی کرد. شب پیش از انتخابات، کنسولگری چین با همه اعضای کمیته «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» تماس گرفت.» او به یاد آورد که بسیاری از

رؤسای دانشجویان به او گفتند هنوز خانواده‌هایشان در چین زندگی می‌کنند و نمی‌خواهند باعث گرفتاری آنها شوند.^{۲۵۸}

۲.۶.۸ (ب) ایجاد اختلال در فعالیت‌های فالون گونگ و سایر رویدادهای حقوق بشری

مینگهویی اتفاقات مختلفی را گزارش کرده است که در آن، «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» به گونه‌ای هدایت شده است که هم‌اندیشی‌ها و رویدادهای اجتماعی تمرین‌کنندگان فالون گونگ را برهم بزند.

رهبران «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» در دانشگاه کلمبیا تلاش کردند جمعی را که درباره کشتار تمرین‌کنندگان فالون گونگ به‌خاطر اعضای بدنشان به‌دست رژیم چین بود، برهم بزنند و تبلیغات ضد فالون گونگ را نیز در وبسایت کلپ دانشجویی این انجمن، منتشر کردند. پس از اینکه تمرین‌کنندگان در این باره با مدیران دانشگاه، هیئت علمی و سایر دانشجویان صحبت کردند تا آنها را از آزار و شکنجه و نقش انجمن دانشجویان چینی در بدنام‌سازی فالون گونگ به‌نمایدگی از حکم‌چ آگاه کنند، «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» مجبور شد آن مطالب افتراءآمیز را از وبسایت خود بردارد و به رهبران آن گفته شد دیگر در فعالیت‌های فالون گونگ مداخله نکنند، زیرا این قبیل اقدامات جایی در آمریکا ندارد.^{۲۵۹}

در آلمان، «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» در دانشگاه اوتو وان گوریخ ماگدبورگ در وبسایت خود نوشت: «با حمایت بخش آموزش سفارت چین، جلسه جدید انجمن دانشجویان چینی به ریاست سانگ جیانگ تشکیل می‌شود.» پس از اینکه تمرین‌کنندگان فالون گونگ در جشنواره دانشجویی شرکت کردند، سانگ از یک تمرین‌کننده خواست جزئیاتی درباره زندگی شخصی‌اش به او بگوید. سال بعد، تمرین‌کنندگان مجاز نبودند در جشنواره شرکت کنند زیرا رئیس «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» تبلیغات افتراءآمیز حکم‌چ را به میزبان داده و به آنها هشدار داده بود اگر تمرین‌کنندگان اجازه یابند تمرینات فالون گونگ را نمایش دهند، میان دانشجویان چینی درگیری ایجاد خواهد شد.

مشخص شده است که انجمن‌های دانشجویی چینی در دانشگاه‌های مختلف در همان منطقه، از تبلیغات افتراءآمیز آنلاین یکدیگر به‌منظور حمله به فالون گونگ کپی کرده و از استراتژی‌های مشابه برای تداخل در رویدادهای مشابه استفاده می‌کنند.^{۳۰}

۲.۶.۸ (پ) جذب دانشجویان و اجبار آنها به جاسوسی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ

در سال ۲۰۰۶، پس از اینکه مشخص شد یکی از دیپلمات‌های چینی به نام وانگ پنگفی به اعضای انجمن دانشجویی چین در دانشگاه اوتاوا پول داده تا اطلاعاتی درباره تمرین‌کنندگان فالون گونگ جمع‌آوری کنند، مجبور شد کانادا را ترک کند. جانگ لینگدی که در این دانشگاه درس می‌خواند، ایمیلی از سوی شخصی دریافت کرد که مدعی بود آقای شو، معاون انجمن دانشجویی چین، است.

در این ایمیل آمده بود: «انجمن دانشجویی چین را مستقیماً اداره آموزش سفارت چین در کانادا اداره می‌کند، و ما هر حرکت شما را زیر نظر داریم.» آقای شو در این ایمیل به کنفرانس‌ها و سایر فعالیت‌هایی اشاره کرده بود که جانگ در آنها شرکت کرده بود تا برای نجات پدرش جانگ کونلون کاری انجام دهد. پدر جانگ به‌دلیل تمرین فالون گونگ در چین به‌صورت غیرقانونی دستگیر شده بود. همچنین در ایمیل آمده بود: «بر اساس گزارش دانشجویان و تحقیقات رهبران انجمن دانشجویی، شما هنوز یک تمرین‌کننده فالون گونگ هستید.» ظاهراً شو از تاکتیک ارباب و تهدید استفاده کرده و در ادامه ایمیل، جزئیاتی از اطلاعات شخصی و خانوادگی یک تمرین‌کننده فالون گونگ در اوتاوا را بیان کرده بود.^{۳۱}

یکی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ به‌نام آقای شو (هیچ ارتباطی با آقای شو که در بالا ذکر شد ندارد) که معاون سابق «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» در دانشگاه فلوریدای آتلانتیک بود تجربه‌اش را پس از شروع آزار و شکنجه فالون گونگ در سال ۱۹۹۹ به یاد آورد:^{۳۲}

«رئیس «انجمن‌های محققان و دانشجویان چینی» به دیدنم آمد و سعی کرد مرا متقاعد کند از تمرین فالون گونگ دست بکشم. البته که من از قبول این درخواست خودداری کردم و واقعیت‌هایی را درباره فالون گونگ برایش توضیح دادم. در پایان او با ناراحتی

گفت: "اگر نمی‌خواهی از فالون گونگ دست بکشی، مجبورم تو را به کنسولگری چین در هیوستون گزارش کنم. آنها نام افراد را از من می‌خواهند."

از آن زمان به بعد، اگرچه قبلاً دوستان خوبی بودیم، اما او همیشه در دیدار با من، عجیب و فریبنده به نظر می‌رسید. پس از اینکه تمرین‌کنندگان فالون گونگ درخواست کردند در جشنواره دانشجویان بین‌المللی حضور یابند و اجازه یافتند تمرین‌های فالون گونگ را روی سن اجرا کنند، او به گونه‌ای عمل کرد که گویا با دشمنی ترسناک روبرو شده است. او چند بار به دیدن مدیران دانشگاه و برگزارکنندگان این رویداد رفت تا با آنها به تفاهم برسد و مانع حضور ما شود. حتی گفت: «شما به این دلیل این کار را انجام می‌دهید که دیگر نمی‌خواهید به چین بازگردید، اما عزیزان من هنوز در چین هستند و من هنوز می‌خواهم به آنجا برگردم. آنها گفتند اگر کارها را این‌گونه انجام ندهم، من نیز گرفتار می‌شوم. فقط با گزارش دادن شما می‌توانم خودم را آزاد کنم.»

۳.۶.۸ سانسور دانشگاه‌های خارجی با تهدید به ازبین‌رفتن عایدات به‌دست‌آمده از دانشجویان بین‌المللی

یکی از سازمان‌های دانشجویی دانشگاه فناوری سیدنی، کلپ مدیتیشن فالون دافا بود که در آوریل ۲۰۰۵ میزبان نمایشگاه بین‌المللی هنر حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری بود تا درباره آزار و شکنجه فالون گونگ در چین اطلاع‌رسانی کند.

پس از این رویداد، دانشگاه فناوری سیدنی تحت فشار رژیم چین قرار گرفت. حزب کمونیست چین تهدید کرده بود که سرمایه‌گذاری‌های دانشگاه در شانگهای و هنگ‌کنگ را به خطر خواهد انداخت. از آنجا که دانشگاه فناوری سیدنی هر سال دانشجویان بین‌المللی زیادی را از چین جذب می‌کند، مدیران دانشگاه ابتدا درخواست ح‌ک‌چ را اجابت کردند و چند روزی، اطلاعات مربوط به کلاب فالون دافا را از وب‌سایت دانشگاه فناوری سیدنی برداشتند.

انجمن دانشجویان دانشگاه فناوری سیدنی در ژوئن ۲۰۰۵ قانونی تصویب کرد و درباره رفتار غیرمنصفانه با گروه فالون گونگ نامه‌ای اعتراض‌آمیز به مدیریت دانشگاه، وزرای امور خارجه و آموزش و پرورش استرالیا، و سایر مقامات نوشت. میشل اسپارک، رئیس انجمن دانشجویان، در نامه‌ای دیگر به وزیر امور خارجه نوشت: با توجه به اینکه آزار و

شکنجه فالون گونگ مدتی طولانی ادامه داشته است، اگر دانشگاه درباره این آزار و شکنجه ساکت بماند، به مثابه مشارکت در این جنایت خواهد بود.

از آنجاکه بعداً دانشگاه فناوری سیدنی موضعی اصولی اتخاذ کرد و دیگر حاضر نشد تبلیغ کلوپ فالون دافا را از وبسایت خود حذف کند، رژیم چین دسترسی به وبسایت انگلیسی دانشگاه در چین را مسدود کرد. در یک جلسه شورای دانشگاه در ماه ژوئن اعلام شد دلیل اصلی دانشگاه برای افزایش تعداد دانشجویانی که باید شهریه کامل را پرداخت می‌کردند، عدم دسترسی متقاضیان به وبسایت آن در چین بود که موجب کاهش درآمد این دانشگاه از جذب دانشجویان بین‌المللی شده بود.^{۲۶۳}

۸.۷ ایجاد محدودیت سفر برای تمرین‌کنندگان

مورد ۱: کنسولگری‌ها از تجدید گذرنامه چینی برای تمرین‌کنندگان امتناع می‌کنند مگر اینکه آنها از فالون گونگ دست بکشند

حتی زمانی که تمرین‌کنندگان فالون گونگ به‌عنوان دانشجویان مقیم دائمی در خارج از چین زندگی می‌کنند نیز حاکم دائماً از رعایت حقوق اساسی آنها سر باز می‌زند و گذرنامه چینی آنها را تمدید نمی‌کند که سبب می‌شود تبدیل به افرادی بدون کشور شوند. در این موارد، مقامات کنسولگری اغلب دلیلی برای عدم تمدید گذرنامه ارائه نمی‌کنند. آنها وقتی تحت فشار قرار گیرند، از تمرین‌کنندگان می‌خواهند برگه‌ای را مبنی بر دست‌کشیدن از فالون گونگ امضا کنند تا گذرنامه‌شان تمدید شود.

لی چینگ، دانشجوی دوره دکترا در دانشگاه استنفورد در سال ۲۰۰۴ برای تمدید گذرنامه خود از طریق کنسولگری چین اقدام کرد تا بتواند سفری تحصیلی به آلمان داشته باشد.^{۲۶۴} وقتی دلیل عدم تمدید گذرنامه‌اش را جویا شد، مدیر بخش گذرنامه گفت: «شما به فعالیت‌هایی مشغولید که با حکومت مخالف است...» او بدون اتمام توضیحاتش، تلفن را قطع کرد.

پس از اینکه استاد راهنمای لی و مدیر دانشجویان بین‌المللی دانشگاه به کنسولگری نامه نوشتند، کنسولگری به او وقت ملاقات داد. اما برای تمدید گذرنامه‌اش لازم بود اظهاریه تضمینی را امضاء کند دال بر اینکه دیگر فالون گونگ را تمرین نمی‌کند. او از این کار اجتناب کرد.

مسئول دانشکده لی سعی کرد مدارک جایگزین دیگری برایش آماده کند تا او بتواند به آلمان سفر کند و مجدداً به آمریکا بازگردد، اما این کار از نظر مدیر دانشجویان بین‌المللی بسیار پرخطر بود. لی درباره نگرانی مدیر اینگونه توضیح داد:

«شاید من هنگام ترک آمریکا مشکلی نداشته باشم، اما اگر در گمرک آلمان متوقف شوم، ممکن است به چین بازگردانده شوم. از آنجاکه به‌عنوان یک تمرین‌کننده فالون گونگ در لیست سیاه دولت چین هستم، اگر اخراج شده و به چین بازگردانده شوم، اوضاعم وحشتناک خواهد بود... مدیر و مسئول دانشکده هر دو از استاد راهنمایم درخواست کردند اطمینان یابد که من به آلمان نخواهم رفت. عمیقاً تحت تأثیر قرار گرفتم. من فقط یک دانشجوی خارجی بودم که صرفاً یک بار آنها را دیده بودم. نگرانی خالصانه آنها درباره امنیت شخصی من، کاملاً در تضاد با رفتار هموطنان بی‌رحم بود که مرا تبدیل به یک پناهنده کردند که قادر به بازگشت به کشورش نیست.»

سپس لی به خاطر آورد:

«چند ماه بعد، افرادی از اداره امنیت ملی به خانواده‌ام در چین گفتند: "این کشور اهمیت زیادی برای دختر با استعداد شما قائل است. امیدواریم او پس از اتمام تحصیلاتش به کشور بازگردد و به میهن خود خدمت کند." مادرم با عصبانیت پاسخ داد: "شما حتی گذرنامه او را تمدید نمی‌کنید. او دیگر شهروند این کشور نیست. چطور انتظار دارید برگردد و به کشورش خدمت کند؟" همچنین افرادی از اداره امنیت ملی از خانواده‌ام خواستند مرا متقاعد کند از تمرین تزکیه فالون گونگ دست بکشم.»

مورد ۲: به دختر شایسته کانادا، اجازه ورود به چین داده نشد

یکی از مواردی که به شکل گسترده مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت، مربوط به آناستازیا لین، دختر شایسته کانادا بود که برای دور نهایبی مسابقه دختر شایسته در دسامبر ۲۰۱۵، دعوت‌نامه و ویزای ورود به چین به او داده نشد. ورود لین به چین به این دلیل ممنوع شد که او تمرین‌کننده فالون گونگ بود و درباره آزار و شکنجه فالون گونگ و سایر موارد نقض حقوق بشر در چین، صحبت کرده و به مردم اطلاع‌رسانی کرده بود.

اما لین خارج از چین حامیان بسیاری کسب کرد. ایمی میلز، سخنگوی امور خارجه کانادا، گفت: «کانادا خانم لین را به دلیل تلاش برای اطلاع‌رسانی درباره این مسائل، تحسین می‌کند.» او همچنین از طرف دولت کانادا ابراز نگرانی کرد چراکه دولت چین خانواده خانم لین را در چین مورد آزار و اذیت قرار داده است.

نیویورک تایمز نوشت: «نبرد داوود و جالوتی که او با دولت چین دارد، توجه همدلانه رسانه‌ها و حامیان بسیاری از سراسر جهان را جلب و حتی پایگاه بزرگ‌تری را برایش فراهم کرده تا بتواند درباره زندانی و شکنجه‌شدن پیروان فالون گونگ در چین صحبت کند.»

۸.۸ اجبار تمرین‌کنندگان به جاسوسی برای ح‌ک‌چ

تعداد زیادی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ که به چین سفر کردند، ربوده شدند، مورد بازجویی قرار گرفتند و تهدید شدند که پس از بازگشت به خارج، جاسوسی سایر تمرین‌کنندگان را بکنند.

مورد ۱: دانشجویانی که در آمریکا درس می‌خواندند، پس از بازگشت به چین برای ازدواج، در فرودگاه پکن دستگیر شدند

لی یو، دانشجوی چینی که در آمریکا تحصیل می‌کرد، در ۲۱ مه ۲۰۱۳ همراه نامزدش در گمرک فرودگاه بین‌المللی پکن بود که مأموران اداره امنیت داخلی پکن دستگیرش کردند. این زوج قصد داشتند به شهر خودشان بروند تا آنجا با یکدیگر ازدواج کنند، اما

به جای آن، چند هفته اول سفرشان را جدا از هم گذراندند و پلیس آنها را تحت بازجویی قرار داد. لی یو تحت فشار و ارباب و تهدید، موافقت کرد جاسوسی سایر تمرین کنندگان را کرده و پس از بازگشت به آمریکا، اطلاعاتی درباره فعالیت‌های فالون گونگ تهیه کند. او پس از بازگشت به آمریکا تصمیم گرفت این توطئه و شرایط سختش در طول اقامتش در چین را افشاء کند.

پس از دستگیری لی، چشم‌هایش را بستند و او را به آپارتمانی بردند که برای بازجویی‌ها استفاده می‌شد. پس از چند روز، مأموران از او خواستند جزئیات فعالیت‌های فالون گونگ را که در آمریکا در آنها شرکت کرده بود بیان کند، تجربه‌اش را از کنفرانس‌هایی که شرکت کرده بود به اشتراک بگذارد، بگوید همراه چه کسی در این کنفرانس‌ها حضور یافته، و اینکه در راهپیمایی فالون گونگ در کدام قسمت ایستاده است. آنها پرسیدند شن یون در شهر محل اقامت او در کدام سالن تئاتر اجرا خواهد داشت و اجراکنندگان در کدام هتل اقامت خواهند کرد. مأموران وسایل الکترونیکی او را نیز جستجو کردند و خواستند که رمز عبور حساب‌های اسکایپ، کیوکیو، ایمیل، و رن‌رن (یک شبکه اجتماعی چینی) خود را بگوید تا بتوانند از طریق آن سایر تمرین کنندگان فالون گونگ را شناسایی کنند و تحت نظر قرار دهند.

مأموران پیش از آزاد کردن لی به او گفتند به آمریکا برگردد و مانند گذشته در فعالیت‌های فالون گونگ شرکت کند، اما باید به صورت منظم و با استفاده از یک حساب ایمیل ویژه و خط تلفنی که برایش تهیه کرده‌اند، به آنها گزارش دهد. آنها گفتند به وارد شدن به حساب‌های شبکه اجتماعی او ادامه خواهند داد تا سایر تمرین کنندگان را تحت نظر بگیرند. به او آموزش دادند که چطور به سؤالات سایرین درباره اتفاقی که در چین برایش افتاده پاسخ دهد، زیرا دستگیری او در وبسایت مینگهویی گزارش شده بود. در آخر مأموران از او قول گرفتند که رازنگهدار باشد و تهدید کردند که اگر درباره جاسوس بودنش حرفی بزند، والدینش را از کار بیکار می‌کنند. پس از بازگشت لی به آمریکا، یک مأمور پلیس و یکی از مأموران حزب کمونیست چین از طریق اسکایپ با او تماس گرفتند و در رابطه با جمع‌آوری اطلاعات درباره سایر تمرین کنندگان، شش وظیفه ویژه به او محول کردند.

شوهر لی سه روز در پکن بازداشت شد، یک هفته به زادگاهش در لانگ فانگ بازگردانده شد و به یک مرکز شستشوی مغزی منتقل شد.^{۲۶۰}

مورد ۲: آزار و اذیت تمرین‌کننده انگلیسی به دست مأموران امنیت دولتی پکن

لیانگ یونشیانگ، تمرین‌کننده چینی‌الاصول مقیم انگلیس، در سال ۲۰۱۰ به دیدار والدینش در پکن رفت. او دستگیر و ۷ ساعت مورد بازجویی قرار گرفت. در پایان، مأموران مجبورش کردند ضمن نوشتن تعهدنامه‌ای، سوگند یاد کند که هرگز در فعالیت‌های برون‌مرزی فالون گونگ شرکت نمی‌کند. او پس از بازگشت به انگلستان، ایمیلی از این مأموران دریافت کرد که در آن از او می‌خواستند تماس خود را با آنها قطع نکند. در زیر گزیده‌ای از تجربه او در چین ارائه شده است:^{۲۶۶}

یک مأمور گمرک پس از واردکردن اطلاعات گذرنامه‌ام در رایانه، همان‌طور که اطلاعات را روی رایانه مرور می‌کرد و درحالی‌که نامم را با صدای بلند می‌خواند، آشکارا عصبانی شد. سپس برگشت و با مأمور دیگری صحبت کرد. آن مأمور دیگر تماسی تلفنی گرفت. یک دقیقه بعد، اجازه دادند وارد پکن شوم.

چیزی نگذشت که یک مرد و یک زن که هر دو پیراهن مشکی به تن داشتند مرا مورد تعقیب قرار دادند.

مأموران امنیت کشور مرا به یک ساختمان مسکونی شش طبقه به نام تیان ژولو در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی اصلی پکن بردند. دو نفر از آنها به نوبت از من بازجویی کردند و سؤالاتی پرسیدند نظیر اینکه: «در چه فعالیت‌هایی در خارج از چین شرکت داشته‌ای؟» «محل‌های تمرین کجا هستند؟» «تمرین‌کنندگان کجا با یکدیگر مطالعه می‌کنند؟» «آیا اعضای گروه مارش تیان گوئو را می‌شناسی؟» «آیا برای شرکت در فعالیت‌های فالون گونگ به کشورهای دیگر رفته‌ای؟» آنها به دنبال اسامی اعضای انجمن فالون دافا در خارج از کشور و شماره تلفن تمرین‌کنندگان خارج از کشور نیز بودند.

به اسامی تعدادی از تمرین‌کنندگان پکن اشاره کردند که مقیم خارج از کشور بودند و پرسیدند که آیا آنها را می‌شناسم. گفتم چیزی در این باره نمی‌دانم. پرسیدند که چگونه از مکان و زمان فعالیت‌های برگزارشده آگاه می‌شوم، آیا تمرین‌کنندگان در چین را می‌شناسم و آیا از زمانی که برگشته‌ام آنها را ملاقات کرده‌ام، آیا وضعیت فعلی‌ام را به تمرین‌کنندگان خارج از چین گزارش داده‌ام و آیا شهروندی بریتانیایی هستم.

قبل از اینکه چیزی بگویم، یکی از رؤسای اداره امنیت کشور به نام لی سرم فریاد کشید و گفت که از هرچه در خارج از کشور انجام داده‌ام مطلع هستند و بهتر است اقرار کنم که چه کارهایی انجام داده‌ام. گفت که اگر اقرار نکنم در چه فعالیت‌هایی حضور داشته‌ام و آنها مجبور شوند جزء‌به‌جزء آنها را برایم شرح دهند، این کار بدون پیامد نخواهد بود. قبل از آن پدرم به من اخطار داده بود که اگر همکاری نکنم، مأموران مرا تحویل اداره پلیس می‌دهند و از آنجا مرا به یک اردوگاه کار اجباری می‌فرستند. وحشت‌زده بودم.

مأموران مرا به یک ساختمان اداری در نزدیکی پل گوان‌یوان در منطقه شیچنگ پکن بردند. این بار، نام تعدادی از تمرین‌کنندگان را فاش کردم. همچنین شماره موبایل خویشاوندم در خارج از چین و آدرس ایمیل خود را به آنها دادم.

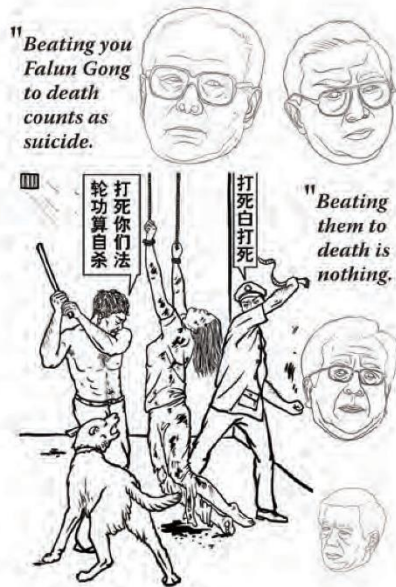
در ۲۸ اوت به انگلستان بازگشتم. چند روز بعد یکی از دوستانم در استرالیا تماس گرفت و گفت که پیام‌های متنی مزاحمت‌آمیزی را از طریق موبایلش دریافت کرده است. بعداً یکی از همکارانم که تمرین‌کننده نیز بود یک مسافرت کاری به چین داشت. مأموران امنیت کشور او را پیدا کرده و مجبورش کردند تعهدنامه‌ای بنویسد. متوجه شدم که مأموران توانسته‌اند بدون اطلاع از رمز عبورم ایمیل مرا هک کنند.

در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۰، یک ایمیل تهدیدآمیز از مأموری دریافت کردم. او گفت اگر سر قولم باشم و هرگز در فعالیت‌های فالون دافا شرکت نکنم، آنها نیز به قولشان عمل خواهند کرد و می‌توانم برای همیشه به چین رفت‌وآمد داشته باشم. همچنین در ادامه گفت که می‌خواهند با من در تماس باشند.

در ژانویه ۲۰۱۱، آن مأمور با پدرم تماس گرفت و برایش مزاحمت ایجاد کرد. وقتی یکی از خویشاوندم در خارج از کشور برای دیدوبازدید به چین بازگشت، مأموران امنیت کشور با او صحبت کرده و مجبورش کردند آدرس مرا در انگلستان به آنها بدهد.



بخش ۲: عاملان اصلی آزار و شکنجه



بخش ۲: عاملان اصلی آزار و شکنجه

کمپین ضد فالون گونگ همانند کمپین‌های قبلی در طول تاریخ حزب کمونیست، با اصطلاحات عمدتاً فراقانونی، مثلاً «به‌عنوان سرکوب خشونت‌آمیز» (دوژنگ) طراحی و اجرا شد نه به‌عنوان یک فعالیت عادی سیستم دادرسی کیفری. بنابراین مقامات حزب، قضات و مأموران پلیس مجبور هستند خارج از حیطه‌های قانونی عمل کنند.

همانند اهداف کمپین‌های «دوژنگ» قبلی در چین، افرادی که تمرین‌کننده فالون گونگ هستند، تحت عناوین «دشمن دولت»، «عنصر متخاصم»، «ضد بشریت»، «ویروس» ضد جامعه» و سایر شکل‌های تحقیرآمیز، بد جلوه داده می‌شوند تا مقامات به پیروی معمول از موارد نقض حقوق بشر تحریک شوند و به چنین اقداماتی مشروعیت داده شود.

خلاصه اینکه، این آزار و شکنجه هیچ‌گونه مبنای قانونی ندارد.

نکات برجسته کلیدی

جیانگ زمین، رهبر پیشین ح‌ک‌چ، شخصاً برنامه «دوژنگ» را علیه فالون گونگ برنامه‌ریزی و هدایت کرد. جیانگ نظر خودش را به رهبری رده‌بالای حزب تحمیل کرد تا فالون گونگ را به‌عنوان تهدیدی که نیروهای خارجی از آن حمایت می‌کنند، سرکوب کند، و تأسیس اداره ۶۱۰ را رهبری کرد تا کمپینش را به اجرا درآورد و به‌منظور توجیه سرکوبش، چارچوبی را برای راه‌اندازی موجی از تبلیغات افتراءآمیز برنامه‌ریزی کرد.

کمپین آزار و شکنجه از طریق اداره ۶۱۰ اجرا می‌شود که با کمیته امور سیاسی و حقوقی (PLAC) کاملاً هماهنگ و یکپارچه است و از کمیته مرکزی ح‌ک‌چ گرفته تا سطح محله و روستا گسترش می‌یابد. اداره ۶۱۰ کارمندان دولت را برای انجام «تبدیل»

تمرین‌کنندگان فالون گونگ هماهنگ می‌کند. آن به‌عنوان بخشی از این عملکرد، کارکنان قضایی و انتظامی را مجبور به دستگیری و مجازات تمرین‌کنندگانی می‌کند که بر ایمان‌شان ثابت‌قدم هستند. شعب محلی اداره ۶۱۰ نیز مستقیماً در دستگیری، بازداشت، شکنجه و شستشوی مغزی تمرین‌کنندگان مشارکت می‌کنند. درحالی‌که جیانگ زمین طراح و هدایت‌کننده این کمپین بود، سایر مقامات عالی‌رتبه، در راه‌اندازی و محقق کردن این آزار و شکنجه نقش اصلی را ایفا کردند.

آنها شامل افراد زیر هستند:

لوئو گان (罗干)، عضو کمیته دائمی پولیت‌بورو، دبیر کمیته امور سیاسی و حقوقی مرکزی، رئیس اداره ۶۱۰ مرکزی

زنگ چینگ‌هونگ (曾庆红)، دبیر دبیرخانه کمیته مرکزی ح‌ک‌چ و رئیس بخش سازمان ح‌ک‌چ

لیو جینگ (刘京)، معاون وزیر امنیت عمومی و رئیس اداره ۶۱۰

ژو یونگ‌کانگ (周永康)، وزیر امنیت عمومی

لی لانچینگ، اولین رئیس اداره ۶۱۰ مرکزی

جیانگ زمین در هدایت و اداره آزار و شکنجه فالون گونگ، قانون اساسی چین، قانون کیفری چین و قوانین بین‌المللی علیه نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت را نقض کرده است. از سال ۲۰۱۵، بیش از ۲۰۰ هزار تمرین‌کننده فالون گونگ شکایاتی حقوقی را علیه جیانگ در بالاترین دادگاه چین ثبت کرده‌اند، آن هم به‌خاطر آسیب‌ها، نقض حقوق بشر و خسارات مالی‌ای که در نتیجه دستور او مبنی بر راه‌اندازی آزار و شکنجه متحمل شده‌اند.



فصل ۹: عاملان اصلی جنایت

طی هفت سال بین معرفی فالون گونگ به عموم در سال ۱۹۹۲ و شروع آزار و شکنجه در سال ۱۹۹۹، این روش به سرعت از طریق معرفی کلامی و از فردی به فرد دیگر گسترش یافت، چراکه مردم تأثیراتش را در زمینه بهبود سلامتی و اخلاقیات تجربه می‌کردند. تا پایان دهه ۱۹۹۰، حدود ۱۰۰ میلیون نفر در حال تمرین فالون گونگ بودند. جیانگ زمین، رهبر ح‌ک‌چ، به خاطر ترس از محبوبیت روزافزون فالون گونگ و حسادت به آن، این آزار و شکنجه را برنامه‌ریزی و راه‌اندازی کرد، گسترشش داد و عهد کرد که «طی سه ماه فالون گونگ را نابود کند.»

۱.۹ نقش جیانگ زمین

در آن زمان، جیانگ در سه جایگاه اصلی مشغول به کار بود: او به‌عنوان دبیرکل ح‌ک‌چ (۱۹۸۹ تا ۲۰۰۲)، رئیس‌جمهور چین (۱۹۸۹ تا ۲۰۰۳)، و رئیس کمیسیون مرکزی نظامی (۱۹۸۹ تا ۲۰۰۵) فعالیت داشت. به عبارت دیگر، او از طریق کنترل حزب، دولت و ارتش، قدرت مطلق را در اختیار داشت.

پس از آنکه تمرین‌کنندگان فالون گونگ برای آزادی تمرین‌کنندگانی که به‌ناحق در تیانجین دستگیر شده بودند، در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۹۹، در اداره استیناف ملی در پکن به‌طور مسالمت‌آمیزی دادخواهی کردند (به ضمیمه ۱ مراجعه کنید)، جیانگ به پولیت‌بورو دستور داد برای حمله به فالون گونگ دست به اقدامی فوری بزند. وقتی پولیت‌بورو با دستور او مخالفت کرد، جیانگ با نوشتن نامه‌ها و ایراد سخنانی برای رهبران عالی‌رتبه، کمپینش را پیش برد. پس از آن دستور داد «گروه رهبری مرکزی برای رسیدگی به مسئله فالون گونگ» و بازوی عملیاتی آن، «اداره ۶۱۰» (بر اساس دهم ژوئن، تاریخ تأسیسش، نامگذاری شد) برای اجرای آزار و شکنجه تأسیس شوند. جیانگ همچنان به مقاومت خود ادامه داد و سرانجام به اعلام این کمپین علیه فالون گونگ از طریق وزارت امور مدنی، متوسل شد.

جیانگ بعد از اینکه از سمت‌هایش به‌عنوان دبیرکل و رئیس‌جمهور بازنشسته شد، با استفاده از زمان تمدیدشده‌اش به‌عنوان رئیس کمیسیون نظامی مرکزی و انتصاب پیروان وفادارش در سمت‌های اصلی رهبری، به نظارت بر آزار و شکنجه ادامه داد. تعداد اعضای کمیته دائمی پولیت‌بورو را از هفت عضو به نه عضو گسترش داد و لوئو گان (مسئول نیروهای امنیتی به‌عنوان رئیس کمیته امور سیاسی و حقوقی) و لی چانگ‌چون (مسئول تبلیغات) را اضافه کرد. جیانگ برای پیشبرد سیاست آزار و شکنجه‌اش، متحدان دیگری را نیز شناسایی کرد، از جمله زنگ چینگ‌هونگ (عضو کمیته دائمی پولیت‌بورو و دبیر دبیرخانه کمیته مرکزی ح‌ک‌چ) و ژو یونگ‌کانگ (وزیر امنیت عمومی).

۱.۱.۹ سیاست آزار و شکنجه

در آغاز آزار و شکنجه، جیانگ دستور داد: «شهرت آنها را لکه‌دار کنید، آنها را از نظر مالی ورشکسته کرده و از نظر جسمی نابودشان کنید.» همچنین اظهار داشت: «ضرب‌وشتم آنها حتی اگر منجر به مرگ شود هیچ اهمیتی ندارد؛ ضرب‌وشتم آنها تا سرحد مرگ خودکشی تلقی می‌شود» و «[پس از مرگ تحت بازداشت پلیس] هویتشان مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و جسدشان به‌طور مستقیم سوزانده می‌شود.»

۱.۱.۹ (الف) افترا

جیانگ برای توجیه چنین آزار و شکنجه وحشیانه و گسترده‌ای، مجموعه‌ای از کمپین‌های تبلیغاتی را راه‌اندازی کرد تا فالون‌گونگ را مانند یک «فرقه شیطانی» و تمرین‌کنندگان را مانند افرادی مبتلا به بیماری روانی به تصویر بکشد که برای جامعه خطرناک محسوب می‌شوند. از جمله بدنام‌ترین کمپین‌هایش رویداد خودسوزی صحنه‌سازی‌شده در میدان تیان‌آن‌من است که در آن افرادی که ادعا می‌کردند تمرین‌کننده فالون‌گونگ هستند خودشان را به آتش کشیدند (به ضمیمه ۲ مراجعه کنید) و نیز مجموعه‌ای از ۱۴۰۰ مرگ که مدعی بودند ناشی از فالون‌گونگ است (به پیوست ۳ مراجعه کنید). جیانگ همچنین با تفسیر نادرست دادخواهی مسالمت‌آمیز تمرین‌کنندگان در دفتر استیناف ملی به‌عنوان «محاصره» مقرر حکومت مرکزی (به

پیوست ۱ مراجعه کنید)، فالون گونگ را تهدیدی برای حاکمیت ح کچ قلمداد و ادعا کرد که آن توطئه‌ای از سوی دولت‌های غربی برای بی‌ثبات کردن رژیم چین است.

از آن زمان، کل جمعیت چین با تبلیغات دروغین منتشرشده در شبکه‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها و سایر رسانه‌های تحت کنترل دولت، اشباع شده‌اند. بر اثر تبلیغاتی که به کتاب‌های درسی، امتحانات دانشگاهی و فعالیت‌های اجباری نکوهش‌گرانه، اضافه شده، نسلی کامل از کودکان از فالون گونگ متنفر شده‌اند. ح کچ همچنین از طریق رسانه‌های بین‌المللی که تحت کنترل حزب هستند و از طریق سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های چین، بدنام کردن فالون گونگ را به خارج از چین گسترش داده است.

۱.۱.۹ (ب) نابودکردن از نظر مالی

همانطور که در فصل ۲ نشان داده شد، تمرین‌کنندگان فالون گونگ از کارشان اخراج و از حقوق بازنشستگی و فرصت‌های تحصیلی محروم شده‌اند. مقامات همچنین با ربودن تمرین‌کنندگان و مطالبه پول از خانواده‌های آنها در قبال آزادی‌شان (روندی غیرقانونی)، و از طریق توقیف پول و اموال شخصی تمرین‌کنندگان در حین حمله به خانه‌هایشان، مبالغ هنگفتی از آنها اخاذی کرده‌اند.

۱.۱.۹ (پ) نابودکردن از نظر جسمی

دستور «نابودکردن آنها از نظر جسمی» از طریق شکنجه در اردوگاه‌های کار اجباری، زندان‌ها و سایر بازداشتگاه‌ها، و نیز کشتار تمرین‌کنندگان از طریق برداشت اجباری اعضای بدنشان، برای استفاده در عمل‌های جراحی پیوند عضو در بیمارستان‌های دولتی و نظامی، انجام شده است.

۲.۱.۹ اقدامات تلافی‌جویانه علیه تمرین‌کنندگان به‌خاطر افشاگری درخصوص

آزار و شکنجه در اینترنت

درحالی‌که رژیم چین می‌توانست از طریق کنترل کاملش بر رسانه‌های سنتی، اطلاعات مربوط به آزار و شکنجه را سانسور کند، افزایش دسترسی به اینترنت وضعیت بحث‌برانگیزی را برای مقامات کمونیستی ایجاد کرد. در نتیجه آنها سیلی از محدودیت‌ها

را برای محتوایی که به طور فزاینده‌ای در دسرساز بودند به اجرا درآوردند و نیز الزاماتی نظارتی را در خصوص اپراتورهای وبسایت‌ها و کافی‌نت‌ها در نظر گرفتند.

در روزهای حوالی شروع آزار و شکنجه در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، ارتباطات ایمیلی در سراسر چین کاهش یافت و سرویس‌های محبوب ایمیل چین مانند 163.com غیرقابل دسترسی بود. پلیس فعالیت‌های آنلاین در خصوص مضامین مربوط به فالون گونگ را نیز تحت نظر قرار داد. از سال ۲۰۰۲، حدود ۲۰ استان دارای کارکنان پلیس ویژه بودند که برای تعقیب کاربران اینترنتی به اصطلاح «خرابکار» آموزش دیده بودند.

از زمان شروع آزار و شکنجه، تمرین‌کنندگان اطلاعات مربوط به موارد آزار و شکنجه محلی‌شان را به وبسایت مینگهویی ارسال کرده‌اند و سپس این اطلاعات از طریق این وبسایت در اختیار کلیه تمرین‌کنندگان در چین و سایر مناطق قرار می‌گیرد. بنابراین مقامات چینی همگی استفاده از وبسایت مینگهویی را به‌عنوان «مسئله اصلی» مورد هدف قرار داده و این وبسایت را در اولویت بالاتر برای سانسور قرار دادند. از ژوئیه ۱۹۹۹ تا آوریل ۲۰۰۴، دست‌کم ۹۷ نمونه مستند وجود دارد مربوط به تمرین‌کنندگان فالون گونگی که به‌خاطر ارسال اطلاعات به وبسایت مینگهویی یا دانلودکردن اطلاعات از این وبسایت دستگیر، بازداشت و زندانی شدند، به اردوگاه‌های کار اجباری منتقل یا شکنجه شدند. برخی از تمرین‌کنندگان تا سرحد مرگ شکنجه و برخی دیگر به ۱۵ سال زندان محکوم شدند. در زیر چند نمونه ارائه شده است.

مورد ۱: یوان جیانگ پس از فرار از شکنجه، در نتیجه آسیب‌های وارده فوت می‌شود

یوان جیانگ در سال ۱۹۹۳ تمرین فالون گونگ را آغاز کرد. پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه چینگ‌هوا در سال ۱۹۹۵، به زادگاهش در استان گانسو بازگشت و داوطلب شد که یک مکان آموزشی درباره فالون گونگ را اداره کند. او همچنین در سمت معاونت مدیرکل یک شرکت مهندسی فناوری اطلاعات، تحت اداره ارتباطات شهر لانژو، فعالیت داشت.^{۲۶۷}

پس از شروع آزار و شکنجه فالون گونگ در سال ۱۹۹۹، آقای یوان رابط اصلی برای ارتباط با وبسایت مینگهویی در استان گانسو شد و در زمینه جمع‌آوری و توزیع اطلاعات بین تمرین‌کنندگان محلی و وبسایت، همکاری می‌کرد.

بعداً آقای یوان از سمت شغلی‌اش، مدیرکلی، عزل شد چراکه حاضر نشد از ایمانش دست بکشد. او در ژانویه ۲۰۰۱ برای اجتناب از آزار و شکنجه‌های مجدد، مجبور به ترک خانه شد اما در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۱ به‌خاطر همراه‌نداشتن کارت شناسایی در اتوبوس دستگیر شد.

مأموران اداره امنیت عمومی استان گانسو پس از دستگیری آقای یوان، تقریباً یک ماه او را شکنجه کردند. یوان موفق شد حوالی ۲۶ اکتبر فرار کند. او که به‌خاطر شکنجه‌ها و اعتصاب غذای طولانی‌مدت، به‌شدت آسیب دیده بود، فوق‌العاده ضعیف شده بود. در راه‌رفتن مشکل داشت و به داخل غاری رفت و در آنجا چهار روز بی‌هوش بود. در همین حین، دو تا سه‌هزار مأمور پلیس نظامی برای جستجوی او به سراسر لانژو اعزام شدند. آنها منزل تقریباً همهٔ تمرین‌کنندگان فالون گونگ و حتی سایر بخش‌ها و شهرها را جستجو کردند.

آقای یوان بعداً از غار خارج شد و به منزل تمرین‌کننده‌ای پناه برد. در آنجا بر اثر جراحات داخلی از پای در آمد و در ۹ نوامبر درگذشت. تمرین‌کننده‌ای که او را بعد از ترک غار دیده بود، می‌گفت به‌علت لاغری مفرط قابل شناسایی نبود و در ناحیه بینی و دهانش خونریزی داشت و به‌سختی قادر به حرکت بود. ساق پای راستش سیاه و بافت عضلانی‌اش از بین رفته بود.

پس از درگذشت آقای یوان، پلیس دست به دستگیری گسترده‌ای زد و بسیاری از تمرین‌کنندگانی را که به او کمک کرده بودند دستگیر کرد. خانواده و والدینش نیز از نزدیک تحت‌نظر بودند. یو جینفانگ، تمرین‌کننده‌ای در لانژو که به آقای یوان کمک کرده بود، دستگیر و بعداً تا سرحد مرگ شکنجه شد.

مورد ۲: آقای وانگ چان پس از ۲۸ روز حبس در بازداشتگاه تا سرحد مرگ شکنجه می‌شود، مادرش به‌طور ناخواسته صدای کتک‌خوردن او را می‌شنود

آقای وانگ چان در دفتر مرکزی بانک خلق چین کار می‌کرد. او پس از شروع آزار و شکنجه، اطلاعات مربوط به فالون گونگ را به ادارات دولتی در سراسر چین ارسال می‌کرد و نامه‌ای به جیانگ زمین نوشت تا او را به توقف آزار و شکنجه ترغیب کند. در اواخر سال ۱۹۹۹، پلیس پکن با تأیید شخصی جیانگ، او را بدون هیچ دلیلی سه ماه بازداشت کرد.^{۲۶۸}

آقای وانگ پس از آزادی، مجبور شد برای جلوگیری از دستگیری مجدد خانه‌اش را ترک کند. در طی سه سال بعد، به بیش از ده استان سفر کرد و بین تمرین‌کنندگان در آن مناطق و وبسایت مینگهویی کانال‌هایی ارتباطی را برقرار کرد. او همچنین این امکان را برای افراد داخل و خارج از چین فراهم می‌کرد که اطلاعاتشان درباره موارد آزار و شکنجه به موقع به روزرسانی شود. مقامات برای دستگیری‌اش پاداشی به مبلغ ۱۰۰ هزار یوان در نظر گرفتند.

آقای وانگ در بعدازظهر ۲۱ اوت ۲۰۰۲ در یک ایستگاه اتوبوس در روستای لیانگشان، در استان شاندونگ، دستگیر شد. در بازداشتگاه، مأموران کتکش زده و دستانش را در پشت کمرش در وضعیت بدنی بسیار دردناکی دستبند زدند و بسیاری از شب‌ها از خواب محروم می‌شد. او در عرض حدود ۲۸ روز بر اثر شکنجه کشته شد. یک شاهد عینی می‌گفت آقای وانگ جراحات شدیدی داشت و خون زیادی در قسمت پشت سرش به چشم می‌خورد.

پس از درگذشت آقای وانگ، اداره ۶۱۰ و پلیس جینینگ به دو برادرش هشدار دادند که به مادرشان نگویند او زیر شکنجه کشته شده است. آنها همچنین برادرانش را تهدید کردند و گفتند که اگر پرونده وانگ را نزد مقامات بالاتر ببرند، شغلشان را از دست خواهند داد. مادر آقای وانگ از مرگ او خبردار نشد تا اینکه در ۱۶ سپتامبر نامه‌ای را از شخصی که در جریان این موضوع بود دریافت کرد.

مادر آقای وانگ، خانم هان یوهوا، اندکی پس از دستگیری پسرش دستگیر شد. مادر و پسر بدون اینکه از وضعیت یکدیگر اطلاعی داشته باشد در یک بازداشتگاه حبس بودند. خانم هان گفت:

طی آن چند روز، هر روز صبح ساعت پنج یا شش بعدازظهر، می‌توانستم بشنوم که مأموران پلیس کسی را کتک می‌زنند. نمی‌توانستم تصور کنم شخصی که کتک می‌خورد پسر من است. همچنین نمی‌توانستم تصور کنم که در طول چند روز قبل از درگذشتش،

بیشتر از همیشه به یکدیگر نزدیک بودیم. حتی تصور نمی‌کردم که پسرم تقریباً درست در کنارم تا سرحد مرگ کتک بخورد، درحالی‌که من از این جریان در حال وقوع بود بی‌خبر باشم.

شبی که درگذشت، صدای همه‌همه‌ای را شنیدم. بعد از آزادی‌ام متوجه شدم که همان موقع پسرم در آستانه مرگ بود. عاملان این جنایت هراس داشتند این جرمشان افشا شود و چیزی به من نگفتند؛ درعوض، مرا به بازداشتگاه شهر یانژو منتقل کردند. آنها جسدش را سوزاندند و مرا مطلع نکردند یا اجازه ندادند برای آخرین بار پسرم را ببینم.

مورد ۳: به خاطر افشای موضوع تجاوز به یک تمرین‌کننده، بیش از ۴۰ نفر به جرم «افشای اسرار دولتی» دستگیر و ۱۰ نفر محکوم شدند

خانم وی شینگیان، بیست‌وهشت‌ساله و فارغ‌التحصیل دانشگاه چونگ‌چینگ بود. دو روز پس از دستگیری‌اش در ۱۱ مه ۲۰۰۳، یک مأمور پلیس در مقابل دو خانم همبندش در بازداشتگاه بای‌هیلین به او تجاوز کرد. خانم وی در اعتراض دست به اعتصاب غذا زد و درحالی‌که تحت خوراندن اجباری قرار می‌گرفت، به‌حدی شدید آسیب دید که قادر به صحبت‌کردن نبود.^{۲۶۹}

بعد از اینکه سایر تمرین‌کنندگان در چونگ‌چینگ اطلاعات مربوط به پرونده خانم وی را به وبسایت مینگهویی ارسال کردند، اداره ۶۱۰ به مسئولان دانشگاه چونگ‌چینگ دستور داد دانشجویان خانم وی در آنجا، و حتی وجود تحقیقاتش را که درباره انتقال جریان اصلی مداوم با ولتاژ بالا بود انکار کنند.

در نشست دانشکده بازرگانی وارتنون در ایالات متحده، وقتی ژانگ سیپینگ، معاون رئیس دانشگاه، را درباره این موضوع زیر سؤال بردند، او پاسخ داد: «دانشگاه ما دانشجویی را به‌دلیل اعتقاد مذهبی‌اش اخراج نمی‌کند... به‌جز به‌دلیل تمرین فالون گونگ.» چند روز بعد، دانشگاه چونگ‌چینگ با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که خانم وی بیشتر یک «دختر کاباره‌ای» است تا یک دختر دانشجو.

در همین حین، اداره ۶۱۰ چونگ‌چینگ در تلاش برای دستگیری شخصی که این رویداد را افشا کرده بود، بیش از ۴۰ تمرین‌کننده فالون‌گونگ را دستگیر کرد. دست‌کم ۱۰ نفر به جرم «فاش‌کردن اسرار دولتی» به ۵ تا ۱۴ سال زندان محکوم شدند. نویسندۀ این خبر و ارسال‌کننده مقاله به وبسایت مینگهویی هر یک به ۱۰ سال زندان محکوم شدند.

۳.۱.۹ جنایاتی که جیانگ مرتکب شده است

جیانگ زمین با آزار و شکنجه فالون‌گونگ، از جمله ارتکاب به شکنجه، نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت، هم قوانین چین و هم قوانین بین‌المللی را نقض کرده است.

۳.۱.۹ (الف) قانون اساسی چین

جیانگ در ژوئیه ۱۹۹۹، از طریق وزارت امور شهروندان و حقوق مدنی، فالون‌گونگ را سازمانی غیرقانونی اعلام کرد. گرچه این وزارتخانه چنین اختیاری را نداشت، اما آن را مبنایی قانونی برای آزار و شکنجه قرار داد.

از آن زمان تعداد زیادی از تمرین‌کنندگان به‌خاطر اعتقادشان مورد تهدید، دستگیری، بازداشت و شکنجه قرار گرفته‌اند. قوانین زیر در قانون اساسی چین نقض شده است:

۲۷۰

ماده ۳۵: شهروندان جمهوری خلق چین از آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، انجمن، راهپیمایی و تظاهرات برخوردارند.

ماده ۳۶: شهروندان جمهوری خلق چین دارای آزادی اعتقادات مذهبی هستند.

هیچ ارگان دولتی، گروه اجتماعی یا فردی نمی‌تواند شهروندان را وادار کند به دین و مذهبی اعتقاد داشته یا به آن اعتقاد نداشته باشند، یا درخصوص شهروندانی که به هر مذهبی اعتقاد دارند یا اعتقادی ندارند، تبعیضی قائل شود.

دولت از فعالیت‌های عادی مذهبی محافظت می‌کند.

ماده ۳۷: آزادی شخصی شهروندان جمهوری خلق چین غیرقابل نقض است.

هیچ شهروندی را نمی‌توان دستگیر کرد مگر با تصویب یا با تصمیم دادستان یا با تصمیم دادگاه خلق، و دستگیری‌ها را باید یک نهاد امنیت عمومی انجام دهد.

بازداشت غیرقانونی یا محرومیت شهروندان از آزادی‌شان یا محدودیت آزادی‌شان از طریق سایر شیوه‌ها ممنوع است و تفتیش غیرقانونی شهروندان نیز ممنوع است.

ماده ۳۸: کرامت انسانی شهروندان جمهوری خلق چین غیرقابل نقض است. توهین، افترا، اتهامات دروغین یا محکومیت جعلی علیه شهروندان به هر روشی ممنوع است.

ماده ۳۹: تجاوز به اقامتگاه شهروندان جمهوری خلق چین ممنوع است. تفتیش غیرقانونی یا ورود سرزده به محل اقامت یک شهروند ممنوع است.

ماده ۴۰: قانون از آزادی و حفظ حریم خصوصی مکاتبات شهروندان جمهوری خلق چین محافظت می‌کند. هیچ سازمان یا فردی به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند آزادی و حریم خصوصی شهروندان در مکاتبات را نقض کند، مگر برای تأمین نیازهای امنیتی دولت یا تحقیق جنایی؛ در این موارد نهادهای امنیت عمومی یا دادرسی، مطابق رویه‌های مقرر شده در قانون مجاز به بررسی مکاتبات هستند.

ماده ۴۱: شهروندان جمهوری خلق چین حق دارند درخصوص هر ارگان دولتی یا مأمور و کارگزاری انتقاد و پیشنهاد ارائه دهند و این حق را دارند که اگر هریک از ارگان‌های دولتی یا کارگزاران مربوطه، مرتکب نقض قانون و تخطی از وظایفشان شوند، علیه آنها شکایت یا اعلام جرم یا افشاگری کنند، اما نباید به‌منظور تهمت‌زدن و متهم‌سازی ساختگی، حقایق را جعل یا تحریف کنند.

۳.۱.۹ (ب) قوانین کیفری چین

جیانگ قوانین ۲۴۷، ۲۳۲، ۲۴۸، ۲۵۴، ۲۳۴ (الف)، ۲۳۶، ۲۳۷، ۳۷، ۲۳۸، ۳۹۷، ۳۹۹، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۵۱، ۲۳۴ و ۲۴۶ از قانون کیفری چین را به شرح ذیل نقض کرده است:

براساس ماده ۲۴۷ از قانون کیفری جمهوری خلق چین (از این پس «قانون کیفری چین») «گرفتن اعتراف به‌زور از مظنونین جنایی یا متهمان با استفاده از آزار و شکنجه» یا «متوسل شدن به زور برای گرفتن شهادت از شاهدان» ممنوع است.

ماده ۲۳۲ از قانون کیفری چین «قتل عمدی دیگران» را ممنوع می‌کند.
 ماده ۲۴۸ از قانون کیفری چین «ضرب‌وشتم [یا آزارواذیت جسمی] زندانیان محبوس در زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و سایر پاسگاه‌ها را ممنوع می‌کند.

ماده ۲۵۴ از قانون کیفری چین کارمندان دولت را ممنوع می‌کند که با سوءاستفاده از حوزه اختیاراتشان «تحت عنوان انجام امور و کار رسمی» علیه متهمان، دادخواهی‌کنندگان، منتقدان یا افشاکنندگان اقدام به مقابله‌به‌مثل یا توطئه‌چینی کنند.

براساس ماده ۲۳۴ (الف) قانون کیفری چین موارد زیر ممنوع است: «سازماندهی دیگران برای فروش اعضای بدن انسان»، «برداشت اعضای بدن شخص بدون رضایت او»، «برداشت اعضای بدن افرادی که به سن قانونی نرسیده‌اند»، «فریب‌دادن یا مجبورکردن شخص دیگر برای اهدای عضو» و «برداشت اعضای بدن فرد متوفی برخلاف تمایلش در زمانی که در قید حیات است» یا «وقتی که شخص در زمان حیاتش هرگز موافقت نکرده باشد اعضای بدنش برداشته شوند» یا «در صورت عدم رضایت نزدیکان فرد متوفی.»

ماده ۲۳۶ قانون کیفری چین همه اشخاص را از «اعمال خشونت، تهدید یا استفاده از سایر روش‌ها برای تجاوز به یک زن» منع می‌کند.

ماده ۲۳۷ قانون کیفری چین همه اشخاص را از «اعمال خشونت، تهدید یا استفاده از سایر روش‌ها برای زورگویی، هتک حرمت یا تحقیرکردن یک زن» یا «جمع‌کردن جمعیتی برای ارتکاب» این جنایت منع می‌کند.

ماده ۳۷ قانون اساسی جمهوری خلق چین ایجاد محدودیت غیرقانونی برای آزادی شهروندان را از طریق بازداشت یا سایر شیوه‌ها ممنوع اعلام کرده است.

ماده ۲۳۸ قانون کیفری چین «بازداشت غیرقانونی شخص دیگر یا محروم‌کردن او از آزادی‌اش» را ممنوع کرده و مجازات سنگین‌تری را برای «کارمند یک ارگان دولتی در نظر می‌گیرد [که] با سوءاستفاده از اختیاراتش» مرتکب این جرم شود.

ماده ۳۹۷ قانون کیفری چین هریک از کارکنان دولت را از «سوءاستفاده از قدرت یا غفلت در انجام وظایفش که موجب خسارات زیادی به اموال عمومی و منافع دولت و مردم می‌شود» منع می‌کند.

ماده ۳۹۹ قانون کیفری چین همه کارکنان نظام قضایی را از انجام عملی جانبدارانه و مغلوب کردن طرفین ذی‌حق منع می‌کند، از جمله «تحت پیگرد قانونی قراردادن افرادی که به‌وضوح می‌دانند بی‌گناه هستند» و «اقدام عمدی علیه حقایق و قوانین در دادگاه‌های جنایی برای صدور حکم‌هایی که سوءاستفاده از قانون است.»

ماده ۲۶۳ از قانون کیفری چین «سرقت اموال عمومی یا خصوصی با استفاده از زور، اجبار یا روش‌های دیگر» را منع می‌کند، از جمله «به‌زور واردشدن به منزل دیگران برای دزدی،» «ایجاد صدمات جدی یا منجر به مرگ در هنگام سرقت» و «ارتکاب به سرقت با استفاده از اسلحه.»

ماده ۲۶۷ قانون کیفری چین «توقیف اموال عمومی و خصوصی» را منع کرده است.

ماده ۲۷۰ قانون کیفری چین «تصرف غیرقانونی اموال شخص دیگری» را در زمان محبوس‌بودن آن شخص، منع کرده است.

ماده ۲۷۵ قانون کیفری چین «تخریب عمدی اموال عمومی یا خصوصی» را منع کرده است.

ماده ۲۴۵ قانون کیفری چین «تفتیش بدنی غیرقانونی دیگران یا تفتیش غیرقانونی اقامتگاه دیگران» یا «واردشدن به‌طور غیرقانونی به اقامتگاه دیگران» را ممنوع کرده و مجازات شدیدتری را برای آن دسته از کارکنان قضایی در نظر می‌گیرد که مرتکب چنین جرمی می‌شوند.

ماده ۲۴۴ قانون کیفری چین «مجبورکردن اشخاص دیگر به کار، با استفاده از خشونت، ارعاب، یا استفاده از روشی برای محدودکردن آزادی شخصی‌شان» یا «اجیرکردن یا انتقال کارکنان» یا در غیر این صورت ارائه کمک را منع کرده است.

ماده ۲۵۱ قانون کیفری چین، سلب حق اعتقاد مذهبی و تجاوز به عادات یا آداب‌ورسوم اقلیت‌ها را ممنوع کرده است.

ماده ۲۳۴ قانون کیفری چین، صدمه‌زدن عمدی به شخص دیگر را ممنوع کرده است.

ماده ۲۴۶ قانون کیفری چین، جعل‌کردن ماجراها برای توهین به دیگران یا افترازنی به سایرین از طریق قدرت جسمی را ممنوع کرده است.

۳.۱.۹ (پ) جنایات علیه بشریت

جیانگ این کنوانسیون‌ها را نقض کرد: کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی که جمهوری خلق چین آن را در ۱۸ آوریل ۱۹۸۳ امضا و در ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۳ تصویب کرد؛ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز که جمهوری خلق چین آن را در ۱۲ دسامبر ۱۹۸۶ امضا و در ۱۴ اکتبر ۱۹۸۸ تصویب کرد.

ماده ۱.۱ کنوانسیون علیه شکنجه چنین چیزی را ممنوع می‌کند: «اعمال عمدی هرگونه درد یا رنج شدید بدنی یا روحی به یک شخص، از جانب یا با تحریک، موافقت یا رضایت مأمور رسمی دولت یا فرد دیگری که در سمتی رسمی عمل می‌کند، آن هم به منظور اخذ اطلاعات یا اقرارگرفتن از او یا شخصی ثالث، مجازات او بابت عملی که خودش یا شخص ثالثی مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، یا ارباب یا اجبار او یا شخصی ثالث، یا به هر دلیلی که مبتنی بر هرگونه تبعیض باشد.»

ماده ۲ کنوانسیون علیه شکنجه اقداماتی را ممنوع می‌کند که «با هدف نابودسازی کامل یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی» انجام می‌شوند که عبارتند از «قتل اعضای گروه، صدمه شدید جسمی یا روحی به اعضای گروه و قراردادن عمدی گروه در شرایط زندگی نامناسبی که به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن منجر شود.»

جیانگ همچنین حقوق بین‌الملل عرفی، رویه عمومی ملل، که مطابق با تعریف بند ب ماده ۳۸-۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان قانون پذیرفته و اجرایی می‌شود و جمهوری خلق چین به‌سبب تصویب منشور ملل متحد شامل آن می‌شود را نقض کرد. حقوق بین‌الملل عرفی، کشورها را ملزم می‌کند در صورت تخلف از قوانین آمره بین‌المللی شامل آزار و شکنجه، تبعید اجباری، مفقودی افراد به‌عنوان جنایتی علیه بشریت و بازداشت خودسرانه بلندمدت، از حوزه قضایی جهانی پیروی کنند.

حقوق بین‌الملل عرفی جنایات علیه بشریت را به‌صورت مجموعه‌ای مشخص از اقدامات تعریف می‌کند که به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا نظام‌مند علیه هرگونه جمعیت غیرنظامی انجام می‌شود که از این حمله آگاه هستند، و شامل آزار و شکنجه، تبعید اجباری، مفقودی و یا سایر اقدامات غیرانسانی است.

مفقودی اجباری به دستگیری، بازداشت یا ربودن افرادی گفته می‌شود که با حمایت یا رضایت یک کشور یا سازمان سیاسی، یا با اجازه آن، انجام می‌شود. در مفقودی اجباری این افراد، با هدف محرومیت بلندمدت آنان از محافظت قانونی، از اقرار به سلب آزادی یا ارائه اطلاعات درباره سرنوشت یا مکان حبس آنها خودداری می‌شود.

تبعید اجباری به جابجایی فرد یا افراد به مکانی دیگر از طریق بیرون‌راندن یا سایر اقدامات اجباری گفته می‌شود.

آزار و شکنجه به اقدامی گفته می‌شود که با مبنای سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی یا جنسیتی علیه هرگونه گروه یا جامعه دارای هویت، و به دلیل هویت این گروه یا اجتماع، صورت می‌گیرد و شامل سلب عمدی و شدید حقوق اساسی این افراد در تناقض با حقوق بین‌الملل است.

هنجارهای بنیادین حقوق بین‌الملل عرفی بازداشت خودسرانه بلندمدت افراد را ممنوع کرده است.

۳.۱.۹ (ت) نسل‌کشی

آزار و شکنجه فالون گونگ در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ به دست رهبر پیشین حزب کمونیست چین، جیانگ زمین، آغاز شد. او با سوءاستفاده از سازمان‌های دولتی، قوانین، سیاست و کلیت دستگاه دولت ده‌ه‌ها میلیون تمرین‌کننده را از نظر جسمی و روحی سرکوب کرد.

طبق مواد ۶ و ۷ دیوان کیفری بین‌المللی بر مبنای اساسنامه رم که سازمان ملل متحد آن را در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ منتشر کرد، آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ به‌دستور جیانگ طی بیست سال گذشته به‌منزله نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت است.^{۲۷۱}

طبق ماده ۶ دیوان کیفری بین‌المللی بر مبنای اساسنامه رم، «نسل‌کشی»^{۲۷۲}

یکی از اعمال مشروحه ذیل است که با نیت نابودی کامل یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام شود، مانند:

الف) قتل اعضای گروه؛

ب) واردکردن صدمه شدید جسمی یا روحی به اعضای این گروه؛

ج) قراردادن تعمدی گروه در شرایط زندگی نامناسبی که به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن منجر شود؛

د) اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل آن گروه صورت گیرد؛

ه) انتقال اجباری اطفال آن گروه به گروه دیگر.

طبق ماده ۷ این اساسنامه، «جنایت علیه بشریت» به صورت زیر تعریف می‌شود:

هر یک از اقدامات مشروحه ذیل که به‌عنوان جزئی از یک حمله گسترده یا نظام‌مند علیه هرگونه جمعیت غیرنظامی انجام شود درحالی‌که آن گروه از حمله آگاه است:

الف) قتل؛

ب) نابودی گروهی؛

ج) به بردگی گرفتن؛

د) تبعید یا کوچاندن اجباری مردم؛

ه) زندانی کردن یا سایر محرومیت‌های شدید از آزادی جسمانی، مغایر با قوانین بنیادین حقوق بین‌الملل؛

و) شکنجه؛

ز) تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فحشای اجباری، بارداری اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا هر شکل دیگری از خشونت جنسی قابل مقایسه با این موارد؛

ح) آزار و شکنجه هر گروه یا جامعه دارای هویت، با مبنای سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی یا جنسی مطابق با تعریف پاراگراف ۳ یا بر هر مبنای دیگری که طبق حقوق بین‌الملل در سطح جهان ممنوع تلقی می‌شود، در ارتباط با هر یک از اقدامات مشروحه در این پاراگراف یا هر جرمی در حوزه قضایی دادگاه؛

ط) مفقودی اجباری افراد؛

ی) جرم تفکیک نژادی؛

ک) سایر اعمال غیرانسانی مشابه که به صورت عامدانه منجر به رنج شدید یا صدمه جدی جسمی یا آسیب به سلامت روحی یا جسمی شود.

۲.۹ سایر عوامل اصلی آزار و شکنجه

۱.۲.۹ لوئوگان

لوئوگان از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ یکی از رهبران عالی‌رتبه چین و یکی از نه عضو کمیته دائمی پولیت‌بورو و دبیر کمیته امور سیاسی و حقوقی (PLAC) مرکزی بود که در دوره ریاست او به یکی از قدرتمندترین ادارات سیاسی و یکی از بوروکراسی‌هایی که بودجه‌اش به بهترین نحو تأمین می‌شد تبدیل شد. او از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ ریاست گروه رهبری مرکزی برای اداره مسئله فالون‌گونگ را نیز بر عهده داشت.

لوئوگان بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ که شدیدترین آزار و شکنجه‌ها بر فالون‌گونگ تحمیل شد، در دست‌کم ۸ سخنرانی عمومی قصد داشت سیستم سیاسی و قضایی چین را وادار کند فالون‌گونگ را به‌عنوان مهم‌ترین «هدف حمله» فهرست کند. نسل‌کشی تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ از آن زمان تا به امروز، به صورت نظام‌مند و آشکارا ادامه دارد.

هرگاه لوئوگان سخنرانی می‌کرد یا شخصاً برای نظارت بر وضعیت «پیشرفت» به مناطق محلی سر می‌زد، آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ در آن منطقه یا کل چین تشدید می‌شد. برای مثال، در ۲۹ اوت ۲۰۰۰، فقط دو روز پس از سخنرانی لوئوگان در «جلسه تبادل تجربه و اهدای جوایز به فعالیتهای آموزش و تبدیل وزارت دادگستری» (که به آن «سخنرانی تبدیل» نیز گفته می‌شود) بوشون نیوز نت در گزارشی اعلام کرد: «پکن قصد دارد آزار و شکنجه فالون‌گونگ را تشدید کرده و آن را ظرف سه ماه، به‌کلی ریشه‌کن کند.»

حتی پس از آگاهی جامعه بین‌المللی از نقشه حزب کمونیست برای تخریب وجهه فالون‌گونگ و علی‌رغم مخالفت‌های درونی با این آزار و شکنجه، لوئوگان به سخنرانی‌های عمومی خود برای تشویق به تشدید آزار و شکنجه فالون‌گونگ، ادامه داد. از جمله این سخنرانی‌ها می‌توان به سخنرانی او در «جلسه کاری فعالیتهای سیاسی و حقوقی» در ۱۷ دسامبر ۲۰۰۴، مقاله‌ای که در مجله چپو شی در فوریه ۲۰۰۵ منتشر شد، و سخنرانی دیگری در «جلسه قهرمانان و الگوهای دارای خدمات شایسته در مجمع عمومی منطقه امنیت داخلی» در ۲۵ اوت ۲۰۰۵ اشاره کرد.

در سپتامبر ۲۰۰۵، فقط چند روز پس از سخنرانی عمومی لوئو، حزب کمونیست چین شروع به دستگیری و بازداشت تعداد زیادی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ در سراسر کشور کرد. بسیاری از بازداشت‌شدگان به شدت شکنجه شدند.

لوئو بارها از [«وضعیت»] به اصطلاح «بلندمدت، پیچیده و دشوار» صحبت می‌کرد، که نشان می‌داد کمپین رژیم کمونیست علیه فالون گونگ قرار است بلندمدت و وحشیانه باشد. برای مثال، او با اشاره به شستشوی مغزی اجباری گفت اردوگاه‌های کار اجباری «باید به‌طور کامل و موشکافانه روی افکار مردم کار کنند.»

لوئو می‌گفت به‌منظور جلوگیری از اینکه آن دسته از تمرین‌کنندگان فالون گونگ که برخلاف میل خود «تبدیل» شده‌اند، این تمرین را از سر نگیرند: «اردوگاه‌های کار اجباری باید به‌طور پیوسته با محل کار تمرین‌کنندگان فالون گونگ در ارتباط باشند و سیستمی برای دریافت بازخورد راه‌اندازی کنند. انجمن‌های محله و دفاتر محل سکونت تمرین‌کنندگان فالون گونگ باید پس از آزادی آنها به کار روی "افکار" آنها ادامه دهند. اردوگاه‌های کار اجباری باید سیستمی را برای ارتباط با محل کار تمرین‌کنندگان "تبدیل‌شده" راه‌اندازی کنند و به‌صورت پیوسته از وضعیت آنان و اینکه آیا دوباره این تمرین را از سر گرفته‌اند یا خیر باخبر شوند.»

برخی از روش‌های آزار و شکنجه که لوئو با دقت هرچه تمام‌تر در سخنرانی‌های خود مطرح کرده است عبارتند از: استفاده از تمرین‌کنندگان «تبدیل‌شده» فالون گونگ برای همکاری با حزب کمونیست چین به‌منظور «تبدیل» سایر تمرین‌کنندگان و گسترش روش‌های آزار و شکنجه به کل کشور و جمع‌آوری تجارب کسب‌شده در زمینه آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ و ترویج آنها در سراسر چین.

۲.۲.۹ زنگ چینگ‌هونگ

زنگ چینگ‌هونگ که سابقه خدمت به‌عنوان عضو علی‌البدل کمیته پولیت‌بورو، دبیر دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و رئیس اداره سازمان‌دهی حزب کمونیست چین را در کارنامه خود دارد، از نخستین مقامات عالی‌رتبه‌ای بود که از جیانگ زمین در آزار و شکنجه فالون گونگ حمایت کرد. زنگ در مراحل آغازین آزار و شکنجه، «جدال» با فالون گونگ را آزمایشی مهم برای حزب کمونیست قلمداد کرد. او در مقام رئیس اداره سازمان‌دهی که وظیفه نظارت بر نیروی انسانی حزب کمونیست را

بر عهده دارد، با استفاده از قدرت خود سایر مقامات را تحت فشار گذاشت تا در آزار و شکنجه فالون گونگ مشارکت کنند.

زنگ یکی از طراحان حقه خودسوزی میدان تیان‌آنمن در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۱ بود (به پیوست ۲ مراجعه کنید). زنگ بین ۲۷ ژانویه و افوریه به جیانگ‌سو، هونان و سایر استان‌های چین سفر کرد تا با استفاده از این حقه، وجهه فالون گونگ را خراب کند. او دستور داد که سرکوب فالون گونگ «باید در اولویت قرار گیرد و سریعاً و بدون کوچک‌ترین ملامت یا تردیدی انجام شود.»

زنگ در ۲۰ آوریل ۲۰۰۱ در کنفرانس ملی پکن در زمینه «آموزش تفتیش افکار» برای مقامات مناطق روستایی، درباره نظریه سیاسی «سه نماینده» جیانگ زمین تملق‌گویی کرد و مجدداً از مردم روستایی‌نشین خواست به سرکوب فالون گونگ ادامه دهند.

زنگ چینگ‌هونگ و لوئو گان پیش از ۱۱ اکتبر ۲۰۰۱ (روز ملی چین) «عملیات طوفان ۳» را سازماندهی کردند که به دستگیری عده کثیری از تمرین‌کنندگان فالون گونگ انجامید. دولت چین نیز به‌عنوان بخشی از این عملیات، گروهی از متخصصان شبکه‌های کامپیوتری را به تک‌تک استان‌ها اعزام کرد تا وب‌سایت مینگهویی را تحت نظر بگیرند و دسترسی به آن را مخدوش سازند. پلیس نیز مردان جوان را به استخدام موقت خود درآورد و مناطق مسکونی و عمومی و خیابان‌های شهرهای مهم را به‌طور ۲۴ ساعته تحت نظر گرفت. در نتیجه این اقدامات، عده‌ای از تمرین‌کنندگان فالون گونگ بازداشت شدند.

زنگ عملیات آزار و شکنجه بعضی مناطق را شخصاً رهبری می‌کرد. برای نمونه، زنگ و لوئو گان از ۱۷ تا ۲۳ ژانویه ۲۰۰۱ در استان هونان بودند. لوئو به شهر هنگ‌یانگ و زنگ به شهر چانگ‌شا (مرکز استان هونان) سفر کرد. ظرف مدت ۶ روز، بیش از ۱۶۰۰ تمرین‌کننده فالون گونگ دستگیر و به اردوگاه‌های کار اجباری در هنگ‌یانگ منتقل شده و عده نامشخصی نیز در چانگ‌شا دستگیر شدند.

زنگ چینگ‌هونگ سه ماه بعد، در اواخر آوریل ۲۰۰۱، به شهر هفی در استان آنهویی سفر کرد و در آنجا تعداد زیادی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ در ۲۹ و ۳۰ آوریل با دستور مستقیم زنگ دستگیر شدند.

۳.۲.۹ لیو جینگ

لیو جینگ که سابقاً معاونت وزارت امنیت عمومی و ریاست اداره ۶۱۰ مرکزی را عهده‌دار بود، یکی از عاملان اصلی آزار و شکنجه فالون گونگ تحت نظر جیانگ زمین به‌شمار می‌آید. لو روش‌های جدیدی را برای وادار کردن تمرین‌کنندگان فالون گونگ به رهاکردن باورشان ابداع کرد، به پلیس دستور داد به محض رؤیت تمرین‌کنندگان به قصد کُشت به آنان شلیک کنند، عملیات دستگیری گروهی آنان را سازماندهی کرد و به پیاده‌سازی حقه خودسوزی میدان تیان‌آن‌من (به پیوست ۲ مراجعه کنید) به منظور بدنام کردن فالون گونگ کمک کرد.

از جمله فعالیت‌های لیو جینگ در توسعه و ترویج روش‌های جدید برای «تبدیل» تمرین‌کنندگان فالون گونگ این بود که شخصاً به شش فرد دستور داد خود را تمرین‌کننده فالون گونگ جا بزنند، به اردوگاه کار اجباری ماسانجیا نفوذ کنند و از طریق جعل و تفسیر نادرست آموزه‌های فالون گونگ، تمرین‌کنندگان واقعی این روش را به رهاکردن آن تشویق کنند. سپس، لیو جینگ و لوئو گان در اقصانقاط استان به سخنرانی پرداختند و از سایر اردوگاه‌های کار اجباری، بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها خواستند روش‌های «تبدیل» مورد استفاده در ماسانجیا را به کار گیرند.

لیو پیش از سال نو چینی در فوریه ۲۰۰۲ در هتل نانهو واقع در شهر چانگچون استان جیلین جلسه‌ای برگزار و از بی‌کفایتی این استان در سرکوب تمرین‌کنندگان فالون گونگ انتقاد کرد و به مقامات استان دستور داد فالون گونگ را «به‌کلی نابود کنند». در پی این دستور، اداره امنیت عمومی شهر چانگچون چند شبِ پیاپی تمرین‌کنندگان را در مقیاس وسیع دستگیر کرد. مأموران نیز اجازه داشتند در صورت مشاهده تمرین‌کنندگان در حال نصب پوستر یا بنرهای فالون گونگ، به قصد کُشتن به آنها شلیک کنند.

پس از آنکه تمرین‌کنندگان فالون گونگ توانستند با دسترسی به سیگنال‌های تلویزیونی شهر چانگچون، اطلاعات درباره آزار و شکنجه را در تلویزیون پخش کنند، جیانگ زمین دستور داد افراد دخیل در این واقعه «بدون بخشش، کشته شوند». او لوئو گان، لیو جینگ و سایر مقامات را به دفعات متعدد به استان جیلین فرستاد تا عملیات‌های سرکوب را رهبری کنند. مقامات چانگچون در همان ماه بیش از ۶۰۰۰ مأمور پلیس را برای عملیات‌های دستگیری دسته‌جمعی در سطح استان، اعزام کرده و بیش از ۵۰۰۰ تمرین‌کننده فالون گونگ را دستگیر کردند. آن تمرین‌کنندگان پس از شکنجه‌شدن در چانگچون به زندان‌های سراسر استان جیلین منتقل شدند و در معرض آزار و شکنجه

بیشتر قرار گرفتند. حداقل ۶ تن از این تمرین‌کنندگان کشته شده و ۱۵ تن دیگر به ۴ تا ۲۰ سال زندان محکوم شدند.

زمانی که لیو به نمایندگی از چین در جلسات سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل حضور یافت، به تخریب وجهه فالون‌گونگ ادامه داد و دستگیری و شکنجه تمرین‌کنندگان در چین را انکار کرد.

۴.۲.۹ ژو یونگ‌کانگ

ژو یونگ‌کانگ در ۹ دسامبر ۲۰۰۲ به‌عنوان وزیر امنیت عمومی منتصب و جانشین جیا چان‌وانگ شد. ای‌پی‌ای و رویترز در دوران انتقال قدرت به ژو، در گزارش‌های خود بر نقش او به‌عنوان مدیر جدید «کمپین ضربه سخت» علیه فالون‌گونگ تأکید ویژه‌ای داشتند. برای نمونه، ای‌پی‌ای (شعبه پکن) در مقاله خود در ۹ دسامبر ۲۰۰۹، تحت عنوان «چین وزیر امنیت عمومی جدیدی پیدا کرد»، اعلامیه روزنامه پپلز دیلی درباره انتصاب ژو به مقام مذکور را دوباره منتشر کرد که در آن از «کمپین ضربه سخت» علیه فالون‌گونگ، به‌عنوان یکی از دستاوردهای مهم رئیس پلیس پیش از ژو تأکید داشت.

شبکه بی‌بی‌سی نیز در تاریخ ۲۶ دسامبر ۲۰۰۲ در کنفرانسی ویدئویی سخنان ژو را پخش کرد با عنوان «رئیس امنیت عمومی چین خواهان بالابردن استانداردهای عملکرد نهادهای مجری قانون است.» ژو در این کنفرانس از تمامی سازمان‌های امنیت عمومی سراسر چین خواست «مخصوصاً از کشور در برابر فعالیت‌های دردسرساز و مخرب نیروهای متخاصم داخل و خارج کشور، [ازجمله] سازمان فرقه‌ای فالون‌گونگ، "به‌طور محکم" محافظت کنند و به آنها "ضربه‌ای سخت" بزنند.»

سرویس خبری چینا نیوز در ۲۸ مه ۲۰۰۴، سخنان ژو را در جلسه امور وزرا که وزارت امنیت عمومی تشکیل داده بود، گزارش داد: «او تأکید کرد که آنان باید اقدامات مؤثر خود را گسترش دهند؛ به فعالیت‌های غیرقانونی و مجرمانه ضربات سختی وارد کنند... و به روندهای عملیاتی نیروهای متخاصم داخلی و خارجی، نیروهای تروریستی خشونت‌آمیز، نیروهای تفرقه‌انداز نژادی، نیروهای مذهبی افراطی و سازمان‌های فرقه‌ای همچون فالون‌گونگ توجه ویژه‌ای داشته باشند؛ تمهیدات پیشگیرانه را با جدیت پیگیری کنند؛ و به فعالیت‌های مخرب و آشوب‌آمیز آنان "ضربات سختی" وارد کنند.» عمده مشارکت مستقیم ژو در آزار و شکنجه فالون‌گونگ از طریق ریاستش در اداره

۶۱۰ صورت گرفت. پلیس و نیروهای امنیتی (ازجمله نیروهای اداره ۶۱۰) عملیات‌های دستگیری، بازداشت، شستشوی مغزی و شکنجه فالون گونگ را تحت اوامر ادارات استانی و شهری امنیت عمومی انجام می‌دادند که همگی زیرشاخه وزارت امنیت عمومی هستند و در آن زمان، ژو یونگ‌کانگ ریاستش را بر عهده داشت.

۵.۲.۹ لی لان‌چینگ

لی لان‌چینگ که نخستین رئیس اداره ۶۱۰ مرکزی بود، برای اجرای کمپین «دوژنگ» جیانگ علاوه بر جایگاه و نفوذ ایدئولوژیکی خود، از زبان آزاردهنده جیانگ زمین نیز بهره برد. برای نمونه، لی لان‌چینگ در فوریه ۲۰۰۱ در جلسه جوایز ملی، از نیروهای امنیتی چین برای «دوژنگ» و «تبدیل» تمرین‌کنندگان فالون گونگ قدردانی کرد. او همچنین به سران حزب کمونیست و مقامات دولتی در همه سطوح دستور داد به‌منظور بالابردن اعتمادبه‌نفس و تقویت اهداف حزب کمونیست، همچنان کمپین «دوژنگ» را علیه فالون گونگ اجرا کنند. لی از ژوئن ۱۹۹۹ تا نوامبر ۲۰۰۲ که بازنشسته شد، ریاست اداره ۶۱۰ را بر عهده داشت.



فصل ۱۰: سازمان‌های هدایت‌کننده آزار و شکنجه

حزب کمونیست چین به منظور تثبیت قدرت خود، به جای حاکمیت قانون، نظام حاکمیت حزب را برقرار کرده است. تصمیمات حزب برتر از سیستم قضایی و کیفری است درحالی‌که سازمان‌های قضایی و اجرای قانون را به صرفاً سیستمی مطیع برای حزب تبدیل کرده است. جیانگ هوا، رئیس سابق دادگاه عالی خلق، یک بار گفت: «در زمان جنگ، کمیته حزب تصمیم می‌گرفت چه کسی باید دستگیر یا حتی کشته شود، که ممکن بود فرد دستگیر یا کشته شده، از بین اعضای ارتش خلق یا از پایگاه انقلابی باشد. مردم از آن زمان، این حاکمیت را دنبال کرده‌اند.»

رژیم کمونیست پس از چند دهه شستشوی مغزی مردم، آنها را به این باور رسانده که قانون، انعکاسی از خواست حزب حاکم است، و برای حفاظت از منافع حزب حاکم وضع می‌شود. در نتیجه، «دنبال‌کردن سیاست به جای دنبال‌کردن قانون» تبدیل به قانون ناگفته نظام حقوقی و سیاسی چین شده است.

کمیته‌های حزب در سطوح مختلف شامل استان‌ها، شهرها، بخش‌ها و مناطق خودمختار، هر کدام کمیته امور سیاسی و حقوقی (plac) مربوط به خود را دارند که بر اجرای قوانین و سازمان‌های قضایی نظارت می‌کنند. اکثر دبیران کمیته حزب، هم‌زمان رئیس کمیته امور سیاسی و حقوقی نیز هستند که سبب می‌شود شبکه پیچیده‌ای از قدرت ایجاد شود.

پس از اینکه جیانگ زمین در سال ۱۹۹۹ دستور آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ را صادر کرد، کمیته امور سیاسی و حقوقی برای اجرای این کمپین سرکوب، توانمندتر شد. کمیته امور سیاسی و حقوقی و اداره ۶۱۰ (که اغلب دفاتر و رؤسای یکسانی دارند) دست در دست هم دادند تا به منابع دولتی دستور دهند تمرین‌کنندگان فالون گونگ را دستگیر، بازداشت، و محکوم کنند، آنها را شستشوی مغزی دهند، و کارهای هماهنگی مربوط به برداشت اجباری اعضای بدن تمرین‌کنندگان در قید حیات را برای تأمین سیستم پیوند عضو در چین انجام دهند. کمیته امور سیاسی و حقوقی در هر سطح، راهبردی برای آزار و شکنجه تنظیم و اداره ۶۱۰ اجرایش می‌کند.

۱.۱۰ مدیریت و منابع مشترک

پس از اینکه جیانگ در ژوئن ۱۹۹۹ اداره ۶۱۰ را تأسیس کرد، بسیاری از معاونین دبیران کمیته امور سیاسی و حقوقی، علاوه بر سمت خود در آن زمان، رئیس اداره ۶۱۰ نیز شدند. برای نمونه شیائو شیانگشین، معاون دبیر کمیته امور سیاسی و حقوقی بخش وان‌آن در استان جیانگشی، رئیس اداره ۶۱۰ نیز بود.

گاهی کمیته امور سیاسی و حقوقی و اداره ۶۱۰ از نام‌های عمومی مختلفی استفاده می‌کنند تا غیرقانونی بودن خود را پنهان کنند. برای نمونه روی سردر کمیته امور سیاسی و حقوقی در شهر داجینگ استان هیلونگ‌جیانگ نوشته شده «دفتر کمیته کنترل جامع امنیت اجتماعی شهری» و اداره ۶۱۰ نیز تحت نام «اداره کنترل شهری پیشگیری از فرقه‌ها و رسیدگی به آنها» معروف است.

ژو یونگ‌کانگ، رئیس سابق کمیته مرکزی امور سیاسی و حقوقی، در جلسه تبادل تجربه سالانه اداره ۶۱۰ در شهر ووهان استان هوبی در تابستان ۲۰۱۰، دستور جیانگ زمین برای ریشه‌کن کردن فالون‌گونگ در چین را تکرار کرد. ژو بودجه بیشتری را نیز به اداره ۶۱۰ اختصاص داد تا به این آزار و شکنجه ادامه دهد.

۱۰.۲ کنترل پلیس، سیستم قضایی و کیفری

در اکثر کشورهای دموکراتیک، پلیس، دادستان‌ها و دادگاه‌ها، مستقل از یکدیگر عمل کرده و درعین حال به‌عنوان ناظر متقابل نیز عمل می‌کنند. اما در چین این‌طور نیست. درحالی‌که پیش از شروع آزار و شکنجه فالون‌گونگ در سال ۱۹۹۹، دستگاه‌های قضایی و اجرای قانون تحت نظارت حزب بودند، اما جیانگ زمین و اداره ۶۱۰ این کنترل را سخت‌تر کردند تا سیاست آزار و شکنجه جیانگ را اجرا کنند و هم‌زمان، حاکمیت قانون را نیز زیر پا بگذارند.

مثلاً رؤسای دادگاه عالی خلق و دادستانی عالی خلق، و نیز وزیر دادگستری، همگی از اعضای کمیته امور سیاسی و حقوقی بودند و باید به ژو یونگ‌کانگ و منگ جیانژو، رؤسای سابق وزارت امنیت عمومی و کمیته امور سیاسی و حقوقی، گزارش می‌دادند. این جریان در خصوص بسیاری از دادستان‌ها و قضات محلی صادق است که باید به مقامات پلیس، که رئیس کمیته امور سیاسی و حقوقی محلی نیز هستند، گزارش

دهند. این افزایش کنترل، به گسترش سریع قدرت سیستم امنیت عمومی در چین نیز کمک کرده است.

این ساختار سبب شده نظام‌های قضایی و اجرای قانون نتوانند با رعایت انصاف و عدالت کار کنند. در آزار و شکنجه فالون گونگ، تمرین‌کنندگان به‌صورت نمایشی محاکمه می‌شوند، درحالی‌که کمیته امور سیاسی و حقوقی و اداره ۶۱۰ از قبل حکمشان را صادر کرده‌اند.

در یکی از نمونه‌ها، خانم گائو دیو، ۶۸ساله از شهر شیچانگ استان سیچوان، در سپتامبر ۲۰۰۹ به دلیل تمرین فالون گونگ دستگیر شد. وکیلش با مشکلات بسیار زیاد توانست به ملاقاتش برود. لیو، معاون کمیته امور سیاسی و حقوقی شهر شیچانگ، به وکیل او گفت: «با من از قانون حرف نزن. ما از قانون پیروی نمی‌کنیم.» یک سال بعد، قاضی دادگاه شیچانگ، خانم گائو را به ۱۲ سال زندان محکوم کرد.

در استان هبی، شش تمرین‌کننده فالون گونگ در ۶ دسامبر ۲۰۰۹ در دادگاه شهر چیان‌آن به ۷ تا ۸ سال زندان محکوم شدند. قاضی فنگ شیائولین که ریاست دادگاه را بر عهده داشت به خانواده تمرین‌کنندگان گفت: «وقتی پای پرونده‌های فالون گونگ در میان باشد، ما از قانون تبعیت نمی‌کنیم.»

قاضی دیگری در شهر یی‌یانگ استان هونان به یکی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ به نام خانم ژانگ چونچو گفت: «اکنون قدرت حزب بالاتر از قانون است و فالون گونگ را با قدرت خود سرکوب می‌کند. [در روند دادگاه و محکومیت] فقط به‌صورت تشریفاتی عمل می‌کنیم. نمی‌توانیم کار دیگری انجام دهیم. نباید ما را برای این موضوع مقصر بدانید.»

قاضی گو بینگ‌چینگ از دادگاه سوژو در استان جیانگسو یک بار به دختر خانم لو تونگ که در ۱۷ دسامبر ۲۰۰۸ به چهار سال زندان محکوم شد، گفت: «نباید انتظار داشته باشید قانون برتر از سیاست باشد. بی‌فایده است که با من از قانون صحبت کنید، زیرا من درباره سیاست با شما حرف می‌زنم.»

مدیر «ما» از اداره ۶۱۰ بخش نونگ‌آن استان جیلین به یکی از تمرین‌کنندگان گفت: «اینجا ما تصمیم می‌گیریم. ما درباره سیاست حرف می‌زنیم نه قانون. می‌توانی به هر کجا دلت خواست علیه ما شکایت کنی.»

وقتی تمرین‌کنندگان در زندان هستند، کمیته امور سیاسی و حقوقی و اداره ۶۱۰ به نگهبانان دستور می‌دهند آنها را شستشوی مغزی دهند و مجبورشان کنند از ایمان خود دست بکشند. میزان ترفیح و پاداشی که مأموران دریافت می‌کنند به میزان تبدیل (تغییر عقاید) تمرین‌کنندگان و تعداد تمرین‌کنندگانی که از ایمان خود دست می‌کشند بستگی دارد. در نتیجه مأموران برای کسب منفعت شخصی، از شکنجه شدید استفاده می‌کنند تا میزان تبدیل را افزایش دهند. بعضی از مأموران حتی تمرین‌کنندگان را تهدید می‌کنند که «یا باید تبدیل شوید یا سوزانده می‌شوید.»

۱۰.۳ اداره ۶۱۰

اداره ۶۱۰ به‌عنوان سازمانی در حزب کمونیست تأسیس شد که منحصرراً سرکوب و ریشه‌کن کردن فالون‌گونگ را هماهنگ و اجرا می‌کند. آن یک سازمان جاسوسی غیرقانونی است که در سطوح بالا به‌صورت سرّی، اما در سطوح پایین کاملاً آشکار عمل می‌کند. کارکردهای آن شامل ارائه استراتژی، برنامه‌ریزی و هدایت همه فعالیت‌های مرتبط با سرکوب فالون‌گونگ است. این سازمان برای اجرای این وظایف، به‌طور مؤثری این اختیار را دارد که ادارات دولتی در همه سطوح، از جمله دستگاه قضایی (پلیس، دادستانی و دادگاه)، را کنترل کند که برخلاف قوانین و قانون اساسی چین است.

ادارات ۶۱۰ نه‌تنها در همه سطوح دولت بلکه در اداره امنیت کشور، اداره پلیس، دانشگاه‌ها، مدارس، سازمان‌های دولتی و کسب‌وکارهای بزرگ نیز فعال بوده‌اند. مأموران ادارات ۶۱۰ در روابط خارجی، نظارت بر اینترنت، شرکت‌های خارجی، صنعت سفر و فعالیت‌های جنایی نیز فعال بوده‌اند.

اداره ۶۱۰ پس از چند بار اصلاح، تحکیم قدرت و نامگذاری مجدد، کماکان اداره‌ای است که قدرتی بالاتر از قانون دارد. حوزه کاری آن توسعه یافته و کلیساهای زیرزمینی و سایر سازمان‌های مذهبی و سازمان‌های چی‌گونگ را نیز در بر گرفته است.

۱.۳.۱۰ ایجاد و توسعه

در جلسه پولیت‌بوروی ح‌ک‌چ در ۷ ژوئن ۱۹۹۹، جیانگ زمین درباره نیاز فوری به «برخورد با فالون‌گونگ» سخنرانی کرد. او اعلام کرد کمیته مرکزی، کارگروه ویژه‌ای را راه‌اندازی

می‌کند که به سرعت استراتژی‌هایی را برای ریشه‌کن کردن فالون گونگ تدوین کند. قرار شد این کارگروه را لی لانچینگ، از اعضای کمیته دائمی پولیت‌بورو، هدایت کند و لوئو گان و دینگ گوانگن، دو تن دیگر از اعضای پولیت‌بورو، نیز کمکش کنند.

بنابراین «گروه رهبری مرکزی رسیدگی به مسئله فالون گونگ» سه روز بعد در ۱۰ ژوئن ۱۹۹۹ شکل گرفت. اعضای آن شامل مقامات دادگاه عالی خلق، دادستانی عالی خلق، وزارت امنیت عمومی، وزارت امنیت کشور، اداره تبلیغات، و وزارت امور خارجه بود. بازوی اجرایی آن «اداره گروه رهبری مرکزی رسیدگی به مسئله فالون گونگ» یا اداره ۶۱۰ مرکزی نامیده شد.

کمیته‌های رده‌پایین‌تر ح‌ک‌چ در سطوح استانی، شهری، بخش، قصبه، و حتی محله‌ها نیز همین ساختار را در خصوص گروه رهبری رسیدگی به مسئله فالون گونگ، همراه با اداره گروه رهبری رسیدگی به مسئله فالون گونگ (اداره ۶۱۰)، داشتند. اکثر آنها به کمیته امور سیاسی و حقوقی کمیته ح‌ک‌چ مربوط به خودشان، و تعدادی از آنها به اداره کمیته حزب در سطح خودشان وصل بودند.

هرچند اسنادی درباره زمان شکل‌گیری «گروه‌های رهبری» در سطوح استانی و شهری منتشر نشد، اما اسناد بسیاری تأسیس و عملکرد ادارات ۶۱۰ را در بخش، منطقه و سطوح پایین‌تر از آن ثبت کردند. این ادارات ۶۱۰ محلی، اداره ۶۱۰ مرکزی را دنبال می‌کنند. ادارات ۶۱۰ در نواحی شهری، در کمیته‌های مجاور خود و با مأموران اختصاصی تأسیس شدند. نواحی روستایی نیز شاهد تأسیس کارگروه‌هایی، به سرپرستی دبیران حزب روستا، و راه‌اندازی ادارات ۶۱۰ بودند.

کمیته مرکزی ح‌ک‌چ یا شورای کشور هیچ‌کدام وجود این سازمان را در ساختارهای سازمانی دارای دسترسی عمومی خود یا در اعلامیه مطبوعاتی رسمی خود آشکارا تصدیق نکردند اما در گزارش‌های رسانه‌ای و وبسایت‌های دولتی محلی از آنها صحبت شده است. وجود اداره ۶۱۰ مرکزی را می‌توان از طریق اسناد شورای کشور، وزارتخانه‌ها و فرمانداری‌ها و نیز گزارش‌های رسانه‌ها تأیید کرد. محرمانه‌بودن این سازمان، مشابه محرمانه‌بودن «گروه رهبری کمیته مرکزی ح‌ک‌چ برای انقلاب فرهنگی» در دهه ۱۹۶۰ است که فقط به مائو زدونگ پاسخگو بود و اختیارات فراقانونی گسترده‌ای داشت.

۲.۳.۱۰ غیرقانونی بودن

اداره ۶۱۰ بدون دنبال کردن روال قانونی یا کسب تأیید از کنگره ملی خلق که بالاترین نهاد قدرت در چین است، تأسیس شد. این سازمان قانون اساسی چین و به‌ویژه ماده ۳۶ (آزادی اعتقاد مذهبی) و ماده ۸۹ آن (شرح اختیارات شورای کشور) را نیز نقض می‌کند.

بسیاری از جزئیات کاری ادارات ۶۱۰ به دلیل محرمانه‌بودن آن، عمومی نمی‌شود. هرچند در پوشش‌های خبری اولیه به اداره ۶۱۰ اشاره می‌شد، در سیاست‌های عمومی کمیته مرکزی ح‌ک‌چ، اسناد حقوقی یا اسناد دولتی، اسمی از آن برده نشده است. عکسی که از صفحه وب‌سایت دولتی شهر چانگده در استان هونان گرفته شده، نشان می‌دهد اداره ۶۱۰ شهر چانگده در ژوئیه ۱۹۹۹ شروع به کار کرده است، هرچند کمیته حزب استان هونان تأسیس آن را تا مارس ۲۰۰۱ به صورت رسمی تأیید نکرد. اداره ۶۱۰ چانگده تقریباً دو سال به شکل نهادی ثبت‌نشده در کمیته حزب استانی، فعالیت کرد. فعالیت‌های آن در طول این مدت، در مثال زیر مشاهده می‌شود:

«آقای "او کشون" که در سال ۱۹۶۲ متولد شد، یکی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ از بخش لینلی شهر چانگده بود. پلیس لینلی در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۱ او را دستگیر و در یک مرکز شستشوی مغزی در "مرکز بازپروری معتادین به مواد مخدر چانگده" حبس کرد. مأموران کارگروه اداره ۶۱۰ چانگده و کمیته امور سیاسی و حقوقی (PLAC)، آقای "او" و تعداد دیگری از تمرین‌کنندگان را مجبور کردند از ایمان خود دست بکشند. آنها او را در کنار معتادان به مواد مخدر نگهداری و آن افراد را تحریک می‌کردند او را شکنجه کنند. آقای "او" هشت روز بعد در ۲۰ ژانویه، پس از بارها کتک خوردن شدید و خون بالاآوردن، درگذشت. مأموران آن کارگروه، برای پنهان کردن علت فوت "او" دستور دادند پیش از رسیدن خانواده‌اش، جسدش در شهر چانگده سوزانده شود.»

۳.۳.۱۰ ساختار سازمانی

پس از اینکه اداره ۶۱۰ مرکزی تأسیس شد، به‌عنوان یک سازمان اداری موقت، مستقیماً تحت نظارت کمیته مرکزی ح‌ک‌چ قرار گرفت، اما مدتی بعد به سطح یک سازمان وزارتخانه‌ای دائمی ارتقا یافت. در سال ۲۰۱۰ کد آن در سیستم خدمات مدنی چین، ۹۵۹ بود.

اولین رئیس اداره ۶۱۰ مرکزی، وانگ مائولین بود که بعداً لیو جینگ، معاون وزیر امنیت عمومی، جای او را گرفت. در سال ۲۰۰۹، لی دونگ‌شنگ، معاون اداره ۶۱۰ مرکزی، جایگزین لیو شد. سایر رؤسا و معاونین سابق این اداره عبارتند از شو هایبین (معاون اجرایی، دبیر سابق لوئو گان)، گائو بیچن (معاون سابق وزارت امنیت کشور)، یوان یین، وانگ شیائوشیانگ، و دانگ جوفای. لی آپینگ دبیر کل اداره ۶۱۰ مرکزی بود.

در ادامه، ساختار معروف اداره ۶۱۰ مرکزی را ارائه می‌دهیم:

دبیرخانه (که به نام اداره عمومی نیز خوانده می‌شود) با مدیریت وانگ تیشیان

اداره اول (که می‌تواند همان دبیرخانه باشد)

مدیر: وانگ تیشیان؛ معاون: لی شیائودونگ؛ بازرس: سونگ چوانجونگ.

اداره دوم: مدیر: شائو هُنگوی؛ معاون: گائو شیائودونگ.

اداره سوم: اطلاعات بیشتری در دسترس نیست.

در حال حاضر کارکردهای دقیق این سه اداره، مشخص نشده است، اما می‌توان برای درک آن، به ساختار داخلی ادارات ۶۱۰ سطح پایین‌تر توجه کرد. این ادارات محلی، از مکانی به مکان دیگر متفاوت هستند، اما عموماً یک شعبه دبیرخانه، یک شعبه عمومی و یک شعبه آموزش دارند. اداره ۶۱۰ در سطح بخش عموماً از یک گروه عمومی و یک گروه آموزش تشکیل می‌شود. اداره ۶۱۰ سطح شهری معمولاً از یک بخش عمومی و یک بخش آموزش تشکیل می‌شود. در یک مثال خاص، ساختار اداره ۶۱۰ کمیته حزب منطقه‌ای لوهه در شهر نانجینگ استان جیانگسو، از بخش هماهنگی عمومی، بخش آموزش و تبدیل، و بخش پیشگیری و کنترل تشکیل می‌شود. این نوع ساختار سه‌شعبه‌ای در اداره ۶۱۰ در سطح منطقه، چندان رایج نیست. اما این نوع ساختار تقریباً متناظر با سه شعبه اداره ۶۱۰ مرکزی است.

مسئولیت‌های این شعب به ترتیب زیر است:

شعبه دبیرخانه: پردازش کارهای روزانه و هماهنگی امور اداری؛ ارسال / دریافت / انتشار پیام‌ها؛ تهیه پیش‌نویس اسناد؛ مدیریت مهر رسمی؛ محرمانه نگه‌داشتن پرونده‌ها و بایگانی فایل‌ها؛ تنظیم و سازماندهی جلسات.

شعبه عمومی: پردازش پرونده‌ها و اطلاعات، تحقیقات جامع، تحلیل روند، نظارت بر اقدامات و جلسات؛ حفظ محرمانگی اسرار، مسئولیت امور سیاسی و منابع انسانی، تدارکات اداری، و کارهای روزمره.

شعبه آموزش: تبلیغات افتراءآمیز علیه فالون گونگ؛ شستشوی مغزی تمرین‌کنندگان فالون گونگ؛ اجبار تمرین‌کنندگان به دست‌کشیدن از ایمانشان (که آن را «آموزش و تبدیل» می‌نامند)، تماس، هماهنگی، نظارت، و بازرسی سایر سازمان‌ها در رابطه با مسائل مربوط به فالون گونگ.

درمجموع، شعبه عمومی بر جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل اطلاعات، و تدوین راهکارهای آزار و شکنجه تمرکز دارد، و شعبه آموزش، امور عملیاتی را انجام می‌دهد و تمرین‌کنندگان را مجبور می‌کند از ایمان خود دست بکشند.

پس از بدنامی و انگشت‌نماشدن اداره ۶۱۰، نام آن به «اداره پیشگیری و رسیدگی به امور فرقه‌ها» تغییر کرد. در بعضی مکان‌ها، آن را «اداره حفظ ثبات» می‌نامند. مثلاً سندی از «کمیته ساختار سازمانی حوزه لینگچوان استان شانشی»، دو عنوان را برای اداره ۶۱۰ نشان می‌دهد: «اداره پیشگیری و رسیدگی به امور فرقه‌ها در کمیته حزب لینگچوان» و «اداره پیشگیری و رسیدگی به امور فرقه‌ها در لینگچوان». اما کارکرد آن یکسان است و در داخل نیز به همان نام اداره ۶۱۰ خوانده می‌شود.

۴.۳.۱۰ ترکیب کارکنان

از آنجاکه اداره ۶۱۰ در اصل قرار بود یک سازمان موقت باشد، مقامات کشور، کارکنان این اداره را از بین اعضای سیستم سیاسی و حقوقی انتخاب کردند تا علاوه بر شغل خود، کارهای این سازمان را نیز اداره کنند. مثلاً اگر یک مأمور پلیس به اداره ۶۱۰ منتقل می‌شد، سمت شغلی و اختیارات خود در خصوص اجرای قانون در اداره پلیس را نیز حفظ می‌کرد. این کارکنان گاهی «مأموران پلیس ۶۱۰» نامیده می‌شدند. اگر شخص، یک دبیر حزب یا مدیر سازمانی خاص بود، مدیر باقی می‌ماند؛ و درحالی‌که از اختیارات اجرای قانون برخوردار نبود، اما می‌توانست به نیروی پلیس دستور دهد کار خاصی را علیه تمرین‌کنندگان فالون گونگ انجام دهد. گزارش‌ها نشان می‌دهند سایر کارکنان از سازمان‌هایی مانند دادستانی، دادگاه، ادارات تبلیغات، ادارات قضایی، ادارات مالی، و ادارات تجدیدنظر انتخاب می‌شدند.

وقتی برخلاف پیش‌بینی جیانگ زمین، آزار و شکنجه فالون گونگ پس از گذشت سه ماه همچنان ادامه یافت، اداره ۶۱۰ تبدیل به سازمانی دائمی با کارکنان تمام‌وقت شد. با وجود سطح بالای محرمانه‌بودن و پنهان‌کاری این اداره، اطلاعات عمومی محدود درباره آن نشان می‌دهد این «گشتاپوی مدرن» از دولت مرکزی در پکن گرفته تا مناطق مختلف در هر گوشه‌وکنار کشور، چارت‌های سازمانی کامل و دقیقی دارد.

هرچند نمی‌توان با اطمینان گفت چند نفر در سراسر چین در سیستم اداره ۶۱۰ کار می‌کنند، با توجه به حضور این اداره در همه سازمان‌های دولتی و غیردولتی و کمیته‌های حزبی در سطوح استان، شهر، بخش، قصبه و منطقه، تعداد کارکنان آن بی‌تردید بسیار زیاد است. حضور گسترده ادارات ۶۱۰ در کل کشور، انعکاسی از عمق و مقیاس آزار و شکنجه فالون گونگ نیز است.

۵.۳.۱۰ کنترل ادارات دولتی و شرکت‌های تجاری

اداره ۶۱۰ شعبی در سیستم آموزش و سیستم پلیس، و نیز کسب‌وکارهای بزرگ دولتی و خصوصی دارد که از طریق آنها می‌تواند بر تمرین‌کنندگان فالون گونگ در همه نواحی جامعه نظارت کرده و دستور دستگیری آنان را صادر کند.

۵.۳.۱۰ (الف) سیستم پلیس

پس از اینکه اداره ۶۱۰ و سایر سازمان‌ها نتوانستند طبق پیش‌بینی جیانگ زمین، فالون گونگ را پس از سه ماه ریشه‌کن کنند، جیانگ در جلسه‌ای داخلی در اواخر سال ۲۰۰۰ یا اوایل سال ۲۰۰۱ به اداره ۶۱۰ دستور داد به وزارت امنیت کشور، وزارت امنیت عمومی و ادارات پلیس محلی نیز گسترش یابد.

وزارت امنیت عمومی در سال ۲۰۰۱ اطلاعاتی شماره ۱۵۷ خود را درباره راه‌اندازی اداره ویژه‌ای در نظام امنیت عمومی منتشر کرد تا به موارد مربوط به فالون گونگ و سایر «سازمان‌های چی‌گونگ مضر» رسیدگی کند. این اعلان، بیانگر تأسیس اداره ۶۱۰ در سیستم امنیت عمومی بود.

وزارت امنیت عمومی، بخش دیگری، بخش بیست‌وششم، را نیز به‌عنوان محل رسمی اداره ۶۱۰ اضافه کرد. در بعضی مناطق، اداره ۶۱۰ تحت نظارت بخش اول وزارت امنیت

عمومی، به نام بخش امنیت ملی است، درحالی‌که آنها ساختمان مشترکی با دو در مجزا دارند. رئیس یا معاون بخش امنیت ملی، رئیس اداره ۶۱۰ نیز می‌شد.

اداره ۶۱۰، علاوه بر سیستم پلیس، در هر سازمان و اداره دولتی از جمله دادستانی، دادگاه، شعب قضایی، سیستم زندان، دیوان مالی، اداره ملی غذا، اداره بازرگانی، اداره تبلیغات، و اداره کار جبهه متحد نیز نفوذ کرد.

۵.۳.۱۰ (ب) سیستم آموزش

رژیم کمونیست برای پیشرفت سیاست آزار و شکنجه، و ترویج تبلیغات افتراءآمیز حزب در زمینه بدنام‌سازی فالون گونگ، اداره ۶۱۰ را در سیستم آموزش، از سطح استانی گرفته تا سطح شهری، از دانشگاه‌ها و دانشکده‌های پزشکی گرفته تا مدارس راهنمایی و حتی مدارس ابتدایی، بنا نهاد.

در اواخر سال ۲۰۰۵، اداره ۶۱۰ در نقشه محوطه دانشگاه جیلینگ نمایش داده شد که روند حرکت آن را از یک سازمان وابسته به دفتر کمیته حزب دانشگاه تا تبدیل شدن به سازمانی با عملیات مستقل، نشان می‌دهد. اما چنین حرکتی در دانشگاه‌های چین رایج نبود، زیرا بیشتر ادارات ۶۱۰ تحت نظارت کمیته حزب در محوطه دانشگاه باقی ماندند. در ژانویه ۲۰۰۶، مدیر جدید دانشکده حقوق دانشگاه جیلین، کارکنان اداره ۶۱۰ این دانشکده را معرفی کرد بنابراین آن اولین دانشکده حقوق در چین بود که وجود اداره ۶۱۰ را در سازمان خود تأیید کرد.

اداره آموزش منطقه ژانگدیان در شهر زیبو در استان شاندونگ، در اکتبر ۲۰۰۶ اعلامیه‌ای منتشر کرد و به همه مدارس منطقه، از جمله مدارس راهنمایی و ابتدایی، دستور داد سیاست تأسیس اداره ۶۱۰ را بر اساس شرایط هر مدرسه، اجرا کنند.

۵.۳.۱۰ (پ) سرویس پست

اداره ۶۱۰ به سرویس پست فشار آورده که برای پیدا کردن مطالب مربوط به فالون گونگ، نامه‌ها و بسته‌ها را بازرسی کنند. مثلاً کارمندان اداره پست استان یوننان باید پاکت‌نامه‌ها را باز می‌کردند تا نامه‌هایی را که تمرین‌کنندگان فالون گونگ برای اطلاع‌رسانی درباره آزار و شکنجه نوشته بودند بیابند.^{۲۷۳} ادارات پست سراسر چین، از

ارسال شکایات کیفری تمرین‌کنندگان فالون گونگ علیه جیانگ زمین به دادگاه و دادستانی عالی خلق چین نیز خودداری کرده‌اند (در فصل ۱۲ بیشتر در این باره صحبت می‌شود).

این نوع سیاست، ماده ۴۰ قانون اساسی چین (آزادی و حفظ حریم شخصی در مکاتبات) را نقض می‌کند. قوانین پستی چین و به‌ویژه ماده ۳۵ (ممانعت از گشودن، پنهان کردن یا خراب کردن نامه متعلق به دیگران) و ماده ۳۸ (سوءاستفاده کارکنان پست از قدرت) را نیز نقض می‌کند. درنهایت، مواد ۲۵۲ و ۲۵۳ حقوق کیفری چین را نیز نقض می‌کند که مربوط به گشودن، پنهان کردن و تخریب نامه دیگران توسط شهروندان یا کارکنان پست است.

۵.۳.۱۰ (ت) شرکت‌های بزرگ

از آنجاکه بسیاری از شرکت‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی و عمومی، کمیته حزب کمونیست خودشان را دارند، طبیعتاً ادارات ۶۱۰ نیز در این سازمان‌ها تأسیس شده‌اند. مثال‌های مستند آن شامل گروه استخراج شویچنگ در شهر لیوپانشوئی استان گوئیژو و گروه استخراج شینکوانگ در شهر تای‌آن استان شاندونگ است. در مثالی دیگر، بخش دهم گروه تولید و ساخت شین جیانگ که سازمان اقتصادی و شبه‌نظامی منحصربه‌فردی است، شماره تلفن رئیس اداره ۶۱۰ خود را در کتاب آدرسش وارد کرد.

مورد ۱: حوزه نفتی داچینگ، دست‌کم ۲۷ تمرین‌کننده را تا سرحد مرگ شکنجه کرده و به قتل رسانده است

در میان شرکت‌های بزرگ در چین، شرکت حوزه نفتی داچینگ (از توابع پتروچاینا) از زمان آغاز آزار و شکنجه، بیشتر از هر شرکت دیگری مسئول مرگ تمرین‌کنندگان فالون گونگ بوده است. در آوریل ۲۰۱۳، حداقل ۲۷ کارمند این شرکت دولتی، به دلیل تمرین فالون گونگ، تا سرحد مرگ شکنجه شده‌اند که حدود ۴۰ درصد مرگ تمرین‌کنندگان در داچینگ و حدود ۵ درصد مرگ آنها در استان هیلونگ‌جیانگ بوده است.^{۳۷۴}

اداره ۶۱۰ در شرکت حوزه نفتی داجینگ، مراکز شستشوی مغزی را تأسیس و واحدهای مختلف شرکت را مجبور کرده به مراکز شستشوی مغزی پول بدهند و آن دسته از کارکنانشان را که تمرین‌کننده فالون گونگ هستند به آنجا بفرستند تا شکنجه شوند، دستمزد و پاداش تمرین‌کنندگان فالون گونگ را پرداخت نکنند، پلیس و دادگستری داجینگ را برای دستگیری و زندانی کردن تمرین‌کنندگان راهنمایی کنند و مطالب تبلیغاتی افتراآمیز درباره فالون گونگ را توزیع کنند. بسیاری از تمرین‌کنندگانی که مورد هدف قرار گرفتند، کارکنان نمونه‌ای بودند و در بعضی موارد، رؤسای‌شان با اینکه برای تنزل دادن رتبه شغلی آنها از سوی اداره ۶۱۰ تحت فشار بودند، همچنان به آنها اجازه می‌دادند به کار در سیمت خود ادامه دهند.^{۲۷۰}

مورد ۲: مأموران اداره ۶۱۰ در شرکت گروه گژوبا، تمرین‌کننده‌ای را تا سرحد مرگ شکنجه کردند و به قتل رساندند

اداره ۶۱۰ و بخش امنیت هشت شرکت تابع گژوبا تمرین‌کنندگان فالون گونگی را که کارمند گروه گژوبا در شهر یی‌چانگ استان هوبی بودند، مورد حمله، تعقیب، تهدید و شستشوی مغزی قرار داده‌اند.

یکی از آنها خانم شن جو بود که در مه ۱۹۹۸ تمرین فالون گونگ را شروع کرد و وضعیت سلامتی‌اش بهتر شد. او پس از شروع آزار و شکنجه، به‌منظور دادخواهی برای فالون گونگ سه بار به پکن رفت. خانم شن دستگیر و به شهر یی‌چانگ برگردانده شد و در آنجا، مأموران اداره ۶۱۰ و مأمور شو هُنْگ از دومین شرکت گروه گژوبا، مقدار زیادی پول از او اخاذی و زندانی‌اش کردند. طی چند سال بعد نیز پلیس و مأموران شرکت، بارها خانم شن را بازداشت و در مراکز شستشوی مغزی حبس کردند.

خانم شن پس از سال‌ها آزار جسمی و روانی، ۲۴ ساعت به اغما رفت و در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۶ در ۳۴ سالگی درگذشت. از او یک دختر شش‌ساله برجا مانده است.^{۳۷۶}



فصل ۱۱: افراد هم‌دست در آزار و شکنجه

همان‌طور که در فصل ۹ گفته شد، جیانگ زمین از کنترل خود بر حزب، حکومت و ارتش، برای پیشبرد آزار و شکنجه فالون گونگ استفاده کرد. جیانگ از طریق «کمیته امور سیاسی و حقوقی» (PLAC) و اداره ۶۱۰، آزار و شکنجه را به بخشی از کار و زندگی هریک از شهروندان چینی تبدیل کرد. مردم در تمام جامعه مجبور بوده‌اند به خواست خودشان، با انگیزه کسب منافع شخصی، یا به‌طور ناخواسته، از طریق ارباب و فشار سیاسی، در این آزار و شکنجه مشارکت کنند. این افراد تقریباً در هر حزب، سازمان دولتی و نظامی و در ادارات مربوط به آموزش، سلامت و دارو، امور مالی و روابط خارجی حضور دارند.

۱.۱۱ مسئولان در سطح محله

کمیته‌های اماکن نقش منحصربه‌فردی برای ح‌ک‌چ دارند و برای نظارت بر شهروندان هر منطقه به کار می‌روند. در طول تاریخ، این مقامات محلی به‌عنوان یک منبع استخدام، قدر و منزلت چندانی نداشتند. اما در سال ۱۹۹۹ که آزار و شکنجه فالون گونگ آغاز شد، آنها به بخش جدایی‌ناپذیر کمپین ح‌ک‌چ تبدیل شدند و پیوسته، جایگاه بالاتری یافتند. کارکنان این ادارات، کارمند دولت شدند و باید در آزمون‌های خدمات شهری شرکت می‌کردند تا بتوانند استخدام شوند. حقوق و مواجب آنها نیز به بیش از ۱۰ هزار یوآن در سال رسید و از مزایای بازنشستگی و پزشکی نیز برخوردار شدند.^{۳۷۷} بعضی از کمیته‌های اماکن، اداره ۶۱۰ خودشان را دارند و سرکوب فالون گونگ را آشکارا به‌عنوان بخشی از مسئولیت‌های شغلی خود لیست کرده‌اند.

کمیته اماکن منطقه کوئی‌ون در ویفانگ استان شان‌دونگ، کمپینی به‌منظور بدنام‌سازی فالون گونگ راه‌اندازی کرد. کارکنان این اداره، مطالب افتراء‌آمیز را در سراسر منطقه پست و توزیع کردند، و حتی به خانه ساکنین منطقه رفتند تا پیام‌های افتراء‌آمیز علیه فالون گونگ را به‌صورت شفاهی منتقل کنند. در همین منطقه، انجمن محله بینگیوان یک نمایشگاه ضد فالون گونگ را برگزار کرد که در آن، ۷۶ تابلوی نمایشی، حاوی مفاهیمی برای بدنام کردن فالون گونگ، را برای بیش از ۲۰۰ سکنه و دانشجو به نمایش

گذاشتند و آنها را مجبور کردند برگه نکوهش و محکوم کردن فالون گونگ را امضاء کنند. انجمن محله بینگیوان به دلیل برگزاری این فعالیت‌ها و برپایی تأسیسات نگهداری و نظارتی در این منطقه، به‌عنوان «محله نمونه» معرفی شد و جوایزی در سطح شهر دریافت کرد.

این کمیته‌های اماکن با دریافت جوایز پولی نیز انگیزه می‌گرفتند فعالیت‌های خود را در این زمینه افزایش دهند. استانداری و کمیته حزب استانی شاندونگ، انجمن ضد فرقه خود را یک سازمان «پیشرفته» نامید. این انجمن به هر محله‌ای که در آزار و شکنجه شرکت می‌کرد ۵ هزار یوان و به هر دهستان ۱۰ هزار یوان جایزه می‌داد و بین سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۹، در مجموع مبلغ ۳۴۵ هزار یوان را خرج این جوایز کرد.

کمیته‌های اماکن علاوه بر برگزاری کمپین‌های بدنام‌سازی فالون گونگ، با پلیس و سازمان‌های قضایی نیز همکاری می‌کردند تا درباره تمرین‌کنندگان تحقیق کنند و آنها را تحت نظر داشته باشند. کارکنان این کمیته‌ها اغلب تمرین‌کنندگان را در منزل‌شان آزار و اذیت و تهدید می‌کردند، از آنها فیلم و عکس می‌گرفتند، کتاب‌های فالون گونگ‌شان را توقیف کرده و مجبورشان می‌کردند اظهاریه‌های محکوم‌کردن ایمان خود به فالون گونگ را امضاء کنند.

۲.۱۱ شرکت‌های خارجی و سازمان‌های رسانه‌ای

بسیاری از شرکت‌ها و رسانه‌های خبری خارجی از طرق مختلف، از خودسانسوری گرفته تا همکاری فعال، به‌شکل مستقیم و غیرمستقیم در آزار و شکنجه فالون گونگ به رژیم چین کمک کرده‌اند.

۱.۲.۱۱ شرکت‌های فناوری در ایجاد زیرساخت‌های سانسور و نظارت کمک می‌کنند

در سال ۲۰۰۰، رژیم چین اجرای سیستم نظارت و فیلترینگ اطلاعات آنلاین را شروع کرد که به نام «فایروال بزرگ» یا «دیوار بزرگ آتش» مشهور است. الزامات این پروژه را پولیت‌بورو، کمیته امور سیاسی و حقوقی، وزارت امنیت کشور و اداره ۶۱۰ تعریف کردند.

شرکت‌های بزرگ فناوری که در توسعه «دیوار بزرگ آتش» همکاری کردند شرکت سیسکو و نورتل بودند. یکی از سخنرانی‌های داخلی سیسکو که به بیرون درز کرد، نشان داد این شرکت می‌دانست محصولاتش برای این هدف به کار خواهند رفت، و یک اسلاید نیز هدف پروژه را «مبارزه با فرقه شیطانی فالون گونگ و سایر عناصر خصمانه» بیان کرده و اظهارات توهین‌آمیز رژیم چین علیه فالون گونگ را طوطی‌وار تکرار می‌کرد.^{۲۷۸} طبق مطالعه‌ای که پروفیسور جان پالفری از دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۰۵ انجام داد، پروژه «دیوار بزرگ آتش» ۱۰۰ درصد گزارش‌هایی را که اطلاعات مثبتی درباره فالون گونگ داشتند، ۶۰ درصد اطلاعات مربوط به احزاب سیاسی مخالف، نزدیک به ۵۰ درصد اطلاعات مربوط به کشتار میدان تیان‌آن‌من در ۴ ژوئن ۱۹۸۹ و ۱۰ درصد وبسایت‌های شهوت‌انگیز را مسدود کرد.^{۲۷۹}

۲.۲.۱۱ تبعیت شرکت خارجی از درخواست‌های حکم برای سانسور و محدودکردن تمرین‌کنندگان

در سپتامبر ۲۰۰۳، یک تمرین‌کننده فالون گونگ در سخنرانی‌اش در نمایندگی شرکت لوازم آرایشی مری کای در سنژن چین، از تجربه مثبت خود در تمرین فالون گونگ صحبت کرد. پس از اینکه گزارشگری این موضوع را به مقامات اطلاع داد، سه تمرین‌کننده فالون گونگ دستگیر شدند. اداره ۶۱۰ به شرکت مری کای فشار آورد که «خط فکری حزب درباره فالون گونگ» را دنبال کند و آنها را تهدید کرد که در غیر این صورت فعالیت‌های تجاری‌شان در چین دچار اختلال شده یا مسدود خواهد شد.

شرکت مری کای این درخواست را پذیرفت و از همه کارمندان خود خواست اظهاریه‌ای را امضاء کنند مبنی بر اینکه فالون گونگ را تمرین نکرده یا از آن دفاع نمی‌کنند؛ در غیر این صورت، همکاری‌شان با این شرکت خاتمه می‌یافت. سپس چند تن از کارکنان شرکت مری کای به دلیل امتناع از امضای این اظهاریه، شغل خود را از دست دادند. مقامات چین یکی دیگر از کارکنان را که به نفع فالون گونگ صحبت کرده بود نیز بازداشت کردند.

در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۳، کریس اسمیت، تام لانتوس و ایلینا روز لتینن، از اعضای کنگره امریکا، ضمن نوشتن نامه‌ای به ریچارد آر راجرز، مدیرعامل شرکت مری کای، از او درخواست کردند از نمایندگی‌اش در چین بخواهد الزام کارکنان به امضای اظهاریه‌ای در

رابطه با فعالیت سیاسی و مذهبی‌شان را لغو کند. سخنگوی این شرکت به خبرگزاری فرانسوی ای‌اف‌پی گفت شرکت مری کای از قبل در حال لغو این الزام بوده و اخراج کارکنان خود را به دلیل امتناع از امضای این اظهاریه، به‌کل انکار کرد.^{۲۸۰}

۳.۲.۱۱ اخبار رسانه‌های بین‌المللی، تبلیغات حزب کمونیست چین را تکرار می‌کند

برخلاف کمپین‌های سیاسی قبلی که ح‌ک‌چ در آنها، درهای چین را به روی رسانه‌ها می‌بست، رژیم از آغاز کمپین خود علیه فالون گونگ، مطبوعات خارجی را نیز به کار گرفت با این هدف که اظهارات ضد فالون گونگش را در سراسر جهان تبلیغ کنند و در عین حال حمایت بین‌المللی را نیز برای این آزار و شکنجه کسب کند. در روزهای اولیه شروع این آزار و شکنجه، بسیاری از سازمان‌های خبری مهم سراسر جهان، تبلیغات افتراءآمیز ح‌ک‌چ را که در رسانه‌های تحت کنترل دولت چین از جمله تلویزیون مرکزی چین (سی‌سی‌تی‌وی) پخش می‌شد، بازنشر کردند. حتی در حال حاضر نیز رسانه‌های غربی همچنان از ادبیات تحقیرآمیز رژیم چین استفاده می‌کنند و کلماتی مانند «فرقه»، «پیروان» و «تهدید» را در اشاره به فالون گونگ و تمرین‌کنندگان آن به کار می‌برند.

در سال‌های بعد نیز بعضی از سازمان‌های رسانه‌ای بین‌المللی، همچنان اطلاعات نادرست ح‌ک‌چ درباره فالون گونگ را تکرار کرده یا به دلیل انگیزه‌های اقتصادی یا تهدید و ارعاب از سوی رژیم چین، درباره این موضوع سکوت کردند. در مثالی دیگر، تلویزیون تلنت‌ویژن که شبکه‌ای به زبان ماندارین در کانادا است، یکی از برنامه‌های سی‌سی‌تی‌وی را بازپخش کرد که به دروغ، تمرین‌کنندگان فالون گونگ را به ارتکاب قتل در پکن متهم می‌کرد. کمیسیون رادیو، تلویزیون و مخابرات کانادا در ۱۶ اوت ۲۰۰۲ رأی داد که ادعای تلنت‌ویژن درباره اینکه فالون گونگ با این پرونده قتل در پکن مرتبط بوده، بدون وجود شواهد واقعی مطرح شده، و تخلف از سیاست‌های چندگانه قانون اخلاق حرفه‌ای این کمیسیون و به‌نوعی حمله به فالون گونگ محسوب می‌شود. این کمیسیون از این ایستگاه تلویزیونی خواست این رأی را در ساعت پربیننده خود پخش کند.^{۲۸۱}

همچنین رژیم چین معتقد است باید از روابط مالی و دلارهای تبلیغاتی، به‌عنوان اهرمی برای دور نگه‌داشتن رسانه‌های خارجی از پوشش خبری فالون گونگ استفاده کند.

هم‌زمان، برای افزایش دسترسی به کمپین‌های تبلیغاتی حزب کمونیست، با روزنامه‌های بزرگ قرارداد می‌بندد تا مطالب «چاینا دیلی» را منتشر کنند.

۳.۱۱ مقامات چینی که به اجرای آزار و شکنجه کمک کردند

در مقایسه با عاملان اصلی که در بخش ۹.۲ فهرست شدند و در درجه اول مسئول راه‌اندازی این آزار و شکنجه بودند، مقاماتی که در زیر نام برده می‌شوند نیز بعداً در این کمپین به کار گرفته شدند، هرچند نقش اساسی کمتری ایفا کردند. با این حال آنها آزار و شکنجه را فعالانه پیش بردند تا پایگاه سیاسی خودشان را بسازند و موجب شدند تمرین‌کنندگان فالون گونگ در حوزه قضایی‌شان متحمل درد و رنجی وصف‌ناپذیر شوند.

۱.۳.۱۱ لی دونگ‌شنگ

لی دونگ‌شنگ (李东生) که بین ژانویه ۱۹۹۳ و ژوئیه ۲۰۰۰ معاون تلویزیون مرکزی چین (سی‌سی‌تی‌وی) بود، کمپین تبلیغات افتراءآمیز سراسری ح‌ک‌چ را علیه فالون گونگ اجرا کرد. در ژوئن ۱۹۹۹ که اداره ۶۱۰ تازه تأسیس شده بود، او به سمت معاونت منصوب و مسئول تبلیغات افتراءآمیز شد. پس از بازنشستگی لیو جینگ در اکتبر ۲۰۰۹، ژو یونگ‌کانگ، لی را به معاونت وزارت امنیت عمومی و ریاست اداره ۶۱۰ منصوب کرد.

لی با برنامه محبوب «تمرکز» که در ساعت پربیننده شبکه سی‌سی‌تی‌وی درباره امور جاری پخش می‌شد، بر افکار عمومی تأثیر گذاشت. این برنامه بین ۲۱ ژوئیه ۱۹۹۹ تا اواخر سال ۲۰۰۵، حدود شش سال و نیم، ۱۰۲ قسمت برنامه ضد فالون گونگ را پخش کرد. فقط بین ژوئیه و دسامبر ۱۹۹۹، هفتاد قسمت از این برنامه‌ها پخش شد.

لی در سازماندهی حقه خودسوزی در میدان تیان‌آن‌من نیز نقش مهمی داشت که کمپین تبلیغات افتراءآمیز را به سطح جدیدی رساند.

۲.۳.۱۱ بو شیلای

بو شیلائی (薄熙来) در زمانی که شهردار شهر دالیان در استان لیائونینگ بود، کمپین سرکوب علیه فالون گونگ را که جیانگ زمین راه‌اندازی‌اش کرده بود، فعالانه اجرا می‌کرد. او سیستم اردوگاه کار اجباری و زندان را توسعه داد و ساختمان‌های جدیدی ساخت.

بسیاری از تمرین‌کنندگان فالون گونگ که به‌منظور دادخواهی برای حق تمرین باور خود به پکن رفتند، به زندان‌ها و اردوگاه‌های تازه‌تأسیس برده شدند. بو به همه سطوح اجرای قانون دستور داد تمرین‌کنندگان را کتک بزنند و به قتل برسانند. او با اجرای دستور جیانگ مبنی بر اینکه «آنها را از نظر جسمی نابود کنید» فرایند برداشت اجباری اعضای بدن تمرین‌کنندگان و پلاستینه‌سازی اجسادشان را نیز در دالیان هدایت کرد. بو به‌سرعت ترفیع شغلی گرفت و فرماندار استان لیائونینگ شد.

پس از اینکه بو در سال ۲۰۰۷ دبیر حزب در چونگ‌چینگ شد، تمرین‌کنندگان در این شهر، گروهی پس از گروهی دیگر دستگیر یا بازداشت شده یا به مراکز شستشوی مغزی برده شدند.

۳.۳.۱۱ ون شیجن

ون شیجن (闻世震) که از اوت ۱۹۹۷ تا دسامبر ۲۰۰۴ در استان لیائونینگ دبیر حزب بود، از نفوذ و جایگاه خود برای اجرای دستورات جیانگ زمین در رابطه با «دوژنگ» فالون گونگ استفاده کرد. او در ژوئیه ۱۹۹۹ به سایر رهبران حزب آموزش داد از دستورات کمیته مرکزی ح‌ک‌چ جیانگ درباره ریشه‌کن کردن فالون گونگ... در استان‌مان» پیروی کنند تا بر آنها پیروز شوند؛ دستوراتی که برای ریشه‌کن فالون گونگ از طریق تغییر ایدئولوژیکی با استفاده از شکنجه («تبدیل») بود. در اکتبر ۱۹۹۹ نیز پس از اینکه جیانگ زمین اطلاعاتی دروغین را به روزنامه فرانسوی فیگارو ارائه داد و روزنامه پپلز دیلی نیز یک روز بعد، دروغ‌های جیانگ زمین را منتشر کرد، ون رهبران حزب در استان لیائونینگ را ترغیب کرد کمپین «دوژنگ» را بر اساس تهمت‌های جیانگ زمین به فالون گونگ، پیش ببرند.

۴.۳.۱۱ وانگ مائولین

وانگ مائولین (王茂林) اولین رئیس اداره ۶۱۰ مرکزی، کمپین جیانگ زمین علیه فالون گونگ را به شکل فعالی اجرا کرد. برای نمونه وانگ در مقدمه‌ای که برای کتاب تأثیرگذار تألیف حزب به نام «فالون گونگ و فرقه‌های شیطانی» نوشت، بیان کرد که این کتاب «اهمیت و ضرورت مبارزه با فالون گونگ را به خوبی نشان می‌دهد.»

۵.۳.۱۱ دینگ شیفا

دینگ شیفا (丁世发) در سمت دبیری کمیته امور سیاسی و حقوقی استان لیائونینگ، از اظهارات ون شیجن در خصوص سرکوب فالون گونگ حمایت و آن را تقویت کرد. او در اکتبر ۱۹۹۹، سایر اعضای حزب در استان لیائونینگ را ترغیب کرد «در "دوژنگ" [مبارزه با فالون گونگ]، با اشتیاق سیاسی کامل و فعالانه حضور به هم برسانند تا پیروز شوند.»

دینگ پیش از آن در ژوئیه ۱۹۹۹، کارکنان دفتر سازمان حزب در لیائونینگ، اداره تبلیغات و اداره امنیت عمومی را به شهر هولودائو هدایت کرد و از مقامات محلی درخواست کرد استراتژی‌های رهبری مرکزی حکم‌چ را (که جیانگ زمین صادرشان کرده بود) دقیقاً اجرا کنند تا در کمپین ضد فالون گونگ موفق شوند.

۶.۳.۱۱ ژانگ شین‌شیانگ

ژانگ شین‌شیانگ (张行湘) در حین خدمت در سمت معاونت کمیته حزب در استان لیائونینگ سایر مقامات، به‌ویژه مقامات هولودائو، را ترغیب کرد «آماده یک کمپین "دوژنگ" طولانی علیه فالون گونگ باشند» و [تمرین‌کنندگان] را «دشمنان حزب» نامید.



فصل ۱۲: تنظیم بیش از ۲۰۰ هزار شکایت حقوقی علیه جیانگ زمین

در اوت ۲۰۰۰ تعدادی از تمرین‌کنندگان در چین سعی کردند اولین دعوی قضایی علیه جیانگ زمین را به جریان بیندازند، با این حال مراجع قانونی به راحتی از ثبت شکایات آنها امتناع کردند.^{۲۸۲} گرچه در سال‌های بعد چند دعوی قضایی مستقل در خارج از چین ثبت شد، تمرین‌کنندگان در داخل چین همیشه برای ارائه شکایات حقوقی خود به نظام قضایی، با موانعی مواجه بودند.

در امه ۲۰۱۵، دادگاه عالی خلق، «اصلاحیه نظام ثبت شکایت» جدیدی را اجرا کرد که تصریح می‌کرد همه شکایات کیفری پس از دریافت، باید در دادگاه ثبت شوند. بسیاری از تمرین‌کنندگان فالون گونگ سعی کردند از حق قانونی خود استفاده کنند و جیانگ زمین را به دلیل راه‌اندازی آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ و آسیب و زیان وحشتناکی که به آنها وارد کرده، تحت پیگرد قضایی قرار دهند.

نکات برجسته کلیدی

جیانگ زمین با دستور آزار و شکنجه فالون گونگ، قانون اساسی چین، قوانین کیفری چین، و قوانین بین‌المللی درباره شکنجه، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت را نقض کرده است. او به وزرای دولتی نیز دستور انجام اقداماتی را داد که اختیار قانونی برای انجام آنها را نداشتند.

۲۰۹۹۰۸ دعوی قضایی علیه جیانگ در دادگاه عالی خلق و دادستانی عالی خلق تنظیم شده است. از پایان مه ۲۰۱۵ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵، ۲۰۱۸۰۳ نفر علیه جیانگ شکایت کیفری تنظیم کردند که ۱۷۱۰۵۹ نفر آنها کپی شکایت خود را به مینگهویی نیز ارائه کردند و تأیید شد که تعداد ۱۳۴۱۷۶ (۷۸/۴ درصد) از این شکایات پست شده، به مراجع قضایی تحویل داده شده‌اند. مقامات محلی در بسیاری از مناطق، علیه افرادی که از جیانگ شکایت کردند، دست به اقدامات تلافی‌جویانه زده‌اند. از جمله این اقدامات می‌توان به آزار و اذیت، بازجویی، دستگیری و حتی محکومیت زندان اشاره کرد.

در اواخر سال ۲۰۱۷، حکم کمیسیون «مراجعه به در منازل» را راه‌اندازی کرد تا تمرین‌کنندگانی را که از جیانگ شکایت کردند یا هنوز فالون گونگ را تمرین می‌کردند، ردیابی کند.

۱.۱۲ نمونه‌هایی از شکایات کیفری علیه جیانگ زمین

شکایات حقوقی علیه جیانگ زمین به دادگاه عالی خلق و دادستانی عالی خلق ارسال می‌شود. بسیاری از تمرین‌کنندگان فالون گونگ، کپی شکایات کیفری خود علیه جیانگ زمین را به وبسایت مینگهویی نیز ارسال می‌کنند.

گزارش‌های زیر، برگرفته از این پرونده‌های حقوقی، سوءرفتارهای مکرر و وحشیانه‌ای را شرح می‌دهد که تمرین‌کنندگان فقط به دلیل تمرین فالون گونگ متحمل شده‌اند و نیز از شکایت آنها به دولت برای حق آزادی باور و عقیده‌شان می‌گویند. این احتمال وجود داشت که هر سه شاکی زیر تحت شکنجه به‌راحتی بمیرند و یکی از آنها، آقای یانگ ژیچیانگ، نیز همسرش را به دلیل آزاروآذیت بی‌رحمانه در بازداشت پلیس، از دست داد.^{۲۸۳}

مورد ۱. لو ژیهوئی

محل تولد: شهر شیجیازوانگ، استان هبی

تاریخ تنظیم شکایت: ۸ ژوئن ۲۰۱۵

خانم لو ژیهوئی ۶۴ ساله، در مرکز تأمین غلات چیاثوشی در شهر شیجیازوانگ کار می‌کرد. او در سال ۱۹۹۷ تمرین فالون گونگ را آغاز کرد که کمک کرد کم‌خونی شدیدش کاملاً بهبود یابد. خانم لو که به‌خاطر بهبود سلامتی‌اش و راهنمایی‌هایی که از فالون گونگ دریافت می‌کرد سپاسگزار بود، بارها درخواست کرد آزار و شکنجه فالون گونگ خاتمه یابد. او بیش از ۲۰ بار دستگیر شد. زمانی که در اردوگاه کار اجباری، بیمارستان روانی و مراکز شستشوی مغزی حبس بود، تحت شکنجه قرار گرفت و مسموم شد.

خانم لو اولین بار در اکتبر ۱۹۹۹ که به منظور دادخواهی برای فالون گونگ به پکن رفت، دستگیر شد. او حداقل ۵۵ روز در چند اداره پلیس و بازداشتگاه، بازداشت بود. پلیس او را با روش «پرواز هواپیما» و «حمل شمشیر روی کمر» (درحالی که یک دست از روی شانه به پشت آمده و در پشت، به دست دیگر دست بند زده شده بود) شکنجه کرد. او را مجبور کردند هشت روز متوالی روی یک صندلی بنشینند و حتی هنگام استفاده از توالت نیز مجبور بود صندلی را با خودش حمل کند.

در مارس ۲۰۰۰ خانم لو در خانه اش دستگیر و بیش از ۱۰ روز در یک بیمارستان روانی حبس شد. او را با «تخت مرگ» و خوراندن اجباری شکنجه کردند.

خانم لو در مه ۲۰۰۰ و ژوئیه ۲۰۰۱ نیز دوباره به پکن رفت تا برای فالون گونگ، به دولت دادخواهی کند. هر دو بار دستگیر شد. بار اول به یک سال کار اجباری، و بار دوم به سه سال کار اجباری محکوم شد. در اردوگاه کار اجباری، نگهبانان بارها به او سیلی زدند، سرش را به دیوار کوبیدند، و موهایش را کشیدند. آنها او را به بخاری زنجیر می کردند تا نتواند بخوابد. محرومیتش از خواب به مدت طولانی، سبب ابتلایش به فشار خون بالا شد.

نگهبانان به زندانیان نیز دستور می دادند داروهایی را در غذای خانم لو بریزند که باعث گیجی و فراموش کاری اش می شد.

خانم لو مجبور بود کار شدید و زیاد نیز انجام دهد و یک بار نیز مجبور شد ۴۸ ساعت بی وقفه کار کند.

وضعیت سلامتی اش به قدری وخیم شد که برای درمان، موقتاً چند ماه آزاد شد. هنگامی که در آزادی مشروط بود، به منظور دادخواهی برای فالون گونگ به پکن رفت، و پلیس مجدداً او را به اردوگاه کار اجباری بازگرداند.

بیش از بازی های المپیک ۲۰۰۸ پکن، پلیس به زور وارد منزل خانم لو شد، او را دستگیر، و به سه سال و شش ماه حبس محکوم کرد. اما وضعیت سلامتی او به قدری بد بود که هیچ زندانی او را نمی پذیرفت. در نهایت پلیس مجبور شد آزادش کند.

مورد ۲: دونگ مینگ

محل تولد: شهر چانگچون، استان جیلین

تاریخ تنظیم شکایت: ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۵

آقای دونگ مینگ ۴۵ ساله، قبلاً در مؤسسه فناوری و اطلاعات در استان جیلین کار می‌کرد. کارفرمایش او را به دلیل تمرین فالون گونگ اخراج کرد، شش بار دستگیر شد، و سه بار، در مجموع سه سال و نه ماه، در اردوگاه کار اجباری حبس شد.

آقای دونگ در ۲۳ دسامبر ۱۹۹۹ به منظور دادخواهی برای فالون گونگ به پکن رفت. در آنجا ۱۵ روز بازداشت شد. پس از آزادی، از شغلش اخراج شد، زیرا حاضر نشد از باور خود به فالون گونگ دست بکشد. اما این موضوع مانع از صحبت کردن آقای دونگ در دفاع از فالون گونگ نشد. او یک بار دیگر در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ به منظور دادخواهی برای فالون گونگ به پکن رفت. این بار ۸ روز بازداشت شد. مأموران پلیس به دنده‌ها و صورتش ضربه زدند و چاپ‌استیک را بین انگشتانش قرار داده و فشار دادند تا اینکه پوست انگشتانش ساییده شد و به قدری با خشونت او را تحت خوراندن اجباری قرار دادند که جراحاتی در دهان و لثه‌هایش ایجاد شد.

آقای دونگ در مارس ۲۰۰۱، درحالی‌که در یک کنفرانس تبادل تجربه فالون گونگ در استان گوانگشی حضور داشت، برای بار سوم دستگیر شد. او بیش از یک ماه در اداره پلیس و مرکز شستشوی مغزی بازداشت بود. پس از اینکه دست به اعتصاب غذا زد، به‌زور به او غذا خوراندند. سپس او را در سلول انفرادی حبس و مجبورش کردند فیلم‌های حاوی مطالب افتراآمیز درباره فالون گونگ را تماشا کند. او اجازه نداشت خانواده‌اش را ببیند.

در ۱۳ مارس ۲۰۰۲، آقای دونگ را دستگیر و ۱۶ ماه در اردوگاه کار اجباری حبس کردند. نگهبانان او را با تخته‌ای چوبی آنقدر کتک زدند تا اینکه تخته شکست و به سه تکه

تقسیم شد. او مجبور بود ساعاتی طولانی روی «چارپایه کوچکی» بنشیند و در استفاده از توالت نیز محدودیت داشت. به کمرش نیز لگد زدند که باعث شد یک ماه درد شدیدی داشته باشد. او از ملاقات با خانواده‌اش محروم شده بود. پس از پایان مدت محکومیتش، او را به مرکز شستشوی مغزی بردند.

در ۲۷ مه ۲۰۰۴ که آقای دونگ به خانه یک تمرین‌کننده دیگر فالون گونگ رفته بود دستگیر شد. او ۱۶ ماه دیگر در اردوگاه کار اجباری حبس شد. در آنجا با «نیمکت ببر» شکنجه شد. مأموران بارها رویش آب یخ می‌ریختند تا اینکه بی‌هوش می‌شد. همچنین روغن واسابی داخل بینی‌اش می‌ریختند. بلافاصله پس از پایان مدت حبسش در اردوگاه کار اجباری، دوباره او را به مرکز شستشوی مغزی بردند، اما کمی پس از اینکه در اعتراض دست به اعتصاب غذا زد، آزادش کردند.

در ژوئیه ۲۰۰۷، پلیس آقای دونگ را در مغازه‌اش دستگیر و اموالش را توقیف کرد. بعضی از اموالش را هرگز پس ندادند. پلیس به صورتش مشت زد و با بطری بازنشده آب به سرش کوبید. آقای دونگ یک سال و ۲۸ روز دیگر در اردوگاه کار اجباری حبس شد.

مورد ۳: یانگ ژیچیانگ

محل تولد: تیانجین

تاریخ تنظیم شکایت: ۱۵ اوت ۲۰۱۵

آقای یانگ ژیچیانگ، ۶۱ ساله، از طرف خودش و همسرش، از جیانگ شکایت کرد. همسرش دونگ یوینگ به دلیل باورش به فالون گونگ سه سال و ده ماه در اردوگاه کار اجباری زنان تیانجین حبس شد، و در نهایت درگذشت. در اردوگاه کار، مأموران پلیس او را شکنجه کردند و با فروکردن چهار مسواک به داخل واژنش، او را مورد آزار و اذیت جنسی قرار دادند. او را کتک زدند و به زور به او غذا خوراندند که سبب شد سه عدد از دندان‌هایش را از دست بدهد. وزنش از ۸۰ کیلوگرم به ۴۰ کیلوگرم رسید.

خانم دونگ در ۱۷ مارس ۲۰۰۵، چهار ماه پس از اینکه از اردوگاه کار اجباری به خانه بازگشت، فوت شد.

آقای یانگ سه بار دستگیر شد و در مجموع ۱۹ ماه و ۱۵ روز در بازداشت بود. ابتدا در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ دستگیر شد و ۱۵ روز در بازداشت بود. در همین زمان همسرش به منظور دادخواهی برای فالون گونگ به پکن رفت.

این زوج بار دیگر در اکتبر ۱۹۹۹ به پکن رفتند. همسر آقای یانگ بیش از یک ماه در بازداشتگاه بود و مجبور شد ۱۰ هزار یوان بپردازد تا آزاد شود. آقای یانگ ۱۸ ماه در اردوگاه کار اجباری حبس شد. مأموران او را مجبور به انجام کار اجباری کردند و با باطوم لاستیکی کتکش زدند. برای مدتی طولانی با باطوم‌های الکتریکی به سر و بدنش نیز شوک وارد کردند. با گذشت ۱۵ سال، هنوز جای زخم‌ها روی بدنش دیده می‌شود.

بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ که همسرش در اردوگاه کار اجباری بود، آقای یانگ یک ماه را در مرکز شستشوی مغزی سپری کرد و فرزندانشان بدون سرپرست ماندند.

مورد ۴: فردی چینی که سابقاً قاضی بود علیه جیانگ زمین شکایت کیفری تنظیم کرد

خانم سان لینگهوا، قاضی سابق از شهر جینهو واقع در استان لیائونینگ، در ۸ ژوئن شکایتی علیه جیانگ را در دادستانی خلق چین تنظیم کرد. خانم سان به دلیل باور به فالون گونگ از کارش اخراج و در اردوگاه‌های کار اجباری و زندان شکنجه شد.^{۲۸۴}

خانم سان، سابق بر این در دادگاه منطقه یی در شهر جینهو به سمت قاضی ارشد بخش اقتصادی و قاضی ارشد بخش اجرایی منصوب شده بود. در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ جایزه کارمند نمونه نظام حقوقی شهر جینهو را دریافت کرد.

خانم سان سه بار در اردوگاه کار اجباری بدنام ماسانجیا در استان لیائونینگ حبس شد. در ژوئن ۲۰۰۳ به هفت سال و شش ماه حبس محکوم، و به زندان دابی فرستاده و در آنجا مجبور به انجام کار اجباری سخت شد. مأموران او را تحت فشار قرار دادند تا از باور

خود دست بکشد. پس از محکومیتش، از شغلش اخراج شد و از آن زمان تاکنون، بیکار بوده است.

خانم سان در شکایت خود از خانمی یاد کرد که حین دوره حبسش در بازداشتگاه، با او ملاقات، و پرونده‌اش را بررسی کرده بود. خانم سان نوشت: «این خانم به پلیس بازداشتگاه گفت: "حدود ۱۰۰ قاضی و مسئول دادگاه در این منطقه وجود دارند. سان لینگهوا احتمالاً تنها کسی است که از گرفتن رشوه خودداری می‌کند. چنین فرد درستکاری نباید زندانی شود."»

خانم سان به یاد آورد که افراد بسیاری از او حمایت، و آزار و شکنجه را محکوم کرده‌اند. خانم سان نوشت: «یک بار مأمور پلیس بازداشتگاه به من گفت به دلیل معیارهای اخلاقی‌ام، برایم احترام قائل است. سرپرست محل کارم وقتی برای ملاقات با من به بازداشتگاه آمد، به گریه افتاد و قول داد همه تلاشش را به کار گیرد تا مرا از آنجا بیرون بیاورد.»

خانم سان پیش از تمرین فالون گونگ، به چند بیماری مبتلا بود از جمله اسپوندیلوز کمری، ضعف اعصاب، روماتیسم قلبی، ماستیت (ورم پستان) و کولیت (التهاب روده بزرگ). در همان سال پزشکی، فالون گونگ را به او معرفی کرد. پس از یک سال تمرین، همه بیماری‌هایش درمان شدند. از سال ۱۹۹۶ به بعد هیچ‌گاه مجبور نشد به بیمارستان برود.

خانم سان در شکایت خود جیانگ زمین را به این متهم کرد که تبلیغات افتراء‌آمیزی به راه انداخت تا مردم را فریب دهد و نفرت عمومی را نسبت به فالون گونگ برانگیزاند و مقامات دولتی را نیز ترغیب و مجبور کرد در آزار و شکنجه، با او همراه شوند.

مورد ۵: فرماندهٔ بازنشسته نیروی دریایی، از دیکتاتور سابق چین شکایت کرد

یک فرماندهٔ بازنشسته نیروی دریایی، شکایتی کیفری را به دادستانی عالی خلق ارسال و جیانگ زمین، دیکتاتور سابق چین، را به راه‌اندازی سرکوب بی‌رحمانه فالون گونگ متهم کرد که سبب رنج و آسیب وحشتناکی برای او شد.^{۲۸۰}

فرمانده ژو یی، استادیار دانشگاه هوانوردی و فزانوردی نیروی دریایی، در ۷۹ سالگی بازنشسته شد. او مدعی شد جیانگ زمین حق قانونی او را برای داشتن آزادی باور نقض، و با وجود بی‌گناهی‌اش، راه را برای دستگیری و حبس غیرقانونی او باز کرد. ژو درباره آزار و شکنجه فالون گونگ می‌گوید جیانگ مرتکب نسل‌کشی، شکنجه و جنایت علیه بشریت شده است.

آقای ژو از دادگاه عالی خلق می‌خواهد به جیانگ دستور دهد به دلیل تهمت‌زدن به فالون گونگ که موجب برانگیختن نفرت عمومی شده، رسماً عذرخواهی کند، و خساراتی را که به بنیانگذار فالون گونگ و تمرین‌کنندگان این روش از جمله او و خانواده‌اش وارد شده جبران کند.

۲.۱۲ خلاصه آمار

از پایان ماه مه تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵:

۲۰۱۸۰۳ تمرین‌کننده فالون گونگ و اعضای خانواده‌شان، در بالاترین مراجع حقوقی چین، علیه جیانگ شکایت کیفری تنظیم کردند.

۱۷۱۰۵۹ نفر از آنها کپی شکایت خود را به وبسایت مینگهویی نیز ارائه کردند.

۱۳۴۱۷۶ پرونده به دادستانی عالی خلق و دادگاه عالی خلق تحویل داده شده که حدود ۷۸٫۴ درصد کل شکایات پست‌شده را در بر می‌گیرد.

۲۱۸۹ نفر از شاکیان از تایوان و ۲۸ کشور دیگر از جمله آمریکا، کانادا، استرالیا، کره جنوبی، نیوزلند، تایلند، انگلیس، مالزی، آلمان، هلند، سوئد، سنگاپور، فرانسه، اسپانیا، اندونزی، ایرلند، دانمارک، فنلاند، نروژ، ایتالیا، پرتغال، سوئیس، لهستان، رومانی، بلژیک، پرو، و مجارستان بوده‌اند.

شاکیان در چین از ۳۳ بخش اداری در سطح استان هستند، از جمله ۲۲ استان، ۴ شهر مهم (پکن، تیانجین، شانگهای، چونگ‌چینگ)، ۵ منطقه خودمختار (گوانگشی،

مغولستان داخلی، تبت، نینگشیا، شین جیانگ)، و ۲ منطقه اداری خاص (هنگ کنگ و ماکائو).

تا ۱۲۵ اکتبر ۲۰۱۶ در مجموع ۲۰۹۹۰۸ شکایت حقوقی علیه جیانگ زمین تنظیم شده بود.

۳.۱۲ اقدامات تلافی جویانه علیه تمرین کنندگان

بسیاری از تمرین کنندگان فالون گونگ به دلیل تنظیم شکایت علیه جیانگ زمین، مورد آزار و اذیت، یا بازجویی قرار گرفته‌اند، دستگیر یا حتی محکوم به زندان شده‌اند. در اواخر سال ۲۰۱۷ حکم کمیسیون «مراجعه به در منازل» را نیز راه‌اندازی کرد تا تمرین کنندگانی را که از جیانگ شکایت کردند یا هنوز فالون گونگ را تمرین می‌کردند، ردیابی کنند.

از مجموع ۱۹۰۹۵ مورد آزار و اذیت و دستگیری تمرین کنندگان فالون گونگ، ۷۰۵۶ مورد در تلافی شکایات تنظیم شده علیه جیانگ زمین بود.^{۲۸۶}

۱.۳.۱۲ نمونه‌هایی از اقدامات تلافی جویانه

۱.۳.۱۲ (الف) محکومیت ۳۶ نفر در چائویانگ، استان لیائونینگ

بیش از ۳۰۰ تن از محلی‌ها در شهر چائویانگ و مناطق تابعه آن در نوامبر ۲۰۱۵ دستگیر شدند. این تمرین کنندگان علیه جیانگ زمین شکایت کیفری تنظیم کرده بودند، با این اتهام که او آزار و شکنجه فالون گونگ را راه‌اندازی کرد و منجر به دستگیری و بازداشت‌های مکرر آنان شد. ظرف چند ماه بعد، مقامات محلی پیگرد قانونی تمرین کنندگان فالون گونگ دستگیر شده را سریعاً آغاز کردند. تا به امروز، تأیید شده که ۳۶ تن از دستگیرشدگان با دوره‌های ۶ ماه تا ۱۲ سال به حبس محکوم شده‌اند.^{۲۸۷}

در ذیل نام این تمرین کنندگان و دوره محکومیت‌شان ارائه شده است:

۱- جیانگ وی: ۱۲ سال

۲- لیو دیان یوآن: ۱۱ سال و ۶ ماه

- ۳- لی گوآجون: ۱۱ سال
- ۴- لین منگن: ۱۰ سال
- ۵- چن سوینگ: ۹ سال
- ۶- ما یانهوا: ۷ سال
- ۷- لین جیانگمی: ۷ سال
- ۸- وو جینپینگ: ۷ سال
- ۹- شیه جیانپینگ: ۷ سال
- ۱۰- شو جینفنگ: ۷ سال
- ۱۱- بین شیوژی: ۷ سال، ۲۰ هزار یوآن جریمه
- ۱۲- ژو رویشوئه: ۷ سال
- ۱۳- سونگ ژیفو: ۶ سال
- ۱۴- لیو شوهوا: ۵ سال
- ۱۵- وانگ گوئوجون: ۵ سال
- ۱۶- وانگ چینگ: ۵ سال
- ۱۷- وانگ یوهوا: ۵ سال
- ۱۸- چی شوهوا: ۴ سال
- ۱۹- وانگ زیگوئو: ۴ سال
- ۲۰- ژوآ هونگجون: ۴ سال
- ۲۱- ژانگ یونگکویی: ۳ سال
- ۲۲- ژانگ هایفنگ: ۳ سال
- ۲۳- لی ژیهونگ: ۳ سال حبس و ۴ سال آزادی مشروط
- ۲۴- لیو یاپینگ: ۳ سال حبس و ۴ سال آزادی مشروط

۲۵- سان لیانچنگ: ۳ سال حبس و ۳ سال آزادی مشروط

۲۶- شو شیوهوآ: ۳ سال حبس و ۳ سال آزادی مشروط

۲۷- یانگ زیمی: ۳ سال حبس و ۳ سال آزادی مشروط

۲۸- ژانگ ویمین: ۳ سال حبس و ۳ سال آزادی مشروط

۲۹- ژائو هونگشونه: ۳ سال حبس و ۴ سال آزادی مشروط

۳۰- یانگ چینگهوا: ۳ سال حبس و ۴ سال آزادی مشروط

۳۱- لیو شین: ۲ سال حبس و ۳ سال آزادی مشروط

۳۲- جین فی: ۱ سال حبس و ۲ هزار یوآن جریمه

۳۳- رن من: ۱ سال

۳۴- هوا شویشیان: ۶ ماه

۳۵- شه جینتانگ: آزادی مشروط (محکومیت دقیق نامشخص)

۳۶- هوآنگ لیشین: آزادی مشروط (محکومیت دقیق نامشخص)

۱.۳.۱۲ (ب) محکومیت زوجی به خاطر شکایت علیه دیکتاتور سابق چین

زوجی در شهرستان بینچوان به خاطر شکایت علیه جیانگ زمین و اینکه او را مسئول راه‌اندازی آزار و شکنجه فالون گونگ دانسته‌اند، به حبس محکوم شدند. آقای شی جیانوی و همسرش خانم شیائو ژو، در طول ۱۷ سال گذشته به دلیل امتناع از نفی فالون گونگ مکرراً مورد آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند. شکایت قانونی آنها منجر به این شد که شوهر به ۶ سال و ۶ ماه و همسرش به ۵ سال حبس محکوم شوند. آنها در حال حاضر در روند ارائه درخواست تجدیدنظر در خصوص حکم صادره هستند.^{۲۸۸}

مورد ۱: بعد از شکایت وکیل، دادگاه شهرستان مجاور دادرسی را
به‌عهده می‌گیرد

این زوج در ۱۶ اکتبر سال گذشته دستگیر شدند. آقای شی بعداً به بازداشتگاه شهرستان بینچوآ و خانم شیائو به بازداشتگاه شهر دالی فرستاده شد.

وکیل این زوج در تلاش برای دفاع از حق قانونی آنها با موانع زیادی روبرو شد درحالی که خواستار اجرای عدالت علیه جیانگ بود که ناقض حق آزادی عقیده موکلانش است.

دو بازداشتگاه در مجموع چهار بار درخواست این وکیل برای دیدار با موکلانش را رد کردند. یانگ یو، رئیس اداره امنیت داخلی شهرستان بینچوآن، ادعا کرد پرونده این زوج مربوط به امنیت ملی است و اجازه هیچ ملاقاتی با وکیل داده نمی‌شود.

وکیل پس از آن علیه یانگ به سازمان‌های دولتی مربوطه شکایت کرد.

معاون دادستان در دادستانی بینچوآن بعداً درخواست وکیل برای بررسی پرونده این زوج را رد کرد. وکیل هم از دادستان شکایت کرد و خواستار انتقال پرونده به یک حوزه قضایی دیگر شد.

سپس دادستانی شهر دالی، سرپرست اداری دادستانی بینچوآن، به دادستانی و دادگاه شهرستان مجاورش، شیانگیون، دستور داد رسیدگی به این پرونده را برعهده بگیرند.

مورد ۲: محدودیت حضور افراد در جلسه دادگاه

دادستانی روستای شیانگیون در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۹، برای زوجی که در دادگاه روستای شیانگیون محاکمه شده بودند کیفرخواست صادر کرد.

فقط تعداد کمی از اعضای خانواده این زوج مجاز بودند در جلسه دادگاه حضور یابند. تمرین‌کنندگان محلی فالون گونگ که در محل حضور یافتند تا از این زوج حمایت کنند، از ورود به ساختمان دادگاه منع شدند.

مورد ۳: دادستان‌های خارج از فهرست

به محض شروع جلسه دادگاه، آقای شی درخواست کرد قضاوت و دادستان‌هایی که عضو حزب کمونیست چین هستند از پرونده کنار گذاشته شوند زیرا او چنین وکلایی را برای محاکمه خودش و همسرش مناسب نمی‌دانست. اما قاضی‌ای که ریاست جلسه را بر عهده داشت، در پاسخ به او، دستور توقف جلسه دادگاه را صادر کرد.

سپس وکیل متوجه شد با وجود اینکه فقط نام یک دادستان در تنظیم کیفرخواست آورده شده، دو دادستان در جلسه حضور دارند. او درخواست کرد هویت این دو دادستان به او اعلام شود.

قاضی ابتدا این درخواست را رد کرد، اما با ادامه اعتراض وکیل به تخلف از روند قضایی، کوتاه آمد و دستور داد برای بار دوم جلسه متوقف شود. با از سرگیری جلسه دادگاه، دو دادستان ناشناس نیز هویت خود را اعلام کردند. آنها نمایندگان ویژه دادستانی شهر دالی بودند.

مورد ۴: زوجی که علیه پلیس شهادت دادند

آقای شی گفت یانگ یو، مأمور امنیت داخلی که قبلاً نیز نامش ذکر شد، در کل سه بار به بیش از ده‌ها مأمورش دستور داد او را کتک بزنند. آنها دستش را پشت گردنش پیچانند، به کمر و شکمش لگد زدند و او را روی زمین محکم نگه داشتند و سرش را لگدمال کردند.

خانم شیائو گفت پلیس در بازجویی از او نیز رفتار وحشیانه‌ای داشت. همچنین شهادت داد پلیس او را تهدید کرد که امنیت دخترشان به خطر خواهد افتاد.

این زوج به گفته خودشان احساس می‌کردند باید هر کاری که می‌توانند انجام دهند تا آزار و شکنجه فالون گونگ را متوقف کنند و شکایت از جیانگ زمین، یک قدم رو به جلو بود.

آنها در ۵ اوت محکوم شدند.

۱۳.۱۲ (پ) پلیس کمپین «مراجعه به در منازل» را راه‌اندازی کرد تا تمرین‌کنندگان فالون گونگ را مورد آزار و شکنجه قرار دهد

پیش از شروع نوزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین در اکتبر ۲۰۱۷، پلیس در بسیاری از مناطق چین، به منزل تمرین‌کنندگان فالون گونگ رفت. مأموران پلیس می‌گفتند در حال اجرای کمپین «مراجعه به در منازل» هستند.

مأموران از تمرین‌کنندگان سؤال می‌کردند که آیا هنوز فالون گونگ را تمرین می‌کنند یا خیر. آنها درباره شغل تمرین‌کنندگان و سایر مسائل زندگی‌شان نیز پرس‌وجو می‌کردند. بعضی از آنها می‌گفتند قصد بدی ندارند اما باید چیزی برای گزارش به سرپرستان خود داشته باشند.

در بعضی نواحی نیز پلیس سعی می‌کرد تمرین‌کنندگان را وادار به امضای «اظهاریه تضمین» کند تا تعهد دهند دیگر دافا را تمرین نکرده و در فعالیت‌های مربوط به فالون گونگ شرکت نمی‌کنند و به دادگاه‌های عالی دادخواهی ارائه نمی‌دهند. بعضی از آنها نیز رایانه یا چاپگر خانه را بررسی می‌کردند تا ببینند آیا تمرین‌کنندگان از اینترنت استفاده می‌کنند یا خیر. برخی از آنها نیز کتاب‌های فالون گونگ را توقیف کردند.

مأموران اغلب فهرستی از نام تمرین‌کنندگانی را داشتند که پیش از آغاز آزار و شکنجه فالون گونگ به دست حزب کمونیست در سال ۱۹۹۹، آنها را می‌شناختند، و نیز نام تمرین‌کنندگانی را که علیه جیانگ زمین، رهبر سابق چین که دستور آزار و شکنجه را صادر کرد، شکایت کیفری تنظیم کرده بودند.

کمپین ملی

پلیس در لیچانگ استان گوانگدونگ تمرین‌کنندگانی را که پلیس نامشان را در سال ۱۹۹۹ ثبت کرده بود یا در جنبش شکایت از جیانگ زمین شرکت کرده بودند، مورد آزار و اذیت قرار داد. مأموران حتی اعضای خانواده تمرین‌کنندگانی را که فوت شده بودند نیز مورد بازجویی قرار دادند.

پلیس و مأموران امنیت داخلی در منطقه کویون از شهر ویفانگ واقع در استان شاندونگ، تمرین‌کنندگانی را که علیه جیانگ شکایت کیفری تنظیم کرده بودند، مورد آزار و اذیت قرار دادند. آنها تجهیزات ضبط صوت و ویدئو را همراهشان آوردند تا صدا و تصویر تمرین‌کنندگان را ضبط کنند که اغلب درباره فالون گونگ و آزار و شکنجه با آنها صحبت می‌کردند.

حدود ۱۰۰ تمرین‌کننده در منطقه فوشون در استان لیائونینگ تحت آزار و اذیت قرار گرفتند. کارکنان کمیته اماکن و پلیس محلی به خانه تمرین‌کنندگان رفتند یا با آنها تلفنی تماس گرفتند و گفتند طبق دستور سرپرستان خود باید درباره آنها تحقیق کنند. بعضی از مأموران از تمرین‌کنندگان عکس و فیلم گرفتند و کتاب‌ها یا مطالب نوشتاری فالون گونگ را توقیف، و بررسی کردند که آیا آنها از اینترنت استفاده می‌کنند یا خیر.

مأموران پلیس شهر گوانشان واقع در استان شانشی از تمرین‌کنندگان سؤال می‌کردند. اخیراً چه کسانی با آنها تماس گرفته‌اند و آیا هنوز فالون گونگ را تمرین می‌کنند یا خیر. آنها از تمرین‌کنندگان می‌خواستند برگه‌ای را امضا کرده و باور خود به فالون گونگ را تکذیب کنند اما موفق به انجام این کار نشدند.

مأموران برخی از تمرین‌کنندگان در هنان، جیانگسو، جیانگشی و نینگشیا را تهدید کردند تا آنها را مجبور به امضای نامه‌هایی کنند که اذعان می‌کرد تمرین فالون گونگ را رها خواهند کرد. در هر حال در بعضی نواحی تمرین‌کنندگان نام خود را امضا کردند. از جمله کسانی که با شروع آزار و شکنجه، دست از تمرین فالون گونگ برداشته بودند.

۴.۱۲ افزایش حمایت عمومی

موج طرح دعوی قضایی علیه جیانگ در داخل و خارج چین مورد حمایت گسترده‌ای قرار گرفته است.

۱.۴.۱۲ گزارش ۲۰۱۶: بیش از ۱۴ هزار نفر دیگر، خواستار تعقیب قانونی جیانگ زمین شدند

بسیاری از غیرتمرین‌کنندگان نیز به‌خاطر جنایات دیکتاتور سابق چین علیه تمرین‌کنندگان، به جنبش‌های خواستار تعقیب قانونی جیانگ زمین پیوسته‌اند. آنها با امضای دادخواستی که تمرین‌کنندگان تهیه کرده‌اند حمایتشان را نشان داده‌اند.^{۲۸۹}

طبق اطلاعات گردآوری‌شده در وبسایت مینگهویی، تأیید شده که تا مه ۲۰۱۶ در مجموع ۱۴۴۰۸ نفر دیگر یا شکایت‌کیفری خود را علیه جیانگ تنظیم یا دادخواست مرتبط را امضاء کرده‌اند.

آنها شامل ۷۴۸۴ نفر در یوئه‌یانگ استان هونان، ۱۵۲۲ نفر در لینگچوان استان آنهویی، ۱۲۰۷ تن در ووهان استان هوبی، ۲۷۰۷ تن از لایژو در استان شاندونگ و ۱۴۸۸ در تیلینگ استان لیائونینگ بوده‌اند.

۲.۴.۱۲ تایوان: شورای شهر تایپه در حمایت از پیگرد قانونی رهبر سابق چین قطعنامه‌ای را تصویب می‌کند

«در حمایت از شکایات علیه جیانگ زمین و درخواست مبنی بر خاتمه فوری آزار و شکنجه فالون گونگ»، شورای شهر نیو تایپه به‌اتفاق آراء قطعنامه‌ای را به تصویب رساند.^{۲۹۰}

در ۱۲ اکتبر سال ۲۰۱۶، شهر نیو تایپه سیزدهمین شهر تایوان نام گرفت که اقدام به تصویب قطعنامه‌ای کرد در حمایت از جنبش صدها هزار تن از قربانیان و حامیانی که جیانگ زمین، رهبر سابق حزب کمونیست چین (حک‌چ)، را تحت پیگرد قانونی قرار می‌دهند چراکه آزار و شکنجه فالون گونگ را راه‌اندازی کرد.

چنگ چین لونگ، عضو شورا که حامی این قطعنامه است، گفت: «آزار و شکنجه ۱۷ ساله فالون گونگ و برداشت اعضای بدن افراد زنده به‌دست حک‌چ، نمی‌تواند تحمل

شود. دولت‌های دموکراتیک، از جمله نیو تایپه، تایجیونگ و سایر شهرها به حقوق اساسی بشر احترام می‌گذارند. این ارزش و اعتبار جهانی تایوان است.»

او گفت با وجود توسعه سریع چین، این کشور در خصوص حقوق بشر عقب‌مانده است. او اظهار کرد: «آزادی و حقوق بشر ارزش‌های جهانی هستند. تصویب این قطعنامه صدای چهارمیلیون شهروند نیو تایپه را نشان می‌دهد. آن از دولت چین می‌خواهد به حقوق بشر، مخصوصاً حقوق تمرین‌کنندگان فالون گونگ، احترام بگذارد.»

هسو چائو هسینگ، عضو شورا، در مصاحبه‌اش گفت: «ما در حمایت از تمرین‌کنندگان فالون گونگ علیه این رفتار ناعادلانه به‌پا می‌خیزیم. امیدوارم آنها به این مبارزه‌شان برای آزادی ادامه دهند، چراکه کار درستی است.»

عضو شورا، لین چیو هویی، در مصاحبه‌اش گفت: «برداشت اجباری اعضای بدن افراد زنده عملی غیرانسانی و نقض حق بنیادین زندگی است. آزادی عقیده بخشی از حیات آدمی است. آسیب‌رساندن به آن در سراسر جهان محکوم می‌شود.»

او تأکید کرد: «جیانگ باید در خصوص جنایات خود پاسخگو باشد. حقوق تمرین‌کنندگان فالون گونگ باید به آنها بازگردانده شده و نام‌شان از هرگونه تهمت و دروغ پاک شود.»

۳.۴.۱۲ بیش از ۲/۶ میلیون نفر دادخواست حمایت از اقدام قانونی علیه جیانگ را امضا کردند

تا ۸ دسامبر ۲۰۱۷، بیش از ۲/۶ میلیون نفر با امضای دادخواستی خواهان محاکمه جیانگ زمین به دلیل راه‌اندازی آزار و شکنجه فالون گونگ شدند. این دادخواست شامل ۷۷۰ هزار امضا بود که فقط در سال ۲۰۱۵ در هفت کشور آسیایی (از جمله چین) جمع‌آوری شد.

یکی از افرادی که این دادخواست را در چین امضا کرده بود توضیح داد:^{۲۹۱}

بیماری‌های مادرم پیش از ژوئیه ۱۹۹۹ و به دنبال تمرین فالون گونگ بهبود یافت و وضعیت سلامتی‌اش خوب شد. اما پس از شروع آزار و شکنجه فالون گونگ به دست جیانگ زمین، مادرم از روی ترس، دست از تمرین دافا کشید. پس از آن، فرد بی‌صبر و تحملی شد و اغلب سایرین را سرزنش می‌کرد. سپس بیماری‌اش برگشت و مجبور شد

تحت عمل جراحی قرار گیرد. می‌دانم اگر آزار و شکنجه‌ای در کار نبود، مادرم در چنین وضعیتی قرار نمی‌گرفت. این جیانگ زمین است که به مادرم آسیب زد. از این رو من نیز می‌خواهم از جیانگ شکایت کنم و امیدوارم دادستان عالی خلق، او را محاکمه کند.

یکی از ساکنان تایپه پس از امضای دادخواست گفت: «امضای این دادخواست کار درستی است. برداشت اجباری اعضای بدن [تمرین‌کنندگان] و فروش آنها، اشتباه وحشتناکی است که [حک‌چ] مرتکب شده است. همه باید با آن مقابله کرده و [عاملان این جنایت] را محکوم کند، خواهان پیگرد قانونی جیانگ و توقف آزار و شکنجه شود.^{۲۹۲}



بخش ۳: وضعیت کنونی فالون گونگ



بخش ۳: وضعیت کنونی فالون گونگ

نکات برجسته کلیدی

تمرین‌کنندگان در چین همچنان از روش‌های غیرخوشونت‌آمیز برای مقابله با آزار و شکنجه استفاده می‌کنند. آنها برای اطمینان از اینکه اطرافیان‌شان فالون گونگ را درک کنند و از رفتار نادرست مسئولان با تمرین‌کنندگان آگاه شوند، در خیابان با مردم صحبت می‌کنند، اطلاعاتی مرتبط با این موضوع را چاپ و توزیع می‌کنند، در محله‌های خود بنر و پوستر آویزان می‌کنند، نامه می‌نویسند و تماس تلفنی می‌گیرند. بعضی از آنها با مأموران پلیس و مقامات قضایی مرتبط با آزار و شکنجه فالون گونگ، ارتباط برقرار می‌کنند تا آنها را از پیروی از دستورات غیرقانونی درباره آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان، بازدارند.

تمرین‌کنندگان در خارج از چین، با میزبانی و شرکت در رویدادهای اجتماعی، درباره آزار و شکنجه اطلاع‌رسانی می‌کنند. همچنین تجمعات و اعتراضات صلح‌آمیزی را در سالگردهای مهم برگزار کرده و از مقامات دولتی در سطوح مختلف، درخواست پشتیبانی می‌کنند. آنها برای نجات تمرین‌کنندگانی که در چین با آزار و شکنجه مواجهه هستند، تلاش‌هایی را هماهنگ می‌کنند تا با عاملان آزار و شکنجه تماس بگیرند. هنرمندانی از جمع تمرین‌کنندگان نیز نقاشی‌هایی کشیده‌اند، فیلم‌های مستند ساخته‌اند و گروه‌های هنری تشکیل داده‌اند تا روح و جوهر فالون گونگ را به نمایش بگذارند.

هر روز در سراسر جهان افراد بیشتری با فالون گونگ آشنا می‌شوند. بعضی از آنها در محل‌های تمرین گروهی در پارک‌ها و رویدادهای اجتماعی، تمرین‌ها را از تمرین‌کنندگان یاد می‌گیرند. برخی دیگر نیز در کارگاه‌های محلی حضور می‌یابند از جمله کارگاه‌هایی که در کتاب‌فروشی‌های تیانتی در نیویورک و سئول برگزار می‌شوند. تمرین‌کنندگان در

بسیاری از مدارس هند، اندونزی و سایر نقاط جهان، تمرینات فالون گونگ را آموزش داده‌اند. اکنون گردشگران چینی بیشتری جلوی غرفه‌های تمرین‌کنندگان در مقاصد اصلی گردشگری توقف می‌کنند تا از آزار و شکنجه آگاه شوند، زیرا این مطالب در کشور خودشان به شدت سانسور می‌شود. در حال حاضر فالون گونگ در بیش از ۸۰ کشور تمرین می‌شود و آموزه‌های آن به بیش از ۴۰ زبان دنیا ترجمه شده است.

جامعه بین‌المللی همچنان از اقدامات تمرین‌کنندگان برای پایان دادن به آزار و شکنجه در چین، حمایت می‌کند. سازمان‌های دولتی و غیردولتی درخواست کرده‌اند تمرین‌کنندگان فالون گونگی که به دلیل باور خود در چین زندانی هستند، آزاد شوند. در خارج از چین، عاملان اصلی آزار و شکنجه به دلیل جرائم نسل‌کشی و شکنجه، تحت پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند. اکنون آمریکا قصد دارد بررسی ویزا را به شکل سختگیرانه‌تری انجام دهد و از ورود ناقضان حقوق بشر به این کشور ممانعت کند، از جمله مقامات چینی که در آزار و شکنجه فالون گونگ شرکت کرده‌اند.



فصل ۱۳: مقابله با آزار و شکنجه در چین

از ژوئیه ۱۹۹۹ که آزار و شکنجه شروع شد، تمرین‌کنندگان در چین برای مقاومت در برابر آزار و شکنجه، و مقابله با تبلیغات افتراءآمیزی که رسانه‌های تحت کنترل حزب منتشر می‌کنند، از روش‌های مختلفی استفاده کرده‌اند. از آنجاکه همه مسیرهای قانونی برای درخواست تجدیدنظر به روی تمرین‌کنندگان بسته بوده و منابع مستقل اطلاعاتی سانسور شده‌اند، آنها اغلب از روش‌های خلاقانه‌ای برای انتشار اطلاعات درباره آزار و شکنجه استفاده کرده‌اند.

مثلاً بعضی از آنها پیام‌هایی مانند «فالون دافا خوب است» را روی اسکناس‌های کاغذی چاپ کرده‌اند. تمرین‌کنندگان در سال‌های ابتدایی آزار و شکنجه، به سیگنال‌های تلویزیونی نفوذ کردند و برنامه‌های افشاءکننده تبلیغات افتراءآمیز حزب را نمایش دادند. (یکی از این موارد در بخش ۱.۴.۷ به‌طور مفصل شرح داده شده است).

در بخش‌های بعد، روش‌های اصلی مقابله تمرین‌کنندگان در چین با آزار و شکنجه را شرح می‌دهیم.

۱.۱۳ اعتراضات و دادخواهی‌های اولیه

کمی پس از شروع یک‌شنبه دستگیری‌ها در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، تمرین‌کنندگان از سراسر کشور به‌منظور مراجعه به ادارات استیناف دولت و اداره استیناف ملی در پکن، به این شهر سفر کردند زیرا تصور می‌کردند دولت دچار سوءبرداشت شده است و به همین دلیل فالون گونگ را سرکوب می‌کند. آنها قصد داشتند درباره تجربیات مثبتشان از تمرین فالون گونگ و مزایای این تمرین برای جامعه، با مسئولان دولتی صحبت کنند.

یکی از مشخصه‌های ارزشمند این دادخواست‌ها این بود که افراد به‌طور خودجوش آنها را شکل دادند؛ آن با سازمان‌دهی مرکزی انجام نشد، زیرا فالون گونگ هیچ ساختار سازمانی رسمی یا ساختاری رسمی برای عضویت ندارد. بیشتر تمرین‌کنندگان باید پیش از تصمیم‌گیری درباره سفر به پکن، مقداری خودکاو می‌کردند، زیرا می‌دانستند انجام چنین کاری می‌تواند زندگی و امنیت فردی آنها را به خطر بیندازد.

همانطور که تمرین‌کننده‌ای شرح داد:^{۲۹۴}

ناگهان کل کشور آکنده از این دروغ‌ها شد. با مشاهده این‌که با استاد راستین و نیکخواه، و دافا اینگونه رفتار می‌شود، به‌عنوان یک شاگرد دافا، باید کاری می‌کردم حکومت صحبت‌های ما تزکیه‌کنندگان را درک کند. تصمیم گرفتم ابتدا دادخواهی‌ام را به استانداری ارائه کنم.

او به مرکز استان رسید و خیابان‌ها پر از مأموران پلیس، و حکومت نظامی بود: مأموران به‌زور ما را سوار خودرو کردند و به ورزشگاهی بردند. آنجا پر از تمرین‌کنندگان دافا بود که دستگیر شده بودند.

در سکوت آنجا نشستیم و منتظر بودیم با یک مقام دولتی استانی صحبت کنیم و درباره دافا و نحوه بهبود سلامت تزکیه‌کنندگان این روش و ارتقای خصوصیات اخلاقی‌شان به او بگوییم.

...

خودروهای پلیس در ساعت هشت یا نه صبح کم‌کم تجمع کردند و دسته دیگری از مأموران آمدند و شروع به دستگیری افراد کردند.

استادان و دانشجویان اولین کسانی بودند که از آن محل برده شدند. پلیس به تمرین‌کنندگان اجازه توضیح‌دادن نمی‌داد. با خشونت بازوی یکی از استادان را گرفتند که بانویی برانزده و فرهیخته و حدوداً چهل‌ساله بود و او را به داخل خودروی پلیس کشاندند. با مردان حتی بدتر رفتار می‌شد: گروه‌های چهارنفره از مأموران، صرفاً آنها را می‌گرفتند و به داخل خودرو پرت می‌کردند. در آن لحظه، می‌دانستم که استانداری درخواست‌هایمان را نمی‌شنود.

...

قبل از ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۰ برای دادخواهی به پکن رفتم. وقتی به آنجا رسیدم، متوجه شدم اداره استیناف ملی فقط تمرین‌کنندگان را دستگیر می‌کند، بدون این‌که به آنها فرصتی برای صحبت بدهد. تصمیم گرفتم به میدان تیان‌آن‌من بروم و بنرهایی را به نمایش بگذارم و به جهان بگویم: «فالون دافا خوب است!»

یک دانشجوی آمریکایی در چین، اولین برخوردش با فالون گونگ را این طور به یاد آورد:

۳۹۴

من و دوستانم در میدان تیان آن من عکس می گرفتیم. سپس تعدادی از تمرین کنندگان فالون گونگ را دیدیم که بنرهای شان را به آرامی و با آرامش بالا می بردند. مأموران پلیس چینی بلافاصله با مشت و لگد به روی آنها پریدند. سپس آنها را به داخل خودروهای پلیس کشیدند و به اداره پلیس بردند. دو نفر از دوستانم چند عکس از ضرب و شتم تمرین کنندگان به دست مأموران پلیس گرفتند، اما عکس ها توقیف و هر دوی آنها نیز بازداشت شدند.

در سال های ابتدایی آزار و شکنجه، این صحنه تقریباً هر روز دیده می شد: پس از اینکه یکی از تمرین کنندگان فالون گونگ بنری را در میدان تیان آن من به نمایش می گذاشت، مأموران پلیس به سمت فرد معترض هجوم می بردند و او را به داخل خودروی ونی که منتظر ایستاده بود می بردند و اغلب در حین بردن او به داخل ون، به او مشت و لگد نیز می زدند.

هرچند افراد دادخواه با میل خودشان به پکن سفر می کردند، اما تعداد زیاد تمرین کنندگان فالون گونگ در چین در آن زمان، ۷۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر طبق آمار دولتی، به این معنی بود که حتی اگر درصد کمی از کل تمرین کنندگان تصمیم می گرفتند به این سفر بروند، بازهم تعدادشان بسیار زیاد می بود.

اداره امنیت عمومی پکن در اوج دادخواهی ها در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ تخمین زد بیش از یک میلیون تمرین کننده در پکن، دادخواست ارائه کرده اند.^{۲۹۵} بایگانی های داخلی پلیس نشان می داد بیش از ۸۳۰ هزار تمرین کننده به دلیل دادخواهی در پکن در آوریل ۲۰۰۱ دستگیر شدند، هرچند تمرین کنندگانی که از ارائه اطلاعات شناسایی خود امتناع می کردند تا از خانواده و همکاران خود محافظت کنند در این آمار شامل نمی شدند.^{۲۹۶}

بعضی از تمرین کنندگان در خارج از چین نیز به پکن سفر کردند تا به این دادخواهی ها بپیوندند. این افراد شامل گروهی بیش از ۴۰ تمرین کننده از ژاپن بودند که به میدان تیان آن من رفتند و در آستانه ورود به هزاره جدید، تمرین فالون گونگ را انجام دادند.^{۲۹۷} در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۱، ۳۶ تمرین کننده غربی از ۱۲ کشور (از جمله انگلیس، سوئیس، آلمان، امریکا، کانادا و استرالیا) دادخواهی صلح آمیزی را برای فالون گونگ در میدان تیان آن من به نمایش گذاشتند. آنها بنری را برافراشتند که رویش نوشته شده بود: «حقیقت،

نیک‌خواهی، بردباری،» و روی زمین نشستند و مدیتیشن انجام دادند. یکی از آنها رو به گردشگران فریاد زد: «فالون گونگ خوب است» که پلیس کتکش زد. هر ۳۶ نفر آنها چند دقیقه بعد دستگیر شدند.

یکی از تمرین‌کنندگان که از اداره پلیس نزدیک میدان تیان‌آن‌من به دوستش تلفن کرد و از وضعیتشان گفت، اظهار کرد گزارشگرانی از سی‌ان‌ان و سایر رسانه‌های خارجی نیز همراه آنها دستگیر شده‌اند.

۲.۱۳ صحبت با مردم به صورت رودررو

تمرین‌کنندگان از فرصت‌های زیادی در زندگی روزمره خود استفاده می‌کنند تا با مردم درباره فالون دافا و آزار و شکنجه صحبت کنند، از جمله افرادی که در اتوبوس، خیابان، پارک‌ها یا سایر مکان‌های عمومی با آنها ملاقات می‌کنند. در محل کار، آنها با رؤسا، همکاران، مشتریان و شرکای تجاری خود صحبت می‌کنند. برخی در روستاها، جایی که ساکنان دسترسی کمتری به منابع مستقل اطلاعات دارند، خانه به خانه می‌روند تا با مردم صحبت کنند.

اگر رؤسا و همکاران یک تمرین‌کننده در نتیجه کمپین تبلیغاتی حزب کمونیست، تصور بدی از فالون گونگ داشته باشند، او باید سخت تلاش کند این نگرش‌ها را تغییر دهد.

تمرین‌کننده‌ای در استان هنان گفت:^{۲۹۸}

به‌عنوان یک تمرین‌کننده فالون دافا، از اصول حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری برای سنجش خودم و روشنگری حقیقت برای همکارانم در شرکت استفاده می‌کنم. افراد بسیاری پس از ارتباط با من حقایق را درک کرده‌اند و اکنون برخی از آنها اصول دافا را معیار سنجش خود در زندگی روزمره قرار می‌دهند.

من کارم را به‌عنوان کارمندی عادی در شرکتی جدید شروع کرده و طی سه ماه به مدیریت بخش ارتقا پیدا کردم. وقتی سرپرستم در انجام کارها سختگیری می‌کرد، در مقابل او بردبار و شکیب بودم و سعی می‌کردم تضادها را رفع کنم. رئیس‌م می‌گفت: «شما فردی بسیار درستکار هستید. وقتی این چند صد میلیون دارایی را به شما می‌سپرم، احساس اطمینان دارم و خیالم راحت است.»

در خارج از مناطق شهری، برخی از تمرین‌کنندگان قدم پیش گذاشته‌اند و از روستایی به روستایی دیگر و از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر می‌روند:^{۲۹۹}

در آن روستاها، به دم در تمام خانه‌ها رفتیم و متوجه شدیم که مردم فقط درباره آنچه در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ رخ داد، یعنی زمانی که حزب کمونیست دافا را ممنوع کرد، می‌دانند. فقط چیزی را می‌دانستند که رسانه‌ها درباره دافا گفته بودند. متأسف بودم که زودتر به این روستاها نیامده بودیم. حقیقت را خانه به خانه، همچنین برای گروهی از مردم که مقابل یک خانه با هم صحبت می‌کردند، روشن کردیم.

صبورانه به سؤالات‌شان پاسخ دادیم و به آنها گفتیم که در حال حاضر مردم در بیش از ۱۰۰ کشور فالون دافا را تمرین می‌کنند. گفتیم که رویداد خودسوزی تیان‌آن‌من یک صحنه‌سازی از سوی حزب کمونیست چین برای توجیه آزار و شکنجه بود. درباره برداشت اجباری اعضای بدن تمرین‌کنندگان زنده دافا با مجوز دولت هم برایشان توضیح دادیم.

وقتی به آنها گفتیم که بیش از ۲۰۰ هزار نفر از جیانگ زمین، رئیس سابق حکم‌چ که این آزار و شکنجه را راه‌اندازی کرد، شکایت کیفری کرده‌اند، بانوی سالمندی گفت: «جیانگ زمین، این پیرمرد شیطانی، هرگز هیچ کار خوبی انجام نداده است. او خیلی بد است. آیا آن دادخواست را داری؟ من نیز می‌خواهم در حمایت از این شکایت امضایش کنم.»

تمرین‌کنندگان حتی زمانی که به‌خاطر ایمانشان زندانی می‌شوند، از فرصت‌ها استفاده می‌کنند تا با زندانیان و نگهبانان درباره فالون گونگ و آزار و شکنجه صحبت کنند. در نتیجه، بسیاری از زندانیان و مأموران با تمرین‌کنندگان همدردی می‌کنند و از آنها الهام می‌گیرند. برخی از آنها حتی تصمیم گرفته‌اند تمرین فالون گونگ را شروع کنند.

تمرین‌کننده‌ای که محبوس شده بود، چنین نوشت:^{۳۰۰}

در سال ۲۰۰۵ زندانی خشنی به نام شیائو پینگ (مستعار) به زندانی که در آن حبس بودم منتقل شد. در نهایت من و او در یک تخت دوطبقه می‌خوابیدیم.

نگهبانی به نام ونگ لینگ (مستعار) که حقایق فالون گونگ را می‌دانست، درحالی‌که به من اشاره می‌کرد به او گفت: «تو باید از او یاد بگیری. می‌تواند به تو یاد دهد چطور شخص خوبی باشی.»

شیائو پینگ بد اخلاق بود و رفتار تندی داشت به همین دلیل هیچ‌کسی او را دوست نداشت. هر زمان با شرایط سختی مواجه می‌شد داد می‌زد و فریاد می‌کشید. واقعاً نمی‌دانستم آیا می‌تواند فالون گونگ را یاد بگیرد یا نه. گاهی درباره این تمرین با او صحبت می‌کردم اما او خیلی بی‌قرار بود و نمی‌توانست به چیزی گوش کند. تا اینکه یک روز از من پرسید: «می‌توانی تمرین فالون گونگ را به من یاد بدهی؟» سپس درباره فالون گونگ و اینکه چطور حزب کمونیست چین (حک‌چ) این تمرین را تحت آزار و شکنجه قرار داده برایش توضیح دادم. همچنین لون یو استاد و چند بخش کوتاه را برایش نوشتم و پیشنهاد کردم آنها را بخواند.

چند روز بعد از او پرسیدم: «درک می‌کنی استاد درباره چه چیزی صحبت می‌کنند؟» او گفت: «بله می‌فهمم.»

تنها آرزوی او این بود که پس از آزادی تمرین‌کننده‌ای را پیدا کند که در تزکیه‌اش به او کمک کند.

من ۱۰ سال پیش از زندان آزاد شدم و شیائو پینگ هنوز فالون گونگ را تزکیه می‌کند. حالا او در زندان بسیار مورد تحسین است، درست همانطور که من در زمان حبس در زندان، مورد تحسین بودم.

یکی از زندانیانی که بارها به دلیل سرقت دستگیر شده بود درباره مواجهه خود با تمرین‌کنندگان فالون گونگ در بازداشتگاه چنین نوشت:^{۳۱}

آنها به این دلیل بازداشت شدند که به منظور دادخواهی برای فالون گونگ به پکن رفته بودند یا تمرینات را در پارک‌ها انجام می‌دادند. آنها صرفاً به این دلیل که من دزد بودم نگاه تحقیرآمیزی به من نداشتند. در عوض به من می‌گفتند فرد خوبی باشم و دیگر دزدی نکنم و کار اشتباهی انجام ندهم.

عمیقاً تحت تأثیر رفتار آنها قرار گرفتم. به‌ویژه اینکه با وجود کتک‌خوردن و ناسزا شنیدن از مأموران، هیچ نفرت یا شکایتی نداشتند. آنها همیشه با مهربانی با آن مأموران رفتار کرده و درباره اصول فرد خوبی شدن، با آنها صحبت می‌کردند. به‌شدت متعجب و بهت‌زده بودم. تلویزیون می‌گفت فالون گونگ چقدر بد است. پس چطور ممکن بود بسیاری از افراد، پس از یادگیری فالون گونگ، تا این حد خوب شوند؟ با توجه به آنچه می‌دیدم باید می‌پذیرفتم آنها واقعاً انسان‌های خوبی هستند.

پس از گذشت ده سال از عمرم که صرف کارهای بسیار بدی کرده بودم، ناگهان به شدت احساس پشیمانی کردم. اگر می‌توانستم مانند تمرین‌کنندگان فالون گونگ، انسان خوبی باشم، چقدر شگفت‌انگیز می‌شد.

توضیح بالا علاوه بر اینکه نشان می‌دهد تمرین‌کنندگان چطور در محیط‌های سخت و خشن بر باور خود پابرجا باقی می‌مانند، اثربخشی فالون گونگ در بازپروری مجرمان را نیز برجسته می‌کند. این در تضاد کامل با سوءرفتارهای صورت گرفته در سیستم زندان چین است که زندانیان را تحریک می‌کند تمرین‌کنندگان را شکنجه کنند و در نتیجه باعث سوق دادن افراد به سمت قلدری و خشونت می‌شود.

۳.۱۳ توزیع مطالب اطلاع‌رسانی و نمایش بنرها و پوسترها

یکی از تمرین‌کنندگان در چین، تجربه خود را در سال ۲۰۰۱ به یاد آورد، زمانی که تازه به استان جدیدی نقل مکان کرده بود و می‌خواست افراد بیشتری از آزار و شکنجه آگاه شوند:^{۲۰۲}

در نهایت با مشکلات بسیار، یک مغازه فتوکپی پیدا کردم. از صاحب مغازه پرسیدم: «آیا از مطالب فالون گونگ کپی می‌گیرید؟» او پاسخ داد «مطالب باید در انتقاد از فالون گونگ باشد.» کمی تأمل کردم و با این حال، مطالب را به او دادم تا چاپ کند.... بعداً متوجه شد مطالب مربوط به شرح حقایق درباره فالون گونگ است بنابراین مخفیانه مرا به پلیس گزارش داد. کمی بعد دستگیر شدم.... و شغلم و کتاب‌های دافا را از دست دادم.

در محیطی که اطلاعات درست درباره فالون گونگ اجازه انتشار ندارد، مطلع کردن مردم درباره نقض حقوق بشری که در اطرافشان رخ می‌دهد، حرکتی ارزشمندتر و ضروری‌تر است. تمرین‌کنندگان از سراسر چین با تبدیل خانه‌های خود به محل‌های کوچک تولید، چاپ جزوه، کتاب، سی‌دی و دی‌وی‌دی، پوستر، تقویم، نشان یادبود و سایر مطالب، بر این دشواری بسیار بزرگ غلبه کرده‌اند تا درباره فالون گونگ به مردم بگویند.

این محل‌های تولید مطالب کاملاً با سرمایه خود تمرین‌کنندگان راه‌اندازی، و با استفاده از درآمد و پس‌انداز آنها تأمین می‌شوند و آنها مطالب را به شکل رایگان و اغلب با به‌خطراندختن امنیت شخصی خود توزیع می‌کنند. همان‌طور که در بسیاری از موارد

آزار و شکنجه در این گزارش دیده می‌شود، مسئولان چین به‌شکلی منظم و عادی رایانه‌ها، چاپگرها، و بروشورهای یافت‌شده در منزل تمرین‌کنندگان را به‌عنوان «مدرک» علیه آنها توقیف می‌کنند تا آنها را تحت پیگرد قرار دهند و زندانی کنند.

با این حال تمرین‌کنندگان هنگام توزیع نسخه‌های نه شرح و تفسیر درباره حزب کمونیست و سایر مجلات، تقویم‌ها و دی‌وی‌دی‌ها، با تقاضای زیادی از سوی مردم مواجه شده‌اند. در ادامه، ماجرای یکی از تمرین‌کنندگان در چین را شرح می‌دهیم:^{۳۰۴}

هر روز بدون توجه به شرایط هوا به بازار اصلی و شهرهای مجاور و روستاها می‌رویم. از این رو افراد بسیار زیادی ما را می‌شناسند. شخص خاصی را بارها می‌دیدیم. حقیقت را برایش آشکار کرده و بروشورها را به او داده بودیم. او می‌گفت: «قدردانتان هستم. شما همگی افراد خوبی هستید.»

او اغلب در توزیع تقویم‌های رومی‌زی به ما کمک و مردم را متقاعد می‌کرد از ح‌ک‌چ خارج شوند. اغلب با صدای بلند می‌گفت: «فالون دافا خوب است! حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری خوب است!»

یک روز وقتی ما را دید، با صدای بلند گفت: «بالاخره شما را پیدا کردم!»

او تقویم‌های رومی‌زی را تمام کرده بود و تعداد بیشتری می‌خواست. فقط تعداد کمی داشتیم و نمی‌خواستیم آنها را از دست بدهیم. اما او مشتاقانه درخواست کرد: «به افراد زیادی قول دادم که برایشان تقویم می‌برم. نمی‌خواهم آنها را ناامید کنم.» راضی شدم و چند تقویمی را که داشتیم به او دادم.

تمرین‌کنندگان پوستره‌های بزرگی را نیز در مکان‌های عمومی نصب کرده‌اند که حاوی اطلاعاتی درباره آزار و شکنجه و خواستار محاکمه جیانگ زمین است.

۴.۱۳ نوشتن نامه‌های شخصی به عاملان آزار و شکنجه

تمرین‌کنندگان علاوه بر اطلاع‌رسانی به عموم مردم، نامه‌هایی نیز به مأموران پلیس و مقامات نوشته‌اند تا آنها را از شرکت در آزار و شکنجه، منصرف کنند. نویسندگان این نامه‌ها اغلب به پرونده‌های محلی که به گیرنده نامه مرتبط بود اشاره می‌کردند و اطلاعات نادرستی را که از طریق کانال‌های دولتی درباره فالون گونگ منتشر شده بود، اصلاح می‌کردند.

یکی از تمرین‌کنندگان، تجربه خود را از همکاری با دیگران برای نوشتن نامه‌هایی به پلیس و مراجع قضایی، زندان‌ها، مراکز شستشوی مغزی، کمیته‌های اماکن، مسئولان مدرسه و سایرین، این‌طور شرح داد:^{۳۰۴}

پس از اینکه رئیس یکی از ادارات پلیس شهر، نامه را خواند، از مشارکت در آزار و شکنجه دست کشید. او گفت: «تمرین‌کنندگان فالون گونگ همگی مهربان هستند. وقتی آنها را کتک زده یا سرشان فریاد می‌زنند، آنها مقابله‌به‌مثل نمی‌کنند. فقط می‌خواهند باورشان را حفظ کنند. من واقعاً آنقدرها بی‌رحم نیستم که به این رفتار غیرمنصفانه با آنها ادامه دهم. هر ماه نامه‌هایی دریافت کرده‌ام و همه آنها را خوانده‌ام. من آنقدرها بی‌رحم نیستم که این کار را انجام دهم! بسیاری از این نامه‌ها مرا تحت‌تأثیر قرار دادند و وجدانم را تحت تأثیر قرار دادند! تا وقتی در این سیمت هستم، همه تلاشم را می‌کنم که از تمرین‌کنندگان حفاظت کرده و با آنها با مهربانی رفتار کنم.

در سال ۲۰۰۴، یک مقام ارشد دادستانی هر ماه یک نامه روشنگری حقیقت دریافت می‌کرد. پس از خواندن نامه‌ها، دیدگاهش درباره تمرین‌کنندگان به شدت تغییر کرد. این سؤال برایش مطرح شد که چرا این افراد به زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری فرستاده می‌شوند. او گفت دیگر نمی‌خواهد کارهایی انجام دهد که سبب می‌شود تقوایش را از دست بدهد. هرگاه دستورالعمل یا مأموریتی از سوی ح‌ک‌چ دریافت می‌کرد، بهانه‌ای می‌یافت که انجامش ندهد. حتی به‌طور مخفیانه تمرین‌کنندگان را پیدا کرد و نسخه‌ای از کتاب جوآن فالون را از آنها گرفت تا بخواند.

هرچند از نظر تمرین‌کنندگان این روش برای کاهش آزار و شکنجه سایر تمرین‌کنندگان و جلوگیری از ادامه جرائم عاملان آزار و شکنجه مؤثر بود، اما چنین نامه‌هایی، دشواری‌ها و خطرات امنیتی را نیز به‌دنبال داشت:

با توجه به اینکه نامه‌های زیادی پست می‌کردیم، یکی از تمرین‌کنندگان باید تعداد زیادی تمبر پستی می‌خرید. مأموران امنیتی دولت با ادارات پست در ارتباط بودند... مجبور بودیم نامه‌ها را از محل‌های مختلفی بفرستیم و گاهی مجبور می‌شدیم برای پست‌کردن نامه‌مان مسافتی طولانی را طی کنیم.

یکی دیگر از تمرین‌کنندگان در استان لیائونینگ نوشت:^{۳۰۵}

اداره پست پس از شروع آزار و شکنجه فالون گونگ در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، قوانین خود را درباره فروش تمبر تغییر داد. هر نفر در هر بار خرید، اجازه داشت فقط ۲۰ تمبر بخرد و

دلیل خرید تمبر از او پرسیده می‌شد. اما در طول سال نو چینی، افراد مجاز بودند بدون هیچ پرسشی، هر قدر می‌خواهند تمبر بخرند. بنابراین در همین زمان تعداد زیادی تمبر می‌خریدم تا در تمام سال از آن استفاده کنم.

نامه‌ها را به آدرس ادارات قضایی محلی، کمیته امور سیاسی و حقوقی، انجمن‌ها، زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها، و مسئولان حکومتی روستا پست می‌کردم. نامه‌هایی نیز به تمرین‌کنندگانی می‌فرستادم که به گفته مینگهویی، به کمک فوری نیاز داشتند.

هر نامه را از صمیم قلب می‌نوشتم، گویا در حال صحبت رودررو با آن فرد بودم. نامه‌هایم حاوی مهم‌ترین و ضروری‌ترین اطلاعات و سرشار از انرژی مثبت بود. وقتی بی‌حوصله بودم، دست‌خطم بد می‌شد، به همین دلیل نامه را دوباره می‌نوشتم.

۵.۱۳ انتشار اطلاعات از طریق تماس تلفنی و اینترنت

تمرین‌کنندگان در چین، علاوه بر صحبت رودررو با مردم و توزیع مطالب چاپی، متن و پیام‌های چندرسانه‌ای را نیز برای عاملان آزار و شکنجه و عموم مردم ارسال کرده و از طریق تلفن با آنها تماس گرفته‌اند.

یکی از تمرین‌کنندگان این‌طور به یاد آورد:^{۳۰۶}

زندان‌ها، اردوگاه‌های کار اجباری، ادارات ۶۱۰، شعب پلیس، ادارات پلیس، بازداشتگاه‌ها، مراکز شستشوی مغزی، دادگاه‌ها، دادستانی‌ها، بیمارستان‌ها، و مدارس را هدف قرار می‌دادم. افرادی که پیام مرا دریافت کردند عبارتند از: یک مدیر، رؤسای محلی، یک رئیس دادگاه، یک قاضی دادگاه عالی، دبیران حزب، نمایندگان سیاسی، رهبران تیم، مأموران پلیس، و کارکنان امنیتی. بعضی از آنها پس از دریافت پیام، پشیمان می‌شدند، اما بعضی دیگر همچنان به کار اشتباه خود ادامه می‌دادند.

تمرین‌کننده دیگری گفت:^{۳۰۷}

می‌توانیم با استفاده از تلفن‌های همراه پیام خود را در زمانی بسیار کوتاه به منطقه‌ای بزرگ ارسال کنیم. به نظر می‌رسد سایر روش‌ها همیشه محدودیت‌هایی دارند، اما با استفاده از تلفن همراه می‌توانیم به هرکسی صرف‌نظر از جایگاه اجتماعی، پیش‌زمینه شغلی یا سنش، دسترسی داشته باشیم.

فرستادن پیام‌ها و برقراری تماس با استفاده از تلفن همراه نیز خطرات امنیتی به‌دنبال دارد، زیرا مقامات چینی سرمایه‌گذاری هنگفتی را صرف پایش تلفن و قابلیت‌های ردیابی تماس کرده‌اند. در سال ۲۰۱۴، چهار تمرین‌کننده در سان‌هی، واقع در استان هبی، به‌دلیل فرستادن پیامک‌های گروهی درباره فالون گونگ، دستگیر شدند. سپس مشخص شد تماس‌های تلفنی چند تمرین‌کننده تحت‌نظر بوده، حتی وقتی تلفنشان خاموش بوده است.^{۳۰۸}

چنین ردیابی و نظارتی در سایر انواع ارتباطات الکترونیکی از جمله شبکه‌های اجتماعی نیز انجام می‌شود. در ژانویه ۲۰۱۹، پس از اینکه پلیس متوجه شد یک استاد دانشگاه در گوانگژو بین اکتبر ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ اطلاعاتی را درباره آزار و شکنجه فالون گونگ در نرم‌افزار کیوکیو (QQ) به اشتراک گذاشته، او را به سه سال و شش ماه زندان و پرداخت جریمه ۱۰هزار یوانی محکوم کرد.^{۳۰۹} مردی در استان سیچوان پس از اینکه در وی‌چت پیام‌هایی را فرستاد تا مقامات قضایی را آگاه کند که اداره مطبوعات و نشر چین، ممنوعیت نشر کتاب‌های فالون گونگ را در سال ۲۰۱۱ لغو کرده، دستگیر شد و در مرکز شستشوی مغزی مورد آزار و اذیت قرار گرفت و همسرش نیز کتک خورد.^{۳۱۰} موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که تمرین‌کنندگان پس از ارسال اطلاعات آنلاین درباره فالون گونگ، دستگیر شده‌اند.

تمرین‌کنندگان به‌منظور کمک به مردم چین برای دسترسی آزادانه به اخبار و اطلاعات، نرم‌افزارهایی مانند فری‌گیت، داینابوب، و اولتراسرف را برای دورزدن سانسور آنلاین تولید کرده‌اند. دو گروه از تمرین‌کنندگانی که نرم‌افزار ضد سانسور را طراحی کردند،^{۳۱۱} درنهایت «کنسرسیوم جهانی برای آزادی اینترنت» را شکل دادند که ابزارهای آن به شکل گسترده در ایران، میانمار، کوبا، کره شمالی و سوریه نیز استفاده شده است.^{۳۱۲}



فصل ۱۴: اطلاع‌رسانی در خارج از چین

هرچند تمرین‌کنندگان در چین تلاش می‌کنند واقعیت‌های آزار و شکنجه را برای مردم در چین روشن کرده و در این زمینه اطلاع‌رسانی کنند، این کار اغلب خطراتی را نیز برای امنیت شخصی‌شان به دنبال دارد. اما افراد خارج از چین نیز برای اطلاع‌رسانی درباره آزار و شکنجه، و رفع سوءبرداشت‌های ناشی از تبلیغات افتراءآمیز رژیم چین، فعالانه تلاش می‌کنند.

۱.۱۴ اعتراضات مقابل سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های چین

تمرین‌کنندگان فالون گونگ در کل دو دهه گذشته، مقابل سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های چین در سراسر جهان، بنرهایی را برافراشته و فعالیت‌هایی را انجام داده‌اند تا درباره فالون گونگ و آزار و شکنجه در چین، به مردم بگویند.

مقامات چینی اغلب سعی می‌کنند با امتناع از تمدید گذرنامه چینی تمرین‌کنندگان، پوشاندن بنرها با موانع یا اسپری، یا تهدید مالکان این تجهیزات، این رویدادها را مختل کنند. گاهی تمرین‌کنندگان برای دفاع از حقوق خود از پلیس درخواست کمک می‌کنند.

۲.۱۴ تجمعات و دادخواست‌ها

هر سال، تمرین‌کنندگان جلوی کاخ کنگره آمریکا تجمع می‌کنند تا درباره آزار و شکنجه در چین اطلاع‌رسانی کنند و خواستار کمک دولت آمریکا برای پایان دادن به آن شوند.

قانونگذاران، فعالان حقوق بشر، و نمایندگان سازمان‌های غیردولتی اغلب در تجمعات سالانه حضور می‌یابند تا حمایت خود را از مقاومت مسالمت‌آمیز تمرین‌کنندگان در برابر آزار و شکنجه، ابراز کنند. در یکی از این تجمعات در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۸، سخنرانان تجمع، برداشت اجباری اعضای بدن زندانیان عقیدتی در چین را که با مجوز دولت صورت می‌گیرد، محکوم کرده و ارزش‌های جهانی فالون گونگ «حقیقت، نیک‌خواهی،

بردباری» (真善忍) را به‌طور برجسته‌ای مطرح کردند و از مردم خواستند متوجه فریبکاری حزب کمونیست باشند.

دینا روراباکر، عضو کنگره (کالیفرنیا)، با سخنان صمیمانه‌ای تمرین‌کنندگان را مورد خطاب قرار داد. او گفت مدت‌هاست که حامی فالون گونگ است، نه‌تنها به این دلیل که ابراز عقیده حق مردم است، بلکه به این دلیل که با اصول بنیادین فالون گونگ موافق است. او اظهار داشت: «افتخار می‌کنم کنار شما بایستم و همیشه نیز کنار شما خواهم بود.»

پس از برگزاری این تجمع، جمعیت زیادی از محل کاخ کنگره به راه افتادند و در خیابان پنسیلوانیا و خیابان کانستیتوشن راهپیمایی کردند و در محل بنای یادبود واشنگتن به راهپیمایی پایان دادند.^{۳۳}

تمرین‌کنندگان در این راهپیمایی، تصاویر افرادی را در دست داشتند که در طول آزار و شکنجه در چین، جان خود را از دست داده‌اند. بعضی دیگر نیز بنرهایی را خطاب به مردم و با این مضمون حمل می‌کردند که رژیم کمونیست را به‌عنوان مسئول آزار و شکنجه فالون گونگ بشناسند. در بعدازظهر ۲۲ ژوئن ۲۰۱۸، سومین روز فعالیت‌های گسترده تمرین‌کنندگان در واشنگتن دی‌سی، یک مراسم شمع‌افروزی نیز در محل بنای یادبود واشنگتن برگزار شد. میزبان گفت: «لطفاً کنار من بنشینید. بیایید چشمان خود را با آرامش ببندیم. صدایی از اعماق قلبمان طنین می‌اندازد: به این شکنجه خاتمه دهید، به این کشتار پایان دهید، این سرکوب را متوقف کنید. نیک‌خواهی و استقامت ما پیروز خواهد شد.»

تجمعات دیگری نیز در سراسر جهان برای اطلاع‌رسانی درباره آزار و شکنجه در چین، برگزار شد.

۳.۱۴ پیاده‌روی به‌منظور «درخواست کمک فوری» و دوچرخه‌سواری برای آزادی

تمرین‌کنندگان علاوه بر این رویدادهای بزرگ، فعالیت‌های دیگری را نیز برای افشای آزار و شکنجه فالون گونگ در چین، سازماندهی کرده‌اند. یکی از این فعالیت‌ها، پیاده‌روی

به‌منظور «درخواست کمک فوری» (SOS) در سال ۲۰۰۱ بود که چهار تمرین‌کننده از اتاوا تا مقر سازمان ملل در نیویورک پیاده‌روی کردند.

تمرین‌کنندگان جوان خارج از چین نیز مانند هم‌تایان بزرگسال خود، از مزایای تمرینات فالون گونگ بهره‌مند شده‌اند. بعضی از آنها در اردوهای تابستانی واقع در سراسر جهان، از نیوجرسی تا سن دیگو، از فرانسه تا تایوان، شرکت کرده‌اند. در سال ۲۰۱۵، گروهی از تمرین‌کنندگان جوان در «دوچرخه‌سواری برای آزادی» شرکت کردند. آنها مسیری بیش از ۴۸۰۰ کیلومتری را در سراسر آمریکا دوچرخه‌سواری کردند تا درباره پنج کودکی که به دلیل آزار و شکنجه فالون گونگ در چین، یتیم شده بودند اطلاع‌رسانی کنند و آنها را نجات دهند.

این دوچرخه‌سواران تقدیرنامه‌هایی را از پاتریک جی. تومی، سناتور آمریکا، مایکل ای نوتر، شهردار فیلادلفیا، و اعضای شورای شهر فیلادلفیا دریافت کرد. دوچرخه‌سواران در کنسرتی در واشنگتن دی‌سی شرکت کردند که تمرین‌کنندگان فالون گونگ برگزارش می‌کردند. ویلیام کریگ از ساکنان محلی به آنها گفت: «این اجرایی جادویی است. واقعاً فوق‌العاده است که آهنگ‌هایی را می‌شنویم که در زندان‌ها خوانده شده‌اند و افرادی آنها را خوانده‌اند که تحت شکنجه رژیم چین قرار گرفته‌اند. گویا آنها کنارمان هستند و به‌نوعی لمس‌شان می‌کنیم، هرچند میلیون‌ها کیلومتر از ما فاصله دارند.»^{۳۱۴}

۴.۱۴ اطلاع‌رسانی در رویدادهای اجتماعی و جاذبه‌های گردشگری

تمرین‌کنندگان علاوه بر افشای آزار و شکنجه، در رویدادهای اجتماعی نیز شرکت می‌کنند تا تعطیلات را جشن بگیرند و فالون گونگ را به افراد بیشتری معرفی کنند.

ماه مه، ماه پرمشغله‌ای برای تمرین‌کنندگان فالون گونگ است چراکه هر ساله، تمرین‌کنندگان به‌مناسبت بزرگداشت روز جهانی فالون دافا که سالروز معرفی فالون گونگ به مردم در ۱۳ مه سال ۱۹۹۲ است، فعالیت‌هایی را برگزار می‌کنند. ۱۳ مه روز تولد آقای لی هنگ‌جی، بنیانگذار فالون گونگ، نیز هست. در ادامه این مطلب، گزیده‌ای از رویدادهایی را شرح می‌دهیم که در سال ۲۰۱۹ در نقاط مختلف جهان برگزار شد.^{۳۱۵}

۱.۴.۱۴ اتاوا، کانادا

تمرین‌کنندگان در منطقه اتاوا در ماه مه در شصت و هفتمین جشنواره بین‌المللی گل لاله شرکت کردند. این جشنواره‌ای بسیار محبوب است که هر ساله حدود ۶۵۰ هزار بازدیدکننده را به خود جذب می‌کند. افراد زیادی در این جشنواره ابراز علاقه کردند تمرینات فالون گونگ را یاد بگیرند.

مودار ایوبی، دانشجوی سال اول کالج، همانطور که تمرین‌کنندگان را در حال انجام گروهی تمرینات تماشا می‌کرد، گفت که می‌خواهد به تمرین‌کنندگان بپیوندد، زیرا می‌داند که مدیتیشن می‌تواند استرس را از بین ببرد. مودار گفت از اصول راهنمای فالون گونگ، حقیقت، نیکخواهی، بردباری، (真善忍)، قدردانی می‌کند. او اظهار داشت: «همه باید آن را امتحان کنند. این تمرین کمک خواهد کرد همه در سراسر جهان احساس آرامش و صلح کرده و کاهش استرس را تجربه کنند. زندگی‌شان معنادارتر خواهد شد.»^{۳۱۶}

۲.۴.۱۴ نیویورک، ایالات متحده آمریکا

در ۱۶ مه ۲۰۱۶ تقریباً ۱۰ هزار تمرین‌کننده از ده‌ها کشور، در منهن نیویورک راهپیمایی برگزار کردند. گروه مارش تیان گوئو جلودار این راهپیمایی بود و گروه رقص اژدها، قایق گل نیلوفر آبی، تمرین‌کنندگانی که تمرینات فالون گونگ را نمایش می‌دادند و تمرین‌کنندگانی از ملیت‌های مختلف با لباس‌های سنتی خود، آن را دنبال می‌کردند.

این مسیر بیش از ۳ کیلومتری از میدان سازمان ملل متحد شروع شد، دور میدان تایمز چرخید و نزدیک کنسولگری چین پایان یافت. جین که یک مددکار اجتماعی بازنشسته است، تقریباً کل راهپیمایی را همراه همسرش تماشا کرد. او گفت این راهپیمایی «نشاط‌آور» بود و افزود: «ما حقیقت، نیکخواهی، بردباری را به‌خاطر خواهیم سپرد. همه مردم جهان به این ارزش‌ها نیاز دارند.»

۳.۴.۱۴ هامبورگ، آلمان

در ۱۸ مه تمرین‌کنندگان در هامبورگ آلمان رویداد روز اطلاع‌رسانی فالون گونگ را برگزار کردند. آنها این روش تزکیه را به عموم مردم معرفی کردند و خواستار پایان دادن به آزار و شکنجه آن در چین شدند. بسیاری از مردم دادخواست محکومیت برداشت اجباری اعضای بدن زندانیان عقیدتی در چین را امضا کردند.

رزماری گوهلکه آزار و شکنجه فالون گونگ را با نسل‌کشی نازی‌ها مقایسه کرد. به نظر او آزار و شکنجه این گروه صلح‌آمیز باورنکردنی است و از تمرین‌کنندگان تشکر کرد که او را از این قساوت آگاه کردند. سه دانشجوی آفریقایی ابراز امیدواری کردند که موضوع آزار و شکنجه در چین را در گفتگوها در کلاس آینده‌شان مطرح کنند.

۴.۴.۱۴ آنتالیا، ترکیه

در پایان ماه آوریل، تمرین‌کنندگان ترکیه در آنتالیا در جشنواره گردشگری دوازده‌روزه شرکت کردند.

بگوم بورچتین بعد از اینکه درباره اصول حقیقت، نیکخواهی و بردباری (真善忍) فالون گونگ شنید، اشک در چشمانش حلقه زد. او پنج تمرین را آموخت و ابراز امیدواری کرد که بتواند به مکان تمرین محلی ملحق شود.

عفت و نعمت هنگام یادگیری تمرینات، احساس کردند بدنشان «مانند پرنده سبک» شده است. عفت گفت: «تمام استرس‌هایم از بین رفته‌اند.»

هاتیجه بوزکورت، برگزارکننده این رویداد، به تمرین‌کنندگان گفت اگر گروه فالون گونگ در این جشنواره شرکت نمی‌کرد، این جشنواره متنوع یا تا این حد غنی نبود. او از تمرین‌کنندگان دعوت کرد در رویداد اجتماعی دیگری نیز شرکت کنند.

۵.۴.۱۴ سائو پائولو، برزیل

در ۱۱ مه، تمرین‌کنندگان سائوپائولو به براس، منطقه تجاری محلی شبیه محله چینی‌ها، رفتند. در آنجا به توزیع فلایر پرداختند و با عموم مردم درباره دروغ‌هایی صحبت کردند که حزب کمونیست چین (حک‌چ) برای افترازی به فالون گونگ منتشر کرده است. آنها تمرینات را نیز نمایش دادند و بنرها و تابلوهای نمایش اطلاعات را برای روشننگری حقیقت در دست نگه داشتند.^{۳۱۷}

۶.۴.۱۴ میائولی، تایوان

گروه نوازندگان طبل کمری که از تمرین‌کنندگان محلی فالون گونگ تشکیل شده است، در ۱۱ مه در راهپیمایی سالانه توفن در شهر توفن، شهرستان میائولی، به اجرا پرداختند. اجرای آنها با استقبال گرم تماشاگران و رهبران اجتماع محلی مواجه شد. بسیاری از مردم با نزدیک شدن این گروه، فریاد می‌زدند: «فالون دافا خوب است.»

۷.۴.۱۴ سیدنی، استرالیا: گردشگران چینی با فالون گونگ آشنا و از حزب کمونیست چین خارج می‌شوند

تمرین‌کنندگان فالون گونگ استرالیا هر آخر هفته فعالیت‌هایی را در سراسر استرالیا برگزار می‌کنند تا درباره فالون گونگ و آزار و شکنجه این تمرین در چین کمونیست به مردم اطلاع‌رسانی کنند. صحنه یک رویداد در سیدنی به یک مکان گردشگری مشهور تبدیل شده است: صندلی خانم مک‌کواری. این مکان به دلیل منظره خوبش که بر بندرگاه سیدنی اشراف دارد، گردشگران زیادی از سایر کشورها، از جمله گردشگران چینی، را جذب خود می‌کند.

این تمرین‌کنندگان اطلاعاتی را درباره فالون گونگ پخش می‌کنند، تمرینات را به نمایش می‌گذارند و گردشگران چینی را تشویق می‌کنند از ح‌ک‌چ و سازمان‌های وابسته به آن خارج شوند.

از آنجاکه این تمرین در چین تحت آزار و شکنجه قرار می‌گیرد، بسیاری از گردشگران چینی برای تماشای نمایش تمرینات می‌آیند. آنها مطالب را می‌خوانند و با تمرین‌کنندگان صحبت می‌کنند. وقتی گردشگری گفت که تمرین‌کنندگان فالون گونگ را در هنگ کنگ دیده است، تمرین‌کننده‌ای پرسید آیا از حزب کمونیست چین خارج شده است یا خیر؟ او توضیح داد تمرین‌کنندگانی آنجا هستند که به سؤالات پاسخ می‌دهند و هرگونه سوءتفاهم ناشی از تبلیغات حزب علیه این تمرین را برطرف می‌کنند.

آن مرد بلافاصله گفت که آرزو دارد از لیگ جوانان کمونیست و پیشگامان جوان خارج شود. وقتی گردشگر چینی دیگری گفت که نمی‌تواند مطالب اطلاع‌رسانی فالون گونگ را به چین ببرد، تمرین‌کننده‌ای اظهار کرد: «می‌توانید از سایت /پک تایمز نرم‌افزاری را

دانلود کنید که با آن سانسورهای حزب را دور بزنید.» سپس اطلاعات لازم را به او داد. آن مرد بسیار خوشحال شد و تشکر کرد.^{۳۱۸}

خروج زوجی دانشمند از حزب کمونیست چین

مردی به تمرین‌کنندگان گفت که دانشمند است و اظهار کرد: «من ملحد هستم و به معنویات اعتقاد ندارم. استاد دانشگاه معروفی در پکن هستم. مسئول یک مؤسسه تحقیقاتی نیز هستم. همسر همکار من است. مدیرعامل یک شرکت هم هستم. چه چیزی می‌توانید بگویید که متقاعدم کنید؟»

تمرین‌کننده‌ای به او گفت: «دانشمندان مشهوری مانند نیوتن و انیشتین به مذهب باور داشتند، چرا؟ آنها می‌دانستند که فقط موجودات الهی می‌توانند پیچیدگی‌های جهان را توضیح دهند. فالون گونگ در بیش از ۱۰۰ کشور در سراسر دنیا تمرین می‌شود. بسیاری از افرادی که آن را تمرین می‌کنند، دانشمند هستند. بسیاری از سران و رهبران ملی و نیز افرادی از گروه‌های قومی آن را تمرین می‌کنند.»

وقتی آن تمرین‌کننده پیشنهاد داد که برای خروج از ح‌ک‌چ و سازمان‌های وابسته به آن کمک‌شان کند، آنها بلافاصله موافقت کردند.

۵.۱۴ نمایشگاه‌های بین‌المللی هنر

نمایشگاه بین‌المللی هنر «حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری» در سراسر جهان به نمایش درآمده است. نقاشی‌های این نمایشگاه را گروهی از هنرمندان مجرب خلق کرده‌اند که تمرین‌کننده فالون گونگ نیز هستند. آثار آنها، زیبایی و آرامش فالون گونگ، و وحشیگری آزار و شکنجه تحمیل‌شده بر تمرین‌کنندگان به‌دست حزب کمونیست چین را به‌طور برجسته‌ای به نمایش می‌گذارد. این نقاشی‌های نفیس و ماجراهای واقعی پشت هر تصویر، بینندگان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

این نمایشگاه از ۲۶ اوت تا ۱ سپتامبر ۲۰۱۹ در تالار شهر تورنتو برگزار شد. کانسیگلیو دی نینو، سناتور سابق کانادایی، در مراسم افتتاحیه گفت: «از سطح هنری بسیار بالای این آثار شگفت‌زده هستم. آنها ارزش‌هایی را به نمایش می‌گذارند که می‌توانند راهنمای ما باشد. این موضوع اهمیت بسزایی دارد.» آقای شارپ از کارکنان دولت که از این نمایشگاه دیدن کرد به میزبانان گفت: «این نقاشی‌ها بسیار زیبا هستند... از شما متشکرم که این آثار هنری عالی را به تورنتو آوردید.»

در ۱۷ اوت ۲۰۱۰، این نمایشگاه هنر در گالری گالریا کامینول آرتی در بخارست رومانی به نمایش درآمد. این نمایشگاه از ۲۰ تا ۲۹ اوت ۲۰۱۰ در رومنشورن برگزار شد. اخبار مربوط به آن چهار بار در روزنامه محلی منتشر شد و جنب‌وجوشی را در بین ساکنین محلی ایجاد کرد. مرد محترمی پس از تماشای نقاشی‌ها به تمرین‌کنندگان گفت: «از شما حمایت می‌کنم و در کنار شما خواهم ایستاد.» او در دفتر بازدیدکنندگان نوشت: «از شما صمیم قلب با شما همدلی می‌کنم و در کنار شما هستم زیرا باور دارم حقیقت و عشق جهانی پیروز خواهد شد.»

زوج مسنی تکنیک به‌کاررفته در نقاشی‌ها را تحسین کردند و گفتند نقاشی «محقق‌کردن عهد و پیمان» پاسخی برای همه مشکلات است: اگر مردم از هر پیشینه‌ای با صلح در کنار یکدیگر زندگی کنند، همه مشکلات حل خواهد شد. مرد محترمی گفت تصمیم ح‌ک‌چ برای سرکوب فالون گونگ نادرست بود و درعوض باید مردم را به تمرین آن تشویق کند. خانمی با شمایل‌نگاری گل نیلوفر آبی که به‌طرزی تمیز از گل‌ولای می‌روید، آشنا شد و تحت‌تأثیر قرار گرفت.^{۳۱۹}

۶.۱۴ فیلم‌های مستند

تعدادی فیلم مستند درباره آزار و شکنجه فالون گونگ تولید شده است. در ادامه، دو فیلم برجسته درباره این موضوع را معرفی می‌کنیم.

۱.۶.۱۴ چین آزاد: شجاعت باورداشتن

مستند «چین آزاد: شجاعت باورداشتن» که برنده جایزه نیز شده است، ماجرای دو تمرین‌کننده فالون گونگ را روایت می‌کند که رژیم چین آنها را زندانی و شکنجه کرده

است. تمرین‌کنندگان فالون گونگ بیش از ۱۵۰۰ بار این فیلم را به نمایش گذاشته‌اند، از جمله در کپیتال هیل در آمریکا، پارلمان اروپا، و سینماهای سراسر جهان.

یکی از مخاطبان در تورین ایتالیا گفت تمرین‌کنندگان فالون گونگ «قدیسین امروزی» هستند. او افزود: «می‌بینم که تاریخ تکرار می‌شود. عزم راسخی که تمرین‌کنندگان برای ادامه تمرین فالون گونگ از خود نشان می‌دهند، به اندازه عزم مسیحیانی که در دوران امپراتوری رم مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند، مقدس است.»^{۳۲۰}

۲.۶.۱۴ نامه‌ای از ماسانجیا

کوبین کراست از لس‌آنجلس تایمز در گزارشی درباره مستند «نامه‌ای از ماسانجیا» نوشت: «آنچه به‌عنوان ماجرای غیرمعمول "پیامی در یک بطری" آغاز می‌شود، حکایتی قدرتمند درباره رنج و نیکخواهی و استقامت انسان را می‌سازد.»

این نامه درخواست کمک که بر اساس یک داستان واقعی بود، در جعبه «وسایل تزئینات جشن هالووین» ساخت چین، در یک فروشگاه کی‌مارت در اورگان پیدا شد و طولی نکشید که زنجیره‌ای از رویدادها را به راه انداخت که در نهایت منجر به لغو کل سیستم اردوگاه کار اجباری در چین شد.

نویسنده نامه، سان یی، تمرین‌کننده فالون گونگ است که به‌خاطر ایمانش در اردوگاه کار اجباری ماسانجیا زندانی شده بود. سان پس از یادگیری تکنیک فیلمبرداری از طریق اسکایپ از کارگردان این فیلم، مخفیانه فیلم‌های دلخراشی از زندگی روزانه‌اش گرفت تا جنایات وحشتناک نقض حقوق بشر در داخل چین را افشا کند.

این فیلم بیش از دوازده جایزه در سال ۲۰۱۸ کسب کرد، از جمله در جشنواره بین‌المللی فیلم کلگری، جشنواره فیلم مستند داکوفست آتلانتا و جوایز جشنواره بین‌المللی فیلم میلان. این مستند یکی از مدعیان کسب مقام بهترین فیلم مستند در نودویکمین جایزه اسکار نیز است.

توماس زدکوفسکی، عضو پارلمان اروپا از جمهوری چک، پس از اکران این فیلم در پارلمان اروپا در ۴ دسامبر ۲۰۱۸، گفت: «ما باید درباره این مشکلات با چین علناً گفتگو کنیم. یکی از مشکلات این بوده و هست که هنوز هم برداشت اجباری اعضای بدن

انجام می‌شود. نمی‌توانیم گفتگوهای علنی‌مان را متوقف کنیم. نمی‌توانیم بگوییم این مشکل وجود ندارد.»^{۳۲۱}

۷.۱۴ گروه‌های بین‌المللی که برای نجات و رهایی تمرین‌کنندگان در چین تلاش می‌کنند

مأمور پلیسی یک بار به تمرین‌کننده‌ای در پکن گفت: «اگر افراد و رسانه‌هایی در خارج از چین نبودند که از شما حمایت کنند، وضعیت شما فاجعه‌بار می‌بود.»^{۳۲۲} تعداد زیادی از تمرین‌کنندگان در چین، درباره اثربخش بودن تماس‌های تلفنی تمرین‌کنندگان خارج از چین و دولت‌های خارجی، و تحقیقات خبرنگاران خارجی، مطالبی نوشته‌اند.

در ادامه یکی از این گزارش‌ها ارائه شده است:^{۳۲۳}

تمرین‌کننده‌ای در ۱۵مه ۲۰۱۳ که مطالب اطلاع‌رسانی فالون دافا را توزیع می‌کرد، دستگیر شد. او را به بازداشتگاه بردند. تمرین‌کنندگان محلی به‌سرعت برای نجات او دست به کار شدند و شماره تلفن عاملان آزار و شکنجه را در وبسایت مینگهویی منتشر کردند.

مأموران پلیسی که در دستگیری او شرکت داشتند، پس از دریافت تماس‌های تلفنی از سوی تمرین‌کنندگان خارج از چین، ترسیدند. آنها سعی کردند بفهمند چه کسی شماره تلفن آنها را افشا کرده است و از مشارکت در دستگیری او، ابراز پشیمانی کردند.

تمرین‌کننده‌ای که دستگیر شده بود، در ۲۲مه ۲۰۱۳ آزاد شد که اتفاقی غیرمنتظره بود. پلیس هرگز طی زمانی اینقدر کوتاه، تمرین‌کننده‌ای را آزاد نکرده بود.

این نوع افشای عمومی و تماس‌های تلفنی مصونیتی را که مقامات چین در آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ دارند به‌طرز قدرتمندی بی‌اثر کرده است. مثلاً یک معاون دبیر کمیته امور سیاسی و حقوقی در استان هنان که برای کسب منفعت شخصی، تمرین‌کنندگان را فعالانه مورد آزار و شکنجه قرار می‌داد، پس از انتشار اطلاعاتش در وبسایت مینگهویی، از ادامه این کار منصرف شد. همسرش این‌طور به خاطر آورد:^{۳۲۴}

افراد بسیار زیادی در سراسر جهان، فالون گونگ را تمرین می‌کنند. هر روز ده نفر تماس می‌گرفتند. هر بار که به تلفن پاسخ می‌دادم، قلبم تندتر می‌تپید. به همین دلیل شوهرم مجبور شد انتقالی بگیرد. وقتی به دقت درباره آن فکر می‌کنم، صحبت‌های این تمرین‌کنندگان فالون گونگ بسیار منطقی است. ح‌ک‌چ شکست‌ناپذیر نیست؛ ما باید برای آینده خود برنامه‌ریزی کنیم.

برخی تماس‌های تلفنی به‌موقع از خارج از کشور، حتی موجب شده است عاملان آزار و شکنجه، درست پیش از اینکه تمرین‌کنندگان را شکنجه کنند، از انجام این کار منصرف شوند. گزارشی تجربه تمرین‌کننده‌ای را در اردوگاه کار اجباری شرح داده است:^{۳۳۰}

مأمور پلیسی در اردوگاه قصد داشت این تمرین‌کننده را شکنجه کند تا مجبور شود باورش را به فالون گونگ رها کند. درست درحالی‌که این تمرین‌کننده وارد دفتر آن مأمور می‌شد، فردی از خارج از کشور با آن مأمور پلیس تماس گرفت.

طی این تماس تلفنی او پنج بار کلمه «فرقه» را به زبان آورد و فردی را که آن طرف خط بود شماتت کرد و گفت: «اگر می‌توانی پرواز کن و به اینجا بیا تا مرا ببینی، آن وقت حرفت را باور می‌کنم.» تمرین‌کننده‌ای که با او صحبت می‌کرد تحت‌تأثیر قرار نگرفت و حدود پنج دقیقه دیگر نیز به گفتگو با او ادامه داد. مأمور پلیس درحالی‌که به صحبت‌هایش گوش می‌داد، نگاهش خیره مانده بود و به نظر می‌رسید انرژی چندانی برایش باقی نمانده است. او به سوی تمرین‌کننده‌ای که در دفترش بود برگشت و گفت: «به خانه برو!»

پس از آن تماس تلفنی، آن مأمور پلیس درخواست کرد از بخشی که تمرین‌کنندگان دافا را شکنجه می‌کرد، به بخش تولید محتوا منتقل شود.



فصل ۱۵: با وجود آزار و شکنجه، مردم هنوز با فالون گونگ آشنا می‌شوند و تمرینش را شروع می‌کنند

به‌رغم آزار و شکنجه در حال وقوع در چین، جریان مداومی از مردم پس از آشنایی با فالون گونگ از طریق دوستان و خانواده، برخورد با تمرین‌کنندگانی که در پارک‌های عمومی مدیتیشن می‌کنند و رویدادهای اجتماعی یا جستجوی آنلاین، این تمرین را به‌تازگی شروع کرده‌اند.

در این فصل گزیده‌ای از گزارش‌های شخصی را ارائه می‌دهیم از تجارب تمرین‌کنندگان جدید، و واکنش‌های گردشگران چینی که در طول سفرشان به خارج از کشور با تمرین‌کنندگان روبرو می‌شوند.

۱.۱۵ چین: گزارش یک زندانی سابق درباره یادگیری فالون گونگ در طی بازداشتش

به دلیل مشارکت در یک طرح هرمی در سال ۲۰۰۸ در زندان زنان هیوزویزی در چانگچون بازداشت شدم. سپس با چند تمرین‌کننده فالون گونگ آشنا شدم که به دلیل اعتقادشان در آنجا بازداشت بودند. با توجه به تبلیغات رژیم کمونیستی چین، ابتدا از گوش دادن به حرف‌هایشان اجتناب می‌کردم. اما متعجب بودم که آنها چرا در زندان هستند. اگر فالون گونگ بد بود، چرا بسیاری از مردم آن را تمرین می‌کردند؟ اگر خوب بود، چرا آنها دستگیر شده بودند؟ به آنچه درباره فالون گونگ در تلویزیون گفته می‌شد شک داشتم. به نظر می‌رسید این تمرین‌کنندگان افراد خوبی هستند. آیا فالون گونگ آنها را فریب داده بود؟ پس چرا علی‌رغم دستگیر شدن، از رهاکردن این تمرین امتناع می‌ورزیدند؟^{۳۲۶}

این تمرین‌کنندگان می‌گفتند مأموران پلیس آنها را به دلیل امتناع از انکار باورشان شکنجه کرده‌اند. می‌گفتند که تمرین‌کنندگان حتی به خاطر اعضای بدن‌شان کشته شده‌اند. حرف‌هایشان را باور نداشتم. از جوانی، کتاب‌ها و برنامه‌های تلویزیونی حزب کمونیست چین مرا شستشوی مغزی داده بود و معتقد بودم مأموران پلیس افراد خوبی

هستند. در آن زمان، برای پلیس احترام زیادی قائل بودم و فکر می‌کردم آنها برای تغییر دادن جهان هستند. نمی‌توانستم باور کنم که بتوانند با تمرین‌کنندگان فالون گونگ تا این حد بی‌رحمانه رفتار کنند.

یک روز تمرین‌کننده‌ای را کتک زدند و با باطومی الکتریکی به سینه‌اش شوک وارد کردند. او قبل از اینکه تمرین‌کننده شود، پایش معلول، و دچار حمله قلبی شده بود. اما مأموران وضعیتش را نادیده گرفتند. این جریان توجه مرا به خود جلب کرد. آنهایی که فکر می‌کردم آدم‌های بدی هستند، افراد خوبی بودند. آنهایی که خوب در نظر می‌گرفتم در واقع بد بودند!

تصمیم گرفتم اطلاعات بیشتری درباره فالون گونگ کسب کنم. هر روز از تمرین‌کنندگان انواع و اقسام سؤالات را می‌پرسیدم. بعداً از آنها خواستم اشعار استاد لی در هنگ یین را برایم بخوانند و آنها را با قلبم یاد گرفتم. یک روز که یکی از اشعار را از برمی‌خواندم، ژرفای دافا را احساس کردم.

گرچه فقط تمرین‌کننده‌ای جدید بودم، اما چند واقعه فوق‌طبیعی را تجربه کردم. در زندان، شما نمی‌توانید سلولتان را بدون اجازه تغییر دهید. هر وقت تمرین‌کننده‌ای که در سلولم بود هر آنچه را که می‌دانست به من یاد می‌داد، نگهبانان مرا به سلول دیگری منتقل می‌کردند که آنجا تمرین‌کننده دیگری می‌توانست چیزهای دیگری به من یاد دهد. یک روز، بالاخره خواندن *جوآن فالون*، کتاب اصلی آموزه‌های فالون گونگ، را شروع کردم. بعد از اتمام اولین سخنرانی متوجه شدم این همان چیزی است که در جستجویش بودم. همیشه می‌خواستم تزکیه کنم و در نهایت دافا را پیدا کردم!

از استاد لی هنگ‌جی (بنیانگذار فالون گونگ) متشکرم که رهایم نکردند. در طول دوره حبس یک‌ساله‌ام، برخی از آموزه‌های استاد را یاد گرفتم. الآن تقریباً ۱۰ سال است دافا را تمرین می‌کنم. معجزات زیادی را تجربه کرده‌ام و ایمانم به دافا تزلزل‌ناپذیر است. می‌خواهم همه بدانند که فالون دافا خوب است.

۲.۱۵ مدارس تبتی در هند از فالون دافا استقبال می‌کنند

من تمرین‌کننده‌ای غربی هستم که در هند زندگی می‌کنم. اخیراً به دو ایالت کوهستانی در شمال هند رفتم و شش هفته در آنجا اقامت داشتم.^{۳۲۷}

از ۲۳ مؤسسه مختلفی که به آنها مراجعه کردم، اکثرشان کودکستان با کودکانی در رده سنی ۲ تا ۳ سال بودند. به دو خوابگاه، دانشگاه و یک مؤسسه آموزش صنعتی خصوصی نیز رفتم.

تأکیدم در این سفر، معرفی فالون دافا به مدارس تبتی بود. طی ۶۰ سال گذشته، هزاران تن از پناهندگان تبتی به دلیل سرکوب روزافزون و موارد نقض شدید حقوق بشر در تبت، به هند آمده‌اند و اکثراً در آنجا ساکن شده‌اند.

این سفر دشواری‌هایی برایم داشت، چراکه در طول آن، ۱۱ بار مکان اقامتم را تغییر دادم، ساک‌های زیادی حاوی بروشور و تابلوهایی درباره فالون دافا و آزار و شکنجه این تمرین در چین، همراهم بود و با گرمای غیرمنتظره و گاهی بارندگی‌های ناگهانی مواجه می‌شدم. اما آن با وجود محنت‌های پیش‌بینی‌شده و پیش‌بینی‌نشده، سفری بسیار موفقیت‌آمیز بود. توانستم فالون دافا را به تعداد خیلی بیشتری از مدارس معرفی کنم، بیشتر از آنچه در ابتدا تصور می‌کردم.

بیشتر مکان‌هایی که به آنجا مراجعه کردم، برایم کاملاً جدید بودند. تقریباً هرجایی که می‌رفتم، به اشخاصی مانند معلمان، کودکان و سایر افراد برخورد می‌کردم که قبلاً در طول سفرهای زیاد به لاداخ و سایر نقاط هند، اغلب ملاقات‌شان کرده بودم. برخی از آنها فالون دافا را در مدارس خود تمرین کرده، فلایر دریافت کرده یا پوسترها را دیده بودند. چند بار وقتی افراد جدیدی را دیدم، ارتباط عمیقی را با آنها احساس کردم، گویا دوستانی را می‌دیدم که مدت‌ها ملاقاتشان نکرده بودم. این احساس اغلب دوطرفه بود. مدیر یکی از مدارس ضمن نوشتن نامه‌ای به من، اظهار کرد: «بدین وسیله عمیق‌ترین قدردانی و سپاسگزاری خالصانه‌ام را تقدیم شما می‌کنم که این پنج تمرین فالون گونگ را به کارکنان و دانش‌آموزان مدرسه‌مان آموزش دادید.»

وقتی کودکان، حتی اگر سال‌ها پیش جلسات فالون دافا را در مدرسه خود داشتند، مرا در خیابان یا مدرسه جدیدشان می‌بینند و با شادی می‌گویند: «فالون دافا» یا «فالون دافا خوب است»، برایم دلگرم‌کننده است. وقتی جمعیت زیاد، هوا گرم یا روز شنبه بود، گاهی دانش‌آموزان در حال انجام تمرینات بی‌قرار بودند، اما در طول تمرین پنجم، مدیتیشن نشسته، به‌طور کامل آرام می‌شدند. در واقع، پس از اینکه همگی با تمام قلبشان عبارات «حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری خوب است و فالون دافا خوب است» را تکرار می‌کردند، تقریباً سکوت مطلق حکمفرما می‌شد.

مدیر فوق‌الذکر همچنین نوشت: «واقعاً روحیه و فداکاری‌تان را تحسین می‌کنم... از طریق این تمرینات، توانایی تمرکز دانش‌آموزان که امروزه کم شده، بهبود خواهد یافت. بابت کمکتان و اینکه به سایرین اهمیت می‌دهید متشکرم.»

(۱) نمایش آزار و شکنجه‌ای که در چین در حال وقوع است

توجه بسیاری از کودکان به پوسترها و زیرنویس‌هایشان جلب می‌شد که آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون دافا، از جمله کودکان خردسال، را در چین نشان می‌دادند. دختر خردسالی به هر تصویر مدتی طولانی نگاه می‌کرد.

مدیر یکی از مداس نوشت: «این قطعاً خدمت بدون قیدوشرط و خالصانه‌ای به بشریت است. از خدمات مهربانانه شما برای کمک به بشریت قدردانی می‌کنم.»

هنگام صحبت درباره موارد نقض حقوق بشر و به‌نمایش‌گذاشتن پوسترها، متوجه شدم که برخی چشم‌هایشان خیس شده و برخی اشک بر گونه‌های‌شان جاری شده است و بعضی نیز اشک‌های‌شان را پاک می‌کنند. برخی از آنها می‌توانستند موارد نقض شدید حقوق بشر در خصوص تبتی‌ها را به‌خاطر آورند، مانند جان‌باختن و تنهاگذاشتن اعضای خانواده و دوستانی که آنها نیز معمولاً شکنجه یا حتی کشته می‌شوند. تجربیات آنها بسیار شبیه درد و رنجی است که تمرین‌کنندگان فالون دافا و بسیاری از افراد دیگر با باورهای مختلف در چین، متحمل می‌شوند. بسیاری از تبتی‌ها اظهار داشتند که ما، تبتی‌ها و تمرین‌کنندگان فالون دافا، در خصوص این قساوت‌ها، «همگی وضعیت مشابهی داریم.» بسیاری از نامه‌های قدردانی که دریافت‌شان کردم، نه‌تنها ابراز قدردانی عمیق از فالون دافا بودند، بلکه اغلب درک درستی از آزار و شکنجه را نیز نشان می‌دادند.

مدیر مدرسه‌ای نوشت: «بسیار قدردان تلاشتان برای ترویج پیام‌های صلح و سلامتی هستیم و تحسینش می‌کنیم، درحالی‌که آزار و شکنجه بی‌رحمانه فالون گونگ به‌دست

رژیم کمونیستی در چین را نیز به‌طور برجسته‌ای مطرح می‌کنید، بسیار شبیه شیوه‌ای است که آنها تبتی‌ها را در تبت مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهند.»

«امیدواریم درکنار موضوع فالون گونگ درباره تبت هم صحبت کنید و در بسیاری از مکان‌هایی که می‌روید، در این خصوص هم اطلاع‌رسانی کنید. بنابراین، "سپاسگزاری" عمیقم را به نمایندگی از طرف همه تبتی‌ها در داخل و خارج از تبت، تقدیم شما می‌کنم.»

اصول فالون دافا با اخلاق‌شناسی سکولار که در حال حاضر در تمام مدارس تبتی آموزش داده می‌شود، هم‌صدا است. آن مدیر نوشت: «این جلسه برایمان پرمعنا نیز بود، چراکه اصول حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری (真善忍) در راستای چیزی است که ما سعی داریم از طریق دروس اخلاق‌شناسی سکولار به دانش‌آموزانمان القاء کنیم، دروسی که مدارسمان به دستور اداره آموزش و پرورش تبتی‌های در تبعید، آنها را تدریس می‌کنند.»

از زمان اولین ورود پناهندگان تبتی به هند در ۶۰ سال پیش، مشخص شد که یکی از ضروری‌ترین نیازهای آنها یافتن راه‌هایی برای مراقبت از تعداد زیادی از کودکانی است که یا یتیم شده‌اند یا در طول فرار دشوارشان از سرزمین مادری خود، از خانواده‌شان جدا شده‌اند. دلیل تأسیس مدارس جداگانه برای تبتی‌ها در هند این بوده که شرایط آموزشی عالی را برای آنها فراهم کنند و در عین حال به حفظ زبان و فرهنگ تبتی نیز کمک شود. همه این مدارس، بزرگ یا کوچک، به‌طرز شگفت‌انگیزی به‌خوبی مدیریت می‌شوند، با بسیاری از معلمان و کارکنان فداکار که به شعار مدرسه‌شان وفادار هستند: «سایرین قبل از خودم.»

مدیر مدرسه‌ای در نامه قدردانی‌اش نوشت که کارکنان و دانش‌آموزان: «این رویداد فوق‌العاده را گرامی می‌دارند و اصول فالون دافا "حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری" (真善忍) را به‌عنوان استانداردهای اخلاقی راهنمای خود برمی‌گزینند.»

«ما صمیمانه با تمرین‌کنندگان فالون دافا ابراز همبستگی می‌کنیم و برای اعاده اعتبار و شکوفایی این تمرین معنوی باستانی دعا می‌کنیم. با‌دا که صلح بر زمین حکمفرما شود. با قدردانی عمیق.»

مدیر یک مؤسسه آموزش صنعتی خصوصی پس از این جلسه فالون دافا نوشت: «ما برنامه اطلاع‌رسانی شما را درباره اهمیت حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری، که در جهان امروز بالاترین اهمیت را دارند، صمیمانه تصدیق می‌کنیم و فوق‌العاده قدردانش هستیم. با تمرین‌کنندگان فالون دافا ابراز همبستگی و آرزو می‌کنیم در کمک به صلح جهانی موفق باشند.»

علاوه بر ارائه بروشورها، مجلات، کتاب‌ها، دی‌وی‌دی‌ها، داستان‌هایی از افسانه‌های باستانی درباره خرد، پوسترها و غیره، به کتابخانه‌های مدارس، کتاب‌خانه‌ها شرح و تفسیر درباره حزب کمونیست را نیز توصیه می‌کنم. اگرچه اکثر تبتی‌ها از شرارت حزب کمونیست چین (حک‌چ) کاملاً آگاه هستند و آن را تجربه کرده‌اند، بسیاری از آنها درباره جزئیات تاریخ حک‌چ نمی‌دانند.

علاوه بر مدارس، به بسیاری از مکان‌های دیگر نیز رفتم و با افراد دیگری نیز ملاقات کردم و پوسترها را در مغازه‌ها چسباندم.

وقتی درباره آزار و شکنجه در چین صحبت می‌کنم، اشاره می‌کنم که چین در واقع کشوری با تاریخی بسیار کهن است، درست مانند هند، و چینی‌ها درست مثل مردم در هر جای جهان هستند: بعضی خوب هستند، بعضی بد هستند، و هرکسی ممکن است تغییر کند. بعضی از افراد خوب ممکن است بد شوند، و بدها ممکن است خوب شوند.

در جلسات فالون دافا، به کودکان توصیه می‌کنم به‌طور عقلانی و نیک‌خواهانه درک کنند چه چیزی خوب و چه چیزی بد است و چرا.

یکی دیگر از مدیران نوشت: «این تمرینات ذهن و بدن که امروز به‌نمایش گذاشتید، مطمئناً در بلندمدت به ترویج و رشد جامعه‌ای بهتر و جهانی هماهنگ‌تر کمک خواهند کرد، زیرا دانش‌آموزان مانند بذر هستند و آینده ما صرفاً بستگی به این دارد که چگونه آنها را تربیت می‌کنیم و چه ارزش‌هایی را به آنها آموزش می‌دهیم.»

«همچنین مایلم از شما به‌خاطر ایستادگی در برابر آزار و شکنجه مردم بی‌گناه چین به‌دست دولت خودش، دولت کمونیستی چین، قدردانی کنم. این درس ارزشمندی که به دانش‌آموزان دادید را تحسین می‌کنم؛ این درس که باید منطقی باشیم و خوبی را از پلیدی تشخیص دهیم.»

بسیاری از معلمان از قبل درباره /یک تایمز، ان‌تی‌دی تی‌وی هند و وبسایت‌های مختلف فالون دافا می‌دانستند، اما آنهایی که آگاهی نداشتند، با این رسانه‌های مستقل آشنا شدند. مطمئناً در آینده نزدیک و با کمک همه این کانال‌های اطلاع‌سانی، تعداد بیشتری از کودکان و سایرین به آگاهی دست خواهند یافت.

(۲) نظرات و ابتکارات

با تشکر فراوان از بسیاری از «دستان یاری‌رسان» که بدون آنها این تلاش میسر نبود: رؤسا، مدیران، کارفرمایان، سرپرستان و معلمان، کارکنان، کودکان و تعداد بسیار زیادی از افراد دیگر.

از تبتی‌ها، و ارتباطات زیادم با دوستان خوب تبتی‌ام طی ۲۸ سال اقامتم در هند بسیار خوشنود هستم. چند بار به‌طور اتفاقی به تبتی‌هایی برخورد کردم که نظرات و پیشنهاداتی را با من در میان گذاشتند درباره چگونگی پیشرفت در مسیرم به‌عنوان یک تمرین‌کننده.

بیش از ۱۵ سال پیش، در لاداخ که در شمالی‌ترین بخش هند واقع شده است، برای اولین بار از یک تمرین‌کننده چینی‌آمریکایی که از آنجا دیدن می‌کرد و یک تبتی محلی همراهش بود، درباره فالون دافا شنیدم. هر دوی آنها تمرینات فالون دافا را در یک جشنواره محلی بانوان انجام می‌دادند. این اولین آشنایی‌ام با فالون دافا بود.

در اوت ۲۰۰۷ که پوسترهایی را در رستورانی محلی در شهر لِه لاداخ می‌چسباندم، معلمی تبتی پیشنهاد کرد که به مدرسه‌اش بروم. مدیر مدرسه موافقت کرد و من اولین جلسه فالون دافا تا آن زمان را در مدرسه‌ای در لاداخ برگزار کردم و متعاقباً در سال‌های بعد نیز جلساتی را در همان مدرسه و بسیاری از شعبش و بسیاری از مدارس دیگر برگزار کردم.

در سال ۲۰۰۸ که اولین نمایش به مناسبت ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ (روزی که آزار و شکنجه در چین آغاز شد) در له برگزار شد، مرد جوان تبتی دیگری، داوطلبانه «مغازه» خود را برای این مناسبت تعطیل کرد. طی این سال‌ها، تعداد زیادی نمایش دیگر نیز برگزار شد.

سال‌ها پیش، یکی از بستگان یک دوست نزدیک تبتی، این نظر را مطرح کرد که در رویدادهای خاص، پوسترها و بنرها را روی دیوار بلند خانه‌اش به نمایش بگذاریم. از آن زمان در طول این نمایش‌ها، هزاران محلی و گردشگر بروشورهای دافا را دریافت کرده‌اند. حتی در جایی که زندگی می‌کنم، پس از دیدن یک مرد جوان تبتی که کالاهای خود را روی تخت تاشویی می‌فروخت، الهام گرفتم که معمولاً از اکتبر تا آوریل، نمایش‌هایی هفتگی برگزار کنم. سال‌ها است که این کار را انجام داده‌ام و با مردم محلی و نیز مردم سراسر هند و جهان ارتباط برقرار کرده‌ام.

همه این نظرات و ابتکارات و بسیاری از ابتکارات دیگر را تبتی‌ها پیشنهاد داده‌اند. بنابراین این سفر به مدارس تبتی در هند، به نوعی موضوعی از برگشت «لطف و کمک‌های» آنها به دست‌کم بسیاری از اعضای جامعه خودشان بود، نه کمک و لطف به افرادی که این رویدادها را برگزار می‌کردند.

هند کشوری وسیع با بسیای از فرهنگ‌ها، سنت‌ها، قبیله‌ها، ادیان و نظام‌های اجتماعی مختلف و غیره است. چند تمرین‌کننده در هند قبلاً به مدارس و دانشگاه‌ها مراجعه کرده و طی این روند عکس‌های زیادی گرفته و نامه‌های قدردانی بسیاری دریافت کرده بودند. در این کشور وسیع با جمعیت بسیار زیادی از جوانان، امیدواریم در آینده از مدارس بسیار بیشتری در نقاط مختلف هند دیدن کنیم.

با نگاه به گذشته می‌بینم که موفقیت این سفر حیرت‌انگیز فقط با نظم و ترتیبات استاد میسر بوده است؛ زمان‌بندی مناسب، روابط کارمایی قوی و بسیاری از عوامل دیگر.

بعضی از مدارس، کلیپ‌های ویدئویی، مقالات خبری و عکس‌های مربوط به رویداد فالون دافای‌شان را در فیسبوک و سایر رسانه‌های اجتماعی منتشر کردند. بعضی از آنها قبلاً ویدئوی سه‌دقیقه‌ای «راهی به قلب» را دیده یا قبلاً این ویدئو و مقاله مربوط به آن را در آن‌تی‌دی هند به اشتراک گذاشته بودند.

۳.۱۵ اندونزی: ۵۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی و معلم‌های‌شان، تمرینات

فالون گونگ را یاد می‌گیرند^{۳۳۸}

مدیر دبیرستان عمومی شماره ۳۸ در جزیره باتام اندونزی، دانش‌آموزان را در حال تمرین فالون گونگ در وبسایت رسانه‌های اجتماعی دید و می‌خواست درباره این تمرین تزکیه جسم و ذهن چینی بیشتر بداند. بنابراین از تمرین‌کنندگان فالون گونگ دعوت کرد در ۱۶ فوریه ۲۰۱۹ این روش را برای معلمان و دانش‌آموزان معرفی کنند. حدود ۵۰۰ دانش‌آموز و معلم‌هایشان به یادگیری تمرینات فالون گونگ و نیز اصول این تمرین سنتی چینی ابراز علاقه کردند.

تمرین‌کنندگان توضیح دادند که یادگیری حرکات تمرین آرامش‌بخش و آسان است. اصول فالون گونگ، یعنی حقیقت، نیکخواهی و بردباری، اصولی است که در ذهن بسیاری از مردم طنین می‌اندازد. تمرین‌کنندگان توضیح دادند که هر کسی، صرف‌نظر از سن و پیشینه‌اش، می‌تواند فالون گونگ را یاد بگیرد. تمرین‌کنندگان فالون گونگ در اندونزی، اغلب به مدارس منطقه می‌روند تا خوبی‌های فالون گونگ را با جامعه محلی به اشتراک بگذارند. آنها امیدوارند افراد بیشتری از مزایای این تمرین بهره‌مند شوند. مدیر مدرسه پس از انجام تمرینات گفت: «موسیقی و حرکات تمرین شخص را در تمرکز نگه می‌دارند. تمام بدنم به‌خصوص بالاتنه، مفاصل و پشتم، پس از انجام تمرینات بسیار آرام و راحت شده است.» معلم هنر این مدرسه اظهار داشت: «هنگامی که چشم‌هایم را بستم و به موسیقی گوش دادم، توانستم حضور نور را احساس کنم. دستم زخمی شده بود و نمی‌توانستم آن را بالا ببرم. اما پس از انجام تمرین چهارم، می‌توانم دستانم را بالای سرم ببرم. چه تجربه فوق‌العاده‌ای!»

۴.۱۵ ایالات متحده آمریکا: سفر یک برنامه‌نویس

طبق گزارش برخی افراد، سانتوش در زندگی همه چیز داشت: تحصیلات خوب، والدین دلسوز و حرفه‌ای آینده‌دار که باعث شده بود به ایالات متحده بیاید، و شغل فعلی‌اش به‌عنوان مدیر یک شرکت نرم‌افزار. او همسری دوست داشتنی و دو دختر زیبا داشت. سانتوش این‌طور به خاطر آورد: «در اوج سلامتی و تندرستی بودم. هیچ بیماری‌ای نداشتم.» اما بروز ناگهانی یک بیماری خودایمنی همه این‌ها را تغییر داد. سانتوش با پزشکان مشورت کرد، اما آنها نمی‌توانستند علت اصلی بیماری‌اش را تشخیص دهند.

در پایان، پزشکانش استروئیدهای قوی را توصیه کردند. آنها درباره عوارض جانبی این داروها هشدار دادند و به او توصیه کردند که باید تا آخر عمر آنها را مصرف کند.^{۳۳۹}

او گفت: «تشخیص این بیماری مانند رعدوبرق ضربه‌ای به من زد و شوکه‌ام کرد. همیشه فکر می‌کردم همه جواب‌ها و راه‌حل‌ها برای زندگی سعادت‌مندان با دوستان و خانواده را دارم. اما وقتی این ضربه به من وارد شد، خیلی زود ناامید و افسرده شدم.»

«اوضاع رو به وخامت گذاشت، و این بیماری ممکن بود روی چشمانم تأثیر بگذارد. بنابراین اگر مراقب نبودم، ممکن بود کاملاً نابینا شوم.»

سانتوش پیش از این، در روند تشدید بیماری‌اش دچار درد در مچ دستان و زانوانش شده بود و در بلندکردن اشیاء معمولی مشکل داشت. او اظهار کرد: «به جایی رسید که احساس می‌کردم هیچ امیدی نیست، زیرا قادر به انجام هیچ‌گونه فعالیت بدنی نبودم.» او در جستجوی راه‌حل، شروع کرد درباره خود زندگی عمیق‌تر بیندیشد، و به جستجوی آنلاین درباره خدا و جهان پرداخت.

«اما همانطور که به دنبال معنویت بودم، کاملاً سرگشته بودم. من در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم، اما اکنون نمی‌توانستم درک کنم چه اتفاقی افتاده است و قرار است چه پیش آید.»

سپس یک روز، یکی از همکارانش درباره فالون گونگ به او گفت: «بسیار علاقه‌مند بودم. این دقیقاً در زمان مناسب رخ داد.» همکارش لینک وبسایت فالون دافا (FalunDafa.org) را به او داد و گفت که در این سایت می‌تواند کتاب‌ها و آموزش تمرین‌های فالون دافا را به‌طور رایگان دانلود کند. در یکی از تعطیلات آخر هفته، سانتوش کتاب‌های فالون گونگ و جوآن فالون را دانلود کرد.

«درست از لحظه‌ای که شروع به خواندنش کردم، فهمیدم کتاب بسیار خاصی است. مطالبش بسیار واضح و روشن است و مسائل را توضیح می‌دهد، درحالی‌که به بسیاری از سؤالاتی که در ذهن داشتم، پاسخ داد. بنابراین بلافاصله درک کردم درمقایسه با چیزهایی که در گذشته یاد گرفته‌ام بسیار متفاوت است.»

(۱) سلامتی‌ام به سرعت بهبود یافت

سانتوش در طول چند روز، تغییرات چشمگیری را در وضعیت سلامتی‌اش تجربه کرد. درد و ناراحتی‌هایش به آرامی کاهش یافتند تا زمانی که کاملاً ناپدید شدند، گویا هرگز وجود نداشتند.

«نمی‌توانستم باورش کنم. فقط با انجام تمرینات روزانه به این تغییرات دست یافتم. تجربه‌ای دست‌اول بود. نمی‌توان آن را انکار کرد.»

«دیدگاهم تغییر کرد؛ زیرا آموزه‌های اصلی فالون دافا، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری (真善忍) است. آنچه واقعاً به‌طور عمیقی مرا تحت‌تأثیر قرار داد، خلوص و پاکی جوهر آموزه‌های آن است، باید راستگو و درستکار بوده و نیک‌خواه باشید، حتی اگر دیگران عصبانی باشند و به شما توهین کنند. نکته اصلی و اساسی این است و آن واقعاً قلبم را تحت‌تأثیر قرار داد.»

سانتوش متوجه شد دیگر مانند گذشته به‌راحتی ناراحت و عصبانی نمی‌شود. او افزود: «در گذشته بسیار تندخو و فرد فوق‌العاده حساسی بودم. تمامی این ویژگی‌ها در حال تغییر هستند و اکنون بر خودم لازم می‌دانم با مردم مهربان باشم.» در آن زمان والدینش با او زندگی می‌کردند و هر دوی آنها شاهد تغییرات مثبت او بودند. پدرش بسیار تحت‌تأثیر قرار گرفت و گفت که سانتوش به فرد جدیدی تبدیل و انسان بهتری شده است.

(۲) خانواده‌ای شادتر

سانتوش نیز مانند بسیاری از خانواده‌ها، سر برخی مسائل با همسرش کم‌وبیش مشاجره می‌کرد. او توضیح داد: «در گذشته چنین احساسی داشتم: اگر مجبور بودم کارهای خانه از قبیل شستن ظروف را انجام دهم، گاهی فکر می‌کردم: "دیروز این کارها را انجام دادم، امروز او باید آنها را انجام دهد. چرا من باید هر روز ظرف‌ها را بشویم؟" یعنی فکر می‌کردم جزئیات همه چیز باید مشخص و منضبط باشد.» پس از تمرین فالون گونگ، افکارش به‌طور کامل تغییر کرد: «اکنون دیگر فکر نمی‌کنم او باید این کار

را انجام دهد یا این کار، وظیفه اوست. هر زمان که بتوانم کمک کنم، کمک می‌کنم و فقط کار را انجام می‌دهم.»

همسرش بلافاصله متوجه این تغییر او شد. متوجه شد که سانتوش دیگر با او بحث نمی‌کند و در عوض بی‌سروصدا در انجام کارها کمکش می‌کند. دیگر شکایت نمی‌کند. بنابراین از او درباره فالون دافا پرسید. پس از اینکه سانتوش درباره این روش تزکیه ذهن و جسم برایش توضیح داد، علاقه‌مند شد و گاهی کتاب‌ها را نیز می‌خواند.

دخترانش نیز این تأثیرات مثبت را احساس کردند. پدرشان در گذشته در خصوص بسیاری از مسائل آشفته می‌شد. اکنون صبوری بیشتری به خرج می‌دهد و آرام‌تر شده است. یک بار دختر ۸ ساله‌اش اظهار داشت: «به نظر می‌رسد مدت زیادی است سرمان فریاد نکشیده‌ای.»

(۳) پیشرفت در محل کار

سانتوش هدف‌گرا بود و اغلب هدف‌هایی را برای تیمش تعیین می‌کرد که باید به آنها دست می‌یافتند. پس از آغاز تمرین فالون دافا، متوجه شد این رویکرد تا حدودی خودخواهانه است. او این‌طور به یاد آورد: «در قلبم اهمیتی برای اعضای گروهم قائل نبودم. بنابراین، کمی زورگو بودم و فشار زیادی بر افراد تیمم وارد می‌کردم.»

او گفت: «اما نظر اعضای تیم درباره من تغییر کرد چون دیگر نسبت به آنها کمتر سخت‌گیر هستم و کمک بیشتری می‌کنم. ارتباطشان با من بسیار قوی‌تر شده است.» گاهی حتی قبل از اینکه از آنها بخواهد کاری انجام دهند، پی می‌برد که اعضای تیم قبلاً فراتر از انتظارات او رفته و به اهداف دست یافته‌اند. او افزود: «یکی از اعضای تیم واقعاً به من گفت که شاهد پیشرفت چشمگیری در شیوه کلی مدیریتم، به‌ویژه در جلسات و ضرب‌الاجل‌ها، بوده است.»

او در پایان گفت: «به‌کاربردن سه اصل مهم آموزه‌های فالون دافا، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری در محل کار، واقعاً منفعت‌های بسیار زیادی، نه فقط برای من، بلکه برای کل شرکت به ارمغان آورده است.»

(۴) سودمند برای کل جامعه

مدتی طول کشید تا سانتوش آزار و شکنجه‌ای را که فالون دافا در چین با آن روبرو است درک کند. چرا کسی فالون دافا را تحت آزار و شکنجه قرار می‌دهد؛ روشی که به فرد می‌آموزد شخص بهتری باشد، ارزش‌های اخلاقی والاتری را رشد دهد، و راستگو و مهربان باشد؟

او گفت: «این فاجعه‌ای واقعی است، زیرا از یک طرف آموزه‌های مثبتی وجود دارد که خوبی را می‌آموزد؛ از سوی دیگر، عوامل منفی یا اهریمن وجود دارد که سعی می‌کند خوبی را سرکوب کند. قربانیان واقعی که من می‌بینم، مردم چین هستند که بر اثر تبلیغات دروغین و افتراآمیز حزب کمونیست فریب خورده‌اند. واقعاً امیدوارم آزار و شکنجه به‌زودی به پایان برسد و هر فردی در چین قادر باشد به شکوه و حقیقت درباره فالون دافا آگاه شود.»

«با توجه به تجربه‌ام، می‌توانم بگویم فالون دافا درست‌ترین و صالح‌ترین روش تزکیه‌ای است که در تمام طول زندگی‌ام با آن مواجه شده‌ام، روشی که بسیار ساده و درعین حال راحت است. من فردی کاملاً معنوی بودم و در خانواده‌ای با ارزش‌های سنتی سطح بالا بزرگ شدم اما هرگز چنین تمرین زیبا و مثبت و ساده‌ای را ندیده‌ام که بتواند شما را به سطح معنوی بسیار بالایی برساند. این تمرینی است که واقعاً برای ذهن و جسمتان سودمند است.»

«درحقیقت، واقعاً به شما کمک می‌کند ارتباطتان با خانواده، دوستان، خویشاوندان، محل کار و هر شخص دیگری، حتی غریبه‌ها، کاملاً سالم و هماهنگ باشد. در تمامی این رابطه‌ها همیشه سعی می‌کنید فردی بسیار خوب و مهربان باشید که چیز بسیار مثبتی است.»

۵.۱۵ گردشگران چینی در سفرهای خارج از کشور، حقایق مربوط به فالون گونگ را جستجو می‌کنند

یک گردشگر چینی در طول سفرش به سوئیس به تمرین‌کننده‌ای که در حال اطلاع‌رسانی درباره آزار و شکنجه بود گفت: «می‌دانم در بین تمام گروه‌هایی که به‌دست حزب کمونیست چین سرکوب شده‌اند، آزار و شکنجه فالون گونگ وحشیانه‌ترین است. شما [تمرین‌کنندگان] متحمل درد و رنج بسیاری شده‌اید. احساس خیلی بدی دارم. شما [تمرین‌کنندگان] مورد بدرفتاری شدید قرار گرفتید، اما هنوز این کار را انجام می‌دهید تا به سایرین کمک کنید.»

مقاصد مهم گردشگری در سراسر جهان به مراکزی اصلی تبدیل شده‌اند که مردم می‌توانند در آنجا از آزار و شکنجه مطلع شوند؛ به‌ویژه برداشت اجباری اعضای بدن زندانیان عقیدتی فالون گونگ که در چین با مجوز دولت صورت می‌گیرد، اقدامی که رژیم چین آن را مخفی کرده است. در این مراکز مردم همچنین می‌فهمند که مردم چین واقعاً چگونه فکر می‌کنند، چیزی که در اکثر کشورهای خارج از چین، به‌دلیل تبلیغات صادرشده حزب به غرب، غیرقابل دسترسی است. برخی از گردشگران چینی ضمن ارسال پیام‌هایی برای بنیانگذار فالون گونگ ادای احترام و ابراز امیدواری کرده‌اند که ایشان به‌زودی بتوانند به چین بازگردند. آنها با تمرین‌کنندگان فالون گونگ در اماکن گردشگری صحبت می‌کنند تا درباره حقه خودسوزی و قساوت‌های برداشت اعضای بدن افراد زنده اطلاعات کسب کنند.

سفر شهروندان چین به خارج از کشور فرصت‌هایی را نیز برای خروج آنها از ح‌ک‌چ و سازمان‌های جوانان آن، لیگ جوانان و پیشگامان جوان، فراهم می‌کند. داوطلبان مرکز خدمات جهانی خروج از ح‌ک‌چ در حال کمک به مردم چین در سراسر جهان هستند.

گردشگران نه‌تنها خودشان از حزب خارج می‌شوند بلکه بعد از بازگشت به چین، این اطلاعات را به دوستان و خانواده خود منتقل می‌کنند. تعداد گردشگرانی که تصمیم می‌گیرند از عضویت در حزب کناره‌گیری کنند، در آمریکای شمالی و اروپا به‌طور پیوسته افزایش یافته است. خانم ژو، تمرین‌کننده فالون گونگ داوطلب در یک محل گردشگری در انگلستان، در تابستان سال ۲۰۱۴ روندی را که متوجه‌اش شده بود به‌طور خلاصه این‌طور شرح داد:

در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، طی یک سال می‌توانستم به چندصد چینی کمک کنم از حکج و سازمان‌های آن خارج شوند. در سال ۲۰۱۰ این رقم به حدود هزار نفر در سال افزایش یافت. پس از سال ۲۰۱۲، دو برابر و سه برابر شده، و به چند هزار نفر در سال رسیده است. از ابتدای امسال، حدود هزار نفر در ماه بوده است.

۶.۱۵ تایوان: فالون دافا به تمرین‌کننده‌ای جدید کمک می‌کند به زندگی‌ای شاد و پرنشاط دست یابد

سه سال پیش فردی بسیار دگم و شکننده بودم. فشار و استرس ناشی از در طلب «شهرت و منفعت‌بودن» در زندگی، وضعیت سلامتی‌ام را تحت‌تأثیر قرار داده بود و اغلب بیمار بودم. به سردرد، سرگیجه، تپش قلب و درد قفسه سینه مبتلا بودم. گرچه از لحاظ تحصیلی موفق بودم و سوابق کاری خوبی داشتم، خوشحال نبودم. فکر می‌کردم به بن‌بست رسیده‌ام و احساس می‌کردم در دامی گیر افتاده‌ام. بسیار خوش‌اقبال بودم که توانستم با فالون دافا آشنا شوم و مسیر تزکیه‌ام را شروع کنم. تزکیه کمک کرده احساس رضایت و آرامش بیشتری داشته باشم و زندگی‌ام به تدریج شاد و پرنشاط شود. ۳۳۰

(۱) جستجو برای یافتن پاسخ سؤالاتم

امسال تازه از دانشگاه فارغ‌التحصیل شدم. از کودکی همیشه برترین دانش‌آموز کلاس بودم. در بهترین مدارس تحصیل کردم و درس‌خواندن را دوست داشتم تا به فردی ماهر در بسیاری از زمینه‌ها تبدیل شوم. اما افراد کمی می‌دانستند در پشت موفقیت‌های دانشگاهی‌ام چه سختی‌هایی وجود دارد. تصدیق‌ها و منفعت‌هایی که در نتیجه موفقیت بزرگم به دست آوردم، باعث شدند به‌طور ناخودآگاه افکار و احساسات واقعی‌ام را سرکوب کنم. همیشه در تحصیل به‌سختی کار می‌کردم تا نتایج خوبی به دست آورم و در زندگی‌ام تلاش می‌کردم خودم را با همه تطبیق دهم تا بتوانم در همه زمان‌ها در بهترین حالت دیده شوم.

اما از اعماق قلبم می‌دانستم همه این‌ها بی‌معنی هستند و واقعاً خوشحال نبودم. با این حال همچنان راغب بودم در این طلب بی‌انتهای غرق شوم. حتی در ارتباط با پدر و مادرم، احساسات واقعی‌ام را سرکوب می‌کردم. در بیرون به‌طور فزاینده‌ای همچنان ظاهری پرزرق‌وبرق را حفظ می‌کردم اما در درون به‌طور فزاینده‌ای تیره و تاریک بودم.

معنای زندگی چیست؟ اغلب این سؤال را از خودم می‌پرسیدم اما نمی‌توانستم جوابش را بیابم. پاسخ این سؤال را نه در طلبم برای تصدیق از نظر تحصیلی یافتم و نه در طلبم برای ایجاد روابط خوب با سایرین، و نه در مطالعات مورد علاقه‌ام درباره اتفاقات فوق‌طبیعی یا موضوعاتی که علم نمی‌توانست توضیحشان دهد.

اغلب درحالی‌که در تخته دراز می‌کشیدم، درباره گستردگی جهان فکر می‌کردم و اینکه چگونه افکارم و حتی هستی موجودات بشری هزاران سال بعد از بین می‌روند. فضایی مانند این چگونه خالی و تنها خواهد بود؟ احساس ترسی تصورناپذیر باعث می‌شد بدنم به لرزه درآید و به‌سختی بخوابم. گرچه همیشه سعی داشتم در بهترین حالت باشم، استانداردها یا اصولی برای خودم نداشتم که هدایت‌کننده باشند. همیشه با توجه به شخصی که با او بودم، تغییر می‌کردم، بنابراین افکارم و نحوه‌ای که خودم را ابراز می‌کردم به مقدار بسیار زیادی تحت‌تأثیر آن قرار می‌گرفت. برایم بسیار سخت بود صادقانه دیدگاهم را ابراز کنم و می‌ترسیدم مبدا کسی را مورد انتقاد قرار دهم یا به احساسات آنها آسیب برسانم.

فشار ناشی از زندگی و تحصیل آسیب‌هایی جدی بر جسمم وارد می‌کرد و سردرد، درد قفسه سینه و تب‌هایی با درجه پایین داشتم. اغلب مجبور می‌شدم به بیمارستان‌های بزرگ مراجعه کنم و گواهی پزشکی بگیرم تا در خانه یا مرکز درمانی مدرسه استراحت کنم. تمام این شرایط ناشی از این بود که از نظر سلامت روانی دچار مشکل بودم. اما توجهی به این موضوع نمی‌کردم و حاضر به مواجهه با این واقعیت نیز نبودم. وقتی دانش‌آموز سال آخر دبیرستان بودم، یک بار حتی تصویری را نقاشی کردم که خاطره‌ام از زندگی را به‌صورت کاملاً سیاه ترسیم می‌کرد.

(۲) یافتن فالون دافا و تمرین تزکیه

در طول زمانی که در دانشگاه بودم، به یک برنامه آموزشی ملحق شدم که در آن استاد به‌عنوان یک مشاور و مربی عمل می‌کرد و به دانشجویان درخصوص مشکلات و مسائل مربوط به زندگی کمک می‌کرد. در طول برنامه مباحثی مانند مفهوم زندگی و مرگ یا مشکلات خانوادگی برای بحث مطرح می‌شد. احساس گم‌گشتگی و ناامیدی در خصوص جنبه‌های مختلف زندگی باعث می‌شد اغلب به معلم برنامه نزدیک شوم.

معلممان ظاهراً فرد خردمندی بود. به نظر می‌رسید قادر است هر چیزی را که در زندگی اتفاق می‌افتد درک کند. یک بار در طی گفتگویمان به فالون دافا و تزکیه اشاره کرد و پیشنهاد داد *جوآن فالون* را مطالعه کنم. گفت این کتابی است که وقتی شروع به مطالعه آن کنم دست از خواندنش برنمی‌دارم. بسیار کنجکاو بودم این چه کتابی است که چنین معلم خردمندی باورش دارد.

با نگرشی تردیدآمیز، روی لینک *جوآن فالون* کلیک کردم، اما این کتاب آسمانی کاملاً شوکه‌ام کرد. احساساتم بسیار پیچیده بودند. هیجان‌زده شدم، تحت‌تأثیر قرار گرفتم و غمگین شدم. هیجان‌زده شدم از اینکه قانونی جهانی بر اساس حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری (真善忍) واقعاً وجود دارد!

این کتاب به همه سؤالاتم درباره علم و باورهایم پاسخ داد و درباره معنی زندگی، وجود موجودات خدایی و موجودات سطح بالاتر آموزش داد و اینکه چگونه باید از آن زمان به بعد مانند انسان زندگی کنم. در قلبم فریاد زدم: «چرا الآن با چنین فای ارزشمندی روبرو شدم؟» در عین حال احساس می‌کردم از عمق قلبم در حال گریستن هستم. متوجه شدم که ناراحت هستم زیرا پیش از این، زندگی‌ام از این آموزه‌های فا خیلی منحرف شده بود!

از آن به بعد، شروع به تزکیه شین‌شینگم (سرشت قلب و ذهن) براساس اصول حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری کرده و انجام پنج مجموعه تمرین فالون دافا را نیز شروع کردم. در ارتباط با تحصیلم، برای اولین بار، لذت مطالعه را با قلبم احساس کردم به‌جای اینکه صرفاً به نتایج اهمیت بدهم. وقتی نگرشم را درباره تحصیلم تغییر دادم، مطالعه برایم به کاری آرامش‌بخش و خوشحال‌کننده تبدیل شد و واقعاً نتایج حتی بهتری را به دست آوردم!

منطقی که در فالون دافا آموختم، حتی کمک کرد به برخی سؤالات علمی پاسخ دهم که گاهی استادام را شوکه می‌کرد. از لحاظ وضعیت سلامتی، دیگر هیچ‌گونه بیماری

نداشتم و می‌توانستم حس سبکی و وضعیت سلامتی بدنم را از اعماق قلبم احساس کنم. از آنجاکه ما را در قلبم دارم، فقط باید بر رفتارم بر اساس اصول حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری متمرکز باشم. بنابراین وقتی با مردم ارتباط برقرار کرده یا افکارم را بیان می‌کنم دیگر احساس ناخوشایندی ندارم. می‌توانم با مردم به‌طور بسیار آشکاری صحبت کنم.

درحالی‌که ویژگی‌های اخلاقی و سرشت قلبم بهبود می‌یابد، بهتر می‌توانم با مشکلات و شکست‌ها در زندگی‌ام با آرامش مواجه شوم و حالت روحی آرام و باثباتی را حفظ کنم. با این کار، می‌توانم سبک زندگی رضایت‌بخشی داشته باشم و احساس می‌کنم زندگی‌ام پر نشاط شده است.

چندی پیش، نامزدم به رابطه چندساله‌مان پایان داد. وقتی از این موضوع مطلع شدم، او از قبل وارد رابطه با شخص دیگری شده بود. وقتی دوستان و نزدیکانم فهمیدند، از این موضوع عصبانی و برایم ناراحت شدند. حتی نامزد سابقم نیز نگرانم شده بود.

اگرچه آن خیلی ناگهانی اتفاق افتاد، اما تقریباً هیچ‌گونه احساسات منفی نداشتم. در عوض در آرامش کامل درباره آن اندیشیدم و حتی خودم را به‌جای او قرار دادم و درباره او فکر کردم. او نیز آرامش و مهربانی مرا احساس کرد. در تزکیه، درباره نیکخواهی صحبت می‌کنیم. باید با سایرین مهربان باشیم و همیشه اول به سایرین فکر کنیم. فهمیدم که هرچه نیکخواهی خالص‌تر باشد، قدرت آن بیشتر است و دیگران نیز می‌توانند آن را احساس کنند. در تزکیه، درباره اصل بردباری نیز صحبت می‌کنیم.

استاد بیان کردند: «بردباری کلید رشد ویژگی‌های اخلاقی و سرشت قلب شخص است. تحمل کردن همراه با خشم، شکایت و یا اندوه، بردباری یک فرد عادی است که به موضوعات مربوط به خودش وابسته است. تحمل کردن، به‌طوری که کاملاً بدون خشم و شکایت باشد، بردباری یک تزکیه‌کننده است.» («بردباری (رن) چیست؟»، از نکات اصلی برای پیشرفت بیشتر)

قبل از تزکیه‌ام، مطمئناً نمی‌توانستم واقعاً آرام باشم.

(۳) استاد و دافا مرا راهنمایی کردند از باتلاق بیرون بیایم و بانشاط

شوم

با راهنمایی اصول و آموزه‌های فالون دافا، نگرشم نسبت به زندگی را بهبود بخشیده‌ام و به سلامتی دست یافته‌ام. اکنون با اطمینان و از صمیم قلب صحبت می‌کنم و می‌دانم که در زندگی‌ام واقعاً خلوص و رضایتمندی را پیدا کرده‌ام. معنای زندگی را در تمام این دستاوردها یافته‌ام؛ دستاوردهایی که قبلاً جرئت نداشتم درباره‌شان فکر کنم. بسیار سپاسگزارم که سه سال پیش تصمیم گرفتم کتاب *جوآن فالون* را بخوانم و مسیر تزکیه‌ام را شروع کنم. هنوز می‌توانم تصویر خودم را در گذشته به یاد آورم که به‌تنهایی در باتلاق دست‌وپا می‌زدم. حسی از خفگی بود و آینده‌ای در آن نمی‌دیدم. پس از سه سال تزکیه، فرد کاملاً جدیدی شده‌ام.

تجربیات قبل و بعد از تزکیه‌ام را در اینجا به اشتراک می‌گذارم با این امید که همه بتوانند معنی عمیق این دو عبارت را درک کنند: «فالون دافا خوب است و حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری (真善忍) خوب است.» استاد، سپاسگزارم! دافا، متشکرم!»

۷.۱۵ سئول، کره جنوبی: تمرین‌کنندگان جدید تجربیات خود را به اشتراک می‌گذارند

نخستین سمینار ۹ روزه فالون گونگ در سال ۲۰۱۹ در تاریخ ۳۱ ژانویه ۲۰۱۹ در کتابفروشی تیانتی در سئول برگزار شد. در پایان این ۹ روز تمرین‌کنندگان جدید میزگردهایی را برگزار و در این باره صحبت کردند که چگونه با فالون گونگ آشنا شدند و درباره تجربیات‌شان از این تمرین گفتند.^{۳۱}

(۱) یافتن معنای زندگی

کانگ، یکی از شرکت‌کنندگان در این سمینار، طی بحران‌های اقتصادی در کره جنوبی در سال ۱۹۹۷ دارایی خود را از دست داد. همانطور که با مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، نگران بود چطور خودش را از آن وضعیت نجات دهد. سپس فکر کرد: «انسان‌ها برهنه وارد جهان می‌شوند و برهنه جهان را ترک می‌کنند. پس به چه چیزی باید وابسته باشم؟»

او سعی می‌کرد با خواندن کتاب، کوه‌نوردی، ورزش و رفتن به کلیسا شاد باشد و امیدوار بود به معنای حقیقی زندگی پی ببرد.

کانگ فکر می‌کرد: «اگرچه فقط مانند ذره کوچکی از گردوغبار در جهان هستم، می‌توانم انرژی جهان را بپذیرم و سالم باشم. جذب‌شدن در جهان مهم‌تر از آن است که نگران ثروت باشم.»

درنهایت یک شب در نزدیکی محل اقامتش، تمرین‌کنندگان فالون گونگ را درحال انجام تمرینات دید. پس از خواندن بروشور فالون گونگ، فکر کرد: «باید فالون گونگ را تمرین کنم.»

او به کتابفروشی تیان‌تی رفت و در آنجا به او گفتند باید *فالون گونگ*، کتاب مقدماتی این تمرین، را بخواند. کانگ گفت: «بعد از خواندن این کتاب، انگار هدف زندگی‌ام را یافته‌م.» بنابراین تصمیم گرفت با شرکت در این سمینار نُه‌روزه، درباره این تمرین بیشتر یاد بگیرد.

این سمینار شامل تماشای سخنرانی‌های ضبط‌شدهٔ استاد لی هنگ‌جی، بنیانگذار فالون گونگ، ارائهٔ نُه سخنرانی پایه‌ای، و یادگیری تمرینات بود. همانطور که کانگ طی این دوره نُه‌روزه به فای استاد گوش می‌داد، متوجه شد این تعالیم بر قلبش تأثیر می‌گذارند. او فهمید که بدن از طریق تزکیه پاکسازی می‌شود، همه سموم دفع می‌شوند و شین‌شینگ فرد رشد می‌کند. متوجه شد که پیروی از اصول حقیقت، نیکخواهی و بردباری (真善忍) فالون گونگ در طول زندگی چقدر مهم است.

کانگ گفت: «احساس می‌کردم تزکیه ساده نیست. اگر نتوانم سختی‌ها را تحمل کنم، عملی نخواهد بود. باید با ذهنی خالص تمرین کنم.»

او سابقاً درباره موجودات الهی فکر می‌کرد: «حالا احساس می‌کنم با تمرین فالون گونگ می‌توانم موجودی معنوی شوم.»

کانگ گفت قصد دارد در اوقات فراغتش به این فروشگاه بیاید تا درباره این تمرین تزکیه بیشتر یاد بگیرد و سخت آن را تمرین کند.

(۲) سالم‌شدن و انرژی قدرتمند را احساس کردن

تمرین‌کننده جدید دیگری به نام کیم یک روز صبح خانمی را در پارک دید که تمرین فالون گونگ را انجام می‌داد. او گفت: «احساس کردم انرژی قدرتمندی از او ساطع می‌شود و حرکات دستش خیلی زیبا بود.»

کیم بروشوری را گرفت و تمرین فالون گونگ را شروع کرد. هر روز برای انجام تمرینات به محل تمرین می‌رفت. او طی یک سال و نیم تمرین فالون گونگ، درک عمیقی از زندگی و تمرین تزکیه به‌دست آورده است. کیم گفت پس از شروع این تمرین به سلامتی دست یافته است. سابقاً خیلی لاغر بود، اما اکنون وزنش به حالت عادی بازگشته است.

کیم اظهار کرد: «فالون گونگ نه‌تنها برای سلامتی مفید است، آموزشی در سطح عالی نیز است. فکر می‌کنم اگر فرد بتواند در حین تزکیه، شین‌شینگش را بهبود بخشد، می‌تواند به سلامتی دست یابد.»

کیم در مسیر تزکیه خود حسی قوی از معنویت را تجربه کرده است. او گفت: «وقتی در حین انجام تمرین پنجم، مدیتیشن نشسته، وارد سکون می‌شدم، احساس می‌کردم ماندنی موجودی الهی هستم.»

همسر کیم با دیدن تغییرات مثبت شوهرش به فالون گونگ علاقه‌مند شد. او نیز در این سمینار نه‌روزه حضور یافت. اگرچه ابتدا فکر می‌کرد فقط یک روز به آنجا می‌آید، در همه نه جلسه شرکت کرد. او گفت پس از این سمینار نه‌روزه چهره‌اش زیباتر شده است. علاوه بر این دیگر در کمرش احساس ناراحتی ندارد.

(۳) حس شادی جذب‌شدن در حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری

خانم کانگ گفت سال گذشته در حین کوهنوردی، تمرین‌کنندگان فالون گونگ را در حال انجام تمرینات دید. دو ماه بعد در یک سمینار نه‌روزه شرکت کرد، اما احساس می‌کرد باید بیشتر یاد بگیرد. بنابراین در سمینار نه‌روزه دیگری شرکت کرد و سپس تصمیم گرفت در سومین سمینار در ماه ژانویه در سئول نیز شرکت کند.

خانم کانگ گفت: «پس از انجام تمرینات احساس می‌کردم بدنم بسیار آرام شده است. به‌خصوص پس از تمرین امروز، خیلی احساس خوبی داشتم!»

او از مطالعه کتاب‌های فالون گونگ در اوقات فراغتش و زمانی که سوار قطار مترو است، لذت می‌برد. او گفت ۳۰ بار کتاب *جوآن فالون* استاد لی را خوانده است.

خانم کانگ اظهار کرد: «هنگام مطالعه کتاب‌های فالون گونگ خیلی شاد هستم. آنها کمک می‌کنند جذب حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری (真善忍) شوم.»

۸.۱۵ منهن: کتابفروشی تیانتی راهی مناسب برای یادگیری فالون گونگ ارائه می‌دهد

تیانتی دومین فروشگاه خود را در تورنتو در تاریخ اژوئیه، روز کانادا، در سال ۲۰۱۳ افتتاح کرد. این فروشگاه در منطقه‌ای در تورنتو که عمدتاً چینی‌ها سکونت دارند، و در مرکز خرید پاسفیک مال، بزرگ‌ترین مرکز خرید سرپوشیده چینی در آمریکای شمالی، واقع شده است. آن به ارائه کتاب و محصولات صوتی و تصویری درباره فالون گونگ اختصاص یافته است.

کتابفروشی تیانتی شعبه جدیدی را در سئول افتتاح کرد، دسترسی مردم به کتاب‌ها و مطالب آموزشی فالون دافا و یادگیری این تمرین مدیتیشن را آسان‌تر کرد. هالی که در یک سمینار ویدئویی نُه‌روزه در فروشگاه منهتن شرکت کرده بود، به سایر حضار گفت قبلاً روش‌های مدیتیشن دیگری را نیز تمرین کرده، اما هرگز به چنان وضعیت ذهنی آرامی که در تمرین فالون دافا تجربه کرد، نرسیده بود.



فصل ۱۶: حمایت از سوی جامعه بین‌المللی

سازمان‌های حقوق بشر، مقامات دولتی و نهادهای قانون‌گذار در سراسر جهان خواستار پایان دادن به آزار و شکنجه در چین شده‌اند و در حمایت از این موضوع سخن گفته‌اند. دادگاه‌ها در اسپانیا و آرژانتین، مقامات عالی‌رتبه حکم‌چ را به جرم شکنجه و نسل‌کشی متهم کرده‌اند. وزارت امور خارجه آمریکا و کمیسیون اجرائی کنگره درباره چین (CECC) در گزارش‌های سالانه خود آزار و شکنجه فالون‌گونگ را به‌طور برجسته‌ای مطرح کرده و هم‌اکنون روند کنترل ویزای خود را بسیار سختگیرانه کرده‌اند تا از ورود ناقضان حقوق بشر، از جمله عاملان آزار و شکنجه فالون‌گونگ به این کشور جلوگیری کنند.

۱.۱۶. مقامات چینی که در کشورهای دیگر تحت تعقیب قرار گرفته‌اند

دادگاه‌ها در کشورهای مختلف تحت اصل قانونی حوزه قضایی بین‌المللی که به دادگاه‌های داخلی این امکان را می‌دهد پرونده‌های قتل‌عام و جنایت علیه بشریت را بدون توجه به محل وقوع آنها بپذیرند، پرونده‌هایی را علیه عاملان اصلی آزار و شکنجه از جمله جیانگ زمین تشکیل داده‌اند.

۱.۱.۱۶. دادگاه اسپانیا مقامات عالی‌رتبه حزب کمونیست را به جرم شکنجه و نسل‌کشی متهم کرد

یک قاضی اسپانیایی در حکمی بی‌سابقه، پنج مقام عالی‌رتبه حزب کمونیست چین (حک‌چ) را به دلیل نقششان در جنایات شکنجه و نسل‌کشی علیه تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ، متهم کرد. در اطلاعیه این دادگاه در سال ۲۰۰۹ آمده است که در صورت محکومیت آنها، متهمان به حداقل ۲۰ سال حبس و مجازات‌های مالی محکوم خواهند شد. این پنج متهم، جیانگ و چهار نفر از پیروانش که بیشترین مسئولیت را در اجرای این آزار و شکنجه برعهده داشتند، برای پاسخ‌دادن به این حکم چهار تا شش هفته زمان داشتند و در صورت مسافرت به کشورهایی که با اسپانیا پیمان استرداد بسته‌اند ممکن است با استرداد روبرو شوند.

پس از تحقیقات دوساله، اسماعیل مورنو، قاضی دادگاه ملی اسپانیا، وکیل کارلوس ایگلسیاس از بنیاد قانون حقوق بشر (HRLF) را از تصمیم این دادگاه مطلع کرد مبنی بر اینکه دادگاه اجازه داده است که نامه‌های دادخواستی به این پنج متهم در چین ارسال شود و ضمن آن از هریک از این افراد دخیل در آزار و شکنجه فالون گونگ سؤالاتی پرسیده شود. پس از اینکه ایگلسیاس و سایر کارمندان بنیاد قانون حقوق بشر، یک سری اسناد و مدارک را به دادگاه ارائه کردند، احکامی به نفع شاکیان صادر شد.

وکیل ایگلسیاس گفت: «حکم تاریخی این قاضی اسپانیایی بدان معنی است که رهبران حزب کمونیست چین که مسئول جنایات وحشیانه هستند، اکنون یک قدم به میز محاکمه نزدیک‌تر شده‌اند. وقتی شخص مرتکب جنایاتی از قبیل نسل‌کشی یا شکنجه می‌شود، این نه تنها جنایتی علیه شهروندان چینی است، بلکه جنایتی علیه کل جامعه بین‌المللی است. اسپانیا در زمینه دفاع از حقوق بشر و عدالت جهانی در حال رشد است.»

در میان متهمین، جیانگ زمین، به‌عنوان تحریک‌کننده اصلی کمپینی شناخته شد که در سال ۱۹۹۹ برای «ریشه‌کن کردن» فالون گونگ راه‌اندازی شد. لوئو گان نیز که اداره ۶۱۰ را سرپرستی می‌کرد، با اتهاماتی روبرو شد. اداره ۶۱۰ یک سازمان پلیس مخفی در سراسر چین است که رهبری این کمپین خشونت‌آمیز را بر عهده داشته است. وکلای چینی، اداره ۶۱۰ را از نظر وحشیانه‌بودن و اختیارات خارج از قانونش، با گشتاپوی آلمان نازی مقایسه کرده‌اند.

سه متهم دیگر شامل بو شیلا، دبیر حزب سابق چونگ‌چینگ و وزیر بازرگانی پیشین، جیا چینگ‌لین، چهارمین عضو برتر سلسله‌مراتب حزب، وو گوانژنگ، رئیس کمیته انضباطی داخلی حزب هستند. اتهامات علیه آنها، به‌دلیل اقدامات گسترده و مشارکت فعالشان در آزار و شکنجه فالون گونگ است مربوط به زمانی که این مقامات عالی‌رتبه به‌ترتیب در استان لیاونینگ، پکن و استان شاندونگ خدمت می‌کردند.

در مقاله‌ای در *وال استریت ژورنال* که برنده جایزه پولیتزر شد، یان جانسون توضیح می‌دهد که اگر زبردستان وو به اندازه کافی فالون گونگ را سرکوب نمی‌کردند، وو آنها را جریمه می‌کرد. این جریان منجر به این شد که مقامات، ساکنان محلی را شکنجه و در بعضی موارد تا سرحد مرگ شکنجه‌شان کنند.

شواهد دیگری که قاضی در جریان تحقیقاتش آنها را بررسی کرد، شامل شهادت کتبی ۱۵ تمرین‌کننده فالون گونگ و شهادت شفاهی ۷ تمرین‌کننده دیگر بود، از جمله قربانیان شکنجه و بستگان افرادی که در بازداشتگاه‌های چین کشته شده بودند. وکیل ایگلسیاس گفت که قاضی برای صدور حکم خود، به گزارش‌های عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز متکی بوده است.

۲.۱.۱۶ قاضی فدرال در آرژانتین حکم دستگیری عاملان آزار و شکنجه، جیانگ زمین و لوئوگان، را صادر کرد

قاضی اکتاویو آرائوز دی لامادرید از دادگاه فدرال شماره ۹ آرژانتین پس از تحقیقی چهارساله، در ۱۷ دسامبر ۲۰۰۹ حکمی تاریخی را صادر کرد. قاضی لامادرید حکم دستگیری جیانگ زمین، رهبر پیشین حزب کمونیست چین (حک‌چ)، و لوئوگان، رئیس پیشین اداره ۶۱۰، را به دلیل نقششان در آزار و شکنجه فالون گونگ، صادر کرد. این دو مقام عالی‌رتبه حک‌چ به جنایت علیه بشریت متهم شدند. قاضی لامادرید به اداره اینترپل پلیس فدرال آرژانتین دستور داد این دستگیری‌ها را انجام دهد. او در یک سند حقوقی ۱۴۲ صفحه‌ای، آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ به دست حک‌چ در چین، و نقش جیانگ و لوئو در این روند را به تفصیل ارزیابی کرد.

قاضی لامادرید در حکم خود توضیح داد: «این استراتژی طراحی شده برای نسل‌کشی، شامل انواع اقدامات کاملاً آهانت‌آمیز به زندگی و کرامت انسانی است. هدف نهایی این استراتژی که ریشه‌کن کردن فالون گونگ است تمام ابزارهای استفاده‌شده را توجیه می‌کند. به این ترتیب، عذاب‌دادن، شکنجه کردن، سر به نیست کردن، کشتن، شستشوی مغزی و شکنجه روانی، از موارد رایج مورد استفاده در آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان [فالون گونگ] بوده است.»

قاضی لامادرید در حکم خود اظهار کرد: «درک می‌کنم که در پرونده حاضر، با توجه به [شدت] جرایم، تعداد قربانیانی که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، و ماهیت ایدئولوژیکی اقدامات انجام‌شده علیه اعضای گروه مذهبی فالون گونگ، باید اصل حوزه قضایی بین‌المللی اعمال شود.»

۲.۱.۱۶ (الف) جیانگ و لوئو متهم شدند

در جریان سفر لوئو گان به آرژانتین در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵، خانم فو لیوی، رئیس انجمن فالون دافا در آرژانتین، دو وکیل به نام‌های آدولفو کازابل الاس و الهندرو گوئیلمو کاوز را استخدام کرد تا دادخواست علیه لوئو گان را به دادگاه فدرال مجازات کیفری، دادگاه شماره ۹، ارائه دهند. اتهامات وارده به لوئو شامل جنایات نسل‌کشی و شکنجه بود. دادگاه فدرال آرژانتین این پرونده را پذیرفت و قاضی اکتاویو آرائوز دی لامادرید به این پرونده رسیدگی کرد.

قاضی هنگام رسیدگی به این پرونده دریافت که جیانگ زمین، مافوق لوئو گان، آغازگر آزار و شکنجه فالون گونگ بوده است. از این رو، نام جیانگ زمین را در پرونده لوئو وارد و به‌طور هم‌زمان به این دو پرونده رسیدگی کرد. واقعیت‌های آزار و شکنجه‌های صورت‌گرفته به دست جیانگ نیز به مدارک لوئو اضافه شد. او جیانگ را به جنایات مشابه لوئو گان متهم کرد.

حکچ بارها در این پرونده مداخله کرده است، از جمله اعمال فشار بر وکلای شاکی، اما هیچ‌یک از تلاش‌های‌شان نتوانسته جلوی این پرونده را بگیرد. قاضی لامادرید چهار سال را صرف بررسی و جمع‌آوری مدارک، و سپس حکم دستگیری جیانگ و لوئو را صادر کرد و خواهان آوردن آنها به دادگاه شد.

۲.۱.۱۶ (ب) قاضی به منظور بررسی حقایق مربوط به آزار و شکنجه و جمع‌آوری مدارک، شخصاً به ایالات متحده سفر کرد

در اوایل سال ۲۰۰۶، دادگاه کیفری شماره ۹ فدرال آرژانتین تحقیقات خود را درباره جنایات لوئو گان علیه فالون گونگ در چین، آغاز کرد. قاضی لامادرید شواهد و مدارکی را از منابع مختلف درباره این پرونده جمع‌آوری کرد. طی این مدت، تمرین‌کنندگان فالون گونگ از کشورهای مختلف برای شهادت به آرژانتین رفتند. افراد غیرتمرین‌کننده نیز برای شهادت به آرژانتین رفتند، از جمله دیوید کیلگور، وزیر امور خارجه سابق کانادا در امور آسیا و اقیانوسیه، و دیوید ماتاس، وکیل حقوق بشر.

قاضی در دادگاه فدرال در بوینوس آیرس بین ۳ آوریل ۲۰۰۶ و ۲۶ مارس ۲۰۰۸، از ۱۰ شاهد شهادت گرفت.

قاضی لامادرید با تأیید و کمک‌های مالی دیوان عالی آرژانتین، در آوریل ۲۰۰۸ به نیویورک رفت تا با قربانیان بیشتری دیدار کند. از آنجاکه بیشتر قربانیان پس از فرار از چین به دنبال پناهندگی بودند، گذرنامه‌ای نداشتند که بتوانند برای شهادت به آرژانتین بروند. قاضی از ۲۸ آوریل تا ۵ مه ۲۰۰۸، به کنسولگری آرژانتین در نیویورک رفت و از ده شاهد که در ایالات متحده زندگی می‌کردند، مدارک و شواهدی را جمع‌آوری کرد.

در طول این تحقیقات، قاضی گزارش‌های تحقیقاتی سازمان ملل و بسیاری از سازمان‌های دیگر را نیز که درباره نقش جیانگ و لوئو در آزار و شکنجه فالون گونگ بودند در پرونده‌های خود گنجانده است. حکم مکرراً تلاش کرد جلوی این پرونده را بگیرد، اما قاضی لامادرید به تلاشش ادامه داد و در نهایت تحقیقات خود را به اتمام رساند و دستور رسمی دستگیری این دو متهم را صادر کرد.

۲.۱۶ اقدامات دولت‌های ملی

۱.۲.۱۶ کمک‌های دولت استرالیا به نجات تمرین‌کنندگان فالون گونگ

در اول دسامبر ۲۰۰۳، مجلس سنای استرالیا طرح پیشنهادی شماره ۷۰۴ را تصویب کرد که نشان‌دهنده تعهد استرالیا به حمایت از آن دسته از بستگان نزدیک شهروندان استرالیایی است که به دلیل تمرین فالون گونگ بازداشت شده‌اند. آن از دولت استرالیا می‌خواهد این مسئله را در متن گفتگوهای حقوق بشر خود مطرح کند.^{۳۳۲}

سناتور استوت دسپوچا، سخنگوی امور خارجه دموکرات‌های استرالیا، گفت: «دموکرات‌ها از اهمیت روابط دولت استرالیا و دولت چین قدردانی می‌کنند. با این حال، ما هرگز نباید مسائل حقوق بشر را فدای فرصت‌های تجاری کنیم. گرچه روابط استرالیا با چین مهم است، شرط لازم برای این روابط باید مخالفت قاطع ما با هرگونه رفتاری باشد که نقض حقوق اساسی بشر است. دموکرات‌ها به تأکید بر موارد نقض حقوق بشر در چین، به‌ویژه آزار و شکنجه و کشتار تمرین‌کنندگان فالون گونگ، ادامه خواهند داد.»

دسپوچا در ادامه اظهار کرد: «ماجرای قتل، شکنجه و زندانی کردن تمرین‌کنندگان فالون گونگ واقعاً وحشتناک است. بسیاری از شهروندان استرالیایی، در چین اقوامی

دارند که در معرض چنین آزار و شکنجه‌ای قرار دارند و این اشتباه است که از پارلمان برای صحبت کردن از طرف آنها و برجسته کردن وضعیت آنها استفاده نکنیم.»

«طرح‌هایی مانند آنچه امروز در مجلس سنا تصویب شد، نه تنها برای دولت چین بلکه به جامعه فالون گونگ در استرالیا پیامی می‌فرستد که مبارزه آنها به رسمیت شناخته شده است و مورد حمایت قرار می‌گیرد.» در روز تصویب این طرح، حدود ۲۰۰ تمرین‌کننده فالون گونگ از سراسر استرالیا در مقابل ساختمان پارلمان در کانبرا جمع شدند. آنها ۲۱۷۰۰ امضاء از مردم استرالیا در حمایت از این طرح جمع‌آوری کردند.

آنها از دولت استرالیا، اعضای پارلمان، سازمان‌های غیردولتی و عموم مردم به‌خاطر تلاش‌های‌شان برای نجات خانم لی یینگ، نامزد شهروند استرالیایی لی چی‌جونگ، قدردانی کرده و در عین حال در خصوص اوپانگ مینگ، برادر کوچک شهروند استرالیایی اوپانگ یو، ابراز همدردی کردند؛ مینگ بر اثر شکنجه در یک اردوگاه کار اجباری درگذشته بود هرچند نامش چهار بار در لیستی از اعضای خانواده قرار گرفته بود که وزارت امور خارجه و تجارت استرالیا در جریان گفتگوهای دوجانبه حقوق بشر استرالیا و چین، به دولت چین ارائه کرده بود.

سخنرانان در این تجمع شامل اندرو بارتلت رهبر دموکرات، آقای چین جین رئیس فدراسیون برای چین دمکراتیک، و آقای روان جیه، دبیر حزب کارگر چینی استرالیا بودند.

از دیگر اقدامات نجات‌بخشی و کمک دولت استرالیا اقداماتی مربوط به تمرین‌کننده فالون گونگ نانسی چن بود که در نتیجه تلاش‌های مشترک وزارت امور خارجه و بازرگانی استرالیا، «گروه نجات فوری نانسی چن»، و بسیاری از طرف‌های ذی‌ربط دیگر، مقامات چین او را در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۰۳ آزاد کردند.^{۳۳۳} ۸ روز قبل که خانم چن در بازداشت به سر می‌برد، تمرین‌کنندگان در سراسر جهان با تمام سطوح دولت در استان سیچوان چین تماس تلفنی برقرار کرده و برایشان فکس ارسال کردند. رسانه‌ها در استرالیا اغلب درباره پرونده او خبر می‌دادند و رادیو ای‌بی‌سی در برنامه خبری خود چند گزارش درباره ماجراهای او پخش کرد.

مقامات وزارت امور خارجه و بازرگانی استرالیا در کانبرا بلافاصله پس از دریافت اطلاعات به‌روز از چین، با شوهر خانم چن تماس گرفتند. به‌علاوه، سفارت استرالیا در پکن با والدین خانم چن در سیچوان تماس گرفت تا آنها را از روند اقدامات نجات آگاه

سازد و یکی از کارکنانش شخصاً با هوایما به شهر چنگدو رفت تا در این خصوص با مقامات ذی‌ربط در چین مذاکره و میانجی‌گری کند.

دولت استرالیا همچنین در نجات خانم شیه یان، نامزد شهروند استرالیایی به‌نام فیلیپ لائو، کمک کرده است.^{۳۳۴} شیه در ۲۴ سالگی در اردوگاه کار اجباری بدنام چاتوئو در گوانگجو شکنجه شد. رابرت آنتونی، عضو حزب لیبرال نیو ساوت ولز، گفت درباره وضعیت شیه با همکارانش صحبت خواهد کرد. جان استنهوپ، وزیر ارشد، عضو مجلس قانونگذاری از کانبرا، در خصوص شیه و جزئیات امتناع چین از اعطای ویزای این کشور به فیلیپ لائو، از سفارت چین پرس‌وجو کرد.

نماینده مجلس جان مورفی نامه‌ای به الکساندر داونر، وزیر امور خارجه، نوشت و از وزارت امور خارجه و بازرگانی خواست این موضوع را با مقامات چینی مطرح کنند. آقای داونر در گفت‌وگویش با مقامات چین این مسئله را مطرح و اشاره کرد که آنها کنوانسیون حقوق بشر را نقض کرده‌اند. آقای مورفی در ادامه با کنسولگری استرالیا در گوانگجو تماس گرفت و از آنها خواست به درخواست سفر خانم شیه یان به استرالیا کمک کنند تا در اسرع وقت به استرالیا بازگردد. در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۴ که شیه یان صحیح و سالم وارد فرودگاه بین‌المللی سیدنی شد، این زوج جوان مجدداً به هم پیوستند.

۲.۲.۱۶ دولت کانادا به نجات دو برادر زندانی در چین کمک می‌کند

در سال ۲۰۰۲، پارلمان کانادا قطعنامه ام-۲۳۶ را تصویب کرد که عضو پارلمان اسکات رید ارائه‌اش کرده بود. این قطعنامه از نخست‌وزیر می‌خواست ۱۳ تمرین‌کننده فالون گونگ در چین را نجات دهد. یکی از آنها لین شنلی بود که با کمک دولت کانادا و عفو بین‌الملل در سال ۲۰۰۲ با موفقیت نجات یافت. برادرش، لین مینگلی، بعداً در سال ۲۰۱۱ آزاد شد. این دو برادر پس از ۱۳ سال جدایی، به دلیل دستگیری در سال ۱۹۹۹ به جرم تمرین فالون گونگ، در تورنتو دوباره به هم پیوستند.^{۳۳۵}

لین مینگلی پس از فرود در تورنتو گفت: «از دولت کانادا، وزیر مهاجرت و عضو پارلمان آقای اسکات رید که برای نجات من از چین کمک کرده‌اند، سپاسگزارم.» او همچنین از تمرین‌کنندگان فالون گونگ در کانادا به‌خاطر تلاش‌هایشان برای نجاتش تشکر کرد. طی دو هفته قبل از آزادی لین مینگلی، دو تن از اعضای پارلمان کانادا برای اردوگاه کار

اجباری محل حبس مینگلی نامه نوشتند و از آنها مصرانه خواستند مینگلی را فوراً از اردوگاه کار اجباری آزاد کنند.^{۳۳۶}

در ۲۰ مارس، راب آندرس، عضو پارلمان، به همراه لین شنلی کنفرانسی خبری را در پارلمان اتاوا برگزار کرد و گفت که تمام تلاش خود را برای کمک به نجات مینگلی خواهد کرد.

لیزا فرولا عضو پارلمان در نامه خود نوشت: «گرچه می‌دانم که اظهارنظر درباره امور داخلی کشوری دیگر موضوعی حساس است، می‌خواهم به همکارم، آقای ایروین کوتلر، عضو پارلمان از ماونت رویال، و سایر کانادایی‌های سراسر کشور بپیوندم و همراه آنها خواستار آزادی فوری کلیه تمرین‌کنندگان فالون گونگ شوم چراکه آنها به‌طور غیرقانونی در چین زندانی هستند، و من نقض مداوم حقوق بشر را که حبس مینگلی لین بیانگر آن است، محکوم کنم.»

در سال ۲۰۰۰ آقای لین مینگلی برای نخستین بار به اردوگاه کار اجباری فرستاده شد و در آنجا از او خواستند فالون گونگ را انکار کند. او حاضر به این کار نشد. در سال ۲۰۰۱ او را به اردوگاه کار اجباری فرستادند و تا سال ۲۰۰۳ در آنجا محبوس بود.

در اکتبر ۲۰۰۵، دوباره دستگیر و این بار به شش سال حبس محکوم شد. آقای لین گفت: «در زندان، لباس‌هایم را درآوردند، مرا با پنج طناب آویزان کردند و با چوب‌های بامبو کتکم زدند. اغلب مرا کتک می‌زدند و اجازه نمی‌دادند بخوابم. اغلب می‌گفتند باید از فالون گونگ دست بکشم و وقتی می‌گفتم این کار را نخواهم کرد کتکم می‌زدند.»

آنها ضبط صوتی نیز داشتند که مطالب افتراآمیز درباره فالون گونگ را پخش می‌کرد و مرا مجبور می‌کردند به آنها گوش کنم.

او گفت: «دیدم تمرین‌کننده فالون گونگی را در زندان آنقدر کتک زدند که از هوش رفت. سپس او را به بیمارستان بردند. یک بار دیدم که تمرین‌کننده دیگری را کتک می‌زدند. سرش خونریزی کرده بود، اما او را به بیمارستان نبردند.»

بیش از ۲۰ تمرین‌کننده و حامیان‌شان به استقبال آقای لین در فرودگاه رفتند. او گفت: «امروز بسیار خوشحال هستم. از همه شما متشکرم. هنوز تمرین‌کنندگان بسیاری هستند که شکنجه‌های تصورناپذیری را تحمل می‌کنند. آنها با وجود همه این شکنجه‌ها هنوز هم اعتقاد خود را به‌طور راسخ حفظ کرده‌اند.»

۳.۲.۱۶ تایوان از ورود مقامات چینی که در آزار و شکنجه مشارکت داشتند، جلوگیری می‌کند

در سال ۲۰۱۷ تایوان از ورود حداقل سه مقام چینی که در آزار و شکنجه فالون گونگ دست داشته‌اند، جلوگیری کرد. به نمایندگان آن مقامات نیز اجازه ورود داده نشد.

چیو چوئی‌چنگ، معاون شورای امور سرزمین اصلی، تأیید کرد که این شورا مجوزهای مربوط به ناقضان حقوق بشر از چین را محدود می‌کند. مقامات چینی در صورت داشتن سابقه مشارکت در آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ، و اگر از عوامل اداره ۶۱۰ باشند بلافاصله از ورودشان جلوگیری می‌شود. اداره ۶۱۰ یک سازمان حزبی فراقانونی متعلق به حزب کمونیست چین است که بر آزار و شکنجه فالون گونگ نظارت دارد. به‌گفته چیو، این کار به‌منظور تأکید بر سیاست‌های تایوان و اجرای آن است؛ سیاست‌هایی که از حقوق بشر حمایت می‌کند و به آن ارزش می‌گذارد.

۴.۲.۱۶ اقدامات دولت ایالات متحده آمریکا

۴.۲.۱۶ (الف) وزارت امور خارجه آمریکا در گزارش سالانه نگرانی خود را ابراز می‌کند

مایک پومپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، هنگام ارائه گزارش‌های سالانه وزارت امور خارجه کشور درباره اقدامات حقوق بشر در تاریخ ۱۳مارس ۲۰۱۹ گفت: «وقتی به موضوع نقض حقوق بشر می‌رسد چین از همه کشورهای مشابه پیشی می‌گیرد.»

این گزارش موارد نقض حقوق بشر تقریباً ۲۰۰ کشور و سرزمین را مستند می‌کند. ۱۲۰ صفحه مربوط به چین بود و شش بار به آزار و شکنجه فالون گونگ اشاره شده بود.

این گزارش مسئله برداشت اجباری اعضای بدن در چین را تصدیق کرد که مجلس نمایندگان در خصوص آن، قطعنامه ۳۴۳ را در ژوئن ۲۰۱۶ به‌اتفاق آرا به تصویب رساند، و «در رابطه با گزارش‌های مداوم و معتبر درباره برداشت اعضای بدن زندانیان عقیدتی از جمله تعداد زیادی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ و اعضای سایر گروه‌های اقلیت مذهبی و قومی، ابراز نگرانی کرد که بدون رضایت این افراد و به‌طور نظام‌مند و با مجوز حکومت در جمهوری خلق چین صورت می‌گیرد.»

بر اساس این گزارش، «برخی از فعالان و سازمان‌ها همچنان حکومت [چین] را به برداشت اجباری اعضای بدن زندانیان عقیدتی، به‌ویژه اعضای فالون گونگ متهم می‌کنند.»

در این گزارش به دو تمرین‌کننده فالون گونگ به‌نام‌های بیان لیچائو و ما جنیو که هم‌اکنون در چین زندانی هستند، اشاره شد.

بیان لیچائو معلم برنده جایزه در دبیرستان شماره ۱۰ در کایلوان، شهر تانگشان، استان هبی، است. او در سال ۲۰۱۲ به ۱۲ سال حبس محکوم شد. ما جنیو مهندس چهاردهمین مؤسسه تحقیقاتی گروه فناوری الکترونیک چین بود. او در سال ۲۰۱۸ در دادگاه میانی نانجینگ به سه سال حبس محکوم شد.

در این گزارش به چند مورد نقض جدی حقوق بشر در چین اشاره شده است، از جمله مواردی که به‌دست حکومت انجام شده است: «قتل‌های خودسرانه یا غیرقانونی به‌دست حکومت. مفقودی اجباری با دستور حکومت. شکنجه‌شدن با دستور حکومت؛ بازداشت خودسرانه با دستور حکومت، شرایط سخت و مهلک زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، زندانیان سیاسی و بسیاری دیگر.»

این گزارش همچنین به‌تفصیل شرح می‌دهد که چگونه تمرین‌کنندگان فالون گونگ قربانی «شکنجه نظام‌مند در زندان» بوده‌اند، آزار و شکنجه‌ای که به‌دست حزب کمونیست چین انجام شده است.

آن اشاره می‌کند که فعالان سیاسی و معتقدین مذهبی، از جمله تمرین‌کنندگان فالون گونگ، در مراکز ترک اعتیاد حبس می‌شوند. طولانی‌ترین زمان بازداشت دو سال بوده است.

همچنین گزارش شده است که برخی از وکلا که به فعالان سیاسی و پیروان [فالون گونگ] کمک می‌کنند، جواز کسب و کارشان باطل شده است. برخی از آنها بازداشت شدند، مورد آزار و اذیت و تهدید قرار گرفتند یا از ملاقات با موکلان خود محروم شدند. تعدادی از وکلایی که به تمرین‌کنندگان فالون گونگ کمک کرده‌اند، حتی مفقودالاثرا شده‌اند. اعتقاد بر این است که آنها به‌طور پنهانی زندانی شده‌اند. یک نمونه گائو جیشنگ است که از اوت ۲۰۱۷ دیده نشده است.

اداره دموکراسی، حقوق بشر و کار وزارت امور خارجه هر سال گزارش حقوق بشر منتشر می‌کند. این گزارش چهل‌وسومین گزارش آن است.

۴.۲.۱۶ (ب) گزارش سالانه ۲۰۱۸ کمیسیون اجرایی کنگره درباره چین: آزار و شکنجه فالون گونگ در چین ادامه دارد

کمیسیون اجرایی کنگره درباره چین (CECC) گزارش سالانه ۲۰۱۸ خود را در تاریخ ۱۰ اکتبر منتشر و وخامت اوضاع حقوق بشر در چین را به‌طور برجسته‌ای مطرح کرد. به‌ویژه اینکه رژیم کمونیستی به سرکوب تمرین‌کنندگان فالون گونگ، وکلای حقوق بشر مانند گائو جیشنگ و اقلیت‌های قومی ادامه می‌دهد.

به برداشت اجباری اعضای بدن نیز اشاره شد. چند سازمان بین‌المللی، با استناد به گزارش ۳۲۴ صفحه‌ای که در وب‌سایت CECC موجود است، «درباره گزارش‌های مبنی بر اینکه تعداد بی‌شماری از جراحی‌های پیوند عضو در چین با استفاده از اعضای بدن زندانیان بازداشت‌شده، از جمله تمرین‌کنندگان فالون گونگ، بوده ابراز نگرانی کردند.»

مارکو روبیو، سناتور آمریکایی، و کریس اسمیت، نماینده کنگره آمریکا، رئیس و دستیار رئیس کمیسیون اجرایی کنگره درباره چین، این گزارش را در یک کنفرانس مطبوعاتی ارائه دادند. سناتور روبیو اشاره کرد: «حزب کمونیست کنترل خود را بر دولت، جامعه و تجارت به‌طرز چشمگیری افزایش داده و به‌طرز بی‌رحمانه از فناوری برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند. درحالی‌که سیاستگذاران آمریکایی به‌طور فزاینده‌ای در حال بررسی مجدد فرضیات غلطی هستند که درباره روابط آمریکا و چین به ما ارائه شده، باید در خصوص پیامدهای جهانی سرکوب داخلی چین تیز و دقیق باشیم.»

او گفت سرکوب گروه‌های مذهبی به‌دست حزب کمونیست باعث اختلال در روابط چین و آمریکا نیز می‌شود. حزب کمونیست باید به ارزش‌های جهانی پایبند باشد، نه تنها به‌خاطر امنیت، منافع ملی و ارزش‌های اخلاقی آمریکا، بلکه باید با امیدها و آرزوهای شهروندان چینی نیز هماهنگ باشد که به‌دنبال حفظ حقوق اساسی و اصلاحات سیاسی واقعی هستند.

سناتور روبیو خواستار اعمال تحریم علیه مقامات کمونیست شد. او گفت انتقاد این کمیته مربوط به حزب کمونیست چین است نه مردم چین. روبیو گفت در حقیقت مردم چین و فرهنگ چین کمک‌های بسیاری به تمدن بشری کرده‌اند.

اسمیت نماینده کنگره توضیح داد: «این گزارش، ناموفق بودن دولت چین را در پیروی از استانداردهای جهانی روشن می‌کند، و درباره پرونده‌های زندانیان سیاسی‌ای که شکنجه شده‌اند و مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، آشکارسازی می‌کند. حتی اگر با استانداردهای پایین حزب کمونیست چین سنجیده شود، امسال به‌طرز جسورانه‌ای سرکوبگر بوده است.» او گفت از زمان انقلاب فرهنگی، این سرکوب گروه‌های مذهبی، اقلیت‌های قومی و وکلای حقوق بشر شدیدترین نوع نقض حقوق بشر بوده است.

اسمیت نماینده کنگره اظهار کرد که اشاره کردن به موضوع برداشت اعضای بدن در گزارش سالانه به این معنی است که باید علیه این عمل اسفناک اقدامی شود.

در این گزارش آمده است:

از آنجاکه در سال‌های گذشته، مقامات همچنان به بازداشت تمرین‌کنندگان فالون گونگ ادامه داده‌اند و با آنها به‌طور بی‌رحمانه رفتار کرده‌اند، سازمان‌های حقوق بشری و تمرین‌کنندگان فالون گونگ، اعمال این شیوه‌های اجباری و خشونت‌آمیز علیه تمرین‌کنندگان در حین بازداشت را مستند کرده‌اند، از جمله خشونت جسمی، تزیق اجباری دارو، محرومیت از خواب و سایر شکل‌های شکنجه.

گزارش CECC به آمار و ارقام بنیاد دوئی هوا، سازمان غیرانتفاعی مستقر در ایالات متحده، اشاره می‌کند مبنی بر اینکه اکثریت ۸۰۰ نفری که طبق ماده ۳۰۰ حقوق کیفری چین محکوم شده‌اند از تمرین‌کنندگان فالون گونگ بوده‌اند. این پرونده‌ها از سال ۲۰۱۷ در بانک‌های اطلاعاتی قضایی موجود است.

در میان آنها، دنگ کوئی‌پینگ از شهر یوشی استان یوننان، با محکوم شدن به شش سال حبس، در زندان به‌سر می‌برد. بیان لیچائو از شهر تانگشان استان هبی به ۱۲ سال حبس محکوم شد. جانگ مینگ و لی چوانچن از شهر دندونگ استان لیائونینگ نیز در اواخر ژوئن دستگیر شدند.

حتی شهروندان سایر ملیت‌ها نیز مورد هدف قرار گرفتند. در تاریخ ۵ ژانویه ۲۰۱۸، دادگاه میانی شنجن در استان گوانگ‌دونگ احکام صادره برای یک شهروند مالزیایی به‌نام میو

چو سیانگ (یک سال و شش ماه حبس)، و همسرش یو لینگلان (پنج سال حبس) را حتی پس از درخواست تجدیدنظرشان تأیید کرد. آنها به دلیل همراه داشتن و توزیع مطالب فالون گونگ متهم شده‌اند.

در دسامبر ۲۰۱۷، اپک تایمز کشته شدن ۲۹ تمرین‌کننده فالون گونگ را به دلیل آزاروآذیت از سوی مقامات در سال ۲۰۱۷، تأیید کرد.

درخواست برای تحقیقات اِف‌بی‌آی

در این گزارش همچنین آمده است که حزب کمونیست «از طریق جمع‌آوری گسترده داده‌های بیومتریک، رشد شبکه‌های نظارتی و تداوم توسعه سیستم اعتباری اجتماعی، مجدداً وارد زندگی شخصی شهروندان چین می‌شود.»

سناتور روبیو و نماینده کنگره اسمیت نیز با انتشار نامه‌ای از اداره تحقیقات فدرال (اف‌بی‌آی) خواستند درباره نحوه رسیدگی به ارباب و تهدیدهای «غیرقابل قبول» علیه جوامع چینی ساکن ایالات متحده گزارش دهد.

این گزارش در خلاصه اجرائی خود اشاره کرده است: «اقتدارگرایی چین در خانه، آزادی‌های ما و نیز ارزش‌های عمیقاً ریشه‌دار و منافع ملی ما را مستقیماً تهدید می‌کند.»

۴.۲.۱۶ (پ) وزارت امور خارجه بررسی‌های سختگیرانه‌تری را در خصوص صدور ویزا برای ناقضان حقوق بشر انجام می‌دهد

وبسایت مینگهویی در ۳۱ مه ۲۰۱۹ اطلاعیه‌ای را منتشر کرد مبنی بر اینکه یکی از مقامات رسمی وزارت امور خارجه ایالات متحده اخیراً به گروه‌های مذهبی مختلف گفته است دولت آمریکا قصد دارد در خصوص صدور ویزا برای ناقضان حقوق بشر و عاملان آزار و شکنجه عقاید مذهبی سخت‌گیری بیشتری نشان دهد و ممکن است از ارائه ویزا به این افراد امتناع کند.^{۳۳۷} این ممانعت برای ویزای مهاجرتی و غیرمهاجرتی (از قبیل توریستی و تجاری) هر دو اعمال می‌شود. کسانی که قبلاً ویزا دریافت کرده‌اند (شامل ویزای دائمی «کارت سبز») ممکن است از ورودشان ممانعت به عمل آید.

این مقام رسمی به‌ویژه به تمرین‌کنندگان فالون گونگ گفته است که می‌توانند لیستی از عاملان آزار و شکنجه فالون گونگ را ارائه دهند. وبسایت مینگهویی شروع به

گردآوری اطلاعات مربوط به چنین افرادی، از جمله هویت، اعضای خانواده و دارایی‌های‌شان کرده است تا به دولت ایالات متحده ارسال کند.

عاملان این جنایت شامل مقامات چینی و افراد آمریکایی هستند که سعی در مداخله در هنرهای نمایشی شن یون، ارکستر سمفونی شن یون، کنفرانس‌های تبادل تجربه فالون دافا و فعالیت‌های عمومی تمرین‌کنندگان فالون دافا دارند. آنها همچنین شامل کسانی هستند که تبلیغات ح‌ک‌چ علیه فالون دافا را در وبسایت‌های مختلف پخش می‌کنند.

اخبار مربوط به بررسی دقیق و سخت‌گیرانه ویزا، مانع برخی از مقامات چین از مشارکت در این آزار و شکنجه شده است.^{۳۳۸} در استان هیلونگ‌جیانگ، پلیس امنیت داخلی چهار تمرین‌کننده فالون گونگ را پس از ۱۵ روز بازداشت آزاد کرد و وسایل شخصی آنها را پس داد. یکی از مسئولان گفت: «ما شما را کتک نزدیم، درست است؟ ما به شما ناسزا نگفتیم. گزارش مرا ندهید. نمی‌توانم ببینم که فرزندانم از رفتن به خارج از کشور محروم می‌شوند.» در استان شاندونگ، پلیس دو تمرین‌کننده را دستگیر و کتاب‌های فالون گونگشان را توقیف کرد. پس از آنکه مأموران در میان اقلام توقیف‌شده، بروشورهایی را درباره اطلاعیه مینگهویی مذکور پیدا کردند، روز بعد آن تمرین‌کنندگان را آزاد کردند و دوچرخه برقی‌شان را بازگرداندند.

جودی اسگرو، نماینده پارلمان کانادا، که قبلاً وزیر شهروندی و مهاجرت بود، خواستار اقداماتی مشابه در کانادا شد.^{۳۳۹} او پیشنهاد کرد از قانون مگنیتسکی برای تحریم مقامات چین، به خصوص افرادی که در برداشت اعضای بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ مشارکت داشته‌اند، استفاده کنند.

۴.۲.۱۶ (ت) رهبران ایالات متحده آزادی مذهبی را مورد بحث قرار می‌دهند و با تمرین‌کنندگان فالون گونگ ملاقات می‌کنند

(۱) رئیس‌جمهور ترامپ با تمرین‌کننده فالون گونگ در کاخ سفید ملاقات می‌کند

خانم ژانگ یهوا، یکی از ۲۷ بازماندهٔ آزار و شکنجه عقیدتی از ۱۷ کشوری است که در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۹ با رئیس‌جمهور دونالد ترامپ در دفتر کاخ سفید دیدار کردند.^{۳۴۰}

این ۲۷ بازمانده به‌منظور شرکت در دومین نشست وزیران برای پیشبرد آزادی مذهبی که از ۱۶ تا ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۹ در وزارت امور خارجه آمریکا در واشنگتن دی‌سی برگزار شد، به این شهر آمدند.

خانم ژانگ ۵۹ ساله دربارهٔ آزار و شکنجهٔ شوهرش آقای ما ژنیو به رئیس‌جمهور ترامپ گفت. شوهرش اکنون دورهٔ محکومیت سه‌ساله‌اش را در زندان سوژو در استان جیانگسو می‌گذراند.

آقای ما، ۵۶ ساله در سپتامبر ۲۰۱۷ دستگیر شد و در ژوئن ۲۰۱۸ به جرم «نوشتن هفت نامه به رهبران دولت مرکزی به‌منظور دادخواهی برای تمرین فالون گونگ» به زندان محکوم شد.

خانم ژانگ به رئیس‌جمهور ترامپ گفت که نگران شوهرش است. او تمرین‌کننده دیگری را می‌شناخت که سه سال در همان مرکز زندانی بود. آن تمرین‌کننده دو روز پس از آزادی‌اش مقدار زیادی خون بالا آورد و فوت شد. او از رئیس‌جمهور ترامپ خواست به‌دلیل نقض حقوق بشر و برداشت اجباری اعضای بدن در چین، اقدامات جدی علیه این کشور انجام دهد.

رئیس‌جمهور در پاسخ به او گفت: «بله، درک می‌کنم.»

رئیس‌جمهور ترامپ در آغاز سخنرانی خود، در جلسه دفتر بیضی، ضمن ابراز همبستگی‌اش با بازماندگان، مجدداً بر تعهدش برای حمایت از آزادی مذهبی تأکید کرد.

او گفت: «هریک از شما به‌خاطر ایمانتان رنج بسیار عظیمی را متحمل شده‌اید. شما آزارواذیت، تهدیدات، حملات، محاکمات، زندان و شکنجه را تحمل کرده‌اید. هر یک از شما اکنون شاهد اهمیت پیشبرد آزادی مذهبی در سراسر جهان هستید.»

«در آمریکا، ما همیشه آگاه بوده‌ایم که حقوق ما از جانب خداست، نه از طرف دولت. در لایحه حقوق ما، اولین آزادی، آزادی مذهبی است. هر یک از ما حق داریم از دستورات وجدان خود و خواسته‌های اعتقادات مذهبی خود پیروی کنیم.»

«همه شما که اینجا هستید، خیلی بیشتر از آنچه اکثر مردم می‌توانند تحمل کنند، مشکلات را پشت سر گذاشته‌اید و می‌خواهم به شما تبریک بگویم. واقعاً با شما بودن مایه افتخار است و همیشه در کنار شما خواهم ایستاد.»

(۲) موضوع آزار و شکنجه فالون گونگ در نشست دوم وزیران برای پیشبرد آزادی مذهبی مطرح شد

در اوایل همان روز، خانم ژانگ طی سخنرانی در نشست وزیران برای پیشبرد آزادی مذهبی، درباره آزار و شکنجه‌ای که او و همسرش متحمل شده‌اند، صحبت کرد. خانم ژانگ، استاد سابق زبان روسی در دانشگاه نانچینگ، به‌خاطر تمرین فالون گونگ چهار بار دستگیر، و به هفت سال و هفت ماه حبس محکوم شد. او در زندان به شدت شکنجه شد، از جمله اعمال شوک الکتریکی با باطوم، محرومیت از خواب، تزریق اجباری داروهای نامعلوم و ساعت‌ها دویدن زیر آفتاب سوزان.

شوهرش، آقای ما، مهندس طراحی رادار، چند بار دستگیر شد و قبل از آخرین دوره محکومیتش، هفت سال را در زندان سپری کرد. خانم ژانگ گفت که در تمام شبانه‌روز نگران شوهرش است، زیرا مقامات از ملاقات وکلای آقای ما با او ممانعت کرده و چند وکیل که قبلاً وکالت او را پذیرفته بودند با اعمال تلافی‌جویانه مواجه شدند. او اظهار کرد: «ممکن بود او مانند هزاران تمرین‌کننده فالون گونگ دیگر تا سرحد مرگ شکنجه شده و مانند تعداد نامعلومی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ به‌خاطر اعضای بدنش کشته شود.»

او از دولت ایالات متحده خواست طبق قانون جهانی مگنیتسکی تحریم‌هایی را در خصوص آن دسته از مقامات چین اعمال کند که «مشخص شده در بازداشت غیرقانونی، شکنجه و کشتن تمرین‌کنندگان فالون گونگ مشارکت داشته‌اند.» او گفت: «امیدوارم دولت آمریکا، رسانه‌های بین‌المللی و گروه‌های حقوق بشر بتوانند به آزادی شوهرم و صدها هزار تن از افراد بی‌گناه دیگر در زندان‌ها، شامل تمرین‌کنندگان فالون گونگ محبوس، کمک کنند.»

(۳) سخنگوی مجلس نمایندگان و قانونگذار سابق، نقض حقوق بشر در چین را محکوم می‌کند

نانسی پلوسی، سخنگوی کاخ سفید، نیز در این کنفرانس شرکت کرد. او با فرانک وولف، نماینده سابق کنگره، بحث و گفتگویی یک‌ساعته با تمرکز بر موضوع نقض حقوق بشر در چین داشت. در این بحث، خانم پلوسی سرکوب آزادی مذهبی در چین را «وضعیت بحث‌برانگیزی برای وجدان جهان» خواند. او گفت: «موارد نقض حقوق بشر در این مقیاس و اینقدر بزرگ است، و منافع تجاری آنقدر مهم است که گاهی ارزش‌های ما را درباره نحوه عمل به آن، کم‌رنگ می‌سازد.»

فرانک وولف، نماینده سابق کنگره، درباره سرکوب روزافزون آزادی مذهبی در چین ابراز نگرانی کرد و اینکه چگونه شرکت‌ها در کشورهای غربی در زمینه سرکوب گروه‌های عقیدتی با رژیم چین همکاری می‌کنند، آن هم از طریق توسعه فن‌آوری‌هایی مانند نظارت جمعی و هوش مصنوعی.

آقای وولف گفت: «هیچ شرکتی در غرب نباید با چینی‌ها در این زمینه همکاری کند. فکر می‌کنم از آنها باید شکایت شود. او گفت مردم باید علیه چنین شرکت‌هایی شکایت کنند و سپس خسارت‌های وارده به گروه‌های قربانی، مانند اویغورها، تبتی‌ها و تمرین‌کنندگان فالون گونگ باید جبران شود.»

(۴) مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور، با نمایندگان گروه‌های مذهبی که در چین تحت آزار و شکنجه قرار دارند، از جمله فالون گونگ، ملاقات می‌کند

نمایندگان سه گروه مذهبی تحت آزار و شکنجه در چین در ۱۵ اوت ۲۰۱۹ با معاون رئیس‌جمهور مایک پنس و نمایندگان شورای امنیت ملی دیدار، و درباره سرکوب مذهبی در چین و راه‌های رسیدگی به این مسئله گفتگو کردند.^{۳۴۱}

عضو انجمن فالون دافای واشنگتن دی‌سی درباره آزار و شکنجه فالون گونگ صحبت کرد و به پنس گفت: «آزار و شکنجه هنوز شدید است. طی ۲۰ سال گذشته، بیش از ۴۰۰۰ نفر را که بر اثر شکنجه یا سایر آزارواذیت‌های جسمی جان خود را از دست داده‌اند، شناسایی کردیم. باتوجه به مسدودبودن انتشار اطلاعات، تعداد واقعی چند برابر بیشتر است. برداشت اعضای بدن نیز نزدیک به ۲۰ سال است که ادامه دارد. تعداد قربانیان واقعاً زیاد است.» او پاسخ پنس را اینطور به یاد آورد: «ما شما [فالون گونگ] را فراموش نخواهیم کرد. قول می‌دهم.»

پنس بر اهمیت اشاره به آزار و شکنجه مذهبی در مذاکرات تجاری با چین تأکید کرد. پنس در دومین نشست وزیران در ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۹ گفت: «... هرچه از مذاکرات ما با پکن به دست بیاید، خاطرجمع باشید، که مردم آمریکا همیشه در همبستگی با مردم از هر عقیده‌ای در جمهوری خلق چین، خواهند ایستاد.»^{۳۴۲}

۳.۱۶ اقدامات سازمان‌های غیردولتی

۱.۳.۱۶ خانه آزادی گزارشی درباره آزار و شکنجه فالون گونگ منتشر کرد

بیست‌ودو صفحه از گزارش ۱۴۲ صفحه‌ای خانه آزادی، آزار و شکنجه فالون گونگ و سایر گروه‌های مذهبی در چین را به‌طور برجسته مطرح و تجزیه و تحلیل کرده است.^{۳۴۳} در این گزارش به اظهارات آندره لالیبرته، محقق برجسته دانشگاه اتاوا، درباره مذهب در چین استناد شده است: «[حزب کمونیست] با سرکوب فالون گونگ، بدترین وضعیت آزار و شکنجه مذهبی را از زمان انقلاب فرهنگی [راه‌اندازی کرد].»

در زیر یافته‌های کلیدی این گزارش آمده است:

پابرجا باقی‌ماندن: «با وجود کمپین ۱۷ ساله حزب کمونیست چین (ح‌ک‌چ) برای ریشه‌کن کردن این گروه معنوی، میلیون‌ها نفر در چین همچنان فالون گونگ را تمرین می‌کنند، شامل بسیاری از افرادی که پس از آغاز سرکوب این تمرین، آن را شروع کردند. این نشان‌دهنده شکست قابل توجه دستگاه امنیتی ح‌ک‌چ است.»

آزار و شکنجه گسترده در حال وقوع: تمرین‌کنندگان فالون گونگ در سراسر چین تحت نظارت گسترده، بازداشت خودسرانه، و حبس و شکنجه و نیز در معرض خطر

کشته‌شدن فراقانونی قرار دارند. خانه آزادی به‌طور مستقل تأیید کرد که ۹۳۳ تن از پیروان فالون گونگ بین اژانویه ۲۰۱۳ و اژوئن ۲۰۱۶ به حبس تا ۱۲ سال محکوم شدند که اغلب به‌دلیل استفاده از حق آزادی بیان و آزادی عقیده‌شان بوده است. این تنها بخشی از افرادی است که محکوم شده‌اند و اعتقاد بر این است که هزاران نفر دیگر نیز در زندان‌های مختلف و بازداشتگاه‌های فراقانونی حبس هستند.

شکاف‌هایی در سرکوب: علی‌رغم کمپین‌های مداوم [به‌منظور سرکوب فالون گونگ]، به‌نظر می‌رسد این سرکوب در برخی از مناطق کاهش یافته است. رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ هیچ نشانه آشکاری از ارائه برنامه‌ای برای معکوس کردن سیاست ح‌ک‌چ در خصوص فالون گونگ نشان نداده است. اما برکناری و حبس مسئول تام‌الاختیار امنیتی سابق، ژو یونگ‌کانگ، و سایر مقامات مرتبط با این کمپین به‌عنوان بخشی از جنبش ضد فساد شی، همراه با تلاش مداوم پیروان فالون گونگ برای آگاه‌سازی و منصرف‌کردن پلیس از آزار و شکنجه آنها، تأثیرگذار بوده است.

استثمار مالی: این نظام تک‌حزبی سالانه صدهامیلیون دلار در کمپین سرکوب فالون گونگ سرمایه‌گذاری می‌کند، درعین‌حال به‌طور هم‌زمان روش‌های استثمارگرانه و پرسودی را برای سوءاستفاده از تمرین‌کنندگان به کار می‌برد، ازجمله اخاذی و کار در زندان. شواهد موجود نشان می‌دهد که برداشت اجباری اعضای بدن تمرین‌کنندگان محبوس فالون گونگ برای فروش در عمل‌های جراحی پیوند عضو در مقیاس وسیع رخ داده و احتمالاً هنوز ادامه دارد.

واکنش و مقاومت: تمرین‌کنندگان فالون گونگ با انواع روش‌های غیرخشونت‌آمیز به این کمپین سرکوب علیه خودشان واکنش نشان داده‌اند. آنها به‌ویژه با هدف مقابله با تبلیغات دولتی، روی اطلاع‌رسانی به پلیس و عموم مردم درباره این تمرین، موارد نقض حقوق بشر علیه پیروان آن و سایر مطالب متمرکز بوده‌اند. در سال‌های اخیر، تعداد فزاینده‌ای از افراد در چین که فالون گونگ را تمرین نمی‌کنند، ازجمله وکلای حقوق بشر، اعضای خانواده و همسایگان تمرین‌کنندگان، به این تلاش‌ها پیوسته‌اند.

۲.۳.۱۶ سازمان عفو بین‌الملل درخواست برای اقدام فوری را منتشر می‌کند

سازمان عفو بین‌الملل در تاریخ ۲۱ فوریه ۲۰۱۷ اطلاعیه به‌روزشده خود را برای «اقدام فوری» منتشر کرد. این سازمان در اطلاعیه‌اش، خواستار توجه به وضعیت تمرین‌کننده

فالون گونگ چن هوپی‌شیا شد که به‌خاطر باورش به ۳ سال حبس محکوم شده بود و از رژیم کمونیست چین خواست چن را فوراً آزاد کند. سازمان عفو بین‌الملل در این درخواست، خواستار اقدام برای متوقف‌کردن آزار و شکنجه بیشتر چن نیز شد.^{۳۴۴}

در این اطلاعیه به‌روزشده سازمان عفو بین‌الملل آمده است: «پلیس قبل از اینکه چن هوپی‌شیا را در ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ به بازداشتگاه شماره ۲ شیجیازوانگ در استان هبی در شمال‌شرقی منتقل کند، ابتدا او را در تاریخ ۳ ژوئن ۲۰۱۶ در یک مکان بازداشت غیررسمی برای بیش از یک ماه به یک صندلی آهنی بست.»

از زمان بازداشت چن، به اعضای خانواده‌اش اجازه داده نشده با او ملاقات کنند. چن تا نوامبر ۲۰۱۶، هیچ وکیلی نداشت، «زیرا بسیاری از وکلایی که خانواده‌اش قصد استخدامشان را داشتند، از پذیرش این پرونده اجتناب می‌کردند. آنها بر این باور بودند که مسئولین به آنها اجازه نخواهند داد از یک تمرین‌کننده فالون گونگ دفاع کنند.»

این اطلاعیه مردم را ترغیب می‌کرد برای مسئولین مربوطه نامه بنویسند، ایمیل ارسال کنند، فراخوان دهند، فکس ارسال کنند یا مطلبی را توثیق کنند و بخواهند: «از آنجاکه چن هوپی‌شیا صرفاً به‌دلیل استفاده از حق آزادی عقیده و بیان خود بازداشت شده، او را فوراً و بدون قیدوشرط آزاد کنند و تا زمان آزادی‌اش تضمین شود که او بدون محدودیت، سریع و مرتب به اعضای خانواده و وکلای منتخبش دسترسی داشته باشد.»

سازمان عفو بین‌الملل خواهان این بود که چن در طول بازداشتش، در برابر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها نیز محافظت شود. در این اطلاعیه آمده است: «به‌گفته دخترش، چن هوپی‌شیا، او تمرین فالون گونگ را در سال ۱۹۹۸ آغاز کرد تا بیماری مزمنش و وضعیت سلامتی ضعیفش را بهبود ببخشد. او متعاقباً حدود ۳ ماه در سال ۲۰۰۳ بازداشت شد و به‌دنبال بازداشت او، خانواده‌اش در معرض آزارواذیت و ارباب مداوم از سوی مسئولین قرار گرفت.»

این اطلاعیه، شکنجه، بازداشت و حبس صدها هزار تمرین‌کننده فالون گونگ را نیز به‌طور مفصل‌تر شرح می‌داد.

۴.۱۶ قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و نامه‌های حمایتی

فالون گونگ اعلامیه‌های رسمی و نامه‌های حمایتی بی‌شماری را از دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی در سراسر جهان دریافت کرده است. این اعلامیه‌ها فواید فالون گونگ برای مناطق و جوامع مختلف را به‌طور برجسته‌ای مطرح کرده و آزار و شکنجه فالون گونگ به‌دست رژیم چین را به‌طور جهانی محکوم می‌کنند.

۱.۴.۱۶ حمایت از تمام سطوح

تا به امروز، فالون گونگ موضوع ۲۰۲۵ اعلامیه، ۴۰۹ قطعنامه و ۱۲۰۰ نامه حمایتی از جانب مقامات منتخب و دولت‌ها در سطح ملی، استانی و محلی بوده است.

در ۳ اوت ۱۹۹۴، شهر هیوستون در ایالات متحده آقای لی هنگجی را شهروند افتخاری و سفیر نیکوکاری شهر معرفی کرد. دو سال بعد، دومین اعلامیه صادر و در آن ۱۲ اکتبر ۱۹۹۶ به‌عنوان «روز لی هنگجی» اعلام شد.^{۳۴۵} در این اعلامیه آمده است:

لی هنگجی به‌عنوان بنیانگذار فالون دافا، یک سیستم پیشرفته تزکیه، احترام و تحسین مردم سراسر جهان را به دست آورده است. فالون دافا بر اساس اصول چن، شن، رن (حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری) است که ویژگی‌های جهان هستند. فالون دافا بر بهبود سلامتی تأکید می‌کند و تمرین‌کنندگان خالص را به سمت روشن‌بینی سوق می‌دهد.

فالون دافا از مرزهای فرهنگی و نژادی فراتر می‌رود و باعث می‌شود این حقیقت جهانی در هر گوشه‌ای از زمین طنین‌انداز شود و پلی است برای از بین بردن شکاف بین شرق و غرب...

طی دو دهه گذشته، مقامات و دولت‌های منتخب هرساله برای به‌رسمیت‌شناختن روز جهانی فالون دافا، اعلامیه‌ها و نامه‌های حمایتی صادر کرده‌اند.^{۳۴۶} جودی اسگرو، نماینده مجلس کانادا، در ۱۳ مه ۲۰۱۹ در نامه تبریکش اظهار کرد:^{۳۴۷}

مفتخرم که قدردانی‌ام را از تلاش‌های شما ابراز می‌کنم، چراکه شما به پیشبرد ارزش‌های آزادی، بردباری، و آزادی عقیده و مذهب در اینجا و کانادا و در سطح جهان کمک می‌کنید.

...

متأسفانه، بسیاری از تمرین‌کنندگان صلح‌جو و فداکار در تاریکی و تحت تهدید مداوم آزار و شکنجه و حتی مرگ زندگی می‌کنند. ما کانادایی‌ها باید کمک کنیم تغییرات لازم برای اصلاح این اشتباهات وحشتناک ایجاد شود.

مجلس نمایندگان ایالات متحده قطعنامه‌هایی را تصویب کرده و از دولت چین خواسته است به آزار و شکنجه فالون گونگ پایان دهد، از جمله قطعنامه هم‌زمان ۳۰۴ مجلس^{۳۴۸} در سال ۲۰۰۴ و قطعنامه ۶۰۵ مجلس در سال ۲۰۱۰^{۳۴۹} که هر دو مورد حمایت نماینده ایلینا روز لتینن بود. فرانک وولف، عضو کنگره، در سخنرانی خود قبل از رأی‌گیری اظهار داشت: «چین در نقض حقوق بشر به طرز روزافزونی گستاخ شده است. در مواجهه با این سرکوب، آمریکا وظیفه دارد به‌طور مداوم تأیید کند که ما در کنار افراد بی‌دفاع می‌ایستیم؛ در کنار کسانی که صدای‌شان خاموش شده است.»^{۳۵۰}

حوالی ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۹ که بیستمین سالروز آغاز آزار و شکنجه بود، ۲۲ تن از سناتورها و نمایندگان ایالات متحده ضمن ارسال نامه‌هایی، از تلاش تمرین‌کنندگان برای مقابله با آزار و شکنجه قدردانی کردند.^{۳۵۱}

۲.۴.۱۶ آلمان ۲۰ سال آزار و شکنجه فالون گونگ در چین را محکوم می‌کند

دکتر بیربل کوفلر، عضو کمیسیون فدرال در امور سیاست‌های حقوق بشر و کمک‌های بشردوستانه، با انتشار اعلامیه‌ای مطبوعاتی در وب‌سایت دفتر امور خارجه فدرال آلمان، پکن را به دلیل آزار و شکنجه فالون گونگ محکوم کرد.^{۳۵۲}

در این خبر منتشرشده در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۹ آمده است:

«در طول ۲۰ سال گذشته، رژیم کمونیست چین با تمرین‌کنندگان روش تزکیه فالون گونگ شیرانه رفتار کرده است. تمرین‌کنندگان فالون گونگ به‌طور غیرقانونی تحت آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند و بازداشت شده‌اند. گزارش‌های بسیاری نشان داده‌اند که تمرین‌کنندگان در طی بازداشت شکنجه و حتی فوت شده‌اند. در بیستمین سالگرد آزار و شکنجه، عمیقاً نگرانم که تمرین‌کنندگان در چین هنوز در معرض خطر هستند.»

دکتر کوفلر از پکن می‌خواهد: «برای محافظت از حقوق بشر، از جمله حقوق تمرین‌کنندگان فالون گونگ، از دستورالعمل‌های بین‌المللی و قوانین چین پیروی کنید.» او از پکن می‌خواهد که به «اتهامات جدی سال‌ها برداشت نظام‌مند اعضای بدن

تمرین‌کنندگان بازداشت‌شده فالون گونگ» پاسخ دهد و «درباره منابع اعضای بدن برای پیوند عضو بلافاصله کاملاً شفاف‌سازی کند و همچنین اجازه دهد ناظران مستقل، آزادانه وارد مراکز بازداشتش شوند.»

۵.۱۶ واکنش بین‌المللی به برداشت اجباری اعضای بدن

در پی تحقیقات مستقلی که از سال ۲۰۰۶ شروع شد، تعدادی از نهادهای دولتی قوانین قدرتمندتری را علیه قاچاق اعضای بدن وضع کردند و قطعنامه‌هایی را برای پایان دادن به کشتار زندانیان عقیدتی در چین به تصویب رساندند.

سازمان‌های پزشکی و حرفه‌ای نیز اقدامات لازم را برای حفظ استانداردهای اخلاقی انجام داده‌اند، گرچه مسئولان و جراحان پیوند عضو در چین همچنان در برخی کنفرانس‌های بین‌المللی مورد استقبال قرار می‌گیرند.

۱.۵.۱۶ قطعنامه‌ها

۱.۵.۱۶ (الف) پارلمان اروپا

پارلمان اروپا قطعنامه (۲۰۱۳/۲۹۸۱) (آراس‌پی)) را در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳ به تصویب رساند «تا نگرانی عمیق خود را درباره گزارش‌های مداوم و معتبر در خصوص برداشت اجباری و نظام‌مند اعضای بدن زندانیان عقیدتی از جمله تعداد زیادی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ و اعضای سایر گروه‌های اقلیت مذهبی و قومی ابراز کند؛ عملی که با مجوز دولت چین و بدون کسب رضایت قربانیان در جمهوری خلق چین صورت می‌گیرد.»

این قطعنامه «از اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن خواست مسئله برداشت اعضای بدن در چین را مطرح کنند؛ آن توصیه می‌کند که این اتحادیه و کشورهای عضو آن به‌طور علنی سوءرفتارها در پیوند عضو در چین را محکوم کنند و درباره این موضوع به شهروندان خود که به چین سفر می‌کنند، اطلاع‌رسانی کنند؛ آن خواستار تحقیقات کامل و شفاف اتحادیه اروپا درباره عمل‌های پیوند عضو در چین و پیگرد قانونی کسانی است که مشخص شده در چنین اعمال غیراخلاقی دست داشته‌اند...»

در سال ۲۰۱۶، ۱۲ عضو پارلمان اروپا با صدور بیانیه‌ای مشترک، درخواست کردند پارلمان اروپا درباره برداشت غیرقانونی و قاچاق اعضای بدن به‌دست رژیم کمونیستی چین تحقیق کند. ۳۵۳ پس از یک جلسه دادرسی ویژه در ۲۹ ژوئن، بیش از نیمی از اعضای پارلمان اروپا (MEP) بیانیه مکتوب (۲۰۱۶/۴۸ دبلویو دی) را امضاء کردند. این بیانیه مکتوب پارلمان اروپا را ملزم می‌کند برای توقف برداشت اجباری اعضای بدن که در چین و با مجوز دولت صورت می‌گیرد، اقدام کند. ۳۵۴

۱.۵.۱۶ (ب) مجلس نمایندگان ایالات متحده

مجلس نمایندگان قطعنامه ۳۴۳ را به‌اتفاق آرا در عصر ۱۳ ژوئن ۲۰۱۶ تصویب کرد. این قطعنامه از رژیم کمونیست چین می‌خواهد برداشت اجباری اعضای بدن تمرین‌کنندگان فالون گونگ و سایر زندانیان عقیدتی را فوراً متوقف کند.

این قطعنامه خواستار توقف فوری آزار و شکنجه فالون گونگ نیز است که در آن زمان در هفدهمین سال خود بود. همچنین خواستار آزادی همه تمرین‌کنندگان فالون گونگ محبوس و سایر زندانیان عقیدتی، و انجام تحقیقات موثق، شفاف و مستقل درباره سیستم پیوند عضو چین است.

قطعنامه ۳۴۳ مجلس نمایندگان را نمایندگان ایلینا روز لتینن (نماینده جمهوری‌خواه فلوریدا)، رئیس کمیته فرعی خاورمیانه و شمال آفریقا، و نماینده جerald کانولی (نماینده دموکرات ویرجینیا) و نیز شش تن از سایر اعضای کنگره به‌نام‌های زیر پیشنهاد دادند: نماینده دینا روراباکر (نماینده جمهوری‌خواه کالیفرنیا)، نماینده تد پو (نماینده جمهوری‌خواه تگزاس)، نمایندگان ایالات متحده ماریو دیازبالارت (نماینده جمهوری‌خواه فلوریدا)، جولیا براونلی (نماینده دموکرات کالیفرنیا)، سم فار (نماینده دموکرات کالیفرنیا) و دیوید جی. والادائو (نماینده جمهوری‌خواه کالیفرنیا). این قطعنامه حمایت قاطع هر دو حزب را با ۱۸۵ حامی مشترک به‌دست آورد.

(۱) ایلینا روز لتینن، نماینده مجلس: «ما آزار و شکنجه مداوم تمرین‌کنندگان فالون گونگ را محکوم می‌کنیم»

ایلینا روز لتینن، نماینده جمهوری خواهی که بانی این اقدام بود، در بیانیه‌ای مطبوعاتی گفت:

چین در حال دائمی‌ساختن برخی از وحشتناک‌ترین و فاحش‌ترین موارد نقض حقوق بشر علیه فالون‌گونگ و سایر زندانیان عقیدتی بوده است، با این حال برای این آزارواذیت‌ها به‌ندرت با هیچ انتقادی مواجه شده است، چه رسد به اینکه با تحریم‌هایی روبرو شود.

عمل فرومایه و غیرانسانی محروم کردن افراد از آزادی‌شان، حبس آنها در اردوگاه‌های کار اجباری یا زندان‌ها و سپس اعدام آنها و برداشت اعضای بدن‌شان برای پیوند عضو، درک‌شدنی نیست و می‌بایست به‌طور جهانی با آن مخالفت شود و بدون قیدوشرط پایان یابد.

او در سخنرانی خود در صحن مجلس پیش از رأی‌گیری گفت:

با تصویب این قطعنامه، می‌توانیم پیامی برای رژیم چین بفرستیم که ما آزار و شکنجه مداوم تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ را محکوم می‌کنیم و این اقدام مشمئزکننده، به‌ویژه برداشت اعضای بدن افراد بدون کسب رضایت‌شان، می‌بایست متوقف شود.

(۲) ایوت انگل، عضو کنگره: برداشت اجباری اعضای بدن «مخوف و تکان‌دهنده» است

ایوت انگل، عضو کنگره از نیویورک، در رابطه با قاچاق اعضای بدن در چین گفت: «آنچه به‌طور خاصی نگران‌کننده است این است که ادعا شده این اقدام، زندانیان عقیدتی از جمله تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ و سایر اقلیت‌های مذهبی و قومی را مورد هدف قرار می‌دهد.»

انگل، عضو کنگره، در سخنرانی خود در صحن مجلس درباره قطعنامه ۳۴۳ گفت:

برداشت اعضای بدن بدون کسب رضایت تحت هر شرایطی نشان‌دهنده نقض فاحش حقوق بشر است. اما این اتهامات مشخصاً فاحش هستند: مقامات در زندان‌های چین

زندانیان را به‌خاطر باورهای صالح‌شان مورد هدف قرار می‌دهند و سپس از طریق قاچاق اعضای بدن این قربانیان، سود کسب می‌کنند. نمی‌توانم چیزی نفرت‌انگیزتر از آن را تصور کنم.

انگل، عضو کنگره، گزارش‌های برداشت اعضای بدن را «هولناک و تکان‌دهنده» خواند و خواهان تحقیقات بیشتر درباره آن شد.

(۳) کریس اسمیت، عضو کنگره،: آزار و شکنجهٔ فالون گونگ «یکی از وحشت‌های بسیار بزرگ است»

کریس اسمیت، عضو کنگره از نیوجرسی، در سخنرانی‌اش اظهار داشت:

تصویب این قانون، گام مهمی برای پاسخگویی و شفاف‌سازی درباره این جنایت بسیار بزرگی است که احتمالاً بزرگترین جنایت قرن بیست‌ویکم است.

شواهد در خصوص جنایات صورت‌گرفته علیه تمرین‌کنندگان فالون گونگ، از جمله عمل وحشتناک برداشت اعضای بدن، سریعاً در حال افزایش است.

محققان دیوید کیلگور، دیوید ماتاس و اتان گاتمن تحقیقات مفصل‌تری انجام دادند و از همه تکان‌دهنده‌تر تخمین زدند که بین ۴۵ تا ۶۵ هزار تن از تمرین‌کنندگان فالون گونگ به‌خاطر اعضای بدن‌شان کشته و اعضای بدن‌شان متعاقباً برای کسب سود فروخته شده‌اند.

اسمیت، عضو کنگره، گفت که قویاً باور دارد کمپین رژیم کمونیستی برای ریشه‌کن کردن فالون گونگ در چین، به‌عنوان «یکی از وحشت‌های بسیار بزرگ» دیده خواهد شد.

۱.۵.۱۶ (پ) مجلس‌های قانونگذاری ایالتی آمریکا

حداقل ده مجلس قانونگذاری ایالتی آمریکا قطعنامه‌هایی را برای محکوم کردن برداشت اعضای بدن که با مجوز دولت چین صورت می‌گیرد، تصویب کرده‌اند.

مجلس قانون‌گذاری ایالت میسوری قطعنامه هم‌زمان شماره ۶ سنا (اِس‌سی‌آر) را در ۱۵مه ۲۰۱۹ تصویب کرد. ه در آن «از دولت چین می‌خواهد به برداشت اجباری اعضای بدن زندانیان و نیز زندانیان عقیدتی به‌ویژه تمرین‌کنندگان فالون گونگ پایان دهد.»

سناتور ایالتی جیل شاپ، حامی اس‌سی‌آر۶، گفت: «این اقدام بسیار دیر انجام شده است و مبارزه ادامه دارد. اینجا در ایالت میسوری، نمی‌توانیم این موارد نقض حقوق بشر را تحمل کنیم.»^{۳۵۵}

مجلس قانون‌گذاری ایالت مین در تاریخ ۷ مه ۲۰۱۹ قطعنامه مشترک اس‌پی‌۵۷۴ را تصویب کرد و خواستار پایان دادن به برداشت اجباری اعضای بدن در چین شد. این قطعنامه جوامع پزشکی در ایالت مین را نیز تشویق می‌کند درباره خطرات سفر به چین برای پیوند عضو، به شهروندان این ایالت اطلاع‌رسانی کنند تا مانع از مشارکت ناخواسته آنها در قتل زندانیان عقیدتی در نتیجه برداشت اجباری اعضای بدن‌شان شوند.^{۳۵۶}

مجمع عمومی پنسیلوانیا به اتفاق آرا قطعنامه ۱۰۵۲ مجلس را در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۴ تصویب کرد و از جامعه پزشکی خواست به اطلاع‌رسانی درباره اقدامات غیراخلاقی پیوند عضو در چین کمک کند.

قطعنامه‌های مشابهی در مجلس سنای ایالت جورجیا^{۳۵۷} و کنگره ایالتی آریزونا^{۳۵۸} به تصویب رسیده است.

۱.۵.۱۶ (ت) مجلس سنای ایتالیا

در تاریخ ۵ مارس ۲۰۱۴، کمیسیون حقوق بشر مجلس سنای ایتالیا قطعنامه‌ای را به اتفاق آرا به تصویب رساند و به موجب آن از دولت ایتالیا درخواست کرد از طریق کانال‌های دیپلماتیک و سایر کانال‌ها، تحقیق کاملی را درباره برداشت اعضای بدن در چین آغاز کند.

در این قطعنامه، «کمیسیون فوق‌العاده برای محافظت از حقوق بشر و ترویج آن» همچنین از دولت ایتالیا درخواست کرد برنامه‌های آموزشی پزشکان چینی را دوباره مورد بررسی قرار داده و مطابق با معاهده‌های بین‌المللی، افراد دخیل در قاچاق اعضای بدن را تحت پیگیری قانونی قرار دهد.

این قطعنامه پس از جلسه دادرسی سنا در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۳ که در رابطه با همین موضوع بود، به تصویب رسید. دیوید ماتاس، وکیل سرشناس کانادایی حقوق بشر، در آن جلسه مطالبی را ارائه کرد و از دولت ایتالیا خواست قوانین خود را اصلاح کند تا

مانع از این شود که به شریک جرمی در جنایات برداشت اجباری اعضای بدن در چین تبدیل شود.^{۳۰۹}

۲.۵.۱۶ تقویت قوانین قاچاق اعضای بدن

برخی از کشورها قوانین قاچاق اعضای بدن خود را تقویت کرده‌اند که حوزه قضایی فراسرزمینی را نیز دربرگیرد و شهروندان خود را از سفر به خارج از کشور، از جمله به چین، برای دریافت عضو پیوندی غیرقانونی منع کنند. در زیر چند نمونه از چنین لوایحی آورده شده است که نهادهای قانونگذار تصویبشان کرده‌اند، گرچه همه آنها درنهایت به قانون تبدیل نشده‌اند.

۲.۵.۱۶ (الف) اسرائیل

در سال ۲۰۰۸، اسرائیل قانون پیوند عضو را تصویب کرد که شرکت‌های بیمه را از بازپرداخت هزینه عمل پیوند عضو انجام‌شده در کشورهایی که از قوانین اسرائیل تخلف می‌کنند منع می‌کند. متخلفانی که اعضای بدن غیرقانونی را خریداری می‌کنند، می‌فروشند یا دلالی می‌کنند، از جمله آنهایی که خارج از اسرائیل دست به این کارها می‌زنند، با جریمه سنگین و حبس تا سه سال روبرو خواهند شد.^{۳۱۰}

۲.۵.۱۶ (ب) اسپانیا

قانون مجازات اسپانیا در سال ۲۰۱۰ به شرح زیر اصلاح شد:^{۳۱۱}

۱. افرادی که اقداماتی در رابطه با ترویج، تسهیل یا تبلیغ خرید یا قاچاق غیرقانونی اعضای بدن یا پیوند آنها را انجام می‌دهند، در موارد مربوط به اعضای حیاتی بدن، با محکومیت ۳ تا ۱۲ سال حبس، و در موارد مربوط به اعضای غیرحیاتی بدن، با محکومیت ۳ تا ۶ سال حبس مجازات خواهند شد.

۲. گیرندگانی که به دریافت عضو پیوندی با آگاهی به غیرقانونی بودن منشأ آن، موافقت می‌کنند، همان مجازات‌هایی را دریافت خواهند کرد که در قسمت

قبلی به آنها اشاره شد، که با توجه به شرایط جرم و مجرم، ممکن است این مجازات یک یا دو درجه کاهش یابد.

۳. هرگاه مطابق مقررات مندرج در ماده ۳۱، شخصی حقوقی مسئول تخلفات مندرج در این ماده باشد، باید جریمه‌ای معادل سه تا پنج برابر سود حاصل از آن را پرداخت کند.

۲.۵.۱۶ (پ) ایتالیا

مجلس سنای ایتالیا به اتفاق آرا لایحه‌ای را در ۴ مارس ۲۰۱۵ تصویب کرد که در آن افرادی که به‌طور غیرقانونی اعضای بدن افراد زنده را به فروش می‌رسانند، با مجازات شدیدی از جمله محکومیت حبس، روبرو خواهند شد.^{۳۳۲}

براساس این لایحه جدید، هر شخصی که مبادرت به تجارت، خرید یا مدیریت اعضای بدن افراد زنده می‌کند که به‌طور غیرقانونی قاچاق شده‌اند، به ۳ تا ۱۲ سال حبس و پرداخت ۵۰ هزار تا ۳۰۰ هزار یورو جریمه محکوم می‌شود. بر اساس این لایحه هرکسی که به‌طور عمومی اقدام به ترغیب یا تبلیغ فروش اعضای بدن کند یا تبلیغات و اطلاعیه‌هایی را برای تشویق گردشگری پیوند عضو به چین انجام دهد، مجازات می‌شود. پزشکانی که بیماران را ترغیب یا کمکشان می‌کنند برای دستیابی غیرقانونی به یک عضو بدن سفر کنند، به دلیل نقض اخلاق پزشکی با محرومیت از شغل به‌طور مادام‌العمر روبرو خواهند شد.

سناتور ماوریزیو رومانی که این لایحه را پیشنهاد کرده است، گفت این لایحه «موجب می‌شود جرم قاچاق اعضای بدن برای جراحی‌های پیوند عضو معادل جرم قاچاق انسان محسوب شود.» او توضیح داد: «این باعث می‌شود همه افراد دخیل در این عمل مقصر محسوب شوند، که عبارتند از: اهداکنندگان، سازمان‌دهندگان، جراحانی که عمل پیوند عضو را انجام می‌دهند و حتی کسانی که اعضای بدن را خریداری می‌کنند.»^{۳۳۳}

۲.۵.۱۶ (ت) تایوان

قانونگذاران در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۵، قانون پیوند اعضای بدن انسان تایوان را اصلاح کردند که مطابق آن، فروش غیرقانونی اعضای بدن ممنوع شده است.^{۳۶۴}

این قانون تجارت اعضای بدن از منابع ناشناخته را هدف قرار داده و با اصلاح این قانون، از انجام آن جلوگیری می‌کند. این اصلاحیه مقرر می‌دارد که اعضای بدن باید بدون پرداخت هیچ مبلغی [به‌طور رایگان] تهیه یا دریافت شوند. اگر افرادی که اعضای پیوندی را از خارج از تایوان خریداری می‌کنند، به دلیل دریافت عضو غیرقانونی مجرم شناخته شوند، حداکثر محکومیت آنها پنج سال است، به علاوه تایوان جریمه سنگینی تا حداکثر ۱/۵ میلیون دلار جدید تایوان [تقریباً ۴۹ هزار دلار آمریکا] را برای متهمین تعیین کرده است. در ضمن، پزشکانی که در جراحی‌های غیرقانونی پیوند عضو دخیل باشند، ممکن است جواز کارشان را از دست بدهند. قانون‌گذار یو می‌نو از حزب پیشروی دموکرات گفت که رژیم چین به‌طور فعالانه‌ای درگیر تجارت اعضای بدن است که به‌شدت به برداشت اجباری اعضای بدن تمرین‌کنندگان زنده فالون گونگ وابسته است. یو گفت: «امیدواریم با این اصلاحیه به‌طور مؤثری از قاچاق اعضای بدن و فروش آن جلوگیری کنیم.»

۲.۵.۱۶ (ث) کرواسی

پارلمان کرواسی در ۱ مارس ۲۰۱۹ به اتفاق آرا، به کنوانسیون شورای اروپا علیه قاچاق اعضای بدن انسان رأی داد و به هشتمین کشور اروپایی تصویب‌کننده این معاهده تبدیل شد.^{۳۶۵}

این کنوانسیون علاوه بر جرم‌شناختن عمل غیرقانونی برداشت اعضای بدن، امضاکنندگان این معاهده را ملزم می‌کند هرگونه کمک به چنین اعمالی و همکاری با آن، و درخواست اهداکنندگان یا گیرندگان عضو برای عمل‌های غیرقانونی پیوند عضو را جرم تلقی کنند.

دکتر برانیمیر بونجاک، عضو پارلمان، طی مذاکرات جلسه پارلمانی اعلام کرد: «هموطنان ما ناخواسته به‌عنوان استفاده‌کنندگان این خدمات [در این عمل غیرقانونی] مشارکت می‌کنند؛ آنها به خارج از کشور، مخصوصاً چین سفر می‌کنند تا اعضای بدن لازم را سریع‌تر تهیه کنند. این افراد باید این سؤال را از خود بپرسند: چگونه ممکن است در چین برخلاف اتحادیه اروپا، هیچ‌گونه زمان انتظاری وجود نداشته باشد؟»

او به یافته‌های سازمان‌های بین‌المللی استناد کرد که حاکی از این است که چین با وجود فقدان یک سیستم اهدای عضو، بیش از یک دهه است که هر سال تا ۱۰۰هزار عمل پیوند عضو را انجام داده است.

او گفت: «وقتی از مسئولان چین درباره منبع چنین اعضای بدنی می‌پرسید، این مسئله را این‌گونه توجیه می‌کنند که آنها را از زندانیان محکوم به مرگ تأمین کرده‌اند، اما سالانه فقط ۲۰۰۰ نفر از چنین زندانیانی در چین وجود دارند که مشخصاً برای چنین تعداد زیادی از عمل پیوند عضو کافی نیست.»

دکتر بونجاک افزود: «پس از انتشار آن گزارش‌ها، پاسخ مقامات چین این بوده که این اعداد و ارقام مربوط به بازار سیاه بوده‌اند، اما تمام عمل‌های پیوند عضو در چین در بیمارستان‌های دولتی و تحت نظارت دولت انجام می‌شوند. بنابراین چنین اطلاعاتی واقعاً پذیرفتنی نیستند.»

دکتر بونجاک با اشاره به قوانینی که در ایتالیا، اسپانیا و جمهوری چک تصویب شده و شهروندان‌شان را از رفتن به چین برای تهیه اعضای بدن غیرقانونی منع می‌کند، هشدار داد صرفاً تصویب این کنوانسیون این مشکل را به‌طور کامل حل نخواهد کرد.

«به‌ویژه با در نظر داشتن اینکه کرواسی در پزشکی پیوند عضو در سطح بسیار بالایی قرار دارد، لازم است به وضع قوانین بیشتر ادامه دهیم. به این ترتیب باید هم در قانونگذاری و هم در عمل به آن، مانند الگو عمل کنیم.»

دولت کرواسی از ابتکار عمل‌های بیشتری برای اطلاع‌رسانی به متخصصان بهداشت و گستره وسیع‌تری از مردم خبر داد؛ اطلاع‌رسانی درباره وسعت این موضوع تا آنها را قادر به تشخیص، پیشگیری و گزارش‌دهی درباره عمل‌های غیراخلاقی پیوند عضو سازد.

۲.۵.۱۶ (ج) جمهوری چک

مجلس سنای جمهوری چک قطعنامه شماره ۱۳۱ را در ۲۰ مارس ۲۰۱۹ به تصویب رساند تا حمایت خود را از گروه‌های تحت آزار و شکنجه در چین، از جمله تمرین‌کنندگان فالون گونگ، مسیحیان، اویغورها و تبتی‌ها ابراز کند. این قطعنامه از رئیس‌جمهور و دولت چک می‌خواهد چین را ترغیب کنند با پایان دادن به آزار و شکنجه این گروه‌ها، و آزادی همه زندانیان عقیدتی، از کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر پیروی کند. این

قطعنامه واکنشی به دادخواستی ملی درباره «نسل‌کشی تمرین‌کنندگان فالون گونگ به دست رژیم کمونیست چین» بود. بیش از ۳۷۰ هزار نفر از مردم جمهوری چک، این دادخواست را امضا کردند.^{۳۶۶}

۲.۵.۱۶ (چ) بلژیک

نهاد قانونگذاری اولیه بلژیک در ۲۵ آوریل ۲۰۱۹، لایحه جدیدی را تصویب کرد که به موجب آن همه طرف‌های دخیل در خرید و فروش اعضای بدن انسان با اهداف تجاری، مجازات می‌شوند.^{۳۶۷}

این اولین لایحه در اروپا است که مستقیماً به قطعنامه سال ۲۰۱۳ پارلمان اروپا و بیانیه مکتوب سال ۲۰۱۶ اشاره دارد که از کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌خواهند ساکنان خود را درباره برداشت اعضای بدن در چین آگاه سازند و افرادی را که در این اقدامات غیراخلاقی شرکت کرده‌اند، تحت پیگرد قانونی قرار دهند.

نقض‌کنندگان این لایحه به پرداخت امیلیون و دویست هزار یورو (معادل امیلیون و سیصد و پنجاه هزار دلار آمریکا) جریمه و تا ۲۰ سال حبس محکوم می‌شوند. اگر یک گروه جنایتکار سازمان‌یافته در این تجارت دخالت داشته باشد، همه افراد آن گروه مجازات خواهند شد.

طبق این قانون جدید، فروشنده و گیرنده عضو و نیز هر واسطه‌ای، پزشک یا سایر افراد کادر پزشکی که در فروش اعضای بدن برای کسب سود شرکت کرده‌اند، مجازات می‌شوند.

این قانون در خصوص معاملاتی که خارج از بلژیک انجام می‌شود نیز اعمال می‌شود.

۲.۵.۱۶ (ح) کانادا

اس ۲۴۰، لایحه‌ای که قاچاق اعضای بدن انسان را هدف قرار می‌دهد، به اتفاق آرا در عصر روز ۳۰ آوریل ۲۰۱۹ در مجلس عوام کانادا تصویب شد. این لایحه را مجلس سنا معرفی کرد و پیش از رأی‌گیری در مجلس عوام، کمیته امور خارجه و تجارت بین‌الملل (AEFA) تأییدش کرد.^{۳۶۸}

این قانون، دستورالعمل‌های کیفری را اصلاح می‌کند تا پیوند عضو غیرمجاز در خارج از کشور، فعالیت‌های مجرمانه تلقی شود و قانون مهاجرت و حمایت از پناهندگان را نیز اصلاح می‌کند تا به افرادی که در قاچاق اعضای بدن دست دارند، مهاجرت یا پناهندگی داده نشود.

۳.۵.۱۶ کمیسیون آزادی مذهبی بین‌المللی ایالات متحده: رژیم چین هنوز هم در مقیاسی وسیع عمل برداشت اعضای بدن را انجام می‌دهد

کمیسیون آزادی مذهبی بین‌المللی ایالات متحده، در گزارش سالانه ۲۰۱۹ خود که در ۲۹ آوریل منتشر کرد، چین را یکی از فاحش‌ترین شکنجه‌گران باورهای معنوی معرفی کرد. این گزارش همچنین بیان می‌کند که حزب کمونیست چین (حک‌چ) هنوز هم در مقیاسی وسیع به برداشت اعضای بدنِ تمرین‌کنندگان فالون گونگ می‌پردازد.^{۳۶۹}

گری بائر، کمیسر ایالات متحده آمریکا در رابطه با آزادی مذهبی بین‌المللی، اعلام کرد که این کمیته به دولت ایالات متحده آمریکا توصیه کرده به سرعت و قاطعانه مقامات و نهادهای حزب کمونیست چین را که مرتکب چنین نقض جدی آزادی مذهبی شده‌اند یا آن را نادیده می‌گیرند، تحریم کند.

۳.۵.۱۶ (الف) نقض جدی و مداوم آزادی مذهبی

بر اساس این گزارش، با توجه به نقض جدی، مداوم و نظام‌مند آزادی مذهبی به دست حزب کمونیست چین، کمیسیون آزادی مذهبی بین‌المللی ایالات متحده چین را بار دیگر در سال ۲۰۱۹، «کشوری با نگرانی‌های خاص» معرفی کرد. این دومین دهه متوالی است که در آن چین به عنوان کشوری با نگرانی‌های خاص طبقه‌بندی شده است. در این گزارش تعداد زیادی مدرک از نقض نظامند، مداوم و جدی آزادی مذهبی در سال ۲۰۱۸ مستند شده است.

۳.۵.۱۶ (ب) آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ در حال وقوع است

این گزارش اشاره می‌کند که جیانگ زمین، رئیس سابق حزب کمونیست چین، در سال ۱۹۹۹ آزار و شکنجه فالون گونگ را آغاز و اداره ۶۱۰ را تأسیس کرد که سازمانی فراقانونی

و مسئول ریشه‌کن کردن فالون گونگ است. این گزارش بیان می‌کند که تمرین‌کنندگان فالون گونگ به صورت خودسرانه‌ای بازداشت می‌شوند، با باطوم‌های الکتریکی به آنها شوک وارد می‌شود و به اجبار تحت پژوهش‌های پزشکی و روانشناسی قرار می‌گیرند.

در سال ۲۰۱۸، مقامات چین به آزاروآذیت، بازداشت و ارباب‌تیمین‌کنندگان فالون گونگ به دلیل باورشان ادامه دادند. گزارش شده است که بسیاری از تمرین‌کنندگانی که بازداشت شده بودند تحت ضرب‌وشتم، آزاروآذیت روانی و آزاروآذیت جنسی قرار گرفتند، و داروهای نامعلومی به زور به آنها خورانده شد و از خواب محروم شدند.

طبق اطلاعات ارائه‌شده از سوی تمرین‌کنندگان فالون گونگ، حکم دست‌کم ۹۳۱ تمرین‌کننده را در سال ۲۰۱۸ دستگیر و بازداشت کرده است. در تابستان گذشته چند تمرین‌کننده که پیام‌هایی را از طریق رسانه‌های اجتماعی ارسال کردند و خواستار دریافت حمایت برای فالون گونگ شدند یا کسانی که مطالب اطلاع‌رسانی فالون گونگ را بین مردم توزیع کرده بودند، دستگیر شدند.

این گزارش ادعاهای حکم را مورد بحث قرار داد مبنی بر اینکه در اژانویه ۲۰۱۵، به عمل برداشت اعضای بدن زندانیان (اعتقاد بر این است که بسیاری از بازداشت‌شدگان تمرین‌کننده فالون گونگ هستند) خاتمه داده است. اما در سال ۲۰۱۸، فعالان حقوق بشر، متخصصین پزشکی و محققان شواهد بیشتری ارائه دادند دال بر اینکه حکم چ هنوز در حال برداشت اعضای بدن در مقیاسی وسیع است.

این گزارش اظهار داشت که در ماه نوامبر گذشته، اداره دادگستری چانگشا در استان هونان چین، فعالیت دو وکیل را شش ماه ممنوع کرد چراکه از تمرین‌کنندگان فالون گونگ در دادگاه دفاع کرده بودند.

۳.۵.۱۶ (پ) تداوم وخامت آزادی مذهبی

در ماه نوامبر سال گذشته، در جریان بازنگری دوره‌ای سازمان ملل از چین، ایالات متحده آمریکا مسئله آزار و شکنجه فالون گونگ و بستن کلیساهای مسیحی را در یک پرسشنامه کتبی که پیش از آن ارائه شده بود، مورد سؤال قرار داد.

گری بائر، کمیسر ایالات متحده آمریکا در رابطه با آزادی مذهبی بین‌المللی، در کنفرانس مطبوعاتی گزارش سالانه این کمیسیون گفت وضعیت در چین هنوز رو

به وخامت است. برای این منظور، این کمیسیون پیشنهادات متعددی را به دولت ارائه داده است، از جمله اینکه در تمام مذاکرات دوجانبه بین ایالات متحده آمریکا و چین، به‌خصوص در رابطه با مذاکرات تجاری جاری، مسائل مربوط به آزادی مذهبی و حقوق بشر را روی میز قرار دهد.

این کمیسیون همچنین توصیه می‌کند که دولت ایالات متحده آمریکا بی‌درنگ و قاطعانه مقامات و نهادهای چینی را که مرتکب نقض جدی آزادی مذهبی شده‌اند یا آن را نادیده می‌گیرند، تحریم کند. درنهایت، این کمیسیون از ایالات متحده آمریکا و سایر دولت‌ها مصرانه می‌خواهد بر رژیم کمونیست چین فشار آورند که زندانیان عقیدتی را بی‌قیدوشرط آزاد کند.

۴.۵.۱۶ دادگاه مردمی به این نتیجه رسید که برداشت اجباری اعضای بدن تا به امروز ادامه دارد

یک دادگاه مستقل مردمی در لندن که به‌منظور تحقیق درباره برداشت اجباری اعضای بدن زندانیان عقیدتی در چین تشکیل شد، یافته‌های خود را در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۹ منتشر کرد.^{۳۷۰}

هیئت منصفه این دادگاه به این نتیجه رسید که حزب کمونیست چین (ح‌ک‌چ) سال‌ها است اقدام به برداشت اجباری اعضای بدن تمرین‌کنندگان زنده فالون گونگ در چین کرده است و این آزار و شکنجه وحشیانه تا به امروز ادامه دارد.^{۳۷۱}

برداشت اجباری اعضای بدن سال‌ها در سراسر چین در مقیاس قابل‌توجهی انجام شده است و تمرین‌کنندگان فالون گونگ یکی و احتمالاً اصلی‌ترین منبع تأمین اعضای بدن بوده‌اند. آزار و شکنجه هماهنگ و آزمایش‌های پزشکی اویغورها به‌تازگی در حال انجام بوده و ممکن است در نهایت شواهدی مبنی بر برداشت اجباری اعضای بدن این گروه ظاهر شود. این دادگاه هیچ مدرکی مبنی بر برچیده‌شدن زیرساخت‌های مهم مرتبط با صنعت پیوند عضو چین نداشته است و بدون توضیح قانع‌کننده درباره منبع اعضای بدن در دسترس، به این نتیجه می‌رسد که برداشت اجباری اعضای بدن تا امروز ادامه دارد.

این دادگاه به ریاست قاضی سلطنتی سر جفری نایس برگزار شد که در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق کار می‌کرد و پیش از این نیز ریاست پیگرد قانونی اسلوبودان میلوشویچ را بر عهده داشت. هیئت منصفه ۷ نفره این دادگاه پس از سؤال از «بیش از ۵۰ شاهد وقایع، کارشناس، محقق، و تحلیلگر در طول بیش از پنج روز جلسات عمومی در دسامبر ۲۰۱۸ و آوریل ۲۰۱۹، بررسی مدارک کتبی، گزارش‌های تحقیقاتی و مقالات دانشگاهی» نتیجه را اعلام کردند.



ضمائم:

سه واقعت بسیار مهم درباره آزار و شکنجه فالون گونگ



ضمائم: سه واقعیت بسیار مهم دربارهٔ آزار و شکنجه فالون گونگ

در چین که دارای حکومت دیکتاتوری است، «اخبار» را رسانه‌های تحت کنترل دولت در راستای ترویج منافع حزب کمونیست و با دقت تهیه می‌کنند. این دستگاه تبلیغاتی گسترده، نقش رهبری را در آزار و شکنجه فالون گونگ ایفا کرده است.

حزب کمونیست از طریق پرکردن رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات، با تعداد بی‌شماری ماجراهای افتراآمیز درباره فالون گونگ و بنیانگذارش، آقای لی هنگجی، کل جامعه را به‌عنوان عاملان آزار و شکنجه به خدمت گرفت. مردم این دروغ‌ها را [دائماً] و مکرراً می‌شنوند طوری که به تدریج باورشان می‌کنند. این جریان محیطی را ایجاد کرد که در آن تمرین‌کنندگان هیچ‌گونه حق و امنیتی نداشتند. هرکسی می‌توانست با مصونیت از مجازات، به آنها حمله کند و متعاقباً برای چینی‌ها آسان شد که گوش خود را به روی فریادهای این افراد بی‌گناه تحت شکنجه ببندند.

این تبلیغات بسیاری از مردم در غرب را نیز فریب داده است و در نتیجه آنها برداشت‌های نادرستی را از فالون گونگ شکل داده‌اند. سه فصل زیر پرده از رایج‌ترین دروغ‌هایی برمی‌دارد که ح‌ک‌چ با هدف برانگیختن افکار عمومی علیه فالون گونگ، از آنها استفاده کرده است.

نکات برجستهٔ کلیدی

جیانگ زمین دادخواهی مسالمت‌آمیز بیش از ۱۰هزار تمرین‌کننده فالون گونگ در ۲۵ آوریل ۱۹۹۹ را به دروغ «محاصره مجتمع دولت مرکزی» توصیف کرد و از این رویداد

برای توجیه آزار و شکنجه متعاقب آن استفاده کرد. تجمع‌کنندگان به نمایندگی از ۴۵ تمرین‌کننده که در تیانجین مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته و دستگیر شده بودند، درخواست تجدیدنظر داشتند. در واقع به این تجمع‌کنندگان دستور داده شده بود برای این کار به اداره استیناف ملی در پکن بروند. درنهایت پس از دیدار نمایندگان تمرین‌کنندگان با نخست‌وزیر ژو رونغجی، این دادخواهی آرام و منظم با آرامش پایان یافت.

در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۱، پنج نفر ظاهراً خود را در میدان تیان‌آمن پکن به آتش کشیدند، اما برخلاف ادعای رسانه‌های تحت کنترل دولت مبنی بر اینکه آنها تمرین‌کننده فالون گونگ بودند، هیچ‌یک از آنها فالون گونگ را تمرین نمی‌کردند. این حادثه از قبل برنامه‌ریزی شده بود، از چند زاویه و در ناحیه‌ای امن، از این حادثه فیلمبرداری شد و خبر آن بلافاصله پس از وقوعش، در سراسر چین پخش شد. حتی اگرچه بعداً مشخص شد که این خودسوزی صحنه‌سازی شده بود، آن توانست افکار عمومی را علیه فالون گونگ برانگیزاند.

مقامات چین ادعا کرده‌اند که فالون گونگ «منجر به مرگ بیش از ۱۴۰۰ تن» از پیروانش شده است، اما معلوم شده که این موارد جعلی بوده‌اند. این به اصطلاح قربانیانی که مورد بررسی و تحقیق قرار گرفتند یا فالون گونگ را تمرین نمی‌کردند یا اصلاً وجود خارجی نداشتند. مقامات چین به دروغ ادعا می‌کنند که آموزه‌های فالون گونگ تمرین‌کنندگان را از مصرف دارو و استفاده از معالجه پزشکی منع می‌کند.



ضمیمه ۱: دادخواهی مسالمت‌آمیز ۲۵ آوریل ۱۹۹۹

الف ۱.۱ نگاهی اجمالی^{۳۷۲}

الف ۱.۱.۱ پیش‌زمینه

در تاریخ ۲۳ و ۲۴ آوریل سال ۱۹۹۹، مأموران پلیس شهر تیانجین، شهری در مجاورت پکن، به ده‌ها تمرین‌کننده فالون گونگ حمله‌ور شده و آنها را دستگیر کردند. این تمرین‌کنندگان برای گفتگو پیرامون اشتباهات موجود در مقاله‌ای که به‌تازگی در حمله به فالون گونگ منتشر شده بود، و رفع آن اشتباهات، در بیرون دفتر مجله‌ای جمع شده بودند. همانطور که خبر این دستگیری‌ها پخش می‌شد و تعداد بیشتری از تمرین‌کنندگان فالون گونگ در این خصوص از مقامات پرس‌وجو می‌کردند، به آنها گفته شد که باید دادخواست خود را به پکن ببرند. روز بعد، در ۲۵ آوریل، بیش از ۱۰ هزار تمرین‌کننده فالون گونگ به‌شکلی خودجوش در محل اداره استیناف مرکزی در پکن جمع شدند، یعنی همان‌طور که مقامات تیانجین راهنمایی‌شان کرده بودند. این تجمع، آرام و با رعایت کامل نظم بود. چند نفر به‌عنوان نماینده فالون گونگ فراخوانده شدند تا با نخست‌وزیر چین، ژو رونگجی، و اعضای هیئت‌تش دیدار کنند. آن شب، به نگرانی‌های تمرین‌کنندگان فالون گونگ رسیدگی شد، تمرین‌کنندگان بازداشت‌شده در تیانجین آزاد شدند و همگی به خانه رفتند.

الف ۲.۱.۱ مشکل

بنا بر اظهارات چند منبع در داخل دولت چین، در ماه‌های پس از تجمع ۲۵ آوریل، کشمکش سیاسی شدیدی در سطوح بالای ح‌ک‌چ بین مقامات عالی‌رتبه ایجاد شد. رئیس وقت ح‌ک‌چ، جیانگ زمین، خواستار این بود که دولت، فالون گونگ را «در هم بکوبد»، درحالی‌که سایر اعضای پولیت‌بورو، هیچ تهدیدی را از جانب این تمرین احساس نمی‌کردند. تحلیلگر ارشد سی‌ان‌ان، ویلی لام، به‌نقل از مقامات ارشد اظهار داشت که سرکوب فالون گونگ برای جیانگ زمین مسئله‌ای بسیار «شخصی» است.

جیانگ در ماه ژوئیه دستور سرکوب فالون گونگ را به‌طور رسمی صادر کرد. متعاقباً، به‌سرعت توصیف جدیدی از تجمع ۲۵ آوریل ارائه شد. آنها دیگر به آن تجمع با عنوان دادخواهی مسالمت‌آمیز، آن‌طور که واقعاً بود، اشاره نکردند و برجسب «محاصره» مجتمع دولت مرکزی را به آن زدند و آن را «مدرکی» قلمداد کردند دال بر اینکه فالون گونگ تهدید محسوب می‌شود.

الف ۳.۱.۱ اهمیت موضوع

ارائه اطلاعات نادرست درباره دادخواهی ۲۵ آوریل و اشاره به آن با عنوان «محاصره» مجتمع دولت مرکزی، هم در چین و هم در خارج از کشور، فالون گونگ را سیاسی جلوه داد. بنابراین، به‌جای اینکه آزار و شکنجه فاون گونگ به‌دست حکم سرکوبی خشونت‌آمیز علیه اقلیتی مذهبی قلمداد شود، به‌تدریج این روایت منتشر شد که فالون گونگ و حکم با هم بر سر قدرت در رقابت هستند. علاوه بر این، برخی از تحلیلگران مسائل چین در غرب به این باور رسیدند که فالون گونگ با «به‌چالش کشیدن» دولت در روز ۲۵ آوریل، آزار و شکنجه را برای خود به همراه آورد. این روایت از شوق بسیاری از حامیان بالقوه حقوق بشر و حقوق مذاهب کاست، و به‌عنوان عامل بزرگی در پدیده «مقصر قلمدادکردن قربانی» باقی ماند که بررسی‌ها و گزارش‌ها درباره آزار و شکنجه فالون گونگ را به‌طور گسترده‌تری تحت‌الشعاع خود قرار داد.

الف ۲.۱ حقایق مختصر و مفید^{۳۷۳}

الف ۱.۲.۱ چرا تمرین‌کنندگان دادخواهی خود را نزد کمیته مرکزی حکم بردند؟

در اوایل ژوئن ۱۹۹۶، اداره تبلیغات مرکزی به سطوح مختلف دولت دستور داد فالون گونگ را مورد انتقاد قرار دهند. *گونگ‌مینگ دیلی* اولین حمله را با انتشار مقاله «زنگ هشدار همچنان به‌صدا درمی‌آید» آغاز کرد. متعاقباً اداره نشر اخبار انتشار، توزیع و فروش کتاب‌های فالون گونگ را ممنوع کرد.

قبل از ۲۵ آوریل، پلیس در سراسر کشور توقیف کتاب‌های فالون گونگ را شروع کرده بود و با مکان‌های تمرین گروهی مداخله می‌کرد. دستگیری تمرین‌کنندگان به‌دست پلیس تیانجین تشدید این آزارواذیت‌ها بود.

الف ۲.۲.۱ چند نفر برای دادخواهی ۲۵ آوریل ۱۹۹۹ به پکن رفتند؟

از دروازه جنوبی پارک بیهایی تا سمت غرب دروازه شی‌آن و از خیابان فویو تا کوچه غرب آن، در این دو مکان به‌تنهایی، ۳۰ هزار نفر حضور داشتند. تمرین‌کنندگانی که بعداً آمدند، مأموران در نواحی حاشیه‌ای این منطقه جلویشان را گرفتند. تمرین‌کنندگان از بیرون شهر، اجازه نداشتند از ایستگاه‌های قطار خارج شوند، یا اینکه در ایست‌های بازرسی بزرگراه‌ها جلویشان را می‌گرفتند و اجازه نداشتند وارد پکن شوند. دولت چین فقط رقم به‌شدت کاهش‌یافته ۱۰ هزار نفر را تصدیق کرد، اما رقم واقعی بسیار فراتر از این رقم بود.

الف ۳.۲.۱ تمرین‌کنندگانی که برای دادخواهی آمده بودند، خواسته‌شان چه بود؟

در آن زمان آنها سه خواسته داشتند:

۱. از پلیس تیانجین می‌خواستند تمرین‌کنندگان فالون‌گونی را که زندانی کرده بود، آزاد کند.
۲. محیط آرام و دوستانه‌ای برای تمرین‌کنندگان فراهم شود تا بتوانند در آن محیط تمرین کنند.
۳. اجازه چاپ کتاب‌های فالون‌گونی داده شود.

الف ۴.۲.۱ دادخواهان چگونه رفتار کردند؟

پارک بیهایی تا دروازه شی‌آن یکی از شاهراه‌های اصلی است. در تمام آن روز، این شاهراه وضعیت ترافیک روانی داشت. برخی از تمرین‌کنندگان پیش‌قدم شدند تا اطمینان حاصل کنند جریان ترافیک رهگذران و ویلچرها روان باشد. تمرین‌کنندگان در راستای حاشیه خیابان قدم می‌زدند تا رهگذران بتوانند از پیاده‌رو استفاده کنند. رفتارشان آرام و صلح‌جویانه بود.

الف ۵.۲.۱ دادخواهی چگونه خاتمه یافت؟

حدود ساعت ۱۰ شب، پیامی از دروازه غربی ژونگ‌نان‌های دریافت شد: «نمایندگان برگشته‌اند و درخواست‌های تمرین‌کنندگان را به رؤسای کمیته مرکزی منتقل کرده‌اند. همه تمرین‌کنندگانی که پلیس تیانجین آنها را دستگیر کرده، آزاد خواهند شد. حالا همگی می‌توانند به خانه خود بازگردند.» تمرین‌کنندگان محیط اطراف خود را تمیز کردند، حتی ته‌سیگارهایی را که مأموران پلیس به زمین انداخته بودند جمع کردند و در کمتر از ۲۰ دقیقه، همگی آن مکان را ترک کردند.

الف ۶.۲.۱ مسئله‌ای حل نشده:

نخست‌وزیر وقت، ژو رونجی، از نمایندگان تمرین‌کنندگان در آن زمان پرسید که آیا تاکنون نظرات او را درباره فالون گونگ خوانده‌اند. نمایندگان فالون گونگ گفتند آنها هرگز آن را ندیده‌اند. بسیاری از افراد نمی‌دانستند چه کسی مانع انتشار نظرات او شده و چرا چنین چیزی صورت گرفته است. این مسئله تا به امروز همچنان در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است.

الف ۳.۱ تحلیل^{۳۷۴}

الف ۱.۳.۱ توالی رویدادها

محقق به نام «هه زوشیو» مقاله‌ای را در مجله علم و فناوری برای جوانان (مجله‌ای که دانشکده آموزش تیانجین چاپش می‌کند) منتشر کرد با عنوان «با جوانانی که چی‌گونگ تمرین می‌کنند موافق نیستم.» هه در این مقاله، داستان‌هایی دروغین درباره فالون گونگ ساخت مبنی بر اینکه این روش منجر به بیماری روانی می‌شود و به‌طور ضمنی بیان کرد که فالون گونگ می‌تواند به سازمانی شبیه به بوکسرها تبدیل شود که در قرن نوزدهم رهبری یک شورش را به دست گرفت و ملت را نابود کرد.

برخی از تمرین‌کنندگان بین ۱۸ و ۲۴ آوریل به دانشکده آموزش تیانجین رفتند تا با سردبیران مجله صحبت و آن تهمت‌ها را پاک کرده و تجربیات خود را درباره تمرین فالون گونگ بیان کنند. گفتگوها آرام و صلح‌آمیز بود. با این حال، اداره امنیت عمومی تیانجین در ۲۳ الی ۲۴ آوریل پلیس ضدشورش را اعزام کرد که تمرین‌کنندگان را تحت ضرب‌وشتم قرار دهند و ۴۵ نفر از آنها را دستگیر کردند.

وقتی سایر تمرین‌کنندگان به دنبال آزادی تمرین‌کنندگان دستگیرشده به فرمانداری شهر تیانجین رفتند، به آنها گفته شد که وزارت امنیت عمومی در این جریان دخالت داشته و آنها نمی‌توانند آن تمرین‌کنندگان را بدون تأیید پکن آزاد کنند. پلیس تیانجین به تمرین‌کنندگان گفت: «به پکن بروید. فقط با رفتن به پکن می‌توانید مشکل را حل کنید.»

در تاریخ ۲۵ آوریل، تمرین‌کنندگان در بیرون اداره استیناف ملی در پکن جمع شدند تا از آنها بخواهند (۱) تمرین‌کنندگان بازداشت‌شده در تیانجین را آزاد کنند (۲) تمرین‌کنندگان فضایی باز و قانونی داشته باشند که در آن بتوانند تمرینات فالون گونگ را انجام دهند و (۳) ممنوعیت انتشار کتاب‌های فالون گونگ لغو شود.

چند مأمور پلیس به تمرین‌کنندگان در اداره استیناف گفتند که یک مکان امن نیست و اجازه ورود به مکان دیگر وجود ندارد. طبق دستورالعمل‌های پلیس، تمرین‌کنندگان در امتداد ژونگنان‌های به دو گروه تقسیم شدند. بعداً، هه زوشیو آمد و سعی کرد تمرین‌کنندگان را تحریک کند، اما تمرین‌کنندگان واکنشی به او نشان ندادند.

به گفته یک شاهد، در غروب ۲۴ آوریل، برخی از تمرین‌کنندگان شاغل در وزارت امنیت عمومی، پیش از این کارت شناسایی خود را به ژونگنان‌های ارسال کرده و خواستار فرصتی برای گفتگو درباره این وضعیت شده بودند، اما هیچ پاسخی دریافت نکردند. در ساعت ۹ شب، تمرین‌کنندگان شروع به تجمع در خیابان فویو در نزدیکی ژونگنان‌های کردند؛ برخی با چمدان و برخی با زیرانداز مدیتیشن.

در ساعت ۶ بامداد ۲۵ آوریل، یک شاهد به ورودی شمالی خیابان فویو رفت و متوجه شد که پلیس در حال مسدود کردن مسیر به سمت ژونگنان‌های است. هیچ‌کدام از تمرین‌کنندگان تلاش نکردند به زور راه خود را باز کنند. پلیس ابتدا تمرین‌کنندگان را از سمت شرق خیابان به سمت غرب آن هدایت و سپس آنها را راهنمایی کرد که به جنوب به سمت ژونگنان‌های بروند. در همین حال، گروه دیگری به رهبری پلیس از جهت مخالف آمدند و هر دو گروه درست بیرون ورودی اصلی ژونگنان‌های به هم برخورد کردند. بر اساس گفته‌های رسانه‌ها، بیش از ۱۰ هزار تمرین‌کننده در بیرون ژونگنان‌های جمع شده بودند.

پس از مدت کوتاهی، تمرین‌کنندگان از هر جهت به آنجا نزدیک می‌شدند. آنها همه پیاده‌روهای بیرون ژونگنان‌های را پر کردند. اما مسیر عبور مور و اتومبیل‌ها به هیچ‌وجه

مسدود نشده بود. حتی مسیر عبور و مرور معلولان نیز باز بود. در میان تمرین‌کنندگان، زنان و مردان حدوداً ۸۰ ساله، زنان بارداری که در ماه‌های پایانی دوره بارداری خود بودند، و مادرانی که نوزادان خود را به بغل داشتند به چشم می‌خوردند. تمرین‌کنندگان این طرف و آن طرف و به بالا و پایین خیابان نمی‌رفتند، شعار نمی‌دادند یا دعوا و مزاح نمی‌کردند.

در چین، دادخواهی به دولت نیازی به مجوز اداره امنیت عمومی ندارد. هر تمرین‌کننده برای ابراز نظرات خود و گزارش بدرفتاری صورت‌گرفته با خودش و دوستانش به آنجا رفت. آنها هیچ قانون یا مقرراتی را نقض نکردند. وقتی تمرین‌کنندگان فکر کردند که به هدف خود رسیده‌اند یعنی نگرانی‌های خود را ابراز کرده‌اند و دولت آنها را درک کرده و حمایتشان می‌کند، در سکوت پراکنده شدند و رفتند.

الف ۲.۳.۱ علل تجمع

در ظاهر به نظر می‌رسید دستگیری‌های تیانجین و مقاله ضد فالون گونگ هه زوشیو عوامل محرک دادخواهی ۲۵ آوریل بوده‌اند. اما دلیل اصلی نگرانی مقامات مرکزی، محبوبیت بی‌سابقه فالون گونگ بود. هفت سال پس از اولین سخنرانی عمومی آقای لی هنگجی در سال ۱۹۹۲، حدود ۷۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر در سرزمین اصلی چین فالون گونگ را تمرین می‌کردند. درک کامل این رویداد بسیار پیچیده است، زیرا هم علل بلندمدت و هم علل کوتاه‌مدت داشت و به مبارزات سیاسی درون حزب کمونیست مربوط بود.

(الف) علت بلندمدت

علت بلندمدت دادخواهی ۲۵ آوریل، سرکوب در حال وقوع فالون گونگ بود. با گسترش سریع فالون گونگ، رهبری مرکزی حزب از اذیت‌دادن کنترل ایدئولوژیکی خود بر مردم ترسید. بنابراین دولت در آن سال‌ها تلاش می‌کرد از طریق رسانه‌ها، ممنوعیت کتاب، انجام بازجویی‌های زیرزمینی و مختل کردن محل‌های تمرین، فالون گونگ را تضعیف کند. دولت پیش از این نیز تلاش کرده بود محیط تمرین تمرین‌کنندگان را

نابود کند. تمرین‌کنندگان هیچ راه دیگری نداشتند جز اینکه با دادخواهی به مقامات مرکزی، آنها را از واقعیت‌های مربوط به این سرکوب آگاه کنند. تنها هدف تجمع ۲۵ آوریل این بود.

مقامات مرکزی در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۶ شروع به انتقاد از فالون گونگ کردند. در آن روز، روزنامه *گوانگ‌مینگ دیلی* (صدای رسمی شورای دولت با مقالاتی که فقط نظرات مقامات دولت را منعکس می‌کند) مقاله‌ای را منتشر کرد که با عباراتی مانند «غیرعلمی» و «خرافات»، از فالون گونگ انتقاد می‌کرد و تمرین‌کنندگان را «احمق» می‌خواند.

در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۶، اداره انتشارات اخبار چین اطلاعیه‌ای را درباره توقیف فوری پنج کتاب، از جمله فالون گونگ (نام قبلی‌اش فالون گونگ چین بود) را در سراسر کشور صادر کرد. به دنبال آن، ده‌ها روزنامه و مجله شروع به پیوستن به کمپین علیه فالون گونگ کردند. برخی از محققان معروف مانند هه زوشیو نیز در این کمپین فعال بودند. دفتر مرکزی اداره انتشارات ملی و تبلیغات مرکزی نیز به همه شرکت‌های نشر دستور داد که کتاب‌های مربوط به فالون گونگ را منتشر نکنند.

در آغاز سال ۱۹۹۷، لوئو گان (عضو کمیته دائمی پولیت‌بورو و دبیر کمیته امور سیاسی و حقوقی) به وزارت امنیت عمومی دستور داد تحقیقی را در سراسر کشور درباره فالون گونگ انجام دهد تا شواهدی را جمع‌آوری کند دال بر اینکه آن «فرقه‌ای شیطانی» است. پس از آنکه ادارات امنیت عمومی هیچ فعالیت مجرمانه‌ای در فالون گونگ پیدا نکردند، این تحقیقات پایان یافت.

در مه ۱۹۹۸، ایستگاه تلویزیونی پکن برنامه‌ای را پخش کرد که در آن هه زوشیو فالون گونگ را با استفاده از مطالب غیرمرتبط با این تمرین بدنام کرد. پس از پخش این برنامه، صدها تمرین‌کننده فالون گونگ در مناطق پکن و هبی به این ایستگاه تلویزیونی نامه نوشتند تا به اطلاعات دروغینی اشاره کنند که در این برنامه نشان داده شده بود. در ۲ ژوئن ۱۹۹۸، ایستگاه تلویزیونی پکن اصلاحیه‌ای را پخش، و به اشتباهات در برنامه قبلی اعتراف کرد. شایان ذکر است که هه زوشیو بعداً در مقاله مجله خود از همان محتوای توهین‌آمیز استفاده کرد.

همچنین در مه ۱۹۹۸، اداره کل ورزش چین تحقیق جامعی را درباره فالون گونگ آغاز کرد. در ۲۰ اکتبر همان سال، محقق ارشد شهرهای چانگچون و هاربین اظهار داشت که

فالون گونگ در بهبود سلامتی و ارتقا سطح فرهنگ مؤثر است. تحقیقات در پکن، گوانگدونگ، دالیان و ووهان نیز به نتیجه‌گیری مشابهی رسید.

در ژوئیه ۱۹۹۸، وزارت امنیت عمومی به دستور لوئو گان، اطلاعیه [۱۹۹۸] شماره ۵۵۵۵ را برای تحقیق درباره فالون گونگ صادر کرد. این اطلاعیه قبل از اینکه به ادارات امنیت عمومی و محافظت سیاسی محلی دستور دهد در جستجوی فعالیت‌های مجرمانه‌ای از سوی تمرین‌کنندگان فالون گونگ باشند، از ابتدا این‌طور نتیجه‌گیری کرد که فالون گونگ «فرقه‌ای شیطانی» است. به عبارت دیگر، این وزارتخانه قبل از انجام تحقیقات، گناه را اعلام کرد.

پس از صدور این سند، بسیاری از ادارات امنیت عمومی محلی اعلام کردند که فعالیت‌های فالون گونگ اقدامات غیرقانونی در نظر گرفته می‌شوند. آنها گروه‌های تمرین را متفرق کردند، اموال شخصی تمرین‌کنندگان را توقیف، و آنها را بازداشت و دستگیر کردند، تحت ضرب و شتم و آزار و اذیت کلامی قرار دادند. در برخی مناطق، تمرین‌کنندگان جریمه شدند و کتاب‌های مربوط به فالون گونگ ممنوع اعلام شد. تمرین‌کنندگان بارها از طریق کانال‌های عادی سعی در ارائه دادخواهی داشتند اما موفق نبودند.

حک چ فقط به مقامات خودش اجازه می‌دهد در فضای عمومی ابراز نظر کنند. تا آن زمان مقالات زیادی منتشر شده بود که فالون گونگ را مورد انتقاد و افترا قرار می‌دادند. هیچ مقاله‌ای در دفاع از فالون گونگ مجاز نبود منتشر شود. تحت این شرایط، تمرین‌کنندگان فالون گونگ چاره‌ای جز این نداشتند که به پکن بروند و از دولت دادخواهی کنند تا به آنها محیطی باز و بدون محدودیت بدهد که در آن بتوانند باورشان را تمرین کنند.

(ب) علل سیاسی

سرکوب از جانب دولت که منجر به دادخواهی ۲۵ آوریل شد، احتمالاً مربوط به کشمکش‌های سیاسی بین مقامات عالی‌رتبه بود. گروه‌های مختلف در دولت مرکزی

نظرات مختلفی درباره فالون گونگ داشتند. در میان آنها، تعدادی به‌منظور پیشرفت در حرفه سیاسی خود، سعی در از بین بردن فالون گونگ داشتند. طبق گزارشی از آژانس خبری مرکزی (۵/۴ از تایپه)، نقشه سیاسی دولت در پشت رویداد ۲۵ آوریل را می‌توان تحت عنوان «آزادی قبل از دستگیری» و «نیرنگ رنج [از سوی دولت] قبل از متهم کردن [فالون گونگ]» توصیف کرد. هدف این بود که اینگونه به نظر برسد که ژونگ‌نان‌های تحت فشار قرار گرفته و سپس فالون گونگ را قانون‌شکن اعلام کنند که به دولت اجازه می‌داد قدرتش را در نابودی این به‌اصطلاح تهدید به نمایش بگذارد.

در اوایل سال ۱۹۹۶، پیشرفت سریع فالون گونگ مورد توجه رهبری مرکزی حزب قرار گرفت. لوئوگان، دبیر کل شورای دولت در آن زمان، به وزارت امنیت عمومی دستور داد تحقیقات مخفیانه‌ای را انجام دهد. کارکنان امنیت عمومی مخفیانه در فعالیت‌های مختلف فالون گونگ شرکت می‌کردند، اما هیچ مدرکی مبنی بر رفتار مجرمانه یافت نشد.

حتی با اینکه مدرکی پیدا نشد، هنوز دو نظر در دولت درباره نحوه برخورد با فالون گونگ وجود داشت. یک طرف فکر می‌کرد که فالون گونگ مشکلی سیاسی نیست. بنابراین نباید ممنوع شود. طرف مقابل نگران محبوبیت روزافزون و نفوذ فالون گونگ بود، و تصور می‌کرد آن می‌تواند به‌طور بالقوه نیرویی در مخالفت با حزب کمونیست باشد. لوئوگان از ممنوعیت فالون گونگ دفاع می‌کرد. نخست‌وزیر ژو رونگجی این نظر را رد می‌کرد و رئیس‌جمهور جیانگ زمین نظر خود را ابراز نکرد.

لوئوگان از اقوام هه زوشیو است. هه زوشیو از رسانه‌ها برای افترازدن به فالون گونگ استفاده و حوادثی را ایجاد کرد. این حوادث همه جناح‌های حزب کمونیست را به این توافق رساند که فالون گونگ را غیرقانونی اعلام کنند. پس از رویداد ۲۵ آوریل، لوئوگان گزارش داد که فالون گونگ ده‌ه‌های میلیون پیرو دارد، و اینکه ماهیت «مذهبی و خرافاتی» دارد و آقای لی هنگجی، که در آن زمان در نیویورک زندگی می‌کرد، مشکوک به داشتن یک شبکه ارتباطی بین‌المللی پیچیده است. او اظهار داشت که بنابراین فالون گونگ تهدیدی بالقوه برای ثبات اجتماعی است. این عقاید و نظرات حتی به‌طور گسترده در هنگ کنگ و رسانه‌های بین‌المللی منتشر شد تا درباره این به‌اصطلاح «تهدید» بالقوه فالون گونگ اغراق کند.

در واقع فالون گونگ تمرینی است چندان سازماندهی و تشکیلات ندارد و عضویت و سلسله‌مراتب نیز ندارد و تمرین‌کنندگان نمی‌توانستند بنا به ادعای برخی، «به‌خوبی سازمان‌یافته و به‌خوبی هدایت‌شده» باشند.

الف ۳.۳.۱ برخی توضیحات

(الف) تمرین‌کنندگان فریب مقامات را خوردند و دور ژونگ‌نان‌های جمع شدند

حکچ ادعا کرد که تمرین‌کنندگان فالون گونگ «ژونگ‌نان‌های» را محاصره کردند. همان‌طور که قبلاً شرح داده شد، پلیس بود که این جریان را نظم و ترتیب داد و تمرین‌کنندگان فالون گونگ را در دو مسیر هدایت کرد و به این ترتیب آنها در جلوی ورودی ژونگ‌نان‌های به هم رسیدند و حلقه‌ای را شکل دادند. حتی وقتی آن شاهد دیده‌هایش را شرح می‌داد متوجه این حقه پلیس نشده بود.

سه روز قبل از دادخواهی ۲۵ آوریل، پلیس اطلاعاتی را درباره این تجمع قریب‌الوقوع دریافت کرده بود و با دقت وضعیت را تحت‌نظر داشت. اما تصمیم گرفت اطلاعات را گزارش نکند. وقتی از هه زوشیو خواسته شد درباره این رویداد اظهارنظر کند، او گفت: «فعلاً اظهارنظری نخواهم کرد زیرا نمی‌خواهم کل این برنامه‌ریزی را خراب کنم.»

(ب) تمرین‌کنندگان فالون گونگ فقط به‌منظور دادخواهی به پکن رفتند

تمرین‌کنندگان به پکن و تیانجین رفتند زیرا هیچ راه دیگری وجود نداشت که واقعیت‌ها را گزارش دهند و خواستار رسیدگی به افتراهایی شوند که علیه فالون گونگ منتشر شده بود.

مطابق ماده ۴۱ قانون اساسی چین، شهروندان حق دارند از هر ارگان دولتی و عملکردش انتقاد کنند یا پیشنهادهای درباره آنها ارائه دهند. در دهمین دستورالعمل قانون «آیین‌نامه دادخواهی» چین آمده است که مسائل مربوط به روند دادخواهی باید به ادارات اجرایی مربوطه یا یک سطح بالاتر ارائه شوند، زیرا این ادارات حق قانونی برای تصمیم‌گیری دارند.

پس از دستگیری تمرین‌کنندگان در ۲۳ آوریل در تیانجین، سایر تمرین‌کنندگان برای دادخواهی در محل اداره استیناف استانداری شهر تیانجین تجمع کردند. با این دادخواهی موافقت نشد. در عوض، حدود ۴۰ تمرین‌کننده دیگر دستگیر شدند. در نتیجه آنها مجبور شدند به سطحی بالاتر از استانداری شهر تیانجین، که دولت مرکزی پکن است، دادخواهی کنند. این دادخواهی‌ها در تیانجین و پکن هیچ‌گونه مقررات دولتی را نقض نمی‌کرد.

(پ) تجمع ۲۵ آوریل را استاد لی هنگجی برنامه‌ریزی یا هدایت نکردند

در گزارش ۱۰هزارکلمه‌ای اداره امنیت داخلی چین، آقای لی هنگجی، بنیانگذار فالون گونگ، به سازماندهی دادخواهی ۲۵ آوریل در پشت صحنه متهم شد. در حقیقت، آقای لی راهی استرالیا بودند تا در یک کنفرانس فالون گونگ حضور یابند، و در مسیرشان توقف کوتاهی در پکن داشتند اما در تاریخ ۲۵ آوریل در پکن نبودند. ایشان برای کاهش هزینه بلیت هواپیمای خود، در پکن و هنگ کنگ توقف‌های کوتاهی داشتند. آقای لی ۴۸ ساعت در پکن بودند و در ۲۴ آوریل به مقصد هنگ کنگ پکن را ترک کردند.

(ت) چگونه می‌توان ۱۰هزار نفر را بدون سازماندهی گرد هم آورد

این برای دولت چین سؤال بود که چطور افراد بسیار زیادی بدون سازماندهی، هم‌زمان به ژونگنان‌های رسیدند. خبر دستگیری‌های تیانجین به‌صورت کلامی و از فردی به فرد دیگر پخش شد، دقیقاً همان‌طور که فالون‌گونگ به‌سرعت و از طریق فردی به فرد دیگر گسترش یافت درحالی‌که تمرین‌کنندگان به دوستان و خانواده‌های خود می‌گفتند چگونه از مزایای این تمرین بهره‌مند شده‌اند. این شبکه این امکان را می‌دهد که اطلاعات بدون سازمان یا برنامه‌ریزی یک شخصیت اصلی، به افراد زیادی منتقل شود.

برخی شاهدان اشاره کرده‌اند که تمرین‌کنندگان در بیرون ژونگنان‌های منظم‌تر از پلیس بودند، و این جریان این مسئله را القا می‌کرد که این جمعیت به‌طور وسیعی آموزش دیده‌اند. اما باید توجه داشته باشیم که آموزه‌های فالون‌گونگ تمرین‌کنندگان را تشویق می‌کند خود را منضبط کنند، از واکنش‌های احساسی تحریک‌آمیز اجتناب کنند و نخست سایرین را در نظر بگیرند. این رفتار آرام استاندارد است که آنها در زندگی روزانه‌شان حفظ می‌کنند. آن بیشتر از اینکه جمعیتی منضبط و منظم باشد، جمعیتی از افراد منضبط و منظم بود.

(ث) خلاصه: چه کسی واقعاً «ثبات اجتماعی را بر هم زد؟»

همان‌طور که در بالا اشاره شد، به تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ آموزش داده می‌شود درحالی‌که منافع شخصی را سبک می‌گیرند شهروندانی نمونه و کارمندی کوشا و درستکار باشند. در شهر چانگچون گفته‌ای در میان کارفرمایان وجود داشت: «ما هرکسی را که تمرین‌کننده فالون‌گونگ است، استخدام خواهیم کرد زیرا باعث می‌شود خیالمان راحت باشد.» در خانه تمرین‌کنندگان تلاش می‌کنند شوهر یا همسر خوبی باشند، فرزند خوبی باشند و تلاش می‌کنند زندگی خانوادگی آرام و هماهنگی را تضمین کنند. آنها آموزش می‌بینند در مواجهه با تعارض با سایرین، خود را بررسی کنند تا معایب و کاستی‌هایشان را بیابند.

این خصوصیات نظم اجتماعی را مختل نمی‌کند بلکه آن را تضمین می‌کند. این جریان با آرزوی اعلام‌شده رژیم چین مطابقت دارد که می‌خواهد «بیش از هرچیز دیگری ثبات» داشته باشد.

اما دولت به‌جای تحسین و استقبال از این ارزش‌ها، میلیون‌ها انسان بی‌گناه را دشمن قلمداد کرده است. والدین دستگیر و به زندان‌ها یا اردوگاه‌های کار اجباری فرستاده شده‌اند، درحالی‌که فرزندان‌شان تنها مانده‌اند و حتی گاهی کودکان بدون سرپرست رها شده‌اند. خانواده‌ها و اجتماعات از هم پاشیده شده‌اند. مادران مجبور شده‌اند به دختران خود تهمت بزنند و پسران و اदार شده‌اند پدر و همسایگان‌شان را تحویل پلیس داده و درباره یکدیگر به پلیس گزارش دهند. دانش‌آموزان به دلیل تمرین فالون گونگ از مدرسه اخراج و کارمندان نیز به دلیل اجتناب از رهاکردن باورشان اخراج و مجبور به پرداخت جریمه‌های سنگین شده‌اند. به هیچ‌کسی اجازه داده نشد بی‌طرف باقی بماند و این آزار و شکنجه به نتیجه‌ای خلاف ثبات اجتماعی دست یافته است.



ضمیمه ۲: حقه خودسوزی در میدان تیان آن من

الف ۱.۲ نگاهی اجمالی^{۳۷۰}

الف ۱.۱.۲ پیش‌زمینه

در پایان سال ۲۰۰۰، یک سال و ۶ ماه پس از آغاز سرکوب فالون گونگ به دست حزب کمونیست چین (حک‌چ)، این کمپین و اقدامات خصمانه نتوانسته بود حمایت بسیاری از مقامات حک‌چ را به دست آورد. رهبر وقت حک‌چ، جیانگ زمین، پیشتر در سال ۲۰۰۰ به استان‌های جنوبی سفر کرده بود به این امید که در میان سران محلی حمایت بیشتری برای این کمپین کسب کند. در عین حال، حمایت عمومی از این کمپین کم‌رنگ شد. در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۱، ادعا شد که پنج نفر خود را در میدان تیان آن من پکن به آتش کشیده‌اند. دوربین از کل این رویداد از زوایای متعدد فیلم گرفت. فقط چند ساعت پس از این ماجرا، رسانه‌های تحت کنترل حکومت، سیلی از گزارش‌هایی ارائه دادند مبنی بر اینکه خودسوزی‌کنندگان تمرین‌کننده فالون گونگ بوده‌اند. این گزارش‌ها شامل تصاویری وحشتناک از قربانیان بود و آموزش‌های فالون گونگ را به‌عنوان مسئول مستقیم این تراژدی به تصویر می‌کشید.

الف ۲.۱.۲ مشکل

در هفته‌های پس از این رویداد، حجم گسترده‌ای از شواهد کشف‌شده (از جمله یافته‌های یکی از مقالات واشنگتن پست مبنی بر اینکه دو تن از خودسوزی‌کنندگان هرگز فالون گونگ را تمرین نکرده‌اند) حکایت از این داشتند که کل این رویداد ساختگی بوده است. با این حال، در حالی که مردم داخل چین به این اطلاعات دسترسی نداشتند، رسانه‌های تحت کنترل دولت چین به کمپین حمله رعدآسای خود ادامه دادند تا «خودسوزی‌کنندگان» را تمرین‌کننده فالون گونگ جلوه دهند. در بین مردم سراسر چین، احترام به فالون گونگ و ابراز همدردی با آن، جای خود را به خشم و حمله به این تمرین داد. جرایم و اعمال ناشی از تنفر علیه تمرین‌کنندگان فالون گونگ

افزایش یافت و ح کچ با افزایش دستگیری‌ها، شکنجه، قتل، و برداشت اجباری اعضای بدن، آزار و شکنجه را تسریع کرد.

الف ۳.۱.۲ اهمیت موضوع

در سال ۱۹۹۹، با ۷۰ تا ۱۰۰ میلیون تمرین‌کننده فالون گونگ در چین، این تمرین سنتی اساساً نامی آشنا و نیز احترام‌برانگیز بود. اما این «خودسوزی» ساختگی تمام اینها را یک‌شبه تغییر داد، و همچنان تا امروز تنها و تأثیرگذارترین عامل انزجار و نفرت نسبت به فالون گونگ در میان چینی‌ها است. بی‌تفاوتی یا خصومت حاصل از آن نسبت به فالون گونگ در چین، تلاش رژیم برای ریشه‌کن‌سازی این تمرین را به مقدار بسیار زیادی تسهیل کرده است.

الف ۲.۲ حقایق مختصر و مفید

آتش ساختگی: استاندارد جدید اسفبار چین در فریب کشور، مستندی ساخت تلویزیون ان‌تی‌دی که نشان داد چگونه خودسوزی صحنه‌سازی شد، در پنجاه‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم کلمبوس موفق به دریافت گواهی‌نامه افتخاری شد.

سازمان بین‌المللی توسعه آموزش و پرورش، آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان فالون گونگ در چین را محکوم کرد و از آن با عنوان «تروریسم دولتی» نام برد. در یک بیانیه سازمان بین‌المللی توسعه آموزش و پرورش خطاب به سازمان ملل متحد در ۱۴ اوت ۲۰۰۱، آمده است: «ویدئویی از آن رویداد به دستمان رسیده که از نظر ما تأیید می‌کند آن را دولت صحنه‌سازی کرده است. نسخه‌هایی از این ویدئو را برای توزیع آماده کرده‌ایم.» شاهدان بی‌شماری نیز به‌طور مستقل شهادت دادند که آن روز در میدان تیان آن من حکومت نظامی بود و این جریان مانع از ورود تمرین‌کنندگان فالون گونگ به میدان می‌شد.

بر اساس این شواهد، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) نیز این رویداد خودسوزی را فریب تلقی کرد.

الف ۳.۲ تجزیه و تحلیل

در زیر گزیده‌ای از واقعیت‌ها وجود دارد که نشان می‌دهد چطور حقه خودسوزی در میدان تیان آن من را مقامات چین برای اهداف تبلیغاتی صحنه‌سازی کردند.^{۳۶} گزارش‌های حداقل ده شاهد عینی و شش تن از افراد خودی که این رویداد را شخصاً دیدند یا از قبل از آن آگاه بودند این واقعیت‌ها را تأیید کرده‌اند.

الف ۱.۳.۲ قربانی لیو چونلینگ، فالون گونگ را تمرین نمی‌کرد و بر اثر اصابت ضربه به سر درگذشت

پخش برنامه تلویزیون مرکزی چین (سی‌سی‌تی‌وی) با حرکت آهسته نشان می‌دهد که یکی از خانم‌ها، لیو چونلینگ، که به روایت آژانس خبری شین‌هوا فرض بر این است که بر اثر صدمات ناشی از سوختگی جان باخته است، در حقیقت مورد اصابت ضربه شدید میله‌ای آهنی به پیشانی‌اش قرار گرفت. این ضربه را مردی که پالتوی ارتش به تن داشت به او زد. مشاهده می‌شود که او بلافاصله نقش بر زمین می‌شود و به احتمال زیاد بر اثر آن ضربه جان خود را از دست می‌دهد، اما مردی که پالتوی نظامی به تن داشت برای نجات لیو چونلینگ تلاشی نکرد.

در صحنه‌ای که لیو چونلینگ با ضربه کشته می‌شود، می‌توان دید که موهایش در حال سوختن است. این بدین معنی است که مدت سوختن او نمی‌توانسته بیشتر از چند ثانیه باشد. با این حال، مأموران پلیس از همان آغاز شعله‌ها شروع به اطفای حریق کردند و بنابراین می‌توانستند قبل از اینکه او تا سرحد مرگ مجروح شود آتش را خاموش کنند.

در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۰۱، واشنگتن‌پست گزارشی تحقیقاتی را در صفحه نخست خود به چاپ رساند با این عنوان: «آتش انسان معمای چین را به آتش می‌کشد- انگیزه ایجاد حریق در ملأعام، جدال با فالون گونگ را تشدید می‌کند.»^{۳۷} این مقاله بیان کرد که لیو چونلینگ بر خلاف ادعاها، اهل کایفانگ نبود و اینکه هیچ‌کس هرگز او را در حال انجام تمرینات فالون گونگ ندیده بود.

الف ۲.۳.۲ تناقضات بی‌شمار در خصوص وانگ جیندونگ

یکی از افرادی که دست به خودسوزی زدند، وانگ جین دونگ، ظاهراً برای به آتش کشیدن خود، از یک بطری اسپرایت پلاستیکی سبزرنگ که با بنزین پر شده بود استفاده کرد و این مایع آتش‌زا را روی خودش ریخت. بطری پلاستیکی محتوی بنزین باید یکی از اولین چیزهایی باشد که ذوب می‌شود، اما این صحنه از ویدئو نشان داد که بطری در میان پاهای او دست‌نخورده باقی مانده است.

بنا به این گزارش رسمی، مأموران پلیس آتش را در کمتر از یک دقیقه خاموش کردند. موهای انسان به شدت قابل اشتعال است و در عرض چند ثانیه به طور کامل می‌سوزد. اما در این ویدئو، موهای وانگ اصلاً نسوخته است، درحالی‌که به نظر می‌رسد صورتش تا حدی سوخته که به رنگ خاکستری درآمده است. علی‌رغم ادعاهای شینهوا، مبنی بر پوشیده شدن وانگ در شعله‌های آتش و دود، فیلم سی‌سی‌تی‌وی هرگز او را در آتش یا دود نشان نمی‌دهد.

فیلم‌های سی‌سی‌تی‌وی همچنین نشان می‌دهد به محض اینکه وانگ در میدان تیان آن من می‌نشیند، مأمور پلیسی در پشت وانگ منتظر است. فقط پس از اینکه وانگ برخی شعارها را فریاد می‌زند، پلیس او را با پتو اطفای حریق می‌پوشاند؛ گویا منتظر علامت است. اگر این واقعاً موضوعی از مرگ و زندگی بود، پلیس باید بلافاصله او را با [پتو] می‌پوشاند.

سرانجام، درحالی‌که مقامات دولتی می‌گفتند وانگ جین دونگ تمرین‌کننده فالون گونگ و مسئول هماهنگی این خودسوزی بوده است، کلماتی که وانگ فریاد زد و وضعیت نشستش در مدیتیشن، هیچ‌کدام با فالون گونگ مطابقت نداشت.

وانگ در آوریل سال ۲۰۰۳ طی مصاحبه‌ای با شین‌هوا تلاش کرد در این خصوص توضیح دهد: «به محض اینکه کبریت را زدم، شعله‌ها بلافاصله مرا بلعیدند؛ وقت این را نداشتم که در وضعیت داپان بنشینم بنابراین با یک پا در حالت ضربدر نشستم.» اما، عبارت «داپان» بخشی از فالون گونگ نیست، و وانگ در ویدئوی سی‌سی‌تی‌وی با یک پا در حالت ضربدر نشسته است.

برخی از بینندگان مشاهده کردند که وانگ جین دونگ دقیقاً مانند سربازی چینی نشسته است. به گفته منبعی موثق از چین، فرد حاضر در ویدئو، در حقیقت یکی از مأموران ارتش آزادی‌بخش خلق بود.

الف ۳.۳.۲ دختر ۱۲ساله بعد از عمل نای بُری آواز می خواند

در عمل نای بُری یک بریدگی در نای ایجاد می کنند و لوله ای را در گلو زیر تارهای صوتی قرار می دهند طوری که بیمار بتواند نفس بکشد. بیمار نمی تواند از دهان یا بینی اش برای نفس کشیدن استفاده کند و هوا نمی تواند به تارهای صوتی و حنجره اش برسد، بنابراین بیمار نمی تواند صحبت کند. برای فردی بزرگسال روزهای زیادی طول می کشد که بتواند خود را با این شرایط وفق دهد و این برای یک کودک زمان بسیار بیشتری طول خواهد کشید. اگر بیمار واقعاً بخواهد صحبت کند باید سوراخ لوله را ببوشاند، اما صدا منقطع و ناواضح خواهد بود.

با این حال، مصاحبه آژانس خبری شین هوا با قربانی ۱۲ساله، نشان داد که این دختر بچه فقط چهار روز بعد از عمل نای بُری، با صدای بلند و واضح با مصاحبه کنندگان صحبت می کند و آواز می خواند. این از نظر پزشکی غیرممکن است.

مقامات به هیچ خبرنگاری غیر از خبرنگاران شینهوا اجازه مصاحبه با لیو سی پینگ را نداده و به هیچ یک از اعضای خانواده اش نیز اجازه ملاقات ندادند. آنها مادر بزرگش را به حدی تهدید کردند که از مصاحبه وحشت داشت.

لیو سی پینگ به طور ناگهانی در ۱۷ مارس ۲۰۰۱ که آماده مرخص شدن از بیمارستان بود درگذشت. یکی از اعضای گروه پزشکی که به وضعیت درمان لیو سی پینگ رسیدگی می کرد گفت: «لیو سی پینگ به طور ناگهانی و در زمانی درگذشت که سوختگی هایش کم و بیش خوب شده و وضعیت سلامتی اش اساساً بهبود یافته و آماده بود از بیمارستان مرخص شود. علت مرگ او بسیار مشکوک است.»

الف ۴.۳.۲ پلیس تجهیزات آتش نشانی را در صحنه آماده کرده بود

پکن / یونینگ نیوز در ۱۶ فوریه ۲۰۰۱ گزارش داد: «۳ یا ۴ مأمور پلیس در حال خاموش کردن آتش هر فرد خودسوزی کننده بودند.» روی هم رفته آنها حدود ۲۵ فقره تجهیزات آتش نشانی داشتند.

این ماجرا به طور قابل ملاحظه ای متفاوت با برنامه ای است که تلویزیون مرکزی چین پخش کرد. برنامه سی سی تی وی نشان داد که فقط دو اتومبیل پلیس در صحنه وجود داشت. مأموران پلیسی که در این میدان گشت می زنند به طور معمول تجهیزات

آتش‌نشانی همراه خود ندارند و تصاویر نیز هیچ‌گونه تجهیزات آتش‌نشانی را در خود میدان تیان آن من نشان نمی‌دهد. نزدیک‌ترین ساختمان حداقل ۱۰ دقیقه پیاده با آنجا فاصله داشت.

تمرین‌کننده‌ای در ایالات متحده آنچه را که در روز خودسوزی دیده بود، این‌طور به یاد آورد:^{۳۷۸}

پلیس هشت نفر از ما دانشجویان را به‌زور در یک سمت بنای یادبود قهرمانان نگه داشت، اما دلیل این کار را نمی‌دانستیم. کمی پس از آن صدایی غیرعادی را شنیدیم که از فاصله کمتر از ده متر از آنجا می‌آمد، و سپس تویی از آتش را دیدیم. آن گلوله آتشین همچنان شعله‌ور بود.

در عرض یک دقیقه، تعداد زیادی مأمور پلیس ناگهان ظاهر شدند و با دستگاه اطفای حریق و پتوهایی آتش را خاموش کردند. کسی شعارهایی را فریاد می‌زد و پلیس مدتی با آن بدن در حال سوختن در کشمکش بود. اصلاً نمی‌دانستیم جریان چیست و گردنمان را بلند می‌کردیم تا بتوانیم چیزی ببینیم، اما پلیس ما را در فاصله دوری نگه داشته بود.

یکی از هم‌کلاسی‌ها گفت: «این بوی تند گازوئیل از کجا می‌آید؟» دیگری جواب داد: «مطمئناً این گازوئیلی است که می‌سوزد.» وقتی به عقب برگشتیم، چهار نفر را دیدیم که از آنجا می‌گذشتند، همگی کاملاً به گازوئیل آغشته شده بودند. آن موقع نفهمیدیم جریان چیست تا اینکه صدای مشتعل شدن گازوئیل را شنیدیم، و آن چهار نفر همگی در آتش بودند.

در این حین، ناگهان گروه بزرگی از مأموران پلیس با شتاب از پشت بنای یادبود دویدند، درحالی‌که دستگاه اطفای حریق، پتوهای آتش‌نشانی یا تخته‌هایی را در دست داشتند. آنها به سرعت شروع به خاموش کردن آتش کردند و هم‌زمان، با آن تخته‌ها جلوی دید ما را می‌گرفتند. همگی حیرت‌زده بودیم و با تعجب می‌گفتیم: «آنها همه چیز را از قبل آماده کرده بودند؛ آنها برای آتش‌سوزی آماده بودند!» یکی از هم‌کلاسی‌ها این‌طور نتیجه‌گیری کرد: «احتمالاً امشب در تلویزیون این خبر را پوشش می‌دهند.»

پلیس خیلی زود آتش‌ها را خاموش کرد، اما هیچ آمبولانسی ندیدیم که بیاید. برخی از گردشگران از جمله خارجی‌ها، عکس‌هایی گرفتند. پلیس دوربین‌هایشان را بدون توجه

به اینکه چه کسی بودند با عجله از آنها گرفت. نمی‌فهمیدیم جریان چیست و هرگز فکر نمی‌کردیم آن افراد که ظاهراً خود را به آتش کشیدند به فالون‌گونگ ربط داده شوند.

یک بار پلیس جلوی یکی از همکلاسی‌های ظاهراً درستکارم را در زیرگذری نزدیک میدان تیان آن من گرفت. آنها کاغذی را به او داده و دستور دادند جمله‌ای افتراآمیز درباره فالون‌گونگ را بخواند که روی آن کاغذ نوشته شده بود. وقتی او دلیلیش را پرسید، مأمور پاسخ داد: «اگر نخوانی، تو را به‌عنوان عضوی از فالون‌گونگ دستگیر می‌کنیم.» او بسیار ترسیده بود، از این رو آن را خواند و سپس دوان‌دوان فرار کرد.

الف ۵.۳.۲ فالون‌گونگ خودکشی و کشتن را ممنوع می‌کند

نقل قول‌های ذیل متعلق به متن اصلی فالون دافا، *جوآن فالون*، می‌باشد که در سال ۱۹۹۵ منتشر شده است:

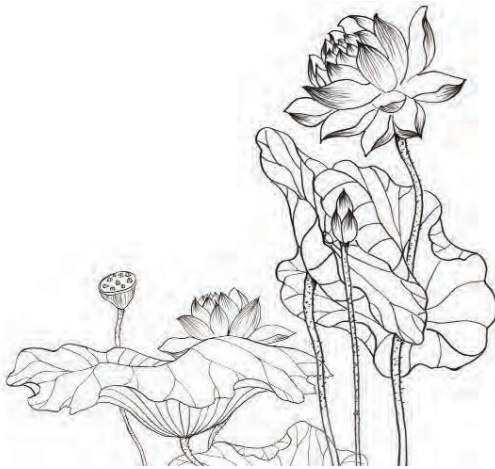
«موضوع کشتن بسیار حساس است. ما برای تمرین‌کنندگان، شرایط جدی و سختی را معین کرده‌ایم که نمی‌توانند موجودات را بکشند. اعم از اینکه مدرسه بود، دایو، یا غیرمعمولی باشد، بدون توجه به اینکه کدام مدرسه یا روش تزکیه‌ای است، تا آنجا که آن روش تزکیه درستی باشد، این مسئله را خیلی مطلق در نظر می‌گیرد و کشتن را ممنوع می‌داند، مطمئناً این‌طور است. از آنجا که از بین بردن یک زندگی بسیار جدی است، باید در مورد جزئیات آن صحبت کنیم. در بودیسم اولیه، "کشتن" عمدتاً به گرفتن جان انسان اشاره می‌کرد، که جدی‌ترین نوع است. بعدها، کشتن موجودات بزرگ، حیوانات بزرگ خانگی یا حیوانات نسبتاً بزرگ، همگی بسیار جدی در نظر گرفته شدند. چرا جامعه تزکیه‌کنندگان کشتن را این‌قدر جدی در نظر گرفته‌اند؟ در گذشته، در بودیسم عقیده بر این بود، اگر موجوداتی که قرار نبود بمیرند، کشته می‌شدند، به‌صورت ارواحی تنها و شیخ‌هایی بی‌خانمان درمی‌آمدند. در زمان‌های قدیم، مراسم و تشریفات برای آزادکردن روح این افراد از درد و رنج انجام می‌شد. بدون چنین مراسمی، این ارواح از گرسنگی و تشنگی رنج می‌بردند و در شرایط بسیار مشقت‌باری زندگی می‌کردند. این آن چیزی است که بودیسم در گذشته بیان کرده است.» (جوآن فالون، «موضوع کشتن»)

نقل قول زیر مربوط به یکی از سخنرانی‌های استاد لی در سیدنی در سال ۱۹۹۶ است که مستقیماً به پرسش تمرین‌کننده‌ای درباره خودکشی پاسخ می‌دهند.

«پرسش: سؤال سوم موضوع کشتن است که در کتاب ذکر شده است. کشتن یک زندگی گناه بسیار بزرگی است. اگر شخصی مرتکب خودکشی شود، آیا آن گناه محسوب می‌شود یا خیر؟

معلم: آن گناه محسوب می‌شود. اکنون این اجتماع بشری دیگر خوب نیست، و انواع واقسام چیزهای عجیب و غریب ظاهر شده است. آنها درباره به اصطلاح مرگ آسان با رضایت خود شخص [که معمولاً برای بیمارانی که زجر می‌کشند استفاده می‌شود] صحبت می‌کنند و افراد را تحت تزریق قرار می‌دهند و می‌گذارند که آنها بمیرند. همگی آن را می‌دانید. چرا آنها فرد را تحت تزریق قرار می‌دهند و می‌گذارند که او بمیرد؟ آنها فکر می‌کنند او در حال رنج‌بردن است. اما ما فکر می‌کنیم که رنج‌بردن او کارما را از بین می‌برد. وقتی او در زندگی بعدی باز پیدا شود، بدنی سبک و بدون کارما خواهد داشت، و بخت و اقبالی خوب منتظر او خواهد بود. زمانی که او در میان درد و از بین بردن کارما است، مطمئناً روزگار راحتی ندارد. اگر به او اجازه ندهید تا کارمایش را از بین ببرد و او را بکشید، آیا آن قتل نیست؟ اگر در حالی که آن کارما را با خود حمل می‌کند از دنیا برود، در زندگی بعدی باید آن کارما را بپردازد، پس می‌گویید کدام درست است؟ مرتکب خودکشی شدن گناه دیگری دارد. آن به این خاطر است که زندگی فرد از قبل نظم و ترتیب داده شده است. شما ترتیب کل طرح آن خدا را مختل کرده‌اید. از طریق وظایفی که در جامعه به انجام می‌رسانید، بین مردم این نوع روابط متقابل وجود دارد. اگر شخص بمیرد، آیا این نظم و ترتیب که توسط خدا چیده شده است نیز مختل نمی‌شود؟ اگر آن را مختل کنید، اجازه نمی‌دهد شما بروید. بنابراین مرتکب خودکشی شدن گناه‌آمیز است.» (سخنرانی در سیدنی، ۱۹۹۶)

بر اساس این آموزه‌ها کسی که واقعاً تمرین‌کننده فالون دافا باشد به هیچ وجه به چیزی چون خودسوزی فکر نخواهد کرد. در واقع، مشخص شده است افرادی که «خودسوزی» صحنه‌سازی شده را به اجرا درآوردند تمرین‌کننده نبودند، و قبل و بعد از این رویداد هیچ گزارش معتبر یا مستدلی وجود نداشته است که تمرین‌کنندگان فالون گونگ مرتکب قتل یا خودکشی شده باشند.



ضمیمه ۳: ادعای مرگ ۱۴۰۰ نفر

الف ۱.۳ نگاهی اجمالی^{۳۷۹}

الف ۱.۱.۳ پیش‌زمینه

مسئولین چین ادعا کرده‌اند: «تمرین فالون گونگ منجر به مرگ بیش از ۱۴۰۰ نفر» از تمرین‌کنندگان این روش شده است. گرچه فالون گونگ در طول دهه ۱۹۹۰ به‌طور گسترده‌ای در چین تمرین می‌شد، این ادعا نخستین بار در ماه ژوئیه سال ۱۹۹۹، دقیقاً پس از آغاز آزار و شکنجه فالون گونگ به‌دست رژیم چین مطرح شد. از آن زمان، نشریات حزب کمونیست و سخنگویانش ادعای مذکور را به‌طور مکرر تکرار کرده‌اند.

الف ۲.۱.۳ مشکل

درحالی‌که بار مسئولیت اثبات این ادعا بر عهده مسئولین چین است که همچنان تکرارش می‌کنند، هرگز شواهد و مدارکی دال بر صحت این ادعا ارائه نشده است. مهم‌تر از همه اینکه، تاکنون اجازه داده نشده هیچ‌گونه تحقیق مستقلی در این باره انجام شود. هرچا افرادی موفق شدند تحقیقات مستقلی انجام دهند، متوجه شدند موارد ادعاشده مرگ ساختگی بودند و در برخی موارد، قربانی ادعاشده هرگز وجود حقیقی نداشت. در خارج از چین کمونیست که فالون گونگ به‌طور آزادانه تمرین می‌شود، تاکنون هیچ نمونه‌ای از این نوع مرگ و میر رخ نداده است. هدف از این ادعا تحریف آموزه‌های فالون گونگ در خصوص سلامتی و دارو نیز بود، درحالی‌که اغلب این تمرین را خطرناک یا ناسالم جلوه می‌داد. اما این ادعا حتی با استفاده از مطالب خود نیز با شکست مواجه شده است.

الف ۳.۱.۳ دلیل اهمیت آن

اظهارات نادرست مختلف درباره فالون گونگ و پیروانش که مسئولین و نشریات حزب کمونیست جعلشان کرده‌اند، به‌دنبال آن هستند که این گروه را بی‌اعتبار کرده (درحالی‌که فالون گونگ را مانند تمرینی خطرناک، گمراه‌کننده و شوروانه به تصویر کشیده‌اند) و حمایت از فالون گونگ و تمرین‌کنندگان آن را در این دنیای آزاد تضعیف کنند. در چین مخصوصاً تبلیغات منفی درباره «مرگ ۱۴۰۰ نفر» نقش مهمی را در ایجاد انزجار و دشمنی با فالون گونگ، در میان بخش بزرگی از مردم چین ایفا کرده است. تشابهات این ادعا با وقایع در تاریخ اخیر مثلاً در دوره آلمان نازی، نشان می‌دهد که چنین اظهارات نادرستی ممکن است عواقب ویرانگری به‌دنبال داشته باشند.

الف ۲.۳ تجزیه و تحلیل^{۳۸۰}

درحالی‌که هیچ اتهامی از سوی حکومت چین، فراموش‌نشده‌تر از این نیست که فالون گونگ به بیماری، مشکلات روانی، خودکشی و مرگ تمرین‌کنندگان منتهی می‌شود، هیچ ادعایی فریب‌آمیزتر و تخیلی‌تر از این ادعا نیز وجود ندارد. فالون گونگ مورد تحسین و حمایت بسیاری از دانشمندان نخبه‌پکن و متخصصان پزشکی قرار گرفته است. چند نظرسنجی نشان داده که فالون گونگ در درمان بیش از ۹۰ درصد از بیماران (با «میزان شفادهی» نزدیک به ۶۰ درصد) مؤثر است و سلامت روانی و کیفیت کلی زندگی را به‌طور فوق‌العاده‌ای بهبود می‌بخشد. محبوبیت چشمگیر و فوق‌العاده زیاد فالون گونگ عمدتاً به‌خاطر فواید سلامتی بی‌سابقه‌اش بوده است. در واقع، این همان دلیلی است که طی چهار سال اول، قبل از اینکه بادهای سیاسی به‌طور نامطلوبی شروع به وزیدن کنند، حکومت چین را به‌سمت حمایت از فالون گونگ سوق داد.

توضیح «مبتنی بر علت» ادعا شده در خصوص اثرات جانبی ادعاشده فالون گونگ بر یکی از دو ادعای ساختگی استوار است. اولین ادعای ساختگی، ارائه یک ارتباط علی پنهان بین تمرین فالون گونگ و روان‌پریشی یا گرایش به خودکشی است. با این حال، این ادعایی است که هیچ‌گونه مبنای پزشکی یا حقوقی مشخصی ندارد و مقامات چین هیچ مبنایی برایش ارائه نداده‌اند. اگر چنین ارتباطی ثابت می‌شد، به‌سرعت در مجلات علوم پزشکی در شرق و غرب پوشش داده می‌شد.

دومین ادعای جعلی، این ادعای بسیار مهم حکومت چین است که آقای لی هنگ‌جی تمرین‌کنندگان فالون گونگ را از مصرف دارو منع می‌کنند و آنها را در معرض خطر قرار می‌دهد. بررسی آموزه‌های آقای لی نشان می‌دهد که این ادعا کاملاً ساختگی است، زیرا

ایشان هرگز تمرین‌کنندگان را از مداوای پزشکی منع نکرده‌اند و نه می‌توانستند مانع تمرین‌کنندگان از رفتن به‌دنبال درمان‌های پزشکی شوند. در نتیجه حکومت چین با ممنوع‌کردن تمرین فالون گونگ، مردم چین را در برابر چیزی که وجود واقعی ندارد «حفاظت» می‌کند.

اگر خطرات اتهامات دولت چین خیلی زیاد نبود، ممکن بود حتی به‌دلیل ویژگی‌های خیالی و غیرمنطقی‌اش سرگرم‌کننده باشند. از آنجاکه این ادعاها، هرچند نادرست، به رسانه‌های غربی راه یافته و موضوع چند نشریه انگلیسی‌زبان دولت چین بوده است، توضیح زیر را ارائه می‌دهیم.

بر اساس منابع دولت چین و رسانه‌های تحت کنترل دولت چین، تعداد رسمی مرگ‌های نسبت‌داده‌شده به فالون گونگ به ۱۴۰۰ مورد رسیده بود. علی‌رغم تقاضاهای مکرر برای ارائه اطلاعات بیشتر درباره این آمار، منابع چین هرگز قادر نبوده توضیح دهد چطور به این آمار رسیده است.

یکی از سخنگویان وزارت امنیت عمومی اظهار داشت که فالون گونگ باید مقصر مرگ این ۷۴۳ تمرین‌کننده‌اش اعلام شود. حتی اگرچه طی هفت سال قبل از آزار و شکنجه فالون گونگ، هرگز هیچ‌یک از این ادعاهای مبنی بر مرگ ۷۴۳ یا ۱۴۰۰ نفر گزارش نشد.

الف ۱.۲.۳ ادعا مبنی بر اینکه فالون گونگ باعث روان‌پریشی یا خودکشی می‌شود

در ابتدا به این ادعا می‌پردازیم که فالون گونگ «باعث» بیماری روانی شدید می‌شود که در نهایت حتی به رفتار غیرمنطقی، خودکشی و مرگ فرد می‌انجامد.

امروزه بیماری روانی مشکلی جدی در چین به شمار می‌آید: بیش از ۱۶ میلیون نفر که از نظر ذهنی بیمار هستند در تمام مشاغل و گروه‌های اجتماعی در چین وجود دارند. با این حال، سؤال مهم‌تر، در نسبت‌دادن بیماری‌های روانی به فالون گونگ نهفته است. آیا می‌توان انتظار داشت که هیچ‌یک از این ۱۶ میلیون نفر تصمیم به تمرین فالون گونگ نگرفته باشند، آن هم بدون در نظر گرفتن اینکه آقای لی توصیه کرده‌اند بیماران روانی این تمرین را انجام ندهند؟

با توجه به اینکه تمام مطالب فالون گونگ به‌طور رایگان برای مشاهده و دانلود در اینترنت در دسترس است و هیچ سازمان، رهبری یا عضویتی در آن وجود ندارد، هرکسی می‌تواند تمرین فالون گونگ را شروع کند. اما افراد مبتلا به بیماری روانی قادر به زندگی بر اساس اصول فالون گونگ نیستند و مزایای سلامتی فالون گونگ را تجربه نخواهند کرد. بنابراین همان علائم و وضعیت‌های دشوار قبل را خواهند داشت.

حکومت چین در خصوص این ادعا که برخی از این «۱۴۰۰ مرگ»، خودکشی‌های ناشی از تمرین فالون گونگ هستند نیز دچار خطا شده است. اولاً، می‌توان گفت که هرچا خودکشی وجود دارد، اختلال روانی وجود دارد؛ به‌احتمال زیاد شکلی از بیماری روانی، چه رایج باشد (مانند افسردگی) و چه شدید باشد (مانند روان‌پریشی). درست همانطور که هیچ مبنای پزشکی مشخصی برای این ادعا وجود ندارد که فالون گونگ منجر به بیماری روانی می‌شود، هیچ مدرکی نیز وجود ندارد دال بر اینکه تمرین فالون گونگ به خودکشی می‌انجامد؟

با این حال دولت چین تلاش کرده فالون گونگ را در این زمینه بدنام کند. در چند مورد، ادارات دولتی نامه‌هایی جعلی را به آقای لی هنگ‌جی نسبت داده‌اند. این نامه‌ها حاوی انواع اظهارات مهممل هستند، از جمله «مطمئن شوید که در فلان تاریخ برای خودکشی گروهی به چنین و چنان مکانی بیاید» یا «زمان آن رسیده است که این دنیا را ترک کنیم». این نامه‌های جعلی سعی کرده‌اند تمرین‌کنندگان را گمراه کنند و به‌سمت خودکشی سوق دهند؛ جنایتی که در بیشتر کشورها مجازات دارد. با این حال، به‌هیچ‌وجه گزارش نشده است که هیچ تمرین‌کننده‌ای در آن مکان حاضر شده باشد.

الف ۲.۲.۳ آموزه‌های فالون گونگ درباره دارو و درمان پزشکی

فالون گونگ به‌طور دقیق «عمل تزکیه» (شیولیان) (همانند «تزکیه نفس» در غرب) نامیده می‌شود، اما درحالی‌که دارای پنج مجموعه تمرین ملایم چی‌گونگ است، به‌طور کلی شکلی از تمرین چی‌گونگ محسوب می‌شود. در تمرین کردن فالون گونگ به‌عنوان تمرین تزکیه، بر بهبود شین‌شینگ (خصوصیات اخلاقی، یا «سرشت قلب و ذهن») تأکید می‌شود. تزکیه شین‌شینگ عمدتاً موضوعی از جذب شدن در سرشت بنیادین جهان: حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری (真善忍) و هم‌سوسدن با آن است. جذب شدن در این سرشت هدف عمل تزکیه است و به‌نوبه خود تمرین‌کننده را قادر می‌کند خرد

خود را رشد دهد و به «روشن‌بینی» دست یابد که آرمان اساسی روش‌های معنوی شرق، مانند تائوئیسم، بودیسم و غیره است.

در نتیجه هدف فالون گونگ، همانند روش‌های چی‌گونگ معمولی، شفا‌دهی و حفظ تندرستی نیست. با این حال، در روش فالون گونگ شفا و درمان اغلب به‌عنوان محصول جانبی تزکیه شین‌شینگ رخ می‌دهد. از این رو، بسیاری از مردم به‌خاطر اثرات درمانی فالون گونگ جذب آن شده‌اند.

آقای لی هنگجی، استاد فالون گونگ، به دفعات مکرر این موضوع را روشن کرده‌اند که هدف از تمرین فالون گونگ درمان بیماری‌های فرد نیست. ایشان هم در نوشته‌ها و هم در سخنرانی‌هایشان به‌صراحت این موضوع را روشن کرده‌اند و در سخنرانی‌ها یا کلاس‌های خود از پذیرش افرادی که به‌طور جدی بیمار بوده‌اند خودداری کرده‌اند. آقای لی در کتاب فالون گونگ، *جوآن فالون*، که افراد بسیار زیادی آن را مطالعه کرده‌اند، بیان می‌کنند: «اینجا درباره شفا دادن صحبت نمی‌کنم. ما بیماری‌ها را شفا نمی‌دهیم» ایشان در ادامه بیان می‌کنند: «بعضی افراد اینجا می‌آیند فقط به‌خاطر اینکه بیماری‌شان معالجه شود. اما به افرادی با بیماری‌های جدی اجازه شرکت در این دوره‌ها داده نمی‌شود، زیرا آنها نمی‌توانند وابستگی معالجه‌هایشان، یا فکر داشتن بیماری را رها کنند.... این شخص نمی‌تواند عمل تزکیه را انجام دهد.»

آقای لی همچنین بیان کردند افرادی که به بیماری‌های روانی جدی (روان‌پریشی) مبتلا هستند اجازه ندارند در کلاس‌هایشان حضور یابند یا تمرین فالون گونگ را انجام دهند زیرا قادر نیستند خودشان را کنترل کنند. یک شرط جدی برای تمرین فالون گونگ (که در کل در خصوص چی‌گونگ صدق می‌کند) این است که فرد باید از نظر روحی و جسمی قادر به کنترل خود باشد. باید در تمامی اوقات دارای ذهنی هشیار بوده و آگاه باشد که در کجا و در حال انجام چه کاری است. اگر فرد نتواند مطابق این الزامات باشد، نمی‌تواند خودش را بر طبق استاندارد یک تمرین‌کننده اداره کند. لازمه روشن‌بینی بهبود خود و توسعه خرد است، دو مسئله‌ای که بدون کنترل خود امکان‌پذیر نیستند. آقای لی مصممانه بیان کردند: افرادی که دچار روان‌پریشی و امثال آن هستند باید در جای دیگری به‌دنبال کمک باشند.

موضوع دوم که باید روشن شود، رابطه بین تمرین فالون گونگ و مصرف دارو است. حکومت چین بارها ادعا کرده که آقای لی تمام تمرین‌کنندگان فالون گونگ را از مصرف

دارو منع می‌کند. در زمان اوج سرکوب فالون گونگ، روزنامه انگلیسی‌زبان *چاینا دیلی* که تحت کنترل دولت چین است، چهار مقاله با هدف بی‌اعتبارکردن فالون گونگ و آقای لی منتشر کرد. در کمپین علیه فالون گونگ، مجبورکردن پیروان به استفاده‌نکردن از دارو ظاهراً بزرگ‌ترین جرم تلقی می‌شود. این قبیل گزارش‌ها موضوع را به‌طور کامل دچار سردرگمی می‌کنند، با این حال باعث وابستگی فرقه‌مانند و دشواری در تصمیم‌گیری شخصی می‌شوند. فراموش نکنید که چنین گزارشی آموزه‌های آقای لی و درک تمرین‌کنندگان در خصوص آموزه‌های ایشان را آشکارا تحریف می‌کند.

سخنان خود آقای لی درباره موضوع استفاده از دارو را در نظر بگیرید که در کتاب فالون گونگ چین (اولین کتاب مقدماتی) بیان‌شان کرده‌اند. آقای لی در پاسخ به این سؤال که «آیا در هنگام تزکیه، هنوز لازم است دارو مصرف کنیم؟» بیان کردند: «در این مورد، باید خودتان فکر کنید و تصمیم بگیرید.» آقای لی همچنین، در آموزش فا در شهر نیویورک در سال ۱۹۹۷ که تاکنون اکثر تمرین‌کنندگان آن را مطالعه کرده‌اند، بیان کردند: «انسانی عادی وقتی بیمار می‌شود نیاز دارد دارو مصرف کند. اما برای شما که تزکیه‌کننده‌اید نیز مصرف دارو را ممنوع نمی‌کنم.» ایشان در ادامه سخنرانی افزودند: «بعضی افراد می‌خواهند به دافا صدمه بزنند، و چیزهایی درباره مصرف‌نکردن دارو می‌گویند مانند اینکه: "ما وقتی این تمرین را شروع می‌کنیم، اجازه نداریم دارو مصرف کنیم." درواقع، این‌طور نیست که به شما اجازه نمی‌دهم دارو مصرف کنید.»^{۳۸} با این حال، حکومت چین و رسانه‌ها چنین آموزه‌هایی را دقیقاً خلاف معنای واقعی‌اش تفسیر و ترجمه کرده‌اند.

سردرگمی در خصوص این موضوع از این واقعیت ناشی می‌شود که تعداد بسیار زیادی از تمرین‌کنندگان فالون گونگ پس از آغاز تمرین تزکیه تصمیم می‌گیرند دیگر دارو مصرف نکنند. عبارت کلیدی در اینجا «تصمیم می‌گیرند» است. زیرا در هر جنبه دیگر از تمرین فالون گونگ، اینکه فرد تمرین‌کننده موضوع سلامتی‌اش را چگونه اداره می‌کند انتخابی آزاد است. از آنجاکه اکثر تمرین‌کنندگان فالون گونگ به سلامتی دست می‌یابند یا سالم هستند، تصمیم می‌گیرند دارو مصرف نکنند صرفاً به این دلیل که آن دیگر لازم نیست.

الف ۳.۲.۳ چگونه رژیم چین فالون گونگ را بدنام کرد

الف) مقامات چینی اعتراف کردند که گزارش کاملاً ساختگی بود

یک روزنامه تحت کنترل حزب ادعا کرد که ژانگ ژیون فرزند خود را به قتل رساند، و سپس خود را کُشت. این مقاله را بسیاری از رسانه‌های خبری دیگر مجدداً چاپ کردند. تنها مشکل این است که محققان مستقل دریافتند ژانگ هرگز وجود خارجی نداشته است.

های تائو، روزنامه‌نگار صدای آمریکا، این گزارش را از لس آنجلس ارسال کرد: از ژوئیه ۱۹۹۹ که دولت چین شروع به سرکوب فالون گونگ کرد، همه آژانس‌های رسانه‌ای تحت کنترل دولت شروع به حمله به فالون گونگ، بنیانگذار آن، و اعضای اصلی‌اش کردند.

در تاریخ ۲۸ نوامبر، گزارشی ویژه به نویسندگی لی شینگانگ در روزنامه شی‌آن وُرکِر منتشر شد. در این مقاله آمده بود که ژانگ ژیون، زنی که در منطقه وینان استان شانشی زندگی می‌کرد، دختر شش‌ماهه خود را آتش زد و سپس در اعتراض به سرکوب فالون گونگ به دست دولت، با آتش‌زدن خود اقدام به خودکشی کرد.

این گزارش باعث نگرانی در سراسر کشور شد و بسیاری از روزنامه‌ها در شنجن، هاربین، شانگهای و سایر مکان‌ها آن را مجدداً چاپ کردند. مرکز اطلاعات حقوق بشر و جنبش‌های دموکراتیکِ هنگ کنگ تحقیقی انجام داد و فهمید که این گزارش کاملاً جعلی است.

این مرکز با استناد به گفته‌های مقامات چینی بیان کرد که افراد، محل زندگی، زمان و ماجرا در آن گزارش همه ساختگی بوده است. یک مقام رسمی به نام وو از کمیته امور سیاسی و حقوقی وینان استان شانشی شهادت داد مطلقاً هیچ خودکشی از طریق خودسوزی صورت نگرفته است و علاوه بر این، هیچ زنی به نام ژانگ ژیون به هیچ وجه وجود خارجی نداشته است. علاوه بر این، بسیاری از آژانس‌های خبری در چین برای تأیید با آنها تماس گرفتند و همین جواب را دریافت کردند.

وقتی تمرین‌کنندگان فالون گونگ از نویسنده مقاله شی‌آن وُرکِر سؤال کردند چرا این «خبر» را از خود درآورده است، پاسخ نویسنده این بود: «داستانی تخیلی نوشتم.»

(ب) خانواده، مرگ مادر بر اثر تمرین فالون گونگ را انکار می‌کند

تلویزیون دولتی چین خبر مرگ ما جینشیو را به‌عنوان یکی از «۱۴۰۰ مورد مرگ ناشی از فالون گونگ» به‌طور وسیعی منتشر کرد.

بعد از اینکه شوهرش از این گزارش مطلع شد، گفت: «این درست نیست. او نزدیک به بیست سال به دیابت مبتلا بود و قبل از تمرین فالون گونگ دو بار سکتة مغزی کرده بود.»^{۳۸۲} دختر خانم ما، جین یومینگ، در مقاله‌ای برای توضیح مرگ مادرش نوشت:^{۳۸۳}

مادرم به‌وضوح بر اثر آنوریسم مغزی درگذشت. او درحالی‌که در بیمارستان بستری بود، با دقت تحت مراقبت بود و تمام داروها و تزریق‌هایی که پزشکان تجویز کرده بودند را دریافت می‌کرد، اما بازهم درگذشت. پس چرا آنها نگفتند که او در نتیجه معالجه در بیمارستان درگذشت؟ مسئولین چگونه توانستند بگویند او به‌دلیل تمرین فالون گونگ درگذشت فقط به این خاطر که زمانی فالون گونگ را تمرین می‌کرد؟

(پ) مادر قربانی خودکشی حقایق را روشن می‌کند^{۳۸۴}

مادر قربانی خودکشی درباره حقایق مرگ پسرش و تهدیدی که عروس بیوه‌اش با آن روبرو است می‌گوید:

نام من شیای زورونگ است. من و شوهرم هر دو تمرین‌کننده فالون دافا هستیم. من مادر لانگ گانگ هستم که با پریدن در رودخانه خودکشی کرد. خبر مرگ او را تلویزیون مرکزی چین (CCTV) به‌عنوان یکی از «۱۴۰۰ مورد مرگی» که به دروغ به فالون گونگ نسبت داده شده، منتشر کرد. ما در خیابان هفتاد شوانگچیاو در روستای شوانگشی، منطقه یونگچوان، واقع در چونگ‌چینگ زندگی می‌کنیم.

ما به‌عنوان والدین، مطمئناً می‌دانستیم که پسرمان مشکل روانی داشت یا خیر، در واقع او واقعاً مشکل روانی داشت. او در زمان پرش در رودخانه، دچار روان‌پریشی شده

بود که هیچ ارتباطی با فالون گونگ نداشت. ما به‌عنوان والدینش، باید بگوییم حقیقت چیست. نمی‌توانیم برخلاف وجدان خود عمل کرده و تماشا کنیم که دولت از پسرمان برای تهمت‌زدن به دافا استفاده می‌کند.

پس از درگذشت پسرمان، خبرنگاری به نام دو آمد که با عروسم مصاحبه کند و از او خواست که ادعا کند شوهرش تمرین‌کننده فالون گونگ بوده است. این خبرنگار روی برگه‌ای کلماتی افتراآمیز درباره فالون گونگ نوشت و به او گفت آنها را بخواند. در آن زمان، عروسم تسلیم فشار آنها شد و آنچه را که خبرنگار گفته بود انجام داد. روز بعد به او ۲۰۰ یوان پول نقد دادند. کسانی که مرتکب کارهای اهریمنی می‌شوند، اغلب از پول برای خرید وجدان شخص و وادارکردنش به انجام کار بد، استفاده می‌کنند. حتی به نوهام (فرزند پسر مرحوم) آموزش دادند که دافا افترا بزند. این «خبر» تلویزیونی این‌گونه جعل شد.



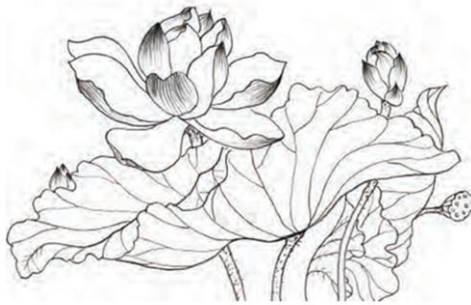
دربارهٔ فالون دافا

فالون دافا یا همان فالون گونگ، یک روش تزکیه شخصی باستانی و پیشرفته مبتنی بر اصول جهان، حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری (真善忍) است. تمام آموزه‌های اصلی فالون دافا، در کتاب اصلی جوآن فالون ارائه شده است. بر اساس آموزه‌های جوآن فالون، تزکیه ذهن و خصوصیات اخلاقی شخص عامل کلیدی در رشد گونگ (قدرت انرژی) است.

فالون دافا شامل تزکیه جسم نیز است که با انجام پنج تمرین مراقبه دافا و تزکیه خصوصیات اخلاقی شخص همراه است.



نمودارها و عکسها



مه ۱۹۹۲ - ژوئيه ۱۹۹۹

فالون گونگ نخستين بار در ماه مه ۱۹۹۲ در چين به عموم مردم معرفي شد. اين روش به دليل اصولش (حقيقت، نيکخواهي، بردباري) و تأثير برجسته اش بر سلامتي و حفظ تندرستي به سرعت از طريق کلام و از فردي به فرد ديگر، انتشار يافت. تا ژوئيه ۱۹۹۹، يعني فقط هفت سال بعد، ۱۰۰ ميليون نفر يا تقريباً يک نفر از هر ده چيني فالون گونگ را تمرين مي کردند.

羊城晚报

1998年11月

10

星期二

农历戊寅年九月廿二

小寒 农历十月廿四

今日15版

(珠三角·广州地区)288

E-mail:ycwb@ycwb.com

http://www.ycwb.com.cn

邮发代号 0646号

YANGCHENG WANBAO



老少皆练法轮功

8日早上,广东省体育武术协会有关领导到广州烈士陵园等处,观看了5000名法轮功爱好者的的大型晨练活动,练功者来自各行各业,年龄最大的93岁(左下图),最小的仅两岁(上图)。

据介绍,目前,广东省有近25万人修炼此功法。在练功现场,体委的同志询问了几位法轮功的受益者,他们的修炼故事非常感人。有一位叫林婵英的女士介绍说,她是广州皮革进威有限公司统计员,原患高位瘫痪,全身70%部位麻木失觉,大小便失禁,修炼了法轮功以后,不久便可以站立,尔后又可以行走,见她现在的样子红光满面,练功的劲作真而自如。

法轮功强调传功不收费,义务教功。

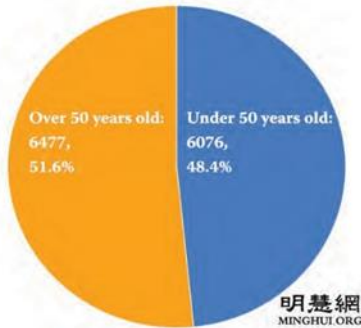
孙彦 晓明 摄影报道

قبل از ژوئيه ۱۹۹۹، هر روز در سپيدهدم، بسيارى از مردم به پارک می‌رفتند تا قبل از رفتن به سر کار یا مدرسه، تمرينات فالون گونگ را انجام دهند. اين صحنه زيبا و آرامش‌بخش بود. با اين حال رسانه‌هاى چينى به‌ندرت درباره اين پديده گزارش می‌دادند.

مقاله فوق از روزنامه گوانگژو با عنوان «افراد از هر سنى فالون گونگ را تمرين می‌کنند» نمونه نادرى بود که وضعيت واقعى فالون گونگ را نشان می‌داد.

۹۷/۹ درصد از مردم شاهد بهبود در سلامتی‌شان بودند

یک نظرسنجی درباره سلامتی که در سال ۱۹۹۸ در پکن چین انجام شد، نشان داد که ۹۷.۹٪ از افرادی که جوآن فالون، کتاب اصلی فالون گونگ، را مطالعه کردند، و پنج تمرین فالون گونگ را انجام دادند شاهد بهبود سلامتی‌شان بودند.



از بین ۱۲،۵۵۳ تمرین‌کننده‌ای که در این نظرسنجی شرکت کرده بودند، ۵۱.۶٪ بالای ۵۰ سال، و ۴۸.۴٪ آنها زیر ۵۰ سال داشتند.



در بین پاسخ‌دهندگان، ۱۰۴۷۵ نفر به یک یا چند بیماری مبتلا بودند. ۷۷.۵٪ از کسانی که به بیماری‌هایی مبتلا بودند، پس از ۲ ماه تا ۳ سال تمرین فالون گونگ، کاملاً بهبود یافته بودند و ۲۰.۴٪ گزارش دادند که تا حدودی بهبود یافته‌اند و وضعیت سلامتی‌شان بهتر شده است.



تمرین کنندگان قبل از شروع آزار و شکنجه در حال انجام تمرینات فالون گونگ در جزیره لانتائو در هنگ کنگ، هستند.



انجام گروهی تمرین در گوانگژو قبل از آزار و شکنجه. روی بنرها نوشته شده است:
«محل آموزش داوطلبانه فالون دافا.»



مردم از تمام اقشار جامعه در پارک‌های عمومی جمع شدند تا تمرینات فالون گونگ را انجام دهند. عکس بالا در چنگدو، استان سیچوان در اوایل سال ۱۹۹۹ گرفته شده است.



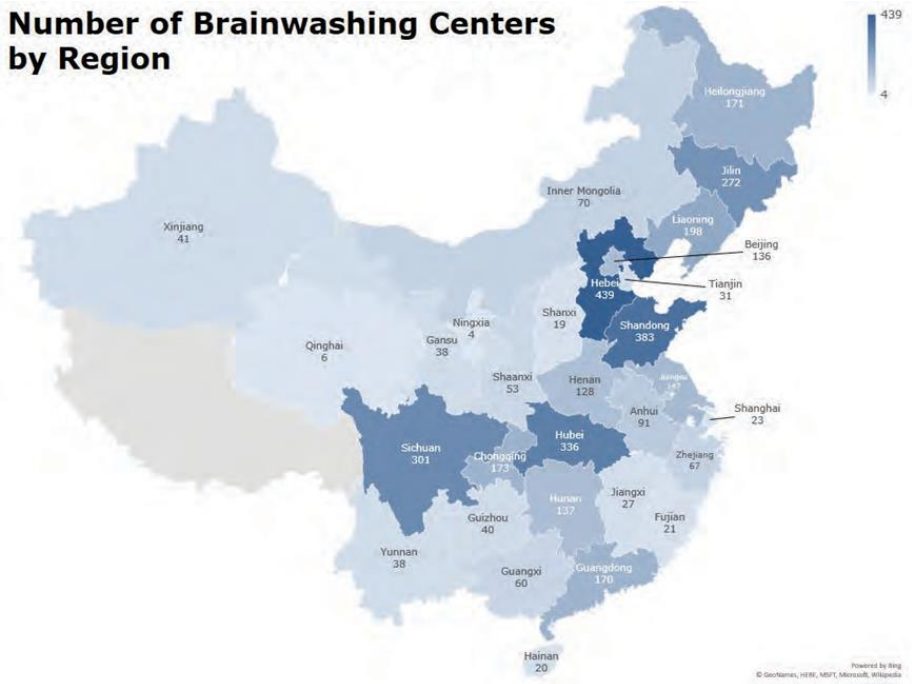
جوایز اهداشده به آقای لی هنگجی، بنیانگذار فالون گونگ، در نمایشگاه سلامتی آسیا در سال ۱۹۹۳ که در پکن برگزار شد.

ژوئیه ۱۹۹۹ - امروز

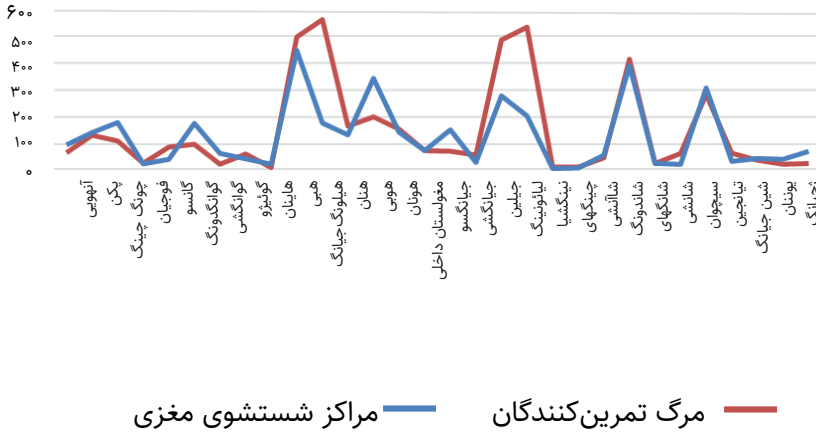
توجه: داده‌های این بخش فقط مواردی را شامل می‌شود که وبسایت مینگهویی در جریان آزار و شکنجه‌های درحال‌وقوع در چین، موفق به گزارش آنها شده است. به دلیل سانسور اطلاعات به دست حکم‌چ و آزار و شکنجه فالون گونگ، چنین گزارش‌دهی‌هایی مشکلات و خطرات زیادی را به همراه دارد. بنابراین، این ارقام احتمالاً فقط زیرمجموعه کوچکی از همه مواردی را نشان می‌دهد که واقعاً رخ داده است و بسیاری از موارد دیگر را گروه‌های ما هنوز جمع‌آوری نکرده و گزارش نداده‌اند.

تعداد مراکز شستشوی مغزی در هر منطقه

Number of Brainwashing Centers by Region

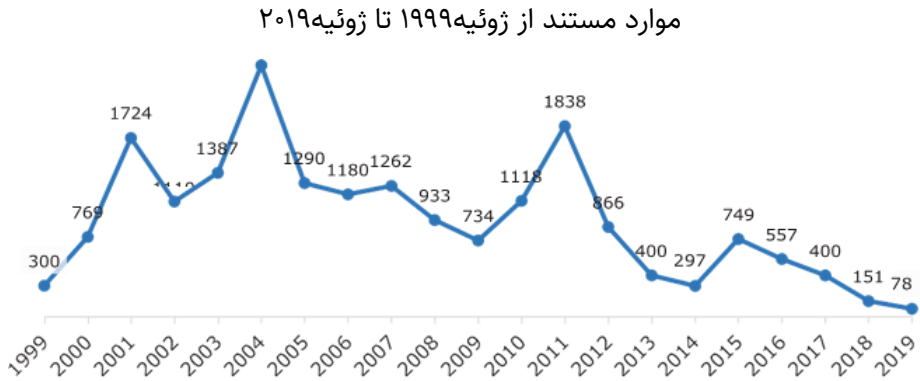


مراکز شستشوی مغزی و مرگ تمرین کنندگان در هر منطقه



— مرگ تمرین کنندگان — مراکز شستشوی مغزی

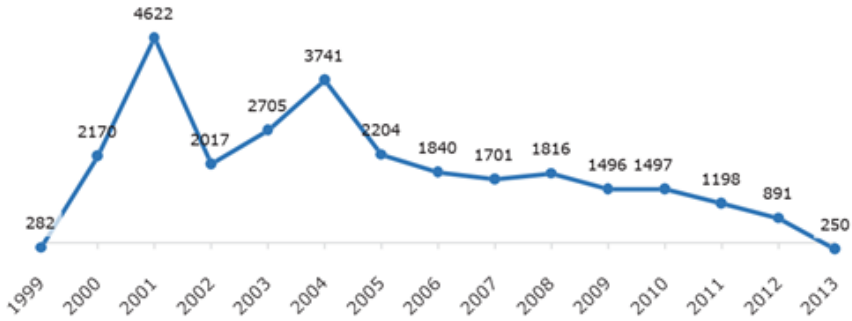
تعداد تمرین کنندگان فالون گونگ محبوس شده در مراکز شستشوی مغزی در سال



تعداد تمرین‌کنندگان فالون گونگ محبوس در اردوگاه‌های کار اجباری در سال

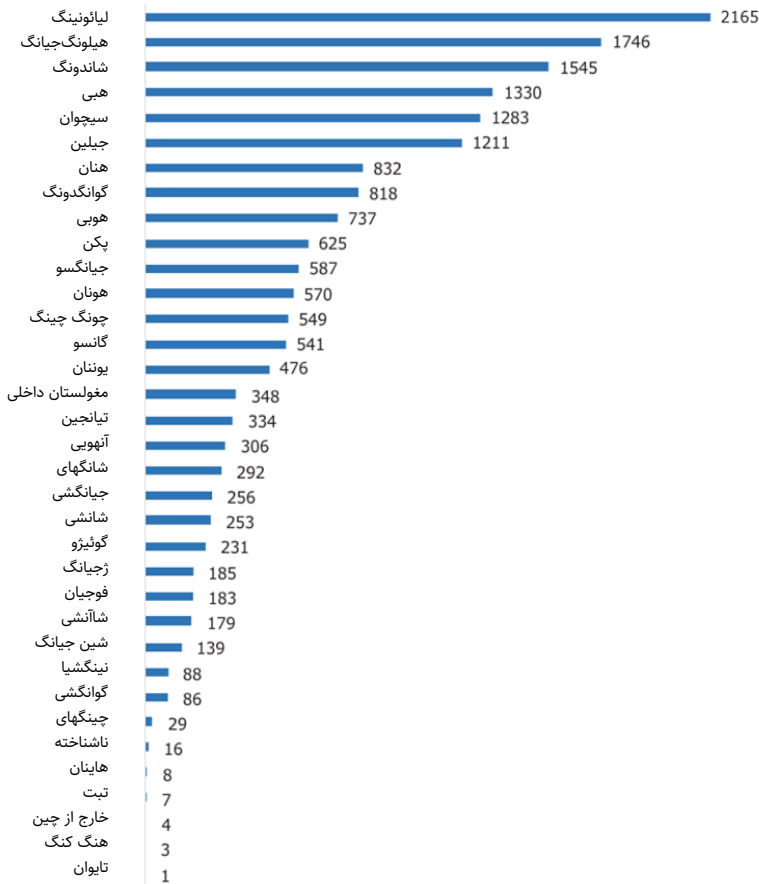
موارد مستندشده از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۳

توجه: اردوگاه‌های کار اجباری در سال ۲۰۱۳ رسماً برچیده شدند



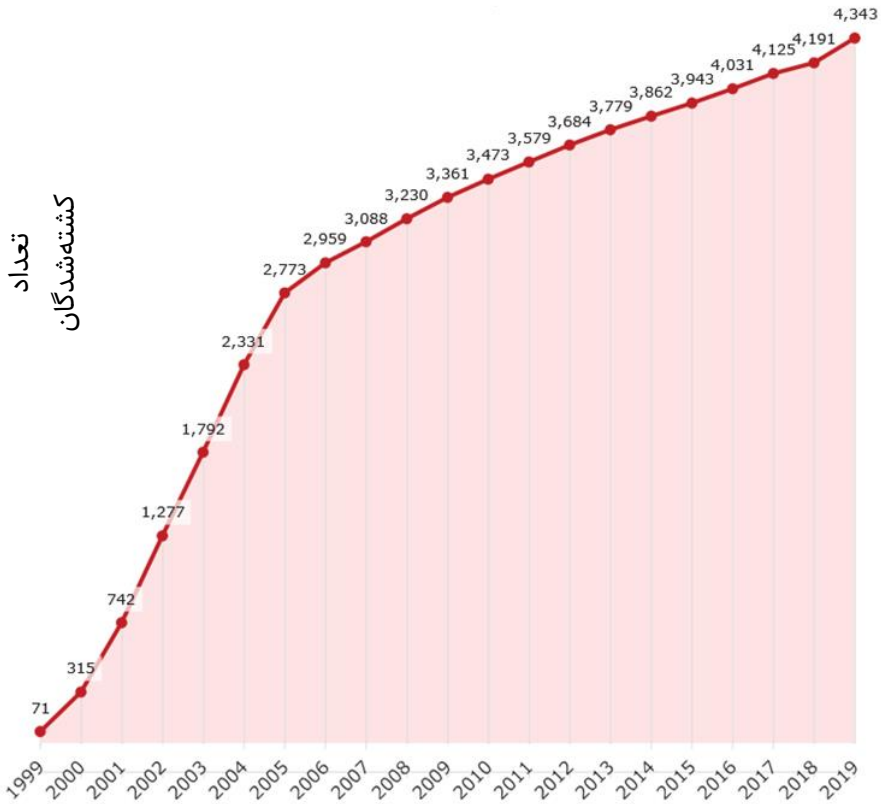
تعداد تمرین کنندگان فالون گونگ محکوم شده در منطقه

موارد مستند شده از ژوئیه ۱۹۹۹ تا ژوئیه ۲۰۱۹



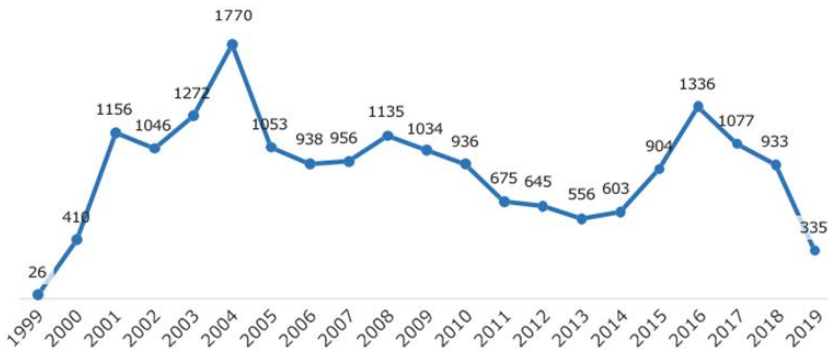
نمودار تجمعی تعداد کل تمرین کنندگان فالون گونگی که تا سرحد مرگ تحت آزار و شکنجه قرار گرفتند

موراد مستند شده تا تاریخ ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۹



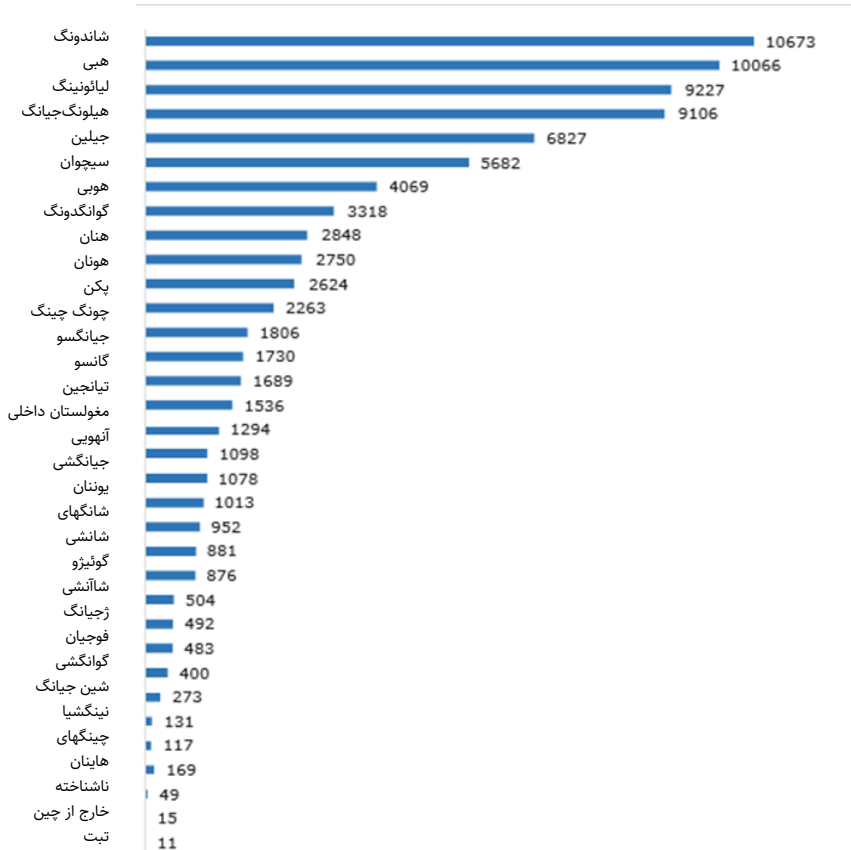
تعداد تمرین کنندگان فالون گونگ محکوم شده در هر سال

موارد مستند شده از ژوئیه ۱۹۹۹ تا ژوئیه ۲۰۱۹



تعداد تمرین کنندگان فالون گونگ دستگیر شده در منطقه

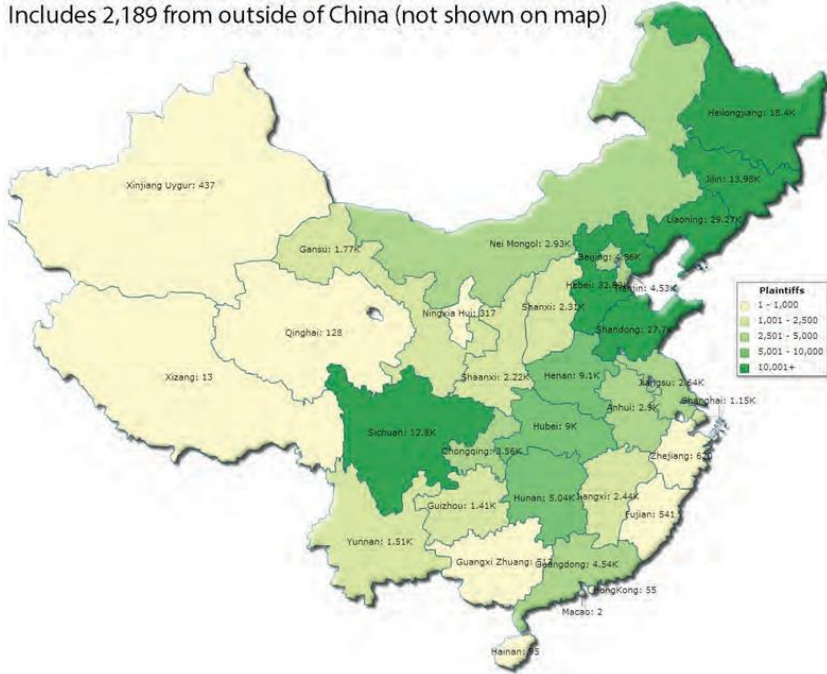
موارد مستند شده از ژوئیه ۱۹۹۹ تا ژوئیه ۲۰۱۹



۸۰۳,۲۰۱ شاکی که تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ از جیانگ زمین شکایت کرده‌اند

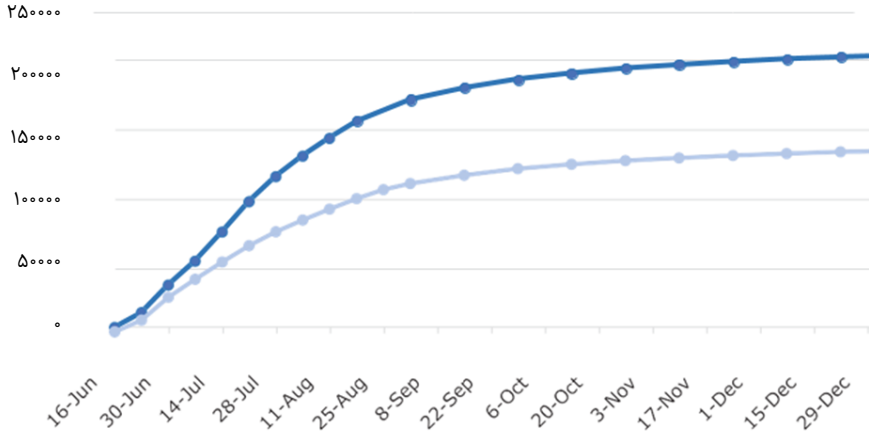
شامل ۲۱۸۹ نفر از خارج از چین (که در نقشه نشان داده نشده است)

201,803 Plaintiffs Suing Jiang Zemin as of December 31, 2015
Includes 2,189 from outside of China (not shown on map)



شکایات کیفری علیه جیانگ زمین

نمودار تجمعی، تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵



شکایات کیفری علیه جیانگ زمین (تجمعی) — شکایاتی که تأیید شده تحویل مراجع داده شده‌اند (تجمعی)



پس از ضرب و شتم و دستگیری تمرین کنندگان فالون گونگ در تیانجین، تمرین کنندگان در بیرون اداره استیناف ملی در کنار مجتمع حکومت مرکزی در پکن صف کشیدند. آنها در سکوت در پیاده‌رو ایستاده بودند، کتاب می‌خواندند و منتظر بودند که مقامات آنها را بپذیرند. حکم بعداً این دادخواهی مسالمت‌آمیز در ۲۵ آوریل ۱۹۹۹ را به دروغ تفسیر و از آن برای توجیه آزار و شکنجه فالون گونگ استفاده کرد. (برای جزئیات بیشتر به پیوست ۱ مراجعه کنید.)



اردوگاه‌های کار اجباری مناسب‌ترین مراکز در آزار و شکنجه مردم چین به دست حکم هستند و موضوع بیشترین گزارش‌ها در وبسایت مینگهویی را به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۲۰۱۳، تلاش‌های جهانی تمرین‌کنندگان فالون گونگ منجر به بسته شدن سیستم اردوگاه کار اجباری شد.



مأموران پلیس لباس شخصی تمرین کننده‌ای را در میدان تیان آن من پکن دستگیر کردند. پیش‌زمینه: در ژوئیه ۱۹۹۹، ادارات استیناف دولت چین به جای گوش دادن به پرونده‌های تمرین کنندگان فالون گونگ، آنها را دستگیر می‌کرد. بسیاری از تمرین کنندگان از آنجا که هیچ جایی برای رفتن نداشتند، به مکان‌های عمومی می‌رفتند تا به سایرین بگویند فالون گونگ چه فوایدی برای زندگی آنها داشته و وحشیانه بودن این آزار و شکنجه را روشن کنند.



بازآفرینی صحنه شکنجه: تمرین کننده‌ای با اتوی داغ و سیگار سوزانده می‌شود. حکم به‌طور عادی و مرتب از بیش از یک‌صد نوع شکنجه استفاده می‌کند تا تمرین کنندگان را مجبور به رهاکردن فالون گونگ کند.



صورت خانم گائو رونگ رونگ، حسابدار اهل شنیانگ، استان لیائونینگ، پس از اینکه مأموران پلیس او را هفت ساعت با شوک الکتریکی شکنجه کردند، از شکل افتاد. صورتش پر از تاول، و موهایش با چرک و خون پوشیده شده بود. به دلیل متورم شدن صورتش، چشمانش فقط می‌توانست در حد یک خط باز شود و دهانش به شدت متورم شده و از شکل افتاده بود. هدف آزار و اذیت پلیس مجبور کردن او به انکار باورش به فالون گونگ بود. خانم گائو در ۳۷ سالگی به قتل رسید.

دو خواهر خانم گائو که آنها نیز فالون گونگ را تمرین می‌کنند، در سال ۲۰۱۵ در چین علیه جیانگ زمین، رهبر حکم که آزار و شکنجه را راه اندازی کرد، شکایت حقوقی تنظیم کردند.



آقای وانگ چان ۳۹ ساله در دفتر مرکزی بانک خلق چین کار می‌کرد و بسیار مورد احترام دوستان و همکارانش بود.

پس از شروع آزار و شکنجه، او نامه‌ای نوشت و از جیانگ زمین مصرانه خواست به آزار و شکنجه خاتمه دهد. پلیس پکن با تأیید شخصی جیانگ، در پایان سال ۱۹۹۹ وانگ را سه ماه بدون دلیل بازداشت کرد.

آقای وانگ شغل خود را از دست داد. در طی سه سال بعد، به بیش از ده استان سفر کرد و کانال‌های ارتباطی را بین تمرین‌کنندگان در آن مناطق و وبسایت مینگهویی برقرار کرده و برای افراد داخل و خارج از چین این امکان را فراهم می‌کرد که به‌موقع از آخرین اخبار درباره آزار و شکنجه مطلع شوند. مسئولین چین پاداشی ۱۰۰ هزار یوانی را برای دستگیری‌اش تعیین کردند و آقای وانگ چان در اوت ۲۰۰۲ دستگیر و تا سرحد مرگ شکنجه شد.



خانم چن زیشیو، کارگر بازنشسته کارخانه و زنی بیوه از شهر ویفانگ، استان شاندونگ، در طول سال نو چینی در یک مرکز شستشوی مغزی حبس شد و در ۲۱ فوریه ۲۰۰۰، در ۵۸ سالگی، تا سرحد مرگ تحت ضرب و شتم قرار گرفت.

روز قبل از شکنجه خانم چن تا سرحد مرگ، او هنوز هم حاضر به انکار فالون گونگ نبود. در عوض اظهار داشت که تمرین کردن فالون گونگ حق اوست.

دو فرزندش سعی کردند برایش عدالت خواهی کنند اما هیچ وکیلی پرونده آنها را نمی پذیرفت. در ۲۳ آوریل ۲۰۰۰، دختر خانم چن، خانم ژانگ شوئه لینگ، ۳۲ ساله، مصاحبه ای با یان جانسون، خبرنگار روزنامه *وال استریت ژورنال* داشت. خانم ژانگ به جرم «افشای اسرار دولتی» دستگیر، و بعداً سه سال در اردوگاه کار اجباری حبس شد.



خانم چن شولان (ردیف عقب، دومین نفر از سمت راست)، پدر و مادرش، دو برادر و یک خواهر کوچک‌ترش را بر اثر آزار و شکنجه از دست داد. خانم چن به‌عنوان تنها بازمانده، دو بار و در مجموع به یازده سال و شش ماه حبس محکوم شد و شکنجه‌ها در زمان حبس باعث صدماتی شد که منجر به ناتوانی‌اش شد.



تمرین‌کنندگان بنرهایی را در دست دارند که رویشان کلمات «حقیقت، نیکخواهی، بردباری»، اصول اصلی فالون گونگ، نوشته شده است. این شکل از اعتراض مسالمت‌آمیز بعد از شروع آزار و شکنجه در سال ۱۹۹۹، در میدان تیان‌آن‌من پکن، صحنه رایجی بود. در نوامبر ۲۰۰۱، درحالی‌که تمرین‌کنندگان فالون گونگ در بیش از ۸۰ کشور جهان در حال کمک به تمرین‌کنندگان در داخل چین بودند که صدایشان شنیده شود و آزار و شکنجه متوقف شود، ۳۶ تمرین‌کننده غربی در میدان تیان آن‌من گرد هم آمدند تا به مردم بگویند: «فالون دافا خوب است.»



در نوامبر ۲۰۰۱، در حالی که تمرین کنندگان فالون گونگ در بیش از ۸۰ کشور تلاش می کردند به تمرین کنندگان در داخل چین کمک کنند تا آزار و شکنجه را متوقف، و به مردم درباره این واقعه اطلاع رسانی کنند، ۳۶ تمرین کننده غربی در میدان تیان آن من جمع شدند تا به مردم بگویند «فالون دافا خوب است».



خانم بین لیپینگ در ۱۴ آوریل ۲۰۱۶ در جلسه دادرسی کنگره آمریکا به عنوان یکی از بازماندگان اردوگاه کار اجباری بدنام ماسانجیا در چین، شهادت می دهد. اردوگاهی که نگهدارانش به زندانیان مرد اجازه دادند به صورت گروهی به ۱۸ تمرین کننده خانم فالون گونگ تجاوز کنند. این تجاوزها منجر به مرگ، ازکارافتادگی و ضربه روحی شدید قربانیان شد.



تمرین کننده فالون گونگ خانم ژانگ یوهوا، در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۹ با رئیس جمهور دونالد ترامپ صحبت می کند. خانم ژانگ یکی از ۲۷ بازمانده آزار و شکنجه عقیدتی بود که برای شرکت در دومین نشست وزیران برای پیشبرد آزادی مذهبی که در وزارت امور خارجه آمریکا برگزار شد در واشنگتن دی سی حضور یافت.



فردی ناشناس روی برجسیبی در چینگداؤو، استان شاندونگ، که روی آن نوشته شده بود «کل چین [باید] از جیانگ زمین شکایت کنند» با رنگ مشکی نوشته است: «موافقم». (عکس گرفته شده در سال ۲۰۱۷)



یک مشتری در بازار کشاورزان در جیاموسی، استان هیلونگ جیانگ، تقویم مینگهویی دریافت می‌کند. تمرین‌کنندگان در چین به منظور اطلاع‌رسانی به مردم درباره آزار و شکنجه در حال وقوع در اطرافشان و روشن کردن اطلاعات نادرست درباره فالون گونگ که رسانه‌های تحت کنترل دولت منتشرشان می‌کنند اغلب بروشورها و نشان‌های یادبودی را توزیع می‌کنند. (عکس گرفته‌شده در سال ۲۰۱۵)



نمونه‌ای از نشریات مینگهویی که در تقریباً همه شهرهای چین و مکان‌های دیگر، از جمله ایالات متحده آمریکا، هنگ کنگ و کره جنوبی، به صورت آنلاین موجود است و می‌توان آنها را دانلود، چاپ و توزیع کرد.



تمرین کنندگان فالون گونگ در سرمای زمستان در بیرون کنسولگری چین در ایرکوتسک، روسیه. تمرین کنندگان در سراسر جهان برای اطلاع رسانی درباره آزار و شکنجه همیشه در بیرون سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های چین حضور دارند. (عکس گرفته شده در سال ۲۰۱۶)



گردشگران چینی در مرکز ناقوس آزادی در فیلادلفیا در ایالات متحده آمریکا مطالب مربوط به آزار و شکنجه فالون گونگ در چین را می‌خوانند. (عکس گرفته شده در سال ۲۰۱۳)



تمرین کنندگان در ۱۰ دسامبر ۲۰۱۴، روز حقوق بشر، در مقابل مقر سازمان ملل متحد در نیویورک تجمعی برگزار می کنند.



مردم در صف انتظار هستند تا دادخواست محکوم کردن کشتار تمرین کنندگان فالون گونگ به خاطر اعضای بدن شان را امضا کنند. عکس گرفته شده در مادرید، اسپانیا، ۴ اکتبر ۲۰۱۴.



هزاران تمرین کننده فالون گونگ به مناسبت بیستمین سالگرد آزار و شکنجه این تمرین به دست رژیم چین، در ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۹ در واشنگتن دی سی تجمع کردند.



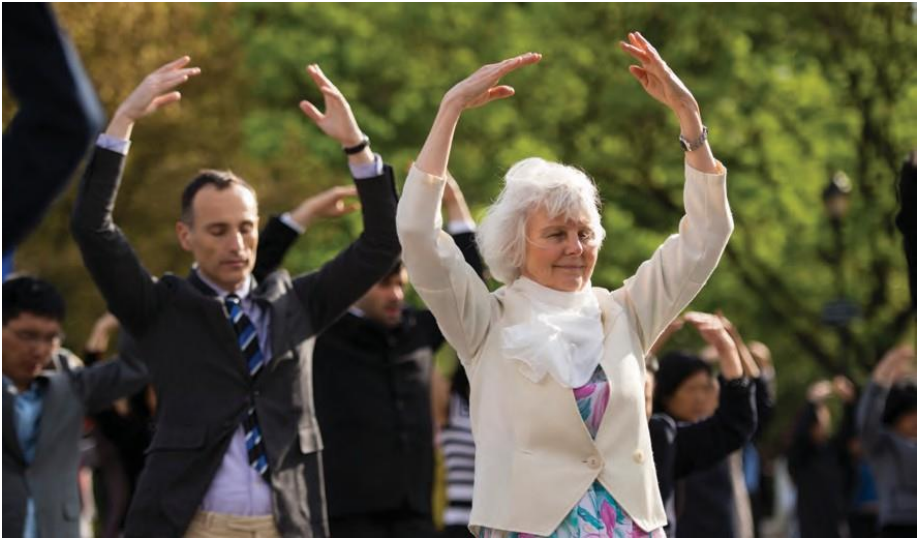
تمرین کنندگان در برلین آلمان در ۱۰ اوت ۲۰۱۹ با حضور در پاریس پلاتز در مقابل دروازه براندنبورگ، تجمع و راهپیمایی برگزار می کنند.



کارت‌های تبریک به مناسبت جشن نیمه پاییز که تمرین‌کنندگان فالون گونگ در چین در سپتامبر ۲۰۱۹ برای استاد لی هنگجی ارسال کردند. هر سال، وبسایت مینگهویی در تعطیلات باستانی چین و ۱۳مه، روز جهانی فالون دافا، ده‌ها هزار پیام تبریک از سوی تمرین‌کنندگان و حامیان فالون گونگ در سراسر دنیا را دریافت می‌کند که برای استاد لی ارسال شده‌اند.



۱۸ تن از ۳۶ قانونگذار سوئیسی که نامه مشترکی را در سال ۲۰۱۶ امضا کردند و از کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل خواستند رهبر پیشین حزب کمونیست چین، جیانگ زمین، را به خاطر آزار و شکنجه فالون گونگ به میز محاکمه بکشاند.



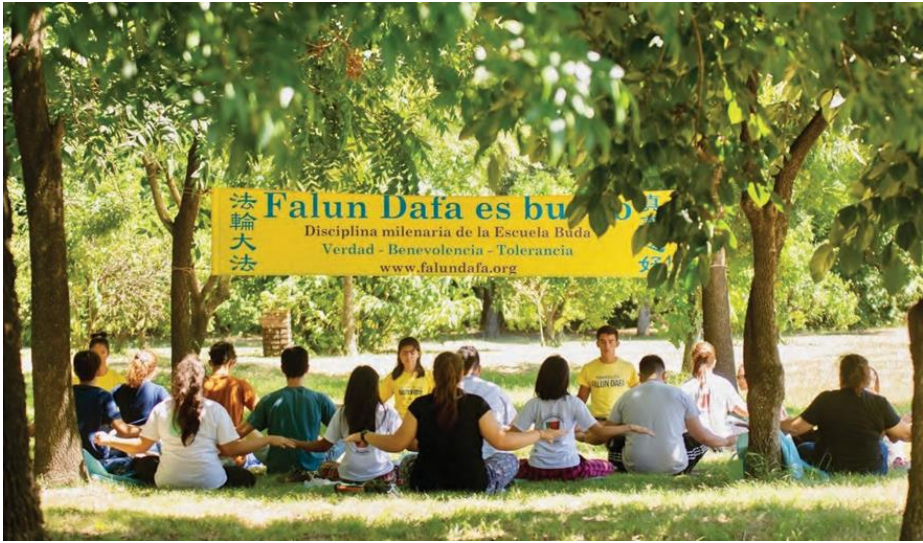
مردم در تاریخ ۱۳مه ۲۰۱۴ در میدان اتحاد در منهنن تمرینات فالون دافا را انجام می دهند و پانزدهمین سالروز جهانی فالون دافا را جشن می گیرند.



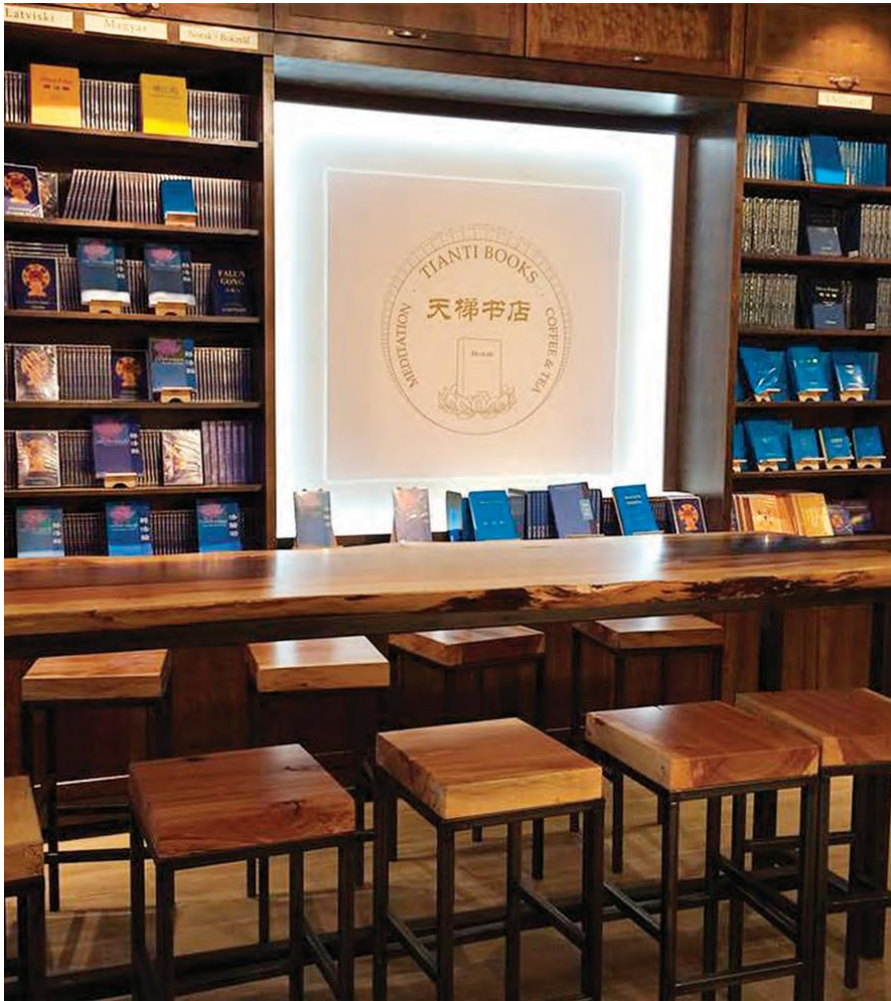
تمرین کنندگان جدید تمرین پنجم فالون گونگ، مدیتیشن نشسته، را در فوریه ۲۰۱۹ در کتابفروشی تیانتی در سئول، کره جنوبی، یاد می گیرند.



دانش‌آموزان مدرسه‌ای در تبت در هند تمرینات فالون گونگ را می‌آموزند. (عکس گرفته‌شده در سال ۲۰۱۸)



شرکت‌کنندگان در یک فعالیت بین‌مذهبی در آرژانتین، در ۳ مارس ۲۰۱۹ تمرین مدیتیشن فالون گونگ را یاد می‌گیرند.



کتابفروشی تیانتی که در سال ۲۰۰۷ تأسیس شد.

فالون دافا یا همان فالون گونگ شامل کتاب اصلی *جوآن فالون* و پنج تمرین مراقبه‌ای است. کتاب‌های فالون گونگ، مجموعه ویدئوهای نُه سخنرانی، و ویدئوی آموزش تمرین‌ها به بیش از ۴۰ زبان ترجمه شده‌اند. کتابفروشی تیانتی به‌عنوان یک سازمان غیرانتفاعی، برای شاگردان جدید کلاس‌های رایگان برگزار می‌کند. (برنامه کلاس‌ها را می‌توان در وبسایت Tiantibooks.org یافت).

کتاب «جوآن فالون» و پنج تمرین فالون دافا



مراجع

مراجع

-
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2019/3/29/113272.html> ١
<http://fa.minghui.org/html/articles/2019/4/1/113295.html> ٢
<https://en.minghui.org/html/articles/2004/3/25/46394.html> ٣
<https://minghui.org/mh/articles/2004/2/8/66823.html> ٤
<https://en.minghui.org/emh/articles/2004/2/20/45228.html> ٥
<https://en.minghui.org/html/articles/2004/3/26/46395.html> ٦
<http://en.minghui.org/html/articles/2004/4/8/46851.html> ٧
<http://en.minghui.org/html/articles/2014/7/18/2093.html> ٨
<http://en.minghui.org/html/articles/2014/5/7/508.html> ٩
<http://en.minghui.org/html/articles/2014/4/19/254.html> ١٠
<http://en.minghui.org/html/articles/2014/6/17/293593.html> ١١
<http://en.minghui.org/html/articles/2014/8/2/2351.html> ١٢
<http://en.minghui.org/html/articles/2014/5/7/508.html> ١٣
<http://en.minghui.org/html/articles/2014/7/1/1861.html> ١٤
<http://en.minghui.org/html/articles/2014/6/29/1842.html> ١٥
<http://en.minghui.org/html/articles/2014/2/23/145575.html> ١٦
 USCIRF 2014 Annual Report PDF.pdf ١٧
<http://en.minghui.org/html/articles/2015/1/11/147930.html> ١٨
<http://en.minghui.org/html/articles/2019/3/23/176241.htm> ١٩
<http://en.minghui.org/html/articles/2015/3/5/149208.html> ٢٠
<en.minghui.org/html/articles/2000/2/9/8618.html> ٢١
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/11/19/110811.html> ٢٢
<https://en.minghui.org/html/articles/2008/8/5/99554.html> ٢٣
<https://en.minghui.org/html/articles/2019/6/9/177990.html> ٢٤
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/3/27/113262.html> ٢٥
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/4/21/108036.html> ٢٦

- <http://en.minghui.org/html/articles/2019/1/31/174829.html> ٣٧
<http://fa.minghui.org/html/articles/2016/3/16/5621.html> ٣٨
<http://fa.minghui.org/html/articles/2018/2/9/106665.html> ٣٩
<https://en.minghui.org/html/articles/2013/3/18/138548.html> ٣٠
<https://en.minghui.org/html/articles/2013/3/29/138663.html> ٣١
<https://fa.minghui.org/html/articles/2017/4/11/102628.html> ٣٢
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/2/15/106903.html> ٣٣
<https://en.minghui.org/html/articles/2019/5/1/176691.html> ٣٤
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/3/25/113246.html> ٣٥
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/7/10/114786.html> ٣٦
<https://n.minghui.org/emh/articles/2008/4/14/96420.html> ٣٧
<https://minghui.org/mh/articles/2008/11/17/189850.html> ٣٨
<https://fa.minghui.org/html/articles/2017/11/22/105512.html> ٣٩
<https://en.minghui.org/html/articles/2010/5/3/116637.html> ٤٠
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/7/31/114916.html> ٤١
<https://minghui.org/mh/articles/2008/1/2/169469.html> ٤٢
<https://minghui.org/mh/articles/2010/4/6/221088.html> ٤٣
<https://en.minghui.org/html/articles/2010/11/19/121502.html> ٤٤
<https://minghui.org/mh/articles/2015/6/14/310859.html> ٤٥
<https://minghui.org/mh/articles/2016/9/8/334057.html> ٤٦
<https://en.minghui.org/emh/articles/2008/4/20/96583.html> ٤٧
<https://minghui.org/mh/articles/2015/10/28/318256.html> ٤٨
<https://en.minghui.org/html/articles/2015/3/11/149289.html> ٤٩
<http://en.minghui.org/html/articles/2013/9/26/142412.html> ٥٠
<http://minghui.org/mh/articles/2016/2/19/324307.html> ٥١
<https://en.minghui.org/html/articles/2009/8/26/110323.html> ٥٢
<https://en.minghui.org/html/articles/2009/10/14/111530.html> ٥٣
<https://en.minghui.org/emh/articles/2008/8/20/99992.html> ٥٤
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/4/28/113485.html> ٥٥

- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/1/29/112015.html> ٥٦
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2016/10/10/7691.html> ٥٧
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2016/7/21/6530.html> ٥٨
- <http://en.minghui.org/html/articles/2019/5/15/177495.html> ٥٩
- <http://minghui.org/mh/articles/2008/10/16/187820.html> ٦٠
- <http://minghui.org/mh/articles/2007/10/19/164829.htm> ٦١
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2007/4/11/84453.html> ٦٢
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/4/16/113398.html> ٦٣
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2016/2/24/5517.html> ٦٤
- <http://minghui.org/mh/articles/2012/4/20/255917.html> ٦٥
- <http://minghui.org/mh/articles/2008/9/26/186587.html> ٦٦
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2008/8/18/99929.html> ٦٧
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2018/2/6/106644.html> ٦٨
- <https://minghui.org/mh/articles/2019/4/10/384948.html> ٦٩
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2007/6/5/86470.html> ٧٠
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2018/12/4/110930.html> ٧١
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2017/1/28/101533.html> ٧٢
- <https://minghui.org/mh/articles/2001/3/25/9322.html> ٧٣
- <en.minghui.org/html/articles/2004/2/25/45469.html> ٧٤
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2001/5/8/9360.html> ٧٥
- <http://www.minghui.org/mh/articles/2001/3/4/50> 人发表声明——声明强化洗脑作废- ٧٦
- <8702.html> ٧٦
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2001/3/9/5796.html> ٧٧
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2001/3/9/5796.html> ٧٨
- <http://www.upholdjustice.org/node/85> ٧٩
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2005/2/22/57795.html> ٨٠
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2004/12/8/55371.html> ٨١
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2005/2/18/57663.html> ٨٢
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2004/5/1/47604.html> ٨٣

- <http://en.minghui.org/html/articles/2013/9/24/142375.html> ٨٤
- <http://en.minghui.org/html/articles/2013/9/24/142375.html> ٨٥
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2005/4/20/59888.html> ٨٦
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2006/1/5/68687.html> ٨٧
- <http://www.minghui.org/mh/articles/2013/11/13/苦难中的童年岁月（一）-282322.html> ٨٨
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2005/1/17/56650.html> ٨٩
- <http://en.minghui.org/html/articles/2010/2/26/114956.html> ٩٠
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2008/7/11/98881.html> ٩١
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2007/2/20/82864.html> ٩٢
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2005/2/15/57578.html> ٩٣
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2006/11/13/79873.html> ٩٤
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2005/2/15/57578.html> ٩٥
- <https://minghui.org/mh/articles/2018/1/12/359542.html> ٩٦
- <https://en.minghui.org/html/articles/2014/10/14/146373.html> ٩٧
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2018/11/1/110665.html> ٩٨
- <https://en.minghui.org/html/articles/2009/10/23/111780.html> ٩٩
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2004/6/7/48974.html> ١٠٠
- <https://en.minghui.org/html/articles/2010/6/29/118230.html> ١٠١
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2008/9/4/100378.html> ١٠٢
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2004/3/22/46293.html> ١٠٣
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2006/11/11/79828.html> ١٠٤
- <http://en.minghui.org/html/articles/2015/10/24/153371.html> ١٠٥
- <https://www.minghui.org/mh/articles/2006/10/12/139955.html> ١٠٦
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/6/6/114529.html> ١٠٧
- <https://en.minghui.org/html/articles/2014/8/23/2640.html> ١٠٨
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2006/8/4/76337.html> ١٠٩
- <https://en.minghui.org/html/articles/2013/12/21/143754.html> ١١٠
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2004/11/14/54530.html> ١١١
- <https://minghui.org/mh/articles/2013/2/3/268659.html> ١١٢

- <https://fa.minghui.org/html/articles/2014/10/26/2481.html> ١١٣
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2014/10/26/2481.html> ١١٤
- <https://en.minghui.org/html/articles/2013/7/21/141160.html> ١١٥
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2017/10/20/105239.html> ١١٦
- <https://en.minghui.org/html/articles/2015/8/15/152075.html> ١١٧
- <https://en.minghui.org/html/articles/2018/8/25/171639.html> ١١٨
- <https://en.minghui.org/html/articles/2013/8/20/141621.html> ١١٩
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2015/9/17/4090.html> ١٢٠
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/5/29/114468.html> ١٢١
- <https://en.minghui.org/html/articles/2019/6/16/178099.html> ١٢٢
- <https://en.minghui.org/html/articles/2013/11/9/143091.html> ١٢٣
- <https://en.minghui.org/html/articles/2014/10/24/146541.html> ١٢٤
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2015/3/18/3483.html> ١٢٥
- <https://en.minghui.org/html/articles/2012/4/13/132684.html> ١٢٦
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2015/3/18/3483.html> ١٢٧
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2015/1/23/2889.html> ١٢٨
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2015/1/21/2883.html> ١٢٩
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/2/17/112980.html> ١٣٠
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2015/11/24/4399.html> ١٣١
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2015/11/24/4399.html> ١٣٢
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2015/3/6/3455.html> ١٣٣
- <https://en.minghui.org/html/articles/2005/1/19/56709.html> ١٣٤
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2018/7/20/109239.html> ١٣٥
- <https://en.minghui.org/html/articles/2010/11/3/121221.html> ١٣٦
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2008/5/20/zip.html> ١٣٧
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/4/14/113387.html> ١٣٨
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2018/6/14/108952.html> ١٣٩
- <https://en.minghui.org/html/articles/2004/7/12/50141.html> ١٤٠
- <https://en.minghui.org/html/articles/2019/4/11/176455.html> ١٤١

- <https://minghui.org/mh/articles/2017/7/16/351165.html> ١٤٢
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/3/20/113209.html> ١٤٣
<https://en.minghui.org/html/articles/2014/8/27/2704.html> ١٤٤
<https://en.minghui.org/html/articles/2003/1/17/31007.html> ١٤٥
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/11/22/110838.html> ١٤٦
<https://en.minghui.org/html/articles/2007/11/17/91408.html> ١٤٧
<https://fa.minghui.org/html/articles/2013/3/15/1103.html> ١٤٨
<https://fa.minghui.org/html/articles/2013/12/27/1801.html> ١٤٩
<https://en.minghui.org/html/articles/2011/8/24/127648.html> ١٥٠
<https://en.minghui.org/html/articles/2015/2/6/148251.html> ١٥١
<https://fa.minghui.org/html/articles/2015/5/3/3595.html> ١٥٢
<https://fa.minghui.org/html/articles/2013/3/15/1103.html> ١٥٣
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/8/29/109587.html> ١٥٤
<https://fa.minghui.org/html/articles/2014/10/1/2424.html> ١٥٥
<https://fa.minghui.org/html/articles/2014/10/1/2424.html> ١٥٦
<https://en.minghui.org/html/articles/2013/8/20/141621.html> ١٥٧
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/7/17/114816.html> ١٥٨
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/6/11/114565.html> ١٥٩
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/4/14/113385.html> ١٦٠
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/10/15/110528.html> ١٦١
<https://fa.minghui.org/html/articles/2014/7/16/2193.html> ١٦٢
<https://en.minghui.org/html/articles/2016/11/20/160016.html> ١٦٣
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/5/22/108755.html> ١٦٤
<https://fa.minghui.org/html/articles/2017/8/2/104301.html> ١٦٥
<https://en.minghui.org/html/articles/2012/5/20/133491.html> ١٦٦
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/1/23/111972.html> ١٦٧
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/9/23/109817.html> ١٦٨
<https://en.minghui.org/html/articles/2010/8/14/119242.html> ١٦٩
<https://en.minghui.org/emh/articles/2007/5/1/85127.html> ١٧٠

- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/7/28/114897.html> ^{١٧١}
- ^{١٧٢} <https://en.minghui.org/html/articles/2016/5/26/157169.html>
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2017/2/24/102226.html> ^{١٧٣}
- <https://en.minghui.org/html/articles/2014/11/14/146856.html> ^{١٧٤}
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2018/1/7/106355.html> ^{١٧٥}
- <https://minghui.org/mh/articles/2018/1/9/359438.html> ^{١٧٦}
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2006/12/24/81128.html> ^{١٧٧}
- <https://minghui.org/mh/articles/2018/4/4/363722.html> ^{١٧٨}
- <https://en.minghui.org/html/articles/2018/11/27/173410.html> ^{١٧٩}
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2009/4/14/106511.html> ^{١٨٠}
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/8/1/114925.html> ^{١٨١}
- <https://minghui.org/mh/articles/2017/4/6/345234.html> ^{١٨٢}
- <https://minghui.org/mh/articles/2015/6/23/311257.html> ^{١٨٣}
- <https://en.minghui.org/html/articles/2015/6/11/151012.html> ^{١٨٤}
- <https://minghui.org/mh/articles/2015/10/3/316996.html> ^{١٨٥}
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2004/12/3/55202.html> ^{١٨٦}
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2007/6/4/86417.html> ^{١٨٧}
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2018/6/10/108911.html> ^{١٨٨}
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2017/11/29/105573.html> ^{١٨٩}
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2018/12/18/111043.html> ^{١٩٠}
- <https://minghui.org/mh/articles/2017/7/1/350360.html> ^{١٩١}
- <https://en.minghui.org/html/articles/2014/5/2/428.html> ^{١٩٢}
- <https://minghui.org/mh/articles/2016/12/26/339387.html> ^{١٩٣}
- <https://minghui.org/mh/articles/2016/7/20/331583.html> ^{١٩٤}
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2006/4/22/119559.html> ^{١٩٥}
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2006/4/22/119559.html> ^{١٩٦}
- <https://search.fa.minghui.org/?q=157028> ^{١٩٧}
- <https://search.fa.minghui.org/?q=157028> ^{١٩٨}
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2014/5/24/2087.html> ^{١٩٩}

- <https://fa.minghui.org/html/articles/2014/5/24/2087.html> ٢٠٠
<https://minghui.org/mh/articles/2004/8/25/82606.html> ٢٠١
<https://minghui.org/mh/articles/2001/9/19/16732.html> ٢٠٢
<https://minghui.org/mh/articles/2000/8/21/2887.html> ٢٠٣
<https://minghui.org/mh/articles/2009/12/17/214589.html> ٢٠٤
<https://fa.minghui.org/html/articles/2016/8/14/6744.html> ٢٠٥
<https://search.fa.minghui.org/?q=157028> ٢٠٦
<https://en.minghui.org/html/articles/2014/12/29/147492.html> ٢٠٧
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/6/12/108928.html> ٢٠٨
<https://search.fa.minghui.org/?q=157028> ٢٠٩
<https://en.minghui.org/emh/articles/2007/6/10/86636.html> ٢١٠
<https://en.minghui.org/html/articles/2008/6/9/98027.html> ٢١١
<https://en.minghui.org/html/articles/2004/6/28/49646.html> ٢١٢
<https://en.minghui.org/html/articles/2006/2/9/70114.html> ٢١٣
<https://en.minghui.org/html/articles/2006/3/15/70824.html> ٢١٤
<https://en.minghui.org/html/articles/2008/6/9/98027.html> ٢١٥
<https://en.minghui.org/html/articles/2012/8/13/134924.html> ٢١٦
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/5/1/108123.html> ٢١٧
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/4/8/113343.html> ٢١٨
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/9/27/115862.html> ٢١٩
<http://minghui.org/mh/articles/2004/7/17/79549.html> ٢٢٠
<https://en.minghui.org/html/articles/2007/3/31/84084.html> ٢٢١
<https://en.minghui.org/html/articles/2007/5/23/86003.html> ٢٢٢
<https://en.minghui.org/html/articles/2011/11/12/129394.html> ٢٢٣
<https://en.minghui.org/html/articles/2011/10/7/128578.html> ٢٢٤
<https://en.minghui.org/html/articles/2011/9/11/128024.html> ٢٢٥
<https://en.minghui.org/html/articles/2013/3/4/138364.html> ٢٢٦
<https://en.minghui.org/html/articles/2002/6/11/23011.html> ٢٢٧
<https://fa.minghui.org/html/articles/2014/12/26/2615.html> ٢٢٨

- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/5/1/113503.html> ٢٢٩
<https://en.minghui.org/html/articles/2006/2/15/69986.html> ٢٣٠
<https://en.minghui.org/html/articles/2002/10/19/27715.html> ٢٣١
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/12/11/110985.html> ٢٣٢
<https://en.minghui.org/html/articles/2003/6/22/37242.html> ٢٣٣
<https://en.minghui.org/html/articles/2014/3/24/146052.html> ٢٣٤
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/3/13/107730.html> ٢٣٥
<https://en.minghui.org/html/articles/2016/5/9/156604.html> ٢٣٦
<https://en.minghui.org/html/articles/2010/1/24/114110.html> ٢٣٧
<https://en.minghui.org/html/articles/2009/6/28/108660.html> ٢٣٨
<https://en.minghui.org/html/articles/2009/3/1/105229.html> ٢٣٩
<https://fa.minghui.org/html/articles/2017/9/11/104636.html> ٢٤٠
<http://minghui.org/mh/articles/2003/11/30/61425.html> ٢٤١
<https://en.minghui.org/html/articles/2015/6/9/150989.html> ٢٤٢
<http://en.minghui.org/html/articles/2015/6/5/150920.html> ٢٤٣
<https://en.minghui.org/html/articles/2011/3/11/123733.html> ٢٤٤
<https://en.minghui.org/html/articles/2011/7/21/126885.html> ٢٤٥
<http://minghui.org/mh/articles/2010/7/20/227226.html> ٢٤٦
<http://en.minghui.org/html/articles/2010/7/10/118486.html> ٢٤٧
<http://en.minghui.org/emh/articles/2007/6/10/86636.html> ٢٤٨
<http://en.minghui.org/html/articles/2008/7/18/99068.html> ٢٤٩
<http://en.minghui.org/emh/articles/2003/12/10/42984.html> ٢٥٠
<http://en.minghui.org/emh/articles/2003/10/15/41280.html> ٢٥١
<https://en.minghui.org/html/articles/2014/5/8/554.html> ٢٥٢
<https://fa.minghui.org/html/articles/2017/10/12/105178.html> ٢٥٣
<https://fa.minghui.org/html/articles/2014/11/7/2509.html> ٢٥٤
<https://en.minghui.org/html/articles/2014/5/8/554.html> ٢٥٥
<https://en.minghui.org/html/articles/2007/8/6/88378.html> ٢٥٦
<https://en.minghui.org/html/articles/2007/7/7/87431.html> ٢٥٧

- <https://en.minghui.org/emh/articles/2007/7/6/87395.html> ٢٥٨
- <https://en.minghui.org/html/articles/2011/9/6/127880.html> ٢٥٩
- <https://en.minghui.org/html/articles/2008/6/13/98135.html> ٢٦٠
- <https://en.minghui.org/html/articles/2007/9/4/89235.html> ٢٦١
- <https://en.minghui.org/html/articles/2007/9/4/89235.html> ٢٦٢
- <http://minghui.org/mh/articles/2005/7/13/106055.html> ٢٦٣
- <https://en.minghui.org/emh/articles/2004/6/30/49673.html> ٢٦٤
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2013/10/22/1608.html> ٢٦٥
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2013/11/5/1630.html> ٢٦٦
- <http://minghui.org/mh/articles/2019/9/9/392266.html> ٢٦٧
- <http://minghui.org/mh/articles/2019/9/9/392266.html> ٢٦٨
- <http://minghui.org/mh/articles/2019/9/8/392265.html> ٢٦٩
- <https://npcobserver.files.wordpress.com/2018/12/PRC-Constitution-2018.pdf> ٢٧٠
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2015/5/22/3786.html> ٢٧١
- https://www.icc-cpi.int/nr/rdonlyres/ea9aef7-5752-4f84-be94-0a655eb30e16/0/rome_statute_english.pdf ٢٧٢
- <http://minghui.org/mh/articles/2016/9/9/334185.html> ٢٧٣
- <http://minghui.org/mh/articles/2013/4/15/272084.html> ٢٧٤
- <http://minghui.org/mh/articles/2017/5/29/348800.html> ٢٧٥
- <http://en.minghui.org/emh/articles/2006/2/13/69911.html> ٢٧٦
- <http://minghui.org/mh/articles/2013/7/30/277328.html> ٢٧٧
- <http://en.minghui.org/html/articles/2012/3/22/132332.html> ٢٧٨
- <http://en.minghui.org/html/articles/2013/7/18/141114.html> ٢٧٩
- <http://minghui.org/mh/articles/2011/8/19/245367.html> ٢٨٠
- <http://minghui.org/mh/articles/2019/3/24/383941.html> ٢٨١
- <https://en.minghui.org/html/articles/2015/5/25/150749.html> ٢٨٢
- <https://en.minghui.org/html/articles/2015/11/14/153658.html> ٢٨٣
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2015/6/24/3868.html> ٢٨٤
- <https://en.minghui.org/html/articles/2015/6/14/151073.html> ٢٨٥

- <https://fa.minghui.org/html/articles/2016/6/15/6280.html> ٢٨٦
<https://fa.minghui.org/html/articles/2016/8/9/6698.html> ٢٨٧
<https://fa.minghui.org/html/articles/2016/9/7/6968.html> ٢٨٨
<https://fa.minghui.org/html/articles/2016/6/11/6262.html> ٢٨٩
<https://fa.minghui.org/html/articles/2016/10/25/7806.html> ٢٩٠
<https://en.minghui.org/html/articles/2016/5/8/156581.html> ٢٩١
<http://minghui.org/mh/articles/2015/11/22/319484.html> ٢٩٢
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/4/25/113462.html> ٢٩٣
<https://en.minghui.org/html/articles/2001/11/6/15473.html> ٢٩٤
<https://www.epochtimes.com/gb/6/5/12/n1316568.htm> ٢٩٥
<https://minghui.org/mh/articles/2004/8/25/82606.html> ٢٩٦
<https://en.minghui.org/html/articles/2000/1/3/10733.html> ٢٩٧
<https://fa.minghui.org/html/articles/2014/4/28/2052.html> ٢٩٨
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/11/7/110713.html> ٢٩٩
<https://fa.minghui.org/html/articles/2017/7/22/104212.html> ٣٠٠
<https://en.minghui.org/html/articles/2000/3/4/8938.html> ٣٠١
<https://en.minghui.org/html/articles/2006/6/17/74550.html> ٣٠٢
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/7/2/114632.html> ٣٠٣
<https://en.minghui.org/html/articles/2008/11/30/102642.html> ٣٠٤
<https://en.minghui.org/html/articles/2019/5/5/176736.html> ٣٠٥
<https://en.minghui.org/html/articles/2007/7/8/87471.html> ٣٠٦
<https://en.minghui.org/html/articles/2011/11/23/129657.html> ٣٠٧
<https://en.minghui.org/html/articles/2014/5/9/605.html> ٣٠٨
<https://fa.minghui.org/html/articles/2019/2/13/112954.html> ٣٠٩
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/1/24/106536.html> ٣١٠
<https://en.minghui.org/html/articles/2014/3/15/145856.html> ٣١١
<https://en.minghui.org/html/articles/2010/3/13/115322.html> ٣١٢
<https://fa.minghui.org/html/articles/2018/6/23/109019.html> ٣١٣
<https://en.minghui.org/html/articles/2015/7/24/151704.html> ٣١٤

- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/6/1/114490.html> ٣١٥
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/6/1/114490.html> ٣١٦
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/6/1/114490.html> ٣١٧
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/2/18/112993.html> ٣١٨
- <https://en.minghui.org/html/articles/2010/9/16/120033.html> ٣١٩
- <https://en.minghui.org/html/articles/2013/12/10/143563.html> ٣٢٠
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/1/11/111870.html> ٣٢١
- <https://en.minghui.org/html/articles/2006/5/8/73016.html> ٣٢٢
- <https://en.minghui.org/html/articles/2013/6/15/140508.html> ٣٢٣
- <https://en.minghui.org/html/articles/2008/9/6/100425.html> ٣٢٤
- <https://en.minghui.org/html/articles/2013/11/22/143339.html> ٣٢٥
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2018/8/27/109569.html> ٣٢٦
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2018/7/25/109284.html> ٣٢٧
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/3/3/113091.html> ٣٢٨
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2018/1/1/106001.html> ٣٢٩
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/6/22/114679.html> ٣٣٠
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/2/19/112994.html> ٣٣١
- <https://en.minghui.org/html/articles/2003/12/9/42979.html> ٣٣٢
- <https://en.minghui.org/html/articles/2003/1/30/31516.html> ٣٣٣
- <https://en.minghui.org/html/articles/2004/8/9/51185.html> ٣٣٤
- <https://en.minghui.org/html/articles/2012/1/6/130542.html> ٣٣٥
- <https://en.minghui.org/html/articles/2003/3/28/33899.html> ٣٣٦
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/6/2/114498.html> ٣٣٧
- <https://minghui.org/mh/articles/2019/8/6/391133.html> ٣٣٨
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/8/2/114926.html> ٣٣٩
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/7/20/114837.html> ٣٤٠
- https://www.theepochtimes.com/pence-meets-with-representatives-of-religious-groups-persecuted-in-china_3032274.html ٣٤١
- <https://en.minghui.org/html/articles/2019/8/8/178815.html> ٣٤٢

- <https://freedomhouse.org/report/china-religious-freedom/falun-gong> ٣٤٣
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2017/2/27/102255.html> ٣٤٤
- <https://en.minghui.org/html/articles/2013/9/23/142366.html> ٣٤٥
- [/http://fa.minghui.org/cc/80](http://fa.minghui.org/cc/80) ٣٤٦
- <https://en.minghui.org/html/articles/2019/5/17/177657.html> ٣٤٧
- <https://www.congress.gov/bill/108th-congress/house-concurrent-resolution/304> ٣٤٨
- <https://www.congress.gov/bill/111th-congress/house-resolution/605> ٣٤٩
- <https://en.minghui.org/html/articles/2010/3/31/115786.html> ٣٥٠
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2019/7/22/114853.html> ٣٥١
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2019/7/25/114871.html> ٣٥٢
- <http://www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?pubRef=-%2F%2FEPF%2F%2FNONGML%2BWDECL%2BP8-DCL-2016-0048%2B0%2BDOC%2BPDF%2BV0%2F%2FEN> ٣٥٣
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2016/7/15/6494.html> ٣٥٤
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2019/5/26/114447.html> ٣٥٥
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2019/5/20/114394.html> ٣٥٦
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2018/4/2/107883.html> ٣٥٧
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2018/4/6/107915.html> ٣٥٨
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2014/3/15/1983.html> ٣٥٩
- <https://www.declarationofistanbul.org/> ٣٦٠
- http://documents.law.yale.edu/sites/default/files/criminal_code_spain.pdf ٣٦١
- <http://www.quotidianosanita.it/allegati/allegato4671710.pdf> ٣٦٢
- <http://en.minghui.org/html/articles/2014/7/23/2191.html> ٣٦٣
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2015/6/24/3869.html> ٣٦٤
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2019/3/25/113244.html> ٣٦٥
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/3/27/113258.html> ٣٦٦
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2019/6/19/114638.html> ٣٦٧
- <http://en.minghui.org/html/articles/2019/5/5/176732.html> ٣٦٨
- <http://fa.minghui.org/html/articles/2019/5/3/113518.html> ٣٦٩

-
- <https://fa.minghui.org/html/articles/2019/6/25/114713.html> ^{٣٧٠}
<https://chinatribunal.com/final-judgement-report/> ^{٣٧١}
<https://fa.minghui.org/cc/86/> ^{٣٧٢}
<http://fa.minghui.org/html/articles/2010/4/22/102820.html> ^{٣٧٣}
<https://en.minghui.org/html/articles/2010/4/24/116311.html> ^{٣٧٤}
<https://fa.minghui.org/cc/88/> ^{٣٧٥}
<http://fa.minghui.org/html/articles/2012/9/24/180.html> ^{٣٧٦}
<https://en.minghui.org/html/articles/2001/2/5/4783.html> ^{٣٧٧}
<http://fa.minghui.org/html/articles/2004/11/21/102812.html> ^{٣٧٨}
<https://fa.minghui.org/cc/87/> ^{٣٧٩}
^{٣٨٠}
<https://en.minghui.org/html/articles/2011/10/1/128695.html> ^{٣٨١}
http://fa.minghui.org/u/filer_public/16/b7/16b7095d-9fa9-4daa-b5e4-f1f085db3609/j97-mar-22.pdf ^{٣٨٢}
<https://en.minghui.org/html/articles/2012/5/15/133372.html> ^{٣٨٣}
<https://en.minghui.org/html/articles/2011/10/1/128695.html> ^{٣٨٤}
<http://fa.minghui.org/html/articles/2002/1/20/102113.html> ^{٣٨٥}